

متن و ترجمه

کتاب نفیس

# فروع کافی

جلد هفتم

تألیف

محدث عالی مقام ثقة الاسلام محمد یعقوب کلینی رازی رحمته الله

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش: محمد حسین رحیمیان

@tasnim\_pdf

کتابخانه تسنیم، بزرگترین کتابخانه علوم  
اسلامی در ایتا







**فهرست موضوعات**  
**کتاب عقیده فرزندان و امور مربوط به آنان**  
**( ۲۱-۱۳۷ )**

<b>بخش ششم</b>	<b>بخش یکم</b>
آفرینش ابتدایی انسان و دگرگونی‌های آن	ارزش فرزند..... ۲۳
در شکم مادر..... ۴۶	
	<b>بخش دوم</b>
<b>بخش هفتم</b>	شباهت فرزند ..... ۲۸
بیشترین فرزندی که زن می‌زاید ..... ۵۴	
	<b>بخش سوم</b>
<b>بخش هشتم</b>	برتری دختران ..... ۲۹
آداب ولادت..... ۵۵	
	<b>بخش چهارم</b>
<b>بخش نهم</b>	دعای طلب فرزند ..... ۳۵
تبریک گفتن..... ۵۵	
	<b>بخش پنجم</b>
<b>بخش دهم</b>	تیت نام گذاری جنین به «محمد» یا «علی»
نام‌ها و کنیه‌ها ..... ۵۷	و پسر شدن فرزند و دعای آن ..... ۴۳

[@tasnim\\_pdf](#)

کتابخانه تسنیم، بزرگترین کتابخانه علوم  
اسلامی در ایتا

**بخش هیجدهم**

تفاوت عقیده با قربانی روز عید قربان .. ۸۳

**بخش نوزدهم**

آداب و دعای عقیده .. ۸۴

**بخش بیستم**

مادر نوزاد نباید از گوشت عقیده میل

کند .. ۸۷

**بخش بیست و یکم**

عقیده کردن پیامبر خدا ﷺ و حضرت

فاطمه زهرا علیها السلام برای امام حسن وامام حسین علیهما السلام .. ۸۹**بخش بیست و دوم**حضرت ابوطالب رضی الله عنه برای پیامبر خدا ﷺ

عقیده کرد .. ۹۳

**بخش بیست و سوم**

ختنه پسران .. ۹۴

**بخش یازدهم**

سالم بودن کودک .. ۶۵

**بخش دوازدهم**

غذاهایی که مستحب است زن باردار و زن

زائو بخورد .. ۶۵

**بخش دوازدهم**

مراسم تولد و کام گشایی نوزاد .. ۶۹

**بخش چهاردهم**

عقیده و وجوب آن .. ۷۱

**بخش پانزدهم**

تساوی عقیده دختر و پسر .. ۷۴

**بخش شانزدهم**

عدم وجوب عقیده بر خانواده ناتوان .. ۷۶

**بخش هفدهم**

برنامه‌های هفتمین روز تولد نوزاد .. ۷۷

<b>بخش سی و دوم</b>	<b>بخش بیست و چهارم</b>
رشد کودک ..... ۱۱۹	ختنه دختران ..... ۹۹
<b>بخش سی و سوم</b>	<b>بخش بیست و پنجم</b>
دوران ادب آموزی کودک ..... ۱۲۰	تراشیدن سر نوزاد پس از روز هفتم . ۱۰۲
<b>بخش سی و چهارم</b>	<b>بخش بیست و ششم</b>
حق فرزندان ..... ۱۲۳	چند روایت نکته‌دار ..... ۱۰۳
<b>بخش سی و پنجم</b>	<b>بخش بیست و ششم</b>
نیکی به فرزندان ..... ۱۲۶	کراهت کاکل گذاشتن به کودکان ... ۱۰۵
<b>بخش سی و ششم</b>	<b>بخش بیست و هشتم</b>
برتری دادن برخی از فرزندان بر برخی دیگر ..... ۱۳۰	حکم شیر دادن به نوزاد ..... ۱۰۶
<b>بخش سی و هفتم</b>	<b>بخش بیست و نهم</b>
شناخ کودک پسر و دلیل نجیب بودن او ..... ۱۳۱	مسئولیت دایه ..... ۱۱۰
<b>بخش سی و هشتم</b>	<b>بخش سی ام</b>
چند روایت نکته‌دار ..... ۱۳۳	دایه‌ای که شیرش کراهت دارد ..... ۱۱۱
	<b>بخش سی و یکم</b>
	حق سرپرستی کودک با کیست؟ ... ۱۱۶

## کتاب طلاق و جدایی (۱۳۹ - ۴۴۲)

### بخش یکم

کراهت طلاق دادن همسر سازگار .. ۱۴۱

### بخش دوم

طلاق دادن همسر ناسازگار .. ۱۴۴

### بخش سوم

مردم جز با شمشیر مقررات طلاق را رعایت نخواهند کرد .. ۱۴۸

### بخش چهارم

طلاق که به غیر روش کتاب و سنت اجرا شود .. ۱۵۱

### بخش پنجم

طلاق فقط با تصمیم جدایی محقق می شود .. ۱۶۲

### بخش ششم

حکم طلاق قبل از ازدواج .. ۱۶۴

### بخش هفتم

حکم طلاق کتبی .. ۱۶۸

### بخش هشتم

تفسیر طلاق به روش سنت و عده و آن چه موجب طلاق می شود .. ۱۶۹

### بخش نهم

صیغه ای که طلاق دهنده اجرا می کند .. ۱۸۱

### بخش دهم

سه طلاق در حکم یک طلاق .. ۱۸۴

### بخش یازدهم

حکم کسی که طلاق دهد و بین شاهدان جدایی افکند .. ۱۸۶

### بخش دوازدهم

حکم کسی که به طلاق دو همسرش با یک لفظ شاهد می گیرد .. ۱۸۸



<b>بخش بیستم</b>	<b>بخش سیزدهم</b>
زنانی که در هر حالتی طلاق داده می‌شوند ۲۰۶ .....	گواه گرفتن برای رجوع کردن ..... ۱۸۸
<b>بخش بیستم و یکم</b>	<b>بخش چهاردهم</b>
طلاق غایب ..... ۲۰۷	رجوع فقط عملی است ..... ۱۹۱
<b>بخش بیست و دوم</b>	<b>بخش پانزدهم</b>
طلاق زن باردار ..... ۲۱۲	[ چند روایت نکته دار ] ..... ۱۹۳
<b>بخش بیست و سوم</b>	<b>بخش شانزدهم</b>
طلاق زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده است ..... ۲۱۸	[ روایتی نکته دار ] ..... ۱۹۶
<b>بخش بیست و چهارم</b>	<b>بخش هفدهم</b>
طلاق زنی که به سن بلوغ نرسیده و زنی که از خون دیدن مأیوس شده است ..... ۲۲۱	زنی که برای شوهرش حلال نخواهد شد مگر با شوهر جدید همبسترشود ... ۱۹۷
<b>بخش بیست و پنجم</b>	<b>بخش هیجدهم</b>
حکم زنی که عادت ماهیانه را مخفی می‌نماید ..... ۲۲۵	آن چه باعث و عدم وقوع طلاق می‌شود و آن چه که نمی‌شود ..... ۲۰۰
	<b>بخش نوزدهم</b>
	حکم طلاق غایبی که باز آمده است ..... ۲۰۴

**بخش بیست و ششم**

حکم ازدواج زن مطلقه ..... ۲۲۷

**بخش سی و دوم**

طلاق زنی که زمان حیض را مخفی می‌کند

..... ۲۵۶

**بخش بیست و هفتم**

معنای پاکی ..... ۲۳۳

**بخش سی و دوم**

زنی که هر دو ماه یک بار و هر سه ماه یک

بار حائض می‌شود ..... ۲۵۷

**بخش بیست و هشتم**

عده زن طلاق داده شده و این که در کجا

باید عده نگه دارد؟ ..... ۲۳۴

**بخش سی و سوم**

عده زن مستترابه ..... ۲۵۸

**بخش بیست و نهم**

کسی که به غیر طریق سنت طلاق داده و

زن طلاق داده شده‌ای که در دوران عده از

خانه خارج شود یا شوهرش او را از خانه

بیرون کند ..... ۲۴۱

**بخش سی و پنجم**

سخن زنان در مورد عده و حیض تصدیق

می‌شود ..... ۲۶۴

**بخش سی و ششم**

زنی که در بارداری او شک و تردید وجود

دارد ..... ۲۶۴

**بخش سی ام**

تأویل گفتار خداوند متعال که می‌فرماید:

«آن‌ها را از خانه هایشان بیرون نکنید

و آن‌ها (نیز در دوران عده) بیرون

نروند» ..... ۲۵۴

**بخش سی و هفتم**

هزینه زن حامله‌ای که طلاق داده شده

است ..... ۲۶۹

**بخش سی و هشتم**

زنی که سه بار طلاق داده شده نه حق

مسکن دارد و نه حق هزینه ..... ۲۷۲

**بخش سی و یکم**

طلاق زن مستترابه ..... ۲۵۵

**بخش سی و نهم**

هدیه کالایی برای زن طلاق داده شده ..... ۲۷۴

**بخش چهل و پنجم**

عده زن باردار در سوگ شوهر هزینۀ او ..... ۲۹۷

**بخش چهلم**

حکم مهریه زنی که بدون آمیزش طلاق داده شده ..... ۲۷۷

**بخش چهل و هشتم**

چگونگی عده زن شوهر مرده در سوگ شوهر ..... ۳۰۲

**بخش چهل و یکم**

آن چه موجب پرداخت مهریه کامل می شود ..... ۲۸۵

**بخش چهل و هفتم**

حکم مهریه و عده زنی که قبل از عروسی شوهرش فوت کرده است ..... ۳۰۹

**بخش چهل و دوم**

حکم عده زن دور از شوهر ..... ۲۸۹

**بخش چهل و هشتم**

حکم مردی که زنش را طلاق می دهد و پیش از سپری شدن عده طلاق می میرد ..... ۳۱۴

**بخش چهل و سوم**

عده زنی که شوهرش در سفر بمیرد ..... ۲۹۳

**بخش چهل و نهم**

ازدواج و طلاق در حال بیماری ..... ۳۱۷

**بخش چهل و چهارم**

علت فرق بین عده طلاق و عده وفات ..... ۲۹۶

**بخش پنجاهم**

درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «و به آنان زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید» ..... ۳۲۲

**بخش پنجاه و هشتم**

ایلاء فقط بعد از آمیزش واقع  
می‌شود. .... ۳۴۸

**بخش پنجاه و نهم**

حکم کسی که به همسرش گوید: بسترت  
بر من حرام است. .... ۳۵۰

**بخش شصتم**

حکم طلاق به صیغه «همسر من نیستی»،  
«تو شوهر نداری» و «پیوند ما  
گسست» ..... ۳۵۲

**بخش شصت و یکم**

حق اختیار در طلاق ..... ۳۵۴

**بخش شصت و دوم**

اصل «حق انتخاب» چگونه بود؟ ... ۳۵۶

**بخش شصت و سوم**

طلاق خلع ..... ۳۶۰

**بخش پنجاه و یکم**

حکم طلاق کودکان ..... ۳۲۳

**بخش پنجاه و دوم**

حکم طلاق کم عقل، دیوانه و سرپرست  
او ..... ۳۲۵

**بخش پنجاه و سوم**

حکم طلاق در حال مستی و  
مدهوشی ..... ۳۲۹

**بخش پنجاه و چهارم**

طلاق در حال اضطرار و اکراه ..... ۳۳۰

**بخش پنجاه و پنجم**

طلاق دادن مرد لال ..... ۳۳۵

**بخش پنجاه و ششم**

وکالت در طلاق ..... ۳۳۷

**بخش پنجاه و هفتم**

ایلاء و سوگند به آمیزش نکردن با  
همسر ..... ۳۴۰

**بخش شصت و چهارم**

طلاق مبارات ..... ۳۶۶

**بخش شصت و پنجم**حکم عدّه، نفقه و مسکن زنی که خلع و یا  
مبارات کرده است ..... ۳۷۱**بخش شصت و ششم**

ناسازگاری مردان ..... ۳۷۴

**بخش شصت و هفتم**داوری‌های خانوادگی وجدایی  
همسران ..... ۳۷۶**بخش شصت و هشتم**

شوهری که گم شده است ..... ۳۷۹

**بخش شصت و نهم**حکم زنی که پس از خیر مرگ شوهرش یا  
طلاق دادن او عدّه نگه می‌دارد و ازدواج  
می‌کند ..... ۳۸۲**بخش هفتادم**حکم زنی که خیر مرگ شوهرش یا طلاق  
دادنش می‌رسد و ازدواج می‌کند... ۳۸۶**بخش هفتاد و یکم**عدّه زنی که از مردی اخته طلاق گرفته  
است ..... ۳۸۷**بخش هفتاد و دوم**مردی که پس از ازدواج دیوانه  
می‌شود ..... ۳۸۸**بخش هفتاد و سوم**

حکمظهار ..... ۳۸۹

**بخش هفتاد و چهارم**

حکم لعان ..... ۴۱۰

**بخش هفتاد و پنجم**طلاق زن و شوهری که یکی از آنها آزاد  
است و دیگری برده و کنیز ..... ۴۲۲

## بخش هفتاد و ششم

حکم طلاق بردگان ..... ۴۲۴

کتاب احکام بردگان  
(۴۴۳-۵۰۴)

## بخش یکم

خویشاوندانی که قابل مالکیت  
نیستند ..... ۴۴۵

## بخش هفتاد و پنجم

طلاق و عدّه کنیز ..... ۴۲۸

## بخش هفتاد و ششم

عدّه کنیزی که شوهر وفات کرده  
است ..... ۴۳۰

## بخش دوم

آزاد کردن برده فقط با قصد تقرب به  
خداوند ..... ۴۴۸

## بخش هفتاد و نهم

حکم عدّه کنیزان فرزندان در سوگ  
مولای خود ..... ۴۳۱

## بخش سوم

آزادی برده فقط بعد از مالک شدن .. ۴۴۹

## بخش هشتادم

حکم خرید کنیز، پس از طلاق او ... ۴۳۶

## بخش چهارم

آزادی مشروط ..... ۴۵۰

## بخش هشتاد و یکم

حکم ارتداد شوهر ..... ۴۳۸

## بخش پنجم

فضیلت و پاداش برده آزاد کردن .... ۴۵۲

## بخش هشتاد و دوم

حکم طلاق اهل ذمه و چگونگی عدّه  
آنها ..... ۴۳۹

## بخش ششم

حکم آزادی کودکان، پیران، معلولان .. ۴۵۴

**بخش هفتم**

نظیم سند آزادی برده ..... ۴۵۵

**بخش چهاردهم**

اعطای آزادی برده در حال مستی، توسط

دیوانه و به صورت اجبار ..... ۴۸۱

**بخش هشتم**

حکم آزادی برده‌های زنازاده، ذمی،

مشرك و مستضعف ..... ۴۵۷

**بخش پانزدهم**

کنیزان صاحب فرزند ..... ۴۸۲

**بخش نهم**

حکم آزادی و فروش برده شرکتی... ۴۵۸

**بخش شانزدهم**

چند روایت نکته دار ..... ۴۸۶

**بخش دهم**

حکم آزادی برده بعد از مرگ مولا .. ۴۶۱

**بخش هفدهم**

احکام ولاء و وابستگی ..... ۴۹۵

**بخش یازدهم**

کتابت باز خرید آزادی ..... ۴۶۶

**بخش هیجدهم**

[ چند روایت نکته دار ] ..... ۴۹۷

**بخش دوازدهم**

برده‌ای نابینا شد، یا جذام گرفت، و یا

شکنجه داده شده، آزاد خواهد شد . ۴۷۶

**بخش نوزدهم**

حکم فرار بردگان ..... ۵۰۰

**بخش سیزدهم**

آزادی برده با اندوخته مالی ..... ۴۷۷

**بخش هفتم**

شکار به وسیله تله و دام ..... ۵۳۲

**بخش هشتم**

حکم شکاری که پس از تیراندازی به آب  
می افتد یا از کوه سقوط می کند..... ۵۳۴

**بخش نهم**

حکم مردی که تیر را برای صید رها  
می کند، ولی تیر به خطا می رود..... ۵۳۵

**بخش دهم**

حکم صیدی که شب هنگام شکار  
شود..... ۵۳۶

**بخش یازدهم**

صید ماهی ..... ۵۳۸

**بخش دوازدهم**

ماهی حلال..... ۵۴۵

**بخش سیزدهم**

ملخ ..... ۵۵۱

**کتاب شکار**

( ۵۰۵-۵۶۱ )

**بخش یکم**

حکم شکار سگ و پلنگ ..... ۵۰۷

**بخش دوم**

حکم شکار باز و شاهین و پرنندگان  
شکاری دیگر ..... ۵۱۷

**بخش سوم**

حکم شکار سگ آموزش دیده مجوسی  
واهل ذمه..... ۵۲۱

**بخش چهارم**

گوشت شکار به وسیله سلاح ..... ۵۲۲

**بخش پنجم**

حکم شکار با تیر چوبی..... ۵۲۷

**بخش ششم**

حکم شکار با سنگ و گلوله گلی ... ۵۳۰



**بخش سوم**

چگونگی سر بریدن و گلو دریدن  
دام ..... ۵۶۸

**بخش چهارم**

حکم ذبح بدون اختیار ..... ۵۷۱

**بخش پنجم**

رم کردن شتر و گاو در هنگام ذبح ... ۵۷۳

**بخش ششم**

حیوانی که غیر از محل ذبحش ذبح  
می‌شود ..... ۵۷۵

**بخش هفتم**

فرصت برای حلال ساختن حیوان .. ۵۷۶

**بخش هشتم**

حکم ذبح به غیر قبله یا ترک «بسم الله» و  
حکم ذبح فرد جنب ..... ۵۷۸

**بخش نهم**

حکم جنینی که از شکم حیوان ذبح شده،  
بیرون می‌آید ..... ۵۸۱

**بخش چهاردهم**

حکم شکار پرندگان اهلی ..... ۵۵۲

**بخش پانزدهم**

حکم شکار پرستو ..... ۵۵۵

**بخش شانزدهم**

هدهد و وِرکاک ..... ۵۵۷

**بخش هفدهم**

چکاوک ..... ۵۵۸

**کتاب ذبح و تذکيه حیوانات**

( ۵۰۵-۵۶۱ )

**بخش یکم**

چگونگی تذکيه حیوان و حلال ساختن  
ذبح آن ..... ۵۶۵

**بخش دوم**

تذکيه و حلال ساختن در حال  
اضطرار ..... ۵۶۶

**بخش دهم**

حکم ذبح حیوانی که حیوان دیگری به آن شاخ زده، حیوانی که در چاه افتاده و حیوانی که درنده‌ای آن را خورده ... ۵۸۴

**بخش یازدهم**

حکم دیگی که در آن خون ریخته شود ... ۵۸۵

**بخش دوازدهم**

اوقاتی که ذبح کردن مکروه است ... ۵۸۵

**بخش سیزدهم**

[ حکم خرید گوشت از بازار قصاب‌ها ] ... ۵۸۷

**بخش چهارم**

حکم ذبح شده کودک، زن و نابینا ... ۵۸۸

**بخش پانزدهم**

حکم قصابی اهل کتاب (یهودی، مسیحی و...) ... ۵۹۲

**کتاب احکام خوراکی‌ها**  
( ۶۰۱ - ۶۸۵ )

**بخش یکم**

علت‌های تحریم ... ۶۰۳

**بخش دوم**

حیوانات حرام گوشت ... ۶۰۵

**بخش سوم**

پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت ... ۶۱۵

**بخش چهارم**

شناسایی تخم پرندگان ... ۶۱۹

**بخش پنجم**

حکم بره و بزغاله‌ای که شیر خوک خورده ... ۶۲۱

**بخش ششم**

حکم گوشت و تخم حیوانات نجاست خوار و حکم گوسفند شراب‌خوار ... ۶۲۳

**بخش هفتم**

اعضایی از حیوانی که نمی توان خورد ..... ۶۲۷

**بخش سیزدهم**

شناسایی گوشت مردار ..... ۶۴۴

**بخش هشتم**

حکم بریده دنبه گوسفند و دو نیم شدن شکار ..... ۶۳۱

**بخش چهاردهم**

حکم موش مرده در ظرف غذا و آب ..... ۶۴۴

**بخش پانزدهم**

مخلوط شدن حلال با حرام ..... ۶۴۶

**بخش نهم**

اعضای مورد استفاده مردار ..... ۶۳۳

**بخش سیزدهم**

حکم غذای اهل ذمه، خوردنی‌ها و ظروف آن‌ها ..... ۶۴۷

**بخش دهم**

حرام بودن گوشت چهارپایی که توسط انسان وطی شده ..... ۶۴۲

**بخش هفدهم**

بیان باغی و عادی ..... ۶۵۱

**بخش یازدهم**

گوشت آلت نره در حال شهوت ..... ۶۴۲

**بخش هیجدهم**

حکم خوردن خاک ..... ۶۵۱

**بخش دوازدهم**

مخلوط شدن حیوان مردار با حیوان تذکیه شده ..... ۶۴۳

**بخش نوزدهم**

حکم خوردن و نوشیدن در ظرف طلا و نقره ..... ۶۵۵

**بخش بیست و هفتم**

احترام غذا ..... ۶۷۲

**بخش بیست و هشتم**

پذیرش دعوت مسلمانان ..... ۶۷۲

**بخش بیست و نهم**

تعارف کردن غذا ..... ۶۷۴

**بخش سی ام**

اُنس انسان در خانه برادرش ..... ۶۷۶

**بخش سی و یکم**

حکم خوردن غذا در خانه برادر ایمانی

بدون اجازه او ..... ۶۷۹

**بخش سی و دوم**

[ چند روایت نکته دار ] ..... ۶۸۱

**بخش سی و سوم**

تدبیر در خوراکی ..... ۶۸۵

**بخش بیستم**

کراهت غذا خوردن بر روی سفره‌ای که در

آن شراب است ..... ۶۵۷

**بخش بیست و یکم**

کراهت زیاد خوردن و شکمبارگی .. ۶۵۸

**بخش بیست و دوم**

حکم کسی که برای صرف غذایی می‌رود

که دعوت نشده است ..... ۶۶۲

**بخش بیست و سوم**

خوردن غذا در حال نشسته ..... ۶۶۳

**بخش بیست و چهارم**

خوردن غذا با دست چپ ..... ۶۶۹

**بخش بیست و پنجم**

حکم خوردن در حال راه رفتن ..... ۶۷۰

**بخش بیست و ششم**

غذا خوردن دسته جمعی ..... ۶۷۱

# کتابُ العقیقة

---

کتاب

عقیقه فرزندان و امور مربوط به آنان

---

(۱)

## بَابُ فَضْلِ الْوَلَدِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
- الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ، قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ، وَإِنَّ رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، سَمَّيْتُهُمَا بِاسْمِ سِبْطَيْنِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: شَبْرًا وَ شَبِيرًا.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

## بخش یکم

## ارزش فرزندان

- ۱- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: فرزندان صالح گلی از جانب خداوند است که آن را بین بندگانش تقسیم نموده است و همانا دو گل من از دنیا؛ حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هستند. من آن دو را به نام دو «سبب» بنی اسرائیل: شبر و شبیر نامگذاری نمودم.
- ۲- راوی گوید: امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از سعادت و نیک بختی مرد است که فرزندان او داشته باشد تا از آنان یاری بجوید.
- ۳- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ عَدَاً.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

لَمَّا لَقِيَ يُوسُفُ أَخَاهُ قَالَ لَهُ: يَا أَخِي! كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي؟ قَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلْ.

۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

إِنَّ فُلَانًا رَجُلًا سَمَاءَهُ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ زَاهِدًا فِي الْوَلَدِ حَتَّى وَقَفْتُ بِعَرَفَةَ، فَإِذَا إِلَيَّ جَانِبِي غُلَامٌ شَابٌّ يَدْعُو وَ يَبْكِي وَ يَقُولُ: يَا رَبُّ! وَالِدَيَّ وَالِدَيَّ. فَرَعَّبَنِي فِي الْوَلَدِ حِينَ سَمِعْتُ ذَلِكَ.

فرزندان بسیاری داشته باشید که فردای رستاخیز به فرزونی اُمّت مباحات می‌کنم

۴ - عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که یوسف علیه السلام برادرش را دید به او فرمود: ای برادر! چگونه پس از (گمشدن)

من، توانستی با زنان ازدواج کنی!؟

عرض کرد: پدرم (یعقوب علیه السلام) به من دستور داد و فرمود: اگر می‌توانی ذریه‌ای داشته

باشی که باگفتن تسبیح خداوند، زمین را سنگین کنند؛ این کار را انجام ده.

۵ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فلانی (نام او را فرمود) گفت: پیش تر

نسبت به داشتن فرزند بی‌علاقه بودم تا روزی که در عرفه جوانی را در کنار خود مشاهده

کردم، دیدم می‌نالند و می‌گویند: پروردگارا! پدر و مادرم، پدر و مادرم.

دعای آن جوان مرا به داشتن فرزند ترغیب کرد.



- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ مُرْسَلًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ.
- ۷- وَ عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ: إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَّتُهُمْ، لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَيَّ اطْلُبِ الْوَلَدَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مَوْسُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ شَافِعٌ وَ مُشَفَّعٌ، فَإِذَا بَلَغُوا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً كَانَتْ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ، فَإِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ كُتِبَتْ عَلَيْهِمُ السَّيِّئَاتُ.

۶- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

از سعادت و نیکبختی انسان، داشتن فرزند صالح است.

۷- بکر بن صالح گوید:

در نامه‌ای به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتم: من از پنج سال پیش از خواستن فرزند خودداری می‌نمایم؛ چرا که همسر من از این کار ناراضی است و می‌گوید: «به خاطر عدم توانایی مالی، تربیت و بزرگ کردن فرزندان برایم دشوار است»؛ نظر شما چیست؟ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ نوشت: فرزند بخواه که خداوند روزی آنان را می‌دهد.

۸- طلحه بن زید گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

همانا فرزندان مسلمانان در پیشگاه خداوند به «شافع» (برای کسانی که آنان را تربیت می‌کنند و دوست دارند شفاعت می‌کنند) و «مشفع» (شفاعت آنان را پذیرفته می‌شود) نامگذاری شده‌اند. پس هنگامی که به دوازده سالگی برسند، کارهای نیکشان برای آنان خواهد بود و هنگامی که به سن بلوغ برسند، گناهانشان نیز برایشان نوشته خواهد شد.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
 أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقْرَأُ ﴿ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي ﴾ ؛ يَعْنِي أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ  
 وَارِثٌ حَتَّى وَهَبَ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ الْكِبَرِ .

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ .

۱۱ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ .

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ

الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

۹ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام همیشه این آیه را می خواند: «و من از بستگانم پس از خودم  
 بیمناکم» منظور حضرتش این بود که زکریا علیه السلام وارثی نداشت. از این رو خداوند در دوران  
 پیری به او وارث عطا نمود.

۱۰ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

به راستی که فرزند صالح، گلی از گل های بهشتی است.

۱۱ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

از نیک بختی و سعادت انسان داشتن فرزند صالح است.

۱۲ - فضل بن ابی قره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

مَرَّ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ، فَإِذَا هُوَ لَا يُعَذَّبُ  
فَقَالَ: يَا رَبِّ! مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ يُعَذَّبُ وَ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ، فَإِذَا هُوَ  
لَيْسَ يُعَذَّبُ.

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ، فَأَصْلَحَ طَرِيقًا وَ أَوْى يَتِيمًا، فَلِهَذَا  
غَفَرْتُ لَهُ بِمَا فَعَلَ ابْنُهُ.

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِيرَاثُ اللَّهِ ﷻ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ يَعْبُدُهُ مِنْ بَعْدِهِ.  
ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ آيَةَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿رَبِّ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ  
يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾.

عیسی بن مریم علیه السلام از کنار قبری می‌گذشت که صاحب آن قبر عذاب می‌شد. آن  
حضرت در سال آینده نیز از آن جا گذشت اما صاحب قبر عذاب نمی‌شد.  
عرضه داشت: پروردگارا! من پارسال از کنار این قبر گذشتم در حالی که صاحب آن،  
عذاب می‌شد؛ ولی امسال از کنار این قبر گذشتم اما صاحب آن عذاب نمی‌شود (چرا؟!)  
خداوند به او وحی نمود: فرزند صالح او به سن بلوغ رسید و جاده‌ای را تعمیر کرد  
و یتیمی را پناه داد؛ از این رو به خاطر عملی که فرزندش انجام داد، این میّت آمرزیده شد.  
سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میراث خداوند از بنده مؤمن خود، فرزندى است که پس  
از پدرش خداوند را عبادت می‌کند.

آن گاه امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: «پروردگارا! از جانب خود وارثی به من  
عطا کن؛ که از من و آل یعقوب ارث ببرد؛ و پروردگارا! او را پسندیده قرار ده!»

(۲)

**بَابُ شَبِّهِ الْوَلَدِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.  
 مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُشَبِّهَهُ وَلَدُهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يُعْرِفُ فِيهِ شَبِّهَهُ خَلْقُهُ وَ خُلُقُهُ وَ شَمَائِلُهُ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:  
 سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ.

**بخش دوم****شبهات فرزند**

- ۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:  
 از نعمت‌های خداوند بر مرد این است که فرزندش شبیه او باشد.
- ۲ - سدید گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 از سعادت و نیک‌بختی انسان است که اخلاق، چهره و اندام او در فرزندش دیده شود.
- ۳ - راوی گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:  
 کسی سعادت‌مند است که پیش از مرگ جانشین خود را مشاهده کند.

(۳)

## بَابُ فَضْلِ الْبَنَاتِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ ثِقَةَ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ: تَزَوَّجْتُ بِالْمَدِينَةِ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَيْفَ رَأَيْتَ؟ قُلْتُ: مَا رَأَى رَجُلٌ مِنْ خَيْرٍ فِي امْرَأَةٍ إِلَّا وَ قَدْ رَأَيْتُهُ فِيهَا، وَ لَكِنْ خَانْتَنِي. فَقَالَ: وَ مَا هُوَ؟ قُلْتُ: وَ لَدَّتْ جَارِيَةً. قَالَ: لَعَلَّكَ كَرِهْتَهَا، إِنَّ اللَّهَ تعالى يَقُولُ: ﴿أَبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا﴾.

## بخش سوم

## برتری دختران

۱ - راوی گوید: در مدینه ازدواج کردم.  
 امام صادق عليه السلام به من فرمود: همسرت را چگونه دیدی؟  
 عرض کردم: هر نیکی و خوبی که انسان در همسرش می یابد من آن را درهمسرم دیدم؛  
 اما همسرم به من خیانت نموده است.  
 فرمود: خیانتش چیست؟  
 عرض کردم: او دختر به دنیا آورده است.  
 فرمود: گویا از دختر ناراضی هستی؟! خداوند می فرماید: «شما نمی دانید که پدرانتان و پسرانتان؛ کدامشان برای شما سودمندترند».

- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبَا بَنَاتٍ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ [أَبِي] إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ ابْنَةً تَبْكِيهِ وَتَنْدُبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ جَارُودٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي بَنَاتٍ. فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَتَمَنَّى مَوْتَهُنَّ؟! أَمَا إِنَّكَ إِذَا تَمَنَيْتَ مَوْتَهُنَّ فَمِتَنَ لَمْ تُؤْجَرْ وَ لَقِيتَ اللَّهَ وَجَّكَ يَوْمَ تَلْقَاهُ وَ أَنْتَ عَاصٍ.

۲ - حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « پدر دختران » <sup>(۱)</sup> بود.

۳ - محمد واسطی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پدرم ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از پروردگارش خواست که دختری به او روزی کند تا پس از مرگش برایش گریه و ندبه کند.

۴ - جارود گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من دخترانی دارم.

فرمود: گویا آرزوی مرگ آنها را داری؟! آگاه باش! اگر تو آرزوی مرگ آنها را بنمایی و آنها بمیرند، پاداشی نخواهی داشت و خداوند را در «روز ملاقات با او» در حالی گنه کاری ملاقات خواهی کرد.

۱ - به نظر می‌رسد منظور این است که همه فرزندان پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دختر بودند و تنها پسری که داشت در ماه‌های آغازین زندگیش از دنیا رفت.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُوْنِسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي  
الْعَبَّاسِ الزِّيَّاتِ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمْرَانَ يَرْفَعُهُ قَالَ: أَتَيْتِ رَجُلًا وَهُوَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
فَأُخْبِرَ بِمَوْلُودٍ أَصَابَهُ، فَتَعَيَّرَ وَجْهَ الرَّجُلِ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَكَ؟

فَقَالَ: خَيْرٌ.

فَقَالَ: قُلْ.

قَالَ: خَرَجْتُ وَالْمَرْأَةُ تَمَخَضُ! فَأُخْبِرْتُ أَنَّهَا وَلَدَتْ. جَارِيَةٌ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْأَرْضُ تُقْلَهُمَا، وَالسَّمَاءُ تُظِلُّهُمَا وَاللَّهُ يَرْزُقُهُمَا، وَهِيَ رَيْحَانَةٌ  
تَسْمُهُمَا.

۵ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

دختران چه فرزندان خوبی هستند! انسان‌های لطیفی که آماده انجام امور پدر و مادر  
خود بوده و انس‌گیرنده، با برکت و نوازش دهنده هستند.

۶ - حمزه بن حمران در روایت مرفوعه‌ای گوید: مردی نزد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که برای  
او خبر آوردند که صاحب فرزندی شده و از این خبر رنگ صورت او دگرگون شد.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: برای تو چه شد؟

عرض کرد: خیر است.

فرمود: بگو.

عرض کرد: هنگامی که از خانه بیرون آمدم همسرم درد زایمان داشت. اکنون باخبر

شدم که همسرم دخترزاییده است.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: زمین او را حمل می‌کند، آسمان بر او سایه می‌افکند و

خداوند روزی او را می‌دهد و این دختر گلی است که تو آن را می‌بویی.

ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَهِيَ مَقْدُوحٌ، وَمَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَتَانِ فَيَا عَوْنَاهُ بِاللَّهِ، وَمَنْ كَانَتْ لَهُ ثَلَاثٌ وَضِعَ عَنْهُ الْجِهَادُ وَكُلُّ مَكْرُوهٍ، وَمَنْ كَانَ لَهُ أَرْبَعٌ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ! أَعِينُوهُ، يَا عِبَادَ اللَّهِ! أَفْرِضُوهُ، يَا عِبَادَ اللَّهِ! ازْحَمُوهُ.

۷- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ سُلَيْمَانَ بْنِ مُقْبِلِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَّحَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۸- وَ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبَنُونَ نِعْمَةٌ، فَإِنَّمَا يَثَابُ عَلَى الْحَسَنَاتِ، وَيُسْأَلُ عَنِ النُّعْمَةِ.

سپس حضرتش به اصحاب رو کرد و فرمود: هر کس دخترى داشته باشد، بار سنگینی دارد. هر کس دو دختر داشته باشد، پس شمارا به خدا او را یاری کنید. هر کس سه دختر داشته باشد، جهاد و همه کارهای سخت از او برداشته می شود. و هر کس چهار دختر داشته باشد، ای بندگان خدا! او را یاری کنید؛ ای بندگان خدا! به او قرض دهید؛ ای بندگان خدا! به او رحم کنید.

۷- سلیمان بن جعفر جعفری گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند متعال به دختران مهربان تر است تا پسران. و هر مردی که زن محرمی را خوشحال کند خداوند در روز قیامت آن مرد را خوشحال خواهد نمود.

۸- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

دختران، نیکی ها و پسران، نعمت هستند. همانا برای نیکی ها پاداش داده می شود و از نعمت پرسیده می شود.



- ۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْجَارُودِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَّغْنِي أَنَّهُ وُلِدَ لَكَ ابْنَةٌ فَتَسْخِطُهَا، وَ مَا عَلَيْكَ مِنْهَا؟ رِيحَانَةٌ تَشْمُهَا، وَ قَدْ كُفِّيتَ رِزْقَهَا، وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَبَا بَنَاتٍ.
- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ اثْنَتَيْنِ؟ فَقَالَ: وَ اثْنَتَيْنِ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ وَاحِدَةً؟ فَقَالَ: وَ وَاحِدَةً.

۹- جارود بن منذر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

به من خبر رسیده که برای تو دختری به دنیا آمده و تو بر او خشم می‌گیری؛ چه بدی از او به تو رسیده است؟! او گلی است که آن را می‌بویی و روزی او برای تو تأمین شده است. به راستی که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «پدرِ دختران» بود.

۱۰- عمر بن یزید گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس سرپرستی سه دختر، یا سه خواهر خود را داشته باشد بهشت برایش واجب می‌گردد.

گفته شد: ای پیامبر خدا! دو دختر یا دو خواهر چطور؟

فرمود: و دو دختر یا دو خواهر.

گفته شد: ای پیامبر خدا! یک دختر یا یک خواهر چطور؟

فرمود: و یک دختر یا یک خواهر.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدِ اللَّخْمِيِّ قَالَ: وَوُلِدَ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا جَارِيَةٌ، فَدَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَأَاهُ مُتَسَخِّطًا. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيْكَ أَنْ اخْتَارَ لَكَ أَوْ تَخْتَارَ لِنَفْسِكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ؟

قَالَ: كُنْتُ أَقُولُ: يَا رَبِّ! تَخْتَارُ لِي.

قَالَ: فَإِنَّ اللَّهَ قَدِ اخْتَارَ لَكَ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْعَلَامَ الَّذِي قَتَلَهُ الْعَالِمُ الَّذِي كَانَ مَعَ مُوسَى عليه السلام، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تعالى: ﴿فَارْزُقْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا﴾ أَبَدَلَهُمَا اللَّهُ بِهِ جَارِيَةً وَوَلَدَتْ سَبْعِينَ نَبِيًّا.

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْبُنُونَ نَعِيمٌ، وَالْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ، وَاللَّهُ يَسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ، وَيُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ.

۱۱ - حسن بن سعید لخمی گوید:

برای یکی از یاران ما دختری متولد شد. او نزد امام صادق عليه السلام شرف یاب شد. وقتی آن حضرت آثار خشم را در چهره او مشاهده نمود به او فرمود: به نظر تو اگر خداوند به تو وحی می نمود که «من (پسر یا دختر را) برای تو انتخاب کنم یا خودت برای خود برمی گزینی؟» چه می گفتی؟

عرض کرد: می گفتم: «پروردگارا! خودت برایم انتخاب کن.»

فرمود: بنابراین خداوند برای تو (دختر را) انتخاب نمود.

سپس فرمود: به راستی آن پسری را که عالم همراه حضرت موسی عليه السلام (حضرت خضر عليه السلام) کشت و همان فرموده خداوند است که «از این رو خواستیم که پروردگارشان به جای او فرزندی پاک تر و مهربان تر به آن دو بدهد» خداوند به جای آن پسر، دختری به پدر و مادرش عطا نمود که هفتاد پیامبر (از نسل او) به دنیا آورد.

۱۲ - احمد بن فضل نظیر روایت هشتم را از امام صادق عليه السلام روایت می کند.

(۴)

## بَابُ الدُّعَاءِ فِي طَلَبِ الْوَلَدِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ الْخَزَّازِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. إِذَا أَبْطَأَ عَلَى أَحَدِكُمْ الْوَلَدُ فَلْيَقُلْ:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحَيْدًا وَخَشَاً فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقًا ذُكُورًا وَإِنَاثًا أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوُخْشَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوُخْدَةِ وَأَشْكُرْكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعَظَّمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ بِالْعَهْدِ».

## بخش چهارم

## دعای طلب فرزند

۱- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه فرزندان دار شدن یکی از شما به تأخیر افتد بایستی این گونه بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحَيْدًا وَخَشَاً فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقًا ذُكُورًا وَإِنَاثًا أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوُخْشَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوُخْدَةِ وَأَشْكُرْكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعَظَّمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ بِالْعَهْدِ».

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ الْحَارِثِ النَّصْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ قَدْ انْقَرَضُوا وَ لَيْسَ لِي وَلَدٌ.

قَالَ: ادْعُ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثْنِي رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ».

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَوَلَدَ لِي عَلِيٌّ وَ الْحُسَيْنُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْبَلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ، ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَك بِهِ زَكَرِيَّا يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءَ وَ لَا نَصِيبًا».

۲ - حارث نصری گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من از خاندانی هستم که منقرض شده‌اند و من نیز فرزندی ندارم.

فرمود: در سجده چنین دعا کن: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثْنِي رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ».

حارث گوید: طبق دستور امام عليه السلام عمل کردم، دو فرزند به نام علی و حسین برایم متولد شدند.

۳ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس می‌خواهد که همسرش باردار شود پس از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجود آن را طولانی کند. آن‌گاه پس از نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَك بِهِ زَكَرِيَّا يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءَ وَ لَا نَصِيبًا».

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: شَكَأ الْأَبْرَشُ الْكَلْبِيُّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ لَا يُوَلَّدُ لَهُ، فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي شَيْئًا.  
قَالَ: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، أَوْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ: فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا...﴾ إِلَى قَوْلِهِ: ﴿وَيُؤَدِّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ﴾.

۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السِّيَارِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ شَيْخِ مَدَنِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ وَقَدَ إِلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ الْأَذُنُ حَتَّى اعْتَمَّ، وَكَانَ لَهُ حَاجِبٌ كَثِيرُ الدُّنْيَا وَ لَا يُوَلَّدُ لَهُ، فَدَنَا مِنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام، فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ أَنْ تُوَصِّلَنِي إِلَى هِشَامٍ وَ أَعْلَمَكَ دُعَاءً يُوَلَّدُ لَكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَأَوْصَلَهُ إِلَى هِشَامٍ وَ قَضَى لَهُ جَمِيعَ حَوَائِجِهِ.

قَالَ: فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ لَهُ الْحَاجِبُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الدُّعَاءُ الَّذِي قُلْتَ لِي.

۴ - راوی گوید: أبرش کلبی نزد امام باقر عليه السلام گلاویه نمود که صاحب فرزند نمی شود و گفت: چیزی به من بیاموز.

فرمود: در هر روز و هر شب صد مرتبه استغفار کن؛ زیرا خداوند می فرماید: از پروردگار خود آموزش خواهید کرد او بسیار آموزنده است... و شما را با اموال و فرزندان یاری نماید».

۵ - زراره گوید: روزی امام باقر عليه السلام را به شام نزد هشام بن عبدالملک احضار کردند، ولی اجازه ورود به امام عليه السلام ندادند. آن حضرت از این امر اندوهگین شد. هشام، دربان ثروتمندی داشت اما فرزندان نمی شد. امام عليه السلام نزد دربان رفت و به او فرمود: آیا می خواهی برای من اجازه ورود بگیری و من به تو دعایی بیاموزم که فرزنددار شوی؟ گفت: آری.

او برای امام اذن ورود گرفت و تمام امورات او را انجام داد. هنگامی که کار امام عليه السلام پایان یافت، دربان به حضرتش گفت: قربانت کردم! دعایی را که می خواستید به من بیاموزید می فرمایید؟

قَالَ لَهُ: نَعَمْ. قُلْ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ «سُبْحَانَ اللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً وَ تَسْتَغْفِرُ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ تُسَبِّحُ تِسْعَ مَرَّاتٍ وَ تَخْتِمُ الْعَاشِرَةَ بِالْإِسْتِغْفَارِ ثُمَّ تَقُولُ قَوْلَ اللَّهِ ﷻ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ ﴿وَ يُدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعِلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعِلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾.

فَقَالَهَا الْحَاجِبُ، فَرَزَقَ ذُرِّيَّةً كَثِيرَةً، وَ كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ يَصِلُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ. فَقَالَ سَلِيمَانُ: فَقُلْتَهَا وَ قَدْ تَزَوَّجْتُ ابْنَةَ عَمِّ لِي، فَأَبْطَأَ عَلَيَّ الْوَالِدُ مِنْهَا، وَ عَلَّمْتَهَا أَهْلِي فَرَزَقْتُ وَ لَدَاءً، وَ زَعَمَتِ الْمَرْأَةُ أَنَّهَا مَتَى تَشَاءُ أَنْ تَحْمِلَ حَمَلَتْ إِذَا قَالَتْهَا وَ عَلَّمْتَهَا غَيْرَ وَاحِدٍ مِنَ الْهَاشِمِيِّينَ مِمَّنْ لَمْ يَكُنْ يُوَلِّدُ لَهُمْ فَوَلِدَ لَهُمْ وَ وُلِدَ كَثِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

فرمود: آری، در هر روز هنگام صبح و شام هفتاد مرتبه «سبحان الله» می‌گویی، ده مرتبه استغفار می‌کنی، و نه مرتبه «سبحان الله» می‌گویی، دهمین «سبحان الله» را با استغفار تمام می‌کنی، سپس فرموده خداوند را می‌گویی: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ ﴿وَ يُدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعِلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعِلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ دربان به دستور آن حضرت عمل کرد و صاحب فرزندان بسیاری شد. از آن پس همواره امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ.

سلیمان (یکی از راویان این حدیث) گوید: من با دختر عمویم ازدواج کرده بودم، ولی بچه‌دار نمی‌شدم. پس طبق دستور العمل امام ﷺ عمل کردم و آن را به همسرم آموختم و بچه‌دار شدیم. همسرم گمان می‌کرد که اگر آن دستور را انجام دهد، هر گاه بخواهد می‌تواند باردار شود. آن دستور را به تعدادی از زنان بنی هاشم که فرزند نداشتند یاد دادم؛ پس فرزندان فراوانی برایشان متولد شد «و الحمد لله».

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يُوَلِّدُ لِي .

فَقَالَ: اسْتَغْفِرُ رَبَّكَ فِي السَّحَرِ مِائَةَ مَرَّةٍ، فَإِنْ نَسِيْتَهُ فَاقْضِهِ .

۷ - وَ عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ شَكَاَ إِلَيْهِ رَجُلٌ أَنَّهُ لَا يُوَلِّدُ لَهُ .

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا جَامَعْتَ فَقُلِ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ رَزَقْتَنِي ذَكَرًا سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا» . قَالَ: فَفَعَلَ ذَلِكَ فَرَزِقَ .

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: أَتَيْتُ عَلِيَّ سِتُّونَ سَنَةً لَا يُوَلِّدُ لِي، فَحَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ .

۶ - سعید بن یسار گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: من فرزند دار نمی شوم. فرمود: هنگام سحر صد مرتبه استغفار کن. اگر روزی آن را فراموش کردی قضایش را به جا آور.

۷ - راوی گوید: مردی به امام صادق عليه السلام شکایت کرد که فرزند دار نمی شود.

امام عليه السلام به او فرمود: هنگامی که می خواهی آمیزش کنی بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ رَزَقْتَنِي ذَكَرًا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا»؛ «خدایا! اگر پسری به من روزی کنی او را محمد نامیدم».

آن شخص چنین نمود و صاحب فرزند شد.

۸ - ابو عبیده گوید:

شصت سال از عمرم گذشت و فرزند دار نشدم. سالی به حج رفتم. پس از آن خدمت

امام صادق عليه السلام شرف یاب شدم و به حضرتش از بی فرزندی گلایه کردم.

فَقَالَ لِي: أَوْ لَمْ يُوَلِّدْ لَكَ؟

قُلْتُ: لَا!

قَالَ: إِذَا قَدِمْتَ الْعِرَاقَ، فَتَزَوَّجِ امْرَأَةً وَلَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ سَوَاءً.

قَالَ: قُلْتُ: وَمَا السَّوَاءُ؟

قَالَ: امْرَأَةٌ فِيهَا قُبْحٌ، فَإِنَّهُنَّ أَكْثَرُ أَوْلَادًا وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ

يَرْزُقَكَ اللَّهُ ذُكُورًا وَإِنَاثًا وَالدُّعَاءُ:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشَاً فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي أُنْثَاءً وَعَاقِبَةً صِدْقٍ

ذُكُورًا وَإِنَاثًا أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَآنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النُّعْمَةِ يَا

وَهَابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْطِي أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ خَيْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مُنْتَهَى رِضَاكَ عَنِّي فِي صِدْقِ

الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ الْعَهْدِ».

فرمود: آیا برای تو فرزندی متولد نمی شود؟

عرض کردم: نه.

فرمود: هنگامی که وارد عراق شدی با زنی ازدواج کن و برایت مهم نباشد که آن زن

«سواء» باشد.

عرض کردم: «سواء» چیست؟

فرمود: زنی زشت روست؛ زیرا آنها بیشتر فرزند می آورند و با این دعا، خدا را بخوان.

من امیدوارم که خداوند پسران و دخترانی به تو ارزانی کند. دعا چنین است:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشَاً فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي أُنْثَاءً وَعَاقِبَةً صِدْقٍ ذُكُورًا وَ

إِنَاثًا أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَآنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النُّعْمَةِ يَا وَهَابُ يَا عَظِيمُ يَا

مُعْطِي أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ خَيْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مُنْتَهَى رِضَاكَ عَنِّي فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ وَ

وَفَاءِ الْعَهْدِ».



۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ شَكَاَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام سُقْمَهُ، وَ أَنَّهُ لَا يُوَلَّدُ لَهُ. فَأَمَرَهُ أَنْ يَرْفَعَ صَوْتَهُ بِالْأَذَانِ فِي مَنْزِلِهِ. قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي سُقْمِي وَ كَثُرَ وُلْدِي.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ رَاشِدٍ: وَ كُنْتُ دَائِمَ الْعِلَّةِ مَا أَنْفَكْتُ مِنْهَا فِي نَفْسِي، وَ جَمَاعَةِ خَدَمِي وَ عِيَالِي حَتَّى إِنِّي كُنْتُ أَبْقَى وَ خَدِي، وَ مَا لِي أَحَدٌ يَخْدُمُنِي، فَلَمَّا سَمِعْتُ ذَلِكَ مِنْ هِشَامٍ عَمِلْتُ بِهِ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي وَ عَنِ عِيَالِي الْعِلَلِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ بِالرَّبْدَةِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَمْ أُرْزَقْ وَلَدًا.

۹- محمد بن راشد گوید:

هشام بن ابراهیم به من گفت: از بیماری خودم به امام کاظم عليه السلام شکوه کردم و این که فرزند دار نمی شوم.

امام عليه السلام به من دستور داد که در خانه با صدای بلند اذان بگویم.

هشام بن ابراهیم گوید: من به دستور امام عليه السلام عمل نمودم. خداوند بیماری مرا از بین برد و فرزندانم زیاد شدند.

محمد بن راشد گوید: من همیشه بیمار بودم؛ به طوری که هیچ گاه بیماری از من و همه خدمت کارانم و خانواده ام جدا نمی شد؛ تا جایی که من تنها ماندم و کسی را نداشتم از من پرستاری نماید. هنگامی که این قضیه را از هشام شنیدم، به آن عمل نمودم. خداوند بیماری ها را از من و خانواده ام برد و سپاس از آن خداست.

۱۰- ابو جمیله گوید: مردی خراسانی در منطقه ربده به امام صادق عليه السلام عرض کرد: فدایت کردم! من فرزند دار نمی شوم.

فَقَالَ لَهُ: إِذَا رَجَعْتَ إِلَى بِلَادِكَ وَ أَرَدْتَ أَنْ تَأْتِي أَهْلَكَ، فَاقْرَأْ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ إِلَى ثَلَاثِ آيَاتٍ، فَإِنَّكَ سَتُرزَقُ وَلَدًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: لَمْ يُوَلَدْ لِي شَيْءٌ قَطُّ وَ خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ وَ مَا لِي وَ لَدَّ، فَلَقَيْتَنِي إِنْسَانٌ فَبَشَّرَنِي بِعِلَامٍ، فَمَصَّيْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ.

فَلَمَّا صِرْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ لِي: كَيْفَ أَنْتَ؟ وَ كَيْفَ وَلَدُكَ؟  
فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! خَرَجْتُ وَ مَا لِي وَ لَدَّ، فَلَقَيْتَنِي جَارِي لِي فَقَالَ لِي: قَدْ وُلِدَ لَكَ عِلَامٌ.

فَتَبَسَّمْتُ، ثُمَّ قَالَ: سَمَّيْتَهُ؟

قُلْتُ: لَا.

امام علی (ع) به او فرمود: هنگامی که به وطن خود برگشتی و خواستی با همسرت آمیزش کنی، این سه آیه را بخوان: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾  
ان شاء الله به زودی فرزندی روزی تو خواهد شد.

۱۱ - محمد بن عمرو گوید: من هیچ گاه فرزند دار نمی شوم. سالی به مکه رفتم در حالی که فرزندی نداشتم، شخصی مرا به داشتن پسری مژده داد. من از کنار او گذشتم و در مدینه خدمت امام کاظم (ع) شرفیاب شدم.

هنگامی که مقابل امام علی (ع) قرار گرفتم به من فرمود: چطوری؟ فرزندی در چه حالی است؟ عرض کردم: فدایتان گردم! من از شهرم خارج شدم در حالی که فرزندی نداشتم. همسایه ام مرا دید و به من گفت: «پسری برایت متولد شده است».

امام علی (ع) تبسمی کرد سپس فرمود: آیا برایش اسم گذاشته ای؟

عرض کردم: نه.

قَالَ: سَمِّهِ عَلِيًّا، فَإِنَّ أَبِي كَانَ إِذَا أَبْطَأَتْ عَلَيْهِ جَارِيَةٌ مِنْ جَوَارِيهِ قَالَ لَهَا: يَا فُلَانَةُ! أَنْوِي عَلِيًّا، فَلَا تَلْبِثُ أَنْ تَحْمِلَ فَتِلِدَ غُلَامًا.

۱۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بِنِ عَثْمَانَ عَنْ حَرِيْزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْوَلَدَ فَقُلْ عِنْدَ الْجَمَاعِ: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ».

## (۵)

بَابُ مَنْ كَانَ لَهُ حَمْلٌ فَنَوَى أَنْ يُسَمِّيَهُ مُحَمَّدًا أَوْ عَلِيًّا وَلِدَ لَهُ ذَكَرٌ وَالدُّعَاءُ لِذَلِكَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: او را «علی» نام گذار؛ زیرا هنگامی که یکی از کنیزان پدرم فرزند دار نمی شد به او می فرمود: فلانی! نام علی را تیت کن.

مدتی نمی گذشت که کنیز حامله می شد و پسری می زایید.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که خواستی فرزند دار شوی نمودی، در موقع آمیزش بگو: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ».

## بخش پنجم

تیت نام گذاری جنین به «محمد» یا «علی» و پسر شدن فرزند و دعای آن

۱ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا كَانَ بِامْرَأَةٍ أَحَدِكُمْ حَبْلٌ فَأَتَى عَلَيْهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَلَيْسَتْ قَبِيلٌ بِهَا الْقِبْلَةَ وَ لَيْقَرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ لِيَضْرِبَ عَلَيَّ جَنْبَهَا وَ لِيَقُلَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا، فَإِنَّهُ يَجْعَلُهُ غُلَامًا، فَإِنْ وَفَى بِالْإِسْمِ بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهِ، وَإِنْ رَجَعَ عَنِ الْإِسْمِ كَانَ لِلَّهِ فِيهِ الْخِيَارُ إِنْ شَاءَ أَخَذَهُ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَهُ.

۲ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ ابْنُ غَيْلَانَ الْمَدَائِنِيِّ دَخَلْنَا عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ ابْنُ غَيْلَانَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! بَلَّغْنِي أَنَّهُ مَنْ كَانَ لَهُ حَمْلٌ، فَنَوَى أَنْ يُسَمِّيَهُ مُحَمَّدًا وَوَلَدَ لَهُ غُلَامًا.

فَقَالَ: مَنْ كَانَ لَهُ حَمْلٌ فَنَوَى أَنْ يُسَمِّيَهُ عَلِيًّا، وَوَلَدَ لَهُ غُلَامًا.

ثُمَّ قَالَ: عَلِيُّ مُحَمَّدٌ وَ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ شَيْئًا وَاحِدًا.

قَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنِّي خَلَقْتُ امْرَأَتِي وَ بِهَا حَبْلٌ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهُ غُلَامًا.

هرگاه همسر یکی از شما باردار شود و چهار ماه بر او بگذرد، او را به سمت قبله نماید و خود آیه الکرسی بخواند و دست به پهلوئی همسرش بزند و بگوید: خداوند! من نام جنین را محمد گذاشتم؛ خداوند جنین را پسر قرار می دهد. پس اگر مرد به عهد خود وفا کرد، خداوند پسرش را برای او مبارک می کند و اگر از اسمی که برگزیده برگشت، خداوند در مورد پسرش اختیار دارد؛ اگر بخواید او را از دنیا می برد و اگر بخواید او را نگه می دارد.

۲ - حسین بن سعید گوید:

من و ابن غیلان مدائینی خدمت امام رضا علیه السلام شرف یاب شدیم. ابن غیلان به امام علیه السلام عرض کرد: خداوند کارهای شما اصلاح کند! به من روایت شده که همسر هر کس باردار باشد نیت کند که اسم جنین را علی بگذارد، برای او پسری به دنیا خواهد آمد (آیا صحیح است؟) فرمود: همسر هر کس باردار باشد و نیت کند که اسم جنین را علی بگذارد، پسری برایش متولد خواهد شد.

سپس فرمود: علی علیه السلام، محمد صلی الله علیه و آله است و محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام؛ هر دو یک عنوان هستند. ابن غیلان عرض کرد: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! من همسر را در حالی ترک کردم که باردار بود؛ شما از خداوند بخواهید که فرزند ما را پسر قرار دهد.

فَاطَرَقَ إِلَى الْأَرْضِ طَوِيلًا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ لَهُ: سَمِّهِ عَلِيًّا، فَإِنَّهُ أَطْوَلُ لِعُمُرِهِ.

فَدَخَلْنَا مَكَّةَ فَوَافَنَا كِتَابٌ مِنَ الْمَدَائِنِ أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ لَهُ غُلَامٌ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا مِنْ رَجُلٍ يُحْمَلُ لَهُ حَمْلٌ فَيَنْوِي أَنْ يُسَمِّيَهُ مُحَمَّدًا إِلَّا كَانَ ذَكَرًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. وَ قَالَ: هَاهُنَا ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ.

وَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يَأْخُذُ بِيَدِهَا وَ يَسْتَقْبِلُ بِهَا الْقِبْلَةَ عِنْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ وَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا»، وَ لِدَ لَهُ غُلَامٌ، وَ إِنْ حَوَّلَ اسْمَهُ أُخِذَ مِنْهُ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ صلوات الله عليه وآله.

امام عليه السلام سر مبارکش را مدت زیادی پایین انداخت، سپس سر برداشت و فرمود: او را علی نام گذار؛ چرا که نام علی عمر فرزند را طولانی تر می سازد. پس از آن ما وارد شهر مکه شدیم و نامه‌ای از مداین به ما رسید که برای ابن غیلان پسری متولد شده است.

۳ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر مردی که به هنگام بارداری همسرش نیت کند که نام نوزاد را محمد بگذارد - ان شاء الله - فرزندش پسر خواهد بود.

و فرمود: این جا سه شخصیت هستند که نام همه آنان: محمد، محمد، محمد است.

اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در حدیث دیگری فرمود:

هر مردی که در ماه چهارم بارداری دست همسرش را بگیرد و او را روبه قبله نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا» برای او پسری متولد خواهد شد. و اگر نام فرزند را عوض کند، فرزندش از او گرفته خواهد شد.

۴ - راوی گوید: پیامبر خدا صلوات الله عليه وآله فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ حَمْلٌ فَنَوَى أَنْ يُسَمِّيَهُ مُحَمَّدًا، أَوْ عَلِيًّا وَوَلَدَ لَهُ غُلَامٌ.

(۶)

### بَابُ بَدْءِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ وَ تَقْلُبِهِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنبِرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾. فَقَالَ: الْمُخَلَّقَةُ هُمُ الذَّرُّ الَّذِينَ خَلَقَهُمُ اللَّهُ فِي صُلْبِ آدَمَ عليه السلام أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ ثُمَّ أَجْرَاهُمْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ، وَ هُمُ الَّذِينَ يَخْرُجُونَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يُسْأَلُوا عَنِ الْمِيثَاقِ. وَ أَمَّا قَوْلُهُ: ﴿وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾ فَهُمْ كُلُّ نَسَمَةٍ لَمْ يَخْلُقَهُمُ اللَّهُ فِي صُلْبِ آدَمَ عليه السلام حِينَ خَلَقَ الذَّرَّ وَ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ، وَ هُمُ النَّطْفُ مِنَ الْعَزْلِ وَ السَّقَطُ قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ وَ الْحَيَاةُ وَ الْبَقَاءُ.

هر کس در دوران آبستن همسرش نیت کند که نام نوزاد را محمد یا علی بگذارد، برایش پسری متولد می شود.

#### بخش ششم

### آفرینش ابتدایی انسان و دگرگونی های آن در شکم مادر

۱- سلام بن مستنیر گوید:

از امام باقر عليه السلام در مورد آیه: «برخی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل» پرسیدم.

فرمود: منظور از «دارای شکل» همان «ذر» است که خداوند آنان را در «صلب» آدم عليه السلام آفرید و از آنان میثاق و پیمان گرفت. سپس آنان را در صلب مردان و رحم های زنان جاری نمود؛ آنان همان هایی هستند که به دنیا می آیند تا درباره میثاق و پیمان پرسیده شوند. و اما منظور از «بدون شکل» هر جنبه ای است که خداوند در هنگامی که «ذر» ها را آفرید و از آنان میثاق و پیمان گرفت آن جنبه ها را در صلب آدم عليه السلام نیافرید و آنان نطفه هایی هستند که بیرون رحم ریخته شده اند و یا پیش از آن که روح و حیات و بقا در آنان دمیده شود، سقط شده اند.

۲ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ عَمْرٍو ذَكَرَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: «يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ».

قَالَ: الْعُيُصُ كُلُّ حَمْلٍ دُونَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ وَمَا تَزْدَادُ كُلُّ شَيْءٍ يَزْدَادُ عَلَى تِسْعَةِ أَشْهُرٍ، فَكَلَّمَا رَأَتْ الْمَرْأَةُ الدَّمَ الْخَالِصَ فِي حَمْلِهَا، فَإِنَّهَا تَزْدَادُ بَعْدَ الْأَيَّامِ الَّتِي رَأَتْ فِي حَمْلِهَا مِنَ الدَّمِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِنَّ النَّطْفَةَ تَكُونُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِذَا كَمَلَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعَثَ اللَّهُ مَلَكَينِ خَلَائِقِينَ فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ! مَا تَخْلُقُ ذَكَرًا أَوْ أُنْثَىٰ؟

فَيُؤْمَرَانِ، فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ! شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا؟

۲ - راوی گوید: امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) درباره آیه «از جنینی که هر ماده حمل می کند و آن چه رحم ها کم می کند و آن چه افزون می نمایند، آگاه است» فرمود: منظور از «آن چه کم می کنند» هر آبستنی است که کمتر از نه ماه باشد، و منظور از «آن چه افزون می نمایند هر آبستنی است که از نه ماه بیشتر شود. پس هرگاه زن بارداری خون خالص مشاهده کند، به تعداد روزهایی که خون دیده در دوران بارداری بر نه ماه افزون می گردد.

۳ - حسن بن جهم گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: امام باقر عليه السلام فرمود: نطفه چهل روز در رحم می ماند. سپس در مدت چهل روز تبدیل به «عَلَقَه» (خون بسته شده) می شود. سپس در مدت چهل روز تبدیل به «مُضْغَه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده) می گردد. هنگامی که چهار ماه کامل شد، خداوند دو فرشته دمنده روح را برمی انگیزد.

دو فرشته عرضه می دارند: پروردگارا! پسر می آفرینی یا دختر؟  
آن گاه دستور را دریافت می کنند. دوباره عرض می کنند: پروردگارا! شقی و بدبخت باشد یا سعید و خوش بخت؟

فَيُؤْمَرَانِ فَيَقُولَانِ: يَا رَبُّ! مَا أَجَلُهُ وَمَا رِزْقُهُ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ حَالِهِ؛  
 وَ عَدَدَ مِنْ ذَلِكَ أَشْيَاءَ وَ يَكْتُبَانِ الْمِيثَاقَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، فَإِذَا أَكْمَلَ اللَّهُ لَهُ الْأَجَلَ  
 بَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا فَزَجَرَهُ زَجْرَةً فَيَخْرُجُ وَ قَدْ نَسِيَ الْمِيثَاقَ.  
 فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ: فَقُلْتُ لَهُ: أَمْ فَيَجُوزُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيُحَوَّلَ الْأُنْثَى ذَكَرًا وَ  
 الذَّكَرَ أُنْثَى؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ  
 ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
 إِنَّ اللَّهَ تعالى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ النُّطْقَةَ الَّتِي مِمَّا أَخَذَ عَلَيْهَا الْمِيثَاقَ فِي صُلْبِ آدَمَ، أَوْ  
 مَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ وَ يَجْعَلَهَا فِي الرَّحِمِ حَرَكَ الرَّجُلِ لِلْجَمَاعِ، وَ أَوْحَى إِلَى الرَّحِمِ أَنْ  
 أَفْتَحِي بَابِكَ حَتَّى يَلِجَ فِيكَ خَلْقِي وَ قَضَائِي النَّافِذُ وَ قَدَرِي.

دستور را دریافت می‌کنند، دوباره عرضه می‌دارند: پروردگارا! مرگ و رزق و روزی و  
 تمام احوالاتش چگونه است؟

امام عليه السلام چند مورد را که دو فرشته می‌پرسند، ذکر نمود.

آن گاه میثاق و پیمان را بین دو دیده‌اش می‌نگارند، هنگامی که خداوند مدت بارداری  
 را کامل نمود، فرشته‌ای را می‌فرستد، فرشته چنان کودک را از رحم بیرون می‌راند که  
 کودک به دنیا می‌آید در حالی که میثاق و پیمان را فراموش کرده است.

حسن بن جهم گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: آیا امکان دارد که انسان از خداوند  
 بخواهد که پسر را به دختر و دختر را به پسر مبدل سازد؟

فرمود: به راستی که خداوند آن چه را که مشیتش تعلق گیرد انجام می‌دهد.

۴- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه خداوند اراده کند که نطفه‌ای را که در صلب آدم عليه السلام میثاق و پیمان گرفته یا در  
 صلب آدم عليه السلام از آن میثاق و پیمان نگرفته بیافریند؛ مرد را به آمیزش تحریک می‌کند و به رحم  
 وحی می‌کند که درب خود بگشا تا آفریده‌ام و قضا و قدر حتمی من وارد تو شود.



فَتَفْتَحُ الرَّحِمَ بِأَبْهَاطِهَا فَتَصِلُ النَّطْفَةَ إِلَى الرَّحِمِ، فَتَرَدُّدٌ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ عَلاَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ مُضْعَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ لَحْمًا تَجْرِي فِيهِ عُرُوقٌ مُشْتَبِكَةٌ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَائِكَةَ خَلَّاقِينَ يَخْلُقَانِ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ اللَّهُ، فَيَفْتَحِمَانِ فِي بَطْنِ الْمَرْأَةِ مِنْ فَمِ الْمَرْأَةِ، فَيَصِلَانِ إِلَى الرَّحِمِ وَفِيهَا الرُّوحُ الْقَدِيمَةُ الْمَنْقُولَةُ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَارْحَامِ النِّسَاءِ، فَيَنْفُخَانِ فِيهَا رُوحَ الْحَيَاةِ وَالْبَقَاءِ، وَيَشْفِقَانِ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَجَمِيعَ الْجَوَارِحِ وَجَمِيعَ مَا فِي الْبَطْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ. ثُمَّ يُوحِي اللَّهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ: اكْتُبَا عَلَيْهِ قَضَائِي وَقَدْرِي وَنَافِذَ أَمْرِي وَاشْتَرِطَا لِي الْبَدَاءَ فِيمَا تَكْتَبَانِ.

فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ! مَا نَكْتُبُ؟

فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمَا أَنْ ارْفَعَا رُءُوسَكُمْمَا إِلَى رَأْسِ أُمِّهِ. فَيَرْفَعَانِ رُءُوسَهُمَا، فَإِذَا اللَّوْحُ يَفْرَعُ جَبْهَةَ أُمِّهِ، فَيَنْظُرَانِ فِيهِ فَيَجِدَانِ فِي اللَّوْحِ صُورَتَهُ وَزِينَتَهُ وَأَجَلَهُ وَمِيثَاقَهُ شَقِيئًا أَوْ سَعِيدًا وَجَمِيعَ شَأْنِهِ.

رحم در بطن خود را می‌گشاید و نطفه وارد رحم می‌شود و چهل روز همواره در حال دگرگونی است، سپس به مدت چهل روز تبدیل به «علقه» (خون بسته) می‌گردد، آن گاه به مدت چهل روز تبدیل به «مضغه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده) می‌شود. سپس تبدیل به گوشتی می‌شود که رگ‌هایی به صورت درهم آمیخته در آن جریان دارد. سپس خداوند دو فرشته‌ای را که خواسته خداوند را در رحم‌ها خلق می‌کنند بر می‌انگیزاند، آن دو فرشته بدون اجازه مادر از دهان او وارد شکم می‌شوند و به رحم می‌رسند. در آن، روحی که پیش از آفرینش جنین خلق شده و به صلب مردان و رحم زنان منتقل شده است (او به رحم مادر این فرزند رسیده) وجود دارد. آن گاه دو فرشته در آن روح قدیمی، روح حیات و بقا می‌دمند و به اذن الهی برای آن گوش، چشم و همه اعضا و جوارحی را که در شکم است به اذن خدا می‌آفرینند. سپس خداوند به آن دو فرشته وحی می‌کند: بر او قضا و قدر و اراده حتمی مرا بنویسید و در نوشته‌هایتان برای من حق بازگشت از قضا و قدر اولیه قرار دهید.

دو فرشته عرضه می‌دارند: پروردگارا! چه بنویسیم؟

خداوند به آن‌ها وحی می‌کند: سر خود را سوی سر مادر فرزند بالا بیاورید.

دو فرشته سر خود را بالا می‌کنند و می‌بینند لوحی بر پیشانی مادر فرزند زده شده است، در آن نگاه می‌کنند، در آن لوح شکل، اندام، ترکیب صورت، مرگ، میثاق بدبختی، خوش‌بختی و همه حالاتش را می‌یابند.

قَالَ: فَيُمْلِي أَحَدَهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ، فَيَكْتَبَانِ جَمِيعَ مَا فِي اللُّوحِ وَ يَشْتَرِطَانِ  
الْبَدَاءَ فَيَمَا يَكْتَبَانِ ثُمَّ يَخْتِمَانِ الْكِتَابَ وَ يَجْعَلَانِهِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ يَقِيمَانِهِ قَائِمًا فِي  
بَطْنِ أُمِّهِ.

قَالَ: فَرُبَّمَا عَتَا فَأَنْقَلَبَ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا فِي كُلِّ عَاتٍ أَوْ مَارِدٍ، وَإِذَا بَلَغَ أَوَانُ  
خُرُوجِ الْوَلَدِ تَامًا أَوْ غَيْرَ تَامٍ أَوْ حَى اللَّهُ ﷻ إِلَى الرَّحِمِ أَنْ أَفْتَحِي بَابَكَ حَتَّى يَخْرُجَ  
خَلْقِي إِلَى أَرْضِي وَ يَنْقُدَ فِيهِ أَمْرِي، فَقَدْ بَلَغَ أَوَانُ خُرُوجِهِ.

قَالَ: فَيَفْتَحُ الرَّحِمُ بَابَ الْوَلَدِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَقَالُ لَهُ: زَا جِرُّ، فَيَزُجِرُهُ  
زَجْرَةً، فَيَفْرَعُ مِنْهَا الْوَلَدُ، فَيَنْقَلِبُ فَيَصِيرُ رَجُلًا فَوْقَ رَأْسِهِ وَ رَأْسُهُ فِي أَسْفَلِ  
الْبَطْنِ لِيَسَهَّلَ اللَّهُ عَلَى الْمَرْأَةِ وَ عَلَى الْوَلَدِ الْخُرُوجَ.

قَالَ: فَإِذَا احْتَبَسَ زَجْرَهُ الْمَلَكُ زَجْرَةً أُخْرَى، فَيَفْرَعُ مِنْهَا فَيَسْقُطُ الْوَلَدُ إِلَى  
الْأَرْضِ بِأَكْبَارٍ فَرَعًا مِنَ الزَّجْرَةِ.

یکی از آن دو فرشته بر دیگری املا می کند و او می نویسد، تا این که همه آن چه را که در  
لوح است می نویسند و در آن حق بازگشت قضا و قدر الهی را شرط می کنند، سپس کتاب  
نوشته شده را مهرزده و بین دو چشم جنین قرار می دهند، آن گاه او را ایستاده در شکم مادر  
نگه می دارند.

از این رو گاهی جنین سرکشی می کند و برعکس می گردد و این قضیه فقط در مورد  
سرکشان و نافرمانان رخ می دهد.

هنگامی که زمان تولد جنین فرا رسد - چه جنین کامل باشد چه ناقص - خداوند به  
رحم وحی می کند که درب خود را بگشاید تا آفریده من به سوی زمین من خارج شود و  
اراده من در مورد او حتمی گردد؛ به راستی که زمان خروج آفریده ام فرا رسیده است.

در این هنگام رحم درب خروج جنین را می گشاید، خداوند فرشته ای به نام زاجر را  
برمی انگیزاند او جنین را چنان بیرون می راند که جنین می ترسد و واژگون می شود که ،  
پاهایش بالای سرش و سرش در پایین شکمش قرار می گیرد تا خداوند بیرون آمدن را بر  
مادر و جنین آسان کند.

هنگامی که جنین بیرون نیاید، فرشته زاجر بار دیگر او را می راند، جنین می ترسد و  
گریان بر زمین می افتد چرا که از فشاری که به او وارد شده ترسیده است.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
 الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْخَلْقِ؟  
 قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ طِينٍ أَفَاضَ بِهَا كِافَاَصَةَ الْقَدَاحِ،  
 فَأَخْرَجَ الْمُسْلِمَ فَجَعَلَهُ سَعِيداً، وَجَعَلَ الْكَافِرَ شَقِيئاً، فَإِذَا وَقَعَتِ النُّطْفَةُ تَلَقَّتْهَا  
 الْمَلَائِكَةُ فَصَوَّرُوهَا، ثُمَّ قَالُوا: يَا رَبُّ! أَدَّكَرًا أَوْ أُنْثَى؟  
 فَيَقُولُ الرَّبُّ جَلَّ جَلَالُهُ أَيُّ ذَلِكَ شَاءَ؟  
 فَيَقُولَانِ: تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

ثُمَّ تُوَضَّعُ فِي بَطْنِهَا فَتَرْدَدُ تِسْعَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ عِرْقٍ وَ مَفْصِلٍ وَ مِنْهَا لِلرَّحِمِ ثَلَاثَةُ  
 أَقْفَالٍ: قُفْلٌ فِي أَعْلَاهَا مِمَّا يَلِي أَعْلَى الصُّرَّةِ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ، وَ الْقُفْلُ الْآخَرُ  
 وَسَطَها، وَ الْقُفْلُ الْآخَرُ أَسْفَلَ مِنَ الرَّحِمِ، فَيُوضَعُ بَعْدَ تِسْعَةِ أَيَّامٍ فِي الْقُفْلِ  
 الْأَعْلَى، فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُصِيبُ الْمَرْأَةَ حُبْتُ النَّفْسِ وَ  
 التَّهْوُّعِ.

۵ - ابو حمزه گوید: از امام باقر عليه السلام در خصوص آفرینش پرسیدم.

فرمود: هنگامی که خداوند اراده نماید آفریده‌ای را از گل بیافریند به سان کوزه‌گران را  
 آغاز می‌نماید؛ مسلمان را بیرون می‌آورد و او را سعادت‌مند قرار می‌دهد و کافر را بیرون  
 آورده و او را بدبخت قرار می‌دهد.

آن‌گاه که نطفه واقع می‌شود فرشتگان آن را فرا می‌گیرند و به آن شکل و صورت  
 می‌دهند. سپس عرض می‌کنند: پروردگارا! پسر باشد یا دختر؟  
 خداوند هر کدام را که بخواهد، بیان می‌نماید.

آن دو فرشته عرضه می‌دارند: پاک و منزّه است خداوندی که بهترین آفرینندگان است!  
 آن‌گاه نطفه در شکم مادر قرار می‌گیرد و نه روز در همه رگ‌ها و مفصل‌ها متغیّر است و  
 به همین خاطر برای رحم سه قفل است: قفلی در بالای رحم که در قسمت راست بالای  
 ناف قرار دارد، قفل دیگر وسط رحم است و قفل دیگر در پایین رحم قرار دارد. جنین پس  
 از نه روز در قفل بالایی قرار می‌گیرد و سه ماه در آن جا می‌ماند، در این زمان است که مادر  
 دچار بد حالی و حالت تهوع و یار می‌شود.

ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْقُفْلِ الْأَوْسَطِ فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ صُرَّةُ الصَّبِيِّ <sup>(۱)</sup> فِيهَا مَجْمَعُ الْعُرُوقِ وَ عُرُوقُ الْمَرْأَةِ كُلُّهَا مِنْهَا يَدْخُلُ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ مِنْ تِلْكَ الْعُرُوقِ، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْقُفْلِ الْأَسْفَلِ فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَذَلِكَ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ، ثُمَّ تُطَلَّقُ الْمَرْأَةُ.

فَكَلَّمَا طَلَّقَتْ انْقَطَعَ عِزُّكَ مِنْ صُرَّةِ الصَّبِيِّ فَأَصَابَهَا ذَلِكَ الْوَجَعُ وَ يَدُهُ عَلَى صُرَّتِهِ حَتَّى يَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ وَ يَدُهُ مَبْسُوطَةٌ، فَيَكُونُ رِزْقُهُ حَيْثُ نَزِدَ مِنْ فِيهِ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ أَوْ غَيْرِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الرَّجُلُ يَدْعُو لِلْحُبْلَى أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ مَا فِي بَطْنِهَا ذَكَرًا سَوِيًّا.

قَالَ: يَدْعُو مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، فَإِنَّهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نُطْفَةٌ وَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً عَلَقَةٌ وَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُضَعَّةٌ، فَذَلِكَ تَمَامُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَيْنِ خَلَاقِيْنِ فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ! مَا نَخْلُقُ ذَكَرًا أَمْ أَنْثَى؟ شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا؟

سپس به قفل میانی فرود می آید و سه ماه در آن می ماند و ناف جنین محل گرد آمدن رگ های جنین و رگ های مادر است که از همین رگ ها جنین غذا و نوشیدنی می گیرد. آن گاه به قفل پایینی فرود می آید و سه ماه در آن می ماند که مجموع نه ماه می شود سپس مادر زایمان می کند.

بنابراین، هر درد زایمانی که مادر می کشد یک رگ از ناف و جنین قطع می شود؛ پس این باعث درد مادر می شود و دست کودک بر نافش قرار دارد تا این که بر زمین قرار گیرد در حالی که دستانش از هم باز است، در این هنگام رزق و روزی او از دهان است.

۶- محمد بن اسماعیل یا شخص دیگری گوید: به امام ابو جعفر عليه السلام عرض کردم: قربانت کردم! آیا مرد می تواند دعا کند که خداوند فرزندی را که در شکم همسر اوست پسری سالم قرار دهد؟

فرمود: تا چهار ماهگی می تواند دعا کند؛ زیرا جنین چهل شب نطفه، چهل شب علقه (خون بسته شده) و چهل شب مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) که مجموعش چهار ماه تمام است.

آن گاه خداوند دو فرشته دمنده روح بر می انگیزاند و آن دو عرض می کنند: پروردگار! چه خلق کنیم، پسر یا دختر؟ شقی و بدبخت یا سعادت مند و خوش بخت؟

۱- کذا، والصواب: وسرة الصبي.

فَيَقَالُ ذَلِكَ .

فَيَقُولَانِ : يَا رَبِّ ! مَا رِزْقُهُ وَ مَا أَجَلُهُ وَ مَا مُدَّتُهُ ؟

فَيَقَالُ ذَلِكَ ، وَ مِيثَاقُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَا يَزَالُ مُتَتَّصِبًا فِي بَطْنِ أُمِّهِ حَتَّى إِذَا دَنَا خُرُوجُهُ بَعَثَ اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ مَلَكًا فَزَجَرَهُ زَجْرَةً فَيَخْرُجُ وَ يَنْسَى الْمِيثَاقَ .

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ

مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ :

إِذَا وَقَعَتِ النَّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ اسْتَقَرَّتْ فِيهَا أَرْبَعِينَ يَوْمًا ، وَ تَكُونُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ، وَ تَكُونُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَينِ خَلَائِقِينَ فَيَقَالُ لَهُمَا : اخْلُقَا كَمَا يُرِيدُ اللَّهُ ذَكَرًا أَوْ أُنْثَى صَوْرَاهُ وَ اكْتُبَا أَجَلَهُ وَ رِزْقَهُ وَ مَبِيَّتَهُ وَ شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا وَ اكْتُبَا لِلَّهِ الْمِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَهُ عَلَيْهِ فِي الذَّرِّيْنِ عَيْنَيْهِ .

فَإِذَا دَنَا خُرُوجُهُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ : زَا جِرْ ! فَيَزَجُرُهُ فَيَفْزَعُ فَزَعًا فَيَنْسَى الْمِيثَاقَ وَ يَقَعُ إِلَى الْأَرْضِ يَبْكِي مِنْ زَجْرَةِ الْمَلَكِ .

گفته می شود: چنین و چنان باشد.

دو فرشته عرضه می دارند: پروردگارا! روزی، مرگ و مدت زندگی اش چگونه باشد؟ گفته می شود: چنین و چنان باشد و میثاق او در بین دو چشم اش جنین قرار دارد که جنین به آن نگاه می کند و همواره در شکم مادرش به حالت ایستاده است تا آن گاه که زمان ولادتش نزدیک شود، در این هنگام خداوند فرشته ای برایش می فرستد که فرشته چنان جنین را بیرون می راند که خارج می شود و میثاق را فراموش می کند. ۷- زرارة بن اعین گوید: از امام باقر ع شنیدم که می فرمود:

هنگامی که نطفه در رحم قرار گیرد، چهل روز به صورت نطفه در آن استقرار می یابد، چهل روز به صورت علقه و چهل روز به صورت مضغه، سپس خداوند دو فرشته دمنده روح بر می انگیزاند، به آن دو فرشته گفته می شود: خلق کنید همان طور که خداوند می خواهد: پسر یا دختر؛ او را به تصویر کشید و مرگ و روزی و چگونگی مرگ او و بدبخت یا سعادت مند بودنش را بنویسید، هم چنین میثاقی را که خداوند در عالم ذر از او گرفته بین چشمانش بنویسید.

آن گاه زمان خروج جنین از شکم مادر فرا می رسد، خداوند، فرشته ای به نام زاجر به سوی او می فرستد که او را بیرون براند و جنین چنان می ترسد که میثاق و پیمان را فراموش می کند و روی زمین قرار می گیرد و به علت فشار زاجر می گیرد.

(۷)

**بَابُ أَكْثَرِ مَا تَلِدُ الْمَرْأَةُ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عُمَرَ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

إِنَّ لِلرَّحِمِ أَرْبَعَةَ سُبُلٍ ، فِي أَيِّ سَبِيلٍ سَلَكَ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ مِنْهُ الْوَلَدُ وَاحِدٌ وَ اثْنَانِ وَ ثَلَاثَةٌ وَ أَرْبَعَةٌ ، وَ لَا يَكُونُ إِلَى سَبِيلٍ أَكْثَرُ مِنْ وَاحِدٍ .

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
 إِنَّ اللَّهَ تعالى خَلَقَ لِلرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَوْعِيَةٍ ، فَمَا كَانَ فِي الْأَوَّلِ فَلِأَبٍ وَ مَا كَانَ فِي الثَّانِي فَلِأُمٍّ ، وَ مَا كَانَ فِي الثَّلَاثِ فَلِلْعُمُومَةِ ، وَ مَا كَانَ فِي الرَّابِعِ فَلِلْخُثُولَةِ .

**بخش هفتم****بیشترین فرزندی که زن می زاید**

۱ - شعیب عقرقوفی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که رحم با چهار روش باردار می شود، نطفه در هر روشی قرار گیرد، فرزند همان خواهد بود: تک فرزند، دو قلو، سه قلو و چهار قلو. نطفه بیش از یک بار در یک روش قرار نمی گیرد.

۲ - محمد بن حمران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند برای رحم چهار جایگاه آفرید. اگر نطفه ای در جایگاه اول قرار گیرد به پدر شبیه خواهد بود، نطفه ای که در جایگاه دوم قرار گیرد به مادر شبیه خواهد شد، نطفه ای که در جایگاه سوم قرار گیرد به عموها و عمه ها شبیه خواهد شد و نطفه ای که در جایگاه چهارم قرار گیرد به دایی ها و خاله ها شبیه خواهد بود.

(۸)

**بَابُ فِي آدَابِ الْوِلَادَةِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا حَضَرَتْ وِلَادَةُ الْمَرْأَةِ قَالَ: أَخْرِجُوا مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ لَا يَكُونُ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَةٍ.

(۹)

**بَابُ التَّهْنِئَةِ بِالْوُلْدِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مَرَّازِمٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وُلِدَ لِي غُلَامٌ.

**بخش هشتم****آداب ولادت**

۱ - جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره به هنگام فرا رسیدن زایمان همسرش می فرمود:  
زنانی را که در اتاق هستند بیرون کنید تا نخستین کسی نباشند که به آلت فرزند نگاه می کنند.

**بخش نهم****تبریک گفتن**

۱ - برادر مزارم گوید:

شخصی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: برای من پسری متولد شده است.

- فَقَالَ: «رَزَقَكَ اللهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ، وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ. وَبَلَغَ أَشُدَّهُ وَرَزَقَكَ اللهُ بِرَّهُ».
- ۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي مَرْزِيمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي بَرْزَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ:
- وُلِدَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلُودٌ، فَأَتَتْهُ قُرَيْشٌ فَقَالُوا: يَهْنُتُكَ الْفَارِسُ.
- فَقَالَ: وَمَا هَذَا مِنَ الْكَلَامِ؟ قُولُوا: «شَكَرْتَ الْوَاهِبِ، وَبُورِكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ، وَبَلَغَ اللهُ بِهِ أَشُدَّهُ، وَرَزَقَكَ بِرَّهُ».
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُنَّا رَجُلٌ رَجُلًا أَصَابَ ابْنًا فَقَالَ: يَهْنُتُكَ الْفَارِسُ.
- فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عِلْمُكَ يَكُونُ فَارِسًا أَوْ رَاجِلًا؟
- قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا أَقُولُ؟

حضرتش این گونه تبریک فرمود:

«رَزَقَكَ اللهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ، وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ. وَبَلَغَ أَشُدَّهُ وَرَزَقَكَ اللهُ بِرَّهُ».

۲- ابو برزه اسلمی گوید:

برای امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزندی متولد شد، قریش نزد ایشان آمدند و این گونه تبریک گفتند: تولد فرزند سوارکار را تبریک می‌گوییم.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: این سخن چیست؟! بگویید:

«شَكَرْتَ الْوَاهِبِ، وَبُورِكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ، وَبَلَغَ اللهُ بِهِ أَشُدَّهُ، وَرَزَقَكَ بِرَّهُ».

۳- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی به شخصی که صاحب فرزند شده بود این گونه تبریک گفت: تولد فرزند سوارکار را تبریک می‌گوییم.

امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: از کجا می‌دانی که این فرزند سوارکار یا پیاده باشد؟! عرض کرد: فدایت گردم! پس چه بگوییم؟



قَالَ: تَقُولُ: «شَكَرْتَ الْوَاهِبَ وَبُورِكَ لَكَ فِي الْمُؤْهُوبِ، وَبَلَغَ أَشُدَّهُ وَرَزَقَكَ بِرَّهُ».

(۱۰)

### بَابُ الْأَسْمَاءِ وَالْكُنَى

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ تَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ رَجُلٍ قَدْ سَمَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي قَالَ: قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: این گونه می گوئی:

«شَكَرْتَ الْوَاهِبَ وَبُورِكَ لَكَ فِي الْمُؤْهُوبِ، وَبَلَغَ أَشُدَّهُ وَرَزَقَكَ بِرَّهُ».

### بخش دهم

### نامها و کنیهها

۱ - راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

راست ترین نامها، نامی است که به بندگی خداوند نامیده شود و برترین نامها، نام پیامبران الهی است.

۲ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پدر بزرگوارم به من فرمود که جدم امام

سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدُوا، فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَوْ ذَكَرْتُمْ أُمَّ أُنثَى فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنثَى، فَإِنْ أَسْقَطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السُّفْطُ لِأَيِّهِ: أَلَا سَمَّيْتَنِي، وَ قَدْ سَمَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ، فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ.  
 ۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُوَلَّدُ لَنَا وَلَدٌ إِلَّا سَمَّيْنَاهُ مُحَمَّدًا، فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيْرَنَا، وَ إِنْ شِئْنَا تَرَكَنَا.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ مِيَّاحٍ عَنْ فُلَانِ بْنِ حُمَيْدٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شَاوَرَهُ فِي اسْمِ وَلَدِهِ.  
 فَقَالَ: سَمِّهِ بِأَسْمَاءٍ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ.

پیش از آن که فرزندانتان متولد شوند برایشان اسم بگذارید. اگر ندانستید که پسر است یا دختر، برایش اسمی انتخاب کنید که مشترک برای پسران و دختران باشد؛ زیرا فرزندان سقط شده شما در روز قیامت به هنگام دیدار، از شما شکایت می‌کنند و می‌گویند: «چرا برای ما نام نگذاشتی؟!»

همانا پیامبر خدا ﷺ پیش از آن که محسن علیه السلام متولد شود برایش نام نهاد.

۳- موسی بن بکر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

نخستین نیکی انسان به فرزندش نام زیبا و نیکویی است که به او می‌نهد. برای فرزندان نام نیکو انتخاب کنید.

۴- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر فرزندی که برای ما متولد می‌شود نامش را «محمد» می‌گذاریم. هنگامی که هفت روز بگذرد، اگر بخواهیم آن را تغییر می‌دهیم وگرنه به همان نام می‌نامیم.

۵- ابن حمید گوید: من از امام صادق علیه السلام درباره نام گذاری فرزندم پرسیدم و با ایشان مشورت کردم.

فرمود: او را با یکی از اسمای بندگی خداوند نام گذاری نما.

فَقَالَ: أَيُّ الْأَسْمَاءِ هُوَ؟

فَقَالَ: عَبْدُ الرَّحْمَانِ.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَمِّهِ عَاصِمِ الْكُوزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمَّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَزْرَمِيِّ قَالَ: اسْتَعْمَلَ مُعَاوِيَةُ مَرْوَانَ بْنَ الْحَكَمِ عَلَى الْمَدِينَةِ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَفْرَضَ لِشَبَابِ قُرَيْشٍ فَفَرَضَ لَهُمْ.

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: فَأَتَيْتُهُ، فَقَالَ: مَا اسْمُكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؟

فَقَالَ: مَا اسْمُ أَخِيكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيُّ.

ابن حمید پرسید: آن، کدام یک از نام‌ها است؟

فرمود: عبد الرحمان.

۶- عاصم کوزی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس چهار فرزند داشته باشد، ولی هیچ کدام از آنان را به نام من نامگذاری ننماید، به راستی به من جفا کرده است.

۷- عبد الرحمان بن محمد عزرمی گوید: معاویه، مروان بن حکم را استاندار مدینه کرد

و به او فرمان داد که برای جوانان قریش سهمیه‌ای قرار دهد.

امام سجّاد عليه السلام فرمود: من نزد مروان رفتم.

مروان گفت: نام تو چیست؟

گفتم: علی بن حسین عليه السلام.

گفت: نام برادرت چیست؟

گفتم: علی.

قَالَ: عَلِيٌّ وَ عَلِيٌّ، مَا يُرِيدُ أَبُوكَ أَنْ يَدَعَ أَحَدًا مِنْ وُلْدِهِ إِلَّا سَمَّاهُ عَلِيًّا؟  
 ثُمَّ فَرَضَ لِي فَرَجَعْتُ إِلَى أَبِي فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: وَيْلِي عَلِي ابْنِ الزَّرْقَاءِ دَبَّاعَةَ  
 الْأَدَمِ! لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ  
 الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
 لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ  
 جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ.

۹- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وُلِدَ لِي عَلَامٌ فَمَاذَا أُسَمِّيهِ؟  
 قَالَ: سَمِّهِ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيَّ حَمْرَةَ.

مروان گفت: علی و علی؟! پدرت می خواهد تمام فرزندانش را علی بنامد؟!  
 آن گاه سهمیه مرا پرداخت. من نزد پدر بزرگوام بازگشتم و ماجرا را برای آن حضرت  
 بازگو کردم.

پدرم فرمود: وای بر فرزند زن چشم آبی دباع پوستها! اگر برای من صد فرزند متولد  
 شود، دوست دارم هیچ کدام را جز «علی» نام نگذارم!

۸- سلیمان جعفری گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:  
 خانه ای که در آن نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله  
 و فاطمه باشد، فقر و نادار وارد آن نمی شود.

۹- ابن قداح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 شخصی نزد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! برای من پسری متولد  
 شده است، چه نامی برایش انتخاب کنم؟  
 فرمود: او را با محبوب ترین نامها در نزد من «حمزه» نام گذاری کن.

- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ، فَإِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانٌ بِنَ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ، وَ قُمْ يَا فُلَانٌ بِنَ فُلَانٍ لَا نُورَ لَكَ.
- ۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خُثَيْمٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تُكْنِي؟ قَالَ: قُلْتُ: مَا اُكْتَنَيْتُ بَعْدَ وَ مَا لِي مِنْ وَلَدٍ وَ لَا امْرَأَةٍ وَ لَا جَارِيَةٍ. قَالَ: فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: حَدِيثٌ بَلَعْنَا عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ: وَ مَا هُوَ؟ قُلْتُ: بَلَعْنَا عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ اُكْتَنَى لَهٗ أَهْلٌ فَهُوَ أَبُو جَعْفَرٍ.

۱۰ - حسین بن زید علیه السلام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای خود نام‌های زیبا انتخاب کنید؛ چرا که شما در روز قیامت با نام‌های خود فراخوانده می‌شوید که «فلانی پسر فلانی! به سوی نورت حرکت کن و ای فلانی پسر فلانی! برخیز که نوری نداری».

۱۱ - معمر بن خثیم گوید:

امام باقر علیه السلام به من فرمود: کنیه‌ات چیست؟

گفتم: من هنوز کنیه‌ای ندارم؛ چرا که هنوز فرزند، زن و کنیزی ندارم.

فرمود: چه چیزی تو را از این کار باز داشته است؟

گفتم: حدیثی که از حضرت علی علیه السلام به ما رسیده است.

فرمود: کدام حدیث؟

گفتم: به ما روایت شده که حضرت علی علیه السلام فرمود:

هر کس بی آن که خانواده‌ای داشته باشد برای خود کنیه‌ای بگذارد او «ابو جعفر»<sup>(۱)</sup> است.

۱ - نوعی سوسک مدفوع خوار.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَوْهٌ، لَيْسَ هَذَا مِنْ حَدِيثِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنَّا لَنُكْنِي أَوْلَادَنَا فِي صِغَرِهِمْ مَخَافَةَ النَّبْرِ أَنْ يَلْحَقَ بِهِمْ.

۱۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَصْرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّكُوبَ إِلَى بَعْضِ شِيعَتِهِ لِيُعَوِّدَهُ، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! الْحَقْنِي.

فَتَبِعْتُهُ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى بَابِ الدَّارِ خَرَجَ عَلَيْنَا ابْنٌ لَهُ صَغِيرٌ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اسْمُكَ؟

قَالَ: مُحَمَّدٌ.

قَالَ: فَبِمَا تُكْنِي؟

قَالَ: بِعَلِيِّ.

فرمود: اشتباهی رخ داده است. این حدیث از حضرت علی علیه السلام نیست؛ چرا که ما برای فرزندان خود در دوران کودکی از بیم آن که لقب ناپسندی بر آنان گذاشته شود، کنیه انتخاب می‌کنیم.

۱۲ - جابر گوید:

امام باقر علیه السلام می‌خواست سوار مرکب شود و به عیادت یکی از شیعیان برود. به من فرمود: ای جابر! با من بیا.

من در پی آن حضرت به راه افتادم، هنگامی که آن حضرت به درب خانه آن شخص رسید، پسر کوچکش بیرون آمد.

حضرت به او فرمود: اسمت چیست؟

گفت: محمد.

فرمود: کنیه‌ات چیست؟

گفت: علی.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ احْتَضَرْتَ مِنَ الشَّيْطَانِ احْتِظَارًا شَدِيدًا، إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا سَمِعَ مُنَادِيًا يُنَادِي: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصُ، حَتَّى إِذَا سَمِعَ مُنَادِيًا يُنَادِي بِاسْمِ عَدُوٍّ مِنْ أَعْدَائِنَا اهْتَزَّ وَ اخْتَالَ.

۱۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَفْوَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ، أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ أَذِنَ لَهُمْ فِي التَّسْمِيَةِ بِهِ، فَمَنْ أَذِنَ لَهُمْ فِي «يس» يَعْنِي التَّسْمِيَةَ وَ هُوَ اسْمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَعَا بِصَحِيفَةٍ حِينَ حَضَرَهُ الْمَوْتُ يُرِيدُ أَنْ يَنْهَى عَنْ أَسْمَاءٍ يُتَسَمَّى بِهَا فَقَبِضَ وَ لَمْ يُسَمِّهَا مِنْهَا الْحَكَمَ وَ حَكِيمَ وَ خَالِدَ وَ مَالِكََ. وَ ذَكَرَ أَنَّهَا سِتَّةٌ أَوْ سَبْعَةٌ مِمَّا لَا يَجُوزُ أَنْ يُتَسَمَّى بِهَا.

فرمود: به راستی که خود را سخت از شیطان دور نموده‌ای؛ چرا که شیطان هنگامی که بشنود نداده‌ای ندا می‌دهد: «یا محمد!»، «یا علی!» به سان سرب ذوب می‌شود و هنگامی که بشنود نداده‌ای نام یکی از دشمنان ما را ندا می‌دهد، می‌جنبد و مغرور می‌گردد. ۱۳ - راوی گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

فقط نام «محمد» اجازه داده شد که مردم به آن نامیده شوند؛ ولی چه کسی اجازه نام گذاری به «یس» را به مردم داده است؟! که «یس» نام ویژه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است. ۱۴ - حماد بن عثمان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در هنگام وفات ورقی درخواست کرد و تصمیم داشت که از نام گذاری چند اسم که تا آن زمان نام گذاری می‌شد، نهی نماید. اما قبض روح شد و آن اسم‌ها را بیان نفرمود، آن نام‌ها عبارتند از: حکم، حکیم، خالد و مالک. حماد گوید: آن حضرت یادآور شد که آن نام‌ها شش یا هفت - تردید از راوی است - نام‌اند که نام گذاری به آنان جایز نیست.

- ۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
 أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ أَرْبَعٍ كُنِيَ عَنْ أَبِي عَيْسَى وَ عَنِ أَبِي الْحَكَمِ وَ عَنِ أَبِي مَالِكٍ  
 وَ عَنِ أَبِي الْقَاسِمِ إِذَا كَانَ الْإِسْمُ مُحَمَّدًا.
- ۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ  
 الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِنَّ أَبْغَضَ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَارِثٌ وَ مَالِكٌ وَ خَالِدٌ.
- ۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ  
 أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ رَجُلًا كَانَ يَغْشَى عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ كَانَ يُكْنَى أَبَا مَرَّةٍ،  
 فَكَانَ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ يَقُولُ: أ أَبُو مَرَّةٍ بِالْبَابِ.
- فَقَالَ لَهُ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِاللَّهِ! إِذَا جِئْتَ إِلَيَّ بَابِنَا فَلَا تَقُولَنَّ: أ أَبُو مَرَّةٍ.

۱۵ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از چهارکنیه نهی نمود: ابو عیسی، ابو حکم، ابو مالک و ابو القاسم؛ در صورتی که نام شخص، «محمد» باشد.

۱۶ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به راستی که مبعوض ترین نامها نزد خداوند: حارث، مالک و خالد است.

۱۷ - زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

شخصی با کنیه ابو مرّه خدمت امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب می شد، او به هنگام اجازه ورود می گفت: «ابو مرّه پشت درب است».

امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: تو را به خدا سوگند! آن گاه که کنار درب خانه ما آمدی نگو: «ابو مرّه» پشت درب است.



(۱۱)

**بَابُ تَسْوِيَةِ الْخُلُقَةِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا بُشِّرَ بِالْوَلَدِ لَمْ يَسْأَلْ أَذَكَرْهُ أَمْ أُنْثَى حَتَّى يَقُولَ: أَسْوِيٌّ. فَإِنْ كَانَ سَوِيًّا، قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئاً مُشَوَّهاً.

(۱۲)

**بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ أَنْ تُطْعَمَ الْخُبْلَى وَ النَّفْسَاءُ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ شَرْحِبِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ: تَأْكُلُ السَّفْرَجَلُ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يَكُونُ أَطْيَبَ رِيحاً وَ أَضْفَى لَوْناً.

**بخش یازدهم****سالم بودن کودک**

۱- راوی گوید:

هنگامی که به امام سجّاد عليه السلام بشارت می‌دادند که صاحب فرزندی شده است؛ نمی‌پرسید که پسر است یا دختر؟ تا این که می‌فرمود: آیا سالم و تندرست است؟ اگر سالم بود می‌فرمود: ستایش خدایی را که از من فرزند بدشکل نیافرید.

**بخش دوازدهم****غذاهایی که مستحب است زن باردار و زن زائو بخورد**

۱- شرحبیل بن مسلم گوید که حضرتش فرمود:

بر زن باردار است که «به» بخورد؛ زیرا فرزند خوش بوتر و خوش رنگ‌تر خواهد بود.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَنَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَ السَّفَرَجَلِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:  
خَيْرُ تُمُورِكُمْ الْبَرْنِيُّ، فَأَطْعِمُوهُ نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ تَخْرُجَ أَوْلَادُكُمْ زَكِيًّا حَلِيمًا.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

لِيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النَّفْسَاءُ الرُّطْبَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرْيَمَ: ﴿وَهْزِي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا﴾.

۲ - محمد بن مسلم گوید:

امام صادق عليه السلام به پسر زیبایی نگاه کرد و فرمود: پدر این پسر «به» میل کرده است.

۳ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

بهترین خرماي شما، خرماي «برنی» است؛ به زنانان در دوران بارداری خرماي برنی بخورانی که فرزندانتان پاکیزه و بردبار خواهند شد.

۴ - راوی گوید: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

نخستین چیزی که بایستی زن زائو بخورد، رطب است؛ زیرا خداوند تعالی به مریم عليها السلام

فرمود: «و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده؛ رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد».

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَوْانُ الرُّطْبِ.

قَالَ: سَبْعَ تَمَرَاتٍ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبْعَ تَمَرَاتٍ مِنْ تَمْرِ  
أَمْصَارِكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ ارْتِفَاعَ مَكَانِي! لَا تَأْكُلُ  
نُفْسَاءُ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبَ فَيَكُونُ غُلَامًا إِلَّا كَانَ حَلِيمًا وَإِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ حَلِيمَةً.  
۵ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الشَّامِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ:  
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

أَطْعَمُوا الْبُرْنِيَّ نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ تَحْلُمُ أَوْلَادُكُمْ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَبِيصَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ  
النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي مُوسَى عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الشَّامِيِّ عَنْ سُفْيَانَ  
الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِي زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر فصل رطب نباشد چه؟

فرمود: هفت خرما از خرماهای مدینه؛ و در غیر این صورت، هفت خرما از خرماهای  
شهر خودتان؛ چرا که خداوند ﷻ می فرماید: به عزت و شکوه و عظمت و والایی مرتبه ام  
سوگند! هر زن زائویی در روز زایمانش خرما بخورد، نوزادش بردبار خواهد بود.

۵ - صالح بن عقبه گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود:

به زنان در دوران نفاس برنی بخوراند که فرزندان بردبار می شوند.

۶ - ابو زیاد گوید: امام حسن ﷺ فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

أَطْعَمُوا حَبَالًا كُمُ اللَّبَانِ، فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غُذِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ  
وَزِيدَ فِي عَقْلِهِ، فَإِنْ يَكُ ذَكَرًا كَانَ شُجَاعًا، وَإِنْ وُلِدَتْ أُتْنَى عَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا  
فَتَحْظَى بِذَلِكَ عِنْدَ زَوْجِهَا.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ  
عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَطْعَمُوا حَبَالًا كُمُ ذَكَرِ اللَّبَانِ، فَإِنْ يَكُ فِي بَطْنِهَا غَلَامٌ خَرَجَ ذَكِيَّ الْقَلْبِ عَالِمًا  
شُجَاعًا، وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا وَعَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا وَحَظِيَتْ عِنْدَ  
زَوْجِهَا.

به زنان باردار خود کُنْدُر بخورانید؛ زیرا اگر جنین در شکم مادرش با آن تغذیه شود،  
قلبش محکم و استوار و عقلش افزون می‌گردد؛ اگر پسر باشد شجاع و دلیر خواهد بود و  
اگر دختر به دنیا بیاید باسنش بزرگ خواهد بود و نزد شوهرش عزیز خواهد بود.

۷- محمد بن سنان گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به همسران باردارتان «کُنْدُرِ نر» بخورانید؛ زیرا جنین در شکم مادر، پسر پاک دل،  
دانشمند، و شجاع به دنیا خواهد آمد و اگر دختر باشد، اخلاق و سیمایش زیبا و باسنش  
بزرگ خواهد بود و نزد شوهرش عزیز خواهد بود.

(۱۳)

**بَابُ مَا يُفْعَلُ بِالْمَوْلُودِ مِنَ التَّحْنِيكِ وَ غَيْرِهِ إِذَا وُلِدَ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الصَّيْقَلِيِّ عَنْ أَبِي يَحْيَى الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا وُلِدَ لَكُمْ الْمَوْلُودُ أَيُّ شَيْءٍ تَصْنَعُونَ بِهِ؟  
 قُلْتُ: لَا أَذْرِي مَا نَصْنَعُ بِهِ؟  
 قَالَ: خُذْ عَدَسَةً جَاوِشِيرَ فَدْفُفْهُ بِمَاءٍ ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمَنْخَرِ الْأَيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ وَ فِي الْأَيْسَرِ قَطْرَةً وَاحِدَةً وَ أَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْأَيْمَنِ وَ أَقِمْ فِي الْأَيْسَرِ تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تُقَطَعَ سُرَّتُهُ، فَإِنَّهُ لَا يَفْرَعُ أَبَدًا وَ لَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصَّبِيَّانِ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

**بخش دوازدهم****مراسم تولد و کام‌گشایی نوزاد**

- ۱ - ابو یحیی رازی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 چه مراسمی به هنگام تولد نوزاد دارید؟  
 عرض کردم: مراسم خاصی را سراغ ندارم.  
 فرمود: به هنگام تولد نوزادی به اندازه یک عدس «جاوشیر» را با آب مخلوط کن سپس دو قطره از آن را در سوراخ سمت راست بینی نوزاد و یک قطره را در سوراخ سمت چپ او بچکان. درگوش راستش اذان بگویی و درگوش چپ، اقامه. این کار را پیش از بریدن ناف انجام ده؛ زیرا در این صورت کودک هیچ‌گاه نمی‌ترسد و دچار «أم الصبیان»<sup>(۱)</sup> نخواهد شد.
- ۲ - حفص کناسی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

۱ - نوعی بیماری: صرع و بادی است که نوزادان به آن مبتلا شده و دچار غش می‌گردند.

مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الَّتِي مَنَى فَلَا يُصِيبُهُ لَمَمٌ وَ لَا تَابِعَةٌ أَبَدًا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: يُحَنِّكَ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ يَقَامُ فِي أُذُنِهِ.

۴- وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ بِتُرْبَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَبِمَاءِ السَّمَاءِ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

به قابله نوزاد دستور دهید که در گوش راست نوزاد اذان بگوید؛ در این صورت کودک دچار «لمم» (نوعی دیوانگی) و «تابعه» (مرد و زن جنی که همیشه همراه انسان هستند) نخواهد شد.

۳- راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نوزاد با آب فرات کام گشایی شده و در گوشش اقامه گفته می شود.

۴- راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نوزادان خود را با آب فرات و تربت قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کام بگشایید. اگر آب فرات نبود، با آب باران.

۵- ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نوزادان خود را با خرما کام گشایی کنید. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را چنین کام گشایی کرد.

۶- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيُقِيمَ فِي الْيُسْرَى،  
فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

(۱۴)

### بَابُ الْعَقِيْقَةِ وَ وُجُوْبِهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمَزَةَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع قَالَ:  
الْعَقِيْقَةُ وَاجِبَةٌ إِذَا وُلِدَ لِلرَّجُلِ وَلَدٌ، فَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يُسَمِّيَهُ مِنْ يَوْمِهِ فَعَلَّ.  
۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ  
مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع  
قَالَ:  
كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيْقَةِ

هر کس درگوش راست نوزادش اذان و درگوش چپ او اقامه بگوید، او را از شیطان  
رانده شده دور کرده است.

### بخش چهاردهم

### عقیده و وجوب آن

۱ - علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم ع فرمود:  
آن گاه که برای انسانی فرزندی متولد گردد، عقیده واجب است، اگر دوست دارد از  
همان روز تولد برایش نام بگذارد، این کار را انجام دهد.  
۲ - ابو خدیجه گوید: امام صادق ع فرمود:  
هر نوزادی درگروی عقیده است.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي وَ اللَّهِ! مَا أَذْرِي كَانَ أَبِي عَقَّ عَنِّي أَمْ لَا.
- قَالَ: فَأَمْرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَعَقَقْتُ عَنْ نَفْسِي وَ أَنَا شَيْخٌ .  
وَ قَالَ عُمَرُ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:  
كُلُّ امْرِئٍ مُرْتَهَنٌ بِعَقِيْقَتِهِ ، وَ الْعَقِيْقَةُ أَوْجِبُ مِنَ الْأُضْحِيَّةِ .
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِعَقِيْقَتِهِ .
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيْقَةِ أَوْ اجِبَةٌ هِيَ؟  
قَالَ: نَعَمْ وَ اجِبَةٌ .

- ۳- عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به خدا سوگند! نمی دانم پدرم برایم عقیقه داده است یا نه.
- امام عليه السلام به من دستور فرمود که برای خودم عقیقه بدهم با این که پیری سالمند بودم. هم چنین گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:  
هر انسانی درگرو عقیقه است و عقیقه از قربانی روز عید قربان واجب تر است.
- ۴- عمار بن موسی سباطی گوید امام صادق عليه السلام فرمود: هر نوزادی درگرو عقیقه است.

- ۵- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا عقیقه واجب است؟  
فرمود: آری، واجب است.



۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَجَاءَهُ رَسُولُ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ لَهُ: يَقُولُ لَكَ عَمُّكَ: إِنَّا طَلَبْنَا الْعَقِيْقَةَ، فَلَمْ نَجِدْهَا فَمَا تَرَى نَتَصَدَّقُ بِثَمَنِهَا؟  
فَقَالَ: لَا، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِرَاقَةَ الدَّمَاءِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
قَالَ الْعَقِيْقَةُ وَاجِبَةٌ.

۸- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
وُلِدَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَلَامَانِ جَمِيعاً، فَأَمَرَ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ جَزْوَرَيْنِ لِلْعَقِيْقَةِ، وَكَانَ زَمَنٌ غَلَاءٍ فَاشْتَرَى لَهُ وَاحِدَةً وَعَسْرَتَ عَلَيْهِ الْأُخْرَى، فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَدْ عَسْرَتَ عَلَيَّ الْأُخْرَى فَتَصَدَّقْ بِثَمَنِهَا.

۶- عبدالله بن بکیر گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که شخصی از جانب عمویش - عبدالله بن علی بن الحسین عليه السلام - آمد و گفت: عمویتان می گوید: ما جست و جو کردیم و گوسفند عقیقه پیدا نکردیم، نظر شما چیست؟ آیا می توانیم قیمت آن را صدقه دهیم؟ امام صادق عليه السلام در پاسخ او فرمود: نه. خداوند تعالی دوست دارد که مردم را خوراک بدهند و خون قربانی را بر زمین بریزند.

۷- علی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: عقیقه واجب است.

۸- محمد بن مسلم گوید: خداوند به امام باقر عليه السلام دو پسر عطا کرده بود. آن حضرت به برادرش زید بن علی عليه السلام فرمود تا دو شتر پرواری برای عقیقه فرزندانش تهیه کند و چون دوره گرانی و کمیابی بود، زید بن علی عليه السلام موفق شد که یک شتر خریداری کند و شتر دوم مقدور نشد.

به امام باقر عليه السلام گفت: شتر دیگری نیافتیم می توانم بهای آن را صدقه بدهم؟

فَقَالَ: لَا، أَطْلُبُهَا حَتَّى تَقْدِرَ عَلَيْهَا، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يُحِبُّ إِهْرَاقَ الدَّمَاءِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاذِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
الْغُلَامُ رَهْنٌ بِسَابِعِهِ بِكَبْشٍ يُسَمَّى فِيهِ وَ يُعَقُّ عَنْهُ.  
وَ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ ع حَلَقَتْ ابْنَيْهَا وَ تَصَدَّقَتْ بِوَزْنِ شَعْرِهِمَا فِضَّةً.

(۱۵)

### بَابُ أَنْ عَقِيقَةَ الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى سَوَاءٌ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيقَةِ.  
فَقَالَ: فِي الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى سَوَاءٌ.

امام باقر ع فرمود: نه. جست و جوکن تا پیدا کنی؛ چراکه خداوند ع دوست دارد که خون قربانی ریخته شود و به مردم غذا داده شود.  
۹- معاذ فرآء گوید: امام صادق ع فرمود:  
نوزاد پسر درگروی هفتمین روز تولدش با قربانی کردن یک قوچ است؛ در این روز نام گذاری می شود و برایش عقیقه می کشند.  
و فرمود: حضرت فاطمه ع موی سر دو نوزاد پسر خود را تراشید و درازای وزن موی آنان، نقره صدقه داد.

### بخش پانزدهم

#### تساوی عقیقه دختر و پسر

۱ - سماعه گوید: از امام صادق ع پرسیدم: عقیقه دختر و پسر فرق دارد؟  
فرمود: عقیقه دختر و پسر یکسان است.

- ۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ  
الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
الْعَقِيْقَةُ فِي الْغُلَامِ وَالْجَارِيَةِ سَوَاءٌ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيْقَةِ.  
فَقَالَ: عَقِيْقَةُ الْغُلَامِ وَالْجَارِيَةِ كَبْشُ كَبْشٍ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ  
شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
عَقِيْقَةُ الْغُلَامِ وَالْجَارِيَةِ كَبْشٌ.

۲- منصور بن حازم نیز نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳- ابن مسکان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برای عقیقه چه نوع گوسفندی تهیه

کنیم؟

فرمود: برای نوزاد پسر یک قوچ و برای نوزاد دختر نیز یک قوچ.

۴- نظیر این روایت را ابو بصیر نیز از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

(۱۶)

**بَابُ أَنَّ الْعَقِيْقَةَ لَا تَجِبُ عَلٰی مَنْ لَا يَجِدُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْعَقِيْقَةِ عَلٰی الْمُؤَسِّرِ وَالْمُعْسِرِ.

فَقَالَ: لَيْسَ عَلٰی مَنْ لَا يَجِدُ شَيْءٌ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُوْنُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيْقَةِ عَلٰی الْمُعْسِرِ وَالْمُؤَسِّرِ. فَقَالَ: لَيْسَ عَلٰی مَنْ لَا يَجِدُ شَيْءٌ.

**بخش شانزدهم****عدم وجوب عقیقه بر خانواده ناتوان**

۱ - اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: عقیقه فرزند بر دولتمند و فقیر لازم

است؟

فرمود: بر کسی که دست‌رسی ندارد، واجب نیست.

۲ - اسحاق بن عمّار نظیر این روایت را از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند.

(۱۷)

**بَابُ أَنَّهُ يُعَقُّ يَوْمَ السَّابِعِ لِلْمَوْلُودِ وَ يُحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يُسَمِّي**

- ۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَقَّ عَنْهُ وَ أَحْلَقَ رَأْسَهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَ تَصَدَّقَ بِوَزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً وَ أَفْطَعَ الْعَقِيْقَةَ جَدَاوِي وَ أَطْبَخَهَا وَ ادَّعَى عَلَيْهَا رَهْطًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.
- ۲ - وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَمَّادِ بْنِ عُدَيْسٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ ذَلِكَ تَبَدُّأُ؟ قَالَ: تَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ تَعُقُّ عَنْهُ وَ تَصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً وَ يَكُونُ ذَلِكَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ.

**بخش هفدهم****برنامه‌های هفتمین روز تولد نوزاد**

- ۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
روز هفتم تولد نوزاد، عقیقه کن و سر نوزاد را بتراش و موی سر او را در ترازو بگذار و معادل آن نقره در راه خدا صدقه کن. اعضای عقیقه را از بندها جدا کن و از آن خوراکی تهیّه کن و گروهی از مسلمانان را به میهمانی دعوت کن.
- ۲ - اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: در مراسم عقیقه با کدام برنامه شروع نمایم؟  
فرمود: ابتدا باید گوسفند عقیقه را قربانی کنید، سپس سر نوزاد را بتراشید و معادل آن نقره صدقه دهید. مراسم قربانی و سر تراشی در یک مکان انجام شود.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيْقَةِ أَوْ اجِبَةِ هِيَ؟ قَالَ: نَعَمْ، يُعْتَقُ عَنْهُ وَ يُحَلَقُ رَأْسُهُ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعَةٍ وَ يُوزَنُ شَعْرُهُ فِضَّةً أَوْ ذَهَبًا يُتَصَدَّقُ بِهِ وَ تُطْعَمُ الْقَابِلَةُ رُبْعَ الشَّاةِ وَ الْعَقِيْقَةُ شَاةٌ أَوْ بَدَنَةٌ
- ۴- وَ عَنْهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
- إِذَا كَانَ يَوْمَ السَّابِعِ وَ قَدْ وُلِدَ لِأَحَدِكُمْ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَلْيُعَقِّ عَنْهُ كَبْشًا عَنِ الذَّكَرِ ذَكَرًا، وَ عَنِ الْأُنثَى مِثْلَ ذَلِكَ عَقُّوا عَنْهُ وَ أَطْعَمُوا الْقَابِلَةَ مِنَ الْعَقِيْقَةِ وَ سَمُوهُ يَوْمَ السَّابِعِ.
- ۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبَانَ عَنِ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۳- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: عقیقه نوزاد، واجب است؟ فرمود: آری. ابتدا عقیقه را قربانی می‌کنند، سپس سر نوزاد هفت روزه را می‌تراشند، بعد موی سر او را در ترازو می‌نهند و معادل آن نقره و یا طلا در راه خدا صدقه می‌دهند. یک چهارم عقیقه را - که یک ران کامل است - باید به قابله نوزاد تقدیم کنند. عقیقه یک گوسفند و یا یک شتر ماده است.
- ۴- راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
- هرگاه برای یکی از شما پسر یا دختری به دنیا آمد و روز هفتم تولد او فرا رسید، برای او یک گوسفند عقیقه داده می‌شود؛ برای نوزاد پسر یک قوچ و برای دختر هم یک قوچ. برای نوزاد عقیقه دهید و از گوشت عقیقه به قابله تقدیم کنید، هم چنین در هفتمین روز برای نوزاد نام انتخاب کنید.
- ۵- حفص کناسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ عُقِّ عَنْهُ وَ حُلِقَ رَأْسُهُ وَ تُصَدَّقُ بوزنِ شَعْرِهِ وَرِقاً وَ أُهْدَى إِلَى الْقَابِلَةِ الرَّجُلِ وَ الْوَرِكِ وَ يُدْعَى نَفَرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَ يَدْعُونَ لِلْغَلَامِ وَ يُسَمَّى يَوْمَ السَّابِعِ .

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :  
الصَّبِيُّ يُعَقُّ عَنْهُ وَ يُحَلَقُ رَأْسُهُ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعَةِ أَيَّامٍ وَ يُوزَنُ شَعْرُهُ وَ يُتَصَدَّقُ عَنْهُ بِوزنِ شَعْرِهِ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً وَ يُطْعَمُ الْقَابِلَةَ الرَّجُلِ وَ الْوَرِكُ .  
وَ قَالَ : الْعَقِيقَةُ بَدَنَةٌ أَوْ شَاةٌ .

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

هرگاه نوزادی به دنیا بیاید، بر او عقیقه می دهند و موی سرش را تراشیده و در مقابل وزن آن، نقره صدقه می دهند و ران عقیقه را به قابله تقدیم می کنند و گروهی از مسلمانان را برای میهمانی دعوت می کنند، آنان می خورند و برای نوزاد پسر دعا می نمایند. هم چنین در روز هفتم تولد نام نوزاد انتخاب می شود.

۶- سماعه نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کند و در ادامه گوید: حضرتش فرمود: عقیقه یک شتر ماده یا یک گوسفند است.

۷- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَعُقِّ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ شَاةً أَوْ جَزُورًا وَكُلَّ مِنْهَا وَأَطْعِمَ وَسَمَّ وَاحْلِقْ رَأْسَهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَتَصَدَّقْ بِوَزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً وَاعْطِ الْقَابِلَةَ طَائِفَةً مِنْ ذَلِكَ، فَأَيُّ ذَلِكَ فَعَلْتَ فَقَدْ أَجَزَّاكَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَالحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّبِيِّ الْمَوْلُودِ مَتَى يُذْبَحُ عَنْهُ وَ يُحْلَقُ رَأْسُهُ وَ يُتَصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ وَ يُسَمَّى؟ قَالَ: كُلُّ ذَلِكَ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيْقَةِ عَنِ الْمَوْلُودِ كَيْفَ هِيَ؟

هرگاه برای تو پسری یا دختری متولد شد، هفتمین روز تولدش یک گوسفند یا شتر عقیقه کن و خودت از آن بخور و به دیگران نیز بخوران و برای نوزاد نام گذار و در آن روز موی سرش را بتراش و معادل وزن آن طلا یا نقره صدقه بده و قسمتی از عقیقه را به قابله تقدیم کن، پس هر کدام از اینها را انجام دهی، کفایت می کند.

۸- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: چه هنگامی برای نوزاد عقیقه داده می شود، موی سرش تراشیده و در مقابل آن، صدقه داده می شود و برایش نام نهاده می شود؟

فرمود: همه اینها در هفتمین روز تولد نوزاد است.

۹- عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: عقیقه نوزاد چگونه است؟



قَالَ: إِذَا أَتَى لِلْمَوْلُودِ سَبْعَةُ أَيَّامٍ يُسَمَّى بِالِاسْمِ الَّذِي سَمَّاهُ اللَّهُ ﷻ بِهِ، ثُمَّ يُحْلَقُ رَأْسُهُ وَ يُتَّصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً وَ يُذْبَحُ عَنْهُ كَبْشٌ، وَ إِنْ لَمْ يُوْجَدْ كَبْشٌ أَوْ جَزَاءُهُ مَا يُجْزَى فِي الْأُضْحِيَّةِ، وَ إِلَّا فَحَمَلٌ أَعْظَمُ مَا يَكُونُ مِنْ حُمَلَانِ السَّنَةِ وَ يُعْطَى الْقَابِلَةَ رُبْعَهَا، وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ قَابِلَةً فَلِأُمَّهُ تُعْطِيهَا مَنْ شَاءَتْ، وَ تُطْعَمُ مِنْهُ عَشْرَةَ مِنْ الْمُسْلِمِينَ. فَإِنْ زَادُوا فَهُوَ أَفْضَلُ وَ تَأْكُلُ مِنْهُ وَ الْعَقِيْقَةُ لَازِمَةٌ إِنْ كَانَ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا إِذَا أَيْسَرَ، وَ إِنْ لَمْ يَعْقُ عَنْهُ حَتَّى ضَحَّى عَنْهُ فَقَدْ أَجْرَانَهُ الْأُضْحِيَّةُ. وَ قَالَ: إِنْ كَانَتْ الْقَابِلَةُ يَهُودِيَّةً لَا تَأْكُلُ مِنْ ذَبِيْحَةِ الْمُسْلِمِينَ أُعْطِيَتْ قِيْمَةَ رُبْعِ الْكَبْشِ.

۱۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَوْلُودِ قَالَ: يُسَمَّى فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ وَ يُعْقُ عَنْهُ وَ يُحْلَقُ رَأْسُهُ وَ يُتَّصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً، وَ يُبْعَثُ إِلَى الْقَابِلَةِ بِالرَّجُلِ مَعَ الْوَرِكِ وَ يُطْعَمُ مِنْهُ وَ يُتَّصَدَّقُ.

فرمود: هرگاه هفتمین روز تولد نوزاد فرا رسید، به همان نامی که خداوند برایش انتخاب نموده است، نام‌گذاری می‌شود، سپس موی سرش تراشیده می‌شود و در معادل وزن آن طلا یا نقره صدقه داده می‌شود. عقیقه بایستی قوج باشد و اگر قوج یافت نشود، هر چه که در قربانی روز عید قربان کفایت می‌کند، همان کافی است، و گرنه بزرگترین بره آن سال ذبح شود.

یک چهارم عقیقه به قابله تقدیم شود و اگر نوزاد قابله نداشته باشد، سهمش از آن مادر نوزاد خواهد بود که به هر کس که بخواهد تقدیم می‌کند و از گوشت عقیقه به ده نفر مسلمان اطعام می‌شود و اگر بیشتر باشند فضیلت بیشتری دارد و از عقیقه می‌خورند و عقیقه ثروتمند و فقیر - در صورتی که فقیر بتواند عقیقه بدهد - لازم است. اگر برای نوزاد عقیقه نشود و در روز عید قربان از عوض او قربانی کنند، همان برای نوزاد کافی است. و فرمود: در صورتی که قابله یهودی باشد، نباید از عقیقه مسلمانان بخورد؛ بلکه یک چهارم قیمت قوج به او پرداخت می‌شود.

۱۰- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد نوزاد فرمود:

نوزاد در هفتمین روز تولد نام‌گذاری می‌شود و برای او عقیقه قربانی می‌شود و موی سرش تراشیده و معادل آن نقره صدقه می‌دهند و یک ران برای قابله تقدیم می‌کنند و از آن به دیگران اطعام و صدقه داده می‌شود.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ  
عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
الْعَقِيْقَةُ يَوْمَ السَّابِعِ وَ يُعْطَى الْقَابِلَةَ الرَّجُلُ مَعَ الْوَرِكِ وَ لَا يُكْسَرُ الْعَظْمُ .

۱۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ حَفْصِ  
الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
الصَّبِيُّ إِذَا وُلِدَ عُنُقَ عَنْهُ وَ حُلِقَ رَأْسُهُ يُتَصَدَّقُ بِوِزْنِ الشَّعْرِ وَ أُهْدَى إِلَى الْقَابِلَةَ  
الرَّجُلُ مَعَ الْوَرِكِ وَ يُدْعَى نَفَرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَ يَدْعُونَ لِلْغُلَامِ وَ يُسَمَّى  
يَوْمَ السَّابِعِ .

۱۱ - کاهلی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مراسم عقیقه در روز هفتم نوزاد عملی می شود و بایستی به قابله یک ران کامل که یک  
چهارم عقیقه است تقدیم کنند و استخوان عقیقه را نشکنند.

۱۲ - حفص کناسی گوید امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه نوزادی به دنیا بیاید، بر او عقیقه می دهند و موی سرش را تراشیده و در مقابل  
وزن آن، نقره صدقه می دهند و ران عقیقه را به قابله تقدیم می کنند و گروهی از مسلمانان  
را برای میهمانی دعوت می کنند، آنان می خورند و برای نوزاد پسر دعا می نمایند. هم  
چنین در روز هفتم تولد نام نوزاد انتخاب می شود.

(۱۸)

**بَابُ أَنَّ الْعَقِيْقَةَ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْأُضْحِيَّةِ وَ أَنَّهَا تُجَزَى مَا كَانَتْ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مِنْهَالِ الْقَمَّاطِ قَالَ:
- قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ أَصْحَابَنَا يَطْلُبُونَ الْعَقِيْقَةَ إِذَا كَانَ إِبْنُ تَقْدَمِ الْأَعْرَابِ فَيَجِدُونَ الْفُحُولَةَ وَإِذَا كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ الْإِبْنِ لَمْ تُوْجَدْ فَتَعَزُّ عَلَيْهِمْ.
- فَقَالَ: إِنَّمَا هِيَ شَاةٌ لَحْمٌ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْأُضْحِيَّةِ يُجَزَى مِنْهَا كُلُّ شَيْءٍ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنْ مُرَّازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- الْعَقِيْقَةُ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْهَدْيِ خَيْرُهَا أَسْمَنُهَا.

**بخش هیجدهم****تفاوت عقیقه با قربانی روز عید قربان**

۱ - منهال قماط گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم:

یاران ما به هنگام آمدن عرب‌های بادیه نشین در پی قربانی عقیقه می‌روند و گوسفند نر می‌یابند. اما در زمان‌های دیگر گوسفند نر نمی‌یابند و کمیاب می‌شود (تکلیف چیست؟)

فرمود: منظور از عقیقه کردن فقط گوشت گوسفند است و عقیقه مانند قربانی نیست که تنها گوسفند نر ذبح می‌شود، در عقیقه هر چیزی - به جای گوسفند نر - کفایت می‌کند.

۲ - مرآزم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عقیقه مانند قربانی نیست؛ بهترین آن، فربه‌ترین آن است.

(۱۹)

## بَابُ الْقَوْلِ عَلَى الْعَقِيْقَةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ جَمِيعاً عَنْ  
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَقُولُ عَلَى  
الْعَقِيْقَةِ إِذَا عَقَّقْتَ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ اللّهُمَّ عَقِيْقَةً عَنْ فُلَانٍ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ، اللّهُمَّ  
اجْعَلْهُ وَقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ  
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا ذَبَحْتَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللهُ أَكْبَرُ إِيمَاناً بِاللهِ وَ تَنَاءً عَلَى رَسُولِ  
اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

## بخش نوزدهم

## آداب و دعای عقیقہ

۱- ابراهیم کرخی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در موقع قربانی کردن عقیقہ می گویی:  
«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ اللّهُمَّ عَقِيْقَةً عَنْ فُلَانٍ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً  
لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

۲- راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگامی کہ می خواهی عقیقہ را ذبح کنی بگو:  
«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللهُ أَكْبَرُ إِيمَاناً بِاللهِ وَ تَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ۹ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ الشُّكْرَ  
لِرِزْقِهِ وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

فَإِنْ كَانَ ذَكَرًا، فَقُلِ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أُعْطِيتَ وَ كُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ ﷺ وَ أَحْسَأُ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءِ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: تَقُولُ عَلَى الْعَقِيْقَةِ ذَكَرٌ مِثْلُهُ وَ زَادَ فِيهِ:

«اللَّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَ جِلْدُهَا بِجِلْدِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَذْبَحَ الْعَقِيْقَةَ قُلْتَ: «يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

اگر نوزاد پسر باشد چنین بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أُعْطِيتَ وَ كُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ ﷺ وَ أَحْسَأُ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءِ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۳ - نظیر این روایت را راوی دیگری از امام صادق ﷺ نقل می کند و می گوید: امام صادق ﷺ افزود: به هنگام ذبح عقیقه می گویی:

«اللَّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَ جِلْدُهَا بِجِلْدِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».

۴ - عَمَّارِ بْنِ مُوسَى گوید: امام صادق ﷺ فرمود: هنگامی که خواستی عقیقه را ذبح کنی بگو:

«يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

«اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» وَ تَسْمِي الْمَوْلُودِ بِاسْمِهِ ، ثُمَّ تَذْبِحُ .

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ : يُقَالُ عِنْدَ الْعَقِيْقَةِ :

«اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ مَا وَهَبْتَ وَ أَنْتَ أَعْطَيْتَ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنَّا عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه وآله وَ نَسْتَعِيْذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ» .

وَ تَسْمِي وَ تَذْبِحُ وَ تَقُولُ : «لَكَ سُفِكَتِ الدَّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، اللَّهُمَّ احْسَبْ الشَّيْطَانَ الرَّجِيْمِ» .

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الْعَقِيْقَةِ :

«اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» . آن گاه نوزاد را نام می بری، سپس عقیقه را ذبح می کنی .

۵ - محمد بن مارد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هنگام ذبح عقیقه چنین دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ مَا وَهَبْتَ وَ أَنْتَ أَعْطَيْتَ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنَّا عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه وآله وَ نَسْتَعِيْذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ» .

آن گاه «بسم الله» می گویی و عقیقه را ذبح می کنی و می گویی: «لَكَ سُفِكَتِ الدَّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، اللَّهُمَّ احْسَبْ الشَّيْطَانَ الرَّجِيْمِ» .

۶ - کاهلی گوید: امام صادق عليه السلام درباره عقیقه چنین فرمود:

إِذَا ذَبَحْتَ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ اللَّهُمَّ هَذَا عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».

(۲۰)

### بَابُ أَنَّ الْأُمَّ لَا تَأْكُلُ مِنَ الْعَقِيْقَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَأْكُلُ الْمَرْأَةُ مِنَ عَقِيْقَةِ وَلَدِهَا، وَ لَا بَأْسُ بِأَنْ تُعْطِيَهَا الْجَارَ الْمُحْتَاجَ مِنَ اللَّحْمِ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

هنگامی که کارد بر حلق عقیقه نهادی می‌گویی:

«وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ اللَّهُمَّ هَذَا عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».( آن‌گاه نوزاد نام می‌بری).

### بخش بیستم

#### مادر نوزاد نباید از گوشت عقیقه میل کند

۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مادر نوزاد نباید از گوشت عقیقه فرزندش میل کند و اگر سهم گوشت خود را به همسایه مستمند بدهد، ایرادی ندارد.

۲ - ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا يَأْكُلُ هُوَ وَلَا أَحَدٌ مِنْ عِيَالِهِ مِنَ الْعَقِيْقَةِ .

قَالَ : وَ لِلْقَابِلَةِ الثُّلُثُ مِنَ الْعَقِيْقَةِ ، فَإِنْ كَانَتِ الْقَابِلَةُ أُمَّ الرَّجُلِ ، أَوْ فِي عِيَالِهِ فَلَيْسَ لَهَا مِنْهَا شَيْءٌ وَ تُجْعَلُ أَعْضَاءُ نَمِّ يَطْبُخُهَا وَ يَقْسِمُهَا وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا لِأَهْلِ الْوَلَايَةِ .

وَ قَالَ : يَأْكُلُ مِنَ الْعَقِيْقَةِ كُلُّ أَحَدٍ إِلَّا الْأُمَّ .

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْعَقِيْقَةِ قَالَ : لَا تَطْعَمُ الْأُمُّ مِنْهَا شَيْئًا .

پدر نوزاد و هم چنین هیچ کدام از افراد خانواده اش نباید از گوشت عقیقه میل کنند. حضرت فرمود: یک سوم گوشت آن به قابله تقدیم شود و اگر قابله، مادر پدر نوزاد (یعنی مادر بزرگ نوزاد) یا یکی از افراد خانواده باشد، از آن سهمی ندارد. بایستی عقیقه را به صورت تکه های بزرگ مانند دست و پا و .. قطعه قطعه کرده سپس آن را طبخ می کنند و آن گاه بین شیعیان تقسیم می کنند.

و فرمود: جز مادر نوزاد هر کسی می تواند از گوشت عقیقه میل کند.

۳- کاهلی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره عقیقه فرمود:

مادر نوزاد نمی تواند از گوشت عقیقه میل کند.



(۲۱)

بَابُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ فَاطِمَةَ عَلِيًّا وَعَقَّا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلِيًّا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيًّا قَالَ:

عَقَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْحَسَنِ عَلِيًّا بِيَدِهِ وَ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ عَقِيْقَةُ عَنِ الْحَسَنِ». وَ قَالَ: «اللَّهُمَّ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلِيًّا:

عَقَّتْ فَاطِمَةُ عَلِيًّا عَنِ ابْنَيْهَا وَ حَلَقَتْ رُءُوسَهُمَا فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ وَ تَصَدَّقَتْ بِوَزْنِ الشَّعْرِ وَرِقًا.

### بخش بیست و یکم

عقیقه کردن پیامبر خدا ﷺ و حضرت فاطمه زهرا عَلِيًّا

برای امام حسن و امام حسین عَلِيًّا

۱ - راوی گوید: امام صادق عَلِيًّا فرمود:

پیامبر خدا ﷺ با دستان مبارک خود برای امام حسن عَلِيًّا گوسفند عقیقه را ذبح نمود و فرمود: به نام خدا، این عقیقه حسن است. آن گاه این دعا را خواند:

«اللَّهُمَّ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

۲ - معاویه بن وهب گوید: امام صادق عَلِيًّا فرمود:

حضرت فاطمه عَلِيًّا روز هفتم ولادت دو فرزندش امام حسن و امام حسین عَلِيًّا ، عقیقه داد و سر آنان را تراشید و معادل آن نقره در راه خدا صدقه داد.

وَ قَالَ: كَانَ نَاسٌ يُلَطِّخُونَ رَأْسَ الصَّبِيِّ فِي دَمِ الْعَقِيقَةِ وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
ذَلِكَ شِرْكٌ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ  
عَيْسَى عَنْ عَاصِمِ الْكُوزِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَذْكَرُ عَنْ أَبِيهِ:  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَقَى عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَبْشٍ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَبْشٍ وَ أُعْطِيَ  
الْقَابِلَةَ شَيْئاً وَ حَلَقَ رُءُوسَهُمَا يَوْمَ سَابِعِهِمَا وَ وَزَنَ شَعْرَهُمَا فَتَصَدَّقَ بِوَزْنِهِ فِضَّةً.  
قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يُؤَخَذُ الدَّمُ فَيَلَطَّخُ بِهِ رَأْسَ الصَّبِيِّ؟  
فَقَالَ: ذَلِكَ شِرْكٌ.

فَقُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! شِرْكٌ؟

فَقَالَ: لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ شِرْكَاً، فَإِنَّهُ كَانَ يُعْمَلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ نُهِيَ عَنْهُ فِي  
الْإِسْلَامِ.

و نیز فرمود: برخی از مردم، خون عقیقه را بر سر نوزاد می مالیدند، پدرم بزرگوارم امام  
باقر علیه السلام می فرمود: این کار شرک است.

۳- عاصم کوزی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که از پدر بزرگوارش نقل می نمود و  
می فرمود:

پیامبر خدا ﷺ برای امام حسن علیه السلام یک قوچ عقیقه کرد و برای امام حسین علیه السلام نیز یک  
قوچ؛ سهمی از گوشت آن را برای قابله تقدیم کرد و در هفتمین روز تولد آن دو نوزاد مبارک  
موی سر آنها را تراشید و معادل وزن آن نقره صدقه داد.  
عاصم گوید: گفتم: مرسوم است که سر کودک را به خون عقیقه آغشته می کنند (آیا  
جایز است؟)

فرمود: این شرک است.

گفتم: سبحان الله! شرک است؟!

فرمود: چرا شرک نباشد؛ چرا که در دوران جاهلیت چنین چیزی مرسوم بود و در  
اسلام از چنین عملی نهی شده است.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَقِيقَةِ وَالْحَلْقِ وَالتَّسْمِيَةِ بِأَيِّهَا يُبَدَأُ؟  
قَالَ: يُصْنَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ يُحْلَقُ وَيُذَبْحُ وَيُسَمَّى.  
ثُمَّ ذَكَرَ مَا صَنَعَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِوَلَدِهَا. ثُمَّ قَالَ: يُوزَنُ الشَّعْرُ وَيَتَصَدَّقُ بِوِزْنِهِ  
فِضَّةً.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى  
بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَمَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَسَنًا وَحُسَيْنًا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَوْمَ سَابِعِهِمَا وَعَقَّ عَنْهُمَا شَاةً شَاةً  
وَبَعَثُوا بِرَجُلٍ شَاةٍ إِلَى الْقَابِلَةِ وَنَظَرُوا مَا غَيْرُهُ فَأَكَلُوا مِنْهُ وَأَهْدَوْا إِلَى الْجِيرَانِ،  
وَحَلَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ رُءُوسَهُمَا وَتَصَدَّقَتْ بِوِزْنِ شَعْرِهِمَا فِضَّةً.  
۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ  
الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّهْنِئَةِ بِالْوَلَدِ مَتَى؟

۴- جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: در مراسم عقیقه و سر تراشی و  
نامگذاری، باید با کدام یک آغاز کنند؟  
فرمود: تمام مراسم باید در یک هنگام به عمل بیاید؛ سر نوزاد را می تراشند، عقیقه را  
می کشند و نام کودک را معین می کنند.  
سپس سنتی را فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ درباره فرزندانش به اجرا نهاد، برای ما شرح داد و  
فرمود: موی نوزاد را وزن کنند و معادل آن نقره صدقه دهند.  
۵- یحیی بن ابی علاء گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هفتمین روز تولد امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ برای آن دو نوزاد  
مبارک نام نهاد و برای هر کدام یک گوسفند عقیقه کرده و ران گوسفند را برای قابله فرستاد  
و بقیه آن را بخشیدند و از آن میل نمودند و به همسایه ها نیز دادند.  
حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ موی دو نوزاد نازنینش را تراشید و معادل وزن آن، نقره صدقه داد.  
۶- حسین بن خالد گوید:  
از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: چه روزی تولد نوزاد را می توان تبریک گفت؟

فَقَالَ: إِنَّهُ قَالَ: لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ جَبْرَائِيلُ بِالتَّهْنِئَةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ وَأَمَرَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ وَيُكْنِيَهُ وَيَحْلِقَ رَأْسَهُ وَيَعْقَى عَنْهُ وَيَنْقُبَ أُذُنَهُ.

وَكَذَلِكَ كَانَ حِينَ وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ فَأَمَرَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ. قَالَ: وَكَانَ لَهُمَا ذُؤَابَتَانِ فِي الْقَرْنِ الْأَيْسَرِ وَكَانَ النَّقْبُ فِي الْأُذُنِ الْيُمْنَى فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ وَفِي الْأَيْسَرِ فِي أَعْلَى الْأُذُنِ، فَالْقُرْطُ فِي الْيُمْنَى وَالشَّنْفُ فِي الْأَيْسَرِ.

وَ قَدْ رُوِيَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَرَكَ لَهُمَا ذُؤَابَتَيْنِ فِي وَسْطِ الرَّأْسِ، وَهُوَ أَصْحُ مَنْ الْقَرْنِ.

فرمود: هنگامی که امام حسن علیه السلام متولد شد، جبرئیل علیه السلام در هفتمین روز برای عرض تبریک بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و به آن حضرت از جانب پروردگار دستور داد که بر نوزاد اسم و کنیه انتخاب کند، و سرش را بترشد، و برایش عقیقه دهد و گوش او را سوراخ کند. هم چنین هنگامی که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد جبرئیل علیه السلام در هفتمین روز تولد نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و همان گونه از جانب خدا دستور داد.

آن حضرت فرمود: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در قسمت چپ سر، «کاکل» داشتند و سوراخ در نرمه گوش راست و قسمت بالای گوش چپ بود. بنابراین «قرط»<sup>(۱)</sup> در گوش راست و «شلف» در گوش چپ قرار داشت.

و روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کاکل های سر آن دو نوزاد مبارک را در وسط سرشان قرار داد.

۱ - قُرْطُ وَ شَنْفُ: نوعی گوشواره مخصوصی است.

(۲۲)

## بَابُ أَنْ أَبَا طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَقَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِي السَّائِبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

عَقَّ أَبُو طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ السَّابِعِ وَ دَعَا آلَ أَبِي طَالِبٍ.

فَقَالُوا: مَا هَذِهِ؟

فَقَالَ: عَقِيقَةُ أَحْمَدَ.

قَالُوا: لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّيْتَهُ أَحْمَدَ؟

قَالَ: سَمَّيْتُهُ أَحْمَدَ، لِمَحْمَدَةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

## بخش بیست و دوم

## حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ برای پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عقیقه کرد

۱ - ابوسائب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در هفتمین روز تولد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آن حضرت عقیقه داد و

آل ابوطالب را برای میهمانی دعوت کرد.

گفتند: این میهمانی برای چیست؟

ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عقیقه احمد است.

گفتند: برای چه نامش را احمد نهادی؟

فرمود: چون مورد ستایش آسمانیان و زمینیان است؛ از این رو او را احمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نامیدم.

(۲۳)

**بَابُ التَّطْهِيرِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- اخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ، فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَتَكَرَّهُ بَوْلَ الْأَغْلَفِ.
- وَبِهَذَا الْأِسْنَادِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- إِنَّ تَغَبُّ أُذُنِ الْعُغْلَامِ مِنَ السُّنَّةِ، وَخِتَانَهُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السُّنَّةِ.
- ۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

**بخش بیست و سوم****ختنه پسران**

- ۱ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- فرزندان خود را در هفتمین روز تولدشان ختنه کنید؛ زیرا این برای آنان پاکیزه تر است و رویش گوشت را سرعت می بخشد و به راستی که زمین از ادراش شخص غلاف دار (ختنه نشده) ناخرسند است.
- هم چنین راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سوراخ کردن گوش پسر و ختنه کردن او در هفتمین روز تولدش از سنت است.
- ۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

طَهَّرُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ، فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ، وَ أَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ تَنْجَسُ مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِينَ عليهم السلام :

«أَنْ اخْتَبُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ يَطَّهَّرُوا، وَإِنَّ الْأَرْضَ تَضِجُ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ» وَ لَيْسَ جُعِلَتْ فِدَاكَ! لِحَجَّامِي بَلَدِنَا حَذَقُ بِذَلِكَ وَ لَا يَخْتَبُونَهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَ عِنْدَنَا حَجَّامُ الْيَهُودِ فَهَلْ يَجُوزُ لِلْيَهُودِ أَنْ يَخْتَبُوا أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ أَمْ لَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

فَوَقَّعَ عليه السلام : السُّنَّةُ يَوْمَ السَّابِعِ، فَلَا تُخَالَفُوا السُّنَنَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَزَعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : إِنْ مَنْ قَبْلَنَا يَقُولُونَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام خَتَنَ نَفْسَهُ بِقَدُومٍ عَلَى دَبِّ.

فرزندانتان را در هفتمین روز ختنه کنید؛ زیرا این، برای آنان زیباتر و پاکیزه‌تر است و رویش گوشت را سرعت می‌بخشد و همانا که زمین از بول شخص غلاف‌دار (ختنه نشده) تا چهل روز نجس می‌شود.

۳- عبدالله بن جعفر در نامه‌ای به امام حسن عسکری عليه السلام نوشت:

از دو امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند: «فرزندان خود را در روز هفتم ولادت ختنه می‌کنید تا هر چه زودتر از آلودگی دور شوند؛ چرا که زمین از بول مردان غلاف‌دار (ختنه نشده)، به درگاه خدا می‌نالد». قربانت گردم! دل‌ک‌های محلی ما آن اندازه مهارت ندارند که نوزاد را در روز هفتم ولادت ختنه کنند، اما دل‌ک‌های یهودی هستند و مهارت دارند. آیا رواست یهودیان، کودکان مسلمانان را ختنه کنند؟

امام عليه السلام در پاسخ نوشت: سنت در روز هفتم جاری شده است. بنابراین، از سنت خارج نشوید، ان شاء الله.

۴- محمد بن قزعه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسانی کنار ما زندگی می‌کنند و می‌گویند «حضرت ابراهیم عليه السلام خود را با آره و بر روی کوزه‌ای ختنه نمود».

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، كَذَبُوا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.  
قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانَتْ تَسْقُطُ عَنْهُمْ غُلْفَتُهُمْ مَعَ سُرْرِهِمْ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ، فَلَمَّا وُلِدَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ هَاجِرَ عَيْرَتِ سَارَةَ هَاجِرَ بِمَا تُعَيَّرُ بِهِ الْإِمَاءُ، فَبَكَتْ هَاجِرُ وَ اشْتَدَّ ذَلِكَ عَلَيْهَا، فَلَمَّا رَأَاهَا إِسْمَاعِيلُ تَبْكِي بَكَى لِبُكَائِهَا.

وَ دَخَلَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَا يُبْكِيكَ يَا إِسْمَاعِيلُ!  
فَقَالَ: إِنَّ سَارَةَ عَيْرَتُ أُمِّي بِكَذَا وَ كَذَا فَبَكَتْ وَ بَكَيتُ لِبُكَائِهَا.  
فَقَامَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُصَلَّاهُ، فَنَاجَى فِيهِ رَبَّهُ وَ سَأَلَهُ أَنْ يُلْقِي ذَلِكَ عَنْ هَاجِرَ، فَأَلْقَاهُ اللَّهُ عَنْهَا.

فَلَمَّا وَلَدَتْ سَارَةُ إِسْحَاقَ وَ كَانَ يَوْمَ السَّابِعِ سَقَطَتْ عَنْ إِسْحَاقَ سُرَّتُهُ وَ لَمْ تَسْقُطْ عَنْهُ غُلْفَتُهُ.

فرمود: سبحان الله! چنین سخنی که آنان (اهل سنت) می گویند درست نیست؛ آنان به ابراهیم علیه السلام دروغ بسته اند.

عرض کردم: پس قضیه چگونه بوده است؟

فرمود: همانا پیامبران صلی الله علیهم و آلهم و سلم چنین بودند که در روز هفتم ولادتشان، غلاف و بند نافشان از آن ها جدا می گردید و می افتاد. زمانی که از هاجر نوزادی (اسماعیل علیه السلام) برای ابراهیم علیه السلام متولد شد، ساره با عیب هایی که بر کنیزان گرفته می شود، بر هاجر عیب و ایراد گرفت و این خرده بر هاجر گران آمد و گریست و اسماعیل علیه السلام نیز به گریه او گریست. ابراهیم علیه السلام وارد شد و فرمود: ای اسماعیل! چرا گریه می کنی؟

اسماعیل علیه السلام عرض کرد: ساره برای مادر چنین و چنان ایراد گرفت و مادرم گریست و من هم به خاطر گریه او گریستم.

ابراهیم علیه السلام مناجات کرد و از او خواست که آن عیب و ایرادها را از هاجر بردارد. خداوند متعال آن عیوب را از هاجر برداشت.

هنگامی که ساره اسحاق علیه السلام را به دنیا آورد و روز هفتم فرارسید، بند نافش افتاد اما غلافش نیفتاد.



فَجَزَعَتْ مِنْ ذَلِكَ سَارَةَ، فَلَمَّا دَخَلَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهَا قَالَتْ: يَا إِبْرَاهِيمُ! مَا هَذَا الْحَادِثُ الَّذِي حَدَّثَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ؟! هَذَا ابْنُكَ إِسْحَاقُ قَدْ سَقَطَ عَنْهُ سُرَّتُهُ وَ لَمْ تَسْقُطْ عَنْهُ غُلْفَتُهُ؟!!

فَقَامَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُصَلَّاهُ فَنَاجَى رَبَّهُ وَقَالَ: يَا رَبِّ! مَا هَذَا الْحَادِثُ الَّذِي قَدْ حَدَّثَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ؟! وَ هَذَا ابْنِي إِسْحَاقُ قَدْ سَقَطَ عَنْهُ سُرَّتُهُ وَ لَمْ تَسْقُطْ عَنْهُ غُلْفَتُهُ؟!!

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ! هَذَا لِمَا عَيَّرَتْ سَارَةُ هَاجِرَ فَأَلَيْتُ أَنْ لَا أُسْقِطَ ذَلِكَ عَنْ أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ لِتَعْيِيرِ سَارَةَ هَاجِرَ فَاخْتِئِ إِسْحَاقَ بِالْحَدِيدِ وَأَذْفُقْهُ حَرَّ الْحَدِيدِ.

قَالَ: فَخَتَّنَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَدِيدِ وَ جَرَتِ السُّنَّةُ بِالْخِتَانِ فِي أَوْلَادِ إِسْحَاقَ بَعْدَ ذَلِكَ.

ساره عليها السلام به همین جهت بی تابی نمود. آن گاه که ابراهیم عليه السلام نزد او آمد عرض کرد: ای ابراهیم! این چه اتفاقی است که در آل ابراهیم عليه السلام و فرزندان پیامبران رخ داده است؟! این پسر تو، اسحاق است که بند نافش افتاده، ولی غلافش نیفتاده است؟! ابراهیم عليه السلام برخاست و به جایگاه نماز خود رفت و با پروردگارش مناجات نمود! عرض کرد: پروردگارا! این چه حادثه‌ای است که در آل ابراهیم عليه السلام و فرزندان پیامبران رخ داده است؟! این پسر من، اسحاق عليه السلام است که بند نافش افتاده اما غلافش نیفتاده است؟!!

خداوند به او وحی نمود که ای ابراهیم! این به جهت آن عیب و ایرادی است که ساره بر هاجر گرفت؛ من سوگند یاد کردم که به جهت این ایراد، غلاف را از هیچ کدام از فرزندان پیامبران نیندازم. پس اسحاق را با کارد آهنی ختنه کن و گرمای آهن را به او بچشان. ابراهیم عليه السلام اسحاق را با کاردی آهنی ختنه نمود و پس از آن سنت ختنه کردن در فرزندان اسحاق عليه السلام جاری گردید.

- ۵- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- ثَقُبُ أُذُنِ الْغُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ وَ خِتَانُ الْغُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ.
- ۶- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْإِسْتِنْجَاءُ وَ الْخِتَانُ.
- ۷- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِتَانِ الصَّبِيِّ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السُّنَّةِ هُوَ أَوْ يُؤَخَّرُ وَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟
- قَالَ: لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السُّنَّةِ وَ إِنْ أُخِّرَ فَلَا بَأْسَ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنَ الْحَنِيفِيَّةِ الْخِتَانُ.

۵- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام:

سوراخ کردن گوش پسر و ختنه کردن او از سنت است.

۶- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

استنجاء (طهارت از مدفوع) و ختنه کردن از شیوه و سنت‌های پیامبران است.

۷- علی بن یقظین گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: ختنه کودکان در روز هفتم ولادت،

سنت واجب است یا می‌تواند به تأخیر بیفتد؟ و کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟

فرمود: ختنه در روز هفتم ولادت سنت شده است، و اگر تأخیر بیفتد مانعی ندارد.

۸- هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ختنه، از شیوه‌های آیین حنیفی (ابراهیم علیه السلام) است.

- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ وَ يُخْتَنُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ.
- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَسْلَمَ الرَّجُلُ اخْتَنَ وَ لَوْ بَلَغَ ثَمَانِينَ.

(۲۴)

### بَابُ خَفْضِ الْجَوَارِي

- ۱- مُحَمَّدُ قَتَبُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجَارِيَةِ تُسَبَّى مِنْ أَرْضِ الشُّرْكِ فَتُسَلِّمُ فَتَطْلُبُ لَهَا مَنْ يَخْفِضُهَا فَلَا نَقْدِرُ عَلَى امْرَأَةٍ.

۹- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در هفتمین روز تولد نوزاد برایش عقیقه می‌کنند و او را ختنه می‌نمایند.

۱۰- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

آن‌گاه که فردی مسلمان شد بایستی ختنه گردد؛ گر چه ۸۰ ساله باشد.

### بخش بیست و چهارم

#### ختنه دختران

- ۱- ابو بصیر گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: دخترکی را از سرزمین شرک به کنیزی آورده‌اند، اینک او مسلمان شده است و هر چند جويا می‌شوند که خانم دلاکی بیابند تا او را ختنه کند نمی‌یابیم. (تکلیف چیست؟)

- فَقَالَ: أَمَّا السُّنَّةُ فِي الْخِتَانِ عَلَى الرَّجَالِ، وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- خِتَانُ الْعُلَامِ مِنَ السُّنَّةِ، وَ خَفْضُ الْجَوَارِي لَيْسَ مِنَ السُّنَّةِ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- خَفْضُ الْجَارِيَةِ مَكْرُمَةٌ وَ لَيْسَتْ مِنَ السُّنَّةِ، وَ لَا شَيْئًا وَاجِبًا وَ أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَكْرُمَةِ؟
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- الْخِتَانُ فِي الرَّجُلِ سُنَّةٌ، وَ مَكْرُمَةٌ فِي النِّسَاءِ.

فرمود: سنت ختنه، بر مردان واجب است. زنان در این باره خانم‌ها تکلیفی ندارند.

۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ختنه کردن پسر سنت است؛ اما ختنه کردن دختر سنت نیست.

۳ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ختنه کردن دختر کرامت و گرامی داشت اوست؛ اما سنت واجب نیست. چه چیزی

برتر از کرامت و گرامی داشت است؟!

۴ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ختنه کردن نوزاد پسر سنت و نوزاد دختر کرامت و گرامی داشت است.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ نَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ يُقَالُ لَهَا أُمُّ طَيْبَةَ تَخْفِضُ الْجَوَارِيَّ، فَدَعَاَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: لَهَا يَا أُمَّ طَيْبَةَ! إِذَا أَنْتِ خَفَضْتِ امْرَأَةً فَاسْمِي وَ لَا تُجِحِّي، فَإِنَّهُ أَصْفَى لِللَّوْنِ وَ أَحْظَى عِنْدَ الْبَعْلِ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا هَاجَرَتِ النِّسَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَاجَرَتْ فِيهِنَّ امْرَأَةٌ يُقَالُ: لَهَا أُمَّ حَبِيبٍ، وَ كَانَتْ خَافِضَةً تَخْفِضُ الْجَوَارِيَّ.

فَلَمَّا رَأَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهَا: يَا أُمَّ حَبِيبٍ! الْعَمَلُ الَّذِي كَانَ فِي يَدِكَ هُوَ فِي يَدِكَ الْيَوْمَ؟

۵ - عمرو بن ثابت گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زنی به نام «ام طیبه» دختران نوزاد را ختنه می‌کرد. روزی پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به نزد فراخواند و به او فرمود: ای ام طیبه! هنگامی که زنی را ختنه می‌کنی، به مقدار اندک ببر و زیاد بتر؛ زیرا این، رنگ پوست را تمیزتر می‌کند و نزد شوهر مطلوب‌تر است.

۶ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که زنان مسلمان به سوی پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (که در مدینه بود) هجرت کردند، زنی به نام «ام حبیب» نیز که دختران را ختنه می‌نمود، همراهشان هجرت نمود. زمانی که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را دید به او فرمود: ای ام حبیب! آن کاری که پیش‌تر انجام می‌دادی، اکنون نیز انجام می‌دهی؟

قَالَتْ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِلَّا أَنْ يَكُونَ حَرَامًا فَتَنْهَانِي عَنْهُ.  
 قَالَ: لَا، بَلْ حَلَالٌ، فَأَذِنِي مِنِّي حَتَّى أُعَلِّمَكَ.  
 قَالَتْ: فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَقَالَ: يَا أُمَّ حَبِيبٍ! إِذَا أَنْتِ فَعَلْتِ فَلَا تَنْهَكِي - أَيُّ لَا  
 تَسْتَأْصِلِي - وَأَسْمِي، فَإِنَّهُ أَشْرَقَ لِلْوَجْهِ وَ أَحْطَى عِنْدَ الزَّوْجِ.

(۲۵)

### بَابُ أَنَّهُ إِذَا مَضَى السَّابِعُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ الْخُلُقُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ  
 أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَوْلُودٍ يُحَلَّقُ رَأْسُهُ بَعْدَ يَوْمِ السَّابِعِ.  
 فَقَالَ: إِذَا مَضَى سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَلْقٌ.  
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ ذَرِيحِ  
 الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْعَقِيقَةِ قَالَ:

عرض کرد: آری، ای پیامبر خدا! مگر این که حرام باشد و شما مرا از این عمل نهی  
 کنی. فرمود: نه، بلکه حلال است؛ نزدیک من بیا تا به تو بیاموزم.  
 ام حبیب گوید: نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، آن حضرت فرمود:  
 ای ام حبیب! هنگامی که این کار را انجام می دهی، در آن مبالغه نکن - یعنی آن را قطع  
 نکن - بلکه به مقدار اندکی بُبر؛ زیرا این، صورت را روشن تر می کند و نزد شوهر مطلوب تر  
 است.

### بخش بیست و پنجم

#### تراشیدن سر نوزاد پس از روز هفتم

۱ - علی بن جعفر عليه السلام برادر امام کاظم عليه السلام گوید:  
 از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا می توان سر نوزاد را پس از روز هفتم تراشید؟  
 فرمود: هنگامی که هفت روز بگذرد، تراشیدن سر برای نوزاد لازم نیست.  
 ۲ - ذریح محاربی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد عقیقه فرمود:

إِذَا جَاوَزَتْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فَلَا عَقِيْقَةَ لَهُ.

(۲۶)

### بَابُ نَوَادِرَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ فَيَمُوتُ يَوْمَ السَّابِعِ هَلْ يُعَقُّ عَنْهُ.  
قَالَ: إِنْ كَانَ مَاتَ قَبْلَ الظُّهْرِ لَمْ يُعَقَّ عَنْهُ، وَإِنْ مَاتَ بَعْدَ الظُّهْرِ عُقِّ عَنْهُ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي هَارُونَ مَوْلَى آلِ جَعْدَةَ قَالَ: كُنْتُ جَلِيسًا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ، فَفَقَدَنِي أَيَّامًا، ثُمَّ إِنِّي جِئْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ لِي: لَمْ أَرَكَ مُنْذُ أَيَّامٍ يَا أَبَا هَارُونَ! فَقُلْتُ: وُلِدَ لِي غُلَامٌ.

هنگامی که هفت روز بگذرد، عقیده برای نوزاد نیست.

### بخش بیست و ششم

#### چند روایت نکته‌دار

- ۱ - ادريس بن عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا برای نوزادی که در روز هفتم ولادت می‌میرد باید عقیده دهند؟  
فرمود: اگر پیش از ظهر بمیرد، عقیده نمی‌شود، و اگر بعد از ظهر بمیرد، عقیده می‌شود.
- ۲ - ابوهارون، غلام آل جعهده گوید: در مدینه همواره به خدمت امام صادق عليه السلام می‌رفتم، چند روزی نتوانستم به خدمت آن بروم، روزی به خدمتش شرف‌یاب شدم، به من فرمود: ای اباهارون! چند روز است تو را نمی‌بینم؟!  
عرض کردم: برایم پسری به دنیا آمده است.

فَقَالَ: بَارَكَ اللهُ فِيهِ، فَمَا سَمَّيْتَهُ؟

قُلْتُ: سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا.

قَالَ: فَأَقْبَلَ بِخَدِّهِ نَحْوَ الْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ: مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ! حَتَّى كَادَ يَلْصِقُ خَدَّهُ بِالْأَرْضِ.

ثُمَّ قَالَ: بِنَفْسِي وَبِوَلَدِي وَبِأَهْلِي وَبِأَبَوَيَّ وَبِأَهْلِ الْأَرْضِ كُلِّهِمْ جَمِيعًا الْفِدَاءُ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ! لَا تَسْبَهُ وَ لَا تُضْرِبْهُ وَ لَا تُسَيِّئْ إِلَيْهِ، وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ فِي الْأَرْضِ دَارٌ فِيهَا اسْمُ مُحَمَّدٍ إِلَّا وَ هِيَ تُقَدَّسُ كُلَّ يَوْمٍ.

ثُمَّ قَالَ: لِي عَقَقْتَ عَنْهُ؟

قَالَ: فَأَمْسَكْتُ.

قَالَ: وَ قَدْ رَأَيْتُ حَيْثُ أَمْسَكْتُ ظَنَّ أَنِّي لَمْ أَفْعَلْ.

فَقَالَ: يَا مُصَادِفُ! اذْنُ مِنِّي فَوَ اللهُ! مَا عَلِمْتُ مَا قَالَ لَهُ إِلَّا أَنِّي ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَ لِي بِشَيْءٍ، فَذَهَبْتُ لِأَقُومَ فَقَالَ لِي: كَمَا أَنْتَ يَا أَبَا هَارُونَ!

فرمود: خداوند او را برایت مبارک گرداند! نامش را چه گذاشته‌ای؟

عرض کردم: او را محمد نام نهادم.

امام علیه السلام در حالی که می‌فرمود: «محمد، محمد، محمد» گونه‌اش را آن اندازه به زمین نزدیک نمود که نزدیک بود که به زمین بچسبد.

سپس فرمود: خودم، فرزندم، خاندانم، پدر و مادرم و همه اهل زمین به فدای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! فرزندت را دشنام نده، او را نزن و با او بد اخلاقی نکن. و بدان که در روی زمین هر خانه‌ای که در آن نام محمد باشد، هر روز آن خانه تقدیس می‌شود.

سپس به من فرمود: آیا برایش عقیقه داده‌ای؟

ابوهارون گوید: من جواب ندادم. هنگامی که آن بزرگوار متوجه سکوت من شد، گمان نمود که من عقیقه نداده‌ام.

آن‌گاه به مصادف رو کرد و فرمود: ای مصادف! نزدیک من بیا.

ابوهارون گوید: به خدا سوگند! من متوجه نشدم که امام علیه السلام به مصادف چه فرمود؛ جز این که گمان کردم چیزی را در خصوص من دستور داده است. وقتی خواستم برخیزم امام علیه السلام به من فرمود: ای اباهارون! همان طور که هستی، بمان!



فَجَاءَنِي مُصَادِفٌ بِثَلَاثَةِ دَنَانِيرَ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِي، فَقَالَ: يَا أَبَا هَارُونَ! اذْهَبْ فَاشْتَرِ كَبْشَيْنِ وَ اسْتَسْمِنَهُمَا وَ اذْبَحْهُمَا وَ كُلْ وَ اطْعِمْ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَعُقَّ عَنْ وَلَدِهِ حَتَّى كَبَرَ وَ كَانَ غُلَامًا شَابًا أَوْ رَجُلًا قَدْ بَلَغَ.

قَالَ: إِذَا صُحِّي عَنْهُ أَوْ صُحِّي الْوَلَدُ عَنْ نَفْسِهِ، فَقَدْ أَجْرَأَتْ عَنْهُ عَقِيقَتُهُ.

وَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَوْلُودُ مُرْتَهَنٌ بِعَقِيقَتِهِ، فَكَّهُ أَبَوَاهُ أَوْ تَرَكَاهُ.

(۲۷)

### بَابُ كَرَاهِيَةِ الْقَنَازِعِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

آن‌گاه مصادف نزد من آمد و سه دینار در دست من نهاد.  
امام علیه السلام فرمود: ای ابو هارون! برو و دو قوچ خریداری کن و آنها را ذبح کن؛ هم خودت از گوشت آن بخور و هم به دیگران اطعام کن.  
۳- سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که فرزند خود را عقیقه نکرده و او نوجوان غیر بالغ و یا مردی بالغ شده است (تکلیف عقیقه او چه خواهد بود؟)  
فرمود: اگر در یک روز عید قربان به نام فرزندش قربانی کند و یا خود فرزند به نام خودش قربانی نماید، جای عقیقه را خواهد گرفت.  
و فرمود: جد بزرگوام رسول خدا ﷺ فرمود:  
نوزاد درگرو عقیقه است، خواه پدر و مادر فرزند خود را ازگرو خارج کنند و یا نکنند.

### بخش بیست و هفتم

### کراهت کاکل گذاشتن به کودکان

۱- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

- لَا تَحْلِقُوا الصَّبِيَانَ الْقَرْعَ، وَ الْقَرْعُ أَنْ يَحْلِقَ مَوْضِعاً وَ يَدَعُ مَوْضِعاً.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ الْقَرْعَ فِي رُءُوسِ الصَّبِيَانِ.
- وَ ذَكَرَ أَنَّ الْقَرْعَ أَنْ يُحْلَقَ الرَّأْسُ إِلَّا قَلِيلاً وَ يُتْرَكَ وَسَطُ الرَّأْسِ يُسَمَّى الْقَرْعَةَ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَيْتِ النَّبِيَّ ﷺ بِصَبِيٍّ يَدْعُو لَهُ وَ لَهُ فَنَازِعٌ، فَأَبَى أَنْ يَدْعُوَ لَهُ وَ أَمَرَ بِحَلْقِ رَأْسِهِ وَ أَمَرَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِحَلْقِ شَعْرِ الْبَطْنِ.

(۲۸)

## بَابُ الرِّضَاعِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

موی سر کودکان را به صورت کاکل نتراشید؛ کاکل به این صورت است که قسمتی از سر را می تراشند و قسمت دیگر را رها می کنند.

۲- ابن قداح گوید: امام صادق علیه السلام از کاکلی که در سر کودکان بود کراهت داشت. وی افزود که کاکل آن است که جز قسمت اندکی از سر کودک بقیه تراشیده شود، و وسط سر رها شود که این را کاکل می نامند.

۳- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کودکی را نزد پیامبر ﷺ آوردند تا برایش دعا نماید. آن کودک کاکل هایی بر سرش داشت پیامبر ﷺ از دعا کردن خودداری کرد و دستور فرمود که سرش را بتراشند. هم چنین پیامبر خدا ﷺ به تراشیدن موی مادرزادی امر فرمود.

## بخش بیست و هشتم

## حکم شیر دادن به نوزاد

- ۱- طلحة بن زيد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

- مَا مِنْ لَبَنٍ يُرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ .
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أُمِّهِ أُمِّ إِسْحَاقَ بِنْتِ سُلَيْمَانَ قَالَتْ: نَظَرَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا أَرْضِعُ أَحَدَ بَنِي مُحَمَّدًا - أَوْ إِسْحَاقَ - .
- فَقَالَ: يَا أُمَّ إِسْحَاقَ! لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ تَدِيٍّ وَاحِدٍ وَ أَرْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا؛ يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَ الْآخَرُ شَرَابًا .
- ۳ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- الرَّضَاعُ وَاحِدٌ وَ عَشْرُونَ شَهْرًا، فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ .
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّضَاعِ؟
- فَقَالَ: لَا تُجْبَرُ الْحُرَّةُ عَلَى رِضَاعِ الْوَلَدِ، وَ تُجْبَرُ أُمُّ الْوَلَدِ .

کودک از هیچ شیری تغذیه نمی‌کند که برکت آن از شیر مادرش بیشتر باشد.

۲- ام اسحاق، دختر سلیمان گوید: من در حال شیر دادن به یکی از پسرانم -محمد یا اسحاق- بودم، امام صادق عليه السلام مرا در این حال دید و فرمود:

ای ام اسحاق! او را از یک پستان شیر مده؛ بلکه از هر دو پستان شیر بده؛ چرا که یکی از پستان‌ها غذا و دیگری نوشیدنی است.

۳- سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مدت شیر دادن، بیست و یک ماه است. هر اندازه‌ای که کمتر باشد، بر کودک ستم شده است.

۴- سلیمان بن داوود منقری گوید:

از امام صادق عليه السلام درباره شیر دادن سؤال شد.

فرمود: نمی‌توان زن آزاد را بر شیر دادن کودکش مجبور کرد؛ ولی کنیز فرزندان مجبور است که به کودکش شیر دهد.

- ۵ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تُوفِّيَ وَ تَرَكَ صَبِيًّا فَاسْتُرِضِعَ لَهُ .  
فَقَالَ: أَجْرُ رِضَاعِ الصَّبِيِّ مِمَّا يَرِثُ مِنْ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ .
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿ لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلًا وَلَا مَوْلُودَهُ بِوَلَدِهِ ﴾ .
- فَقَالَ: كَانَتْ الْمَرَاضِعُ مِمَّا يَدْفَعُ إِحْدَاهُنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَرَادَ الْجَمَاعَ، نَقُولُ: لَا أَدْعُكَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْبَلَ، فَأَقْتُلَ وَ لَدِي هَذَا الَّذِي أَرْضِعُهُ، وَ كَانَ الرَّجُلُ تَدْعُوهُ الْمَرْأَةُ فَيَقُولُ: أَخَافُ أَنْ أُجَامِعَكَ فَأَقْتُلَ وَ لَدِي فَيَدْعُوهَا وَ لَا يُجَامِعُهَا، فَنَهَى اللَّهُ ﷻ عَنْ ذَلِكَ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الرَّجُلَ، وَ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ .

۵- ابن ابی یعفور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره مردی که از دنیا رفته بود و کودکی از او مانده بود و برای کودک دایه‌ای گرفته بودند، قضاوت نمود و فرمود:

اجرت شیر دادن به کودک از مواردی است که کودک از پدر و مادرش ارث می‌برد.

۶- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می‌فرماید: «نه مادر

می‌تواند به خاطر کودک به شوهر ضرر بزند و نه پدر» سؤال نمودم.

فرمود: زنان شیرده شوهران خود را از آمیزش باز می‌داشتند. زن می‌گفت: نمی‌گذارم با من نزدیکی کنی؛ می‌ترسم آبستن شوم و با این کار فرزند شیرخوارم را بکشم و گاهی زن شوهر را به آمیزش فرامی‌خواند و مرد می‌گفت: می‌ترسم با تو آمیزش کنم و تو را باردار کنم با این عمل فرزندم را بکشم. پس زن را رها می‌کرد و با او آمیزش نمی‌نمود. بنابراین خداوند از این کار نهی کرد که مرد با ترک آمیزش به زن ضرر زند و یا زن به مرد ضرر وارد سازد.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْوَهُ وَ زَادَ:

وَأَمَّا قَوْلُهُ «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» ، فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ أَوْ يُضَارَّ أُمُّهُ فِي رِضَاعِهِ وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رِضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ، فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا وَ الْفِصَالُ هُوَ الْفُطَامُ .

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ مَاتَ وَ تَرَكَ امْرَأَةً وَ مَعَهَا مِنْهُ وَ لَدَّ فَأَلَقَتْهُ عَلَى خَادِمٍ لَهَا فَأَرْضَعَتْهُ ثُمَّ جَاءَتْ تَطْلُبُ رِضَاعَ الْعُغْلَامِ مِنَ الْوَصِيِّ .  
فَقَالَ: لَهَا أَجْرٌ مِثْلُهَا وَ لَيْسَ لِلْوَصِيِّ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ حَجْرِهَا حَتَّى يُدْرِكَ وَ يَدْفَعَ إِلَيْهِ مَالَهُ .

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ هَلْ يُرْضَعُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَتَيْنِ؟

حلبی نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند و می‌افزاید: این که خداوند فرمود: «وبر وارث او نیز همین حکم لازم است»؛ در واقع خداوند نهی نمود که به کودک یا مادرش در مورد شیر دادن ضرر وارد شود. مادر حق ندارد اجرت شیر دادن بیش از دو سال را بگیرد. پس اگر مرد و همسرش با رضایت و مشاوره تصمیم بگیرند که پیش از دو سال کودک را از شیر بگیرند، کار نیکویی است.

۷- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که بمیرد و از او یک خانم و یک کودک نوزاد بماند و خانم کودک خود را به کنیز خود بسپارد تا شیر دهد و بزرگ کند، سپس به وصی شوهرش مراجعه کند و اجرت شیر کودک را مطالبه نماید فرمود:  
مادر حق دارد اجرة المثل (دستمزد معمولی زنان شیرده) را از وصی شوهرش دریافت کند، وصی حق ندارد کودک را از دامن مادرش جدا کند تا موقعی که کودک بالغ شود و اموال او را در اختیارش بگذارد.

۸- سعد بن سعد اشعری گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا (کودک شیرخوار را می‌توان بیش از دو سال شیر داد؟

فَقَالَ : عَامِينَ .

قُلْتُ : فَإِنْ زَادَ عَلَيَّ سَنَتَيْنِ هَلْ عَلَيَّ أَبُوَيْهِ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ ؟

قَالَ : لَا .

(۲۹)

### بَابُ فِي ضَمَانِ الظُّئْرِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ حَمَّادٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ ظُئْرًا فَدَفَعَ إِلَيْهَا وَلَدَهُ فَأَنْطَلَقَتِ الظُّئْرُ فَدَفَعَتْ وَلَدَهُ إِلَى ظُئْرٍ أُخْرَى فَعَابَتْ بِهِ حِينًا ، ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ طَلَبَ وَلَدَهُ مِنَ الظُّئْرِ الَّتِي كَانَ أَعْطَاهَا إِيَّاهُ فَأَقْرَبَتْ أَنَّهَا اسْتَأْجَرَتْهُ وَأَقْرَبَتْ بِقَبْضِهَا وَلَدَهُ وَ أَنَّهَا كَانَتْ دَفَعَتْهُ إِلَى ظُئْرٍ أُخْرَى .  
فَقَالَ : عَلَيْهَا الدِّيَةُ أَوْ تَأْتِي بِهِ .

فرمود: به کودک دو سال کامل شیر می دهند.

پرسیدم: اگر از دو سال تجاوز کند، آیا پدر و مادرش مسئولند؟

فرمود: نه.

### بخش بیست و نهم

#### مسئولیت دایه

۱ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی کودک خود را به دایه می سپارد دایه کودک را به دایه دیگری تحویل می دهد، دایه دوم فرزند را می برد و باز نمی گردد. موقعی که پدر، کودک خود را از دایه مطالبه می کند، دایه اعتراف می کند که برای شیر دادن کودک استخدام شده و کودک را تحویل گرفته است؛ ولی اظهار می کند که کودک را به دایه دیگری سپرده و تا کنون از او بی خبر مانده است. (تکلیف آنان چیست؟)  
فرمود: دایه اول مسئولیت دارد؛ یا باید دایه کودک را بپردازد و یا پدرش بازگرداند.

۲- ابن محبوب عن جميل بن صالح عن سليمان بن خالد عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل استأجر ظئراً فعابت بولده سينين، ثم إنَّها جاءت به فأنكرته أمه و زعم أهلها أنهم لا يعرفونه.  
قال: ليس عليها شيء، الظئر مأمونة.

(۳۰)

### بَابُ مَنْ يُكْرَهُ لَبْنُهُ وَ مَنْ لَا يُكْرَهُ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: امْرَأَةٌ وَلَدَتْ مِنَ الزَّانَا أَتَّخِذُهَا ظِئْرًا؟ قَالَ: لَا تَسْتَرْضِعُهَا وَلَا ابْتَتِهَا.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُطَاوِرَةِ الْمَجُوسِيِّ.

۲ - سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که کودک خود را به دایه‌ای سپرد، و دایه چند سال غایب شد و کودک را باز نیاورد. بعد از چند سال کودک را باز آورد و مادرش بچه را انکار کرد و گفت: این کودک، فرزند من نیست، خانواده مادر نیز عقیده دارند که این کودک را به جا نمی‌آورند، آیا دایه مسئولیتی دارد؟ فرمود: دایه مسئولیتی ندارد، چرا که دایه امین است.

### بخش سی ام

### دایه‌ای که شیرش کراهت دارد

- ۱ - عبیدالله حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: زنی از راه زنا صاحب فرزندی شده است آیا می‌توانم او را به دایگی بگیرم؟ فرمود: نه او را به شیر دهی استخدام کن و نه دخترش را.
- ۲ - عبدالله بن هلال گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می‌توان دایه مجوسی استخدام نمود؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ.

۳- وَ عَنْهُ عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَأَمْنَعُوهُنَّ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ تُرْضِعَ لَهُ الْيَهُودِيَّةُ وَ النَّصْرَانِيَّةُ وَ الْمُشْرِكَةُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ.

وَ قَالَ: أَمْنَعُوهُنَّ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَبَنُ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ وَ الْمَجُوسِيَّةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ لَبَنِ وَلَدِ الزُّنَا.

فرمود: نه، ولی اگر از اهل کتاب (یهود و نصارا) باشد، مانعی ندارد.

۳- عبدالله بن هلال گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که دایه‌های غیر مسلمان به فرزندان شما شیر می‌دهند، آنها را از خوردن شراب منع کنید.

۴- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا انسان می‌تواند از یهودی، نصارا و مشرکان دایه بگیرد؟

فرمود: مانعی ندارد.

و فرمود: آنان را از خوردن شراب منع کنید.

۵- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

به نظر من زن یهودی، نصرانی و مجوسی برای دایگی مورد پسندتر از دایگی زنی است که از زنا صاحب شیر شده است.



وَ كَانَ لَا يَرَى بَأْسًا بَلْبِنٍ وَ لَدِ الرَّزْنَاءِ إِذَا جَعَلَ مَوْلَى الْجَارِيَةِ الَّذِي فَجَرَ بِالْجَارِيَةِ فِي حِلِّ .

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ :  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ غُلَامٍ لِي وَ تَبَّ عَلَى جَارِيَةٍ لِي فَأَحْبَلَهَا فَأَوْلَدَتْ وَ احْتَجْنَا إِلَى لَبْنِهَا، فَإِنْ أَحَلَلْتُ لَهُمَا مَا صَنَعَا أَ يَطِيبُ لَبْنُهَا؟  
قَالَ : نَعَمْ .

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ يَكُونُ لَهَا الْخَادِمُ قَدْ فَجَرَتْ . فَتَحْتَاجُ إِلَى لَبْنِهَا .  
قَالَ : مُرَّهَا فَتَحَلَّلْهَا يَطِيبُ اللَّبْنُ .

محمد بن مسلم گوید: اگر مولای کنیز زناکار، شخصی را که با کنیز زنا کرده بود حلال می کرد؛ امام عليه السلام به دایگی چنین زنی ایراد نمی گرفت.

۶ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم:  
برده ای دارم که با یکی از کنیزانم زنا کرده و او را باردار نموده است. کنیز زایمان نموده و اکنون ما به شیر کنیز نیاز داریم. اگر این کار را بر آنها حلال کنم، آیا شیر کنیز پاک و حلال می شود؟

فرمود: آری.

۷ - هشام بن سالم، جمیل بن درّاج و سعد بن ابی خلف گویند:

امام صادق عليه السلام درباره زنی که برده ای دارد و با او زنا می کند و اکنون به شیر این زن نیاز است؛ فرمود:

به زن دستور بده تا برده را حلال کند تا شیر، پاکیزه گردد (۱).

۱ - شیخ طوسی رحمته الله در توضیح این روایت می گوید: این تحلیل فقط شیر را پاک می کند؛ نه قبح وزشتی عمل زنا را.

- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ؛ يُعْدِي، وَإِنَّ الْعُلَامَ يَنْزِعُ إِلَى اللَّبَنِ يَعْنِي إِلَى الظُّئْرِ فِي الرُّعُونَةِ وَالْحُمَقِ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ.  
وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشِبُّ عَلَيْهِ.
- ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
أَنْظَرُوا مَنْ تُرَضِعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشِبُّ عَلَيْهِ.

- ۸- محمد بن قیس گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:  
زن کم عقل را به دایگی نگیرید؛ زیرا شیر سرایت می کند و کودک به سوی شیر خود می رود؛ یعنی کودک در تهی مغزی و کم عقلی به دایه اش می رود.
- ۹- مسعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود:  
زن بی عقل را به دایگی مگیرید؛ زیرا شیر بر سرشت انسان غلبه می کند.  
و پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زن بی عقل را به دایگی نگیرید؛ زیرا کودک به همان صورت رشد می کند.
- ۱۰- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
مراقب باشید که دایه مناسبی برای فرزند خود بیابید که شخصیت کودک با شیر دایه پرورش می یابد.

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ وُلِدَتْ مِنْ زَنِيِّ هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يُسْتَرْضَعَ بِلَبَنِهَا؟  
قَالَ: لَا يَصْلُحُ، وَلَا لَبَنُ ابْنَتِهَا الَّتِي وُلِدَتْ مِنَ الزُّنَى.
- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْهَيْثَمِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- اسْتَرْضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ، وَإِيَّاكَ وَالْقَبَاحَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعْدِي.
- ۱۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ رَبِيعِ عَنِ فَضِيلٍ عَنِ زُرَّارَةَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- عَلَيْكُمْ بِالْوَضَاءِ مِنَ الطُّورَةِ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي.
- ۱۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ صَفْوَانَ عَنِ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۱۱ - علی بن جعفر علیه السلام نظیر روایت اول را از برادرش امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند (۱).

۱۲ - محمد بن مروان گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود:

زنان زیباروی را به دایگی فرزندان انتخاب کن و بر تو باد دوری از زنان زشت‌روی؛ چرا که شیر در سرشت کودک تأثیر می‌گذارد.

۱۳ - زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

بر شما سفارش می‌کنم که نوزاد خود را به دایه‌های پاک و نظیف بسپارید، زیرا شیر دایه در وجود کودک اثر می‌گذارد.

۱۴ - سعید بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱ - ر.ک روایت یکم از بخش سی ام.

لَا تَسْتَرْضِعُوا لِلصَّبِيِّ الْمَجُوسِيَّةَ وَ اسْتَرْضِعْ لَهُ الْيَهُودِيَّةَ وَ النَّصْرَانِيَّةَ، وَ لَا يَشْرَبْنَ الْحَمْرَ وَ يُمْنَعْنَ مِنْ ذَلِكَ.

(۳۱)

### بَابُ مَنْ أَحَقُّ بِالْوَلَدِ إِذَا كَانَ صَغِيرًا؟

- ۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ فَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ أَحَقُّ بِوَلَدِهِ أَمِ الْمَرْأَةُ؟  
قَالَ: لَا، بَلِ الرَّجُلُ، فَإِنْ قَالَتِ الْمَرْأَةُ لِرَوْجِهَا الَّذِي طَلَّقَهَا: أَنَا أَرْضِعُ ابْنِي بِمِثْلِ مَا تَجِدُ مَنْ تُرَضِعُهُ فَهِيَ أَحَقُّ بِهِ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

برای نوزاد دایه مجوسی استخدام نکنید، در صورت لزوم دایه یهودی و نصرانی استخدام کن و باید از خوردن شراب خودداری کنند، و از این کار منع شوند.

### بخش سی و یکم

### حق سرپرستی کودک با کیست؟

- ۱- فضل ابی عباس گوید:  
به امام صادق عليه السلام گفتم: مرد به فرزندش حق بیشتری دارد یا زن؟  
فرمود: نه؛ بلکه مرد حق بیشتری دارد. از این رو اگر زن به شوهرش که او را طلاق داده بگوید: من پسر را با همان قیمتی که دایه دارد، شیر می‌دهم؛ او به فرزند شایسته‌تر است.
- ۲- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حُبْلَى أَنْفَقَ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، وَإِذَا وَضَعَتْهُ أَعْطَاهَا أَجْرَهَا وَ لَا يُضَارُّهَا إِلَّا أَنْ يَجِدَ مَنْ هُوَ أَرْخَصُ أَجْرًا مِنْهَا، فَإِنْ هِيَ رَضِيَتْ بِذَلِكَ الْأَجْرِ، فَهِيَ أَحَقُّ بِابْنِهَا حَتَّى تَفْطِمَهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُتَقَرِّبِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَ بَيْنَهُمَا وَلَدٌ أَيُّهُمَا أَحَقُّ بِالْوَلَدِ؟  
قَالَ: الْمَرْأَةُ أَحَقُّ بِالْوَلَدِ مَا لَمْ تَنْزَوِجْ.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ».

هنگامی که مرد زن باردار خود را طلاق دهد، باید نفقه‌اش را بپردازد تا این که زن زایمان کند و آن گاه که زن زایمان نمود، شوهرش باید اجرت شیر دادن زن را به او بپردازد و حق ندارد با جدا کردن زن از فرزندش به او ضرر برساند، مگر دایه‌ای را بیابد که کمتر از همسرش اجرت می‌گیرد. در این صورت اگر زن به همان قیمت کمتر راضی شود، او به شیر دادن فرزندش تا هنگام از شیر گرفتن سزاوارتر است.

۳- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند:

مردی همسرش را که دارای فرزندی است طلاق می‌دهد؛ کدام یک به فرزند سزاوارتر است؟

فرمود: زن تا زمانی که ازدواج نکرده است، نسبت به فرزند سزاوارتر است.

۴- داوود بن حُصَین گوید: امام صادق عليه السلام درباره‌ی ای آیه که:

خداوند متعال می‌فرماید: «و مادران باید فرزندان خود را شیر بدهند» فرمود:

قَالَ: مَا دَامَ الْوَالِدُ فِي الرِّضَاعِ فَهُوَ بَيْنَ الْأَبَوَيْنِ بِالسَّوِيَّةِ، فَإِذَا فُطِمَ فَلِلْأَبِ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْأُمِّ، فَإِذَا مَاتَ الْأَبُ فَلِلْأُمِّ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَصْبَةِ، فَإِنْ وَجَدَ الْأَبُ مَنْ يُرْضِعُهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَقَالَتِ الْأُمُّ: لَا أَرْضِعُهُ إِلَّا بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ، فَإِنَّ لَهُ أَنْ يَنْزِعَهُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَهُ وَأَرْفَقَ بِهِ أَنْ يُتْرَكَ مَعَ أُمِّهِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ امْرَأَةٍ حُرَّةٍ نَكَحَتْ عَبْدًا فَأَوْلَدَهَا أَوْلَادًا ثُمَّ إِنَّهُ طَلَّقَهَا فَلَمْ تَقُمْ مَعَ وُلْدِهَا وَتَزَوَّجَتْ. فَلَمَّا بَلَغَ الْعَبْدُ أَنَّهَا تَزَوَّجَتْ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ وُلْدَهُ مِنْهَا وَقَالَ: أَنَا أَحَقُّ بِهِمْ مِنْكَ إِنْ تَزَوَّجَتْ.

فَقَالَ: لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهَا وُلْدَهَا وَإِنْ تَزَوَّجَتْ حَتَّى يُعْتَقَ هِيَ أَحَقُّ بِوُلْدِهَا مِنْهُ مَا دَامَ مَمْلُوكًا، فَإِذَا أُعْتِقَ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِمْ مِنْهَا.

مادام که کودک دوره شیرخوارگی را می گذرانند، نسبت کودک به پدر و مادر یکسان است. بعد از آن که کودک را از شیر بگیرند، پدر نسبت به کودک از مادر شایسته تر است و اگر پدر کودک بمیرد مادر کودک بر خویشان پدری کودک، حق تقدم دارد. اگر پدر کودک دایه ای بیابد که چهار درهم اجرت بگیرد و مادر بگوید: من با کمتر از پنج درهم شیر نمی دهم، پدر می تواند فرزند خود را از مادرش جدا کند و به دایه بسپارد، ولی صلاح کودک آن است که در دامن مادر بماند و از شیر مادر بزرگ شود.

۵ - داوود رقی گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زن آزادی با برده ای ازدواج کرد و از او صاحب چند فرزند شد، سپس زن را طلاق داد و او در کنار فرزندانش نماند و ازدواج نمود. هنگامی که به برده خبر رسید که همسر سابقش ازدواج نموده خواست که فرزندان را از او بگیرد و گفت: من نسبت به فرزندان از تو سزاوارترم؛ چون تو ازدواج کرده ای. فرمود: برده حق ندارد که فرزندان را از آن زن بگیرد، گرچه زن ازدواج کرده باشد؛ تا هنگامی که برده، آزاد شود زن نسبت به فرزندان از برده سزاوارتر است تا هنگامی که برده، برده است. پس هرگاه برده، آزاد شود، او نسبت به فرزندان از زن سزاوارتر خواهد بود.

(۳۲)

## بَابُ النُّشُوءِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ عَائِدِ بْنِ حَبِيبِ بَيْعِ الْهَرَوِيِّ عَنْ عِيْسَى بْنِ زَيْدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَتَغَرُّ الْعُلَامُ لِسَبْعِ سِنِينَ، وَ يُؤْمَرُ بِالصَّلَاةِ لِتِسْعِ، وَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَصَاجِعِ لِعَشْرِ، وَ يَحْتَلِمُ لِأَرْبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً، وَ مُنْتَهَى طَوْلُهُ لِاثْنَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ سَنَةً، وَ مُنْتَهَى عَقْلُهُ لِثَمَانٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَّا التَّجَارِبَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّرِيرِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَشِيبُ الصَّبِيُّ كُلَّ سَنَةٍ أَرْبَعِ أَصَابِعٍ بِأَصَابِعِ نَفْسِهِ.

## بخش سی و دوم

## رشد کودک

۱ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

دندان‌های شیری پسر در هفت سالگی می‌افتد در نه سالگی امر به نماز خواندن می‌شود در ده سالگی محل خواب پسران از همدیگر جدا می‌شود، در چهارده سالگی محتلم می‌شود، نهایت رشد او تا بیست و دو سالگی است و نهایت رشد عقلش جز تجربه‌هایی که کسب می‌کند تا بیست و هشت سالگی است.

۲ - حماد بن عیسی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کودک هر سال چهار انگشت - به اندازه انگشتان خودش - رشد می‌کند.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 الْغَلَامُ لَا يُلْقَحُ حَتَّى يَتَغَلَّكَ تَدْيَاهُ وَتَسْطَعَ رِيحُ إِبْطِيهِ.

(۳۳)

### بَابُ تَأْدِيبِ الْوَلَدِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا، فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ  
 فِيهِ.  
 ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ  
 عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۳- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:  
 بلوغ پسر به این است که سینه اش گرد و برآمده شود و بوی زیر بغلش منتشر و پراکنده  
 گردد.

### بخش سی و سوم

### دوران ادب آموزی کودک

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
 کودک را تا هفت سالگی رهاکن تا بازی کند، هفت سال دیگر با او همراهی کن سپس  
 اگر رستگار شد (که بهتر) و گرنه از کسانی است که خیری در آنان نیست.  
 ۲- یونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:



أَمْهَلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَه سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ ، فَأَدَّبُهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَحَلَّ عَنْهُ .

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ ، وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ .

۴- عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَائَةَ .

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةُ .

کودک خود را تا شش سال رها کن ، سپس هفت سال او را همراه خود کن و با ادب خود به او ادب بیاموز ، اگر پذیرفت و صالح شد (که بهتر) و گرنه رهاش کن .

۳- یعقوب بن سالم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پسر باید هفت سال بازی کند ، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد .

۴- یعقوب بن سالم در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به فرزندان‌تان شنا و تیر اندازی بیاموزید .

۵- جمیل بن درّاج و دیگران گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

فرزندان‌تان را در آغاز نوجوانی با (اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) حدیث تربیت کنید؛ پیش از آن که «مرجئه»<sup>(۱)</sup> در افکار فرزندان‌تان از شما پیشی گیرند .

۱- مرجئه گروهی از مخالفان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بودند که می‌گفتند با ایمان هیچ گناهی ضرر نمی‌رساند .

- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
يُفَرِّقُ بَيْنَ الْعِلْمَانِ وَ النَّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ .
- ۷- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
إِنَّا نَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ أَنْ يَجْمَعُوا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الْأُولَى وَ الْعَصْرِ وَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مَا دَامُوا عَلَى وُضُوءٍ قَبْلَ أَنْ يَشْتَغَلُوا .
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
أَدَّبَ الْيَتِيمَ بِمَا تُؤَدِّبُ مِنْهُ وَلَدَكَ ، وَ اضْرِبْهُ مِمَّا تَضْرِبُ مِنْهُ وَلَدَكَ .

۶- ابن قَدَّاح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که پسران ده ساله شوند، بستر خواب آنان از دختران جدا می شود.

۷- ابن قَدَّاح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

ما به کودکان خود دستور می دهیم که نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانند تا هنگامی که با وضو هستند؛ پیش از آن که به کار دیگری مشغول شوند.

۸- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کودک یتیم را به جهت خطایی تنبیه کن که فرزند خودت را برای آن خطا تنبیه می کنی.

(۳۴)

## بَابُ حَقِّ الْأَوْلَادِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: تُحْسِنُ اسْمَهُ وَادَبَهُ، وَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: كَانَ دَاوُدُ بْنُ زُرَيْبٍ شَكَكَ ابْنَهُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا أَفْسَدَ لَهُ. فَقَالَ لَهُ: اسْتَصْلِحْهُ فَمَا مِائَةٌ أَلْفٍ فِيمَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ!؟
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
- رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَّهِمَا.

بخش سی و چهارم  
حق فرزندان

- ۱ - درست گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:  
شخصی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این پسرم چیست؟ فرمود: برای او نام زیبا انتخاب کن او را مؤدب بیاور و در جایگاه خوبی قرارش ده (۱).
- ۲ - معمر بن خلاد گوید: داوود بن زریب خدمت امام کاظم علیه السلام شکوه کرد که فرزندم، خسارت فراوانی به بار آورده است.  
امام فرمود: فرزندان را طرد مکن؛ بلکه به اصلاح او بکوش. صد هزار درهم خسارت در برابر نعمت خداوند بر تو به سبب وجود او، چه ارزشی دارد؟!؟
- ۳ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:  
خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندشان را با رفتارشان در نیکی به خودشان یاری کنند.

۱ - به نظر می‌رسد منظور این است که برای او شغل حلالی به او بیاموز یا همسری شیعه برایش برگزین.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ .  
فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَثٌ؟  
قَالَ: وَمَا ذَلِكَ؟

قَالُوا: خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ .

فَقَالَ لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟!

۵ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا .

۴ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم نماز ظهر می خواند و دو رکعت آخر نماز را سریع و خفیف ادا کرد. موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خود را سلام داد، مردم به ایشان عرض کردند: آیا دستور جدیدی درباره نماز صادر شده است؟

فرمود: از چه جهت؟

عرض کردند: شما دو رکعت آخر نماز را بسیار سریع و خفیف ادا کردید.

فرمود: آیا فریاد کودک را نشنیدید؟!

۵ - زید بن علی عليه السلام از پدرش و او از جدش صلی الله علیه و آله روایت می کند و می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

فرمود:

پدر و مادر توسط فرزند عاق می شوند؛ همان گونه که فرزند توسط آنان عاق می شود.

۶- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهَورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنِ السَّكُونِيِّ  
قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا مَعْمُومٌ مَكْرُوبٌ فَقَالَ لِي: يَا سَكُونِيُّ! مِمَّا  
عَمُّكَ؟

قُلْتُ: وُلِدْتُ لِي ابْنَةٌ.

فَقَالَ: يَا سَكُونِيُّ! عَلَى الْأَرْضِ ثِقُلُهَا وَ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا تَعِيشُ فِي غَيْرِ أَجْلِكَ، وَ  
تَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ.

فَسَرَرَى وَ اللَّهُ عَنِّي.

فَقَالَ لِي: مَا سَمَّيْتَهَا؟

قُلْتُ: فَاطِمَةَ.

قَالَ: آهٍ آهٍ.

ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ، فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

۶- سکونی گوید: روزی با اندوه خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدم، فرمود: ای

سکونی! چرا اندوهگین هستی؟

عرض کردم: دختری برایم متولد شده است.

فرمود: ای سکونی! سنگینی دخترت بر زمین و روزی او به عهده خداوند است؛ او در

غیر زندگی تو زندگی می‌کند و جز روزی تو بهره می‌برد.

سکونی گوید: به خدا سوگند! سخن حضرتش غم را از من زدود.

آن گاه فرمود: نام او را چه گذاشته‌ای؟

عرض کردم: فاطمه.

آن حضرت به یاد مظلومیت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ افتاد و فرمود: آه! آه.

سپس دست مبارک را بر پیشانی گذاشت و فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يُطَهِّرَهُ وَ يُعَلِّمَهُ السَّبَّاحَةَ، وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمِّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَ يُعَلِّمَهَا سُورَةَ النُّورِ، وَ لَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ، وَ لَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ، وَ يُعَجِّلُ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، أَمَّا إِذَا سَمَّيْتُهَا فَاطِمَةَ، فَلَا تُسَبِّهَا وَ لَا تَلْعَنُهَا وَ لَا تُضْرِبُهَا.

(۳۵)

### بَابُ بَرِّ الْأَوْلَادِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

حق فرزند پسر بر پدرش این گونه است که برای او، مادر زیرک و با شرافتی انتخاب کند، برایش نام زیبایی بگذارد، به او قرآن بیاموزد، او را ختنه کند و بر او شنا آموزش دهد. و برای فرزند دختر، مادر زیرک برگزیند، برایش نام زیبایی انتخاب کند، به او سوره نور بیاموزد، سوره یوسف را نیاموزد و او را در طبقه فوقانی خانه جای نهد و در فرستادن او به خانه شوهرش شتاب کند. آن گاه که نام دختری را فاطمه نهادی؛ به او دشنام نده، او را لعنت نکن و او را کتک نزن.

### بخش سی و پنجم

### نیکی به فرزندان

۱ - فضل بن قره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَ جُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ مَنْ أَبْرُ؟

قَالَ: وَالِدَيْكَ.

قَالَ: قَدْ مَضِيَا.

قَالَ: بَرٌّ وَلَدَكَ.

۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَحْبَبُوا الصَّبِيَّانَ وَ اِرْحَمُوهُمُ، وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمُ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ.

هر کس فرزندش را بیوسل، خدایوند برایش یک حسنه می نویسد، و هر کس فرزندش را خوشحال کند، خداوند در روز رستاخیز او را شاد خواهد نمود و هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد، در روز قیامت پدر و مادر او فرا می خوانند و به آنان دو لباس مخصوص می پوشانند که چهره بهشتیان از نور آن لباس ها روشن می گردد.

۲- راوی گوید:

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به چه کسی نیکی کنم؟

فرمود: به پدر و مادرت.

عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند.

فرمود: به فرزندت نیکی کن.

۳ - عبدالله بن محمد بجلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی نمایید. هرگاه به آنها وعده ای دادید، به آن

وفا کنید؛ زیرا آنان فقط شمارا روزی رسان می دانند.

- ۴- ابن فضال عن أبي جميلة عن سعد بن طريف عن الأصبغ بن نباتة قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: من كان له ولد صبا.
- ۵- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن ذكوان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله ليرحم العبد لشدة حبه لو لده.
- ۶- عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن محبوب عن علي بن الحسن بن رباط عن يونس بن رباط عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: رجم الله من أعان ولده على بره. قال: قلت: كيف يعينه على بره؟ قال: يقبل ميسوره و يتجاوز عن معسوره، ولا يرهقه ولا يخرق به فليس بينه وبين أن يصير في حد من حدود الكفر إلا أن يدخل في عقوق أو قطيعة رجم.

۴- اصبع بن نباته گوید: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

هر کس فرزندی دارد با رفتار کودکانه با او رفتار کند.

۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی خداوند بنده خود را به خاطر شدت علاقه به فرزندش می‌آمرزد.

۶- یونس بن رباط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود یاری نماید.

یونس گوید: گفتم: انسان چگونه فرزندش را بر نیکی کردن به خویش یاری کند؟

فرمود: عمل اندکی را که در توان اوست بپذیرد و از عملی که بر او گران است درگذرد،

بر او ستم نکند و با او بد اخلاقی ننماید که در این صورت بین او و فرزندش از مرزهای کفر

جز عاق شدن یا قطع رحم کردن فاصله‌ای نخواهد بود.



ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْجَنَّةُ طَيِّبَةٌ طَيَّبَهَا اللَّهُ وَ طَيَّبَ رِيحَهَا يُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِي عَامٍ وَ لَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ، وَ لَا مُرْخِي الإِزَارِ حُيَلَاءَ.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ الأَزْدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: مَا قَبَلْتُ صَبِيًّا قَطُّ.

فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ كَلَيْبِ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع:

إِذَا وَعَدْتُمْ الصَّبِيَّانَ فَعُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرَزُّقُونَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَعْضِبُ لِشَيْءٍ كَعْضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ.

سپس فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

بهشت پاکیزه است. خداوند آن را پاکیزه نموده است و بوی آن را نیز پاکیزه قرار داده است؛ به طوری که بوی آن از مسیر دو هزار سال راه استشمام می شود، اما کسی که عاق شده، کسی که قطع رحم کرده و کسی که لباس خود را از روی تکبر بر زمین می کشاند، بوی بهشت را استشمام نخواهند کرد.

۷- راوی گوید: امام صادق ع فرمود:

روزی شخصی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: من هیچ گاه کودکی را نبوسیده ام. هنگامی که آن شخص از حضور پیامبر خدا ﷺ مرخص شد، حضرتش فرمود: به نظر من این شخص از دوزخیان است.

۸- کَلَيْبِ صيداوی گوید: امام کاظم ع به من فرمود:

اگر به فرزندان خود وعده چیزی می دهید، به وعده خود وفا کنید؛ چرا که آنان تصور می کنند که شما روزی رسان آنان هستید. خداوند از پامال شدن حقوق بانوان و کودکان چنان خشم می گیرد که از سایر خطاها خشم نمی گیرد.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْوَلَدُ فِتْنَةٌ.

(۳۶)

### بَابُ تَفْضِيلِ الْوَلَدِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بَعْضُ وُلْدِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَعْضٍ وَ يُقَدِّمُ بَعْضَ وُلْدِهِ عَلَى بَعْضٍ. فَقَالَ: نَعَمْ، قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحَلَ مُحَمَّدًا، وَ فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحَلَ أَحْمَدَ شَيْئًا.

۹- ذریح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فرزند مایه آزمایش (پدر و مادر) است.

### بخش سی و ششم

### برتری دادن برخی از فرزندان بر برخی دیگر

۱- سعد بن سعد اشعری گوید:

از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: برخی از فرزندان مرد نزد او محبوب تر از فرزندان دیگرش است و بعضی از فرزندانش را بر بقیه مقدم می‌دارد (آیا جایز است؟) فرمود: آری. امام صادق علیه السلام چنین انجام داد و به محمد چیزی بخشید و امام کاظم علیه السلام نیز چنین رفتار نمود که به احمد چیزی بخشید. احمد کودک بود، من سرپرستی اموالش را به عهده گرفتم تا این که برای او اموالی گردآوری نمودم.

فَقُمْتُ أَنَا بِهِ حَتَّى حُرِّقَتْ لَهُ.  
 فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الرَّجُلُ يَكُونُ بِنَاتِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَنِيهِ.  
 فَقَالَ: الْبَنَاتُ وَالْبَنُونَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ، إِنَّمَا هُوَ بِقَدْرِ مَا يُنْزِلُهُمُ اللَّهُ ﷻ مِنْهُ.

(۳۷)

### بَابُ التَّفَرُّسِ فِي الْغُلَامِ وَ مَا يُسْتَدَلُّ بِهِ عَلَى نَجَابَتِهِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ  
 ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَلِيلِ بْنِ عَمْرٍو أَيْشِكْرِيٍّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ  
 قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ:  
 إِذَا كَانَ الْغُلَامُ مُلْتَاثَ الْأُذْرَةِ صَغِيرَ الذِّكْرِ سَاكِنَ النَّظَرِ، فَهُوَ مِمَّنْ يُرْجَى خَيْرُهُ  
 وَيُؤْمَنُ سِرُّهُ.

سعد گوید: عرض کردم: فدایتان کردم! دختران نزد پدر محبوب تر هستند یا پسران؟  
 فرمود: دختران و پسران در این باره مساوی هستند. فقط محبوبیت فرزندان به اندازه  
 منزلتی است که خداوند برای آنان در دل انسان قرار می دهد.

### بخش سی و هفتم

#### شناخت کودک پسر و دلیل نجیب بودن او

۱ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق ﷺ فرمود: امیر مؤمنان علی ﷺ می فرمود:  
 آن گاه که بیضه پسر بچه ای سست، آلت جنسی او کوچک و نگاهش آرام باشد، از  
 کسانی خواهد بود که امید است به نیکی او می رود و می توان از شرش در امان شد.

قَالَ: وَإِذَا كَانَ الْغُلَامُ شَدِيدَ الْأُذْرَةِ كَبِيرَ الذِّكْرِ حَادَّ النَّظَرِ، فَهُوَ مِمَّنْ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ وَ يُؤْمَنُ شَرُّهُ.

- ۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الشَّامِيِّ قَالَ: أَخْبَرَنِي صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
- تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ.
- ثُمَّ قَالَ: مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.
- ۳- وَرَوِيَ: أَنَّ أَكْبَسَ الصَّبِيَّانِ أَشَدَّهُمْ بُعْضًا لِلْكِتَابِ.

---

و فرمود: وهرگاه بیضه پسر بچه‌ای سفت، آلت جنسی او بزرگ و نگاهش تند باشد، از کسانی خواهد بود که امیدی به نیکی او نیست و از شر او در امان نخواهند بود.

۲- صالح بن عقبه گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که فرمود:

کودکی که در دوران کودکی به بازی علاقمند است مطلوب است؛ چرا که در دوران بزرگسالی بردبار خواهد شد.

سپس فرمود: سزاوار نیست کودک جز این گونه باشد.

۳- در روایتی آمده است:

به راستی زیرک‌ترین کودکان، دشمن‌ترین آنان با مکتب‌خانه است.

(۳۸)

## بَابُ النَّوَائِرِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ مِنْ  
 وَوَلَدِ نَوْفَلِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ  
 عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْعَمَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي  
 الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ.  
 فَقَالَ: كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
 يَعْيشُ الْوَلَدُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ لِسَبْعَةِ أَشْهُرٍ وَ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ، وَ لَا يَعْيشُ  
 لِتِمَائِيَةِ أَشْهُرٍ.

## بخش سی و هشتم

## چند روایت نکته دار

- ۱- عبدالله عمری از پدرش و او از جدش این گونه روایت می کند: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 درباره بیماری که کودک به آن مبتلا می شود فرمود:  
 بیماری کودک کفاره ای برای پدر و مادر اوست.
- ۲- وهب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 نوزادی که در شش، هفت و نه ماهگی به دنیا آمده است زنده می ماند، ولی نوزاد  
 هشت ماهه زنده نمی ماند.

- ۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَيَابَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غَايَةِ الْحَمْلِ بِالْوَلَدِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ كَمْ هُوَ، فَإِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: رَبَّمَا بَقِيَ فِي بَطْنِهَا سِنِينَ.
- فَقَالَ: كَذَبُوا، أَفْصَى حُدِّ الْحَمْلِ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ لَا يَزِيدُ لِحِظَّةً، وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَتْ أُمُّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ.
- ۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: الْقَابِلَةُ مَأْمُونَةٌ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ، فَرَأَيْتُهُ يَبْتِنُ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا لِي أَرَاكَ تَبْتِنُ؟

۳- راوی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم:

حداکثر زمان دوران بارداری چه اندازه است؟ چراکه اهل سنت می‌گویند: گاهی جنین تا چند سال در شکم مادر می‌ماند.

فرمود: دروغ گفته‌اند؛ نهایت مدت آبستنی نه ماه است. یک لحظه نیز بیشتر نمی‌شود و اگر یک ساعت بیشتر از نه ماه شود، پیش از آن که جنین خارج شود مادرش را می‌کشد.

۴- زراره گوید: امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

قابله، امین است.

۵- محمد بن مسلم گوید:

در خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودم که یونس بن یعقوب وارد شد. یونس از امری ناراحت بود و می‌نالید.

امام عليه السلام به او فرمود: برای چه ناراحت و نالان هستی؟

قَالَ: طِفْلٌ لِي تَأَذَّيْتُ بِهِ اللَّيْلَ أَجْمَعَ .  
 فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا يُونُسُ! حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ  
 جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَنَانِ .  
 فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَبِيبَ اللَّهِ! مَا لِي أَرَاكَ تَتِنُّ؟  
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طِفْلَانِ لَنَا تَأَذَّيْنَا بِبُكَائِهِمَا .  
 فَقَالَ جَبْرَائِيلُ: مَهْ يَا مُحَمَّدُ! فَإِنَّهُ سَبَّيْعَتْ لَهُوْلَاءِ الْقَوْمِ شَيْعَةً إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ  
 فَبُكَأُوهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فَبُكَأُوهُ  
 اسْتِغْفَارًا لَوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ، فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ  
 فَلِوَالِدَيْهِ وَ مَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا .  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ:  
 كَانَ لِي ابْنٌ وَ كَانَ تُصِيبُهُ الْحَصَاةُ .  
 فَقِيلَ لِي: لَيْسَ لَهُ عِلَاجٌ إِلَّا أَنْ تَبْطُهُ .

عرض کرد: کودکی دارم که تمام دیشب را به خاطر او اذیت شدم.  
 فرمود: ای یونس! پدرم محمد بن علی علیه السلام از پدران خویش علیه السلام، از جدم پیامبر  
 خدا علیه السلام خبر داد که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا علیه السلام نازل شد در حالی که ایشان و حضرت  
 علی علیه السلام ناراحت بودند و می نالیدند.

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای حبیب خدا! چرا ناراحت و نالان هستی؟  
 پیامبر خدا علیه السلام فرمود: به جهت گریه دو کودکی که داریم.

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: نگران مباش ای محمد! زیرا به زودی برای شما شیعیانی  
 خواهند آمد که گریه فرزندان آنها تا هفت سالگی «لا إله إلا الله»، پس از هفت سالگی  
 گریه اش استغفار برای پدر و مادرش است. تا این که به سن بلوغ برسد. زمانی که به سن  
 بلوغ رسید، هر عمل نیکی که انجام دهد برای پدر و مادرش نیز منظور خواهد شد و هر  
 عمل زشتی انجام دهد ربطی به پدر و مادرش نخواهد داشت.

۶- حمدان بن اسحاق گوید:

پسر من به بیماری سنگ مثانه مبتلا شد، اطبا به من گفتند: درمان او فقط پاره کردن مثانه است.

فَبَطَّطْتُهُ فَمَاتَ .

فَقَالَتِ الشَّيْعَةُ: شَرِكْتُ فِي دَمِ ابْنِكَ .

قَالَ: فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ ع .

فَوَقَّعَ ع: يَا أَحْمَدُ! لَيْسَ عَلَيْكَ فِيمَا فَعَلْتَ شَيْءٌ، إِنَّمَا التَّمَسَّتِ الدَّوَاءُ، وَكَانَ أَجَلُهُ فِيمَا فَعَلْتَ .

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع .  
إِذَا بَلَغَ الصَّبِيُّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَأَحْجُمُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فِي النَّقْرَةِ، فَإِنَّهَا تُجَفِّفُ لِعَابَهُ وَتُهَبِّطُ الْحَرَارَةَ مِنْ رَأْسِهِ وَجَسَدِهِ .

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: أَصَابَ رَجُلٌ غُلَامَيْنِ فِي بَطْنٍ .  
فَهَنَّاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهُمَا الْأَكْبَرُ؟

من به چنین عملی تن دادم و مثنائه فرزندم را پاره کردند، اما پسر من از دنیا رفت.  
شیعیان گفتند: تو در خون پسرت شریکی (!) من در نامه‌ای این جریبان را به امام  
عسکری ع نوشتم.

امام ع نوشت: ای احمد! به خاطر کاری که انجام دادی، چیزی برگردن تو نیست.  
همانا تو خواستار درمان او بودی؛ ولی مرگ پسرت در کاری که تو انجام دادی، قرار  
داشت.

۷- سفیان بن سمط گوید: امام صادق ع به من فرمود:  
هنگامی که فرزند چهار ماهه شد، هر ماه او را در ناحیه نقره <sup>(۱)</sup> حجامت کن؛ زیرا  
حجامت آب دهان کودک را خشک می‌کند و گرما را از سر و بدنش می‌برد.  
۸- راوی گوید: مردی صاحب دو پسر دوقلو شد. امام صادق ع به او تبریک گفت و  
فرمود: کدامشان بزرگ‌تر است؟

۱- نقره: گودی که در قسمت بالای پشت گردن قرار دارد.



فَقَالَ: الَّذِي خَرَجَ أَوْلًا.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الَّذِي خَرَجَ آخِرًا هُوَ أَكْبَرُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهَا حَمَلَتْ بِذَلِكَ  
أَوْلًا، وَإِنَّ هَذَا دَخَلَ عَلَيَّ ذَلِكَ فَلَمْ يُمَكِّنْهُ أَنْ يَخْرُجَ حَتَّى خَرَجَ هَذَا، فَالَّذِي  
يَخْرُجُ آخِرًا هُوَ أَكْبَرُهُمَا.

تَمَّ كِتَابُ الْعَقِيقَةِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ يَلِيهِ كِتَابُ الطَّلَاقِ.

گفت: آن که زودتر از رحم بیرون آمده است.

امام صادق عليه السلام فرمود: آن که دیرتر بیرون آمده، بزرگتر است. آیا نمی‌دانی همسرت  
اول به پسری که دیرتر به دنیا آمده باردار شده است و این که پسر دوم بر پسر اول وارد شده  
است؟! پس پسر اول نمی‌توانست خارج شود تا این که پسر دوم خارج شد. پس آن که سر  
آخر بیرون آمده، او بزرگتر است.

پایان کتاب عقیقه تمام و سپاس از آن پروردگار جهانیان است و در پی آن، کتاب  
طلاق و جدایی خواهد آمد.

---

# کتاب الطلاق

---

کتاب

طلاق و جدایی

---

(۱)

## بَابُ كَرَاهِيَةِ طَلَاقِ الزَّوْجَةِ الْمُوَافِقَةِ

۱- أَخْبَرَنَا عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرَجُلٍ. فَقَالَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟

قَالَ: طَلَّقْتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؟

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ!

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ، فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

## بخش یکم

## کراهت طلاق دادن همسر سازگار

۱- سعد بن طریف گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

روزی پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کنار شخصی عبور می‌کرد به او فرمود: همسرت چه شد؟

گفت: ای پیامبر خدا! طلاقش دادم.

فرمود: بدون این که از او بدی دیده باشی؟

گفت: بدون این که از او بدی دیده باشم!

راوی گوید: آن مرد مجدداً ازدواج نمود. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره از کنار او عبور می‌کرد

به او فرمود: ازدواج نمودی؟

گفت: آری.

ثُمَّ قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟

قَالَ: طَلَّقْتُهَا؟

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؟

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ!

ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟

قَالَ: طَلَّقْتُهَا.

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؟

قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ!

بعد از مدتی پیامبر ﷺ او را دید به او فرمود: همسرت چه شد؟  
گفت: طلاقش دادم.

فرمود: بدون این که از او بدی دیده باشی؟

گفت: بدون این که از او بدی دیده باشم!

آن مرد مجدداً ازدواج کرد. پیامبر خدا ﷺ دوباره از کنار او عبور می کرد به او فرمود:  
ازدواج نمودی؟

گفت: آری.

بعد از مدتی پیامبر ﷺ او را دید به او فرمود: همسرت چه شد؟  
گفت: طلاقش دادم.

فرمود: بدون این که از او بدی دیده باشی؟

گفت: بدون این که از او بدی دیده باشم!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ، أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلَّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ ﷻ أَنْ يَبْغِضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ، وَإِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمِطْلَاقَ الذَّوَّاقَ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ، وَيَبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْ يَبْغِضَ إِلَى اللَّهِ ﷻ مِنَ الطَّلَاقِ.

در این هنگام پیامبر خدا ﷺ فرمود: به راستی که خداوند هر مرد «ذواق»<sup>(۱)</sup> و هر زن ذواقه را دشمن می‌دارد یا لعنت می‌کند.

۲- راویان متعددی گویند: امام صادق ع فرمود:

هیچ چیز از چیزهایی که خداوند حلال نموده است، نزد خدا مبعوض‌تر از طلاق نیست و به راستی که خداوند شخص بسیار طلاق دهنده ذواق را دشمن می‌دارد.

۳- ابو خدیجه گوید: امام صادق ع فرمود:

خداوند ﷻ خانه‌ای را که در آن عروسی است دوست می‌دارد و خانه‌ای را که در آن طلاق است دشمن می‌دارد و هیچ چیز نزد خداوند مبعوض‌تر از طلاق نیست.

۱ - ذواق و ذواقه: کسی است که به سرعت ازدواج می‌کند و به سرعت هم طلاق می‌دهد.

- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ كُلَّ مُطَلَّقٍ ذَوَّاقٍ.
- ۵- وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَلَغَ النَّبِيُّ ﷺ أَنَّ أَبَا أَيُّوبَ يُرِيدُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ طَلَّاقَ أُمِّ أَيُّوبَ لِحُبٌّ.

(۲)

### بَابُ تَطْلِيقِ الْمَرْأَةِ غَيْرِ الْمُؤَافَقَةِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ تُعْجِبُهُ وَكَانَ لَهَا مُحِبًّا فَأَصْبَحَ يَوْمًا وَقَدْ طَلَّقَهَا وَاعْتَمَّ لِذَلِكَ.

- ۴- طلحه بن زید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند هر فرد بسیار طلاق دهنده و ذوق را دشمن می دارد.
- ۵- طلحه بن زید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به پیامبر خدا ﷺ خبر رسید که ابویوب می خواهد همسرش را طلاق دهند. پیامبر خدا ﷺ فرمود: طلاق دادن ام ایوب گناه است.

### بخش دوم

#### طلاق دادن همسر ناسازگار

- ۱- راوی گوید: امام باقر علیه السلام همسری داشت که به او علاقمند بود و او را دوست می داشت. روزی آن حضرت او را طلاق داد و از این جهت اندوهگین شد.



فَقَالَ لَهُ بَعْضُ مَوَالِيهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لِمَ طَلَّقْتَهَا؟  
فَقَالَ: إِنِّي ذَكَرْتُ عَلَيْهَا عَلَيْهَا فَتَنَقَّصْتَهُ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَلْصِقَ جَمْرَةً مِنْ جَمْرِ جَهَنَّمَ  
بِجِلْدِي.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ  
خَطَّابِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: كَانَتْ عِنْدِي امْرَأَةٌ تَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَكَانَ أَبُوهَا كَذَلِكِ  
وَكَانَتْ سَيِّئَةَ الْخُلُقِ، فَكُنْتُ أَكْرَهُ طَلَاقَهَا لِمَعْرِفَتِي بِإِيمَانِهَا وَإِيمَانِ أَبِيهَا.  
فَلَقِيتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ طَلَاقِهَا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ  
فِدَاكَ! إِنْ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ فَتَأْذَنْ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهَا؟  
فَقَالَ: أَتَيْتَنِي عَدَا صَلَاةَ الظُّهْرِ.  
قَالَ: فَلَمَّا صَلَّيْتُ الظُّهْرَ أَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ صَلَّى وَجَلَسَ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ  
وَجَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ.

یکی از دوستان امام عَلَيْهِ به حضرتش عرض کرد: قربانت گردم! چرا او را طلاق دادید؟  
فرمود: من یادی از علی عَلَيْهِ را نمودم؛ ولی او آن حضرت تنقیص کرد، از این رو  
دوست نداشتم که سنگی از سنگ‌های دوزخ به پوستم بچسبد.  
۲- خطّاب بن سلمه گوید: همسری شیعه‌ای داشتم (که پدر نیز شیعه بود، ولی همسر  
بد اخلاق بود. اما من به جهت ایمان او و پدرش کراهت داشتم که او را طلاق دهم.  
روزی امام کاظم عَلَيْهِ را ملاقات نمودم و می‌خواستم درباره طلاق دادن همسر از  
حضرتش سؤال کنم. از این رو، عرض کردم: فدایت گردم! من از شما حاجتی دارم. اجازه  
می‌دهید درباره آن از شما سؤال کنم؟  
فرمود: فردا هنگام نماز ظهر نزد من بیا.  
روز بعد نماز ظهر را خواندم و به خدمت حضرتش شرف‌یاب شدم، دیدم آن حضرت  
نمازش را خوانده و نشسته است، وارد شدم و پیش روی مبارکش نشستم.

فَابْتَدَأَنِي فَقَالَ: يَا خَطَّابُ! كَانَ أَبِي زَوْجِنِي ابْنَةَ عَمِّ لِي، وَكَانَتْ سَيِّئَةَ الْخُلُقِ  
وَكَانَ أَبِي زُبْمًا أَعْلَقَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّهَا الْبَابَ رَجَاءً أَنْ أَلْقَاهَا فَأَتَسَلَّقُ الْحَائِطَ وَ أَهْرُبُ  
مِنْهَا.

فَلَمَّا مَاتَ أَبِي طَلَّقْتُهَا. فَقُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ! أَجَابَنِي، وَ اللَّهُ! عَنْ حَاجَتِي مِنْ غَيْرِ  
مَسْأَلَةٍ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ خَطَّابِ بْنِ  
سَلَمَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ - يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَشْكُوَ إِلَيْهِ مَا  
أَلْقَى مِنْ امْرَأَتِي مِنْ سُوءِ خُلُقِهَا.

فَابْتَدَأَنِي فَقَالَ: إِنَّ أَبِي كَانَ زَوْجِنِي مَرَّةً امْرَأَةً سَيِّئَةَ الْخُلُقِ.  
فَشَكَّوْتُ ذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ فِرَاقِهَا قَدْ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَيْكَ.  
فَقُلْتُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي: قَدْ فَرَّجْتَ عَنِّي.

امام علیؑ پیش از من فرمود: ای خطَّاب! پدرم مرا به عقد دختر عمومیم درآورد.  
دختر عمومیم بد اخلاق بود و پدرم گاهی درب را بر روی من و او می بست به این امید که من  
با همسرم نزدیکی کنم. اما من از دیوار بالا می رفتم و از آن جا فرار می کردم.  
من هنگامی که پدرم وفات یافت، دختر عمومیم را طلاق دادم<sup>(۱)</sup>.  
خطَّاب گوید: گفتیم: الله اکبر، به خدا سوگند! بدون این که سؤالی کنم، جواب مرا  
در باره حاجتم دادید.

۳- خطَّاب بن سلمه گوید: روزی خدمت امام کاظم علیؑ شرف یاب شدم می خواستم از  
بد اخلاقی همسرم به آن حضرت شکایت کنم.  
آن حضرت علیؑ پیش از این که پرسش کنم فرمود: روزی پدرم زن بد اخلاقی را به عقد  
من درآورد من از بد اخلاقی او به پدرم شکایت نمودم.  
فرمود: چه چیزی تو را از طلاق دادن همسرت باز می داشت؟ به راستی که خداوند  
اختیار او را به دست تو سپرده است.  
خطَّاب گوید: پیش خودم گفتم: به راستی که مشکل مرا حل فرمودی.

۱ - ابهام این روایت را روایت بعدی روشن می کند.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ: لَا تُزَوِّجُوا الْحَسَنَ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِطْلَاقٌ.  
فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ فَقَالَ: بَلَى وَ اللَّهِ! لَنُزَوِّجَنَّه وَ هُوَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ ابْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ شَاءَ أَمْسَكَ وَ إِنْ شَاءَ طَلَّقَ.  
۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَلَّقَ خَمْسِينَ امْرَأَةً.  
فَقَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ فَقَالَ: يَا مَعْاشِرَ أَهْلِ الْكَوْفَةِ! لَا تُنْكِحُوا الْحَسَنَ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِطْلَاقٌ.

۴- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر فرمود: به حسن علیه السلام زن ندهید؟ چرا که او بسیار طلاق دهنده است.

یکی از مردم همدان بر خاست و گفت: آری، به خدا سوگند! به طور حتم ما به او زن می‌دهیم؟ چرا که او فرزند پیامبر خدا علیه السلام و فرزند امیر مؤمنان است؛ اگر خواست نگه دارد و اگر خواست طلاق دهد<sup>(۱)</sup>.

۵- یحیی بن ابی علا گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امام حسن علیه السلام پنجاه زن را طلاق داد. روزی حضرت علی علیه السلام در کوفه فرمود: ای مردم کوفه! به حسن علیه السلام زن ندهید؛ چرا که او بسیار طلاق می‌دهد.

۱- این روایت و نظیر آن با روایات بخش یکم منافات دارند و از نظر سند و متنی نیاز به بررسی دارند.

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: بَلَىٰ وَ اللَّهِ! لَنُنكِحَنَّهٗ، فَإِنَّهُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ ؑ، فَإِنْ أَعْجَبَتْهُ أَمْسَكَ، وَإِنْ كَرِهَ طَلَّقَ.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ تُرَدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتُهُمْ، أَحَدُهُمْ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَىٰ امْرَأَتِهِ وَ هُوَ لَهَا ظَالِمٌ فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ نَجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ؟

(۳)

### بَابُ أَنَّ النَّاسَ لَا يَسْتَقِيمُونَ عَلَى الطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّيْفِ

۱- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حُدَيْفَةَ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ عَطَاءِ بْنِ وَشِيكَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ؑ يَقُولُ:

مردی برخاست و گفت: آری به خدا سوگند! ما حتماً به او زن خواهیم داد؛ چرا که او فرزند پیامبر خدا ﷺ و فرزند فاطمه ؑ است؛ اگر دوست داشت نگه دارد و اگر دوست ندارد طلاق دهد.

۶- ولید بن صبیح گوید: از امام صادق ؑ شنیدم که می فرمود: سه گروهند که خداوند به آنان پاسخ نمی دهد؛ یکی از آنها مردی است که برزنش دعا می کند و به او ستم می نماید به او گفته می شود: آیا طلاق او را در اختیار تو قرار نداده ایم؟

### بخش سوم

### مردم جز با شمشیر مقررات طلاق را

### رعایت نخواهند کرد

۱- معمر بن عطاء بن وشیکه گوید: از امام باقر ؑ شنیدم که می فرمود:

لَا يَصْلُحُ النَّاسُ فِي الطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّيْفِ وَ لَوْ وَلِيْتُهُمْ لَرَدَدْتُهُمْ فِيهِ إِلَى كِتَابِ  
اللَّهِ ﷻ.

قَالَ: وَ حَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ الْمِثْمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ بَعْضِ  
رِجَالِهِ أَوْهَمَهُ الْمِثْمِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ  
أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

لَوْ وَلِيْتُ النَّاسَ لَأَعْلَمْتُهُمْ كَيْفَ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُطَلَّقُوا ثُمَّ لَمْ أُوتَ بِرَجُلٍ قَدْ  
خَالَفَ إِلَّا وَ أَوْجَعْتُ ظَهْرَهُ، وَ مَنْ طَلَّقَ عَلَيَّ غَيْرِ السُّنَّةِ رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ ﷻ وَ إِنْ  
رَغِمَ أَنْفُهُ.

مردم مقررات طلاق را جز با شمشیر رعایت نخواهند کرد، اگر من زمام امور مردم را در  
دست بگیرم آنان را به طلاق طبق کتاب خدا باز می‌گردانم.

روای گوید: نظیر این روایت از امام صادق ﷺ نیز نقل شده است.

۲- ابو بصیر گوید: امام باقر ﷺ فرمود: اگر من زمام مسلمانان را در دست بگیرم،  
نخست مقررات طلاق را اعلام می‌دارم آن گاه هر متخلفی را که جلب کنند، با شلاق بر  
پشت او می‌کوبم تا ادب شود. هر کس مراسم طلاق را بر خلاف سنت جاری کند، باید  
طلاق خود را لغو کند و مراسم طلاق را بر اساس کتاب خداوند ﷻ اجرا نماید، گر چه بینی  
او به خاک مالیده شود.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ عَطَاءِ بْنِ وَشِيكَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا يَصْلِحُ النَّاسُ فِي الطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّيْفِ، وَلَوْ وَلِيَتْهُمْ لَرَدَدْتُهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى.

۴- قَالَ أَحْمَدُ وَذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ وَلِيْتُ أَمْرَ النَّاسِ لَعَلَّمْتُهُمُ الطَّلَاقَ، ثُمَّ لَمْ أُوتَ بِأَحَدٍ خَالَفَ إِلَّا أَوْ جَعْتُهُ ضَرْبًا.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

۳- عمر بن معمر بن عطاء بن وشيكة نظير روایت نخست همین بخش را از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

۴- ابو بصیر گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر زمام امور مردم را در دست بگیرم به طور حتم طلاق را به آنان می‌آموختم آن گاه هر متخلفی را که جلب کنند با شلاق تأدیب می‌کردم.

۵- ابو بصیر گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

وَ اللَّهُ! لَوْ مَلَكَتُ مِنْ أَمْرِ النَّاسِ شَيْئًا لَأَقَمْتُهُمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّوْطِ حَتَّى يُطَلَّقُوا  
لِلْعِدَّةِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ ﷻ.

(۴)

### بَابُ مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ  
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي  
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَقُولُ: مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ السُّنَّةِ أَنَّكَ لَا تَرَى طَلَّاقَهُ  
شَيْئًا.

به خدا سوگند اگر بخشی از زمام امور مردم را به دست می‌گرفتم، آنان را با شمشیر  
و تازیانه و ادار می‌کردم که با عده زنان را طلاق دهند، آن سان که خداوند متعال فرمان داده  
است.

### بخش چهارم

#### طلاقى که به غير روش کتاب و سنت اجرا شود

۱ - عمرو بن ریحاح گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: به من این گونه رسیده که شما  
می‌فرمایید: کسی که به روش سنت طلاق ندهد، طلاق او ارزشی ندارد.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: مَا أَقُولُهُ، بَلِ اللَّهُ ع يَقُولُهُ. أَمَا وَ اللَّهُ! لَوْ كُنَّا نَفْتِيكُمْ بِالْجَوْرِ لَكُنَّا شَرًّا مِنْكُمْ، لِأَنَّ اللَّهَ ع يَقُولُ: ﴿لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتَ...﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ ع رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ ع وَ السُّنَّةِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: الرَّجُلُ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ.

قَالَ: الطَّلَاقُ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ بَاطِلٌ.

قُلْتُ: فَالرَّجُلُ يُطَلِّقُ ثَلَاثًا فِي مَفْعَدٍ.

فرمود: من نمی گویم؛ بلکه خداوند متعال چنین می فرماید. هان به خدا سوگند! اگر ما به جور و ستم فتوا دهیم، البته از شما بدتر خواهیم بود؛ چرا که خداوند متعال می فرماید: «چرا دانشمندان نصار او علمای یهود آنان را از سخنان گناه آمیز و خوردن نان حرام نهی نمی کنند؟...»

۲- عبدالله صیرفی گوید: امام باقر ع فرمود:

هر حکمی که مخالف کتاب خدای سبحان باشد به کتاب خدای سبحان و سنت (پیامبر خدا ص) برگشت داده می شود.

۳- محمد حلبی گوید: به امام صادق ع گفتم: مردی زن خود را در حال حیض طلاق می دهد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: طلاق به غیر روش سنت اجرا شده و باطل است.

عرض کردم: مردی زن خود را در یک مجلس سه طلاقه می نماید.



قَالَ: يُرَدُّ إِلَى السُّنَّةِ.

۴ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ السُّنَّةِ رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنْ رَغِمَ أَنْفُهُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الطَّلَاقِ إِذَا لَمْ يُطَلَّقْ لِلْعِدَّةِ.

فَقَالَ: يُرَدُّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ. فَقَالَ: الطَّلَاقُ لِغَيْرِ السُّنَّةِ بَاطِلٌ.

فرمود: این طلاق به سنت برگشت داده می شود.

۴ - ابو بصیر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر که زن خود را بر خلاف مقررات سنت طلاق دهد طلاق او به سنت بازگردانده می شود، گرچه بینی او به خاک مالیده شود.

۵ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که زن خود را بدون عده طلاق داده (چه حکمی دارد؟)

فرمود: این طلاق به کتاب خدای سبحان برگشت داده می شود.

۶ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی زن خود را در حال حیض طلاق می دهد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: طلاق به روش سنت اجرا نشده است، باطل است.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
 قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:  
 مَنْ طَلَّقَ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا، إِنَّمَا الطَّلَاقُ الَّذِي أَمَرَ  
 اللَّهُ تعالى بِهِ، فَمَنْ خَالَفَ لَمْ يَكُنْ لَهُ طَلَاقٌ.  
 وَإِنَّ ابْنَ عُمَرَ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَ هِيَ حَائِضٌ، فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَنْ  
 يَنْكِحَهَا وَ لَا يَعْتَدَّ بِالطَّلَاقِ.  
 قَالَ: وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي طَلَّقْتُ  
 امْرَأَتِي.  
 قَالَ: أَلَاكَ بَيِّنَةٌ؟  
 قَالَ: لَا.  
 فَقَالَ: اعْزُبْ.

۷- محمد بن مسلم گوید امام باقر عليه السلام فرمود:

کسی که در یک جلسه سه بار زنش را طلاق بدهد بدون این که (پاکی بعد از حیض) بین  
 آنها فاصله شود طلاقش باطل است همانا طلاق تنها همانست که خداوند تعالى به ان امر  
 فرموده. پس کسی که با آن مخالفت کند طلاقش صحیح نیست.  
 روزی ابن عمر زن خود را در یک جلسه در حالی که زنش حائض بود سه بار طلاق  
 داد. پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به او امر فرمود که پیوند زناشویی خود را بازنش ادامه دهد و طلاقش را  
 به حساب نیاورد.

امام فرمود: شخصی نزد امیرمؤمنان علی عليه السلام آمد و عرضه داشت: ای امیر مؤمنان! من  
 همسر خود را طلاق داده‌ام.

امام فرمود: آیا برای تو شاهی نیز داری؟  
 عرض کرد: نه.

امام فرمود: از من دور شو طلاق تو واقع نشده است

۸- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا بَصِيرٍ يَقُولُ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ امْرَأَةٍ طَلَّقَهَا زَوْجَهَا لِغَيْرِ السُّنَّةِ وَ قُلْنَا: إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتٍ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِمْ أَحَدٌ.

فَقَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمزَةَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: طَلَّقَ ابْنُ عُمَرَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا وَ هِيَ حَائِضٌ.

فَسَأَلَ عُمَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَرْاجِعَهَا.

فَقُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّمَا طَلَّقَهَا وَاحِدَةً وَ هِيَ حَائِضٌ.

فَقَالَ: فَلَايَ شَيْءٍ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ هُوَ أَمْلَكَ بِرَجْعَتِهَا؟ كَذَبُوا، وَ لَكِنَّهُ طَلَّقَهَا ثَلَاثًا، فَأَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَرْاجِعَهَا.

۸- ابو بصیر گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زنی که شوهرش او را بر خلاف سنت طلاق داده است، وزن و شوهر از یک خانواده اند و کسی از طلاق آنان باخبر نشده پرسیدم فرمود: طلاق آنان لغو و بی اثر است.

۹- سعید اعرج گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: ابن عمر زنش را در حال حیض سه بار طلاق داد. عمر در این مورد از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پرسید پیامبر اکرم به او امر فرمود که به زنش رجوع کند.

سعید اعرج می گوید: گفتم که مردم می گویند ابن عمر زنش را در حال حیض طلاق داد.

امام فرمود: پس برای چه در این باره از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سؤال نمود اگر می توانست به زنش رجوع کند؟ عامه دروغ می گویند. ولی ابن عمر زنش را در یک مجلس سه بار طلاق داد پس پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را امر فرمود که به زنش رجوع کند.

پس فرمود: اگر خواستی طلاقش بده و اگر خواستی او را نگه دار.

ثُمَّ قَالَ: إِنْ شِئْتَ فَطَلِّقِي وَإِنْ شِئْتَ فَأَمْسِكِي.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ سَمِعَتْ أَنَّ رَجُلًا طَلَّقَهَا وَجَحَدَ ذَلِكَ أَوْ تَقِيمُ مَعَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ، فَإِنَّ طَلَّاقَهُ بَعِيرٍ شُهُودٍ لَيْسَ بِطَلَّاقٍ وَ الطَّلَاقُ لِغَيْرِ الْعِدَّةِ لَيْسَ بِطَلَّاقٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ فَيُطَلِّقَهَا بَعِيرٍ شُهُودٍ وَ لِغَيْرِ الْعِدَّةِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ تعالى بِهَا.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ بُرَيْدٍ وَ فَضِيلٍ وَ إِسْمَاعِيلَ الْأَزْرَقِ وَ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالَا:

۱۰ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدند: خانمی که بشنود شوهرش او را طلاق داده

است، ولی شوهر او منکر طلاق باشد، آیا می تواند در خانه شوهر باقی بماند؟

فرمود: آری، باید با شوهرش زندگی کند، زیرا طلاقى که بی حضور شاهد اجرا شود،

طلاق رسمى نیست. طلاقى که بی هنگام اجرا شود، طلاق رسمى نیست. ورواهم نیست

که مراسم طلاق را برخلاف مقررات شرعى اجرا کند و خانم خود را بی شاهد و در خارج

از هنگام مقرر طلاق بدهد.

۱۱ - اسماعیل ازرق و معمر بن یحیی گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليهما السلام فرمودند:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ فِي دَمِ النَّفَاسِ أَوْ طَلَّقَهَا بَعْدَ مَا يَمَسُّهَا فَلَيْسَ طَلَّاقُهُ إِيَّاهَا بِطَلَّاقٍ، وَإِنْ طَلَّقَهَا فِي اسْتِقْبَالِ عِدَّتِهَا طَاهِرًا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَلَمْ يُشْهَدْ عَلَى ذَلِكَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ فَلَيْسَ طَلَّاقُهُ إِيَّاهَا بِطَلَّاقٍ.

۱۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ فِي طُهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ ثُمَّ يَرَجِعُهَا مِنْ يَوْمِهِ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا تَبِينٌ مِنْهُ بِثَلَاثِ تَطْلِيقَاتٍ فِي طُهْرٍ وَاحِدٍ.

فَقَالَ: خَالَفَ السُّنَّةَ.

قُلْتُ: فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَهُ إِذَا هُوَ رَاجِعُهَا أَنْ يُطَلِّقَهَا إِلَّا فِي طُهْرٍ آخَرَ.

اگر کسی زن خود را در روزهای خونریزی زایمان طلاق دهد، طلاق او رسمیت ندارد. اگر زن او پاک باشد ولی با او مباشرت کند و بعداً او را طلاق دهد، طلاق او رسمیت ندارد. حتی اگر طلاق او باهنگام باشد: یعنی زن خود را بعد از پاک شدن و قبل از مباشرت طلاق بدهد، اما دو مرد عادل را گواه نگیرد، طلاق او رسمیت ندارد.

۱۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که زن خود را در حال پاکی از عادت و قبل از مباشرت طلاق بدهد در همان روز رجوع کند و از طلاق خود باز گردد و به همین منوال سه نوبت او را طلاق بدهد، اما هر سه طلاق او در یک نوبت پاکی بیفتد، آیا جدایی کامل حاصل می شود؟

فرمود: این مرد از سنت طلاق خارج شده است.

پرسیدم: یعنی شایسته نیست که بعد از رجوع کردن، مجدداً او را طلاق بدهد، مگر موقعی که یک نوبت دیگر عادت شود و از عادت خود پاک شود؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: حَتَّى يُجَامِعَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ طَلَّقَ بَعْدَ شُهُودٍ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ.

۱۴ - سَهْلٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَدِمَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالْكَوْفَةِ فَقَالَ: إِنِّي طَلَّقْتُ امْرَأَتِي بَعْدَ مَا طَهَّرْتُ مِنْ مَحِيضِهَا قَبْلَ أَنْ أُجَامِعَهَا. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَشْهَدُكَ رَجُلَيْنِ ذَوَيْ عَدْلٍ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ تعالى؟ فَقَالَ: لَا.

فرمود: آری.

پرسیدم: و باید رجوع او با مباشرت همراه باشد؟

فرمود: آری.

۱۳ - ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که بدون شاهد زنش را طلاق بدهد، طلاق او ارزش ندارد و باطل است.

۱۴ - محمد بن مسلم گوید: حضرتش فرمود:

شخصی در کوفه خدمت امیر مؤمنان علی عليه السلام آمد و گفت من زنم را بعد از دوران حیض و پیش از آن که با او نزدیکی کنم، طلاق داده‌ام.

امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: آیا آن سان که خداوند متعال فرمان داده در کنار دو شاهد عادل طلاق را اجرا کرده‌ای؟  
گفت: نه.

فَقَالَ: اذْهَبْ، فَإِنَّ طَلَّاقَكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَهِيَ حَائِضٌ، فَلَيْسَ بِشَيْءٍ، وَقَدْ رَدَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَلَّاقَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ إِذَا طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا وَهِيَ حَائِضٌ، فَأَبْطَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَلِكَ الطَّلَاقَ وَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ ﷻ، فَهُوَ رَدٌّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ ﷻ.

وَقَالَ: لَا طَّلَاقَ إِلَّا فِي عِدَّةٍ.

۱۶ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي سَأَلْتُ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ طَلَّاقِ ابْنِ عُمَرَ.

فرمود: برو که طلاق تو ارزشی ندارد.

۱۵ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که زنش را در یک جلسه و در حال حیض طلاق دهد، ارزشی ندارد؛ چرا که پیامبر خدا ﷺ طلاق عبدالله بن عمر را که این گونه بود باطل کرد و فرمود: هر حکمی که با کتاب خداوند سبحان مخالف باشد به کتاب خدا برگشت داده می شود.

۱۶ - سعید اعرج گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من از عمرو بن عبید درباره

طلاق ابن عمر پرسیدم.

فَقَالَ: طَلَّقَهَا وَ هِيَ طَامِثٌ وَاحِدَةً.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَفَلَا قُلْتُمْ لَهُ إِذَا طَلَّقَهَا وَاحِدَةً، وَ هِيَ طَامِثًا كَانَتْ أَوْ غَيْرَ طَامِثٍ فَهُوَ أَمْلَكُ بِرَجْعَتِهَا.  
قَالَ: فَذُقْتُ لَهُ ذَلِكَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَذَبَ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، بَلْ طَلَّقَهَا ثَلَاثًا، فَرَدَّهَا النَّسِيُّ عليه السلام  
فَقَالَ: أَمْسِكْ، أَوْ طَلِّقْ عَلَى السُّنَّةِ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُطَلِّقَ.

۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدَيْنَةَ عَنْ بُكَيْرٍ وَ غَيْرِهِ  
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

گفت: ابن عمر زنش را در حال حیض یکبار طلاق داد.

امام صادق عليه السلام فرمود: آیا به عمرو بن عبید نگفتید که اگر یکبار زنش را طلاق داده بود؛ چه زنش در حال حیض باشد یا نه، پس او می توانست به زنش رجوع کند؟  
سعید اعرج گفت: این مطلب را به او گفتم.

امام صادق عليه السلام فرمود: دروغ گفته است (لعنت خدا بر او باد) بلکه ابن عمر زنش را سه بار در یک مجلس طلاق داد. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنش را به او رد کرد و فرمود: او را نگه دار یا اگر می خواهی طلاقش بدهی بر طبق سنت طلاق بده.

۱۷- ابو بکیر و راوی دیگری گویند: امام باقر عليه السلام فرمود:



كُلِّ طَلَاقٍ لِعَيْبِ الْعِدَّةِ فَلَيْسَ بِطَلَاقٍ أَنْ يُطَلَّقَهَا وَ هِيَ حَائِضٌ ، أَوْ فِي دَمِ نَفْسِهَا  
 أَوْ بَعْدَ مَا يَنْغَشَاهَا قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ فَلَيْسَ طَلَاقُهَا بِطَلَاقٍ ، فَإِنْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ أَكْثَرَ مِنْ  
 وَاحِدَةٍ فَلَيْسَ الْفُضْلُ عَلَى الْوَاحِدَةِ بِطَلَاقٍ ، وَإِنْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ بِغَيْرِ شَاهِدَيْنِ عَدْلٍ  
 فَلَيْسَ طَلَاقُهُ بِطَلَاقٍ ، وَلَا تَجُوزُ فِيهِ شَهَادَةُ النِّسَاءِ .

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ  
 أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ :

كُنْتُ عِنْدَهُ إِذْ مَرَّ بِهِ نَافِعٌ مَوْلَى ابْنِ عُمَرَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : أَنْتَ الَّذِي تَزْعُمُ  
 أَنَّ ابْنَ عُمَرَ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَاحِدَةً وَ هِيَ حَائِضٌ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عُمَرَ أَنْ يَأْمُرَهُ أَنْ  
 يُرَاجِعَهَا ؟  
 قَالَ : نَعَمْ .

هر طلاقی که از مقررات عدّه خارج باشد، طلاق رسمی نیست. پس اگر کسی زن خود را در روزهای عادت و یا خونریزی نفاس و زایمان طلاق بدهد، و یا در روزهای پاک‌ی با او مباشرت کند و بعد او را طلاق بدهد، طلاق او لغو و بی اثر خواهد بود. هر طلاقی که در وقت مقرر صورت بگیرد، طلاق دهد، تنها یک طلاق گرفته، و شرعی است و اگر کسی زن خود را در وقت مقرر طلاق بدهد، اما دو مرد عادل را گواه نگیرد، طلاق او شرعی نیست. در مراسم طلاق، گواهی بانوان پذیرفته نخواهد بود.

۱۸ - زراره گوید: در خدمت امام باقر عليه السلام بودم که نافع، غلام عمر از کنار حضرتش عبور می‌کرد، امام باقر عليه السلام فرمود: تو می‌پنداری که ابن عمر زنش را یک مرتبه در حال حیض طلاق داد و پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به عمر دستور داد که به او بگوید که به همسرش رجوع کند؟ گفت: آری.

فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ! عَلِيُّ ابْنِ عُمَرَ أَنَا سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ  
يَقُولُ: طَلَّقْتُهَا عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثًا، فَرَدَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ،  
وَأَمْسَكْتُهَا بَعْدَ الطَّلَاقِ، فَاتَّقِ اللَّهَ يَا نَافِعُ! وَ لَا تَرَوْ عَلَيَّ ابْنَ عُمَرَ الْبَاطِلَ.

(۵)

### بَابُ أَنَّ الطَّلَاقَ لَا يَقَعُ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ الطَّلَاقَ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ  
زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ:  
لَا طَّلَاقَ إِلَّا مَا أُرِيدَ بِهِ الطَّلَاقُ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ  
عَنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع  
أَنَّهُمَا قَالَا:

حضرت به او فرمود: سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست، به ابن عمر دروغ  
بستی، من از ابن عمر شنیدم که می‌گفت: من در زمان پیامبر خدا ﷺ سه بار زخم را طلاق  
دادم، پیامبر خدا ﷺ این طلاق را بر من رد و باطل کرد و بعد آن زن را بعد از طلاق نگاه داشتم.  
پس حضرت فرمود: ای نافع! تقوای خدا پیشه کن و بر ابن عمر حکم باطل را روایت نکن.

### بخش پنجم

#### طلاق فقط با تصمیم جدایی محقق می‌شود

- ۱- زراره گوید: امام صادق ع فرمود:  
طلاق فقط با تصمیم جدایی محقق می‌شود.
- ۲- یسع از امام صادق ع و عبدالواحد از امام باقر ع نقل می‌کند که آن دو بزرگوار  
فرمودند:

لَا طَلَّاقَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ الطَّلَاقَ .

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْيَسَعِ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ :

لَا طَلَّاقَ إِلَّا عَلَى السُّنَّةِ وَلَا طَلَّاقَ عَلَى السُّنَّةِ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ ، وَلَا طَلَّاقَ عَلَى سُنَّةٍ وَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ إِلَّا بَيِّنَةٍ ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا طَلَّقَ عَلَى سُنَّةٍ وَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ لَمْ يُشْهَدْ لَمْ يَكُنْ طَلَّاقُهُ طَلَّاقًا ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا طَلَّقَ عَلَى سُنَّةٍ وَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ أَشْهَدَ وَ لَمْ يَنْوِ الطَّلَاقَ لَمْ يَكُنْ طَلَّاقُهُ طَلَّاقًا .

طلاق دادن بدون نیت طلاق شرعی نخواهد بود.

۳ - یسع گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هیچ طلاق رسمی ندارد، مگر موقعی که در هنگام مقرر آن صورت بگیرد. هیچ طلاق - گرچه در هنگام مقرر صورت گرفته شده باشد - رسمیت ندارد، مگر موقعی که قبل از مراسم طلاق، جماع و مباشرت صورت نگرفته باشد - رسمیت ندارد، مگر موقعی که دو شاهد عادل گواه آن باشند. یعنی اگر کسی خانم خود را در وقت مقرر و در حال طهارت و بی مباشرت طلاق دهد، ولی دو نفر شاهد عادل را گواه نگیرد، طلاق او بی اثر است و اگر کسی همه شرایط را رعایت کند، اما تصمیم جدایی و طلاق نداشته باشد، طلاق او لغو و بی اثر است.

(۶)

## بَابُ أَنَّهُ لَا طَلَّاقَ قَبْلَ النِّكَاحِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوْنُسَ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ سُلَيْمَانَ قَالَ: كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ عَلَيَّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ لَمْ أُثْبِتْهُ، فَسَأَلْتُ عَنْهُ، فَأُخْبِرْتُ بِاسْمِهِ، فَقُمْتُ إِلَيْهِ أَنَا وَ غَيْرِي فَاسْتَنْفَأَهُ فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! مَا تَرَى فِي رَجُلٍ سَمَّى امْرَأَةً بِعَيْنِهَا.  
وَ قَالَ: يَوْمَ يَتَزَوَّجُهَا هِيَ طَالِقٌ ثَلَاثًا ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أَوْ يَصْلُحُ لَهُ ذَلِكَ؟  
فَقَالَ: إِنَّمَا الطَّلَاقُ بَعْدَ النِّكَاحِ.

## بخش ششم

## حکم طلاق قبل از ازدواج

۱ - سلیمان گوید: من در مسجد نشسته بودم که امام سجاد علیه السلام وارد مسجد شد. من او را نمی‌شناختم پرسیدم: این مرد کیست؟  
گفتند: او علی بن الحسین علیه السلام است.  
من و دیگران برخاستیم و گرد او را گرفتیم و بر او سلام کردیم. یک نفر پرسید: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! شما در این مسئله چه می‌فرمایید؟ اگر انسان زنی را به طور مشخص نام ببرد و با نفرت بگوید: روزی که من با این زن ازدواج کنم، سه طلاقه باشد. و بعد نفرت او به محبت تبدیل شود و بخواهد با آن زن ازدواج کند، آیا ازدواج آنان صلاحیت شرعی دارد؟  
فرمود: طلاق باید بعد از ازدواج صورت بگیرد، نه پیش از آن.

- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ: يَوْمَ أَنْزَوْجُ فَلَانَةَ فَهِيَ طَالِقٌ. فَقَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ إِنَّهُ لَا يَكُونُ طَلَاقٌ حَتَّى يَمْلِكَ عُقْدَةَ النِّكَاحِ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا يَقُولُونَ لَا عَتَاقَ وَ لَا طَلَاقَ إِلَّا بَعْدَ مَا يَمْلِكُ الرَّجُلُ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَدَخَلَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ لَمْ أُتْبِئْهُ وَ عَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءُ قَدْ أَرْسَلَ طَرْفَيْهَا بَيْنَ كَتِفَيْهِ. فَقُلْتُ لِرَجُلٍ قَرِيبٍ الْمَجْلِسِ مِنِّي: مَنْ هَذَا الشَّيْخُ؟

- ۲- سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که بگوید: روزی که با فلان زن ازدواج کنم، آن زن طلاق ورها باشد. این طلاق چه صورت دارد؟  
فرمود: این طلاق لغو و بی اثر است؛ تا انسان زن نگرفته چگونه می تواند او را طلاق دهد؟
- ۳- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
فقهایی پیشین می گفتند: آزاد کردن برده معنا ندارد، مگر بعد از خریدن او و طلاق دادن زن معنا ندارد، مگر بعد از ازدواج با او.
- ۴- عبدالله بن سلیمان گوید: پدرم سلیمان گفت: من در مسجد نشسته بودم که علی بن الحسین عليه السلام وارد مسجد شد. من او را نمی شناختم. علی بن الحسین عليه السلام عمامه سیاهی بر سر داشت که هر دو سر عمامه را پشت سرش آویز کرده بود. من از یک مردی که نزدیکم نشسته بود، پرسیدم: این پیر معمم کیست؟

فَقَالَ: مَا لَكَ لَمْ تَسْأَلْنِي عَنْ أَحَدٍ دَخَلَ الْمَسْجِدَ غَيْرِ هَذَا الشَّيْخِ؟  
 قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: لَمْ أَرِ أَحَدًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ أَحْسَنَ هَيْئَةً فِي عَيْنِي مِنْ هَذَا  
 الشَّيْخِ، فَلِذَلِكَ سَأَلْتُكَ عَنْهُ.  
 قَالَ: فَإِنَّهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.  
 قَالَ: فَقُمْتُ وَ قَامَ الرَّجُلُ وَ غَيْرُهُ فَاكْتَنَفْنَا وَ سَلَّمْنَا عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: مَا  
 تَرَى أَصْلَحَكَ اللَّهُ! فِي رَجُلٍ سَمَى امْرَأَتَهُ بِعَيْنِهَا وَ قَالَ: يَوْمَ يَتَزَوَّجُهَا فَهِيَ طَالِقٌ  
 ثَلَاثًا، ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أَيْصُلِحُ لَهُ ذَلِكَ؟  
 قَالَ: فَقَالَ: إِنَّمَا الطَّلَاقُ بَعْدَ النِّكَاحِ.  
 قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: فَدَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَحَدَّثَنِي  
 أَبِي بِهَذَا الْحَدِيثِ.

آن مرد گفت: چه شد که از هیچ تازه واردی جويا نشدی، جز این پیر معمم؟  
 گفتم: در میان واردین به کسی را به متانت و وقار او ندیدم، از این رو پرسیدم که این پیر  
 معمم کیست.

آن مرد گفت: این پیر معمم علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ است.  
 من برخاستم و آن مرد نیز با دیگران برخاستند و گرد او را گرفتیم و سلام کردیم. آن مرد  
 پرسید: خداوند کارها شما را اصلاح کند! شما در این مسئله چه می فرمائید: اگر انسان  
 زنی را نام ببرد و بگوید: روزی که من با این زن ازدواج کنم، سه طلاقه باشد، و بعد رأی او  
 تغییر کند و تصمیم بگیرد که با همان زن ازدواج کند. آیا ازدواج با او صلاح است؟  
 فرمود: طلاق بعد از ازدواج خواهد بود، نه پیش از آن.  
 روزهای بعد من با پدرم سلیمان خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدیم. پدرم همین حدیث  
 را خدمت آن حضرت بازگو کرد.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ تَشْهَدُ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِهَذَا الْحَدِيثِ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: إِنْ تَزَوَّجْتُ فُلَانَةَ فَهِيَ طَالِقٌ، وَ إِنْ اشْتَرَيْتُ فُلَانًا فَهُوَ حُرٌّ، وَإِنْ اشْتَرَيْتُ هَذَا الثَّوْبَ فَهُوَ لِلْمَسَاكِينِ.  
فَقَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ لَا يُطَلَّقُ إِلَّا مَا يَمْلِكُ، وَلَا يَتَصَدَّقُ إِلَّا بِمَا يَمْلِكُ.

فرمود: تو گواهی می دهی که امام سجّاد علیه السلام چنین فرمود؟  
پدرم گفت: آری.

۵ - محمد بن قیس گوید: از ابو جعفر علیه السلام پرسیدم: مردی ادّعا کرد که اگر با فلانی ازدواج کردم، او را طلاق داده‌ام، اگر فلان برده را خریدم او آزاد است و اگر این لباس را خریدم برای بی نوایان باشد (چگونه است)؟  
فرمود: چنین ادّعاهایی ارزش ندارد فقط زنی را می توان طلاق داد که در اختیار انسان و همسر او باشد و فقط چیزی را می توان صدقه داد که ملکیت انسان باشد.

(۷)

**بَابُ الرَّجُلِ يَكْتُبُ بِطَلَاقِ امْرَأَتِهِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِرَجُلٍ: اَكْتُبْ يَا فُلَانُ! إِلَى امْرَأَتِي بِطَلَاقِهَا، أَوْ اَكْتُبْ إِلَيَّ عَبْدِي بِعِتْقِهِ يَكُونُ ذَلِكَ طَلَاقًا أَوْ عِتْقًا؟ فَقَالَ: لَا يَكُونُ طَلَاقًا وَلَا عِتْقًا حَتَّى يَنْطِقَ بِهِ لِسَانُهُ، أَوْ يَخُطَّهُ بِيَدِهِ وَهُوَ يُرِيدُ الطَّلَاقَ أَوْ الْعِتْقَ، وَ يَكُونُ ذَلِكَ مِنْهُ بِالْأَهْلِ وَالشُّهُودِ وَ يَكُونُ غَائِبًا عَنْ أَهْلِهِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى أَوْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ كَتَبَ بِطَلَاقِ امْرَأَتِهِ أَوْ بِعِتْقِ غَلَامِهِ، ثُمَّ بَدَأَ لَهُ فَمَحَاهُ. قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ بِطَلَاقٍ وَلَا عِتَاقٍ حَتَّى يَتَكَلَّمَ بِهِ.

**بخش هفتم****حکم طلاق کتبی**

- ۱- ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی به مرد دیگری گفت: فلانی! بنویس به همسر من که طلاقش دادم، یا بنویس به برده‌ام که آزادش کردم، آیا چنین طلاق و آزادی برده محقق می‌شود؟  
فرمود: طلاق و آزادی برده با گفتار زبانی، یا دست نویس از کسی که می‌خواهد، محقق می‌شود، و بایستی با حساب ماه و شهود باشد و طلاق دهنده در سفر باشد.
- ۲- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: اگر انسان در مکتوب خود بنویسد: زنی فلانی را طلاق دادم و یا برده خود را آزاد کردم. و بعد پشیمان شود و نوشته را پاک کند، چه صورت دارد؟  
فرمود: نوشته اعتباری ندارد، نه زنی طلاق است و نه برده‌اش آزاد، مگر موقعی که طلاق و صیغه طلاق و آزادی را بر زبان جاری کند.



(۸)

## بَابُ تَفْسِيرِ طَلَاقِ السُّنَّةِ وَالْعِدَّةِ وَمَا يُوجِبُ الطَّلَاقَ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: طَلَاقُ السُّنَّةِ يُطَلَّقُهَا تَطْلِيقَةً يَعْني عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى تَمْضِيَ أَقْرَأُهَا، فَإِذَا مَضَتْ أَقْرَأُهَا فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ هُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ إِنْ شَاءَتْ نَكَحَتْهُ وَإِنْ شَاءَتْ فَلَا، وَإِنْ أَرَادَ أَنْ يُرَاجِعَهَا أَشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا قَبْلَ أَنْ تَمْضِيَ أَقْرَأُهَا فَتَكُونُ عِنْدَهُ عَلَى التَّطْلِيقَةِ الْمَاضِيَةِ.

## بخش هشتم

## تفسیر طلاق به روش سنت و عده و آن چه موجب طلاق می شود

محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

سنت طلاق آن است که انسان زن خود را یک نوبت طلاق بگوید، آن هم در موقعی که پاک باشد، با این شرط که در آن دوره پاکى مباشرت نکرده باشد، و با این قید که صیغه طلاق در برابر دو شاهد عادل جاری شود.

آن گاه مهلت دهد تا زن سه نوبت از عادت ماهیانه پاک شود و چون این مهلت بگذرد، طلاق رسمیت یافته وزن جدا شده است.

اگر شوهر بخواهد با او زندگی کند، مانند سایر خواستگاران باید به خواستگاری او برود؛ اگر خانم رضایت بدهد با او ازدواج می کند و اگر نخواهد جواب رد می دهد. اگر شوهر در روزهای عده تصمیم بگیرد که از طلاق خود رجوع کند، قبل از گذشتن عده، باید گواه بگیرد و رجوع کند. در این صورت زن او یک طلاقه به شمار می آید.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تعالى: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكُ  
 بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ التَّطْلِيقَةُ الثَّانِيَةُ، التَّسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ.  
 ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
 وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ  
 زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:  
 كُلُّ طَلَاقٍ لَا يَكُونُ عَلَى السُّنَّةِ أَوْ طَلَاقٍ عَلَى الْعِدَّةِ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ.  
 قَالَ زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: فَسَرُّ لِي طَلَاقَ السُّنَّةِ وَ طَلَاقَ الْعِدَّةِ.  
 فَقَالَ: أَمَّا طَلَاقُ السُّنَّةِ فَإِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ فَلْيَتَنَظَّرْ بِهَا حَتَّى تَطْمَئَتْ  
 وَ تَطْهَرَ، فَإِذَا خَرَجَتْ مِنْ طَمْئِنِهَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ شَاهِدَيْنِ  
 عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى تَطْمَئَتْ طَمْئِنَيْنِ فَتَنْقِضِي عِدَّتَهَا بِثَلَاثِ حِيضٍ وَ قَدْ  
 بَأَتْ مِنْهُ وَ يَكُونُ خَاطِباً مِنَ الْخُطَابِ إِنْ شَاءَتْ نَزَّوَجَتْهُ وَ إِنْ شَاءَتْ لَمْ تَنْزَوْجْهُ،  
 وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا وَ السُّكْنَى مَا دَامَتْ فِي عِدَّتِهَا، وَ هُمَا يَتَوَارَتَانِ حَتَّى تَنْقِضِي الْعِدَّةَ.

ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: این همان گفتار خداوند متعال است که  
 می فرماید: «طلاق دو مرتبه است؛ که بایستی به طور شایسته از همسر خود نگه داری کند  
 و یا با نیکی او را رها کند» طلاق مرتبه دوم همان رها کردن او با نیکی است.  
 ۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هر طلاقی که طبق سنت نباشد یا بر اساس عده  
 نباشد، رسمیت ندارد.

گفتم طلاق سنت و طلاق بر اساس عده را برای من تفسیر فرمایید!  
 فرمود: طلاق سنت این گونه است که هرگاه مردی تصمیم گرفت زنش را طلاق دهد  
 بایستی منتظر بماند تا زنش حائض شود آن گاه پاک گردد، وقتی از حیض پاک شد بدون آن  
 که با او نزدیکی کند طلاق می دهد و بر این امر دو شاهد می گیرد، آن گاه او را رها می کند تا  
 دوباره حائض شود که با سومین حیض عده او پایان می یابد و از او جدا می گردد و او  
 همانند یکی از خواستگاران می شود؛ که اگر خواست با او ازدواج می کند و مادامی که در  
 عده است هزینه و مسکن او بر عهده مرد است و تا پایان عده از هم دیگر ارث می برند.

قَالَ: وَ أَمَّا طَلَاؤُ الْعِدَّةِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿ فَطَلَّوْهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ ﴾ فَإِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ طَلَاؤَ الْعِدَّةِ فَلْيَنْتَظِرْ بِهَا حَتَّى تَحِيضَ وَ تَخْرُجَ مِنْ حَيْضِهَا ثُمَّ يُطَلِّقْهَا تَطْلِيقَةً مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ، وَ يُشْهَدُ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ وَ يُرَاجِعُهَا مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ إِنْ أَحَبَّ أَوْ بَعْدَ ذَلِكَ بِأَيَّامٍ، أَوْ قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ وَ يُشْهَدُ عَلَى رَجْعَتِهَا وَ يُوَاقِعُهَا وَ يَكُونُ مَعَهَا حَتَّى تَحِيضَ، فَإِذَا حَاضَتْ وَ خَرَجَتْ مِنْ حَيْضِهَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً أُخْرَى مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ، وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يُرَاجِعُهَا أَيْضاً مَتَى شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ وَ يُشْهَدُ عَلَى رَجْعَتِهَا وَ يُوَاقِعُهَا وَ تَكُونُ مَعَهُ إِلَى أَنْ تَحِيضَ الْحَيْضَةَ الثَّلَاثَةَ، فَإِذَا خَرَجَتْ مِنْ حَيْضَتِهَا الثَّلَاثَةِ طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ بِغَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ.

فرمود: و در باره طلاق عدلی که خداوند می فرماید: «پس آنان را در وقت عده طلاق دهید و زمان آن بشمارید»؛ هرگاه مردی از شما بنخواهد همسر خود را طلاق عده بدهد بایستی منتظر بماند تا حائض شود و دوران حیض تمام شود آن گاه بی آن که با او نزدیکی کند او را طلاق دهد و دو شاهد عادل برای او گواه بگیرد و اگر دوست داشت همین روز یا چند روز دیگر یا پیش از حائض شدنش به او رجوع کند و بر این رجوع شاهد بگیرد و با او نزدیکی کند و در کنار او باشد تا حائض گردد. وقتی حائض شد و از حیض پاک شد او را بی آن که با او نزدیکی کند دوباره طلاق دهد و بر این امر شاهد بگیرد، سپس هرگاه می خواست پیش از حائض شدن به او رجوع کند و بر این رجوع شاهد بگیرد و با او نزدیکی کند و تا حیض سوم با او باشد، وقتی از حیض سوم پاک شد برای بار سوم او را طلاق دهد بی آن که با او نزدیکی کند و باز شاهد بگیرد، وقتی چنین کرد در واقع از او جدا شده و دیگر نمی تواند با این زن ازدواج کند مگر این که همسر دیگری با او ازدواج کند.

قِيلَ لَهُ: فَإِنْ كَانَتْ مِمَّنْ لَا تَحِيضُ؟  
فَقَالَ: مِثْلَ هَذِهِ تُطَلَّقُ طَلَاقَ السُّنَّةِ.

۳- ابن محبوب عن ابن بكير عن زرارة قال: سمعتُ أبا جعفر عليه السلام يقول:  
أحبُّ للرجلِ الفقيهِ إذا أراد أن يُطلقَ امرأته أن يُطلقَهَا طَلَاقَ السُّنَّةِ.  
قال: ثمَّ قال: وَهُوَ الَّذِي قَالَ اللهُ عز وجل: ﴿لَعَلَّ اللهُ يُخْبِرُكَ بِعَدْوِكَ أَمرًا﴾ يَعْنِي بَعْدَ  
الطَّلَاقِ وَانْقِضَاءِ الْعِدَّةِ التَّرْوِيجَ لَهُمَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُوجَ زَوْجًا غَيْرَهُ.  
قال: وَ مَا أَعَدَلَهُ وَ أَوْسَعَهُ لَهُمَا جَمِيعًا أَنْ يُطَلِّقَهَا عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ  
تَطْلِيقَةً بِشُهُودٍ ثُمَّ يَدَعُهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجَلَهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ أَوْ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ثُمَّ يَكُونُ  
خَاطِبًا مِنَ الْخُطَابِ.

۴- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي نجران أو غيره عن ابن مسكان عن  
أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألتُهُ عَنْ طَلَاقِ السُّنَّةِ.

گفته شد: اگر زن از افرادی باشد که حائض نمی‌شوند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: همچو زنی به طلاق سنت طلاق داده می‌شود.

۳- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

دوست دارم که هرگاه مرد فقیهی می‌خواهد همسرش را طلاق دهد او را به طلاق سنت  
طلاق بدهد.

آن‌گاه فرمود: و این طلاق سنت همان است که خداوند می‌فرماید: «شاید خداوند  
پس از طلاق کارنویی پدید آرد»؛ یعنی پس از طلاق و پایان عده پیش از آن که مرد دیگری  
با او ازدواج کند؛ آن دو با هم ازدواج کنند.

فرمود: و آن‌چه به عدالت نزدیک‌تر و برای هر زن و مرد بهتر است که مرد او را در پاکی  
بدون آن که نزدیکی کند با گرفتن گواهی طلاق دهد آن‌گاه او را ترک کند تا سه ماه یا سه  
پاکی سپری شود، سپس یکی از خواستگاران باشد.

۴- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره طلاق سنت پرسیدم.

قَالَ: طَلَّاقُ السُّنَّةِ؛ إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ يَدَعُهَا إِنْ كَانَ قَدْ دَخَلَ بِهَا حَتَّى تَحِيضَ ثُمَّ تَطْهَرُ، فَإِذَا طَهَّرَتْ طَلَّقَهَا وَاحِدَةً بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ يَنْزُكُهَا حَتَّى تَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ، فَإِذَا مَضَتْ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ بِوَاحِدَةٍ وَكَانَ زَوْجُهَا خَاطِبًا مِنَ الْخُطَّابِ إِنْ شَاءَتْ تَزَوَّجَتْهُ وَإِنْ شَاءَتْ لَمْ تَفْعَلْ، فَإِنْ تَزَوَّجَهَا بِمَهْرٍ جَدِيدٍ كَانَتْ عِنْدَهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ بَاقِيَتَيْنِ وَ قَدْ مَضَتْ الْوَاحِدَةَ فَإِنْ هُوَ طَلَّقَهَا وَاحِدَةً أُخْرَى عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى تَمْضِيَ أَقْرَؤَهَا، فَإِذَا مَضَتْ أَقْرَؤَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُرَاجِعَهَا فَقَدْ بَانَ مِنْهُ بِاثْنَتَيْنِ وَ مَلَكَتْ أَمْرَهَا وَ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ، وَ كَانَ زَوْجُهَا خَاطِبًا مِنَ الْخُطَّابِ إِنْ شَاءَتْ تَزَوَّجَتْهُ وَإِنْ شَاءَتْ لَمْ تَفْعَلْ.

فرمودند: در طلاق سنت مرد می‌خواهد همسرش را طلاق بدهد اگر به او دخول کرده باید او را رها کند تا حائض شود سپس طاهر شود از حیض. وقتی که از حیض پاک شد او را یکبار طلاق بدهد و دو شاهد هم بر طلاق بگیرد سپس او را ترک کند تا سه پاک، عده نگه دارد پس وقتی که سه پاک گذشت آن زن با یک طلاق از شوهر خود جدا شد و شوهر او خواستگاری از خواستگاران خواهد بود اگر آن زن خواست با او ازدواج می‌کند و اگر خواست ازدواج نمی‌کند پس اگر آن مرد با مهریه جدید آن زن را به عقد خود درآورد و طلاق دیگر برایش باقی می‌ماند و در حالیکه یک طلاقش گذشته اگر یکبار دیگر آن زن را طلاق داد در حالیکه آن زن پاک است از حیض و در آن پاک با او نزدیکی نکرده و دو شاهد هم بر طلاقش گرفته پس ترک کرد آن زن را تا عده‌اش که سه پاک بود تمام شود، پس وقتی که سه پاکیش تمام شد و مرد هم در این مدت به او رجوع نکرد در این هنگام زن از او جدا شده با دو مرتبه طلاق و زن صاحب اختیار خود است و می‌تواند با هر مرد دیگری که خواست ازدواج کند و شوهر قبلی او خواستگاری است از خواستگاران خواهد بود، اگر خواست با شوهر قبلی خود ازدواج می‌کند و اگر خواست ازدواج نمی‌کند.

فَإِنْ هُوَ تَزَوَّجَهَا تَزْوِيجًا جَدِيدًا بِمَهْرٍ جَدِيدٍ كَأَنْتَ مَعَهُ بِوَاحِدَةٍ بَاقِيَةٍ وَ قَدْ مَضَتْ اثْنَتَانِ، فَإِنْ أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا طَلَاقًا لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ تَرَكَهَا حَتَّى إِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ أَشْهَدَ عَلَى طَلَاقِهَا تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً ثُمَّ لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

وَ أَمَّا طَلَاقُ الرَّجْعَةِ، فَإِنْ يَدَعَهَا حَتَّى تَحِيضَ وَ تَطْهَرُ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ يُرَاجِعُهَا وَ يُوَاقِعُهَا ثُمَّ يَنْتَظِرُ بِهَا الطُّهْرَ، فَإِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ أَشْهَدَ شَاهِدَيْنِ عَلَى تَطْلِيقِهَا أُخْرَى ثُمَّ يُرَاجِعُهَا وَ يُوَاقِعُهَا ثُمَّ يَنْتَظِرُ بِهَا الطُّهْرَ، فَإِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ أَشْهَدَ شَاهِدَيْنِ عَلَى التَّطْلِيقِ الثَّلَاثَةِ ثُمَّ لَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

پس اگر آن شوهر قبلی با زن سابقش با مهریه جدید ازدواج جدیدی کرد زن همسر او می ماند در حالیکه یکبار دیگر فرصت طلاق باقی است و دو بار هم طلاق انجام شده. پس اگر خواست آن را طلاق دهد ترک می کند زنش را تا حائض شود و از حیض پاک شود و یکبار او را طلاق می دهد و بر طلاقش شاهد می گیرد پس حلال نیست برای آن مرد که با آن زن ازدواج کند تا وقتی که آن زن با مرد دیگری ازدواج کند.

و اما طلاق رجعی آن است که زن را رها کند تا حائض شود و از حیض پاک شود سپس او را طلاق دهد و دو شاهد هم برای طلاقش بگیرد پس به او مراجعه کند و با او نزدیکی کند، سپس منتظر بشود تا پاک شود. پس وقتی که حائض شد و پاک شد شاهد بگیرد بر طلاق دوم سپس به او رجوع کند و با او آمیزش کند، سپس منتظر شود تا پاک شود. پس وقتی که حائض شد و از حیض پاک شد شاهد بگیرد بر طلاق سوم، سپس آن زن هیچ گاه بر آن مرد حلال نمی شود تا وقتی که با مرد دیگری غیر از شوهر سابقش ازدواج کند.

وَ عَلَيْهَا أَنْ تَعْتَدَ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ مِنْ يَوْمٍ طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ، فَإِنْ طَلَّقَهَا وَاحِدَةً عَلَى طَهْرٍ بِشُهُودٍ ثُمَّ أَنْتَظَرَ بِهَا حَتَّى تَحِيضَ وَ تَطَهَّرَ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُرَاجِعَهَا لَمْ يَكُنْ طَلَاقُهُ الثَّانِيَةَ طَلَاقًا، لِأَنَّهُ طَلَّقَ طَالِقًا لِأَنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مُطَلَّقَةً مِنْ زَوْجِهَا كَانَتْ خَارِجَةً مِنْ مِلْكِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهَا فَإِذَا رَاجِعَهَا صَارَتْ فِي مِلْكِهِ مَا لَمْ يُطَلَّقِ التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ.

فَإِذَا طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ فَقَدْ خَرَجَ مِلْكُ الرَّجْعَةِ مِنْ يَدِهِ فَإِنْ طَلَّقَهَا عَلَى طَهْرٍ بِشُهُودٍ ثُمَّ رَاجِعَهَا وَ أَنْتَظَرَ بِهَا الطُّهْرَ مِنْ غَيْرِ مَوَاقِعَةٍ فَحَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ، ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُدْنِسَهَا بِمَوَاقِعَةٍ بَعْدَ الرَّجْعَةِ لَمْ يَكُنْ طَلَاقُهُ لَهَا طَلَاقًا، لِأَنَّهُ طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّانِيَةَ فِي طَهْرٍ الْأُولَى وَ لَا يُنْقِضُ الطُّهْرُ إِلَّا بِمَوَاقِعَةٍ بَعْدَ الرَّجْعَةِ.

و برای این ازدواج باید سه پاکی از روزی که طلاق سوم انجام گرفته، عدّه نگه دارد. پس اگر مردی زنش را بر طهارت بعد از حیض و به همراه شاهد (با جمیع شرائط) یک بار طلاق بدهد، پس منتظر بماند تا زن حائض شود و از حیض پاک شود، سپس او را طلاق بدهد قبل از این که به او رجوع کند طلاق دوّمش، طلاق حساب نمی‌شود؛ زیرا او در حال طلاق، طلاق داده بوده، چرا که وقتی زن از همسر خود جدا می‌شود از ملکیت مرد خارج می‌شود تا وقتی که مرد به او رجوع کند، پس وقتی که به او رجوع کرد داخل در ملکش می‌شود مادامی که طلاق سوم ندهد.

پس هرگاه مرد برای بار سوم او را طلاق دهد، حق رجوع و برگشت به او را ندارد. هرگاه او را در پاکی با شهود طلاق دهد، سپس رجوع کند و منتظر پاکی او شود بی آن که با او نزدیکی کند و زن حائض سپس پاک شود، آن‌گاه پس از رجوع پیش از آن که نزدیکی کند او را طلاق دهد؛ طلاق او رسمیت ندارد؛ چرا که طلاق بار دوم در پاکی نخستین بوده و پاکی را جز نزدیکی پس از رجوع نمی‌شکند.

وَ كَذَلِكَ لَا تَكُونُ التَّطْلِيقَةُ الثَّلَاثَةَ إِلَّا بِمُرَاجَعَةٍ وَ مُوَافَعَةٍ بَعْدَ الْمُرَاجَعَةِ ثُمَّ حَيْضٍ وَ طَهْرٍ بَعْدَ الْحَيْضِ ثُمَّ طَلَاقٍ بِشُهُودٍ حَتَّى يَكُونَ لِكُلِّ تَطْلِيقَةٍ طَهْرٌ مِنْ تَدْنِيسِ الْمَوْافَعَةِ بِشُهُودٍ.

۵- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَاقِ السُّنَّةِ كَيْفَ يُطَلَّقُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ؟

فَقَالَ: يُطَلَّقُهَا فِي طَهْرٍ قَبْلَ عِدَّتِهَا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشُهُودٍ، فَإِنْ طَلَّقَهَا وَاحِدَةً ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلَهَا فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ هُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ.

وهمین طور طلاق برای بار سوم محقق نمی شود مگر این که رجوع کند آن گاه نزدیکی نماید، سپس حائض شود و پس از آن پاک گردد آن گاه با شهود طلاق دهد تا این که برای هر طلاقی پاکی از آمیزش و همراه شهود باشد.

۵- حسن بن زیاد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی بخواهد زن خود را بر اساس سنت طلاق بدهد، شرایط آن چیست؟

فرمود: موقعی که زن در ابتدای پاکی باشد و هنوز مباشرت صورت نگرفته باشد، باید او را طلاق بدهد. اگر یک نوبت صیغه طلاق را جاری کند و زن را وا بگذارد تا عده او به سرآید طلاق او قطعی می شود و شوهر در ردیف خواستگاران قرار خواهد گرفت.



وَإِنْ رَاجَعَهَا فِيهِ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقِهِ مَاضِيَةٍ وَبَقِيَ تَطْلِيقَتَانِ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الثَّانِيَةَ وَتَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلَهَا فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَإِنْ هُوَ أَشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُوَ أَجْلَهَا فِيهِ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ مَاضِيَتَيْنِ وَبَقِيَتْ وَاحِدَةً، فَإِنْ طَلَّقَهَا الثَّلَاثَةَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَلَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَهِيَ تَرْتٌ وَتُورَثُ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ مِنَ التَّطْلِيقَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ بَعْدَ مَا غَشِيَهَا بِشَهَادَةِ عَدْلَيْنِ. فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا بِطَلَاقٍ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ طَلَّاقُ السُّنَّةِ؟

و اگر قبل از پایان گرفتن عدّه شوهر از طلاق خود رجوع کند و به زندگی مشترک بازگردند، زن او یک طلاقه محسوب می شود و دو طلاق دیگر دارد که راه آشتی مسدود شود. پس اگر بعد از آشتی و زندگی مشترک برای نوبت دوم او را طلاق بدهد و مهلت بدهد تا عدّه او به سر آید، طلاق آن زن قطعی می شود و اگر شاهد بگیرد و قبل از پایان گرفتن عدّه رجوع کند و به زندگی مشترک باز گردند، زن او دو طلاقه محسوب می شود و یک طلاق دیگر دارد که راه آشتی مسدود شود.

اگر به همین منوال یک نوبت دیگر نیز او را طلاق بدهد، به صرف اجرای صیغه طلاق، از شوهر جدا می شود و برای شوهر قبلی حلال نخواهد شد تا آن گاه که شوهر دیگری اختیار کند. این زن در طلاق اول و طلاق دوم، مادام که شوهر حق رجوع دارد، از یکدیگر ارث می برند.

۶ - احمد بن ابی نصر گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: مردی زنش را پس از آمیزش با شهادت دو شاهد طلاق داده است؟

فرمود: این طلاق رسمیت ندارد.

گفتم: قربانت کردم! طلاق سنت چگونه است؟

فَقَالَ: يُطَلِّقُهَا إِذَا طَهَّرْتُ مِنْ حَيْضِهَا قَبْلَ أَنْ يَعْشَاهَا بِشَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ، كَمَا قَالَ  
 اللَّهُ ﷻ فِي كِتَابِهِ، فَإِنْ خَالَفَ ذَلِكَ رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ ﷻ.  
 فَقُلْتُ لَهُ، فَإِنْ طَلَّقَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدٍ وَامْرَأَتَيْنِ.  
 فَقَالَ: لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الطَّلَاقِ وَقَدْ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ مَعَ غَيْرِهِنَّ فِي  
 الدَّمِ إِذَا حَضَرَتْهُ.

فَقُلْتُ: فَإِنْ أَشْهَدَ رَجُلَيْنِ نَاصِبَيْنِ عَلَى الطَّلَاقِ أَيْكُونُ طَلَاقًا؟  
 فَقَالَ: مَنْ وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ أُجِيزَتْ شَهَادَتُهُ عَلَى الطَّلَاقِ بَعْدَ أَنْ تَعْرِفَ مِنْهُ  
 خَيْرًا.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ وَغَيْرِهِ  
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

فرمود: هرگاه زنی از حیض پاک شده پیش از آن که با او نزدیکی کند با گواهی دو شاهد  
 عادل او را طلاق می دهد، آن سان که خداوند متعال در کتاب خود فرموده است پس هرگاه  
 با این حکم مخالفت کند به کتاب خدا برگشت داده می شود.

گفتم: اگر در پاکی بدون نزدیکی با دو گواهی یک شاهد و دو زن طلاق دهد (چطور است؟).  
 فرمود: گواهی زنان در طلاق جایز نیست. شهادت آنان با دیگران درباره خون جایز  
 است به شرط این که در صحنه جرم حاضر باشند.

گفتم: اگر دو مرد ناصبی بر طلاق شهادت دهند آیا طلاق واقع می شود؟  
 فرمود: کسی که به فطرت (اسلام) به دنیا آمده پس از این که از او خیر و نیکی دیده  
 شده و به نیکی شناخته شده شهادتش درباره طلاق نافذ است.

۷- بکیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِنَّ الطَّلَاقَ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ ﷻ بِهِ فِي كِتَابِهِ وَ الَّذِي سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُخَلِّيَ الرَّجُلَ عَنِ الْمَرْأَةِ فَإِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ مِنْ مَحِيضِهَا أَشْهَدَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ عَلَى تَطْلِيقِهَا وَ هِيَ طَاهِرٌ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَنْقُصِ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ، وَ كُلُّ طَلَاقٍ مَا خَلَا هَذَا فَبَاطِلٌ لَيْسَ بِطَلَاقٍ.

- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: طَلَاقُ السُّنَّةِ إِذَا طَهَّرَتِ الْمَرْأَةُ فَلْيُطَلِّقْهَا وَاحِدَةً مَكَانَهَا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ يُشْهَدُ عَلَى طَلَاقِهَا، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُرَاجِعَهَا أَشْهَدَ عَلَى الْمَرَّاجِعَةِ.
- ۹- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع:

طلاقى که خداوند ع بدان امر فرمود و رسول خدا ﷺ سنت نهاد، بدین قرار است که انسان صبر کند تا زن او عادت شود و عادت ماهیانه او تمام شود، آن گاه دو نفر مرد عادل را گواه بگیرد و یک نوبت صیغه طلاق را جاری کند، با این شرط که زن او پاک باشد و بعد از پاکی جماعی صورت نداده باشد. با این طلاق، مادام که عده خانم به سر نیامده باشد. یعنی سه نوبت از عادت ماهیانه خارج نشده باشد، شوهر او صاحب اختیار است که اگر بخواهد از طلاق خود رجوع کند و زن را به ازدواج قبلی بازگرداند. بنابراین هر طلاقى که بر خلاف این مراسم صورت بگیرد، لغو و باطل است.

- ۸- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق ع فرمود: امیر المؤمنین ع فرمود: طلاق سنت؛ یعنی هرگاه زن پاک شد پیش از آن که مرد با او نزدیکی کند با شهادت گواهان او را طلاق دهد، هرگاه خواست رجوع کند برای رجوع گواه بگیرد.
- ۹- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق ع فرمود: امیر مؤمنان علی ع فرمود:

إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ الطَّلَاقَ طَلَّقَهَا فِي قَبْلِ عِدَّتِهَا بِغَيْرِ جِمَاعٍ، فَإِنَّهُ إِذَا طَلَّقَهَا  
وَاحِدَةً ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلَهَا إِنْ شَاءَ أَنْ يَخْطُبَ مَعَ الْخُطَابِ فَعَلَّ، فَإِنْ  
رَاجَعَهَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُوَ أَجْلَهَا أَوْ بَعْدَهُ كَانَتْ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَةٍ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الثَّانِيَةَ  
أَيْضًا فَشَاءَ أَنْ يَخْطُبَهَا مَعَ الْخُطَابِ إِنْ كَانَ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلَهَا، فَإِنْ شَاءَ  
رَاجَعَهَا قَبْلَ أَنْ يَنْقُضِيَ أَجْلَهَا، فَإِنْ فَعَلَ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ فَإِنْ طَلَّقَهَا  
الثَّالِثَةَ، فَلَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ، وَهِيَ تَرِثُ وَ تُورِثُ مَا كَانَتْ فِي الدَّمِّ  
مِنَ التَّطْلِيقَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ.

وقتی که مرد می خواهد طلاق بدهد، در ابتدا عده زن بدون این که با او جماع کند او را طلاق بدهد، وقتی که مرد زنش را یک مرتبه طلاق داد پس او را ترک کرد تا مدت عده اش سپری شد، اگر خواست که از او خواستگاری کند به همراه خواستگاران دیگر انجام بدهد. پس اگر قبل از این که عده زن تمام شود به او رجوع کرد یا اگر بعد از عده اش رجوع کرد زن پیش او می ماند (همسر اوست) در حالی که یک بار او را طلاق داده است. پس اگر او را برای بار دوم به همان صورت طلاق داد پس خواست این که از او خواستگاری کند به همراه خواستگاران (می تواند) اگر او را ترک کرد تا عده اش تمام شد پس اگر خواست، به او رجوع کند قبل از اینکه مدت آن تمام شود پس اگر انجام داد آن زن پیش او می ماند در حالی که دو بار طلاق گرفته، پس اگر او را برای بار سوم طلاق دهد. پس آن زن برای او حلال نمی شود تا وقتی که با مرد دیگری غیر از شوهر سابقش ازدواج کند و آن زن ارث می برد و ارث می گذارد مادامی که در حیض است و در اثر آن دو طلاق است.

(۹)

**بَابُ مَا يَجِبُ أَنْ يَقُولَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَ**

۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَالَ: لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ أَوْ بَائِنَةٌ أَوْ بَتَّةٌ أَوْ بَرِيئَةٌ أَوْ خَلِيَّةٌ.

قَالَ: هَذَا كُلُّهُ لَيْسَ بِشَيْءٍ، إِنَّمَا الطَّلَاقُ أَنْ يَقُولَ لَهَا فِي قُبُلِ الْعِدَّةِ بَعْدَ مَا تَطَهَّرَتْ مِنْ مَحِيضِهَا قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا أَنْتِ طَالِقٌ، أَوْ اعْتَدِّي يُرِيدُ بِذَلِكَ الطَّلَاقَ وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ.

**بخش نهم****صیغه ای که طلاق دهنده اجرا می کند**

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسید: اگر کسی به همسر خود بگوید «بستر تو بر من حرام»، «تواز من جدائی»، «پیوند ما برید»، «تواز ادی» و «تو شوهر نداری»، آیا با این گونه تعبیرات، طلاق شرعی جاری می شود؟  
فرمود: این تعبیرات بی اثر است. طلاق شرعی فقط با این عبارت جاری می شود که هنگام شروع عده بعد از پاک شدن و پیش از مباشرت بگوید: «أنت طالق»، یعنی تواز قید ازدواج رها باش. یا بگوید: «اعتدّی»، یعنی عده طلاق نگه دار، و منظورش طلاق شرعی باشد که لازمه آن نگهداشتن عده طلاق است، تنها صیغه طلاق کفایت نمی کند، بلکه باید دو مرد عادل را نیز بر گفته خود گواه بگیرد.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الطَّلَاقُ أَنْ يَقُولَ لَهَا: اَعْتَدِي لَهَا: أَنْتِ طَالِقٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الطَّلَاقُ لِلْعِدَّةِ أَنْ يُطَلِّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ عِنْدَ كُلِّ طَهْرٍ يُرْسِلُ إِلَيْهَا أَنْ اَعْتَدِي فَإِنَّ فُلَانًا قَدْ طَلَّقَكَ.

قَالَ: وَ هُوَ أَمْلَكَ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَنْقُضِ عِدَّتُهَا.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يُرْسِلُ إِلَيْهَا فَيَقُولُ الرَّسُولُ اَعْتَدِي فَإِنَّ فُلَانًا قَدْ فَارَقَكَ.

حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

طلاق این است که مرد به زنش بگوید: تو عده نگه دار. یا بگوید: تو طلاق داده شده‌ای.

۳- محمد بن قیس گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

طلاق برای عده این است که مردی زنش را در هر پاکی طلاق دهد و به او پیام بفرستد که عده نگه دار که فلانی تو را طلاق داده است.

فرمود: در این صورت مرد مادامی که عده زن سپری نشده اختیار دارد که به او رجوع کند.

۴- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مرد قاصدی به زن خود می‌فرستد می‌گوید: عده نگه دار که فلانی از تو جدا شده است.

۵ - قَالَ ابْنُ سَمَاعَةَ: وَإِنَّمَا مَعْنَى قَوْلِ الرَّسُولِ: اَعْتَدِي، فَإِنَّ فُلَانًا قَدْ فَارَقَكَ يَعْنِي الطَّلَاقَ إِنَّهُ لَا يَكُونُ فُرْقَةً إِلَّا بِطَلَاقٍ.

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّاطِرِيِّ قَالَ: الَّذِي أُجْمِعَ عَلَيْهِ فِي الطَّلَاقِ أَنْ يَقُولَ: أَنْتِ طَالِقٌ، أَوْ اَعْتَدِي.

وَ ذَكَرَ أَنَّهُ قَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ: كَيْفَ يُشْهَدُ عَلَيَّ قَوْلِهِ: اَعْتَدِي؟  
قَالَ: يَقُولُ: اشْهَدُوا اَعْتَدِي.

قَالَ ابْنُ سَمَاعَةَ: غَلِطَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ أَنْ يَقُولَ: اشْهَدُوا اَعْتَدِي.

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ سَمَاعَةَ: يَنْبَغِي أَنْ يَجِيءَ بِالشُّهُودِ إِلَى حَجَلَتَيْهَا، أَوْ يَذْهَبَ بِهَا إِلَى الشُّهُودِ إِلَى مَنَازِلِهِمْ، وَ هَذَا الْمُحَالُ الَّذِي لَا يَكُونُ وَ لَمْ يُوجِبِ اللَّهُ ﷻ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ.

۵ - ابن سماعه گوید: منظور از این فرستاده گوید: «عده نگه دار؛ چرا که فلانی از تو جدا شده» این است که تو را طلاق داده است؛ زیرا جدایی فقط با طلاق است. از علی بن حسن طاطری که گوید: آنچه که اجماعی است و مورد قبول همگان است در طلاق این است که مرد بگوید: تو را طلاق دادم یا عده نگه دار. به محمد بن حمزه گفتم که چگونه شاهد می گیرد بر حرفش که می گوید به زن: عده نگه دار؟

ابن ابی حمزه گفت: می گوید: شاهد باشید عده نگه دار.

ابن سماعه می گوید: محمد بن ابی حمزه اشتباه کرده که می گوید: شاهد باشید عده نگه دار.

حسن بن سماعه گوید: سزاوار است که مرد شهود را به خانه زنش ببرد یا زنش را به نزد شهود یا خانه آنها ببرد. و این کار محالی است که وجود ندارد و خداوند هم این کار را بر بندگانش واجب نکرده است.

وَ قَالَ الْحَسَنُ: لَيْسَ الطَّلَاقُ إِلَّا كَمَا رَوَى بُكَيْرُ بْنُ أَعْيَنَ أَنْ يَقُولَ لَهَا وَ هِيَ طَاهِرَةٌ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ: أَنْتِ طَالِقٌ وَ يُشْهَدُ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ، وَ كُلُّ مَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ مُلْغَى.

(۱۰)

### بَابُ مَنْ طَلَّقَ ثَلَاثًا عَلَى طَهْرٍ بِشُهُودٍ فِي مَجْلِسٍ أَوْ أَكْثَرَ إِنَّهَا وَاحِدَةٌ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَوْ أَكْثَرَ وَ هِيَ طَاهِرَةٌ؟ قَالَ: هِيَ وَاحِدَةٌ.

حسن گوید: طلاق نیست مگر همان گونه که بکیر بن اعین روایت کرده، این که مرد به زنش در حالی که از حیض طاهر است و در آن طهر با او جماع نکرده بگوید: تو رها هستی، و دو شاهد عادل هم بر طلاقش بگیرد و هر چه غیر از این باشد ملغی و بی اعتبار است.

### بخش دهم

#### سه طلاق در حکم یک طلاق

زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر کسی همسر خود را در یک جلسه، یا دو جلسه سه نوبت طلاق بگوید، ولی هر سه طلاق در یک دوره طهارت واقع شود، چه صورت دارد؟ فرمود: سه طلاق، به یک طلاق بر می گردد.



۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي يُطَلَّقُ فِي حَالِ طُهْرٍ فِي مَجْلِسٍ ثَلَاثًا. قَالَ: هِيَ وَاحِدَةٌ.

۳ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ أَبِي الْعَبَّاسِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ الْأَسَدِيِّ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الطَّلَاقُ ثَلَاثًا فِي غَيْرِ عِدَّةٍ إِنْ كَانَتْ عَلَى طُهْرٍ فَوَاحِدَةٌ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى طُهْرٍ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ.

۴ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمْرٍو بْنِ الْبَرَاءِ قَالَ:

۲ - زراره در روایت دیگر نیز نظیر این روایت را از امام باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر سه طلاق در یک عده باشد، یک طلاق شرعی محسوب می‌شود، با این شرط که در حال طهارت زن باشد، اگر در حال طهارت زن نباشد، به کلی لغو و بی اثر خواهد بود.

۴ - عمرو بن براء گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا يَقُولُونَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَّقَ امْرَأَةً مَرَّةً أَوْ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِنَّمَا هِيَ وَاحِدَةٌ، وَ قَدْ كَانَ يَبْلُغُنَا عَنْكَ وَ عَنِ آبَائِكَ عليهم السلام أَنَّهُمْ كَانُوا يَقُولُونَ: إِذَا طَلَّقَ مَرَّةً أَوْ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِنَّمَا هِيَ وَاحِدَةٌ. فَقَالَ: هُوَ كَمَا بَلَّغَكُمْ.

(۱۱)

**بَابُ مَنْ طَلَّقَ وَ فَرَّقَ بَيْنَ الشُّهُودِ أَوْ طَلَّقَ بِحَضْرَةِ قَوْمٍ وَ لَمْ يَقُلْ لَهُمْ اشْهَدُوا**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ أَشْهَدَ الْيَوْمَ رَجُلًا ثُمَّ مَكَثَ خَمْسَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ أَشْهَدَ آخَرَ. فَقَالَ: إِنَّمَا أُمِرَ أَنْ يُشْهَدَا جَمِيعًا.

به امام صادق عليه السلام گفتم: یاران ما می گویند: هرگاه مردی زنش را یک یا صد بار طلاق دهد در حکم یک طلاق است، در حالی که از شما واجداد شما برای ما روایت شده که می گویند: هرگاه مردی زنش را یک یا صد بار طلاق دهد در حکم یک طلاق است؟ فرمود: همین طور است که به شما روایت شده است.

### بخش یازدهم

#### حکم کسی که طلاق دهد و بین شاهدان جدایی افکند

۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: مردی همسر خود را در دوران پاکی بی آن که با او نزدیکی کند طلاق می دهد. او در همان روز یک شاهد می گیرد آن گاه پس از پنج روز شاهد دیگری بر طلاق گواه می گیرد (چه حکمی دارد؟) فرمود: فقط دستور این است که دو شاهد در یک مورد شهادت دهند.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَهَّرَتْ امْرَأَتُهُ مِنْ حَيْضِهَا فَقَالَ: فَلَانَةُ طَالِقٌ وَ قَوْمٌ يَسْمَعُونَ كَلَامَهُ، وَ لَمْ يَقُلْ لَهُمْ: اشْهَدُوا أَيْقَعُ الطَّلَاقُ عَلَيْهَا؟  
قَالَ: نَعَمْ، هِيَ شَهَادَةٌ، أَفْتَتْرِكُ مُعَلَّقَةً؟

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ طَهَّرَتْ مِنْ حَيْضِهَا فَجَاءَ إِلَى جَمَاعَةٍ فَقَالَ: فَلَانَةُ طَالِقٌ يَتَّقِعُ عَلَيْهَا الطَّلَاقُ وَ لَمْ يَقُلْ لَهُمْ: اشْهَدُوا؟  
قَالَ: نَعَمْ.

۴- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ طَهَّرَتْ امْرَأَتُهُ مِنْ حَيْضِهَا فَقَالَ: فَلَانَةُ طَالِقٌ، وَ قَوْمٌ يَسْمَعُونَ كَلَامَهُ وَ لَمْ يَقُلْ لَهُمْ: اشْهَدُوا أَيْقَعُ الطَّلَاقُ عَلَيْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ هَذِهِ شَهَادَةٌ.

۲- علی بن احمد بن اشیم گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی همسر خود را در دوران پاکی از حیض طلاق می دهد و می گوید: فلان زن طلاق داده شده است و گروهی سخن او را می شنوند و به آنان نمی گوید: شاهد طلاق من باشید. آیا طلاق محقق می شود؟  
فرمود: آری، این همان شهادت است. آیا او را رها نمی کند؟

۳- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام ابو الحسن عليه السلام پرسیدم: مردی پس از پاکی همسرش نزد گروهی آمده و گفته است: فلان زن طلاق داده شده است و به آنان نگفته به این امر شهادت دهید، طلاق او صحیح است؟  
فرمود: آری.

۴- صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدند: اگر انسان پس از عادت ماهیانه همسرش و در حضور جماعتی که به او گوش می دهند بگوید: همسرم فلانی رها و آزاد است. ولی به آنان نگوید: شما گواه باشید. آیا طلاق شرعی واقع می شود؟  
فرمود: آری. حضور گواهان کافی است.

(۱۲)

**بَابُ مَنْ أَشْهَدَ عَلَى طَلَّاقِ امْرَأَتَيْنِ بِلَفْظَةِ وَاحِدَةٍ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَحْضَرَ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ وَأَحْضَرَ امْرَأَتَيْنِ لَهُ وَهُمَا طَاهِرَتَانِ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدَا أَنَّ امْرَأَتِي هَاتَيْنِ طَالِقٌ وَهُمَا طَاهِرَتَانِ أَيَقَعُ الطَّلَاقُ؟ قَالَ: نَعَمْ.

(۱۳)

**بَابُ الْإِشْهَادِ عَلَى الرَّجْعَةِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الَّذِي يُرَاجِعُ وَلَمْ يُشْهَدْ.

**بخش دوازدهم****حکم کسی که به طلاق دو همسرش با یک لفظ شاهد می گیرد**

۱ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: دو شاهد حاضر می کند و در حضور آنان به دو زن خود که در دوران پاکی هستند و با آنان نزدیکی نکرده رو می کند و می گوید: شاهد باشید که این دو زن من طلاق داده شده اند، آیا طلاق واقع می شود؟ فرمود: آری.

**بخش سیزدهم****گواه گرفتن برای رجوع کردن**

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که به زنش رجوع کرده و شاهد برای رجوع نگرفته فرمود:

قَالَ: يُشْهَدُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ لَا أَرَى بِالَّذِي صَنَعَ بَأْسًا.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يُشْهَدُ رَجُلَيْنِ إِذَا طَلَّقَ وَإِذَا رَجَعَ، فَإِنْ جَهِلَ فَعَشِيهَا فَلْيُشْهَدِ الْآنَ عَلَى مَا صَنَعَ وَ هِيَ امْرَأَتُهُ فَإِنْ كَانَ لَمْ يُشْهَدِ حِينَ طَلَّقَ فَلَيْسَ طَلَّاقُهُ بِشَيْءٍ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ الطَّلَاقَ لَا يَكُونُ بِغَيْرِ شُهُودٍ، وَإِنَّ الرَّجْعَةَ بِغَيْرِ شُهُودٍ رَجْعَةٌ، وَ لَكِنْ لَيْشْهَدُ بَعْدُ فَهُوَ أَفْضَلُ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَاحِدَةً ثُمَّ رَاجَعَهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِي عِدَّتَهَا وَ لَمْ يُشْهَدِ عَلَى رَجْعَتِهَا.

اگر شاهد بگیرد برای من دوست داشتنی تر است به نظر من آن چه انجام داده اشکالی ندارد.

۲- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در هنگام طلاق دادن و در هنگام رجوع کردن باید دو مرد عادل را گواه بگیرند. اگر کسی بدون شاهد رجوع کند و با آن زن مباشرت کند، اینک که آگاه می شود، باید شاهد بگیرد و بگوید که من رجوع کرده ام و با او همبستر شده ام. و آن زن، کماکان همسر او خواهد بود. اما اگر موقع طلاق دادن شاهد نگیرد، طلاق او بی اثر خواهد بود.

۳- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

طلاق بی شاهد، طلاق شرعی نیست، اما رجوع بی شاهد شرعی است، اگر رجوع کند و شاهد نگیرد، در روزهای بعد شاهد بگیرد، گرچه مباشرت کرده، شاهد گرفتن بهتر است.

۴- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: مردی همسرش را در یک بار طلاق

داده آن گاه پیش از سپری شدن عده و بدون شاهد به او رجوع کرده است (چه حکمی دارد؟)

قَالَ: هِيَ امْرَأَتُهُ مَا لَمْ تَنْقُضِ عِدَّتُهَا، وَ قَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا، فَإِنْ جَهِلَ ذَلِكَ فَلْيُشْهَدَ حِينَ عِلْمٍ وَ لَا أَرَى بِالَّذِي صَنَعَ بَأْسًا، وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَوْ أَرَادُوا الْبَيِّنَةَ عَلَى نِكَاحِهِمْ الْيَوْمَ لَمْ يَجِدُوا أَحَدًا يُثْبِتُ الشَّهَادَةَ عَلَى مَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِمَا وَ لَا أَرَى بِالَّذِي صَنَعَ بَأْسًا وَإِنْ يُشْهَدَ فَهُوَ أَحْسَنُ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَاحِدَةً. قَالَ: هُوَ أَمْلَكَ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَنْقُضِ الْعِدَّةَ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا.

قَالَ: فَلْيُشْهَدَ.

قُلْتُ: فَإِنْ غَفَلَ عَنْ ذَلِكَ.

قَالَ: فَلْيُشْهَدَ حِينَ يَذْكَرُ وَإِنَّمَا جُعِلَ الشُّهُودُ لِمَكَانِ الْمِيرَاثِ.

فرمود: مادامی که عده آن زن سپری نشده، همسر اوست. البته شایسته بود که برای رجوع به او شاهد بگیرد. اگر نمی دانست هرگاه متوجه شد شاهد بگیرد و کاری که انجام داده اشکال ندارد؛ چرا که بیشتر مردم وقتی بخواهند همان روز برای ازدواجشان شاهد بگیرند کسی را نمی یابند که برای آنها شهادت دهد. کاری که کرده ایرادی ندارد، گرچه هرگاه شاهد می گرفت بهتر بود.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ گوید: از امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: اگر کسی زن خود را طلاق بدهد، تا کی حق رجوع دارد؟

فرمود: مادام که عده طلاق به سر نیامده، شوهر به بازگرداندن زنش شایسته تر خواهد بود.

عرض کردم: اگر رجوع کند و شاهد نگیرد، چه صورت دارد؟

فرمود: بعداً شاهد بگیرد.

عرض کردم: اگر غافل شود و شاهد نگیرد، چه صورت دارد؟

فرمود: هر وقت متذکر شد، شاهد بگیرد.

فرمود: شهادت در مورد رجوع کردن به خاطر میراث زن و شوهر است.

(۱۴)

**بَابُ أَنَّ الْمُرَاجَعَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْمُؤَاقَعَةِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُرَاجَعَةُ هِيَ الْجَمَاعُ، وَإِلَّا فَائْتَمَا هِيَ وَاحِدَةً.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ يُطَلَّقُ امْرَأَتَهُ: لَهُ أَنْ يُرَاجَعَ. وَ قَالَ: لَا يُطَلَّقُ التَّطْلِيقَةَ الْأُخْرَى حَتَّى يَمَسَّهَا.

**بخش چهاردهم****رجوع فقط عملی است**

- ۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رجوع در طلاق همان نزدیکی با همسر است وگرنه فقط یک طلاق صورت گرفته است.
- ۲ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کسی همسر خود را طلاق دهد، حق رجوع دارد.
- و فرمود: کسی که رجوع کند، حق ندارد همسر خود را مجدداً طلاق بدهد مگر موقعی که با او مباشرت کرده باشد.

- ۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
- إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ أَشْهَدَ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ فِي قُبْلِ عِدَّتَيْهَا، فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُطَلِّقَهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا إِلَّا أَنْ يُرَاجِعَهَا.
- ۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ فِي طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ ثُمَّ يُرَاجِعُهَا فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا تَبِينٌ مِنْهُ بِثَلَاثِ تَطْلِيقَاتٍ فِي طَهْرٍ وَاحِدٍ.
- فَقَالَ: خَالَفَ السُّنَّةَ قُلْتُ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَهُ إِذَا هُوَ رَاجِعَهَا أَنْ يُطَلِّقَهَا إِلَّا فِي طَهْرٍ.
- فَقَالَ: نَعَمْ.
- قُلْتُ: حَتَّى يُجَامِعَ؟

۳- بُكَيْرٌ گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هرگاه کسی همسر خود را در آغاز عده، طلاق بدهد و دو تن شاهد عادل گواه بگیرد، دیگر حق ندارد مجدداً طلاق بدهد تا دو طلاقه و سه طلاقه شود، بلکه باید او را رها کند تا عده طلاق را به پایان ببرد و طلاق او قطعی شود، و یا رجوع کند و سازش و آشتی برقرار نماید.

۴- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر کسی همسر خود را در هنگام پاکی از عادت و قبل از مباشرت طلاق بدهد و همان روز رجوع کند و مجدداً او را طلاق بدهد، آیا با سه طلاقه که بر همین صورت انجام گیرد، جدایی قطعی حاصل می شود؟

فرمود: این مرد از سنت طلاق خارج شده است.

عرض کردم: یعنی شایسته نیست که بعد از رجوع کردن، مجدداً او را طلاق بدهد مگر موقعی که یک بار دیگر عادت شود و از عادت خود پاک شود؟

فرمود: آری.

عرض کردم: و باید رجوع او با مباشرت همراه باشد؟



قَالَ: نَعَمْ.

۵ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: الرَّجْعَةُ الْجَمَاعُ، وَإِلَّا فَإِنَّمَا هِيَ وَاحِدَةٌ.

(۱۵)

### بَابُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ ادَّعَتْ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهُ طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً طَلَّاقَ الْعِدَّةِ طَلَّاقًا صَحِيحًا يَعْنِي عَلَى طُهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَأَشْهَدَ لَهَا سُهُودًا عَلَى ذَلِكَ، ثُمَّ أَنْكَرَ الزَّوْجُ بَعْدَ ذَلِكَ.

فرمود: آری.

۵ - اسحاق بن عمّار گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

رجوع از طلاق باید با مباشرت همراه باشد، وگرنه طلاق‌های متعدّد به منزله یک طلاق است.

### بخش پانزدهم

#### [ چند روایت نکته دار ]

۱ - ابی ولاد حنّاط گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی ادعا می‌کند که شوهر من، در هنگام شروع عده، مرا طلاق داده و شرایط صحّت طلاق را که باید در حال طهارت و بدون مباشرت باشد رعایت کرده و موقع طلاق گواهان را دعوت کرده است. اما شوهر او انکار می‌کند و می‌گوید: من او را طلاق نداده‌ام. تکلیف آنان چیست؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ إِنْكَارُهُ الطَّلَاقَ قَبْلَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ، فَإِنَّ إِنْكَارَهُ لِلطَّلَاقِ رَجْعَةٌ لَهَا، وَإِنْ كَانَ أَنْكَرَ الطَّلَاقَ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ، فَإِنَّ عَلَيَّ الْإِمَامَ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا بَعْدَ شَهَادَةِ الشُّهُودِ بَعْدَ أَنْ يَسْتَحْلِفَ أَنْ إِنْكَارَهُ لِلطَّلَاقِ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ وَهُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنِ الْمَرْزُبَانِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: اَعْتَدِي فَقَدْ خَلَيْتُ سَبِيلَكَ.

ثُمَّ أَشْهَدَ عَلَيَّ رَجْعَتَهَا بَعْدَ ذَلِكَ بِأَيَّامٍ، ثُمَّ غَابَ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا حَتَّى مَضَتْ لِذَلِكَ أَشْهُرًا بَعْدَ الْعِدَّةِ أَوْ أَكْثَرَ فَكَيْفَ تَأْمُرُهُ.  
قَالَ: إِذَا أَشْهَدَ عَلَيَّ رَجْعَتِهِ فَهِيَ زَوْجَتُهُ.

فرمود: اگر قبل از پایان عدّه طلاق انکار کرده باشد، انکار طلاق به منزله رجوع از طلاق است و آنان همچنان، زن و شوهر خواهند بود. و اگر بعد سپری شدن عدّه انکار کرده باشد، تکلیف امام است که بعد از استماع گواهی گواهان، طلاق وجدایی آنان را اعلام کند. منتها باید زن سوگند بدهد که شوهرش بعد از پایان عدّه به سراغ او آمده و طلاق خود را انکار کرده است. در این صورت شوهر او باید در ردیف خواستگاران از آن زن خواستگاری کند.

۲- مرزبان گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی به همسر خود می‌گوید: عدّه نگهدار، که من تو را رها کردم. بعد از چند روز از طلاق رجوع می‌کند و گواه می‌گیرد که من رجوع کردم. ولی پیش از رجوع عملی و مباشرت با زن به سفر می‌رود، و بعد از چند ماه که همسرش عدّه طلاق را سپری کرده و خود را بی شوهر می‌داند، از سفر باز می‌گردد و به سراغ زن می‌رود؛ نظر شما چیست؟

فرمود: در صورتی که بر رجوع خود گواه گرفته با گواهی گواهان ثابت می‌شود که زن همچنان همسر اوست.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ أَشْهَدَ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ أَشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا سِرًّا مِنْهَا وَ اسْتَكْتَمَ ذَلِكَ الشُّهُودَ فَلَمْ تَعْلَمْ الْمَرْأَةُ بِالرَّجْعَةِ حَتَّى انْقَضَتْ عِدَّتُهَا.

قَالَ: تَخَيَّرَ الْمَرْأَةُ فَإِنْ شَاءَتْ زَوْجَهَا وَإِنْ شَاءَتْ غَيْرَ ذَلِكَ وَإِنْ تَزَوَّجَتْ قَبْلَ أَنْ تَعْلَمَ بِالرَّجْعَةِ الَّتِي أَشْهَدَ عَلَيْهَا زَوْجَهَا فَلَيْسَ لِلَّذِي طَلَّقَهَا عَلَيْهَا سَبِيلٌ وَ زَوْجَهَا الْأَخِيرُ أَحَقُّ بِهَا.

---

۳- محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که زنش را طلاق داده و بر این امر دو شاهد گرفته؛ آن گاه در پنهانی به او رجوع کرده و این امر را از شهود طلاق کتمان نموده است و تا سپری شدن عده زن او را آگاه نکرده است فرمود:

زن اختیار دارد که در زوجیت همسرش بماند یا غیر او را اختیار کند. اگر زن پیش از آگاهی از رجوع همسرش که گواه گرفته ازدواج کرد، مردی که طلاق داده راهی به او ندارد و همسر دوم به او سزاوارتر است.

(۱۶)

## بَابُ

۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي رَجُلٍ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَةً ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى تَمُضِيَ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ إِلَّا يَوْمًا ثُمَّ يُرَاجِعُهَا فِي مَجْلِسٍ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ فِي آخِرِ الثَّلَاثَةِ الْأَشْهُرِ أَيْضًا.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا أَدْخَلَ الرَّجْعَةَ اعْتَدَّتْ بِالتَّطْلِيقَةِ الْأَخِيرَةِ، وَإِذَا طَلَّقَ بِغَيْرِ رَجْعَةٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ طَلَاقٌ.

## بخش شانزدهم

## [ روایتی نکته دار ]

۱- زراره گوید: امام (صادق عليه السلام و یا امام باقر عليه السلام) درباره کسی که زن خود را یک نوبت طلاق بدهد و یک روز قبل از پایان سه ماه، رجوع کند و مجدداً او را طلاق بدهد و باز در آخرین روز عدّه رجوع کند فرمود:  
اگر در میان دو طلاق عملاً رجوع کرده زن باید از طلاق دوم عدّه نگه دارد؛ و اگر طلاق دوم را بدون رجوع جاری کرده، طلاق دوم صورت نگرفته و آنان زن و شوهر خواهند بود.

(۱۷)

**بَابُ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِزَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الطَّلَاقِ الَّذِي لَا يَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ. فَقَالَ: أَخْبِرْكَ بِمَا صَنَعْتُ أَنَا بِامْرَأَةٍ كَانَتْ عِنْدِي وَ أَرَدْتُ أَنْ أُطَلِّقَهَا فَتَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا طَمِئْتُ وَ طَهَّرْتُ طَلَّقْتُهَا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ أَشْهَدْتُ عَلَى ذَلِكَ شَاهِدَيْنِ ثُمَّ تَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا رَاجَعْتُهَا وَ دَخَلْتُ بِهَا وَ تَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا طَمِئْتُ وَ طَهَّرْتُ ثُمَّ طَلَّقْتُهَا عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدَيْنِ ثُمَّ تَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا كَانَ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا رَاجَعْتُهَا وَ دَخَلْتُ بِهَا حَتَّى إِذَا طَمِئْتُ وَ طَهَّرْتُ طَلَّقْتُهَا عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ جَمَاعٍ بِشُهُودٍ وَ إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ بِهَا إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِي بِهَا حَاجَةٌ.

**بخش هفدهم**

**زنی که برای شوهرش حلال نخواهد شد مگر با شوهر جدید همبستر شود**

۱ - ابو بصیر گوید: از امام باقر ع درباره طلاقی که زن برای مرد حلال نمی شود تا این که با مرد دیگری ازدواج کند پرسیدم. فرمود: تو را آگاه می کنم از کاری که من با همسری که داشتم انجام دادم و می خواستم او را طلاق دهم او را ترک کردم تا زمانی که حائض شد و از حیض پاک شد و بدون این که با او جماع کنم او را طلاق دادم و دو شاهد هم بر آن طلاق گرفتم پس ترکش کردم، تا وقتی که نزدیک شد که عده اش تمام شود به او رجوع کردم و به او دخول کردم و بعد او را ترک کردم تا زمانی که حائض شد و از حیض پاک شد، سپس او را طلاق دادم در پاکی که با او جماع نکردم و دو شاهد هم بر آن گرفتم، سپس ترکش کردم تا قبل از زمانی که عده اش تمام شود، به او رجوع کردم و به او دخول کردم، تا زمانی که حائض شد و پاک شد او را طلاق دادم بر همان پاکی که با او جماع نکرده بودم و شاهد هم گرفتم. همانا من این کار را با او کردم؛ زیرا به او نیازی نداشتم.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَضْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ وَ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِرَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.  
قَالَ: هِيَ الَّتِي تُطَلَّقُ ثُمَّ تُرَاجَعُ ثُمَّ تُطَلَّقُ ثُمَّ تُرَاجَعُ، ثُمَّ تُطَلَّقُ فَهِيَ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

وَ قَالَ: الرَّجْعَةُ بِالْجَمَاعِ، وَإِلَّا فَإِنَّمَا هِيَ وَاحِدَةٌ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ كُلِّهِمْ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِرَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

- ۲- ابو بصير گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: زنی برای شوهرش حلال نخواهد شد، مگر آن گاه که با شوهر جدیدش به بستر رود کیست؟  
فرمود: زنی را که طلاق بدهند و رجوع کنند، دو مرتبه طلاق بدهند رجوع کنند، اگر برای نوبت سوم طلاق بدهند، دیگر برای شوهرش حلال نخواهد شد، مگر آن گاه که با شوهر جدیدش به بستر برود و طلاق بگیرد.  
و فرمود: رجعتی که برای طلاق دوم صورت بگیرد، باید با نزدیکی و مباشرت همراه باشد، وگرنه طلاق دوم و طلاق سوم لغو و بی اثر می شود.
- ۳- ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: زنی که برای شوهرش حلال نخواهد شد، مگر آن گاه که با شوهر جدیدی ازدواج کند کیست؟

قَالَ: هِيَ الَّتِي تُطَلَّقُ ثُمَّ تُرَاجَعُ ثُمَّ تُطَلَّقُ ثُمَّ تُرَاجَعُ ثُمَّ تُطَلَّقُ الثَّالِثَةَ فَهِيَ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِزَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ يَذُوقَ عُسَيْلَتَهَا.

۴ - صَفْوَانُ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُطَلَّقُ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَةً ثُمَّ يَرَا جِعُهَا بَعْدَ انْقِضَاءِ عِدَّتِهَا، فَإِذَا طَلَّقَهَا الثَّالِثَةَ لَمْ تَحِلَّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِذَا نَزَّوَجَهَا غَيْرَهُ وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ طَلَّقَهَا أَوْ مَاتَ عَنْهَا لَمْ تَحِلَّ لِزَوْجِهَا الْأَوَّلِ حَتَّى يَذُوقَ الْآخَرَ عُسَيْلَتَهَا.

۵ - صَفْوَانُ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُطَلَّغَةِ التَّطْلِيقَةَ الثَّالِثَةَ: لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ يَذُوقَ عُسَيْلَتَهَا.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ الطَّلَاقَ الَّذِي لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ، فَتَزَوَّجَهَا غُلَامًا لَمْ يَحْتَلِمَ.

فرمود: زن را که طلاق بدهند و رجوع کنند، نوبت دوم طلاق بدهند و رجوع کنند، و بعد برای نوبت سوم طلاق بدهند؛ آن زن برای شوهرش حلال نخواهد شد مگر موقعی که با شوهر تازه‌ای ازدواج کند و شوهر جدید، با او نزدیکی کند.

۴- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر کسی زن خود را طلاق بدهد و بعد از پایان عده با او آشتی کند و مجدداً ازدواج نماید، اگر به همین صورت سه نوبت او را طلاق بدهد برای شوهرش حلال نخواهد شد مگر موقعی که آن زن شوهر تازه‌ای بگیرد و اگر شوهر تازه بگیرد، ولی شوهر با او نزدیکی نکند و او را طلاق بدهد و یا احیاناً بمیرد، برای شوهر اول حلال نخواهد شد، شرط حلالی آن است که شوهر دوم، شربت وصال او را بچشد.

۵- ابو بصیر نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

۶- علی بن فضل واسطی گوید: در نامه‌ای به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتم: مردی به گونه‌ای همسرش را طلاق داده که تا مرد دیگری با او ازدواج نکند او حلال نمی‌شود. اینک با نوجوانی که هنوز محتلم نمی‌شود می‌تواند ازدواج کند؟

قَالَ: لَا حَتَّى يَبْلُغَ.  
فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ: مَا حَدُّ الْبُلُوغِ؟  
فَقَالَ: مَا أُوجِبَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْحُدُودَ.

(۱۸)

### بَابُ مَا يَهْدُمُ الطَّلَاقَ وَ مَا لَا يَهْدُمُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ شُعَيْبِ  
الْحَدَّادِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ لَمْ  
يُرَاجِعْهَا حَتَّى حَاضَتْ ثَلَاثَ حَيِضٍ ثُمَّ تَزَوَّجَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا فَتَرَكَهَا حَتَّى حَاضَتْ  
ثَلَاثَ حَيِضٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُرَاجِعَهَا يَعْنِي يَمَسُّهَا.  
قَالَ: لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أَبَدًا مَا لَمْ يُرَاجِعْ وَ يَمَسَّ.

فرمود: نه، تا به سن بلوغ برسد.

در نامه دیگری نوشتیم: حد بلوغ چیست؟

فرمود: آن چه حدود را بر مؤمنان واجب می‌کند.

### بخش هیجدهم

#### آن چه باعث عدم وقوع طلاق می‌شود و آن چه که نمی‌شود

۱- معلى بن خنيس گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که زنش را طلاق داد سپس به او  
رجوع نکرد تا زن سه مرتبه حائض شد، سپس با او ازدواج کرد آن گاه او را طلاق داد سپس  
ترکش کرد تا سه مرتبه حائض شد بدون این که در این مدت به او رجوع کند - یعنی او را  
مس کند - فرمود:

مرد می‌تواند برای همیشه (هر وقت خواست) با او ازدواج کند مادامی که به او رجوع  
نکرده و او را مس ننموده است.



۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ لَمْ يُرَاجِعْهَا حَتَّى حَاضَتْ ثَلَاثَ حِيضٍ ثُمَّ تَزَوَّجَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا فَتَرَكَهَا حَتَّى حَاضَتْ ثَلَاثَ حِيضٍ ثُمَّ تَزَوَّجَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُرَاجِعَهَا ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى حَاضَتْ ثَلَاثَ حِيضٍ.

قَالَ: لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أَبَدًا مَا لَمْ يُرَاجِعْ وَ يَمَسَّ.

وَ كَانَ ابْنُ بُكَيْرٍ وَ أَصْحَابُهُ يَقُولُونَ هَذَا، فَأَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مِنْ أَيْنَ قُلْتَ هَذَا؟

قَالَ: قُلْتُهُ مِنْ قِبَلِ رِوَايَةِ رِفَاعَةَ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ يَهْدِمُ مَا مَضَى.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّ رِفَاعَةَ إِنَّمَا قَالَ: طَلَّقَهَا ثُمَّ تَزَوَّجَهَا رَجُلٌ ثُمَّ طَلَّقَهَا ثُمَّ تَزَوَّجَهَا الْأَوَّلَ إِنَّ ذَلِكَ يَهْدِمُ الطَّلَاقَ الْأَوَّلَ.

۲ - معلى بن خنيس گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که زنش را طلاق داده سپس به او رجوع نکرده تا زن سه مرتبه حائض شده، آن گاه با او ازدواج کرده، سپس او را طلاق داده و او را ترک کرده تا سه مرتبه حائض شده، سپس با او ازدواج کرده، آن گاه بی آن که رجوع کند او را طلاق داده سپس او را ترک کرده تا این که سه مرتبه حائض شده است فرمود: مردی مادامی که به زن رجوع نکرده و با او تماس نداشته می تواند برای همیشه با او ازدواج کند.

ابن بکیر و یاران او چنین می گفتند: عبدالله بن مغیره گوید: به او گفتم: این حکم را از کجا می گویی؟ گفت: از ناحیه روایت رفاعه که از امام صادق عليه السلام روایت می کند که ازدواج گذشته را از بین می برد.

به او گفتم: رفاعه فقط چنین گفت که او را طلاق دهد، سپس با مردی ازدواج کند آن گاه طلاق دهد، سپس مرد اول با او ازدواج کند چنین ازدواجی طلاق نخست را از بین می برد.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ حَتَّى بَانَتْ مِنْهُ وَ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا ثُمَّ تَزَوَّجَتْ زَوْجًا آخَرَ فَطَلَّقَهَا أَيْضًا ثُمَّ تَزَوَّجَهَا زَوْجَهَا الْأَوَّلَ أَيْهَدِمُ ذَلِكَ الطَّلَاقَ الْأَوَّلَ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ ابْنُ سَمَاعَةَ: وَ كَانَ ابْنُ بُكَيْرٍ يَقُولُ: الْمُطَلَّعَةُ إِذَا طَلَّقَهَا زَوْجُهَا ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى تَبِينَ ثُمَّ تَزَوَّجَهَا فَإِنَّمَا هِيَ عِنْدَهُ عَلَى طَلَاقٍ مُسْتَأْنَفٍ.  
قَالَ ابْنُ سَمَاعَةَ: وَ ذَكَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ هَاشِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ ابْنَ بُكَيْرٍ عَنْهَا فَأَجَابَهُ بِهَذَا الْجَوَابِ فَقَالَ لَهُ: سَمِعْتَ فِي هَذَا شَيْئًا؟  
فَقَالَ: رِوَايَةٌ رِفَاعَةَ.  
فَقَالَ: إِنَّ رِفَاعَةَ رَوَى إِذَا دَخَلَ بَيْنَهُمَا زَوْجٌ. فَقَالَ: زَوْجٌ وَ غَيْرُ زَوْجٍ عِنْدِي سَوَاءٌ.  
فَقُلْتُ: سَمِعْتَ فِي هَذَا شَيْئًا؟

۳- رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی زن خود را طلاق بدهد، و خانم بعد از سپری شدن عده، شوهر دیگری اختیار کند و آن شوهر نیز آن زن را طلاق بدهد سپس با شوهر اول ازدواج کند، آیا ازدواج با شوهر دوم، اثر نخستین طلاق او را محو خواهد کرد؟  
فرمود: آری.

ابن سماعه گوید: ابن بکیر می گفت: زنی که طلاق داده شده هرگاه همسرش طلاقش دهد آن گاه او را ترک کند تا جدا گردد سپس با او ازدواج کند در واقع چنین زنی در نظر او با طلاق جدید است.

ابن سماعه گوید: حسین بن هاشم گوید: از ابن بکیر در این مورد پرسیدم. او همین پاسخ را داد و گفت: در این زمینه مطالبی شنیده ای؟  
گفت: روایت رفاعه است.

گفت: رفاعه روایت کرده که هرگاه بین آن دو، همسر دیگری وارد شده باشد. گفت: همسر و غیر همسر نزد من یکسان است.  
گفتم: آیا در این مورد چیزی شنیده ای؟!

فَقَالَ: لَا، هَذَا مِمَّا رَزَقَ اللَّهُ ﷻكَ مِنَ الرَّأْيِ.  
 قَالَ ابْنُ سَمَاعَةَ: وَ لَيْسَ نَأْخُذُ بِقَوْلِ ابْنِ بُكَيْرٍ، فَإِنَّ الرَّوَايَةَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا زَوْجٌ.  
 ٤ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:  
 سَأَلْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَاحِدَةً ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى بَانَتْ مِنْهُ ثُمَّ  
 تَزَوَّجَهَا.

قَالَ: هِيَ مَعَهُ كَمَا كَانَتْ فِي التَّزْوِيجِ؟  
 قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّ رِوَايَةَ رِفَاعَةَ إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا زَوْجٌ.  
 فَقَالَ لِي: عَبْدُ اللَّهِ هَذَا زَوْجٌ، وَ هَذَا مِمَّا رَزَقَ اللَّهُ مِنَ الرَّأْيِ وَ مَتَى مَا طَلَّقَهَا  
 وَاحِدَةً فَبَانَتْ مِنْهُ ثُمَّ تَزَوَّجَهَا زَوْجٌ آخَرَ ثُمَّ طَلَّقَهَا زَوْجَهَا فَتَزَوَّجَهَا الْأَوَّلَ فَهِيَ  
 عِنْدَهُ مُسْتَقْبَلَةٌ كَمَا كَانَتْ.  
 قَالَ: فَقُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ: هَذَا بِرِوَايَةِ مَنْ؟

گفت: نه، این مطلبی است که خداوند متعال به من روزی کرده است.  
 ابن سماعه گوید: ما گفتار ابن بکیر را نمی‌پذیریم؛ چرا که روایت این گونه است که  
 هرگاه بین آن دو، همسر دیگری وارد شود.  
 ٤ - عبدالله بن مغیره گوید: از عبدالله بن بکیر پرسیدم مردی که یک مرتبه زنش را طلاق  
 داده سپس او را ترک کرده تا این که زن از او جدا شده سپس با او ازدواج نموده ( حکمش  
 چگونه است؟ )

عبدالله بن بکیر گفت: آن زن با اوست همان گونه که در ازدواج با او بود؟  
 عبدالله بن مغیره گوید: به او گفتم: همانا رفاعه می‌گوید: در صورتی می‌تواند با او  
 ازدواج کند که مرد دیگری با او ازدواج کند ( و او را طلاق بدهد ).  
 عبدالله به من گفت: این نیز همسر اوست و این رأی از چیزهایی است که خدا روزی  
 کرده. و هنگامی که مرد، زنش را یک بار طلاق دهد پس از او جدا شود سپس مرد دیگری  
 با او ازدواج کند سپس او را طلاق دهد پس مرد اولی با او ازدواج کند پس زن همان طوری  
 که قبلاً پیش او بود، می‌ماند.  
 گوید: پس به عبدالله بن بکیر گفتم: این حکم به روایت کیست؟

فَقَالَ هَذَا مِمَّا رَزَقَ اللَّهُ.  
 قَالَ مُعَاوِيَةُ بْنُ حُكَيْمٍ: رَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّ الزَّوْجَ يَهْدِمُ  
 الطَّلَاقَ الْأَوَّلَ، فَإِنْ تَزَوَّجَهَا فِيهَا فَهِيَ عِنْدَهُ مُسْتَقْبَلَةٌ.  
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَهْدِمُ الثَّلَاثَ وَلَا يَهْدِمُ الْوَاحِدَةَ وَالثَّنَيْنِ.  
 وَرِوَايَةٌ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الَّذِي احْتَجَّ بِهِ ابْنُ بُكَيْرٍ.

(۱۹)

بَابُ الْغَائِبِ يَقْدَمُ مِنْ غَيْبَتِهِ فَيُطَلَّقُ عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَقَعُ الطَّلَاقُ  
 حَتَّى تَحِيضَ وَتَطْهَرَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ حَجَّاجِ الْخَشَّابِ  
 قَالَ:

گفت: این از چیزهایی است که خدا روزی کرده است.  
 معاویه بن حکیم گوید: اصحاب ما از رفاعه بن موسی روایت کرده‌اند که ازدواج،  
 طلاق اول را ویران می‌کند و از بین می‌برد پس اگر با آن زن ازدواج کند پیش او می‌ماند.  
 حضرت فرمود: سه طلاق را از بین می‌برد؛ ولی یک و دو طلاق را از بین نمی‌برد.  
 وروایت رفاعه از امام صادق علیه السلام همان روایتی است که ابن بکیر به آن استدلال کرد.

بخش نوزدهم

حکم طلاق غایبی که باز آمده است ...

۱ - حججاج خشاب گوید.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ كَانَ فِي سَفَرٍ فَلَمَّا دَخَلَ الْمِصْرَ جَاءَ مَعَهُ بِشَاهِدَيْنِ ، فَلَمَّا اسْتَقْبَلَتْهُ امْرَأَتُهُ عَلَى الْبَابِ أَشْهَدَهُمَا عَلَى طَلَاقِهَا .  
قَالَ : لَا يَقَعُ بِهَا طَلَاُقٌ .

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :  
إِذَا غَابَ الرَّجُلُ عَنِ امْرَأَتِهِ سَنَةً أَوْ سَنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ قَدِمَ وَ أَرَادَ طَلَاَقَهَا وَ كَانَتْ حَائِضًا تَرَكَهَا حَتَّى تَطْهَرَ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا .

۱- حجاج خشتاب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی از سفر باز آید، وقتی وارد شهر شد با دو تن مرد عادل به طرف خانه اش حرکت کند موقعی که مقابل درب منزل با خانمش رو به رو می شود در برابر گواهان او را طلاق بدهد، این طلاق چه صورت دارد؟ فرمود: به این صورت، طلاقی واقع نمی شود.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر شوهر به سفر برود و یک سال - دو سال و یا بیشتر - از خانم خود دور باشد و موقعی که از سفر باز آید تصمیم بگیرد که او را طلاق بدهد اما ببیند که خانم در حال عادت ماهیانه به سر می برد، باید خانم را وانهد تا پاک شود و بعداً او را طلاق بدهد.

(۲۰)

**بَابُ النِّسَاءِ اللَّاتِي يُطَلَّقَنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسٌ يُطَلَّقُهَا الرَّجُلُ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْحَامِلُ وَالَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا زَوْجُهَا، وَالْعَائِبُ عَنْهَا زَوْجُهَا، وَالَّتِي لَمْ تَحِضْ، وَالَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْحَيْضِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَدَّادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِطَلَاقِ خَمْسٍ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْعَائِبُ عَنْهَا زَوْجُهَا، وَالَّتِي لَمْ تَحِضْ، وَالَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا زَوْجُهَا، وَالْحُبْلَى، وَالَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ.

**بخش بیستم****زنانی که در هر حالتی طلاق داده می شوند**

- ۱ - جُعْفَى گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پنج دسته از زنان هستند که مرد آن‌ها در هر حالی می تواند طلاق بدهد:
- زن حامله، زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، زنی که شوهرش غایب است، زنی که حیض نمی بیند، زنی که از حیض یائسه شده است.
- ۲ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- طلاق پنج گروه از زنان در هر حالی که باشند اشکالی ندارد: زنی که شوهرش از او غایب است، زنی که حیض نمی بیند، زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، زن حامله و زنی که از حیض یائسه شده است.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَمْسٌ يُطَلَّقَنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْحَامِلُ، وَالْغَائِبُ عَنْهَا زَوْجُهَا، وَالَّتِي لَمْ تَحِضْ، وَالَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ، وَالَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا. عَلِيُّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

(۲۱)

### بَابُ طَلَاقِ الْغَائِبِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ زُرَّارَةَ عَنِ بُكَيْرٍ قَالَ: أَشْهَدُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

۳- اسماعیل جعفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

طلاق دادن پنج گروه از زنان شرط و هنگام مشخص ندارد: زن باردار، خانمی که شوهرش در حال سفر باشد، زنی که هنوز عادت ماهیانه ندارد، خانمی که دیگر عادت نمی‌شود و زنی که با شوهرش نزدیکی نکرده است.

### بخش بیستم و یکم

#### طلاق غایب

۱- بُکَيْرٌ گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

الْغَائِبُ يُطَلَّقُ بِالْأَهْلِ وَالشُّهُورِ.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
الْغَائِبُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُطَلَّقَهَا تَرَكَهَا شَهْرًا.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
الْغَائِبُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُطَلَّقَهَا تَرَكَهَا شَهْرًا.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ :

کسی که از خانمش دور باشد، می تواند او را با محاسبه ماه قمری طلاق می دهد

۲ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی که در سفر است، وقتی که خواست زنش را طلاق بدهد باید به مدت یک ماه صبر کند.

۳ - اسحاق بن عمار نظیر این روایت را با سند دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند.

۴ - حسن بن صالح گوید:



سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ غَائِبٌ فِي بَلَدٍ أُخْرَى وَ  
 أَشْهَدَ عَلَى طَلَاقِهَا رَجُلَيْنِ ثُمَّ إِنَّهُ رَاجَعَهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ وَ لَمْ يُشْهَدْ عَلَى  
 الرَّجْعَةِ ، ثُمَّ إِنَّهُ قَدِمَ عَلَيْهَا بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ وَ قَدْ تَزَوَّجَتْ رَجُلًا فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا أَنِّي  
 قَدْ كُنْتُ رَاجِعُكَ قَبْلَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ وَ لَمْ أُشْهَدْ .

قَالَ : فَقَالَ : لَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا ، لِأَنَّهُ قَدْ أَقْرَبَ بِالطَّلَاقِ وَ ادَّعَى الرَّجْعَةَ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ ،  
 فَلَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا ، وَ لِذَلِكَ يَنْبَغِي لِمَنْ طَلَّقَ أَنْ يُشْهَدْ وَ لِمَنْ رَاجَعَ أَنْ يُشْهَدْ عَلَى  
 الرَّجْعَةِ كَمَا أَشْهَدَ عَلَى الطَّلَاقِ ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ أذْرَكَهَا قَبْلَ أَنْ تَزَوَّجَ كَانَ خَاطِبًا مِنْ  
 الْخُطَابِ .

۴- حسن بن صالح گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی از وطن خارج می‌شود و در  
 شهری دیگر زن خود را طلاق می‌دهد و دو تن مرد عادل را گواه می‌گیرد. اما پیش از آن که  
 عدّه خانم سپری شود از طلاق خود رجوع می‌کند، ولی برای رجوع خود گواهی دعوت  
 نمی‌کند و بعد از مدتی که عدّه خانم سپری شده است به وطن باز می‌گردد. در حالی که  
 خانم او به استناد گواهی گواهان، شوهر کرده است. از این رو به زن خود پیام می‌فرستد که من  
 پیش از سپری شدن عدّه رجوع کرده‌ام، منتهی گواه نگرفته‌ام. اینک تکلیف این زن چیست؟  
 فرمود: شوهر اول حقی به خانم ندارد، چرا که خود به طلاق خانمش اعتراف دارد،  
 اما بدون شاهد ادّعی رجوع دارد، از این رو حقی به خانم ندارد. برای یک چنین  
 محذوراتی است که باید هنگام طلاق دادن، شاهد بگیردند و هنگام رجوع نیز گواه بگیرند  
 همان گونه که برای طلاق خود گواه گرفته‌اند. اگر این مرد بعد از سپری شدن عدّه به وطن  
 خود وارد شود و هنوز خانم ازدواج نکرده باشد، باز هم حقی به زن خود ندارد و در ردیف  
 خواستگاران قرار خواهد گرفت.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ غَائِبٌ وَ أَشْهَدَ عَلَى طَلَاقِهَا ثُمَّ قَدِمَ فَأَقَامَ مَعَ الْمَرْأَةِ أَشْهُرًا لَمْ يُعْلِمْهَا بِطَلَاقِهَا، ثُمَّ إِنَّ الْمَرْأَةَ ادَّعَتِ الْحَبْلَ فَقَالَ الرَّجُلُ: قَدْ طَلَّقْتُكَ وَأَشْهَدْتُ عَلَى طَلَاقِكَ. قَالَ: يُلْزَمُ الْوَلَدَ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ.

۶- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ لَهُ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَلَّقَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ وَهُوَ غَائِبٌ عَنْهُنَّ مَتَى يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ؟ قَالَ: بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ، وَفِيهَا أَجْلَانِ: فَسَادُ الْحَيْضِ وَفَسَادُ الْحَمْلِ.

۵- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی از زنش غایب است، او را طلاق می‌دهد و شاهد بر طلاقش نیز می‌گیرد، سپس به پیش زنش می‌آید و چند ماهی با او می‌ماند و زن را از طلاقش آگاه و با خبر نمی‌کند، سپس زن ادعا می‌کند که حامله است، پس مرد می‌گوید که من تو را قبلاً طلاق داده‌ام و برای طلاق شاهد هم گرفته‌ام (حکم آن چیست)؟

فرمود: فرزند برای او و ملحق به اوست؛ ولی حرفش پذیرفته نمی‌شود.

۶- حماد بن عثمان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چه می‌فرمایید درباره مردی که چهار تا زن دارد و در حالی که از آنها غایب است، یکی از آنها را طلاق می‌دهد، چه وقت می‌تواند آن مرد ازدواج کند؟

فرمود: بعد از نه ماه و در این مدت نه ماه، دو وقت است یکی فساد حمل (اگر زن حامله باشد تا آن موقع وضع حمل می‌کند) و فساد حیض (یعنی ممکن است حیض زن فاسد شود و ایام سبزی نشود مگر بعد از نه ماه).

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ غَائِبٌ.

قَالَ: يَجُوزُ طَلَاقُهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ تَعْتَدُ امْرَأَتُهُ مِنْ يَوْمِ طَلَّقَهَا.

۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي حَمْزَةَ مَتَى يُطَلِّقُ الْعَائِبُ قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ - أَوْ رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِذَا مَضَى لَهُ شَهْرٌ.

۷- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: آیا انسان می تواند در حال سفر و غایب بودن از وطن همسر خود را طلاق بدهد؟  
فرمود: طلاق دادن در حال سفر، شرط و هنگام خاصی ندارد و خانم او از نخستین روز طلاق عدّه خود را محاسبه می کند.

۸- ابن سماعه گوید: از محمد بن ابی حمزه پرسیدم که شخص غایب کی می تواند طلاق بدهد؟

محمد بن ابی حمزه گوید: اسحاق بن عمّار برای ما نقل کرد - یا اسحاق بن عمّار روایت کرده - از امام صادق عليه السلام - یا امام کاظم عليه السلام - که فرمود:  
وقتی که یک ماه بر او بگذرد.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ مَوَالِينَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَنَّ مَعِيَ امْرَأَةً عَارِفَةً أَحَدَتْ زَوْجَهَا، فَهَرَبَ عَنِ الْبِلَادِ، فَتَبَعَ الزَّوْجَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَرْأَةِ فَقَالَ: إِمَّا طَلَّقْتَ وَإِمَّا رَدَدْتِكِ فَطَلَّقَهَا وَ مَضَى الرَّجُلُ عَلَيَّ وَجْهَهُ، فَمَا تَرَى لِلْمَرْأَةِ؟ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: تَزَوَّجِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ!

(۲۲)

### بَابُ طَلَاقِ الْحَامِلِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۹- مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ كَتَبَ بَعْضُ مَوَالِينَا إِلَى جَوَادٍ عليه السلام نُوِّسَتْ لَهَا مَرْأَةٌ مِنْ زَنَى عَارِفٌ بِهَا حَقٌّ شَمَا اسْت. شَوْهَرٌ أَوْ بَا كَسَى زَنَى كَرْدَةٌ وَ مِنْ شَهْرَهَا مَتَوَارَى شَدَّةً اسْت. بَعْضَى مِنْ بَسْتِغَانِ زَنَى دَرِ بِيٍّ أَوْ رَفْتَهَانِدٌ وَ أَوْ رَا بِيْدَا كَرْدَهَانِدٌ وَ بَهْ أَوْ كَفْتَهَانِدٌ: يَا زَنْتِ رَا طَلَاقِ بَدَهْ يَا تَوْرَا بَهْ شَهْرِ بَرْمِي كَرْدَانِيْم. مَرْدٌ بَهْ جَهْتِ اَبْرُوِيْشِ زَنْشِ رَا طَلَاقِ دَاوَدَهْ نَظَرِ شَمَا دَرِبَارَةُ اَيْنِ زَنْ چِيَسْت؟  
امام به خط مبارک خود (خطاب به زن) نوشت: ازدواج کن، خداوند تو را رحمت کند.

### بخش بیست و دوم

#### طلاق زن باردار

۱- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْحُبْلَى تُطَلَّقُ تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً.

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَّاقُ الْحَامِلِ وَاحِدَةٌ، وَعِدَّتُهَا أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ.
- ۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَجَعْفَرَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَّاقُ الْحُبْلَى وَاحِدَةٌ، فَإِذَا وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا فَقَدْ بَانَتْ.
- ۴- وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحُبْلَى تُطَلَّقُ تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً.

زن باردار را فقط یک نوبت طلاق می دهند.

۲- ابو الصباح کنانی گوید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

طلاق زن حامله یک بار است (یعنی تا وقتی که حامله است فقط می شود او را یک بار طلاق داد) و عدّه او نزدیکترین دو زمان است (زمان وضع حمل و یا این که ۳ ماه بگذرد هر کدام که زودتر اتفاق افتاد).

۳- اسماعیل جعفی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زن باردار را یک نوبت طلاق می دهند، هنگامی که زایمان کند و کودک خود را بر زمین نهد از شوهر خود جدا می شود.

۴- ابو بصیر نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند

- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَّاقُ الْحَامِلِ وَاحِدَةٌ، فَإِذَا وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ.
- ۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَأَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَلَّاقُ الْحُبْلَى وَاحِدَةٌ، وَأَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَهُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ.
- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَعَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَّاقِ الْحُبْلَى. فَقَالَ: وَاحِدَةٌ وَأَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا.

۵- اسماعیل جعفی از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

طلاق زن حامله یک بار است. پس وقتی (بچه‌ای را که) در شکم دارد به زمین گذاشت و وضع حمل کرد از شوهرش جدا شده است.

۶- ابو بصیر در روایت دیگری نظیر آن را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

۷- سماعه گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره طلاق زن باردار پرسیدم.

فرمود: یک نوبت است، هنگامی که زایمان کند از شوهر جدای می‌شود.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

طَلَاقُ الْحُبْلَى وَاحِدَةٌ، وَأَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا، وَهُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ.

۹- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُبْلَى إِذَا طَلَّقَهَا زَوْجَهَا فَوَضَعَتْ سِقْطًا تَمَّ أَوْ لَمْ يَتِمَّ أَوْ وَضَعَتْهُ مُضَعَّةً.

قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ وَضَعَتْهُ يَسْتَبِينُ أَنَّهُ حَمْلٌ تَمَّ أَوْ لَمْ يَتِمَّ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا، وَإِنْ كَانَتْ مُضَعَّةً.

۱۰- وَعَنْهُ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَمْرَانَ الشَّافِعِيِّ عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حُبْلَى وَكَانَ فِي بَطْنِهَا اثْنَانِ فَوَضَعَتْ وَاحِدًا وَبَقِيَ وَاحِدٌ.

۸- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

طلاق زن حامله یک بار است و مدت عدّه آن این است که وضع حمل کند و این وضع حمل (تولد نوزاد نزدیکترین آن دو مدت است).

۹- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر انسان زن باردار خود را طلاق بدهد و همسرش جنین خود را با اعضای کامل و یا ناکامل و یا به صورت یک قطعه گوشت جویده سقط کند، چه صورت دارد؟

فرمود: با هر سقطی که از رحم خارج شود و معلوم باشد که جنین است، خواه کامل باشد و خواه ناکامل، عدّه خانم سپری شده، گرچه به صورت گوشت جویده باشد.

۱۰- عبدالرحمان بن ابی عبدالله بصری گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که زنش را در حال بارداری بود طلاق می دهد در حالی که در شکم آن زن دو کودک بوده، پس یکی از آنها را وضع حمل می کند (به دنیا می آورد) و یکی در شکمش باقی می ماند (چه کار باید بکند)؟

قَالَ: قَالَ: تَبَيَّنُ بِالْأَوَّلِ وَلَا تَحِلُّ لِلْأَزْوَاجِ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا.  
 ۱۱- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ حَامِلٌ فَأَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا، وَإِنْ وَضَعَتْ مِنْ  
 سَاعَتِهَا.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ  
 مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ يَزِيدِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ  
 طَلَاقِ الْحُبْلَى.

فَقَالَ: يُطَلَّقُهَا وَاحِدَةً لِلْعِدَّةِ بِالشُّهُورِ وَ الشُّهُودِ.

قُلْتُ لَهُ: فَلَهُ أَنْ يُرَاجِعَهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ هِيَ امْرَأَتُهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ رَاجِعَهَا وَ مَسَّهَا، ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا تَطْلِيقَةً أُخْرَى.

فرمود: با وضع حمل اول از شوهرش جدا می شود؛ ولی نمی تواند با کس دیگری  
 ازدواج کند تا وقتی که آن چه که در شکمش دارد را به دنیا آورد.

۱۱- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر کسی زن باردار را طلاق بدهد، بازایمان عده او به سر خواهد رسید، گرچه بعد از  
 یک ساعت دیگر زایمان و یا سقط صورت بگیرد.

۱۲- یزید کناسی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زن حامله سؤال کردم.

فرمود: او را در وقتی که می تواند عده نگه دارد یک بار طلاق می دهد و شاهد هم بگیرد.

عرض کردم: آیا می تواند به آن زن رجوع کند؟

فرمود: بله و آن زن، زن و همسر اوست.

عرض کردم: پس اگر به آن زن رجوع کرد و او را مس نمود سپس اراده کرد برای بار دوم

او را طلاق دهد چگونه است؟



قَالَ: لَا يُطَلَّقُهَا حَتَّى يَمْضِيَ لَهَا بَعْدَ مَا مَسَّهَا شَهْرٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ طَلَّقَهَا ثَانِيَةً وَأَشْهَدَ ثُمَّ رَاجَعَهَا وَأَشْهَدَ عَلَى رَجْعَتِهَا وَمَسَّهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ وَأَشْهَدَ عَلَى طَلَّاقِهَا لِكُلِّ عِدَّةٍ شَهْرٌ هَلْ تَبَيَّنَ مِنْهُ كَمَا تَبَيَّنَ الْمُطَلَّقَةُ عَلَى الْعِدَّةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِرُزُوجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَمَا عِدَّتُهَا.

قَالَ: عِدَّتُهَا أَنْ تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا، ثُمَّ قَدْ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ.

فرمود: نمی تواند او را طلاق بدهد تا این که یک ماه از آن موقعی که او را مس کرده بگذرد. عرض کردم: اگر برای بار دوم زنش را طلاق داد و شاهد هم برای آن گرفت سپس به زنش رجوع کرد و شاهد، برای رجوع و مس او هم گرفت، سپس برای بار سوم او را طلاق داد و برای طلاقش نیز شاهد گرفت برای هر عده‌ای هم یک ماه گذشت آیا آن زن از آن مرد جدا می شود همان طوری که زنی که طلاق داده شده بر عده‌ای که دیگر بر شوهرش حلال نمی شود تا وقتی که با مردی دیگری ازدواج کند؟

امام فرمود: آری.

گفتم: پس عده او چه موقع و چه وقت است؟

فرمود: عده اش این است که آن چه که در شکمش دارد به زمین گذارد (وضع حمل کند) سپس برای زوجها حلال می شود.

(۲۳)

**بَابُ طَلَاقِ النِّسَاءِ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.

فَقَالَ: قَدْ بَانَ مِنْهُ وَ تَزَوَّجَ إِنْ شَاءَتْ مِنْ سَاعَتِهَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ النِّسَاءَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا بَانَ بِتَطْلِيقِهَا وَاحِدَةً.

**بخش بیست و سوم****طلاق زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده است**

۱ - ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی زنش را در حالی که با او نزدیکی نکرده طلاق می دهد.

فرمود: آن زن از او جدا شده و در همان ساعت می تواند با هر کس که خواست اگر بخواهد ازدواج کند. (یعنی نیازی نیست که عده نگه دارد).

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

هرگاه زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده طلاق داده شود، با یک مرتبه طلاق از شوهرش جدا می شود.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ تَزَوُّجٍ مِنْ سَاعَتِهَا إِنْ شَاءَتْ وَتَبِينُهَا تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً، وَإِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُ مَا فَرَضَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ وَ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بَكَرًا ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا ثَلَاثَ تَطْلِيقَاتٍ كُلِّ شَهْرٍ تَطْلِيقَةً.

قَالَ: بَانَتْ مِنْهُ فِي التَّطْلِيقَةِ الْأُولَى وَ اثْنَتَانِ فَضُلٌّ وَ هُوَ خَاطِبٌ يَتَزَوَّجُهَا مَتَى شَاءَتْ وَ شَاءَ بِمَهْرٍ جَدِيدٍ.

قِيلَ لَهُ: فَلَهُ أَنْ يُرَاجِعَهَا إِذَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً قَبْلَ أَنْ تَمُضِيَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ؟

۳- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مردی، زنش را طلاق بدهد قبل از این که به او دخول کند، آن زن عده ندارد و اگر خواست می تواند در همان ساعت (بعد از طلاق) ازدواج کند و یک بار طلاق او را از شوهرش جدا می کند. و اگر مهریه ای برای آن زن معلوم شده باشد، نصف آن مقدار برای اوست.

۴- زراره گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) درباره کسی که با دوشیزه ای ازدواج می کند و قبل از عروسی او را سه طلاقه نماید (یعنی در هر ماهی یک طلاق بدهد) فرمود:

دوشیزه با همان طلاق اول از قید همسری آزاد شده است و آن دو طلاق بعدی زیادی است. شوهر او بعد از طلاق، بلافاصله در ردیف خواستگاران قرار می گیرد و اگر او بخواهد و خانم نیز بخواهد با مهر و کابین جدید ازدواج خود را تجدید کنند.

پرسیدند: آیا شوهر این دوشیزه بعد از طلاق اول و قبل از سپری شدن سه ماه عده می تواند رجوع کند؟

قَالَ: لَا إِنَّمَا كَانَ يَكُونُ لَهُ أَنْ يُرَاجِعَهَا لَوْ كَانَ دَخَلَ بِهَا أَوْلًا، فَأَمَّا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَا رَجْعَةَ لَهُ عَلَيْهَا قَدْ بَانَتْ مِنْهُ مِنْ سَاعَةٍ طَلَّقَهَا.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُيَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فَطَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ، وَتَزَوَّجُ مَنْ شَاءَتْ مِنْ سَاعَتِهَا وَتُبَيِّنُهَا تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً.

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَالِحِ بْنِ خَالِدٍ وَعُيَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

۶- أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَحُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: نه. دوشیزه در صورتی عدّه دارد و شوهرش حق رجوع دارد که با و نزدیکی کرده باشد. اگر با او نزدیکی نکرده باشد، نه عدّه دارد و نه حق رجوع. او در لحظه اول طلاق، از قید ازدواج شوهر آزاد است.

۵- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر کسی با زنی ازدواج کند و قبل از نزدیکی او را طلاق بدهد، آن زن عدّه ندارد، از همان لحظه طلاق می‌تواند با هر کس که بخواهد ازدواج کند، چون با یک طلاق از هم بیگانه می‌شوند.

۶- ابو بصیر نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ، وَ تَزَوَّجُ مِنْ سَاعَتِهَا إِنْ شَاءَتْ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: الْعِدَّةُ مِنَ الْمَاءِ.

(۲۴)

### بَابُ طَلَاقِ التِّي لَمْ تَبْلُغْ وَ التِّي قَدْ يَبْسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ الصَّبِيَّةَ التِّي لَمْ تَبْلُغْ وَ لَا تَحْمِلُ مِثْلَهَا وَ قَدْ كَانَ دَخَلَ بِهَا وَ الْمَرْأَةُ التِّي قَدْ يَبْسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا فَلَا تَلِدُ مِثْلَهَا.

۷- محمد بن مسلم گوید: امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام فرمود: ننگه داشتن عدّه به خاطر نطفه شوهر واجب شده است.

### بخش بیست و چهارم

**طلاق زنی که به سن بلوغ نرسیده و زنی که از خون دیدن مأیوس شده است**

۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر و امام صادق عليهما السلام) درباره مردی که دختری را -که به سن بلوغ نرسیده و مثل چنین دختری هم حامله نمی شود- طلاق می دهد در حالی که به او دخول (نزدیکی) هم کرده و هم چنین زنی را که از حیض دیدن مأیوس شد و مثل چنین زنی بچه هم نمی زاید و حیضش هم مرتفع شده (در این موارد چه می فرمایید)؟ فرمود: آن دو زن عدّه ندارند (یعنی لازم نیست بعد از طلاق، عدّه ننگه دارند) اگر چه با آنها نزدیکی هم شده باشد.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ وَإِنْ دَخَلَ بِهِمَا.  
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ  
 عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا مِثْلَهُ.  
 ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الصَّبِيَّةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ مِثْلَهَا وَ الَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ.  
 قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ، وَإِنْ دَخَلَ بِهِمَا.  
 ۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ  
 حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ  
 بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
 الَّتِي لَا تَحْبَلُ مِثْلَهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.

۲- راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد دختری که مثل (همسن) آن دختر حائض  
 نمی شود و زنی که از حیض دیدن مایوس شده فرمود:  
 بر آن دو عده نیست (یعنی لازم نیست بعد از طلاق عده نگه دارند) اگر چه به آن‌ها  
 دخول هم شده باشد.

۳- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:  
 زنی که همسالان او آبستن نمی شوند، عده ندارد.

- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ.  
قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟  
قَالَ: إِذَا أَتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ، وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا وَ الَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنْ  
الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ.  
قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟  
قَالَ: إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً.
- ۵ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنْ  
الْمَحِيضِ.

- 
- ۴ - عبد الرحمان بن حججاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
سه دسته از زنان هستند که در هر حالی می توانند ازدواج کنند (لازم نیست عده نگه  
دارند) زنی که حیض نمی شود و مثل این زن حائض نمی شود.  
ابن حججاج گوید: به امام عرض کردم: حد و مرز این زن چه مقدار است؟  
فرمود: وقتی که کمتر از ۹ سال داشته باشد، و زنی که (بعد از ازدواج) به او دخول  
نشده باشد و زنی که از حیض دیدن مأیوس شده و مثل چنین زنی نیز حیض نمی بیند.  
ابن حججاج می گوید: عرض کردم: حد و اندازه آن چه قدر است (یعنی در چند سالگی  
این گونه است)؟  
فرمود: زمانی که به پنجاه سالگی برسد.
- ۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که در مورد زنی که از حیض دیدن  
مأیوس شده می فرمود:

قَالَ: بَأْتَتْ مِنْهُ وَ لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.

وَ قَدْ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي حَمْزَةَ إِذَا دُخِلَ بِهِنَّ .

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: عِدَّةُ الَّتِي لَمْ تَبْلُغِ الْمَحِيضَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ الَّتِي قَدْ قَعَدَتْ مِنَ الْمَحِيضِ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.

وَ كَانَ ابْنُ سَمَاعَةَ يَأْخُذُ بِهَا وَ يَقُولُ: إِنَّ ذَلِكَ فِي الْأِمَاءِ لَا يُسْتَبْرَأَنَّ إِذَا لَمْ يَكُنَّ بَلَغْنَ الْمَحِيضَ، فَأَمَّا الْحَرَائِرُ فَحُكْمُهُنَّ فِي الْقُرْآنِ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَ اللَّائِي يَيْسِّنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ ﴾ .

از شوهرش جدا شده و عده‌ای هم به عهده‌ او نیست.

در روایتی آمده است: برای چنین زنی اگر به او دخول شده عده لازم است.

در روایت دیگری ابوبصیر گوید: حضرتش فرمود:

عده زنی که به حد دیدن خون حیض نرسیده و زنی که از حیض دیدن فارغ شده سه ماه است.

ابن سماعه همواره به این روایت عمل می‌کرد و می‌گفت: این حکم درباره کنیزانی که به حد دیدن حیض نرسیده‌اند جاری است که آنان استبرا ندارند؛ ولی حکم زنان آزاد در قرآن آمده است، آن جا که خداوند می‌فرماید: «زنانی از شما که از عادت ماهیانه مأیوسند اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) تردید نمایید، عده آنان سه ماه است و هم چنین آنهایی عادت ماهیانه ندیده‌اند».



وَ كَانَ مُعَاوِيَةَ بْنَ حُكَيْمٍ يَقُولُ: لَيْسَ عَلَيْهِنَّ عِدَّةٌ، وَ مَا احْتَجَّ بِهِ ابْنُ سَمَاعَةَ فَإِنَّمَا قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿إِنْ ارْتَبْتُمْ﴾ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا وَقَعَتِ الرَّبِيبَةُ بِأَنْ قَدْ يَيْسُنْ أَوْ لَمْ يَيْسُنْ؟! فَأَمَّا إِذَا جَازَتِ الْحَدَّ وَ ارْتَفَعَ الشُّكُّ بِأَنَّهَا قَدْ يَيْسَتْ، أَوْ لَمْ تَكُنِ الْجَارِيَةَ بَلَغَتِ الْحَدَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ عِدَّةٌ.

(۲۵)

### بَابُ فِي الَّتِي يَخْفَى حَيْضُهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً سِرًّا مِنْ أَهْلِهَا وَ هِيَ فِي مَنْزِلِ أَهْلِهَا وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا وَ لَيْسَ يَصِلُ إِلَيْهَا فَيَعْلَمُ طَمَئْتَهَا إِذَا طَمِئَتْ وَ لَا يَعْلَمُ بِطَهْرِهَا إِذَا طَهَّرَتْ.

ومعاویة بن حکیم همواره می‌گفت: اینان عده ندارند و آنچه، ابن سماعه استدلال کرده که خداوند متعال می‌فرماید: «اگر در وضع آنان تردید کنید» فقط در هنگام تردید است که آیا از عادت ماهیانه مایوسند یا مایوس نیستند؟! ولی آن گاه که زمان بگذرد و تردید برطرف شود که مایوس شوند، یا دختری باشد که به حد بلوغ نرسیده؛ اینان عده ندارند.

### بخش بیست و پنجم

#### حکم زنی که عادت ماهیانه را مخفی می‌نماید

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج می‌کند؛ بی آن که خانواده زن بدانند، زن در خانه خود زندگی می‌کند، اکنون می‌خواهد او را طلاق دهد؛ ولی به او دست رسی ندارد و از عادت ماهیانه و دوره پاکی او آگاه نیست. (چه وظیفه‌ای دارد؟)

قَالَ: فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ الْغَائِبِ عَنِ أَهْلِهِ يُطَلَّقُهَا بِالْأَهْلِ وَالشُّهُورِ.  
 قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ يَصِلُ إِلَيْهَا الْأَحْيَانُ، وَالْأَحْيَانُ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا فَيَعْلَمُ حَالَهَا  
 كَيْفَ يُطَلَّقُهَا؟  
 فَقَالَ: إِذَا مَضَى لَهُ شَهْرٌ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا فِيهِ يُطَلَّقُهَا إِذَا نَظَرَ إِلَى غُرَّةِ الشَّهْرِ الْآخِرِ  
 بِشُهُودٍ وَ يَكْتُبُ الشَّهْرَ الَّذِي يُطَلَّقُهَا فِيهِ وَ يُشْهِدُ عَلَى طَلَاقِهَا رَجُلَيْنِ، فَإِذَا مَضَى  
 ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ هُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَابِ وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا فِي تِلْكَ الثَّلَاثَةِ  
 الْأَشْهُرِ الَّتِي نَعْتَدُ فِيهَا.

فرمود: این مرد همانند مسافری است که از خانواده‌اش دور است؛ زن خود را با  
 شمارش ماه‌ها طلاق می‌دهد.  
 گفتم: به نظر شما اگر برخی از اوقات به نزد او برود و گاهی نرود و از حال او آگاه باشد  
 چگونه او را طلاق بدهد؟  
 فرمود: هرگاه یک ماه گذشت که به نزد او نرفته با آغاز ماه جدید با گرفتن شاهد او را  
 طلاق می‌دهد و این ماه را یادداشت می‌کند و دو مرد بر این طلاق گواه می‌گیرد. هرگاه سه  
 ماه گذشت از او جدا شده و آن مرد یکی از خواستگاران خواهد بود و در این مدت سه ماه  
 عده هزینه زن بر عهده اوست.

(۲۶)

بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي تَبِينُ مِنْهُ الْمُطَلَّاقَةُ وَالَّذِي يَكُونُ فِيهِ الرَّجْعَةُ

مَتَى يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَنْزَوِّجَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ عَدْلَيْنِ.

فَقَالَ: إِذَا دَخَلَتْ فِي الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا وَحَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ. قُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يَزُورُونَ عَنِّي عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَغْتَسِلْ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ. فَقَالَ: فَقَدْ كَذَبُوا.

بخش بیست و ششم

حکم ازدواج زن مطلقه

۱- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! مردی زنش را در پاکی که در آن پاکی با او همبستر نشده با گواهی دو شاهد عادل طلاق داده است (چگونه است؟)

فرمود: اگر زن در حیض سوم داخل شده (برای سومین بار حائض شد) عده‌اش تمام شده و برای ازدواج با مردان حلال است (می‌تواند با دیگران ازدواج کند).  
زراره می‌گوید: به امام عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! همانا مردم عراق از حضرت علی عليه السلام روایت کرده‌اند که ایشان فرموده: شوهر آن زن به رجوع به زن سزاوارتر است مادامی که زن از حیض بار سومش غسل نکرده است.  
فرمود: به راستی که دروغ گفته‌اند.

- ۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ جَمِيعاً عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الْمُطَلَّغَةُ إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ بَأَتْ مِنْهُ.
- ۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُطَلَّغَةُ تَبِينُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ. قَالَ: قُلْتُ: بَلَّغَنِي أَنَّ رِبْعَةَ الرَّأْيِ قَالَ: مِنْ رَأْيِي أَنَّهَا تَبِينُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ. فَقَالَ: كَذَبَ مَا هُوَ مِنْ رَأْيِهِ، إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ بَلَّغَهُ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام.
- ۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ. قَالَ: هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَقَعْ فِي الدَّمِّ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ.

۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شده همین که خون حیض بار سوم را دید از شوهر خود جدا می شود.

۳- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شده وقتی که اولین قطره خون از حیض بار سوم را دید از شوهر خود جدا می شود.

زراره می گوید: عرض کردم: به من رسیده که ربعه الرأی می گوید: به نظر من این زن با اولین قطره خونی که می بیند از شوهرش جدا می شود.

فرمود: دروغ می گوید، این مطلب رأی و نظر او نیست؛ بلکه آن چیزی است که از حضرت علی عليه السلام به او رسیده است.

۴- اسماعیل جعفری گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: مردی زنش را طلاق داده است.

فرمود: آن مرد به رجوع به آن زن سزاوارتر است؛ مادامی که زن در خون حیض بار سوم واقع نشده است.

- ۵- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ :  
 الْمُطَلَّغَةُ تَرِثُ وَ تُورَثُ حَتَّى تَرَى الدَّمَ الثَّالِثَ ، فَإِذَا رَأَتْهُ فَقَدِ انْقَطَعَ .
- ۶- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ  
 وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ جَمِيلِ كُلِّهِمْ عَنْ  
 زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 أَوَّلُ دَمٍ رَأَتْهُ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ .
- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ مِثْلَهُ .
- ۷- صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : سَمِعْتُهُ يَقُولُ :  
 الْمُطَلَّغَةُ تَبِينُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنَ الدَّمِ فِي الْقُرَى الْأَخْيَرِ .
- ۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ  
 إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ .

- ۵- زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فرمود: زنی که طلاق داده شده هم (از شوهرش) ارث می برد و هم ارث برده می شود تا زمانی که خون بار سوم را ببیند. پس وقتی که آن را دید ارث بردن قطع می شود.
- ۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 اولین خونی که زن از حیض بار سوم دید از شوهرش جدا می شود.
- ۷- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:  
 زنی که طلاق داده شده هنگامی که اولین قطره خون از حیض آخر (بار سوم) را دید از شوهر خود جدا می شود.
- ۸- اسماعیل جعفی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که زنش را طلاق می دهد فرمود:

فَقَالَ: هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَقَعِ فِي الدَّمِ الثَّلَاثِ.  
 ۹- عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي  
 سَمِعْتُ رَبِيعَةَ الرَّأْيِيِّ يَقُولُ: إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ بَانَ مِنْهُ، وَإِنَّمَا الْقُرْءُ  
 مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ، وَزَعَمَ أَنَّهُ إِنَّمَا أَخَذَ ذَلِكَ بِرَأْيِهِ.  
 فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَذَبَ لَعْمَرِي! مَا قَالَ ذَلِكَ بِرَأْيِهِ، وَ لَكِنَّهُ أَخَذَهُ عَنْ  
 عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَ مَا قَالَ فِيهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟  
 قَالَ: كَانَ يَقُولُ: إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا، وَ لَا  
 سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا، وَإِنَّمَا الْقُرْءُ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ، وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ حَتَّى تَغْتَسِلَ  
 مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ.

مادامی که زن در خون حیض بار سوم واقع نشده، شوهرش به رجوع به آن زن سزاوارتر است.

۹- زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرضه داشتیم: من شنیده‌ام که ربیعه‌ام که ربیعه‌الرأی می‌گوید: زمانی که زن خون حیض بار سوم را دید از شوهر خود جدا می‌شود و آن قرء و پاکی ما بین دو حیض است و گمان می‌کند که این را به رأی و نظر خودش می‌گوید. فرمود: دروغ گفته است. به جان خودم سوگند! آن را به رأی خود نگفته؛ ولی آن را از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گرفته است.

زراره می‌گوید: به امام عرضه داشتیم: حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره چه فرموده است؟ فرمود: آن حضرت می‌فرمود: آن گاه که زن خون حیض بار سوم را دید عده‌اش تمام شده و راهی برای رابطه زناشویی آنها نیست و همانا قرء و پاکی ما بین دو حیض است و زن نمی‌تواند ازدواج کند تا وقتی که از حیض سوم پاک شود و غسل حیض کند.

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ قَالَ: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ سَمَاعَةَ يَقُولُ: تَبَيَّنُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنَ الدَّمِ، وَ لَا تَجِلُّ لِلْأَزْوَاجِ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ.  
 وَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ: تَبَيَّنُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنَ الْحَيْضِ الثَّلَاثِ، ثُمَّ إِنْ شَاءَتْ تَزَوَّجَتْ وَإِنْ شَاءَتْ لَا.  
 وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: إِنْ شَاءَتْ تَزَوَّجَتْ، وَإِنْ شَاءَتْ لَا، فَإِنْ تَزَوَّجَتْ لَمْ يُدْخَلْ بِهَا حَتَّى تَغْتَسِلَ.

۱۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ ابْنِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ إِذَا طَلَّقَهَا زَوْجَهَا مَتَى تَكُونُ هِيَ أَمْلَكَ بِنَفْسِهَا؟  
 فَقَالَ: إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَهِيَ أَمْلَكَ بِنَفْسِهَا.  
 قُلْتُ: فَإِنْ عَجَلَ الدَّمُ عَلَيْهَا قَبْلَ أَيَّامِ قُرْبِهَا.

حسن بن محمد بن سماعه گوید: جعفر بن سماعه می گفت: هنگامی که زن اولین قطره خون را دید از شوهرش جدا می شود و برای ازدواج با مردهای دیگر حلال نمی شود تا این که از حیض سوم، غسل کند.

حسن بن محمد بن سماعه گوید: وقتی زن اولین قطره خون از حیض بار سوم را دید از مرد جدا می شود، سپس اگر خواست ازدواج می کند و اگر خواست ازدواج نمی کند.  
 علی بن ابراهیم گوید: اگر خواست ازدواج می کند و اگر خواست ازدواج نمی کند و اگر ازدواج کرد به او دخول نمی شود تا غسل کند.

۱۰ - عبد الرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: وقتی زنی را شوهرش طلاق داد کی زمام اختیار خود را به دست می گیرد؟  
 فرمود: وقتی که خون حیض بار سوم را دید، زمام کار در دست خود دارد.  
 عرض کردم: اگر پیش از این که زمان خون دیدنش برسد، خون دید چگونه است؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ الدَّمُّ قَبْلَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَهُوَ أَمْلَكُ بِهَا وَهُوَ مِنَ الْحَيْضَةِ الَّتِي طَهَّرَتْ مِنْهَا، وَإِنْ كَانَ الدَّمُّ بَعْدَ الْعَشْرَةِ الْأَيَّامِ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ وَهِيَ أَمْلَكُ بِنَفْسِهَا.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - أَظْنُهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ أَوْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ - عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ مَتَى تَبَيَّنَ مِنْهُ؟  
 قَالَ: حِينَ يَطْلُعَ الدَّمُّ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ تَمْلِكُ نَفْسَهَا.  
 قُلْتُ: فَلَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ فِي تِلْكَ الْحَالِ؟  
 قَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَا تُمَكِّنُ مِنْ نَفْسِهَا حَتَّى تَطْهَرَ مِنَ الدَّمِّ.

فرمود: اگر خون پیش از ده روز باشد، پس از همان حیضی حساب می شود که از آن پاک شده بود و اگر خون بعد از ده روز باشد از حیض سوم حساب می شود و زن زمام کار خود را به دست می گیرد.

۱۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی زنش را طلاق می دهد. آن زن کی از شوهر خود جدا می شود؟  
 فرمود: هنگامی که از خون حیض سوم خود با خبر شد مالک اختیار خودش خواهد بود.

عرض کردم: پس زن در آن حال می تواند ازدواج کند؟  
 فرمود: آری؛ ولی تا وقتی که از خون پاک شود، نمی تواند به شوهرش تمکین کند.



(۲۷)

## بَابُ مَعْنَى الْأَقْرَاءِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَبِيعَةَ الرَّأْيِيِّ يَقُولُ مِنْ رَأْيِي أَنَّ الْأَقْرَاءَ الَّتِي سَمَّى اللَّهُ ﷻ فِي الْقُرْآنِ إِنَّمَا هُوَ الطُّهُرُ فِيمَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ.
- فَقَالَ: كَذَبَ لَمْ يَقُلْهُ بِرَأْيِهِ، وَ لَكِنَّهُ إِنَّمَا بَلَغَهُ عَنْ عَلِيٍّ ﷺ.
- فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! أَكَانَ عَلِيٌّ ﷺ يَقُولُ ذَلِكَ؟
- فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا الْقُرْءُ الطُّهُرُ يَقْرِي فِيهِ الدَّمُ فَيَجْمَعُهُ، فَإِذَا جَاءَ الْمَحِيضُ دَفَّقَهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ جَمِيعاً عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

## بخش بیست و هفتم

## معنای پاکی

- ۱ - زراره گوید: شنیدم که ربیعۃ الرأیی می‌گوید: به رأی و نظر من پاکی‌هایی که خداوند ﷻ در قرآن نامیده همان پاکی است که بین دو حیض واقع می‌شود.
- فرمود: دروغ گفته است. این حرف را با رأی خود نگفته؛ ولی همانا این سخن از حضرت علی ﷺ به او رسیده است.
- گفتم: خداوند کار شما را اصلاح کند! آیا حضرت علی ﷺ این مطلب را می‌فرماید؟
- فرمود: آری، همانا پاکی‌ها همان پاکی است که در آن، خون خون را جمع می‌کند و هنگامی که وقت حیض رسید، خون را دفع می‌کند.
- ۲ - زراره گوید: امام باقر ﷺ فرمود:

الْقُرءُ هُوَ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ .

۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

الْقُرءُ هُوَ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ .

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
الْأَقْرَاءُ هِيَ الْأَطْهَارُ .

(۲۸)

### بَابُ عِدَّةِ الْمُطَلَّاقَةِ وَ أَيْنَ تَعْتَدُ؟

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

قرء و پاکی همان است که بین دو حیض قرار داد.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

پاکی همان است که بین دو حیض قرار داد.

۴ - زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

أَقْرَاءُ هِيَ الْأَطْهَارُ .

### بخش بیست و هشتم

عِدَّةُ زَنِ طَلَّاقٍ دَادَةٌ شَدَّةٌ وَ أَيْنَ تَعْتَدُ؟

۱ - حَلَبِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

لَا يَنْبَغِي لِلْمُطَلَّغَةِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ،  
أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَحِضْ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ، أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَكُنْ تَحِضُ.

حُمَيْدٌ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ  
قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّغَةِ أَيَّنَ تَعْتَدُ؟

قَالَ: فِي بَيْتِهَا لَا تَخْرُجُ وَإِنْ أَرَادَتْ زِيَارَةَ خَرَجَتْ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَلَا تَخْرُجُ  
نَهَارًا، وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَحُجَّ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا.

برای زنی که طلاق داده شده سزاوار نیست که (از خانه خود) خارج شود مگر به اذن و  
اجازه شوهرش، تا وقتی که عده‌اش تمام شود که عده‌اش سه پاک‌ی یا سه ماه است در  
صورتی که حیض نبیند.

۲- داوود بن سرحان نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳- سماعة بن مهران گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: زنی که طلاق داده شده باید در کجا  
عده نگه دارد؟

فرمود: در خانه‌اش؛ از آن خارج نشود و اگر خواست به دیدن کسی برود بعد از نصف  
شب از خانه خارج شود و در روز خارج نشود. چنین زنی نمی‌تواند حجّ برود تا وقتی که  
عده‌اش تمام شود.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَ كَذَلِكَ هِيَ؟  
قَالَ: نَعَمْ، وَ تَحُجُّ إِنْ شَاءَتْ.

۴- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمُطَلَّغَةُ تَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا وَ لَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَخْرُجَ حَتَّى تَنْقِضِيَ عِدَّتُهَا، وَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ، أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَحِيضٌ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ شَيْءٍ مِنَ الطَّلَاقِ.  
فَقَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ طَلَاقًا لَا يَمْلِكُ فِيهِ الرَّجْعَةَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ سَاعَةٌ طَلَّقَهَا وَ مَلَكَتْ نَفْسَهَا وَ لَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا وَ تَعْتَدُ حَيْثُ شَاءَتْ وَ لَا نَفَقَةَ لَهَا.

واز امام پرسیدم: زنی که شوهرش وفات کرده آیا او نیز هم همین گونه است؟

فرمود: آری، و این زن اگر خواست می تواند حج برود.

۴- محمد بن قیس گوید: امام ابو جعفر عليه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شده باید در خانه اش عده نگه دارد و سزاوار نیست که از خانه خارج شود، تا وقتی که عده اش تمام شود و عده او سه پاکی است یا سه ماه است؛ اگر حائض نشود.

۵- سعد به ابی خلف گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره مسأله ای از طلاق سؤال کردم.

فرمود: زمانی که مرد، زنش را طلاق بدهد که در آن طلاق نتواند دیگر به آن زن رجوع

کند، پس در همان ساعتی که او را طلاق داده، از او جدا می شود و زن صاحب اختیار خود

می شود و مرد هیچ راهی بر او ندارد، آن زن هر جا که خواست عده نگه می دارد و حق

هیچ گونه نفقه ای نیز ندارد.

قَالَ: قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَ يَقُولُ: ﴿لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ﴾؟  
 قَالَ: فَقَالَ: إِنَّمَا عَنَى بِذَلِكَ الَّتِي تُطَلَّقُ تَطْلِيقَةً بَعْدَ تَطْلِيقَةٍ فَتِلْكَ الَّتِي لَا تُخْرَجُ  
 وَلَا تَخْرُجُ حَتَّى تُطَلَّقَ الثَّالِثَةَ، فَإِذَا طُلِّقَتِ الثَّالِثَةَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ لَا نَفَقَةَ لَهَا وَ  
 الْمَرْأَةَ الَّتِي يُطَلِّقُهَا الرَّجُلُ تَطْلِيقَةً ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلُهَا. فَهَذِهِ أَيْضًا تَفْعُدُ  
 فِي مَنْزِلِ زَوْجِهَا وَ لَهَا النَّفَقَةُ وَ السُّكْنَى حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
 الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَعْتَدُ الْمُطَلَّعَةُ فِي بَيْتِهَا، وَ لَا يَنْبَغِي لَزَوْجِهَا إِخْرَاجُهَا وَ لَا تَخْرُجُ هِيَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ  
 مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمُطَلَّعَةُ تَشَوِّفُ لَزَوْجِهَا مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ عَلَيْهَا.

سعد می گوید: عرض کردم: مگر خداوند نمی فرماید: «آن زنان را (تا در عده اند) از خانه بیرون نکنید و آن ها هم نباید از خانه خارج شوند؟»  
 فرمود: خداوند با این عبارت تنها زنانی را قصد کرده که طلاق بعد از طلاق رجعی (داده می شوند. پس آن طلاق است که نباید زن (را از خانه) بیرون و زن نیز نباید خارج شود تا وقتی که برای بار سوم طلاق داده شود.

پس وقتی که برای بار سوم طلاق داده شد، از شوهر خود جدا شده و حق هیچ نفقه ای نیز ندارد و زنی که مرد او را طلاق داده؛ طلاق که سپس او را رها کرده تا مدت (عده) آن طلاق به پایان برسد. پس این زن نیز در منزل شوهرش می نشیند و حق نفقه و حق مسکن دارد تا وقتی که عده اش تمام شود.

۶- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شده باید در خانه اش عده نگه دارد و سزاوار نیست که شوهرش او را از خانه بیرون کند و یا او خود از خانه بیرون برود.

۷- محمد بن قیس گوید: ابو جعفر علیه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شده مادامی که شوهر می تواند به او رجوع کند خود را برای شوهرش زینت کند و شوهر برای رجوعش اجازه نمی گیرد.

۸ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّاقَةِ أَيَّنَ تَعْتَدُ.

فَقَالَ: فِي بَيْتِ زَوْجِهَا.

۹ - عَنْهُ عَنِ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي الْمُطَلَّاقَةِ أَيَّنَ تَعْتَدُ؟

فَقَالَ: فِي بَيْتِهَا إِذَا كَانَ طَلَاقًا لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُخْرِجَهَا، وَلَا لَهَا أَنْ تَخْرُجَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا.

عَنْهُ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ مِثْلَهُ.

۸ - اسحاق بن عمّار گوید: از حضرت ابوالحسن عليه السلام درباره زنی که طلاق داده شده پرسیدم که کجا باید عده نگه دارد؟

فرمود: در خانه شوهرش.

۹ - ابوبصیر گوید: امام (باقر و امام صادق عليه السلام) درباره این که زن طلاق داده شده کجا

باید عده نگه دارد، فرمود:

اگر مرد او را طلاق داده که می تواند به او رجوع کند (طلاق رجعی) در خانه اش (خانه

شوهرش) و مرد حق ندارد او را خارج کند، زن نیز نمی تواند از خانه خارج شود تا وقتی که

عده اش تمام شود.

۱۰ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي الْمَطْلَقَةِ: نَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا وَ نُظْهِرُ لَهُ زَيْتَهَا لَعَلَّ اللَّهَ يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ:  
لَا يَنْبَغِي لِلْمَطْلُوقَةِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا بِثَلَاثَةِ قُرُوءٍ، أَوْ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَحِضْ.

۱۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:  
الْمَطْلُوقَةُ تَحُجُّ فِي عِدَّتِهَا إِنْ طَابَتْ نَفْسُ زَوْجِهَا.

۱۰ - ابوبصیر گوید: (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) درباره زنی که طلاق داده شده فرمود:

باید در خانه‌اش عده نگه دارد و آرایش و زینت خود را برای شوهرش آشکار کند، شاید خدا بعد از آن (طلاق) کاری از نو پدید آرد.

۱۱ - ابوالعباس گوید: حضرتش فرمود:

زنی که طلاق داده شده شایسته نیست از خانه خارج شود مگر با اجازه شوهرش تا وقتی که عده‌اش با سه پاکی، یا در مدت سه ماه در صورتی که حائض نمی‌شود - تمام شود.

۱۲ - معاویه عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

زنی که طلاق داده شده در دوران عده اگر شوهرش اجازه قلبی دهد می‌تواند در مراسم حج شرکت کند.

- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: الْمُطَلَّغَةُ تَحُجُّ وَ تَشْهَدُ الْحُقُوقَ.
- ۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُطَلَّغَةُ تَكْتَحِلُ وَ تَخْتَضِبُ وَ تَطَيَّبُ وَ تَلْبَسُ مَا شَاءَتْ مِنَ الثِّيَابِ، لِأَنَّ اللَّهَ عز وجل يَقُولُ: ﴿لَعَلَّ اللَّهُ يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ لَعَلَّهَا أَنْ تَقَعَ فِي نَفْسِهِ فَيُرَاجِعَهَا.

۱۳ - محمد بن مسلم گوید: حضرتش فرمود:

زنی که طلاق داده شد می تواند حج انجام دهد و برای روشن شدن حقوق گواهی دهد.

۱۴ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زنی که طلاق داده شد سرمه می کشد، خضاب می کند، عطر می زند و هر لباسی که خواست می پوشد؛ چرا که خداوند متعال می فرماید: «شاید خدا بعد از آن (طلاق) کاری از نو پدید آرد». شاید زن با این کارها خود را در دل شوهر جا کند و شوهر به او رجوع کند.



(۲۹)

## بَابُ الْفَرْقِ بَيْنَ مَنْ طَلَّقَ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ

و بَيْنَ الْمُطَلَّاقَةِ إِذَا خَرَجَتْ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا أَوْ أَخْرَجَهَا زَوْجُهَا

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي حَمْدَانُ الْقَلَانِسِيُّ قَالَ: قَالَ لِي عُمَرُ بْنُ شِهَابِ الْعَبْدِيِّ: مِنْ أَيْنَ زَعَمَ أَصْحَابُكَ أَنَّ مَنْ طَلَّقَ ثَلَاثًا لَمْ يَتَّعِ الطَّلَاقُ؟ فَقُلْتُ لَهُ: زَعَمُوا أَنَّ الطَّلَاقَ لِلْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ فَمَنْ خَالَفَهُمَا رُدَّ إِلَيْهِمَا. قَالَ: فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ طَلَّقَ عَلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ فَخَرَجَتْ امْرَأَتُهُ أَوْ أَخْرَجَهَا فَأَعْتَدَتْ فِي غَيْرِ بَيْتِهَا تَجُوزُ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ أَوْ يَرُدُّهَا إِلَى بَيْتِهِ حَتَّى تَعْتَدَ عِدَّةَ أُخْرَى، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ قَالَ: ﴿ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ ﴾!؟

## بخش بیست و نهم

کسی که به غیر طریق سنت طلاق داده و زن طلاق داده شده‌ای که در دوران عدّه از خانه خارج شود یا شوهرش او را از خانه بیرون کند

۱ - حسین بن محمد گوید: حمدان قلانسی برای من نقل کرد عمر بن شهاب عبدی به من گفت: به چه دلیل اصحاب تو گمان کرده‌اند که اگر کسی زنش را سه بار (در یک مجلس) طلاق داده طلاقش صحیح نیست؟  
گفتم: گمان می‌کنند که طلاق باید بر طبق کتاب و سنت باشد پس کسی که با آن دو مخالفت کند به حکم آن دو برمی‌گردد.

عمر بن شهاب گفت: پس چه می‌گوید درباره مردی که زنش را بر طبق کتاب و سنت طلاق داده و زنش از خانه خارج می‌شود یا شوهرش او را از خانه اخراج می‌کند و آن زن در خانه دیگری که در آن زندگی می‌کرد عدّه نگه می‌دارد آیا می‌تواند که عدّه نگه دارد یا شوهرش او را به خانه‌اش بر می‌گرداند تا عدّه دیگری بگیرد؟ پس همانا خداوند ﷻ می‌فرماید: «آن‌ها را از خانه‌هایشان خارج نکنید و آن‌ها نیز نباید خارج شوند».

قَالَ: فَأَجَبْتُهُ بِجَوَابٍ لَمْ يَكُنْ عِنْدِي جَوَابًا، وَ مَضَيْتُ فَلَقَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَأَخْبَرْتُهُ بِقَوْلِ عُمَرَ.

فَقَالَ: لَيْسَ نَحْنُ أَصْحَابَ قِيَاسٍ، إِنَّمَا نَقُولُ بِالْأَثَرِ.  
فَلَقَيْتُ عَلِيَّ بْنَ رَاشِدٍ، فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ وَ أَخْبَرْتُهُ بِقَوْلِ عُمَرَ.  
فَقَالَ: قَدْ قَاسَ عَلَيْكَ وَ هُوَ يُلْزِمُكَ إِنْ لَمْ يَجْزِ الطَّلَاقُ إِلَّا لِلْكِتَابِ، فَلَا تَجُوزُ الْعِدَّةُ إِلَّا لِلْكِتَابِ.

فَسَأَلْتُ مُعَاوِيَةَ بْنَ حُكَيْمٍ عَنْ ذَلِكَ وَ أَخْبَرْتُهُ بِقَوْلِ عُمَرَ.  
فَقَالَ مُعَاوِيَةَ: لَيْسَ الْعِدَّةُ مِثْلَ الطَّلَاقِ وَ بَيْنَهُمَا فَرْقٌ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الطَّلَاقَ فِعْلٌ الْمَطْلُوقِ، فَإِذَا فَعَلَ خِلَافَ الْكِتَابِ وَ مَا أَمَرَ بِهِ قُلْنَا لَهُ: ارْجِعْ إِلَى الْكِتَابِ وَ إِلَّا فَلَا يَفْعُ الطَّلَاقُ، وَ الْعِدَّةُ لَيْسَتْ فِعْلُ الرَّجُلِ وَ لَا فِعْلُ الْمَرْأَةِ، إِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ تَمْضِي وَ حَيْضٌ يَحْدُثُ لَيْسَ مِنْ فِعْلِهِ وَ لَا مِنْ فِعْلِهَا إِنَّمَا هُوَ فِعْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، فَلَيْسَ يُقَاسُ فِعْلُ اللَّهِ بِفِعْلِهِ وَ فِعْلِهَا.

حمدان قلانسی گوید: به او گفتم که من پاسخ سؤال تو را نمی دانم. آن گاه رفتم و با ایوب بن نوح ملاقات کردم از او در آن باره پرسیدم و نظر عمر بن شهاب به او بازگو کردم. گفت: ما اصحاب قیاس نیستیم، ما احکام را فقط طبق آثار (کتاب و احادیث معصومین) بیان می کنیم.

حمدان می گوید: پس علی بن راشد را ملاقات کردم پس درباره آن مسأله از او پرسیدم و او را از قول عمر بن شهاب باخبر کردم.

گفت: به تحقیق که او دست به قیاس زده و تو را ملزم کرده که اگر طلاق جز بر طبق کتاب (قرآن) جایز نیست؛ پس عده نیز جز بر طبق کتاب جایز نخواهد بود.

آن گاه از معاویة بن حکیم درباره آن مسأله پرسیدم و او را از قول عمر با خبر کردم. معاویة گفت: عده مثل طلاق نیست و بین آن دو فرق است، به دلیل آن که طلاق، فعل شخصی است که طلاق می دهد. پس هرگاه برخلاف کتاب و آن چه که به آن امر شده عمل کرده ما به او می گوییم: به کتاب برگرد، وگرنه طلاق واقع نمی شود، ولی عده نه فعل مرد است و نه فعل زن. عده، ایامی است که می گذرد و حیض پدید می آید و نه کار مرد است و نه کار زن؛ بلکه تنها کار خداوند تعالی است که کار خدا کار مرد و زن قیاس نمی شود.

فَإِذَا عَصَتْ وَ خَالَفَتْ فَقَدْ مَضَتْ الْعِدَّةُ وَ بَاءَتْ بِإِثْمِ الْخِلَافِ ، وَ لَوْ كَانَتْ الْعِدَّةُ  
فَعَلَهَا لِمَا أَوْ قَعْنَا عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَمَا لَمْ يَقَعِ الطَّلَاقُ إِذَا خَالَفَ .  
وَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ فِي جَوَابِ أَجَابَ بِهِ أَبَا عُبَيْدٍ فِي كِتَابِ الطَّلَاقِ :  
ذَكَرَ أَبُو عُبَيْدٍ : أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِ الْكَلَامِ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حِينَ جَعَلَ  
الطَّلَاقَ لِلْعِدَّةِ لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ الْعِدَّةِ كَانَ طَلَّاقُهُ عَنْهُ سَاقِطًا ، وَ لَكِنَّهُ  
شَيْءٌ تَعَبَّدَ بِهِ الرِّجَالُ كَمَا تَعَبَّدَ النِّسَاءُ بِأَنَّ لَا يَخْرُجْنَ مِنْ بُيُوتِهِنَّ مَا دُمْنَ يَعْتَدِدْنَ ،  
وَ إِنَّمَا أَخْبَرْنَا فِي ذَلِكَ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَالَ : ﴿ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ  
اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ﴾ .

پس وقتی زن عصیان کرد و با حکم خدا (در عدّه نگه داشتن) مخالفت کرد، عدّه او  
سپری می شود و از شوهر خود جدا می شود در حالی که در مخالفتش با حکم خدا گناه  
کرده و اگر عدّه، کار زن بود، ما عدّه او را حساب نمی کردیم؛ همان طوری که در صورت  
مخالفت در مورد طلاق، طلاق واقع نمی شود.

فضل بن شاذان در جوابی که در کتاب طلاق به عبید داده می گوید:

ابوعبید گفته که یکی از اصحاب علم کلام می گوید: همانا وقتی که خداوند طلاق را  
برای عدّه قرار داده به ما خبر نداده که هرکس که به غیر عدّه طلاق بدهد، طلاقش ساقط  
وی است. این سقوط و بی اعتباری طلاق چیزی است که مردان، بدون دلیل به آن متعبد  
شده اند، همان گونه که زنان بدون دلیل متعبد شده اند، مادامی که عدّه نگه می دارند از  
خانه های خود خارج نشوند؛ بلکه به ما خبر داده اند که در این کار (طلاق در غیر زمان عدّه)  
معصیت است. آن جا که فرمود: «این احکام حدود الهی است و هرکس از حدود الهی  
تجاوز کند به خود ستم کرده است».

فَهَلِ الْمَعْصِيَةُ فِي الطَّلَاقِ إِلَّا كَالْمَعْصِيَةِ فِي خُرُوجِ الْمُعْتَدَةِ مِنْ بَيْتِهَا؟  
 أَلَسْتُمْ تَرَوْنَ أَنَّ الْأُمَّةَ مُجْمِعَةً عَلَى أَنَّ الْمَرْأَةَ الْمُطَلَّقَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا أَيَّامًا  
 أَنَّ تِلْكَ الْأَيَّامَ مَحْسُوبَةٌ لَهَا فِي عِدَّتِهَا وَإِنْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ عَاصِيَةٌ .  
 فَكَذَلِكَ الطَّلَاقُ فِي الْحَيْضِ مَحْسُوبٌ عَلَى الْمُطَلَّقِ وَإِنْ كَانَ لِلَّهِ فِيهِ عَاصِيًا .  
 قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ: أَمَا قَوْلُهُ: إِنْ اللَّهُ ﷻ لَمَّا جَعَلَ الطَّلَاقَ لِلْعِدَّةِ لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ  
 مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ الْعِدَّةِ كَانَ الطَّلَاقُ عَنْهُ سَاقِطًا فَلْيَعْلَمْ أَنَّ مِثْلَ هَذَا إِنَّمَا هُوَ تَعَلُّقٌ  
 بِالسَّرَابِ، إِنَّمَا يُقَالُ لَهُمْ: إِنَّ أَمْرَ اللَّهِ ﷻ بِالشَّيْءِ هُوَ نَهْيٌ عَنِ خِلَافِهِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ جَلَّ  
 ذِكْرُهُ. حَيْثُ أَبَاحَ نِكَاحَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ .  
 وَحَيْثُ جَعَلَ الْكَعْبَةَ قِبْلَةً لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ قِبْلَةَ غَيْرِ الْكَعْبَةِ لَا تَجُوزُ .

پس آیا معصیت و گناه در طلاق مانند آن معصیت زنی است که باید عده نگه دارد از خانه‌اش خارج می‌شود؟  
 آیا نظر شما این نیست که اُمت اجماع دارند بر زنی که طلاق داده شده، هرگاه چند روز از خانه‌اش خارج شود، آن چند روز جزو عده‌اش حساب می‌شود و اگر چه در این کارش، خدا را معصیت کرده است.  
 پس هم چنین است طلاق در دوران حیض که از جانب مرد پذیرفته می‌شود و محاسبه می‌گردد گر چه در این کار خدا را معصیت کرده است.  
 فضل بن شاذان گوید: اما این که او گفت: همانا خداوند وقتی که طلاق را برای عده قرار داد ما را باخبر نکرد که کسی که در غیر عده طلاق بدهد، طلاق از او ساقط باطل است؛ پس باید بداند که چنین سخنانی سرابی بیش نیست (و واقعیت ندارد) در پاسخ به آن‌ها گفته می‌شود: امر خداوند ﷻ به چیزی، همان نهی اوست از خلاف (و ضد) آن چیز و آن همان است که خداوند - که ذکرش بلند مرتبه و برتر است - هنگامی که ازدواج مرد را با چهار زن مباح فرمود به ما خبر نداد که ازدواج با بیش از آن‌ها جایز نیست.  
 و هنگامی که کعبه را به عنوان قبله قرار داد به ما خبر نداد که غیر کعبه را نمی‌شود قبله قرار داد.

وَ حَيْثُ جَعَلَ الْحَجَّ فِي ذِي الْحِجَّةِ لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ الْحَجَّ فِي غَيْرِ ذِي الْحِجَّةِ لَا يَجُوزُ.

وَ حَيْثُ جَعَلَ الصَّلَاةَ رُكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ لَمْ يُخْبِرْنَا أَنَّ رُكْعَتَيْنِ وَ ثَلَاثَ سَجَدَاتٍ لَا يَجُوزُ.

فَلَوْ أَنَّ إِنْسَانًا تَزَوَّجَ خَمْسَ نِسْوَةٍ لَكَانَ نِكَاحُهُ الْخَامِسَةَ بَاطِلًا، وَ لَوْ اتَّخَذَ قَبْلَهُ غَيْرَ الْكَعْبَةِ لَكَانَ ضَالًّا مُخْطِئًا غَيْرَ جَائِزٍ لَهُ وَ كَانَتْ صَلَاتُهُ غَيْرَ جَائِزَةٍ.

وَ لَوْ حَجَّ فِي غَيْرِ ذِي الْحِجَّةِ لَمْ يَكُنْ حَاجًّا وَ كَانَ فِعْلُهُ بَاطِلًا، وَ لَوْ جَعَلَ صَلَاتَهُ بَدَلَ كُلِّ رُكْعَةٍ رُكْعَتَيْنِ وَ ثَلَاثَ سَجَدَاتٍ لَكَانَتْ صَلَاتُهُ فَاسِدَةً وَ كَانَ غَيْرَ مُصَلٍّ، لِأَنَّ كُلَّ مَنْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ بِهِ وَ لَمْ يُطَلَقْ لَهُ ذَلِكَ كَانَ فِعْلُهُ بَاطِلًا فَاسِدًا غَيْرَ جَائِزٍ وَ لَا مَقْبُولٍ.

فَكَذَلِكَ الْأَمْرُ وَ الْحُكْمُ فِي الطَّلَاقِ كَسَائِرِ مَا بَيَّنَّا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

و هنگامی که مراسم حج را در ماه ذی حجه قرار داد به ما را خبر نداد که حج در غیر ماه ذی حجه جایز نیست.

و هنگامی که در هر رکعت نماز یک رکوع و دو سجده قرار داد به ما خبر نداد که دو رکوع و سه سجده (در هر رکعت) جایز نیست.

پس اگر انسانی با پنج زن ازدواج نماید، ازدواج پنجم او باطل خواهد بود و اگر او غیر کعبه را به عنوان قبله قرار بدهد هر آینه گمراه و خطاکار شده و این کار او جایز نیست، و نماز او صحیح نیست.

و اگر در غیر ماه ذی حجه، حج به جا آورد حاجی به شمار نمی رود و کار او باطل است و اگر در نمازش به جای هر رکعت، دو رکعت به جا آورد و سه سجده انجام دهد نمازش فاسد باطل است و نماز نگزارده است؛ چرا که هر کس از آن چه که او به او امر شده تعدی و تجاوز کند بی آن که اطلاق و وسعتی در این کار به او داده شود؛ کار او باطل، فاسد است و جایز و پذیرفته نیست.

پس امر و حکم در طلاق نیز مانند همه آن چه که بیان کردیم است و ستایش مخصوص خداست.

وَأَمَّا قَوْلُهُمْ: إِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ تَعَبَّدَ بِهِ الرَّجَالُ كَمَا تَعَبَّدَ بِهِ النِّسَاءُ أَنْ لَا يَخْرُجْنَ مَا دُمْنَ يَعْتَدِدْنَ مِنْ بُيُوتِهِنَّ، فَأَخْبَرْنَا ذَلِكَ لَهِنَّ بِالْمَعْصِيَةِ وَهَلِ الْمَعْصِيَةُ فِي الطَّلَاقِ إِلَّا كَالْمَعْصِيَةِ فِي خُرُوجِ الْمُعْتَدَّةِ مِنْ بَيْتِهَا فِي عِدَّتِهَا؟  
فَلَوْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا أَيَّاماً لَكَانَ ذَلِكَ مَحْسُوباً لَهَا، فَكَذَلِكَ الطَّلَاقُ فِي الْحَيْضِ مَحْسُوبٌ وَإِنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً.

فَيَقَالُ لَهُمْ: إِنَّ هَذِهِ شُبْهَةٌ دَخَلَتْ عَلَيْكُمْ مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُونَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْخُرُوجَ وَ الْإِخْرَاجَ لَيْسَ مِنْ شَرَائِطِ الطَّلَاقِ كَالْعِدَّةِ، لِأَنَّ الْعِدَّةَ مِنْ شَرَائِطِ الطَّلَاقِ ذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا قَبْلَ الطَّلَاقِ وَ لَا بَعْدَ الطَّلَاقِ وَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ بَيْتِهَا قَبْلَ الطَّلَاقِ وَ لَا بَعْدَ الطَّلَاقِ.

اما درباره این که ( خداوند طلاق را برای عده قرار داده ) و این چیزی است که مردان بدون دلیل به آن متعبد شده اند؛ همان گونه که زنان متعبد شده اند که مادامی که عده نگه می دارند از خانه های خود خارج نشوند، پس به ما خبر داده اند که در این کارهاشان معصیت است، و آیا معصیت در طلاق همانند معصیت زنی است که باید عده نگه دارد از منزلش خارج می شود؟ پس اگر چند روزی از خانه اش خارج شود آن چند روز برای زن محاسبه می شود، پس همین طور طلاق در حیض نیز به حساب می آید، اگر چه در این کار خدا را معصیت نموده است.

باید در پاسخ به ایشان گفته شود: این شبهه ای است که ندانسته به شماره یافته است؛ که خروج زن و اخراج او به سان عده از شرایط طلاق نیست؛ زیرا که عده از شرایط طلاق است که جایز نیست زن از خانه خود چه قبل از طلاق و چه بعد از طلاق خارج شود و برای مردم نیز جایز نیست زن را چه قبل از طلاق و چه بعد از طلاق از خانه اش بیرون کند.

فَالطَّلَاقُ وَ غَيْرُ الطَّلَاقِ فِي حَظَرِ ذَلِكَ وَ مَنْعِهِ وَ أَحَدٌ وَ الْعِدَّةُ لَا تَقَعُ إِلَّا مَعَ الطَّلَاقِ، وَ لَا تَجِبُ إِلَّا بِالطَّلَاقِ وَ لَا يَكُونُ الطَّلَاقُ لِمَدْخُولِ بِهَا وَ لَا عِدَّةٌ كَمَا قَدْ يَكُونُ خُرُوجاً وَ إِخْرَاجاً بِلَا طَّلَاقٍ وَ لَا عِدَّةٍ. فَلَيْسَ يُشَبَّهُهُ الْخُرُوجُ وَ الْإِخْرَاجُ بِالْعِدَّةِ وَ الطَّلَاقِ فِي هَذَا الْبَابِ.

وَ إِنَّمَا قِيَاسُ الْخُرُوجِ وَ الْإِخْرَاجِ كَرَجُلٍ دَخَلَ دَارَ قَوْمٍ بَعِيرٍ إِذْنِهِمْ، فَصَلَّى فِيهَا فَهُوَ عَاصٍ فِي دُخُولِهِ الدَّارَ وَ صَلَاتُهُ جَائِزَةٌ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ مِنْ شَرَائِطِ الصَّلَاةِ، لِأَنَّهُ مَنْهِيٌّ عَنِ ذَلِكَ، صَلَّى أَوْ لَمْ يُصَلِّ. وَ كَذَلِكَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَضِبَ نَوْبًا، أَوْ أَخَذَهُ وَ لَبِسَهُ بَعِيرٍ إِذْنِهِ، فَصَلَّى فِيهِ لَكَانَتْ صَلَاتُهُ جَائِزَةً وَ كَانَ عَاصِيًا فِي لُبْسِهِ ذَلِكَ الثَّوْبِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ مِنْ شَرَائِطِ الصَّلَاةِ، لِأَنَّهُ مَنْهِيٌّ عَنِ ذَلِكَ، صَلَّى أَوْ لَمْ يُصَلِّ.

بنابراین طلاق و غیر طلاق در جلوگیری و منع از این کار یکسان هستند؛ ولی عده فقط با طلاق واقع می‌شود و عده واجب نمی‌شود مگر به واسطه طلاق و از طرفی طلاق و عده برای زنی که در آن پاکی با او نزدیکی شده نخواهد بود؛ همان گونه که حکم خروج و اخراج بدون طلاق و عده هم جاری است. از رو نمی‌توان در این باب خروج و اخراج را، به عده و طلاق تشبیه کرد.

بلکه مقایسه خروج و اخراج مانند مردی است که بدون اجازه به خانه گروهی وارد می‌شود و در آن خانه نماز می‌خواند. پس او در ورود به خانه معصیت کرده در حالی که نمازش صحیح است، چرا که این کار (ورود بدون اجازه به خانه‌ای) از شرایط نماز نیست؛ زیرا که از این کار نهی شده چه نماز بخواند و چه نخواند.

بلکه هم چنین است اگر کسی لباسی را غضب کند، یا لباسی را به دست بیاورد و بدون اجازه صاحبش آن را بپوشد و با آن لباس نماز بخواند؛ نماز او صحیح است، اگر چه در پوشیدن این لباس مرتکب گناه و معصیت شده است، چرا که این کار از شرایط نماز نیست، چون از این کار نهی شده چه نماز بخواند و چه نماز نخواند.

وَ كَذَلِكَ لَوْ أَنَّهُ لَبَسَ نَوْبًا غَيْرَ طَاهِرٍ، أَوْ لَمْ يُطَهِّرْ نَفْسَهُ أَوْ لَمْ يَتَوَجَّهْ نَحْوَ الْقِبْلَةِ لَكَانَتْ صَلَاتُهُ فَاسِدَةً غَيْرَ جَائِزَةٍ، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ شَرَائِطِ الصَّلَاةِ وَ حُدُودِهَا لَا يَجِبُ إِلَّا لِلصَّلَاةِ.

وَ كَذَلِكَ لَوْ كَذَبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هُوَ صَائِمٌ بَعْدَ أَنْ لَا يُخْرِجُهُ كَذِبُهُ مِنْ الْإِيمَانِ لَكَانَ عَاصِيًا فِي كَذِبِهِ ذَلِكَ وَ كَانَ صَوْمُهُ جَائِزًا، لِأَنَّهُ مِنْهُيَّ عَنِ الْكَذِبِ، صَامٌ أَوْ أَفْطَرَ.

وَ لَوْ تَرَكَ الْعَزْمَ عَلَى الصَّوْمِ، أَوْ جَامَعَ لَكَانَ صَوْمُهُ بَاطِلًا فَاسِدًا، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ شَرَائِطِ الصَّوْمِ وَ حُدُودِهِ لَا يَجِبُ إِلَّا مَعَ الصَّوْمِ.

وَ كَذَلِكَ لَوْ حَجَّ وَ هُوَ عَاقٌ لِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يُخْرِجْ لِعُرْمَائِهِ مِنْ حُقُوقِهِمْ، لَكَانَ عَاصِيًا فِي ذَلِكَ، وَ كَانَتْ حَجَّتُهُ جَائِزَةً، لِأَنَّهُ مِنْهُيَّ عَنِ ذَلِكَ، حَجٌّ أَوْ لَمْ يَحُجَّ.

هم چنین اگر شخصی لباس ناپاکی به تن کند، یا خود را از نجاست پاک نکند و یارو به قبله نکند نماز او فاسد است و صحیح نیست؛ چرا که این کارها از شرایط نماز است و حدود نماز فقط برای نماز واجب است.

هم چنین اگر کسی در ماه رمضان در حال روزه دروغ بگوید؛ دروغی که او را از ایمان خارج نکند در دروغ گویی خود مرتکب گناه شده، ولی روزه اش صحیح است، زیرا که او از دروغ گویی نهی شده چه روزه بگیرد و چه روزه نباشد.

و اگر تیت و قصد روزه را ترک کند یا با همسرش آمیزش کند البته روزه اش باطل و غیر صحیح خواهد بود؛ چرا که آن‌ها از شرایط روزه‌اند و حدود روزه فقط باروزه واجب می‌شود.

هم چنین اگر کسی با حال عاق والدین بودن و با عدم پرداخت بدهی طلبکاران حج به جا آورد در این کارها مرتکب معصیت شده، ولی حج او صحیح است؛ چرا که از این کارها نهی شده چه حج به جا بیآورد و چه حج به جا نیاورد.



وَلَوْ تَرَكَ الْإِحْرَامَ، أَوْ جَامَعَ فِي إِحْرَامِهِ قَبْلَ الْوُقُوفِ لَكَانَتْ حَجَّتُهُ فَاسِدَةً غَيْرَ جَائِزَةٍ، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ شَرَائِطِ الْحَجِّ وَحُدُودِهِ لَا يَجِبُ إِلَّا مَعَ الْحَجِّ، وَمِنْ أَجْلِ الْحَجِّ. فَكُلُّ مَا كَانَ وَاجِبًا قَبْلَ الْفَرَضِ وَبَعْدَهُ فَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ شَرَائِطِ الْفَرَضِ، لِأَنَّ ذَلِكَ أَتَى عَلَى حِدَّةٍ وَ الْفَرَضُ جَائِزٌ مَعَهُ.

فَكُلُّ مَا لَمْ يَجِبْ إِلَّا مَعَ الْفَرَضِ وَمِنْ أَجْلِ الْفَرَضِ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ شَرَائِطِهِ لَا يَجُوزُ الْفَرَضُ إِلَّا بِذَلِكَ عَلَى مَا بَيَّنَّاهُ. وَلَكِنَّ الْقَوْمَ لَا يَعْرِفُونَ وَلَا يُمَيِّزُونَ وَلَا يُرِيدُونَ أَنْ يَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ.

فَأَمَّا تَرْكُ الْخُرُوجِ وَ الْإِخْرَاجِ فَوَاجِبٌ قَبْلَ الْعِدَّةِ وَمَعَ الْعِدَّةِ وَ قَبْلَ الطَّلَاقِ وَبَعْدَ الطَّلَاقِ وَ لَيْسَ هُوَ مِنْ شَرَائِطِ الطَّلَاقِ، وَ لَا مِنْ شَرَائِطِ الْعِدَّةِ، وَ الْعِدَّةُ جَائِزَةٌ مَعَهُ وَ لَا تَجِبُ الْعِدَّةُ إِلَّا مَعَ الطَّلَاقِ وَ مِنْ أَجْلِ الطَّلَاقِ، فَهِيَ مِنْ حُدُودِ الطَّلَاقِ وَ شَرَائِطِهِ عَلَى مَا مَثَّلْنَا وَ بَيَّنَّاهُ، وَ هُوَ فَرْقٌ وَاضِحٌ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

و اگر پوشیدن لباس احرام را ترک کند یا در حال احرام قبل از وقوف، با همسر خود نزدیکی کند البته حجش فاسد و غیر صحیح خواهد بود، زیرا آنها از شرایط حجند و حدود حج فقط مگر با حج و به خاطر حج واجب می شود. پس هر چیزی که پیش از عمل واجبی و بعد از آن، واجب باشد از شرایط آن عمل واجب نیست؛ چرا که این کار را به طور جداگانه انجام داده و انجام آن عمل واجب با آنها امکان دارد.

بنابراین هر عملی که جز با عمل واجبی و به خاطر آن واجب نشود پس همان از شرایط آن عمل است و انجام دادن آن عمل واجب جز با آن جایز نیست بنا بر آن چه بیان کردیم. ولی آن قوم (اهل سنت) از این مسائل آگاه نیستند و آنها را از هم تمییز نمی دهند و می خواهند حق را با باطل بپوشانند.

اما ترک کردن و انجام ندادن خروج (توسط زن) و اخراج (توسط مرد) پیش از عده، با عده، قبل از طلاق و بعد از طلاق واجب است و از شرایط طلاق نیست و همین طور از شرایط عده نیست و عده با آن جایز است و عده فقط با طلاق و به خاطر طلاق واجب می شود. پس عده از حدود و شرایط طلاق است، بنا بر آن چه که مثال زدیم و بیان کردیم و آن فرق واضحی است و ستایش مخصوص پروردگار است.

و بَعْدُ فَلْيَعْلَمَنَّ أَنَّ مَعْنَى الْخُرُوجِ وَالْإِخْرَاجِ لَيْسَ هُوَ أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ إِلَى أَبِيهَا،  
أَوْ تَخْرُجَ فِي حَاجَةٍ لَهَا، أَوْ فِي حَقِّ بِإِذْنِ زَوْجِهَا مِثْلَ مَا تَمُّ أَوْ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، وَإِنَّمَا  
الْخُرُوجُ وَالْإِخْرَاجُ أَنْ تَخْرُجَ مُرَاعِمَةً أَوْ يُخْرِجَهَا زَوْجُهَا مُرَاعِمَةً. فَهَذَا الَّذِي نَهَى  
اللَّهُ ﷻ عَنْهُ.

فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً اسْتَأْذَنَتْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى أَبِيهَا، أَوْ تَخْرُجَ إِلَى حَقِّ لَمْ نَقُلْ: إِنَّهَا  
خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا وَ لَا يُقَالُ: إِنَّ فُلَانًا أَخْرَجَ زَوْجَتَهُ مِنْ بَيْتِهَا، إِنَّمَا يُقَالُ  
ذَلِكَ، إِذَا كَانَ ذَلِكَ عَلَى الرَّعْمِ وَالسَّخَطِ، وَ عَلَى أَنَّهَا لَا تُرِيدُ الْعُودَ إِلَى بَيْتِهَا  
فَأَمْسَكَهَا عَلَى ذَلِكَ وَ فِيمَا بَيْنَنَا كِفَايَةٌ.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: لَهَا أَنْ تَخْرُجَ قَبْلَ الطَّلَاقِ بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ بَعْدَ  
الطَّلَاقِ وَ إِنْ أَذِنَ لَهَا زَوْجُهَا، فَحُكْمُ هَذَا الْخُرُوجِ غَيْرُ ذَلِكَ الْخُرُوجِ.  
وَ إِنَّمَا سَأَلْنَاكَ عَنْهُ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ الَّذِي يَشْتَبِهُ وَ لَمْ نَسْأَلْكَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ  
الَّذِي لَا يَشْتَبِهُ.

و بعد باید دانسته شود که معنای خروج و اخراج این نیست که زن برای دیدن پدرش،  
یا برای حاجتی که دارد و یا در مورد حقی مانند شرکت در مجلس عزایی خروج و اخراج  
این است که زن در حال کراهت از خانه خارج شود، یا شوهرش او را از خانه اخراج کند.  
پس این همان چیزی است که خداوند ﷻ از آن نهی کرده است.

بنابراین اگر زنی از شوهرش اجازه گرفت که به دیدن پدر و مادرش برود، یا برای حقی  
از خانه خارج شود ما نمی‌گوییم که از خانه شوهرش خارج شده و گفته نمی‌شود که فلانی  
زنش را از خانه‌اش خارج کرده است. این سخن وقتی گفته می‌شود که خروج و اخراج با  
زور و خشم همراه باشد و بنابراین باشد که زن نخواهد به خانه‌اش برگردد، پس مرد او در  
خانه نگه دارد و همان که بیان کردیم کافی است.

پس اگر کسی گفت: زن قبل از طلاق، با اجازه شوهرش می‌تواند از خانه خارج شود  
ولی بعد از طلاق، اگر چه شوهرش نیز اجازه بدهد نمی‌تواند از خانه خارج بشود؛ پس  
حکم این خروج غیر از حکم آن خروج است و ما از تو درباره آن موضعی که مشتبه بود  
(و حکمش معلوم نبود) پرسیدیم و از آن موضعی که مشتبه نبود (و حکمش معلوم بود)  
از تو نپرسیدیم.

أَلَيْسَ قَدْ نُهِيتَ عَنِ الْعِدَّةِ فِي غَيْرِ بَيْنَتِهَا؟  
 فَإِنْ هِيَ فَعَلْتَ كَأَنْتَ عَاصِيَةٌ وَ كَأَنْتِ الْعِدَّةُ جَائِزَةٌ، فَكَذَلِكَ أَيْضًا إِذَا طَلَّقَ لِغَيْرِ  
 الْعِدَّةِ كَانَ خَاطِئًا وَ كَانَ الطَّلَاقُ وَاقِعًا، وَ إِلَّا فَمَا الْفَرْقُ؟  
 قِيلَ لَهُ: إِنَّ فِيمَا بَيْنَنَا كِفَايَةً مِنْ مَعْنَى الْخُرُوجِ، وَ الْإِخْرَاجِ مَا يُجْتَنَزُّ بِهِ عَنْ هَذَا  
 الْقَوْلِ، لِأَنَّ أَصْحَابَ الْأَثَرِ وَ أَصْحَابَ الرَّأْيِ وَ أَصْحَابَ التَّشْيِيعِ قَدْ رَخَّصُوا لَهَا فِي  
 الْخُرُوجِ الَّذِي لَيْسَ عَلَى السَّخَطِ وَ الرَّعْمِ، وَ أَجْمَعُوا عَلَى ذَلِكَ.  
 فَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَى ابْنُ جُرَيْجٍ عَنْ ابْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ: أَنَّ خَالَتَهُ طَلَّقَتْ فَأَرَادَتْ  
 الْخُرُوجَ إِلَى نَحْلِ لَهَا تَجُدُّهُ فَلَقِيَتْ رَجُلًا فَهَاهَا، فَجَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ  
 لَهَا: اخْرُجِي فَجُدِّي نَحْلِكَ لَعَلَّكَ أَنْ تَصَدَّقِي أَوْ تَفْعَلِي مَعْرُوفًا.

آیا این گونه نیست که زن نهی شده از این که در غیر خانه‌اش عده نگه دارد؟  
 پس اگر در غیر خانه‌اش عده نگه داشت گنهکار است؛ ولی عده‌اش صحیح است. پس  
 که مرد در غیر زمان عده (طهر غیر مجامع) زنش را طلاق دهد خطاکار است و طلاقش  
 واقع شده وگرنه چه فرقی بین آن دو مورد است؟  
 در پاسخ او گفته می‌شود: به راستی در آن چه که ما در معنای خروج و اخراج بیان  
 کردیم از این گفتار کفایت می‌کند؟ زیرا اصحاب حدیث و رأی و قیاس و شیعه همگی زن را  
 در خروج از منزل، اجازه داده‌اند در حالی که خروجش از روی خشم و کراهت (نسبت به  
 شوهر) نباشد و بر این حکم اتفاق نظر دارند.  
 پس از این قبیل است روایتی که ابن جریج از ابن زبیر از جابر نقل کرده که خاله جابر،  
 طلاق داده شده، روزی می‌خواست از منزل خارج شود تا درخت خرمایی که داشت  
 باردار کند. پس با مردی ملاقات کرد و آن مرد او را از (خروج) منع و نهی کرد. بدین جهت  
 خاله جابر نزد حضرت رسول خدا ﷺ آمد. حضرت به او فرمود: از منزلت خارج شو و  
 درخت خرمایت را باردار کن، شاید که صدقه‌ای بدهی یا کار نیک و پسندیده‌ای انجام دهی.

وَ رَوَى الْحَسَنُ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ طَاوُسٍ: أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُطَلَّغَةِ هَلْ تَخْرُجُ فِي عَدَّتِهَا؟ فَرَخَّصَ فِي ذَلِكَ.

وَ ابْنُ بَشِيرٍ عَنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثًا: إِنَّهَا لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي حَقِّ مِنْ عِبَادَةِ مَرِيضٍ، أَوْ قَرَابَةٍ أَوْ أَمْرٍ لَا بُدَّ مِنْهُ. مَالِكٌ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: لَا تَبَيْتُ الْمُتَبَتُّوتَةَ وَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا إِلَّا فِي بَيْتِهَا.

وَ هَذَا يُدَلُّ عَلَى أَنَّهُ قَدْ رَخَّصَ لَهَا فِي الْخُرُوجِ بِالنَّهَارِ. وَ قَالَ أَصْحَابُ الرَّأْيِ: لَوْ أَنَّ مُطَلَّغَةً فِي مَنْزِلٍ لَيْسَ مَعَهَا فِيهِ رَجُلٌ تَخَافُ فِيهِ عَلَى نَفْسِهَا أَوْ مَتَاعِهَا كَانَتْ فِي سَعَةِ مِنَ الثَّقَلَةِ.

و در روایت دیگر حسن از حبیب بن ابی ثابت از طاووس نقل کرده که از مردی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: آیا از خانه خارج شود؟ آن صحابی این مورد را جایز دانست و ابن بشیر از مغیره از ابراهیم نقل کرده که وی: درباره زنی که سه بار طلاق داده شد گفت: او نباید از خانه شوهرش خارج شود مگر در مورد حقی؛ نظیر عیادت مریض یا برای دیدار نزدیکان یا برای انجام کار ضروری. مالک از نافع از ابن عمر روایت می‌کند که می‌گوید: زنی که سه بار طلاق داده شده و زنی که شوهرش وفات کرده شب را فقط در خانه‌اش بیتوته و سپری می‌کند. این روایت دلالت می‌کند که زن در روز مُجَاز است که از خانه خارج شود. و صاحبان قیاس گویند: اگر طلاق داده شده در منزلی باشد که در آن جا مردی نیست که به خاطر خودش یا کالایش بترسد می‌تواند از آن جا نقل مکان کند.

و قَالُوا: لَوْ كَانَتْ بِالسَّوَادِ فَطَلَّقَهَا زَوْجُهَا هُنَاكَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا خَوْفٌ مِنْ سُلْطَانٍ  
 أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ كَانَتْ فِي سَعَةِ مِنْ دُحُولِ الْمِصْرِ.  
 وَ قَالُوا لِلْأَمَةِ الْمُطَلَّقةِ: أَنْ تَخْرُجَ فِي عِدَّتِهَا أَوْ تَبْتَ عَنِ بَيْتِ زَوْجِهَا.  
 وَ كَذَلِكَ قَالُوا أَيْضًا فِي الصَّبِيَّةِ الْمُطَلَّقةِ.  
 قَالَ: وَ هَذَا كُلُّهُ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ هَذَا الْخُرُوجَ غَيْرُ الْخُرُوجِ الَّذِي نَهَى اللَّهُ ﷻ عَنْهُ، وَ  
 إِنَّمَا الْخُرُوجُ الَّذِي نَهَى اللَّهُ ﷻ عَنْهُ هُوَ مَا قُلْنَا أَنْ يَكُونَ خُرُوجُهَا عَلَى السَّخَطِ وَ  
 الْمَرَاغَمَةِ، وَ هُوَ الَّذِي يَجُوزُ فِي اللَّغَةِ أَنْ يُقَالَ: فَلَانَةٌ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا، وَ  
 إِنَّ فَلَانًا أَخْرَجَ امْرَأَتَهُ مِنْ بَيْتِهِ.  
 وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يُقَالَ لِسَائِرِ الْخُرُوجِ الَّذِي ذَكَرْنَا عَنْ أَصْحَابِ الرَّأْيِ وَ الْأَثَرِ  
 وَ التَّشْيِيعِ: إِنَّ فَلَانَةَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا، وَ إِنَّ فَلَانًا أَخْرَجَ امْرَأَتَهُ مِنْ بَيْتِهِ، لِأَنَّ  
 الْمُسْتَعْمَلَ فِي اللَّغَةِ هَذَا الَّذِي وَصَفْنَا، وَ بِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

و گفته‌اند: اگر زنی در حومه شهر باشد و شوهرش او را طلاق بدهد و او از سلطانی یا  
 غیر او بترسد می‌تواند داخل شهر شود.  
 و گفته‌اند: کنیزی که طلاق داده شده می‌تواند در زمان عده‌اش از خانه خارج شود، یا  
 شب را در بیرون از خانه شوهرش سپری کند. هم چنین همین حکم را درباره دختری که به  
 سن بلوغ نرسیده و طلاق داده شده گفته‌اند.  
 گوید: و همه این‌ها نشان‌گر این است که این خروج غیر از خروجی است که خداوند ﷻ  
 از آن نهی فرموده و تنها خروجی که خداوند ﷻ از آن نهی فرموده همان است که ما گفتیم  
 که خروجش با خشم و زور باشد و این خروج است که می‌شود در لغت گفته شود: فلان زن  
 از خانه شوهرش خارج شد و این که فلانی، زنش را از خانه‌اش اخراج کرد.  
 و در مورد سایر موارد خروجی که از اصحاب قیاس، اصحاب روایت و شیعیان ذکر  
 کردیم جایز نیست گفته شود: فلان زن از خانه شوهرش خارج شده، و این که فلانی، زنش  
 را از خانه‌اش اخراج کرده است؛ چراکه آن چه که در لغت به کار می‌رود همان است که ما  
 توصیف کردیم و توفیق از خدا و به دست اوست.

(۳۰)

**بَابُ فِي تَأْوِيلِ قَوْلِهِ تَعَالَى: لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ﴾ .  
 قَالَ: أَذَاهَا لِأَهْلِ الرَّجُلِ وَ سُوءُ حُلُقِهَا .
- ۲ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التِّيمَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ﴾ .  
 قَالَ: يَعْنِي بِالْفَاحِشَةِ الْمُبَيَّنَةِ أَنْ تُؤْذِيَ أَهْلَ زَوْجِهَا، فَإِذَا فَعَلَتْ، فَإِنْ شَاءَ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا فَعَلَ .

**بخش سی ام****تأویل گفتار خداوند متعال که می فرماید: « آن ها را از خانه هایشان بیرون نکنید و آن ها ( نیز در دوران عدّه ) بیرون نروند »**

- ۱ - راوی گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند که می فرماید: « آن ها را از خانه هایشان بیرون نکنید و آن ها ( نیز در دوران عدّه ) خارج نشوند مگر این که کار زشت آشکاری مرتکب شوند » فرمود:  
 منظور این است که خانواده شوهرش را اذیت کند و بد اخلاق باشد.
- ۲ - محمد بن علی بن جعفر گوید:  
 مأمون از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید: « آن ها را از خانه هایشان بیرون نکنید و آن ها ( نیز در دوران عدّه ) خارج نشوند مگر این که کار زشت آشکاری مرتکب شوند » پرسید.  
 فرمود: منظور از کار زشت آشکار این است که خانواده شوهرش را اذیت کند. وقتی این کار را کرد، پس اگر مرد خواست می تواند قبل از این که عدّه او تمام شود او را از خانه اخراج کند می تواند آن کار را بکند.

(۳۱)

## بَابُ طَلَاقِ الْمُسْتَرَابَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ الْعَطَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُسْتَرَابُ بِهَا وَ مِثْلُهَا تَحْمِلُ وَ مِثْلُهَا لَا تَحْمِلُ وَ لَا تَحِيضُ وَ قَدْ وَاقَعَهَا زَوْجُهَا كَيْفَ يُطَلِّقُهَا إِذَا أَرَادَ طَلَاقَهَا؟

قَالَ: لِيُمْسِكَ عَنْهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا.

## بخش سی و یکم

طلاق زن مسترابه <sup>(۱)</sup>

۱ - یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که دچار شک و تردید شده که همانند او حامله می‌شود و همانند او حامله نمی‌شود و حیض نمی‌بیند در حالی که شوهرش با او نزدیکی کرده، اگر مرد بخواهد او را طلاق بدهد چگونه باید طلاق دهد؟ فرمود: باید به مدت سه ماه از نزدیکی با او خودداری کند، سپس او را طلاق بدهد.

۱ - زن مسترابه، زنی است که از نظر سنّی باید عادت ماهیانه داشته باشد، ولی او عادت ماهیانه ندارد و چون از جهت بارداری در تردید و شک است به او مسترابه گویند.

(۳۲)

**بَابُ طَلَاقِ الَّتِي تَكْتُمُ حَيْضَهَا**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ كَيْسَانَ قَالَ:  
 كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ امْرَأَةٌ مِنْ نِسَاءِ هَؤُلَاءِ الْعَامَّةِ وَارَادَ أَنْ  
 يُطَلِّقَهَا وَ قَدْ كَتَمَتْ حَيْضَهَا وَ طَهَّرَهَا مَخَافَةَ الطَّلَاقِ .  
 فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَعْتَزِلُهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ يُطَلِّقَهَا .

**بخش سی و دوم****طلاق زنی که زمان حیض را مخفی می‌کند**

۱ - حسن بن علی بن کیسان گوید: به حضرتش در نامه‌ای نوشتم و از آن حضرت پرسیدم:  
 مردی زنی از عامه دارد و می‌خواهد او را طلاق دهد، ولی زن از بیم طلاق، حیض و  
 پاکی از حیض خود را پنهان کرده و به مرد اطلاع نمی‌دهد.  
 امام علیه السلام فرمود: به مدت سه ماه از او کناره بگیرد و طلاقش بدهد.



(۳۳)

**بَابُ فِي الَّتِي تَحِيضُ فِي كُلِّ شَهْرَيْنِ وَ ثَلَاثَةِ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ شَابَةٌ وَ هِيَ تَحِيضُ كُلَّ شَهْرَيْنِ، أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ حَيْضَةً وَ أَحَدَهُ كَيْفَ يُطَلِّقُهَا زَوْجَهَا؟ فَقَالَ: أَمْرُهَا شَدِيدٌ؛ تُطَلِّقُ طَلَّاقَ السُّنَّةِ تَطْلِيقَةً وَ أَحَدَةً عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشُهُودٍ نَمَّ تُتْرَكُ حَتَّى تَحِيضَ ثَلَاثَ حِيضٍ مَتَى حَاضَتْ، فَإِذَا حَاضَتْ ثَلَاثًا فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا. قِيلَ لَهُ: وَ إِنْ مَضَتْ سَنَةٌ وَ لَمْ تَحِيضْ فِيهَا ثَلَاثَ حِيضٍ.

**بخش سی و سوم****زنی که هر دو ماه یک بار و هر سه ماه یک بار حائض می شود**

۱- عمّار ساباطی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مردی زن جوانی دارد و آن زن هر دو یا سه ماه، یک بار حائض می شود، شوهر او چگونه باید او را طلاق بدهد؟ فرمود: مسأله آن زن بسیار با اهمیت است، باید یک بار در یک پاکی که با او جماع نشده با شهود طلاق سنت داده شود، سپس او را رها کند تا حائض شود سه مرتبه هر وقت که حیض دید حائض شود. پس وقتی که برای بار سوم حائض شد عده اش سپری شده است.

به حضرتش گفته شد: اگر چه یک سال بگذرد و در آن یک سال سه مرتبه حائض نشود؟

قَالَ: إِذَا مَضَتْ سَنَةٌ وَ لَمْ تَحِضْ ثَلَاثَ حَيَضٍ يُتَرَيَّصُ بِهَا بَعْدَ السَّنَةِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ قَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا.  
 قِيلَ: فَإِنْ مَاتَ أَوْ مَاتَتْ؟  
 فَقَالَ: أُيُّهُمَا مَاتَ وَرِثَ صَاحِبُهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَمْسَةِ عَشَرَ شَهْرًا.

(۳۴)

### بَابُ عِدَّةِ الْمُسْتَرَابَةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 أَمْرَانِ أُيُّهُمَا سَبَقَ بَأْتٌ مِنْهُ؛ الْمَطْلَقَةُ الْمُسْتَرَابَةُ تَسْتَرِيْبُ الْحَيْضَ إِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ بِيضٍ لَيْسَ فِيهَا دَمٌ بَأْتٌ بِهِ، وَإِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَ حَيَضٍ لَيْسَ بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ بَأْتٌ بِالْحَيْضِ.

فرمود: وقتی که یک سال گذشت و سه مرتبه حائض نشد بعد از آن یک سال، سه ماه دیگر باید منتظر بماند و عده نگه دارد سپس عده اش تمام می شود.  
 گفته شد: پس اگر مرد یا زن بمیرند چطور می شود؟  
 فرمود: هر کدام که مُرد، دیگری از او آن چه را که بین او و بین این پانزده ماه بوده ارث می برد.

### بخش سی و چهارم

#### عِدَّةُ زَنِ مُسْتَرَابَةٍ

۱- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 دو چیز است که هر کدام که زودتر اتفاق افتاد، از او جدا می شود؛ زنی که مسترابه است و در حیض دیدن در شک و تردید است و طلاق داده شده اگر سه ماه بر آن زن گذشت و در آن سه ماه خونی ندید از شوهرش جدا می شود و اگر سه بار حیض دید و بین دو حیض سه ماه فاصله نبود به وسیله حیض دیدن از شوهرش جدا می شود.

قَالَ ابْنُ عَمِيرٍ: قَالَ جَمِيلٌ: وَ تَفْسِيرُ ذَلِكَ إِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِلَّا يَوْمًا فَحَاضَتْ ثُمَّ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِلَّا يَوْمًا فَحَاضَتْ ثُمَّ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِلَّا يَوْمًا فَحَاضَتْ، فَهَذِهِ تَعْتَدُّ بِالْحَيْضِ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ وَ لَا تَعْتَدُّ بِالشُّهُورِ وَإِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ بِيضٍ لَمْ تَحِضْ فِيهَا فَقَدْ بَانَتْ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ نُطَيْقٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ عَبْدِ صَالِحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الْجَارِيَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي لَا تَحِيضُ وَ مِثْلُهَا تَحْمِلُ طَلَقَهَا زَوْجُهَا. قَالَ: عِدَّتُهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.

۳- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

ابن عمیر گوید: جمیل گوید: تفسیر این مطلب چنین است: اگر کمتر از یک روز از سه ماه بر آن زن گذشت و حائض شد، سپس کمتر از یک روز از سه ماه بر او گذشت، و حائض شد، آن گاه کمتر از یک روز از سه ماه بر آن زن گذشت و حائض شد؛ پس این زن با این سه حیض باید عده خود را حساب کند نه این که با ماهها و اگر سه ماه بر او گذشت و در آن سه ماه پاک بود و خون حیض ندید پس از شوهر خود جدا می شود.

۲- محمد بن حکیم گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: کنیز جوانی را که حائض نمی شود و مثل چنین زنی حامله می شود شوهرش طلاق داده (عده اش چگونه است؟) فرمود: عده اش سه ماه است.

۳- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

عِدَّةٌ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ الْمُسْتَحَاضَةُ الَّتِي لَا تَطْهَرُ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَ عِدَّةٌ الَّتِي تَحِضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ الْقُرُوءُ جَمْعُ الدَّمِ بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ .

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنِ الَّتِي تَحِضُ كُلَّ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ مَرَّةً كَيْفَ تَعْتَدُ ؟  
قَالَ : تَنْتَظِرُ مِثْلَ قُرْبِهَا الَّتِي كَانَتْ تَحِضُ فِيهِ فِي الِاسْتِقَامَةِ ، فَلْتَعْتَدْ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ثُمَّ لَتَنْزَوْجٍ إِنْ شَاءَتْ .

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الَّتِي تَحِضُ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ مَرَّةً ، أَوْ فِي سِتَّةٍ أَوْ فِي سَبْعَةِ أَشْهُرٍ وَ الْمُسْتَحَاضَةُ الَّتِي لَمْ تَبْلُغِ الْحَيْضَ وَ الَّتِي تَحِضُ مَرَّةً وَ تَرْتَفِعُ مَرَّةً ، وَ الَّتِي لَا تَطْمَعُ فِي الْوَلَدِ ، وَ الَّتِي قَدْ أَرْتَفَعَ حَيْضُهَا وَ زَعَمَتْ أَنَّهَا لَمْ تَيَأَسْ وَ الَّتِي تَرَى الصُّفْرَةَ مِنْ حَيْضٍ لَيْسَ بِمُسْتَقِيمٍ .

عده زنی که حائض نمی شود وزن مستحاضه ای که پاک نمی شود سه ماه است و و عده زنی که حائض می شود و حیض مستقیم مرتب و منظم است سه پاکی است و قُرُوء جمع شدن خون بین دو حیض است .

۴- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی هر سه ماه، یک بار حائض می شود، چگونه باید عده نگه دارد؟

فرمود: مثل زمان پاکی که در آن ایام به طور منظم و مرتب عادت ماهیانه داشت منتظر می ماند. پس باید به اندازه سه پاکی عده نگه دارد، سپس اگر خواست ازدواج کند.

۵- محمد بن مسلم می گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) در باره زنی که هر سه ماه یا هر شش ماه و یا هر هفت ماه یک بار حیض می شود، زن مستحاضه ای که به حیض نرسیده، زنی که یک مرتبه حیض می بیند و یک بار پاک می شود، زنی که فرزند نمی خواهد، زنی حیض او قطع شده و گمان می کند که مایوس از عادت نشده و زنی که به طور نامنظم خون زرد حیض می بیند فرمود:

فَذَكَرَ أَنَّ عِدَّةَ هَوَلاَءِ كُلِّهِنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ .

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَرْأَةِ يُطَلَّقُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَحِيضُ كُلَّ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ حَيْضَةً .

فَقَالَ: إِذَا انْقَضَتْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا يُحْسَبُ لَهَا لِكُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةٌ .

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ بَعْدَ مَا وَلَدَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ هِيَ امْرَأَةٌ لَا تَرَى دَمًا مَا دَامَتْ تُرْضِعُ مَا عِدَّتُهَا؟  
قَالَ: ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ .

عده همه این زنان سه ماه است.

۶ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام درباره زنی که هر سه ماه یک بار حیض می شود و شوهرش او را طلاق می دهد فرمود:  
هرگاه سه ماه پایان یافت عده او سپری شده است که برای یک ماه یک حیض به او محاسبه می شود.

۷ - ابوالعباس گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی زنش را پس از زایمان و پاکی طلاق داده است، این زن در دوران شیردهی عادت ماهیانه ندارد، عده او چقدر است؟  
فرمود: سه ماه.

۸ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَ عِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿إِنْ ارْتَبْتُمْ﴾ مَا الرِّبَّةُ.

فَقَالَ: مَا زَادَ عَلَيَّ شَهْرٌ فَهُوَ رِبَّةٌ فَلْتَعِدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرِكِ الْحَيْضَ وَ مَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حَيْضٍ، فَعِدَّتُهَا ثَلَاثُ حَيْضٍ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَيُّ الْأَمْرَيْنِ سَبَقَ إِلَيْهَا فَقَدِ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا إِنْ مَرَّتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ لَا تَرَى فِيهَا دَمًا فَقَدِ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا، وَ إِنْ مَرَّتْ ثَلَاثَةَ أَقْرَاءٍ فَقَدِ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا.

۸ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

عده زنی که به طور مرتب حائض نمی شود است و زن مستحاضه ای که پاک نمی شود سه ماه است و عده زنی که به طور مرتب حائض می شود سه پاک است.

حلبی گوید: از آن حضرت درباره گفتار خداوند که می فرماید: «اگر شک دارید (که یائسه شده اند یا نه)» پرسیدم که شک چیست؟

فرمود: آن چه که از یک ماه فزونی یابد همان ربه و شک است. پس زن باید سه ماه عده نگه دارد و بایستی حیض را ترک کند (و آن را به حساب نیاورد) و زنی که در مدت یک ماه حائض می شود و تا سه بار حیض دیدن نیز همین گونه است (یعنی از یک بار دیدن در ماه، تأخیر نمی کند) عده اش سه حیض است.

۹ - زراره گوید: امام (باقر و امام صادق علیه السلام) فرمود:

هر کدام از این دو چیز، اگر بر زن اتفاق افتاد عده او سپری می شود؛ اگر سه ماه بگذرد و در این مدت خون نبیند عده اش سپری می شود و اگر سه پاک بگذرد، عده اش سپری می شود.

۱۰ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا نَظَرْتَ فَلَمْ تَجِدِ الْأَقْرَاءَ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَإِذَا كَانَتْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهَا حَيْضٌ تَحِيضٌ فِي الشَّهْرِ مَرَارًا فَإِنَّ عِدَّتَهَا عِدَّةُ الْمُسْتَحَاضَةِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَإِذَا كَانَتْ تَحِيضٌ حَيْضًا مُسْتَقِيمًا فَهُوَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةٌ بَيْنَ كُلِّ حَيْضَتَيْنِ شَهْرٌ وَذَلِكَ الْقُرْءُ.

۱۱ - مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرِ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي امْرَأَةٍ طَلَّقَتْ وَ قَدْ طَعَنْتْ فِي السِّنِّ فَحَاضَتْ حَيْضَةً وَاحِدَةً ثُمَّ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا. فَقَالَ: تَعْتَدُ بِالْحَيْضَةِ وَ شَهْرَيْنِ مُسْتَقْبَلَيْنِ، فَإِنَّهَا قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ.

۱۰- زراره گوید: حضرتش فرمود:

هنگامی که زن ببیند که طهارت‌های سه‌گانه را نمی‌یابد مگر در مدت سه ماه؛ پس اگر حیض او منظم و روی برنامه مشخصی نیست و در ماه چند مرتبه حائض می‌شود، پس عده او عده زن مستحاضه و سه ماه است. و اگر به طور منظم حائض می‌شود، پس در هر ماه یک بار حائض می‌شود و بین هر دو زمان حیض نیز یک ماه می‌شود و آن همان قرء و پاکی است.

۱۱- هارون بن حمزه گوید: امام صادق عليه السلام درباره زنی که طلاق داده شده و از نظر سنی (برای حیض شدن) ایراد دارد. با این حال یک بار حائض شده آن‌گاه حیض او قطع شده است فرمود:

او با یک حیض و دو ماه آینده عده نگه می‌دارد؛ چراکه از حیض شدن مأیوس شده است.

(۳۵)

**بَابُ أَنَّ النِّسَاءَ يُصَدَّقْنَ فِي الْعِدَّةِ وَالْحَيْضِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعِدَّةُ وَالْحَيْضُ لِلنِّسَاءِ إِذَا ادَّعَتْ صُدِّقَتْ.

(۳۶)

**بَابُ الْمُسْتَرَابَةِ بِالْحَبْلِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

**بخش سی و پنجم****سخن زنان در مورد عده و حیض تصدیق می شود**

۱ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مسئولیت عده و عادت به زن ها محول شده است. از این رو اظهارات آنان سند و حجّت خواهد بود.

**بخش سی و ششم****زنی که در بارداری او شک و تردید وجود دارد**

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:



إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فَادَّعَتْ حَبَلًا أَنْتَظَرَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ، فَإِنْ وَلَدَتْ وَإِلَّا  
اعْتَدَّتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ قَدْ بَانَ مِنْهُ.

۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ  
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
قُلْتُ لَهُ: الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلَهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمُثُهَا كَمْ  
عِدَّتُهَا؟

قَالَ: ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: فَإِنَّهَا ادَّعَتْ الْحَبْلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: فَإِنَّهَا ادَّعَتْ الْحَبْلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: إِنَّمَا الْحَبْلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: تَزَوَّجُ.

هرگاه مردی زنش را طلاق داد و زن ادعا کرد که حامله است نه ماه منتظر می شود، پس  
اگر بچه ای متولد شد (که عده اش تمام می شود) وگرنه سه ماه عده نگه می دارد سپس از  
شوهرش جدا می شود.

۲ - محمد بن حکیم گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: زن جوانی که همسالان او  
عادت می شوند از شوهر خود طلاق می گیرد و عادت او قطع می شود، عده او چند روز است؟  
فرمود: باید سه ماه تمام عده نگه دارد.

عرض کردم: زن ادعا دارد که آبستن است؟

فرمود: باید تا نه ماه عده نگه دارد.

عرض کردم: اگر بعد از گذشتن نه ماه، زایمان صورت نگیرد و زن بگوید: من باردار  
هستم چه صورت دارد؟

فرمود: دوران آبستنی فقط نه ماه است.

عرض کردم: بعد از نه ماه می تواند ازدواج کند؟

قَالَ: تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: فَإِنَّهَا أَدَعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: لَا رَيْبَةَ عَلَيْهَا تَزَوُّجُ إِنْ شَاءَتْ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ أَبَانَ عَنِ ابْنِ حَكِيمٍ عَنِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ أَوْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمُطَلَّغَةِ: يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَتَقُولُ: أَنَا حُبْلَى فَتَمَكُّتُ سَنَةً.

قَالَ: إِنْ جَاءَتْ بِهِ لِأَكْثَرِ مِنْ سَنَةٍ لَمْ تُصَدِّقْ وَ لَوْ سَاعَةً وَاحِدَةً فِي دَعْوَاهَا.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ صَفْوَانَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِنْهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَزْتَفِعُ طَمْثُهَا مَا عَدَّتْهَا؟

قَالَ: ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.

فرمود: از روی احتیاط سه ماه دیگر نیز صبر کند.

عرض کردم: اگر بعد از سه ماه دیگر، باز هم بگوید: من باردار هستم؟

فرمود: بعد از گذشت این زمان دیگر شک و تردیدی نمی ماند. اگر مایل باشد، می تواند

ازدواج کند.

۳- ابن حکیم گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ یا پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد زنی که شوهرش او را

طلاق داده سپس می گوید که من حامله هستم پس یک سال می ماند. فرمود:

اگر بیشتر از یک سال، بیچه آورد اگر چه یک ساعت باشد در ادعایش تصدیق نمی شود.

۴- محمد بن حکیم گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: زن جوانی که مانند همسالان

خود عادت می شود اگر از شوهر خود طلاق بگیرد و دیگر عادت نشود، تکلیف او چیست؟

فرمود: باید سه ماه کامل عده نگه دارد.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَإِنَّهَا تَزَوَّجَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ، فَتَبَيَّنَ بِهَا بَعْدَ مَا دَخَلْتُ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهَا حَامِلٌ.

قَالَ: هَيْهَاتَ مِنْ ذَلِكَ يَا ابْنَ حَكِيمٍ! رَفَعُ الطَّمْثِ ضَرْبَانِ: إِمَّا فَسَادٌ مِنْ حَيْضَةٍ فَقَدْ حَلَّ لَهَا الْأَزْوَاجُ وَ لَيْسَ بِحَامِلٍ، وَإِمَّا حَامِلٌ فَهُوَ تَسْتَبِينٌ فِي ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ، لِأَنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ جَعَلَهُ وَقْتًا يَسْتَبِينُ فِيهِ الْحَمْلُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ.

قَالَ: عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: إِنَّمَا الْحَمْلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ.

قُلْتُ: فَتَزَوَّجُ؟

قَالَ: تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ.

عرض کردم: قربانت گردم! این زن سه ماه عدّه نگه داشته و بعد از عدّه ازدواج کرده و اینک در خانه شوهر دوم می‌گوید: علایم بارداری آشکار شده است. تکلیف او و شوهرش چیست؟ فرمود: ای پسر حکیم! چنین چیزی امکان ندارد. عادت ماهیانه در دو صورت قطع می‌شود: یا رحم از حالت طبیعی خارج می‌گردد که در این صورت آبستن نخواهد شد و می‌تواند شوهر کند، و یا آبستن می‌شود و علایم آن ظرف سه ماه آشکار می‌گردد و برای همین است که خداوند ﷻ عدّه زنهای مشکوک را سه ماه کامل مقرر کرده است.

عرض کردم: اگر خود زن در شک و تردید بماند (چه تکلیفی دارد؟)

فرمود: باید تا نه ماه عدّه نگه دارد.

عرض کردم: اگر با گذشت نه ماه باز هم شک و تردید کند، تکلیف او چه خواهد بود؟

فرمود: دوره آبستنی فقط نه ماه است.

عرض کردم: پس زن می‌تواند ازدواج کند؟

فرمود: سه ماه دیگر احتیاط کند.

قُلْتُ: فَإِنَّهَا اِزْتَابَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهَا رِيْبَةٌ تَنْزَوْجٌ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ:

رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ فَلَمَّا مَضَتْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ ادَّعَتْ حَبَلًا.

قَالَ: يُنْتَظَرُ بِهَا تِسْعَةَ أَشْهُرٍ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ حَبَلًا.

قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! إِنَّمَا يَرْتَفِعُ الطَّمْتُ مِنْ ضَرْبَيْنِ: إِمَّا حَبَلٍ بَيْنٍ، وَإِمَّا فَسَادٍ

مِنَ الطَّمْتِ، وَ لَكِنَّهَا تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ بَعْدُ.

وَ قَالَ أَيْضًا فِي الَّتِي كَانَتْ تَطْمُتُ ثُمَّ يَرْتَفِعُ طَمُّهَا سَنَةً كَيْفَ تُطَلَّقُ؟

قَالَ: تُطَلَّقُ بِالشُّهُودِ.

عرض کردم: اگر بعد از سه ماه دیگر باز هم در شک و تردید بماند، چه کند؟

فرمود: با گذشتن این مدت دیگر تردیدی نمی ماند، می تواند ازدواج کند.

۵ - محمد بن حکیم گوید: به امام صادق یا امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مردی زنش را

طلاق داده، وقتی که سه ماه گذشت زن ادعا کرد که باردار است (حکمش چگونه است؟)

فرمود: باید نه ماه منتظر بماند و صبر کند.

محمد بن حکیم گوید: گفتم: آن زن بعد از آن مدت ادعا می کند که باردار است.

فرمود: هیهات هیهات! خون حیض فقط با دو چیز قطع می شود: یا بارداری آشکار،

و یا رحم از حالت طبیعی خارج شود؛ ولی آن زن هنوز سه ماه دیگر احتیاط کند.

هم چنین حضرتش درباره زنی که حائض می شود، آن گاه تا یک سال حائض نمی شود

چگونه طلاق داده می شود؟ فرمود:

با شهود، طلاق داده می شود.

فَقَالَ لِي: بَعْضُ مَنْ قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا وَ هِيَ لَا تَحِيضُ وَ قَدْ كَانَ يَطُوهَا اسْتَبْرَأَهَا بِأَنْ تَمَسَّكَ عَنْهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ مِنَ الْوَقْتِ الَّذِي تَبَيَّنَ فِيهِ الْمُطَلَّغَةُ الْمُسْتَعِيمَةُ الطَّمْثُ، فَإِنْ ظَهَرَ بِهَا حَبْلٌ وَإِلَّا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً بِشَاهِدَيْنِ .  
 فَإِنْ تَرَكَهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَقَدْ بَانَتْ بِوَاحِدَةٍ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا ثَلَاثَ تَطْلِيقَاتٍ تَرَكَهَا شَهْرًا ثُمَّ رَاجَعَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا ثَانِيَةً ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ يَسْتَبْرَأُهَا، فَإِنْ ظَهَرَ بِهَا حَبْلٌ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُطَلِّقَهَا إِلَّا وَاحِدَةً.

(۳۷)

### بَابُ نَفَقَةِ الْحُبْلَى الْمُطَلَّغَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

راوی گوید: یکی از صاحب نظران به من گفت: هرگاه مردی بخواهد زنش را که حائض نمی شود و با او نزدیکی کرده طلاق بدهد او را استبراء می کند؛ به این که به مدت سه ماه از او دوری می کند، از وقتی که زنی که مرتب حیض می بیند و عادت ماهیانه مشخص دارد، پس اگر علائم بارداری آن زن آشکار شد (عده سپری شده) و گرنه او را با دو شاهد طلاق می دهد. پس اگر آن زن را به مدت سه ماه ترک کرد (و در این مدت به او رجوع نکرد) آن زن با یک طلاق از شوهرش جدا شده و اگر خواست که زنش را سه بار طلاق بدهد، یک ماه او را ترک می کند، سپس به او رجوع می کند سپس او را برای بار دوم طلاق می دهد، سپس از او به مدت سه ماه دوری می کند و با او جماع نمی کند پس اگر بارداری او ظاهر شد مرد فقط می تواند یک بار او را طلاق بدهد.

بخش سی و هفتم

هزینه زن حامله ای که طلاق داده شده است

۱ - محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

الْحَامِلُ أَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا بِالْمَعْرُوفِ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا.  
 ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
 الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَ هِيَ حُبْلَى أَنْفَقَ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، فَإِذَا وَضَعَتْهُ  
 أَعْطَاهَا أَجْرَهَا وَ لَا يُضَارُّهَا إِلَّا أَنْ يَجِدَ مَنْ هُوَ أَزْخَصُّ أَجْرًا مِنْهَا، فَإِنْ هِيَ رَضِيَتْ  
 بِذَلِكَ الْأَجْرِ فَهِيَ أَحَقُّ بِإِنْبَائِهَا حَتَّى تَقْطِعَهُ.  
 ۳- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 قَالَ:

الْحُبْلَى الْمُطَلَّغَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا إِنْ تُرْضِعُهُ  
 بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى، إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودُهُ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى  
 الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ﴾.

زمان به سر آمدن عده زن حامله به این است که زایمان کند و بر مرد واجب است که  
 هزینه او را به نیکی و در حد متعارف بپردازد تا وقت زایمان بپردازد.

۲- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه مردی زن حامله خود را طلاق می دهد باید هزینه او را تا وقتی که وضع حمل  
 کند، بپردازد. پس وقتی که زایمان کرد اجرت (نگهداری و شیر دادن بچه) او را می پردازد  
 و نباید به او ضرری برساند، مگر این که کسی یافت بشود که اجرت کمتری بگیرد. پس اگر  
 زن به همان اجرت کمتر راضی شد او به فرزند پسرش سزاوارتر است تا وقتی که او را از  
 شیر بگیرد.

۳- حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زن حامله ای که طلاق داده شد باید نفقه اش پرداخت شود تا وقتی که زایمان کند و مادر  
 به فرزندش سزاوارتر است اگر به همان مبلغی که زن دیگری قبول می کند او را شیر بدهد.  
 همانا خداوند سُبْحَانَهُ می فرماید: «مادر نباید به خاطر فرزند به زیان و زحمت افتد و نه پدر  
 و بر وارث او نیز لازم نیست».

قَالَ: كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِمَّا تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى زَوْجِهَا إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا فَتَقُولُ: لَا أَدْعُكَ لِأَنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْمِلَ عَلَيَّ وَلَدِي وَ يَقُولُ الرَّجُلُ: لَا أَجَامِعُكَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَعْلِقِي فَأَقْتُلَ وَلَدِي. فَنَهَى اللَّهُ ﷻ أَنْ تُضَارَّ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ وَ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ.

وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» ، فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ ، أَوْ يُضَارَّ أُمُّهُ فِي رَضَاعِهِ وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رَضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ وَ إِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَضٍ مِنْهُمَا قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا ، وَ الْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ.

٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حُبْلَى.

قَالَ: أَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا، وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا.

فرمود: زنی از ما، دستش را به سوی شوهرش بلند می‌کند؛ وقتی که شوهرش می‌خواهد با او نزدیکی کند و می‌گوید: به من نزدیک نشو! چون می‌ترسم که به ضرر فرزند شیرخوارم باردار شوم و مرد می‌گوید: با تو جماع نمی‌کنم چون می‌ترسم که باردار شوی پس من بچه‌ام را بکشم. پس خداوند ﷻ نهی فرموده که زن به مرد ضرر بزند و این که مرد به زن ضرر بزند.

و اما گفتار خداوند که می‌فرماید: «و بر وارث او نیز لازم نیست. پس همانا خداوند نهی فرموده که به بچه ضرر زده شود، یا مادر در شیر دهی به او دچار ضرر شود. مادر حق ندارد که بیش از دو سال کامل شیر دادن را تأخیر بیندازد و طول بدهد و اگر مرد و زن با رضایت خواستند قبل از دو سال بچه را از شیر بگیرند کار نیکی است و مانعی ندارد و فصال به معنای از شیر گرفتن است.

٤ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق ﷺ درباره مردی که زن بار خود را طلاق می‌دهد

فرمود:

پایان عده او همان زایمان اوست و بر مرد واجب است که تا زایمان هزینه او را بپردازد.

(۳۸)

**بَابُ أَنَّ الْمُطَلَّعَةَ ثَلَاثًا لَا سُكْنَى لَهَا وَلَا نَفَقَةَ**

۱- أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ كُلِّهِمْ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ الْمُطَلَّعَةَ ثَلَاثًا لَيْسَ لَهَا نَفَقَةٌ عَلَى زَوْجِهَا إِنَّمَا هِيَ لِلَّتِي لَزَوْجِهَا عَلَيْهَا رَجْعَةٌ.  
 ۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّعَةِ ثَلَاثًا عَلَى السُّنَّةِ هَلْ لَهَا سُكْنَى أَوْ نَفَقَةٌ؟  
 قَالَ: لَا.

**بخش سی و هشتم****زنی که سه بار طلاق داده شده نه حق مسکن دارد و نه حق هزینه**

۱- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زنی که سه بار طلاق داده شده است هزینه او بر عهده شوهرش نیست، پرداخت هزینه فقط درباره زنی است که طلاق رجعی داده شده است.

۲- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی به صورت رسمی شرعی سه

بار طلاق داده شده است آیا حق مسکن یا هزینه دارد؟

فرمود: نه.



۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى أَوْ رَجُلٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثًا أَلَهَا سُكْنَى وَ نَفَقَةً؟  
 قَالَ: حُبْلَى هِيَ؟  
 قُلْتُ: لَا.  
 قَالَ: لَا.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
 الْمُطَلَّغَةُ ثَلَاثًا لَيْسَ لَهَا نَفَقَةٌ عَلَى زَوْجِهَا إِنَّمَا ذَلِكَ لِلَّتِي لِيَزُوجِهَا عَلَيْهَا رَجْعَةٌ.  
 ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:  
 قُلْتُ: الْمُطَلَّغَةُ ثَلَاثًا أَلَهَا سُكْنَى أَوْ نَفَقَةً؟  
 فَقَالَ: حُبْلَى هِيَ؟

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: زنی که سه بار طلاق داده شده آیا حق مسکن و نفقه (خرجی خوراک و پوشاک) دارد؟  
 فرمود: آیا باردار است؟  
 گفتم: نه.  
 فرمود: نه.

۴- زراره نظیر روایت اول از امام باقر عليه السلام نقل می کند.

۵- سماعه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: زنی که سه بار طلاق داده شده، آیا حق مسکن و خرجی دوران عدّه را دارد؟  
 فرمود: آیا باردار است؟

فَقُلْتُ: لَا.  
 قَالَ: لَيْسَ لَهَا سُكْنَى وَلَا نَفَقَةٌ.

(۳۹)

### بَابُ مُتْعَةِ الْمُطَلَّاقَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ أَيْمَتُّهَا؟  
 قَالَ: نَعَمْ، أَمَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؟ أَمَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؟
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْبَزْطِيِّ  
 قَالَ:  
 ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: أَنَّ مُتْعَةَ الْمُطَلَّاقَةِ فَرِيضَةٌ.

عرض کردم: نه.

فرمود: نه حق مسکن دارد و نه هزینہ او پرداخت می شود.

### بخش سی و نهم

#### هدیه کالایی برای زن طلاق داده شده

- ۱ - حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: مردی زن خود را طلاق می دهد، آیا وظیفه دارد که با آن زن مقداری کالای زندگی هدیه کند؟  
 فرمود: آری. آیا دوست ندارد که در شمار نیکوکاران باشد؟ آیا دوست ندارد که در شمار پرهیزگاران در آید؟
- ۲ - بزطی گويد: یکی از اصحاب ما گفت:  
 دادن کالای زندگی به زن طلاق داده شده، واجب است.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزْطِيُّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَدِيثِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَالْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾. قَالَ: مَتَاعُهَا بَعْدَ مَا تَنْقُضِي عِدَّتَهَا عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ وَكَيْفَ لَا يُمْتَعُهَا؟ وَهِيَ فِي عِدَّتِهَا تَرْجُوهُ وَيَرْجُوها وَيُحَدِّثُ اللَّهُ تعالى بَيْنَهُمَا مَا يَشَاءُ.

وَقَالَ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُوسِعًا عَلَيْهِ مَتَّعَ امْرَأَتَهُ بِالْعَبْدِ وَالْأَمَةِ وَالْمُقْتِرِ يُمْتَعُ بِالْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالزَّبِيبِ وَالثَّوْبِ وَالدَّرَاهِمِ، وَإِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام مَتَّعَ امْرَأَةً لَهُ بِأَمَةٍ وَلَمْ يُطَلِّقِ امْرَأَةً إِلَّا مَتَّعَهَا.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ جَمِيعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَالْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾.

۳- حلبی گوید:

امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «و برای زنان طلاق داده شده کالا و هدیه مناسبی لازم است. این حق بر مردان پرهیزکار است» «و للمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین» فرمود:

کالا و هدیه مناسب دادن به همسر، پس از پایان عده اش است که «همسر ثروتمند به اندازه توانش و مرد فقیر به اندازه توانش پرداخت می کند». و چگونه مرد به همسرش هدیه ندهد؟! در حالی که زن در عده است، زن امید به رجوع مرد دارد و مرد به رجوع زن امیدوار است و خداوند آن چه را که اراده کند، در بین آنان ایجاد می کند.

و فرمود: اگر مرد توان مالی داشته باشد، باید به همسرش برده و کنیزی هدیه کند. و اگر تنگدست باشد، گندم، کشمش، لباس و پول به همسرش هدیه کند. و به راستی که امام حسن عليه السلام به یکی از همسرانش یک کنیز هدیه داد و آن حضرت هیچ زنی را بدون هدیه کالایی طلاق نمی داد.

۴- عبدالله بن سنان و سماعه نیز نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کنند.

قَالَ: مَتَاعُهَا بَعْدَ مَا تَنْقُضِي عِدَّتَهَا عَلَى الْمُوسِيعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ.  
 قَالَ: كَيْفَ يُمْتَعُهَا فِي عِدَّتِهَا وَهِيَ تَرْجُوهُ وَيَرْجُوهَا وَيُحَدِّثُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ أَمَا  
 إِنَّ الرَّجُلَ الْمُوسِيعَ يُمْتَعُ الْمَرْأَةُ بِالْعَبْدِ وَالْأَمَةِ وَيُمْتَعُ الْفَقِيرُ بِالْحِنْطَةِ [بِالْتَمْرِ] وَالْزَيْبِ  
 وَالثَّوْبِ وَالدَّرَاهِمِ، وَإِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام مَتَعَ امْرَأَةً طَلَّقَهَا بِأَمَةٍ وَلَمْ  
 يَكُنْ يُطَلِّقُ امْرَأَةً إِلَّا مَتَعَهَا.

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: وَكَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام يُمْتَعُ نِسَاءَهُ بِالْأَمَةِ.  
 ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ  
 أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَالْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ  
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّفِينِ﴾ مَا أَدْنَى ذَلِكَ الْمَتَاعِ إِذَا كَانَ مُعْسِرًا لَا يَجِدُ؟  
 قَالَ: خِمَارٌ أَوْ شِبْهُهُ.

معاویة بن عمّار نیز نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند و می‌گوید: آن  
 حضرت فرمود:

هرگاه امام حسن عليه السلام زنی را طلاق می‌داد، کنیزی به رسم هدیه به او تقدیم می‌کرد.  
 ۵- ابوبصیر گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: منظور از فرمایش خداوند که می‌فرماید:  
 «و برای زنان طلاق داده شده کالا و هدیه مناسبی لازم است. این، حقی بر مردان پرهیزکار  
 است» چیست؟ در صورتی که مردی فقیر باشد، کمترین مقدار کالا چیست؟  
 فرمود: «خمار»<sup>(۱)</sup> یا مانند آن.

۱ - نوعی پوشش که مانند روسری بلند است.

(۴۰)

## بَابُ مَا لِلْمُطَلَّقَةِ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا مِنَ الصَّدَاقِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ وَ تَنْزَوُّجٌ إِنْ شَاءَتْ مِنْ سَاعَتِهَا، وَإِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَيْمَنَّتْهَا.

## بخش چهلم

## حکم مهریه زنی که بدون آمیزش طلاق داده شده

۱- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر کسی زن خود را قبل از آمیزش طلاق بدهد، بدون عده از هم جدا می شوند و زن می تواند در همان لحظه ازدواج کند. اگر شوهر، هنگام ازدواج، مهریه زن را مشخص کرده باشد باید نیم آن را به زن بدهد و اگر چیزی مشخص نکرده باشد باید با تقدیم جهاز و متاع او را بدرقه نماید.

- ۲- صَفْوَانُ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَعَلِيِّ عَنِ أَبِيهِ؛ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: ﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ﴾ .  
 قَالَ: هُوَ الْأَبُ أَوْ الْأَخُ أَوْ الرَّجُلُ يُوصِي إِلَيْهِ، وَالَّذِي يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي مَالِ الْمَرْأَةِ فَيَبْتِغِ لَهَا فَتُحْيِزُ فَإِذَا عَفَا فَقَدْ جَازَ.
- ۳- عَلِيُّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.  
 قَالَ: عَلَيْهِ نِصْفُ الْمَهْرِ إِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا شَيْئاً، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا فَلْيَمْتَمِعْهَا عَلَى نَحْوِ مَا يُمْتَعُ مِثْلَهَا مِنَ النِّسَاءِ.  
 قَالَ: وَ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: ﴿أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ﴾ .

۲- ابوبصیر و سماعه گویند:

امام صادق عليه السلام درباره این آیه که می فرماید: «و هرگاه زنان را پیش از تماس و آمیزش طلاق دهید که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، نیم آن چه را تعیین کرده‌اید بپردازید مگر این که آنها حق خود را ببخشند یا آن که گره ازدواج به دست او ببخشند» فرمود:  
 صاحب عقد و گره ازدواج: پدر، یا برادر، یا وصی و یا کسی که حق تصرف در اموال زن دارد - به صورتی که برای زن خرید کند و زن اجازه آن را به او بدهد - خواهد بود. پس اگر صاحب عقد مهریه را ببخشد، جایز است.

۳- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که زن خود را پیش از آمیزش طلاق دهد فرمود:  
 در صورتی که مهریه را تعیین کرده باشد نصف مهریه بر عهده اوست. و اگر مهریه را معین نکرده است، باید مهریه‌ای مانند مهریه‌ای که زنان هم شأن با همسر او دارند، به همسرش بپردازد.

حلبی ادامه روایت مانند روایت قبلی از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

قَالَ: هُوَ الْأَبُ وَالْأَخُ وَالرَّجُلُ يُوصَى إِلَيْهِ وَالرَّجُلُ يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي مَالِ الْمَرْأَةِ، فَيَبِيعُ لَهَا وَيَشْتَرِي لَهَا، فَإِذَا عَفَا فَقَدْ جَازَ.

۴ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلَى مِائَةِ شَاةٍ ثُمَّ سَاقَ إِلَيْهَا الْغَنَمَ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا وَقَدْ وُلِدَتِ الْغَنَمُ.

قَالَ: إِنْ كَانَتِ الْغَنَمُ حَمَلَتْ عِنْدَهُ رَجَعَ بِنُصْفِهَا وَنُصْفِ أَوْلَادِهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَمْلُ عِنْدَهُ رَجَعَ بِنُصْفِهَا وَلَمْ يَرْجِعْ مِنَ الْأَوْلَادِ بِشَيْءٍ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: سَاقَ إِلَيْهَا غَنَمًا وَرَقِيقًا فَوُلِدَتِ الْغَنَمُ وَالرَّقِيقُ.

۴ - عبید بن زرارہ گوید: بہ امام صادق علیہ السلام عرض کردم: اگر کسی با زنی ازدواج کند و صد رأس گوسفند بہ رسم مہرئہ تقدیم کند، ولی قبل از نزدیکی زن را طلاق بدہد، اینک کہ گوسفندہا زائیدہ اند تکلیف گوسفندہا چہ خواہد بود؟

فرمود: اگر گوسفندہا در نزد شوہر آبستن شدہ باشند، نصف گوسفندہا و نصف برہہا را مسترد می‌دارد، و اگر گوسفندہا در نزد شوہر آبستن نشدہ باشند، فقط نصف گوسفندہا را مسترد می‌دارد و از برہہا چیزی مسترد نخواہد داشت.

عبید بن زرارہ با سند دیگری نظیر ہمین روایت را از امام صادق علیہ السلام نقل می‌کند با این تفاوت کہ آن حضرت فرمود: اگر کسی با زنی ازدواج کرد و گوسفند و کنیزی بہ رسم ہدیہ بہ او تقدیم کرد اکنون گوسفند و کنیز زائیدہ است.

۵- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ الرَّثِقَاءَ أَوْ الْجَارِيَةَ الْبِكْرَ فَيُطَلِّقُهَا سَاعَةً تُدْخَلُ عَلَيْهِ.

فَقَالَ: هَاتَانِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا مَنْ يُوثِقُ بِهِ مِنَ النِّسَاءِ، فَإِنْ كُنَّ عَلَى حَالِهِنَّ كَمَا أُدْخِلْنَ عَلَيْهِ، فَإِنَّ لَهُنَّ نِصْفَ الصَّدَاقِ الَّذِي فَرَضَ لَهَا وَلَا عِدَّةَ عَلَيْهَا مِنْهُ.

۶- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَأَعْطَاهَا عَبْدًا لَهُ أَبْقَاءً وَ بُرْدَ حَبْرَةَ بِأَلْفِ التِّي أَصَدَقَهَا.

فَقَالَ: إِذَا رَضِيَتْ بِالْعَبْدِ وَ كَانَ قَدْ عَرَفْتَهُ فَلَا بَأْسَ إِذَا هِيَ قَبِضَتْ الثُّوبَ وَ رَضِيَتْ بِالْعَبْدِ.

قُلْتُ: فَإِنْ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا؟

۵- زراره گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که با زنی ازدواج کند که دهانه فرج او مسدود باشد و یا با دوشیزه‌ای ازدواج کند و در همان لحظه‌ای که وارد حجله شود، او را طلاق بدهد فرمود:

باید قابله‌های مورد اعتماد عروس را معاینه کنند، اگر به حال اول باقی باشد، عروس نصف مهریه خود را مالک می‌شود و بدون عده از شوهر خود جدا خواهد گشت.

۶- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: انسان با زنی ازدواج می‌کند و برای او هزار درهم نقره مهریه مشخص می‌نماید، اما در عوض هزار درهم، سند برده فراری خود را به اضافه یک قواره لباس پشمی به زن تقدیم می‌کند چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که زن، برده را شناخته باشد و با وجود این که فراری شده به مالکیت او رضایت بدهد و قواره پشمی را نیز دریافت کند، اشکالی ندارد.

گفتم: اگر قبل از نزدیکی آن زن را طلاق بدهد چه صورت دارد؟



قَالَ: لَا مَهْرَ لَهَا وَ تَرُدُّ عَلَيْهِ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ، وَ يَكُونُ الْعَبْدُ لَهَا.  
 ۷- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَ أَحَدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي  
 يَعْفُورٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا أَبَاهَا عَلَى أَنْ تَرُدَّ  
 عَلَيْهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَرُدَّ عَلَيْهِ، وَ إِنَّمَا لَهَا  
 نِصْفُ الْمَهْرِ وَ أَبُوهَا شَيْخٌ قِيمَتُهُ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ هُوَ يَقُولُ: لَوْ لَا أَنْتُمْ لَمْ أَبِغْهُ  
 بِثَلَاثَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ.

فَقَالَ: لَا يُنْظَرُ فِي قَوْلِهِ، وَ لَا تَرُدُّ عَلَيْهِ شَيْئًا.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ  
 عَنْ شَهَابٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَأَدَّاهَا إِلَيْهَا فَوَهَبَتْهَا لَهُ وَ  
 قَالَتْ: أَنَا فِيكَ أَرْغَبُ فَطَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.  
 قَالَ: يَرْجِعُ عَلَيْهَا بِخَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ.

فرمود: زن از مهریه خود چیزی طلب ندارد؛ بلکه باید پانصد درهم نقد به شوهر خود بر  
 گرداند و برده فراری از آن زن خواهد بود.

۷- ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج کرده و پدرزن  
 را که برده زرخرید است به عنوان مهریه به او تقدیم کرده است، با این شرط که زن باید هزار  
 درهم به عنوان مازاد قیمت به او برگرداند، اما قبل از نزدیکی زن را طلاق داده است، حال،  
 با این صورت که عروس فقط نصف مهریه را مالک شده است و اینک پدر او آزاد شده، چه  
 مبلغی باید به شوهر خود برگرداند و با آن که پدر پیرش پانصد درهم می‌ارزد و شوهر او  
 ادعا دارد که اگر پای زن در میان نبود، من حاضر نبودم این برده را به سه هزار درهم  
 بفروشم، (تکلیف آنان چیست؟)

فرمود: به ادعای شوهر ترتیب اثر داده نمی‌شود و زن نباید وجهی به شوهرش برگرداند.  
 ۸- شهاب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی با زنی ازدواج کند و هزار درهم به عنوان  
 مهریه تقدیم کند، ولی زن تمام مبلغ را به شوهر خود ببخشد و بگوید: علاقه من به شما بیش از  
 اینهاست. اتفاقاً شوهرش قبل از آمیزش او را طلاق بدهد، (تکلیف مهریه چه خواهد شد؟)  
 فرمود: شوهر می‌تواند پانصد درهم دیگر از خانم بگیرد.

۹ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَأَمَّهَرَهَا أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ دَفَعَهَا إِلَيْهَا، فَوَهَبَتْ لَهُ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ رَدَّتْهَا عَلَيْهِ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.

قَالَ: تَرُدُّ عَلَيْهِ الْخَمْسِمِائَةَ دِرْهَمِ الْبَاقِيَةِ، لِأَنَّهَا إِنَّمَا كَانَتْ لَهَا خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَهَبَّتْهَا إِيَّاهَا لَهُ وَ لِعَیْرِهِ سَوَاءً.

۱۰ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ أَمَّهَرَهَا أَبَاهَا وَ قِيمَةُ أَبِيهَا خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ عَلَى أَنْ تُعْطِيَهُ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

۹ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج می‌کند و هزار درهم به عنوان مهریه تقدیم می‌کند، بعد زن او پانصد درهم را به شوهرش می‌بخشد. اتفاقاً قبل از نزدیکی، او را طلاق می‌دهد، (اینک تکلیف آنان چیست؟) فرمود: زن بایستی پانصد درهم مانده را نیز به شوهرش برگرداند؛ زیرا از هزار درهم مهریه، فقط پانصد درهم آن حق زن بوده که آن را به شوهرش بخشیده است. بخشش زن به شوهر و دیگری فرقی ندارد.

۱۰ - عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که با زنی ازدواج کرده و پدر زرخرد را که به پانصد درهم می‌ارزد به عنوان مهریه به او تقدیم کرده است با این شرط که زن باید هزار درهم به عنوان مازاد قیمت به او بپردازد. سپس پیش از نزدیکی زن را طلاق داده است (تکلیف چیست؟)

فرمود: زن نباید وجهی به شوهر بپردازد.

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا. قَالَ: عَلَيْهِ نِصْفُ الْمَهْرِ إِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا شَيْئًا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا شَيْئًا فَلْيَمْتَنَّهَا عَلَى نَحْوِ مَا يَمْتَنَّ بِهِ مِثْلُهَا مِنَ النِّسَاءِ.
- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلَى عَبْدٍ وَ امْرَأَتِهِ، فَسَاقَفَهُمَا إِلَيْهَا فَمَاتَتِ امْرَأَةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَرْأَةِ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا. قَالَ: إِنْ كَانَ قَوْمُهَا عَلَيْهَا يَوْمَ تَزَوَّجَهَا، فَإِنَّهُ يُقَوِّمُ الْعَبْدَ الْبَاقِيَ بِقِيمَتِهِ ثُمَّ يُنْظَرُ مَا بَقِيَ مِنَ الْقِيمَةِ الَّتِي تَزَوَّجَهَا عَلَيْهَا، فَتَرُدُّ الْمَرْأَةَ عَلَى الزَّوْجِ ثُمَّ يُعْطِيهَا الزَّوْجُ النِّصْفَ مِمَّا صَارَ إِلَيْهِ.

- ۱۱ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی همسرش را قبل از آن که با او نزدیکی کند، طلاق می دهد (تکلیف مهریه چیست؟) فرمود: اگر مهریه ای برای او معین نموده است، باید نصف آن را بپردازد و اگر مهریه ای معین نکرده است، باید مهریه ای مانند مهریه ای که زنان هم شأن با همسر او دارند، به همسر خود بپردازد.
- ۱۲ - عمار گوید: امام کاظم عليه السلام در باره مردی که با زنی به مهریه یک برده و همسر او ازدواج می کند، برده و کنیز را به همسر خود تحویل می دهد. همسر برده در خانه زن می میرد. سپس مرد پیش از نزدیکی زن را طلاق می دهد. فرمود: اگر مرد در روز ازدواج، قیمت کنیز را برای زن مشخص کرده بود، پس برده زنده را قیمت گذاری می کند. سپس بررسی می کنند که چه مقدار از قیمتی که بر آن ازدواج مهریه شده مانده است. همان مانده را زن به شوهر باز می گرداند. سپس شوهر نصف آن را به زن باز می گرداند.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِي الْمَرْأَةِ تَزَوَّجَ عَلَيَّ الْوَصِيفِ فَيَكْبُرُ عِنْدَهَا فَيَزِيدُ أَوْ يَنْقُصُ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.

قَالَ: عَلَيْهَا نِصْفُ قِيمَتِهِ يَوْمَ دُفِعَ إِلَيْهَا لَا يُنْظَرُ فِي زِيَادَةٍ وَلَا نُقْصَانٍ.

۱۴ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ فِي الرَّجُلِ يُعْتَقُ أُمَّتُهُ فَيَجْعَلُ عَتَقَهَا مَهْرَهَا ثُمَّ يُطَلِّقُهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.

قَالَ: تَرُدُّ عَلَيْهِ نِصْفَ قِيمَتِهَا تُسْتَسَعَى فِيهَا.

۱۳ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام در باره زنی که با مهریه بچه برده‌ای ازدواج می‌کند. بچه برده در نزد او رشد می‌کند و (قیمت آن) بیشتر یا کمتر می‌شود. سپس شوهر او را پیش از نزدیکی طلاق می‌دهد فرمود:

زن باید نصف قیمت برده را به قیمت همان روزی که به او تحویل داده شده بپردازد و توجهی به بیشتر و یا کمتر شدن آن نمی‌شود.

۱۴ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام در باره مردی که کنیز خود را آزاد می‌کند و مهریه‌اش را آزادی او قرار می‌دهد. سپس قبل از آمیزش او را طلاق می‌دهد، فرمود:

کنیز نصف قیمت خود را با کار کردن به شوهر می‌پردازد.

(۴۱)

## بَابُ مَا يُوجِبُ الْمَهْرَ كَمَالاً

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ دَخَلَ بِامْرَأَةٍ. قَالَ: إِذَا التَّمَى الْخِتَانَانِ وَجَبَ الْمَهْرُ وَالْعِدَّةُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- إِذَا التَّمَى الْخِتَانَانِ وَجَبَ الْمَهْرُ وَالْعِدَّةُ وَالْعُسْلُ.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

## بخش چهل و یکم

## آن چه موجب پرداخت مهریه کامل می شود

- ۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در باره مردی که با همسرش نزدیکی می کند فرمود: هنگامی که ختنه گاه مرد با ختنه گاه زن تماس یابد مهریه و عده طلاق واجب می شود.
- ۲ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه که ختنه گاه مرد با ختنه گاه زن تماس یابد، مهریه زن، عده طلاق و غسل جنابت واجب می شود.
- ۳ - داوود بن سرحان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

- إِذَا أَوْلَجَهُ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ وَ الْجَلْدُ وَ الرَّجْمُ وَ وَجَبَ الْمَهْرُ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- مُلاَمَسَةُ النِّسَاءِ هُوَ الْإِيقَاعُ بِهِنَّ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَأَعْلَقَ بَاباً وَ أَرْخَى سِتْرًا وَ لَمَسَ وَ قَبَّلَ ثُمَّ طَلَّقَهَا أَيُوجِبُ عَلَيْهِ الصَّدَاقُ؟
- قَالَ: لَا يُوجِبُ عَلَيْهِ الصَّدَاقُ إِلَّا الْوِقَاعُ.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- سَأَلَهُ أَبِي وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَأَدْخَلَتْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَمَسَّهَا وَ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا حَتَّى طَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ مِنْهُ؟

هرگاه مرد به زن دخول کند، غسل، حد و سنگسار (در خصوص زنا) واجب می‌گردد. هم چنین مهریه نیز واجب می‌شود.

۴ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«تماس با زنان» همان نزدیکی با آنهاست.

۵ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی ازدواج کند و وارد حجله شود و در آن را ببندد و پرده‌ها را بیاویزد و عروس را در آغوش بگیرد و ببوسد، و آن گاه او را طلاق بدهد، آیا مهریه براو واجب خواهد شد؟

فرمود: مهریه فقط با آمیزش واجب خواهد بود.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: من و پدرم در حضور امام صادق علیه السلام بودیم، پدرم پرسید: اگر کسی ازدواج کند و عروس را به منزل خود بیاورد و قبل از نزدیکی او را طلاق بدهد، آیا عروس باید عده نگه دارد؟

فَقَالَ: إِنَّمَا الْعِدَّةُ مِنَ الْمَاءِ .

قِيلَ لَهُ: فَإِنْ كَانَ وَاقَعَهَا فِي الْفَرْجِ وَ لَمْ يُنْزَلِ .

فَقَالَ: إِذَا أُدْخِلَهُ وَجَبَ الْغُسْلُ وَ الْمَهْرُ وَ الْعِدَّةُ .

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ الْمَرْأَةَ وَ قَدْ مَسَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهَا إِلَّا أَنَّهُ لَمْ يُجَامِعْهَا أَلَهَا

عِدَّةٌ؟

فَقَالَ: ابْتُلِيَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام بِذَلِكَ ، فَقَالَ لَهُ أَبُوهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا أَغْلَقَ بَاباً

وَ أَرْخَى سِتْرًا وَ جَبَ الْمَهْرُ وَ الْعِدَّةُ؟

قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: اخْتَلَفَ الْحَدِيثُ فِي أَنَّ لَهَا الْمَهْرَ كَمَلًا وَ بَعْضُهُمْ

فرمود: عِدَّة طلاق، فقط به جهت دخول نطفه شوهر واجب شده است.

به حضرتش گفته شد: پس اگر با او نزدیکی کند، ولی انزال نکند (چطور؟)

فرمود: هرگاه با او نزدیکی کرد غسل، مهریه و عِدَّة طلاق واجب می شود.

۷ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

مردی همسرش را طلاق می دهد در حالی که همه مقدمات نزدیکی را انجام داده، اما با

او نزدیکی نکرده است؛ آیا زن باید عِدَّة نگه دارد؟

فرمود: امام باقر عليه السلام به چنین ماجرای دچار شده بود، پدر بزرگوارش، امام سجّاد عليه السلام به

او فرمود:

هرگاه درب بسته شود و پرده انداخته شود، مهریه و عِدَّة واجب می شود.

ابن ابی عمیر گوید: درباره معنای حدیث اختلاف نظر شده که آیا در این صورت مهریه

به صورت کامل پرداخت خواهد شد، برخی گوید:

قَالَ: نِصْفُ الْمَهْرِ، وَإِنَّمَا مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّ الْوَالِيَّ إِنَّمَا يَحْكُمُ بِالْحُكْمِ الظَّاهِرِ إِذَا أَغْلَقَ الْبَابَ وَارْخَى السُّتْرَ وَجَبَ الْمَهْرُ، وَإِنَّمَا هَذَا عَلَيْهَا إِذَا عَلِمَتْ أَنَّهُ لَمْ يَمَسَّهَا فَلَيْسَ لَهَا فِيهَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ إِلَّا نِصْفُ الْمَهْرِ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ فَيُرْخِي عَلَيْهَا السُّتْرَ وَ يُغْلِقُ الْبَابَ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا فَتُسْأَلُ الْمَرْأَةُ: هَلْ أَتَاكَ؟ فَتَقُولُ: مَا أَتَانِي، وَ يُسْأَلُ هُوَ هَلْ أَتَيْتَهَا؟ فَيقُولُ: لَمْ آتِهَا.

فَقَالَ: لَا يُصَدِّقَانِ، وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تُرِيدُ أَنْ تَدْفَعَ الْعِدَّةَ عَنْ نَفْسِهَا وَ يُرِيدُ هُوَ أَنْ يَدْفَعَ الْمَهْرَ عَنْ نَفْسِهِ. يَعْنِي إِذَا كَانَا مُتَّهَمَيْنِ.

نیمی از مهریه پرداخت می‌شود. بدین معنا که والی فقط به حکم ظاهری داوری می‌کند که هرگاه در حجله بسته شد و پرده آویخت مهریه واجب می‌شود. این در صورتی است که زن بداند که مرد با او تماس نداشته است و در بین آنها و خدا چیزی جز نصف مهریه به زن پرداخت نمی‌شود.

۸- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج می‌کند. پس بر خود و همسرش پرده‌ای انداخته و درب را می‌بندد. سپس همسرش را طلاق می‌دهد. از زن سؤال می‌شود: «آیا همسرت با تو آمیزش نمود؟» می‌گوید: «با من آمیزش نکرد.» و از مرد می‌پرسند: «آیا با همسرت نزدیکی نمودی؟» می‌گوید: «با او آمیزش و نزدیکی نکردم.» امام عليه السلام فرمود: سخن این زن و مرد تصدیق نمی‌شوند؛ چرا که زن می‌خواهد عده را از خود بردارد و مرد قصد دارد که مهریه را از خود بردارد. یعنی در صورتی که زن و شوهر مورد اطمینان نباشند.



۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ فَيَدْخُلُ بِهَا فَيُعْلِقُ بَاباً وَ يُرْخِي سِتْرًا عَلَيْهَا وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَمْ يَمَسَّهَا وَ تُصَدِّقُهُ هِيَ بِذَلِكَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ؟  
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ شَيْءٌ دُونَ شَيْءٍ.  
قَالَ: إِنْ أُخْرِجَ الْمَاءَ اعْتَدَّتْ. يَعْنِي إِذَا كَانَا مَأْمُومَيْنِ صُدِّقَا.

(۴۲)

### بَابُ أَنَّ الْمُطَلَّاقَةَ وَ هُوَ غَائِبٌ عَنْهَا تَعْتَدُ مِنْ يَوْمِ طَلَّقَتْ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ غَائِبٌ عَنْهَا مِنْ أَيِّ يَوْمٍ تَعْتَدُ؟

۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر کسی ازدواج کند و به حجله وارد شود و درها را ببندد و پرده‌ها را بیاویزد، ولی مدعی شود که با عروس نزدیکی نکرده و عروس نیز ادعای داماد را تأیید کند، آیا باید عده نگه دارد؟  
فرمود: نه.

عرض کردم: اگر برخی کارها صورت بگیرد و برخی کارها صورت نگیرد، (تکلیف آنان چه خواهد بود؟)

فرمود: اگر مرد انزال نطفه کند، زن باید عده نگه دارد؛ اگر زن و مرد مورد اطمینان باشند، سخن آنها پذیرفته می‌شود.

### بخش چهل و دوم

### حکم عده زن دور از شوهر

۱- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که در سفر است همسرش را طلاق می‌دهد؛ زن از چه روزی عده نگه دارد؟

- فَقَالَ: إِنَّ أَقَامَتْ لَهَا بَيِّنَةٌ عَدْلٍ أَنَّهَا طَلَّقَتْ فِي يَوْمٍ مَعْلُومٍ وَ تَيَقَّنَتْ فَلْتَعْتَدَ مِنْ يَوْمٍ طَلَّقَتْ وَإِنْ لَمْ تَحْفَظْ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فِي أَيِّ شَهْرٍ فَلْتَعْتَدَ مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا.
- ۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْغَائِبِ إِذَا طَلَّقَ امْرَأَتَهُ. إِنَّهَا تَعْتَدُ مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي طَلَّقَهَا.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ غَائِبٌ عَنْهَا مَتَى تَعْتَدُ؟ قَالَ: إِذَا قَامَتْ لَهَا بَيِّنَةٌ أَنَّهَا طَلَّقَتْ فِي يَوْمٍ مَعْلُومٍ وَ شَهْرٍ مَعْلُومٍ فَلْتَعْتَدَ مِنْ يَوْمٍ طَلَّقَتْ وَإِنْ لَمْ تَحْفَظْ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ أَيِّ شَهْرٍ فَلْتَعْتَدَ مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا.

فرمود: اگر شاهد عادلی برای زن شهادت دهد که او در روز مشخصی طلاق داده شده و زن یقین کند؛ باید از روزی که طلاق داده شده عده نگه دارد. و اگر نداند که در چه روز و چه ماهی طلاق داده شد، باید از همان روزی که خبر طلاق به او رسیده، عده نگه دارد.

۲- بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ كَوَيْد: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر کسی در حال سفر زن خود را طلاق بدهد، عده زن از همان روز طلاق شروع می شود.

۳- زراره نظیر روایت نخست را از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ شُعَيْبِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُطَلَّاقَةِ يُطَلِّقُهَا زَوْجَهَا فَلَا يُعْلِمُ إِلَّا بَعْدَ سَنَةٍ.

فَقَالَ: إِنْ جَاءَ شَاهِدًا عَدْلٍ فَلَا تَعْتَدُ وَإِلَّا فَلْتَعْتَدِ مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا.

۵ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ وَهُوَ غَائِبٌ فَلْيُسْهِدْ عَلَى ذَلِكَ، فَإِذَا مَضَى ثَلَاثَةُ أَقْرَاءٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ فِي الْمُطَلَّاقَةِ:

۴- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: مردی همسرش را طلاق می‌دهد، اما زن پس از یک سال با خبر می‌شود (عده‌اش چگونه است؟)

فرمود: اگر این خبر طلاق دو شاهد عادل. بیاورند، عده نگه نمی‌دارد، وگرنه از همان روزی که از طلاق خود خبردار شده است باید عده نگه دارد.

۵ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی از زن خود دور باشد و او را طلاق بدهد، باید شاهد بگیرد و چون سه ماه کامل از تاریخ طلاق بگذرد، عده زن سپری می‌شود.

۶- ابن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام در باره زن طلاق داده شده فرمود:

إِذَا قَامَتِ الْبَيِّنَةُ أَنَّهُ قَدْ طَلَّقَهَا مُنْذُ كَذَا وَكَذَا فَكَانَتْ عِدَّتُهَا قَدِ انْقَضَتْ فَقَدْ بَانَتْ.  
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ  
 الْوَاسِطِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ غَائِبٌ، فَقَامَتِ الْبَيِّنَةُ عَلَى ذَلِكَ فَعِدَّتُهَا مِنْ يَوْمٍ  
 طَلَّقَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
 الْقُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ وَهُوَ غَائِبٌ فَقَامَتِ لَهَا الْبَيِّنَةُ أَنَّهُ طَلَّقَهَا فِي شَهْرٍ كَذَا وَكَذَا  
 اعْتَدَّتْ مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانَ مِنْ زَوْجِهَا فِيهِ الطَّلَاقُ، وَإِنْ لَمْ تَحْفَظْ ذَلِكَ الْيَوْمَ  
 اعْتَدَّتْ مِنْ يَوْمٍ عَلِمَتْ.

هرگاه بیینه گواهی دهد که شوهر، زن را در فلان روز طلاق داده است و بدین ترتیب عده  
 زن به پایان رسیده باشد؛ از همسرش جدا شده است.

۷- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه مردی از زن خود دور باشد و او را طلاق دهد و براین موضوع بیینه گواهی دهد،  
 عده زن از روزی است که طلاق داده شده است.

۸- ابوصباح کنانی نظیر روایت یکم همین بخش را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

(۴۳)

**بَابُ عِدَّةِ الْمُتَوَقَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَهُوَ غَائِبٌ**

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَتَحْتَهُ امْرَأَةٌ وَهُوَ غَائِبٌ. قَالَ: تَعْتَدُ مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا وَفَاتُهُ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الَّتِي يَمُوتُ عَنْهَا زَوْجُهَا وَهُوَ غَائِبٌ، فَعِدَّتُهَا مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا إِنْ قَامَتِ الْبَيْتَةُ أَوْ لَمْ تَقُمْ.

**بخش چهل و سوم****عِدَّةُ زَنِيٍّ كَمَا شُوهِرَتْ فِي سَفَرِ بَمِيرِد**

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ يَقُولُ: إِمَامُ (بَاقِرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَا إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) دَرَبَارَةُ كَسَى كَمَا بَمِيرِد، وَ زَنِيٍّ دَارِدُ كَمَا زَاوِ دُورِ اسْت، فَرَمُود:
- از روزی که خبر مرگ شوهر به او برسد، عده ننگه دارد.
- ۲- أَبُو صَبَّاحٍ كِنَانِيٍّ يَقُولُ: إِمَامُ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود:
- زَنِيٍّ كَمَا شُوهِرَتْ غَايِبِشَ مِنْ دُنْيَا مِي رُود، عِدَّتُهَا مِنْ يَوْمِ اسْت كَمَا خَبَرَ مَرِغَ شُوهِرَتْ بِهْ أَوْ مِي رُود؛ چَه بِيْتَه شَهَادَتِ دَهْدِ چَه نَدَهْد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَمَحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَبُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْغَائِبِ عَنْهَا زَوْجَهَا إِذَا تُوُفِّيَ .

قَالَ: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا تَعْتَدُ مِنْ يَوْمِ يَأْتِيهَا الْخَبَرُ، لِأَنَّهَا تُحَدُّ عَلَيْهِ .

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَابْنِ عَبَّاسِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الْمَرْأَةِ إِذَا بَلَغَهَا نَعِيَ زَوْجَهَا .

قَالَ: تَعْتَدُ مِنْ يَوْمِ يَبْلُغُهَا أَنَّهَا تُرِيدُ أَنْ تُحَدَّ لَهُ .

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا

عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا وَهُوَ غَائِبٌ مَتَى تَعْتَدُ؟

۳- بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ گوید: امام باقر عليه السلام درباره کسی که در حال سفر بمیرد، فرمود: همسر او باید از همان روزی که از مرگ شوهر باخبر می شود، عده نگه دارد؛ زیرا باید در سوگ شوهر، از زرو زیور پرهیز کند.

۴- حسن بن زیاد نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

۵- رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که شوهر غایبش می میرد، از چه هنگامی باید عده نگه دارد؟

فَقَالَ: يَوْمَ يَبْلُغُهَا وَ ذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ إِحْدَاكُنَّ كَانَتْ تَمَكُّثُ الْحَوْلِ إِذَا تُوُفِّيَ زَوْجُهَا وَ هُوَ غَائِبٌ ثُمَّ تَرْمِي بِبَعْرَةٍ وَرَاءَهَا.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنْ مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا يَعْنِي وَ هُوَ غَائِبٌ فَقَامَتِ الْبَيْتَةُ عَلَى مَوْتِهِ فَعِدَّتُهَا مِنْ يَوْمِ يَأْتِيهَا الْخَبْرُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا؛ لِأَنَّ عَلَيْهَا أَنْ تُحَدَّ عَلَيْهِ فِي الْمَوْتِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا، فَتُمْسِكَ مِنَ الْكُحْلِ وَ الطَّيِّبِ وَ الْأَصْبَاغِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا تَعْتَدُ حِينَ يَبْلُغُهَا، لِأَنَّهَا تُرِيدُ أَنْ تُحَدَّ عَلَيْهِ.

فرمود: از روزی که خبر فوت شوهرش به او می‌رسد.

هم چنین امام عليه السلام یادآور شد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه در زمان جاهلیت شوهر یکی از شما که غایب بود می‌مرد، تا یک سال صبر می‌کرد سپس پشکلی را پشت سرش (نشانه جدا شدن از شوهرش) پرت می‌کرد.

۶- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر شوهر در حال سفر بمیرد و با گواهی دو مرد عادل مرگ او قطعی شود، زن او باید از همان روز اطلاع چهار ماه و ده روز عدّه نگه دارد؛ زیرا در ظرف این چهار ماه و ده روز باید عزادار باشد و از سورمه، عطر و لباسهای رنگارنگ دوری کند.

۷- ابن ابی نصر نظیر روایت سوم همین بخش را از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند.

(۴۴)

**بَابُ عَلَّةِ اخْتِلَافِ عِدَّةِ الْمُطَلَّاقَةِ وَ عِدَّةِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ صَارَتْ عِدَّةُ الْمُطَلَّاقَةِ ثَلَاثَ حِيضٍ أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ صَارَتْ عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا؟ فَقَالَ: أَمَّا عِدَّةُ الْمُطَلَّاقَةِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ فَلَا سِتْبِرَاءَ الرَّحِمِ مِنَ الْوَالِدِ وَ أَمَّا عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرَطَ لِلنِّسَاءِ شَرْطًا وَ شَرَطَ عَلَيَّهِنَّ شَرْطًا فَلَمْ يَجَأْ بِهِنَّ فِيمَا شَرَطَ لَهُنَّ وَ لَمْ يَجْزُ فِيمَا اشْتَرَطَ عَلَيَّهِنَّ شَرَطَ لَهُنَّ فِي الْإِيْلَاءِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ، إِذْ يَقُولُ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿لِلَّذِينَ يُؤُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرْبُصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ فَلَمْ يُجَوِّزْ لِأَحَدٍ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فِي الْإِيْلَاءِ لِعِلْمِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَّهُ غَايَةُ صَبْرِ الْمَرْأَةِ مِنَ الرَّجُلِ.

**بخش چهل و چهارم****علت فرق بین عدّه طلاق و عدّه وفات**

۱ - محمد بن سلیمان گوید: از امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: قربانت گردم! چگونه عدّه زن طلاق داده شده سه حیض و یا سه ماه است و عدّه زن شوهر مرده چهار ماه و ده روز؟ فرمود: عدّه زن مطلقه سه حیض است، به خاطر استبرای رحم از فرزند. و اما در عدّه زن شوهر مرده خداوند متعال برای زنان شرطی قرار داد و هم چنین علیه آنان نیز شرطی. پس در شرطی که برای زنان قرار داد به آنان بخشش و مهربانی ننمود و در شرطی که علیه آنان قرار داد، به آنان ظلم نکرد. برای آنان در ایلاء <sup>(۱)</sup> چهار ماه قرار داد، آن جا که می فرماید: کسانی که زنان خود را ایلاء می نمایند حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. پس برای هیچ کس اجازه نداد که بیشتر از چهار ماه آمیزش را ترک کند؛ زیرا خداوند آگاه است که نهایت صبر زن بر جدایی از شوهر چهار ماه است.

۱ - ایلاء: شوهر سوگند یاد می کند که با همسرش نزدیکی نکند.



وَأَمَّا مَا شَرَطَ عَلَيْهِنَّ، فَإِنَّهُ أَمَرَهَا أَنْ تَعْتَدَّ إِذَا مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا، فَأَخَذَ مِنْهَا لَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ مَا أَخَذَ لَهَا مِنْهُ فِي حَيَاتِهِ عِنْدَ إِيْلَائِهِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ وَلَمْ يَذْكَرِ الْعَشْرَةَ الْأَيَّامَ فِي الْعِدَّةِ إِلَّا مَعَ الْأَرْبَعَةِ أَشْهُرِ، وَ عَلِمَ أَنَّ غَايَةَ صَبْرِ الْمَرْأَةِ الْأَرْبَعَةَ أَشْهُرِ فِي تَرْكِ الْجِمَاعِ فَمِنْ ثَمَّ أَوْجَبَهُ عَلَيْهَا وَ لَهَا.

(۴۵)

### بَابُ عِدَّةِ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ نَفَقَتِهَا

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ:

و اما شرطی که علیه زنان قرار داد؛ پس به زن دستور داد که هنگامی که شوهرش از دنیا رفت چهار ماه و ده روز عده نگه دارد؛ پس چنان که در زمان زنده بودن و در هنگام ایلاء، برای شوهر - به نفع همسرش - شرط گذاشته بود؛ هم چنین در زمان مرگ شوهر، برای زن - به نفع شوهرش - شرط گذاشته است. خداوند فرمود: چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و ده روز را در عده ذکر نکرده مگر به همراه چهار ماه. خداوند می داند که نهایت تحمّل زن درباره ترک آمیزش چهار ماه است؛ پس به همین دلیل این چهار ماه را برای او و علیه او واجب نمود.

### بخش چهل و پنجم

### عده زن باردار در سوگ شوهر هزینة او

۱ - سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا الْحَامِلُ أَجْلُهَا آخِرُ الْأَجَلَيْنِ إِذَا كَانَتْ حُبْلَى فَتَمَّتْ لَهَا  
أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٍ وَعَشْرٌ وَلَمْ تَضَعْ، فَإِنَّ عِدَّتَهَا إِلَى أَنْ تَضَعَ وَإِنْ كَانَتْ تَضَعُ حَمْلَهَا قَبْلَ  
أَنْ يَتِمَّ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٍ وَعَشْرٌ تَعْتَدُ بَعْدَ مَا تَضَعُ تَمَامَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرٍ وَذَلِكَ  
أَبَعْدَ الْأَجَلَيْنِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا، تَنْقِضِي عِدَّتَهَا آخِرَ الْأَجَلَيْنِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ  
قَالَ فِي الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا: إِنَّهُ لَا نَفَقَةَ لَهَا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ  
عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

اگر زنی باردار باشد و شوهر او از دنیا برود، باید دورترین موعد را رعایت کند، اگر چهار  
ماه و ده روز بگذرد و زایمان نکرده باشد، عده او تا روز زایمان ادامه دارد، و اگر زایمان کند  
و هنوز چهار ماه و ده روز نگذشته باشد، بقیه چهار ماه و ده روز را باید با حال عزا عده نگه  
دارد که معنای دورترین موعد همین است.

۲ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زنی که شوهرش از دنیا می رود فرمود:

عده او در پایان آخرین موعد سپری می شود.

۳ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره زن بارداری که شوهرش از دنیا می رود فرمود:

نفقه و هزینه ای ندارد.

۴ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

عِدَّةُ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا آخِرُ الْأَجَلَيْنِ؛ لِأَنَّ عَلَيْهَا أَنْ تُجِدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا وَ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الطَّلَاقِ أَنْ تُجِدَّ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي امْرَأَةٍ تُوَفِّي عَنْهَا زَوْجُهَا وَ هِيَ حُبْلَى، فَوَلَدَتْ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا فَتَزَوَّجَتْ؛ فَقَضَى أَنْ يُحْلِيَ عَنْهَا ثُمَّ لَا يَحْطُبُهَا حَتَّى يَنْقُضِيَ آخِرُ الْأَجَلَيْنِ، فَإِنْ شَاءَ أَوْلِيَاءُ الْمَرْأَةِ أَنْكَحُوهَا وَإِنْ شَاءَ وَأَمْسَكُوهَا فَإِنْ أَمْسَكُوهَا رَدُّوا عَلَيْهِ مَالَهُ.

۶ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحُبْلَى الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا عِدَّتُهَا آخِرُ الْأَجَلَيْنِ.

زن بارداری که شوهرش بمیرد باید طولانی‌ترین عدّه را رعایت کند؛ چرا که زن شوهر مرده باید چهار ماه و ده روز ماتم بگیرد؛ ولی در عدّه طلاق، عزا و ماتمی لازم نیست.

۵ - محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام در باره زن بارداری که شوهرش از دنیا رفته بود و زن پیش از پایان چهار ماه و ده روز زایمان نموده و ازدواج کرد، این گونه قضاوت نمود:

شوهر دوم، زن را رها کند. سپس حق ندارد از او خواستگاری کند تا این که عدّه طولانی او به پایان رسد. پس اگر اولیای زن خواستند، او را شوهر دهند و اگر خواستند، او را نگه دارند. پس اگر خواستند زن را نگه دارند، مهریه را به شوهر دوم بازگردانند.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عدّه زن بارداری که شوهرش مرده آخرین و طولانی‌ترین موعده است.

۷- عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا تَضَعُ وَتَزَوِّجُ قَبْلَ أَنْ تَخْلُوَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا. قَالَ: إِنْ كَانَ زَوْجُهَا الَّذِي تَزَوَّجَهَا دَخَلَ بِهَا فُرَّقَ بَيْنَهُمَا وَاعْتَدَّتْ مَا بَقِيَ مِنْ عِدَّتِهَا الْأُولَى، وَعِدَّةُ أُخْرَى مِنَ الْأَخِيرِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ دَخَلَ بِهَا فُرَّقَ بَيْنَهُمَا، وَاعْتَدَّتْ مَا بَقِيَ مِنْ عِدَّتِهَا وَهُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ. وَعَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ خَالِدِ الْعَاقُولِيِّ عَنْ كَرَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مِثْلَهُ

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ لَهَا نَفَقَةٌ؟

۷- محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر شوهر زن بارداری فوت کند و او بعد از زایمان ازدواج کند در حالی که هنوز چهار ماه و ده روز عزا سپری نشده باشد، (تکلیفش چیست؟)

فرمود: اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باید آن دورا از هم جدا کنند و زن مانده عدّه وفات را سپری کند و یک عدّه طلاق نیز به خاطر شوهر دوم داشته باشد، بعد از آن می تواند ازدواج کند. و اگر شوهر دوم با او نزدیکی نکرده باشد، آن دورا از هم جدا کنند و زن مانده عدّه وفات را سپری کند؛ بعد از آن، شوهر دوم می تواند مانند دیگران به خواستگاری آن زن برود.

۸- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره زن بارداری که شوهرش از دنیا می رود پرسیدم که آیا نفقه بارداری دارد؟

قَالَ: لَا.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ لَهَا نَفَقَةٌ؟  
قَالَ: لَا.

وَرُوِيَ أَيْضًا: أَنَّ نَفَقَتَهَا مِنْ مَالِ وَلَدِهَا الَّذِي فِي بَطْنِهَا.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
الْمَرْأَةُ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ مَالِ وَلَدِهَا الَّذِي فِي بَطْنِهَا.

فرمود: نه.

۹- زراره نظیر این روایت را امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

در روایت دیگری آمده است: هزینه آن زن از مال فرزندی است که در شکمش دارد.

۱۰- ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به زن بارداری که شوهرش می‌میرد، از اموال فرزندی که در شکمش دارد نفقه داده

می‌شود.

(۴۶)

**بَابُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا الْمَدْخُولِ بِهَا أَيْنَ تَعْتَدُ؟ وَمَا يَجِبُ عَلَيْهَا؟**

۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ وَ  
مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَتَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا أَوْ حَيْثُ شَاءَتْ ؟  
قَالَ : بَلْ حَيْثُ شَاءَتْ ، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا تُوفِّيَ عُمَرُ أَتَى أُمَّ كُثُومٍ فَأَنْطَلَقَ بِهَا إِلَى  
بَيْتِهَا .

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ  
سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ امْرَأَةٍ تُوفِّيَ زَوْجُهَا أَيْنَ تَعْتَدُ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا تَعْتَدُ أَوْ حَيْثُ شَاءَتْ ؟

### بخش چهل و ششم

#### چگونگی عدّه زن شوهر مرده در سوگ شوهر

۱ - معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی که شوهرش می‌میرد، آیا در  
همان خانه مسکونی عدّه عزا نگه دارد یا به هر جا که مایل باشد می‌تواند منتقل شود؟  
فرمود: هر جا که مایل باشد می‌تواند عدّه نگه دارد. موقعی که عمر گذشته شد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ  
به خانه او رفت و ام کلثوم را به خانه خود منتقل نمود.

۲ - سلیمان بن خالد نیز نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

قَالَ: بَلَى حَيْثُ شَاءَتْ .

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا مَاتَ عُمَرُ أَتَى أُمَّ كُثُومٍ، فَأَخَذَ بِيَدِهَا فَأَنْطَلَقَ بِهَا إِلَى بَيْتِهِ .

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا أَ تَخْرُجُ إِلَى بَيْتِ أَبِيهَا وَأُمِّهَا مِنْ بَيْتِهَا إِنْ شَاءَتْ فَتَعْتَدُ؟

فَقَالَ: إِنْ شَاءَتْ أَنْ تَعْتَدَ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا اعْتَدَتْ، وَإِنْ شَاءَتْ اعْتَدَتْ فِي أَهْلِهَا، وَلَا تَكْتَحِلُ وَلَا تَلْبَسُ حُلِيًّا.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبَانَ بْنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا.

۳- عبدالله بن سلیمان گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا زنی که شوهرش وفات نموده می‌تواند از خانه خود خارج شده و به خانه پدر و مادرش برود و در آن جا عده نگه دارد؟

فرمود: اگر بخواهد در خانه شوهرش عده نگه دارد، می‌تواند چنین کند. و اگر بخواهد می‌تواند نزد خانواده خود عده نگه دارد؛ چنین زنی نباید سرمه بکشد و نیز نباید از زیور آلات استفاده کند.

۴- ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که شوهرش مرده، چه تکلیفی دارد؟

فَقَالَ: لَا تَكْتَحِلْ لِلزَّيْنَةِ، وَلَا تَطَيَّبُ، وَلَا تَلْبَسُ ثَوْبًا مَصْبُوغًا، وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا وَ تَقْضِي الْحُقُوقَ وَ تَمْتَشِطُ بِغَسَلَةٍ وَ تَحُجُّ وَ إِنْ كَانَتْ فِي عِدَّتِهَا.

۵ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَ تَحُجُّ وَ تَشْهَدُ الْحُقُوقَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۶ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ ابْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

قَالَ: لَا تَكْتَحِلْ لِلزَّيْنَةِ، وَلَا تَطَيَّبُ وَ لَا تَلْبَسُ ثَوْبًا مَصْبُوغًا، وَ لَا تَخْرُجُ نَهَارًا، وَ لَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا.

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَرَادَتْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى حَقٍّ كَيْفَ تَصْنَعُ؟

قَالَ: تَخْرُجُ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ تَرْجِعُ عِشَاءً.

فرمود: برای آرایش، به چشم خود سورمه نکشد، بوی خوش به کار نبرد، لباس‌های رنگارنگ نپوشد و شب‌ها در خارج منزل به سر نبرد. اما می‌تواند به دید و بازدیدهای حقوقی بپردازد و سر خود را با یک آب شانه کند و یا به قصد حج راهی خانه خدا گردد.

۵ - عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که شوهرش مرده می‌تواند به حج برود و در مسایل حقوقی شاهد باشد و گواهی بدهد؟ فرمود: آری.

۶ - ابو عباس گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: زنی که شوهرش مرده، چه تکلیفی دارد؟

فرمود: برای آرایش به چشم خود سورمه نکشد، عطر نزند، لباس رنگی نپوشد، روزها از خانه بیرون نرود و شب‌ها در خارج منزل به سر نبرد.

عرض کردم: اگر بخواهد حق کسی را ادا کند، به چه صورت ادا کند؟

فرمود: بعد از نیمه شب از خانه خارج شود و غروب به خانه باز گردد.



۷- حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَنْتَخِرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا.

قَالَ: تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا وَتَحُجُّ وَتَنْتَقِلُ مِنْ مَنْزِلٍ إِلَى مَنْزِلٍ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَيَنْ تَعْتَدُ؟

قَالَ: حَيْثُ شَاءَتْ، وَلَا تَبِيتُ عَنْ بَيْتِهَا.

۹- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ

رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَنْتَعُدَّ فِي بَيْتِ تَمَكُّتٍ فِيهِ شَهْرًا أَوْ أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ

أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تَتَحَوَّلُ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ، فَتَمَكُّتُ فِي الْمَنْزِلِ الَّذِي تَحَوَّلْتَ إِلَيْهِ مِثْلَ مَا

مَكَّتَتْ فِي الْمَنْزِلِ الَّذِي تَحَوَّلْتَ مِنْهُ كَذَا صَنِيعُهَا حَتَّى تَنْقُضِي عِدَّتَهَا؟

۷- عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زنی که شوهرش مرده، می تواند

از خانه شوهر خارج شود؟

فرمود: می تواند از خانه شوهر خارج شود، به حج خانه خدا برود و از خانه ای به خانه

دیگر منتقل گردد.

۸- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: زنی که

شوهرش مرده در کجا عده خود را به سر ببرد؟

فرمود: در هر خانه ای که مایل باشد می تواند عده نگه دارد، اما شب ها در خارج از

منزل به سر نبرد.

۹- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زنی که شوهرش مرده می تواند یک ماه یا

کمتر یا بیشتر از آن را در یک خانه عده نگه دارد سپس به خانه دیگری برود و در آن جا هم

به همان اندازه ای که در خانه قبلی مانده بود، عده نگه دارد و همین طور تغییر مکان دهد تا

عده اش تمام شود؟

قَالَ: يَجُوزُ ذَلِكَ لَهَا وَ لَا بَأْسَ .

۱۰ - حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَسْتَفْتِيهِ فِي الْمَبِيتِ فِي غَيْرِ بَيْتِهَا وَ قَدْ مَاتَ زَوْجُهَا.

فَقَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ كَانَ إِذَا مَاتَ زَوْجُ الْمَرْأَةِ أَحَدَّتْ عَلَيْهِ امْرَأَتُهُ اثْنَيْ عَشَرَ شَهْرًا، فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا عليه السلام رَحِمَ ضَعْفَهُنَّ فَجَعَلَ عِدَّتَهُنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا وَ أَنْتُنَّ لَا تَصْبِرْنَ عَلَى هَذَا.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَدَّادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ يَمُوتُ عَنْهَا زَوْجُهَا أَوْ يَصْلُحُ لَهَا أَنْ تَحْجَّ أَوْ تَعُودَ مَرِيضًا؟

قَالَ: نَعَمْ، تَخْرُجُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَا تَكْتَحِلُ وَ لَا تَطِيبُ.

فرمود: چنین عملی برای زن جایز است و ایرادی ندارد.

۱۰ - محمد بن مسلم گوید: زنی به خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شد و عرض کرد: شوهر من فوت کرده است، آیا می توانم در عده وفات او شب ها در خارج از منزل به سر ببرم؟ فرمود: در عهد جاهلیت زنان برای شوهران خود یک سال تمام عزا می گرفتند، بعد از آن که خداوند متعال حضرت محمد عليه السلام را بر انگیخت بر ناتوانی آنان رحم کرد و عده عزا را به چهار ماه و ده روز تقلیل داد، و اینک شما خانم ها بر همین مدت نیز بردباری ندارید.

۱۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: زن شوهر مرده می تواند به حج برود یا از بیماری عیادت کند؟

فرمود: آری؛ می تواند برای انجام حقوقی که در راه خداست از خانه خارج شود، اما سرمه نکشد و عطر نزند.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا لَيْسَ لَهَا أَنْ تَطَيَّبَ وَلَا تَزَيَّنَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ تَكُونُ فِي عِدَّتِهَا أَنْتَخْرُجُ فِي حَقِّ؟ فَقَالَ: إِنْ بَعْضَ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلْتُهُ فَقَالَتْ: إِنْ فُلَانَةٌ تُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا فَتَخْرُجُ فِي حَقِّ يَنْوِبُهَا.

فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفِ لَكِنَّ! قَدْ كُنْتَنَ مِنْ قَبْلِ أَنْ أُبْعَثَ فَيَكُنَّ، وَ أَنَّ الْمَرْأَةَ مِنْكُنَّ إِذَا تُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَخَذَتْ بَعْرَةَ فَرَمَتْ بِهَا خَلْفَ ظَهْرِهَا.

۱۲- زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زنی که شوهرش مرده، نباید عطر بزند و آرایش کند تا موقعی که چهار ماه و ده روز سپری شود.

۱۳ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا زن شوهر مرده که در عده وفات است می تواند برای حقوق دینی از خانه بیرون رود؟

فرمود: یکی از زنان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره همین موضوع از آن حضرت پرسید و عرض کرد: شوهر فلان زن مرده است؛ آیا می تواند برای انجام حقی که برگردنش آمده است، از منزل خارج شود؟

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: آف بر شما باد! پیش از آن که من در میان شما برانگیخته شوم، شما زنان چنین بودید که هرگاه زنی شوهرش از دنیا می رفت، پشکلی بر می داشت و آن را پشت سر خود پرتاب می نمود.

ثُمَّ قَالَتْ: لَا أَمْتَشِطُ، وَلَا أَكْتَجِلُ وَلَا أَخْتَضِبُ حَوْلًا كَامِلًا، وَإِنَّمَا أَمْرُتُكُنَّ  
بِأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ثُمَّ لَا تَصْبِرُونَ لَا تَمْتَشِطُ وَلَا تَكْتَجِلُ وَلَا تَخْتَضِبُ وَلَا تَخْرُجُ  
مِنْ بَيْتِهَا نَهَارًا وَلَا تَبِيتُ عَنْ بَيْتِهَا.

فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَكَيْفَ تَصْنَعُ إِِنْ عَرَضَ لَهَا حَقٌّ؟

فَقَالَ: تَخْرُجُ بَعْدَ زَوَالِ اللَّيْلِ وَتَرْجِعُ عِنْدَ الْمَسَاءِ، فَتَكُونُ لَمْ تَبِيتُ عَنْ بَيْتِهَا.

قُلْتُ لَهُ: فَتَحُجُّ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبَيْتِ تُؤْفِي عَنْهَا زَوْجَهَا أَتَحُجُّ.

قَالَ: نَعَمْ وَتَخْرُجُ وَتَنْتَقِلُ مِنْ مَنْزِلٍ إِلَى مَنْزِلٍ.

سپس می‌گفت: «تا یک سال کامل خود را آرایش نمی‌کنم، سرمه نمی‌کشم و خضاب  
نمی‌کنم» و همانا که من شمارا به چهار ماه و ده روز فرمان نمودم، اما شما تحمل ندارید که  
زن شوهر مرده آرایش نکند، سرمه نکشد، خضاب نبندد، در روز از خانه‌اش بیرون نرود  
و در غیر خانه‌اش شب را سپری نکند.

همسر پیامبر ﷺ عرض کرد: ای پیامبر خدا! اگر کار واجبی برایش پیش آمد، چه کار کند؟  
فرمود: بعد از پایان شب خارج شود و هنگام غروب بازگردد. بنابراین شب را در بیرون  
از خانه‌اش به سر نبرده است.

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا می‌تواند به حج برود؟

فرمود: آری.

۱۴ - ابن بُكَيْرٍ گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زن شوهر مرده می‌تواند به حج برود؟

فرمود: آری، می‌تواند و هم چنین می‌تواند از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل شود.

(۴۷)

**بَابُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ مَا لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ وَ الْعِدَّةِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ تَحْتَهُ امْرَأَةٌ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.

قَالَ: لَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ وَ لَهَا الْمِيرَاثُ كَامِلًا وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَامِلَةً.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا. قَالَ: إِنْ هَلَكَتْ أَوْ هَلَكَ أَوْ طَلَّقَهَا فَلَهَا النِّصْفُ، وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَمَلًا وَ لَهَا الْمِيرَاثُ.

**بخش چهل و هفتم****حکم مهریه و عده زنی که قبل از عروسی شوهرش فوت کرده است**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره کسی که بمیرد و هنوز بازنش نزدیکی نکرده باشد، فرمود:

آن زن نیمی از مهریه خود را مالک می شود و سهم میراث خود را به طور کامل می گیرد و باید چهار ماه و ده روز عده وفات بگیرد.

۲ - عبید بن زراره گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر مردی با زنی ازدواج کند و هنوز با او نزدیکی نکرده است.

فرمود: اگر زن و یا مرد، قبل از نزدیکی بمیرند و یا مرد قبل از عروسی زن را طلاق دهد؛ نیمی از مهریه حق زن است و اگر مرد بمیرد، زن از او ارث می برد و چهار ماه و ده روز در سوگ او می نشیند.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً  
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام  
أَنَّهُ قَالَ فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.  
إِنَّ لَهَا نِصْفَ الصَّدَاقِ، وَ لَهَا الْمِيرَاثُ، وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
إِنَّ لَمْ يَكُنْ قَدْ دَخَلَ بِهَا وَ قَدْ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا، فَلَهَا نِصْفُ مَا فَرَضَ لَهَا، وَ لَهَا  
الْمِيرَاثُ وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ.
- ۵- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ  
بْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَمُوتُ قَبْلَ أَنْ يَدْخَلَ بِهَا، أَوْ يَمُوتُ الزَّوْجُ قَبْلَ أَنْ يَدْخَلَ  
بِهَا.

۳- راوی دیگری نظیر روایت یکم همین بخش را از امام سجّاد عليه السلام نقل می‌کند.

۴- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر شوهری با زنش نزدیکی نکرده، اما مهریه‌اش را معین کرد، زن استحقاق نصف  
مهریه را دارد. هم چنین حق ارث دارد و باید عده نگه دارد.

۵- زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر زن و یا مرد پیش از نزدیکی بمیرند، مهریه

عروس چه حکمی دارد؟

فَقَالَ: أَيُّهُمَا مَاتَ فَلِلْمَرْأَةِ نِصْفُ مَا فَرَضَ لَهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا فَلَا مَهْرَ لَهَا.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي امْرَأَةٍ تُؤْفِيَتْ قَبْلَ أَنْ يَدْخَلَ بِهَا مَا لَهَا مِنَ الْمَهْرِ؟ وَكَيْفَ مِيرَاثُهَا؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ قَدْ فَرَضَ لَهَا صَدَاقًا فَلَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ وَهُوَ يَرِثُهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا صَدَاقًا فَلَا صَدَاقَ لَهَا.

وَ قَالَ فِي رَجُلٍ تُؤْفِي قَبْلَ أَنْ يَدْخَلَ بِامْرَأَتِهِ.

قَالَ: إِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ، وَهِيَ تَرِثُهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَا مَهْرَ لَهَا.

فرمود: هر کدام بمیرد یک نیمه مهریه حق زن خواهد بود؛ و اگر مهریه مشخص نشده باشد، زن حقی به مهریه ندارد.

۶- ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که پیش از آمیزش می میرد؛ مهریه و میراثش چگونه است؟

فرمود: هنگامی که شوهر برای زن مهریه معین کرده، نصف مهریه از آن زن است، و مرد از او ارث می برد. و اگر مرد برای همسرش مهریه معین نکرده، زن مهریه ای ندارد.

حضرتش در مورد مردی که پیش از نزدیکی از دنیا می رود فرمود:

اگر مرد برای همسرش مهریه معین نکرده باشد، زن مهریه ای نخواهد داشت.

۷- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ فَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَا: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا نَقُولُ فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا وَ قَدْ فَرَضَ لَهَا الصَّدَاقُ؟

فَقَالَ: لَهَا نِصْفُ الصَّدَاقِ، وَ تَرِثُهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَإِنْ مَاتَتْ فِيهَا كَذَلِكَ.

۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ لَمْ يَمَسَّهَا.

قَالَ: لَا تَنْكِحُ حَتَّى تَعْتَدَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

۹- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ

عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.

۷- عبید بن زرارہ و فضل ابو عباس گویند: به امام صادق علیه السلام عرض کردیم: نظر شما در مورد مردی که با زنی ازدواج نموده و مهریه‌ای برای همسرش قرار داده و از دنیا رفته است، چیست؟

فرمود: نصف مهریه از آن زن است و او از همه اموال شوهرش ارث می‌برد. و اگر زن بمیرد نیز همین حکم را دارد.

۸- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

اگر مردی ازدواج کند و پیش از نزدیکی بمیرد، زن او حق ندارد ازدواج کند، مگر بعد از عده و وفات که چهار ماه و ده روز عزا بگیرد.

۹- عبید بن زرارہ گوید: امام صادق علیه السلام درباره زنی که پیش از نزدیکی به عزای شوهر می‌نشیند فرمود:



قَالَ: هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْمُطَلَّاقَةِ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا إِنْ كَانَ سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُهُ وَهِيَ تَرْتُهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَا مَهْرَ لَهَا، وَهِيَ تَرْتُهُ.  
قُلْتُ: وَالْعِدَّةُ؟

قَالَ: كُفَّ عَنْ هَذَا.

۱۰ - حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقِيلِ؛ وَ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ يَمُوتُ عَنْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا.

قَالَ: لَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ، وَ لَهَا الْمِيرَاثُ وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ هَلَكَ زَوْجُهَا وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.

این زن به سان زنی است که قبل از آمیزش طلاق بگیرد، اگر مرد مهریه او را مشخص کرده باشد، یک نیمه مهریه حق اوست و میراث او از شوهر برقرار خواهد بود و اگر مرد مهریه او را مشخص نکرده باشد، زن حقی به مهریه ندارد، ولی میراث او برقرار است.

گفتم: تکلیف عده چه خواهد بود؟

فرمود: این مسأله را خلط مکن.

۱۰ - حسن صیقیل و ابو عباس نظیر روایت یکم همین بخش را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کنند.

۱۱ - عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شوهر زنی بدون آن که با او

نزدیکی کند از دنیا رفته است (چه باید کرد؟)

قَالَ: لَهَا الْمِيرَاثُ وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَامِلَةً، وَإِنْ سَمَّى لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ سَمَّى لَهَا مَهْرًا فَلَا شَيْءَ لَهَا.

(۴۸)

### بَابُ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ ثُمَّ يَمُوتُ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ طَلَاقًا يَمْلِكُ فِيهِ الرَّجْعَةَ، ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا.

قَالَ: تَعْتَدُ بِأَبْعَدِ الْأَجَلَيْنِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا.

۲ - عَنْهُ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فِي الْمَطْلُوقَةِ الْبَائِنَةِ إِذَا تُوفِّيَ عَنْهَا وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا.  
قَالَ: تَعْتَدُ بِأَبْعَدِ الْأَجَلَيْنِ.

فرمود: زن حق ارث دارد و باید عده کامل نگه دارد و اگر شوهر برای او مهریه‌ای معین نموده بود زن استحقاق نصف آن را دارد و اگر مهریه‌ای معین نکرده بود، زن استحقاق چیزی را ندارد.

### بخش چهل و هشتم

#### حکم مردی که زنش را طلاق می‌دهد و پیش از

#### سپری شدن عده طلاق می‌میرد

۱ - راوی گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره مردی که همسرش را طلاق رجعی می‌دهد سپس می‌میرد فرمود:

طولانی‌ترین عده را که چهار ماه و ده روز است نگه می‌دارد.

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد زنی که طلاق «بائن» داده شده است و در عده‌اش شوهرش می‌میرد فرمود:

طولانی‌ترین عده را نگه می‌دارد.

۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ تَوَفَّى وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا.

قَالَ: تَرْتُهُ وَإِنْ تَوَفَّيْتُ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا، فَإِنَّهُ يَرْتُهَا وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا يَرْتُ مِنْ دِيَّةِ صَاحِبِهِ مَا لَمْ يَقْتُلْ أَحَدَهُمَا الْآخَرَ.

وَ زَادَ فِيهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ: وَ تَعْتَدُ عِدَّةَ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ سَمَاعَةَ: وَ هَذَا الْكَلَامُ سَقَطَ مِنْ كِتَابِ ابْنِ زِيَادٍ، وَ لَا أَظُنُّهُ إِلَّا وَ قَدْ رَوَاهُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ مَالِهِ.

۳ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره کسی زن خود را طلاق بدهد و قبل از پایان عده بمیرد این گونه داوری فرمود:

زن از شوهر خود ارث می برد و باید از روز وفات شوهر، عده وفات بگیرد و اگر زن بمیرد، شوهرش از او ارث می برد، مادام که عده طلاق به سر نیامده زن و شوهر از هم ارث می برند در صورتی که قاتل یکدیگر نباشند.

محمد بن ابی حمزه می افزاید: زن عده زن شوهر مرده را نگه می دارد حسن بن سماعه گوید: این سخن از کتاب ابن زیاد سقط شده است و به پندار من او این سخن را نیز روایت کرده است.

۴ - محمد بن مسلم گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هزینه زندگی زنی که در عده وفات است باید از اموال شوهرش تأمین شود.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ كَانَتْ تَحْتَهُ امْرَأَةٌ فَطَلَّقَهَا ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا.

قَالَ: تَعْتَدُ أَبَعَدَ الْأَجَلَيْنِ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:  
أَيُّمَا امْرَأَةٍ طَلَّقْتَ ثُمَّ تُوفِّيَ عَنْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا وَلَمْ تَحْرُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهَا تَرْتُهُ ثُمَّ تَعْتَدُ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا، وَإِنْ تُوفِّيَتْ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا وَلَمْ تَحْرُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ يَرْتُهَا.

۵- هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که زن خود را طلاق بدهد و قبل از پایان گرفتن عده او بمیرد، فرمود:

زن طولانی ترین عده را که چهار ماه و ده روز عده وفات را بگیرد.

۶- محمد بن قیس گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هر زنی طلاق داده شود سپس پیش از تمام شدن عده، شوهرش بمیرد و طلاق رجعی باشد، زن از او ارث می برد، سپس عده وفات نگه می دارد و اگر زن در حالی که در عده است بمیرد و طلاق رجعی باشد، مرد از او ارث می برد.

(۴۹)

## بَابُ طَلَاقِ الْمَرِيضِ وَ نِكَاحِهِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَرِيضِ أَلَهُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ فِي تِلْكَ الْحَالِ؟  
قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ إِنْ شَاءَ، فَإِنْ دَخَلَ بِهَا وَرَثَتُهُ، وَإِنْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا  
فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ.

۲- وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رَبِيعِ الْأَصَمِّ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ وَ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ كِلَاهُمَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

## بخش چهل و نهم

## ازدواج و طلاق در حال بیماری

۱- عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی بیمار باشد می تواند زن خود را طلاق بدهد؟

فرمود: نه. اما اگر در حال بیماری ازدواج کند و با آن زن عروسی کند، زن بعد از مرگ او ارث می برد؛ و اگر عروسی نکند ازدواج آنان باطل است.

۲- ابو عبید حداء و ابی ورد گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَةً فِي مَرَضِهِ ثُمَّ مَكَثَتْ فِي مَرَضِهِ حَتَّى انْقَضَتْ  
عِدَّتُهَا، فَإِنَّهَا تَرْتُهُ مَا لَمْ تَتَزَوَّجْ، فَإِنْ كَانَتْ تَزَوَّجَتْ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ، فَإِنَّهَا لَا  
تَرْتُهُ.

۳- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ  
مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ؛ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ كُلِّهِمْ  
عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي  
رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مَرِيضٌ.

قَالَ: إِنْ مَاتَ فِي مَرَضِهِ وَ لَمْ تَتَزَوَّجْ وَرِثَتُهُ، وَ إِنْ كَانَتْ قَدْ تَزَوَّجَتْ فَقَدْ رَضِيَتْ  
بِالَّذِي صَنَعَ لَا مِيرَاثَ لَهَا.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ  
زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

هرگاه کسی در حال بیماری زن خود را طلاق بدهد و بیماری او چندان به طول انجامد  
که عده زن سپری شود و بعد از آن بمیرد، این طلاق باطل می‌شود و زن از شوهر خود  
مادامی که بعد از عده طلاق شوهر نکرده باشد، ارث می‌برد و اگر بعد از طلاق و انقضای  
عده شوهر کرده باشد، دیگر از شوهر اول خود ارث نخواهد برد.

۳- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که بیمار است و همسرش را طلاق می‌دهد  
فرمود:

اگر مرد در همان بیماری از دنیا برود و زن پس از طلاق از او، با شوهر دوم ازدواج نکرده  
باشد، از او ارث می‌برد و اگر ازدواج کرده باشد، پس به عملی که شوهرش با او انجام داده  
است (طلاق) رضایت داشته است؛ حق ارث ندارد.

۴- عبید بن زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

لَا يَجُوزُ طَلَاقُ الْمَرِيضِ وَ يَجُوزُ نِكَاحُهُ.

۵- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَسِّنٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مَرِيضٌ حَتَّى مَضَى لِذَلِكَ سَنَةً.  
قَالَ: تَرْتُهُ إِذَا كَانَ فِي مَرَضِهِ الَّذِي طَلَّقَهَا، وَ لَمْ يَصِحَّ بَيْنَ ذَلِكَ.

۶- وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مَرِيضٌ تَطْلِيقَةً وَ قَدْ كَانَ طَلَّقَهَا قَبْلَ ذَلِكَ تَطْلِيقَتَيْنِ.

قَالَ: فَإِنَّهَا تَرْتُهُ إِذَا كَانَ فِي مَرَضِهِ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا حَدُّ الْمَرَضِ؟

قَالَ: لَا يَزَالُ مَرِيضاً حَتَّى يَمُوتَ، وَإِنْ طَالَ ذَلِكَ إِلَى السَّنَةِ.

طلاق بیمار جایز نیست، اما ازدواج او جایز است.

۵- عیب‌بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی زن خود را در حال بیماری طلاق بدهد و بیماری او تا هنگام مرگ یک سال به طول انجامد، (طلاق او چه صورت دارد؟)

فرمود: زن از شوهر خود ارث می‌برد، با این شرط که شوهر در ظرف این مدت از بیماری خود بهبودی نیافته باشد.

۶- ابو عباس گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر کسی در حال بیماری زن خود را طلاق بدهد، در صورتی که پیش از آن دو نوبت دیگر او را طلاق داده باشد، (تکلیف زن چیست؟)

فرمود: زن از شوهر خود ارث می‌برد، با این شرط که طلاق در حال بیماری باشد.

عرض کردم: مدت بیماری چقدر است؟

فرمود: بیماری شوهر تا مرگ او ادامه یابد، گرچه یک سال به طول انجامد.

- ۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي مَرَضِهِ وَرِثَتُهُ مَا دَامَ فِي مَرَضِهِ ذَلِكَ، وَإِنْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا إِلَّا أَنْ يَصِحَّ مِنْهُ. قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ طَالَ بِهِ الْمَرَضُ. قَالَ: مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَنَةٍ.
- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُطَلَّقَ وَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ.
- ۹ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مَرِيضٌ.

۷- ابو عباس گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر کسی در حال بیماری زن خود را طلاق بدهد، مادام که بیماری او بر دوام باشد، طلاق او لغو می شود و زن از شوهر خود ارث می برد گر چه عده طلاق سپری گردد، مگر آن که شوهر از بیماری خود بهبودی یابد.

عرض کردم: گر چه بیماری او به طول انجامد؟

فرمود: این حکم ظرف یک سال از تاریخ طلاق، برقرار است.

۸- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بیمار نباید زن خود را طلاق دهد، ولی می تواند ازدواج کند.

۹- سماعه گوید: از امام علیه السلام درباره مردی که همسرش را طلاق می دهد پرسیدم.



قَالَ: تَرْتُهُ مَا دَامَتْ فِي عِدَّتِهَا، وَإِنْ طَلَّقَهَا فِي حَالِ إِضْرَارٍ فَهِيَ تَرْتُهُ إِلَى سَنَةٍ، فَإِنْ زَادَ عَلَى السَّنَةِ يَوْمًا وَاحِدًا لَمْ تَرْتُهُ، وَتَعْتَدُ مِنْهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَتَيْنِ فِي صِحَّةٍ، ثُمَّ طَلَّقَ التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ وَهُوَ مَرِيضٌ:

إِنَّهَا تَرْتُهُ مَا دَامَ فِي مَرَضِهِ وَإِنْ كَانَ إِلَى سَنَةٍ.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَحْضِرُهُ الْمَوْتُ فَيُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ هَلْ يَجُوزُ طَلَاقُهَا؟  
قَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ مَاتَ وَرِثَتَهُ، وَإِنْ مَاتَتْ لَمْ يَرْتُهَا.

فرمود: تا زمانی که زن در عده است، از شوهرش ارث می‌برد و اگر مرد در حال بیماری همسرش را طلاق دهد، زن تا یک سال از او ارث می‌برد. پس اگر یک روز از سال بیشتر شود، ارث نخواهد برد. و زن باید چهار ماه و ده روز - عده زن شوهر مرده - عده نگه دارد. ۱۰ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که در حالت سلامت و تندرستی همسر خود را دو بار طلاق داده سپس در حالت بیماری برای سومین بار او را طلاق می‌دهد فرمود: مادامی که مرد در دوران بیماری است زن پس از مرگ او از او ارث می‌برد؛ اگر چه تا یک سال طول بکشد.

۱۱ - حلبی گوید: از امام عليه السلام پرسیدند: مردی در حال جان‌کندن است و همسرش را طلاق می‌دهد؛ آیا طلاقش جایز است؟

فرمود: آری، و اگر مرد از دنیا برود زن از او ارث می‌برد و اگر زن بمیرد مرد از او ارث نخواهد برد.

۱۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

لَيْسَ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُطَلَّقَ، وَ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ، فَإِنْ هُوَ تَزَوَّجَ وَ دَخَلَ بِهَا فَهُوَ جَائِزٌ، وَإِنْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا حَتَّى مَاتَ فِي مَرَضِهِ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ، وَ لَا مَهْرَ لَهَا وَ لَا مِيرَاثَ.

(۵۰)

**بَابُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ: «وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»**

۱ - عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَدَّادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يُضَارُّ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِذَا طَلَّقَهَا فَيُضَيِّقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَسْتَقْبَلَ قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: «وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ».

۱۲ - زراره گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

بیمار حق طلاق ندارد، اما حق ازدواج دارد با این شرط که اگر با زنی ازدواج کند و آمیزش انجام گیرد، ازدواج او رسمیت پیدا می‌کند، و اگر عروسی نکند و در اثر بیماری بمیرد، ازدواج او باطل می‌شود، و این زن حقی به مهریه و میراث ندارد.

### بخش پنجاهم

**درباره گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: «و به آنان زیان نرسانید**

**تا کار را بر آنان تنگ کنید»**

۱ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مرد زمانی که همسرش را طلاق داد حق ندارد به او ضرر وارد کند به این که بر او سخت بگیرد تا زن پیش از تمام شدن عده‌اش از خانه او به خانه‌ای دیگر منتقل شود؛ زیرا خداوند متعال از این عمل نهی نموده و فرمود: «و به آنان زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید».

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

(۵۱)

### بَابُ طَلَاقِ الصَّبِيَّانِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَاقِ الْغُلَامِ لَمْ يَحْتَلِمْ وَ صَدَقْتَهُ.

فَقَالَ: إِذَا طَلَّقَ لِلسُّنَّةِ وَ وَضَعَ الصَّدَقَةَ فِي مَوْضِعِهَا وَ حَقَّهَا فَلَا بَأْسَ وَ هُوَ جَائِزٌ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

### بخش پنجاه و یکم

### حکم طلاق کودکان

۱ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر جوان نابالغ، همسر خود را طلاق بدهد و یا از اموال خود صدقه‌ای مقرر کند، چه صورت دارد؟

فرمود: اگر بر اساس کتاب و سنت طلاق بدهد و صدقه را به حق و درستی در مورد مناسب آن قرار دهد، اشکالی ندارد، طلاق و صدقه او جایز خواهد بود.

۲ - ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَيْسَ طَلَاقُ الصَّبِيِّ بِشَيْءٍ .

- ۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
لَا يَجُوزُ طَلَاقُ الصَّبِيِّ وَلَا السَّكْرَانِ .
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
[ لَا ] يَجُوزُ طَلَاقُ الْعُلَامِ إِذَا كَانَ قَدْ عَقَلَ ، وَ وَصِيَّتُهُ وَ صَدَقَتُهُ وَإِنْ لَمْ يَحْتَلِم .  
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ .
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

طلاق کودک اعتبار ندارد.

۳ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

طلاق کودک و شخص مست، جایز نیست.

۴ - ابن بُکَیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر نوجوان نابالغ صاحب عقل و درایت باشد، طلاق، وصیت و صدقه او قابل اجرا خواهد بود.

۵ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

[ لَا ] يَجُوزُ طَلَاقُ الصَّبِيِّ إِذَا بَلَغَ عَشْرَ سِنِينَ .

(۵۲)

### بَابُ طَلَاقِ الْمَعْتُوهِ وَ الْمَجْنُونِ وَ طَلَاقِ وَلِيِّهِ عَنْهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ :  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : الرَّجُلُ الْأَحْمَقُ الذَّاهِبُ الْعَقْلُ يَجُوزُ طَلَاقُ وَلِيِّهِ عَلَيْهِ ؟

قَالَ : وَ لِمَ لَا يُطَلَّقُ هُوَ ؟  
 قُلْتُ : لَا يُؤْمَنُ إِنْ طَلَّقَ هُوَ أَنْ يَقُولَ عَدَاً : لَمْ أُطَلِّقْ ، أَوْ لَا يُحْسِنُ أَنْ يُطَلِّقَ .  
 قَالَ : مَا أَرَى وَلِيِّهِ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ السُّلْطَانِ .

طلاق کودک ده ساله جایز نیست.

### بخش پنجاه و دوم

#### حکم طلاق کم عقل ، دیوانه و سرپرست او

۱ - ابوخالد قمّاط گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: ولی و سرپرست مرد احمقی که عقل ندارد می تواند از جانب او طلاق دهد؟  
 فرمود: چرا خودش نتواند طلاق دهد؟  
 گفتم: چون اگر خودش طلاق دهد، اطمینانی نیست که فردا بگوید: «من طلاق ندادم»، یا این که خودش نمی تواند به خوبی صیغه طلاق را جاری سازد.  
 فرمود: من سرپرست و ولی او را جز به منزله حاکم نمی دانم.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَّاطِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ يَعْرِفُ رَأْيَهُ مَرَّةً وَ يُنْكِرُهُ أُخْرَى يَجُوزُ طَلَاقٌ وَلِيَّهِ عَلَيْهِ؟ قَالَ: مَا لَهُ هُوَ لَا يُطَلَّقُ؟

قُلْتُ: لَا يَعْرِفُ حَدَّ الطَّلَاقِ، وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَيْهِ إِنْ طَلَّقَ الْيَوْمَ أَنْ يَقُولَ عَدَاً: لَمْ أُطَلِّقْ.

قَالَ: مَا أَرَاهُ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِمَامِ، يَعْنِي الْوَلِيَّ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ؛ وَ بُرَيْدٍ وَ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ؛ وَ إِسْمَاعِيلَ الْأَزْرَقِ؛ وَ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

۲- ابو خالد قمّاط گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی، گاهی از سخنان خود آگاهی دارد و گاهی دیگر سخن خود را انکار می‌کند. آیا ولیّ و سرپرست او می‌تواند به جای او طلاق جاری کند؟

فرمود: چرا خودش طلاق ندهد؟

گفتم: زیرا احکام طلاق را نمی‌داند و اگر خودش طلاق دهد اطمینانی نیست که فردا بگوید: «من طلاق ندادم».

فرمود: من ولیّ او را جز به منزله امام نمی‌دانم.

۳- زراره، بکیر، محمد بن مسلم، برید، فضیل اسماعیل ارزق و معمر بن یحیی گویند: امام باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام فرمودند:

أَنَّ الْمَوْلَةَ لَيْسَ لَهُ طَلَاَقٌ، وَلَا عِتْقُهُ عِتْقٌ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ طَلَاَقِ الْمَعْتُوهِ الذَّاهِبِ الْعَقْلِ أَوْ يَجُوزُ طَلَاَقُهُ؟

قَالَ: لَا.

وَ عَنِ الْمَرْأَةِ إِذَا كَانَتْ كَذَلِكَ أَوْ يَجُوزُ بَيْعُهَا أَوْ صَدَقَتُهَا؟

قَالَ: لَا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَعْتُوهُ الَّذِي لَا يُحْسِنُ أَنْ يُطَلَّقَ عَنْهُ وَلَيْتَهُ عَلَى السُّنَّةِ. قُلْتُ: فَإِنْ جَهَلَ فَطَلَّقَهَا ثَلَاثًا فِي مَفْعَدٍ؟

طلاق کسی که مات و بهت زده باشد جایز نیست، و اگر بنده خود را آزاد کند قابل اجرا نیست.

۴ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا مرد کم عقل طلاقش جایز است؟ فرمود: نه.

پرسیدم: اگر زنی چنین باشد، خرید و فروش و صدقه دادن او جایز است؟ فرمود: نه.

۵ - شهاب بن عبدربه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که کم عقل باشد و سنت طلاق را نشناسد، ولی و سرپرست او می تواند زن او را طلاق بدهد.

عرض کردم: اگر با جهالت و ناآگاهی زن خود را در یک مجلس سه طلاقه کند، (چه صورت دارد؟)

قَالَ: يُرَدُّ إِلَى السُّنَّةِ، فَإِذَا مَضَتْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ، أَوْ ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ بِوَاحِدَةٍ.

- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ طَلَاقٍ جَائِزٌ إِلَّا طَلَاقَ الْمَعْتُوهِ، أَوْ الصَّبِيِّ أَوْ مُبْرَسَمٍ أَوْ مَجْنُونٍ أَوْ مَكْرُوهٍ.
- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَاقِ الْمَعْتُوهِ: قَالَ: يُطَلَّقُ عَنْهُ وَلِيِّهِ، فَإِنِّي أَرَاهُ بِمَنْزِلَةِ الْإِمَامِ.

فرمود: طلاق او به سنت شرعی ارجاع می شود. پس هرگاه سه ماه کامل و یا سه نوبت عادت ماهیانه سپری شد، زن او یک طلاقه خواهد بود.

۶- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر طلاقی جایز است مگر طلاق شخص کم عقل، یا کودک و یا کسی که بیماری «برسام» (بیماری سینه) دارد و یا شخص دیوانه و یا کسی که مجبور شده است.

۷- ابو خالد قماط گوید: امام صادق علیه السلام در باره طلاق شخص کم عقل فرمود: ولی و سرپرست از جانب او طلاق می دهد؛ زیرا من او را مانند امام می دانم.



(۵۳)

## بَابُ طَلَاقِ السَّكَرَانِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَاقِ السَّكَرَانِ. فَقَالَ: لَا يَجُوزُ وَلَا كَرَامَةً.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ طَلَاقُ السَّكَرَانِ بِشَيْءٍ.
- ۳ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ طَلَاقِ السَّكَرَانِ.

## بخش پنجاه و سوم

## حکم طلاق در حال مستی و مدهوشی

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره طلاق مرد مست پرسیدم. فرمود: جایز نیست و اعتباری ندارد.
- ۲ - ابوصباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: طلاق شخص مست و مدهوش اعتبار ندارد.
- ۳ - حلبی نیز روایت یکم را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

فَقَالَ: لَا يَجُوزُ وَلَا كَرَامَةً.

۴ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَاقِ السَّكَرَانِ. فَقَالَ: لَا يَجُوزُ، وَلَا عِتْقُهُ.

(۵۴)

### بَابُ طَلَاقِ الْمُضْطَرِّ وَالْمُكْرَهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

۴ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شوهری که در حال مستی زن خود را طلاق می‌دهد، (طلاق او چه صورت دارد؟) فرمود: طلاق او بی اثر است، اگر برده خود را آزاد کند نیز بی اثر است.

### بخش پنجاه و چهارم

### طلاق در حال اضطرار و اکراه

۱ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُسْلِمًا مَرَّ بِقَوْمٍ لَيْسُوا بِسُلْطَانٍ فَقَهَرُوهُ حَتَّى يَتَخَوَّفَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يُعْتِقَ، أَوْ يُطَلَّقَ فَفَعَلَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَلَاقِ الْمُكْرَهِ وَ عِتْقِهِ؟

فَقَالَ: لَيْسَ طَلَاقُهُ بِطَلَاقٍ، وَ لَا عِتْقُهُ بِعِتْقٍ.

فَقُلْتُ: إِنِّي رَجُلٌ تَاجِرٌ أُمُرٌ بِالْعَشَارِ وَ مَعِيَ مَالٌ.

فَقَالَ: عَيْبُهُ مَا اسْتَطَعْتَ وَ ضَعْفُهُ مَوْضِعُهُ.

فَقُلْتُ: وَ إِنْ حَلَفْتَنِي بِالطَّلَاقِ وَ الْعَتَاقِ؟

فَقَالَ: أَحْلِفْ لَهُ.

ثُمَّ أَخَذَ تَمْرَةً فَحَفَنَ بِهَا مِنْ زُبْدٍ كَانَ قَدَّامَهُ، فَقَالَ: مَا أُبَالِي حَلَفْتُ لَهُمْ بِالطَّلَاقِ وَ الْعَتَاقِ أَوْ أَكَلْتَهُمَا.

اگر مرد مسلمانی از کنار گروهی که حاکم نیستند عبور کند و آنان او را به گونه‌ای به آزاد کردن برده یا طلاق دادن همسر مجبور کنند به گونه‌ای که بر جان خویش بیمناک گردد و او نیز انجام دهد؛ چیزی بر عهده او نیست.

۲- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره طلاق دادن و برده آزاد کردن مردی که بر این کار مجبور شده است پرسیدم.

فرمود: طلاقش رسمیت ندارد و برده آزاد کردنش نیز شرعی نیست.

عرض کردم: من تاجری هستم که با همه داراییم از گمرک و گمرک چی عبور می‌کنم.

فرمود: تا جایی که می‌توانی آن را مخفی کن و در جای خود قرارش ده.

عرض کردم: اگر برای یافتن اموال من، مرا به طلاق دادن و برده آزاد کردن سوگند دهد؟

فرمود: برایش سوگند یاد کن.

سپس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ خرمایی برداشت و آن را در کره‌ای که مقابل ایشان بود فرو برد و فرمود: برای من مهم نیست که برای آنان به طلاق و برده آزاد کردن سوگند یاد کنم یا این که خرما را میل کنم.

۳ - حُمَيْدُ بْنُ زَيْادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ وَصَالِحِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ قَالَ:

سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عليه السلام وَهُوَ بِالْعَرِيضِ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي قَدْ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً، وَكَانَ تُحِبُّنِي، فَتَزَوَّجْتُ عَلَيْهَا ابْنَةَ خَالِي، وَ قَدْ كَانَ لِي مِنَ الْمَرْأَةِ وَلَدٌ، فَ رَجَعْتُ إِلَى بَغْدَادَ فَطَلَّقْتُهَا وَاحِدَةً، ثُمَّ رَاجَعْتُهَا ثُمَّ طَلَّقْتُهَا الثَّانِيَةَ، ثُمَّ رَاجَعْتُهَا ثُمَّ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا أُرِيدُ سَفَرِي هَذَا حَتَّى إِذَا كُنْتُ بِالْكُوفَةِ أَرَدْتُ النَّظَرَ إِلَى ابْنَةِ خَالِي.

فَقَالَتْ أُخْتِي وَ خَالَتِي: لَا تَنْظُرِي إِلَيْهَا وَ اللَّهُ! أَبَدًا حَتَّى تُطَلَّقَ فُلَانَةً.

فَقُلْتُ: وَ يَحْكُمُ وَ اللَّهُ! مَا لِي إِلَى طَلَاقِهَا سَبِيلٌ.

فَقَالَ لِي: هُوَ مِنْ شَأْنِكَ، لَيْسَ لَكَ إِلَى طَلَاقِهَا سَبِيلٌ.

۳ - منصور بن یونس گوید:

امام کاظم عليه السلام در «عریض» تشریف داشت، از حضرتش پرسیدم: فدایت کردم! من با زنی ازدواج کردم. او مرا دوست می داشت. سپس علاوه بر او با دختر دایی خود ازدواج نمودم. از همسر نخستم فرزندی داشتم. همسر اولم به بغداد بازگشت و من او را طلاق دادم. سپس به او رجوع نمودم. سپس برای دفعه دوم او را طلاق دادم. سپس به او رجوع نمودم. سپس از نزد او بیرون آمدم و قصد این مسافرت را داشتم تا این که در کوفه تصمیم به دیدن دختر دایی ام گرفتم.

خواهر و خاله ام گفتند: به خدا سوگند! هرگز حق نداری او را ببینی تا این که همسر اولت را طلاق دهی».

گفتم: وای بر شما! به خدا سوگند! من هیچ راهی برای طلاق دادن او ندارم.

فرمود: او از شأن توست. تو هیچ راهی برای طلاق دادن او نداری.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّهُ كَانَتْ لِي مِنْهَا بِنْتُ، وَ كَانَتْ بَبَعْدَادَ وَ كَانَتْ هَذِهِ بِالْكُوفَةِ وَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا قَبْلَ ذَلِكَ بِأَرْبَعٍ، فَأَبْوَا عَلَيَّ إِلَّا تَطْلِيْقَهَا نَائِلًا، وَ لَا وَاللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا أَرَدْتُ اللَّهَ وَ مَا أَرَدْتُ إِلَّا أَنْ أُدَارِيَهُمْ عَنْ نَفْسِي، وَ قَدِ امْتَلَأَ قَلْبِي مِنْ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَمَكَتَ طَوِيلًا مُطْرِقًا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ وَ هُوَ مُتَبَسِّمٌ.

فَقَالَ: أَمَّا مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ﷻ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ، وَ لَكِنْ إِذَا قَدَّمُوكَ إِلَى السُّلْطَانِ أَبَانَهَا مِنْكَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا يَجُوزُ الطَّلَاقُ فِي اسْتِكْرَاهٍ، وَ لَا يَجُوزُ عِتْقٌ فِي اسْتِكْرَاهٍ، وَ لَا يَجُوزُ يَمِينٌ فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ، وَ لَا فِي شَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَمَنْ حَلَفَ أَوْ حُلِّفَ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذَا وَ فَعَلَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

گفتم: قربانت گردم! من از همسر اولم که در بغداد است یک دختر دارم و دختر دایمی ام در کوفه. من چهار ماه پیش از این ماجرا از نزد همسر اولم خارج شده بودم. پس خواهر و خاله‌ام مانع من شدند مگر این که همسر اولم را برای سومین بار طلاق دهم. قربانت گردم! به خدا سوگند! من در زمان طلاق دادن خدا را در نظر نگرفته بودم و فقط می‌خواستم با خواهر و خاله‌ام مدارا کنم. فدایت شوم! به راستی که من از این قضیه دل‌پُری دارم. امام عليه السلام مدت زیادی سر مبارک خود را پایین انداخت و مکث نمود. سپس سر مبارک را به سوی من بالا نموده و در حالی که تبسم می‌نمود فرمود: اما بین خودت و خداوند ﷻ چیزی اتفاق نیفتاده است. اما هرگاه تو را نزد حاکم ببرند، حاکم همسر اولت را از تو جدا خواهد کرد.

۴ - عبدالله بن حسن گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

طلاق که از روی اکراه باشد مردود است. آزاد کردن برده، اگر به اجبار باشد، مردود است. اگر سوگند یاد کند که با خویشان خود رفت و آمد نکند و یا فرمان خدا را نادیده بگیرد، سوگند او مردود است. هر کس در کارهای ناروا سوگند یاد کند و یا او را سوگند بدهند، بعد بر خلاف سوگند خود عمل کند، گناهی بر او نیست.

قَالَ: وَإِنَّمَا الطَّلَاقُ مَا أُرِيدَ بِهِ الطَّلَاقُ مِنْ غَيْرِ اسْتِكْرَاهٍ وَلَا إِضْرَارٍ عَلَى الْعِدَّةِ وَالسُّنَّةِ عَلَى طَهْرِ بَعْضِ جَمَاعٍ وَ شَاهِدَيْنِ، فَمَنْ خَالَفَ هَذَا فَلَيْسَ طَلَاقُهُ وَلَا يَمِينُهُ بِشَيْءٍ يُرَدُّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ ﷻ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

أَمْرٌ بِالْعَشَارِ وَمَعِيَ مَالٌ فَيَسْتَحْلِفُنِي، فَإِنْ حَلَفْتُ لَهُ تَرَكَنِي، وَإِنْ لَمْ أَحْلِفْ لَهُ فَتَشَنِّي وَظَلَمَنِي.

فَقَالَ: أَحْلِفْ لَهُ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ يَسْتَحْلِفُنِي بِالطَّلَاقِ.

فَقَالَ: أَحْلِفْ لَهُ.

فَقُلْتُ: فَإِنَّ الْمَالَ لَا يَكُونُ لِي.

امام صادق عليه السلام فرمود: اجرای صیغه طلاق موقعی رسمیت دارد که منظور شوهر متارکه جدی باشد، بدون اکراه و نه به منظور خسارت به همسر و سلب میراث، آن هم با توجه به شروع عده و موازین سنت، و در پاکی بعد از عادت و بدون مباشرت و در حضور دو شاهد عادل. هر کس بر خلاف موازین شرعی عمل کند، نه طلاق او اثر دارد و نه سوگند او، باید به موازین کتاب خدا باز گردد.

۵ - اسماعیل جعفی گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: من از نزد گمرک چی عبور می‌کنم در حالی که اموالی به همراه من است. گمرک چی مرا وادار می‌کند که سوگند یاد کنم اگر برایش قسم یاد کنم، آزادم می‌کند و اگر قسم نخورم، مرا تفتیش می‌کند و به من ظلم و ستم می‌نماید. فرمود: برایش سوگند یاد کن.

گفتم: او مرا به طلاق دادن سوگند می‌دهد.

فرمود: برایش سوگند یاد کن.

گفتم: اموال از آن من نیست.

قَالَ: فَعَنْ مَالِ أَخِيكَ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَدَّ طَلَّاقَ ابْنِ عُمَرَ، وَ قَدْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا وَ هِيَ حَائِضٌ، فَلَمْ يَرِ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ شَيْئًا.

(۵۵)

### بَابُ طَلَّاقِ الْأَخْرَسِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ ثُمَّ يَصْمُتُ فَلَا يَتَكَلَّمُ. قَالَ: يَكُونُ أَخْرَسًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَيُعْلَمُ مِنْهُ بُغْضُ لِمَرْأَتِهِ وَ كَرَاهَتُهُ لَهَا أَوْ يَجُوزُ أَنْ يُطَلَّقَ عَنْهُ وَلِيُّهُ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يَكْتُبُ وَ يُشْهَدُ عَلَيَّ ذَلِكَ. قُلْتُ: لَا يَكْتُبُ وَ لَا يَسْمَعُ كَيْفَ يُطَلِّقُهَا؟

فرمود: بنابراین از اموال برادر توست. همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله طلاق ابن عمر را که همسرش در دوران حیض بود، مردود دانست و آن را معتبر ندانست.

### بخش پنجاه و پنجم

#### طلاق دادن مرد لال

۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: مردی همسری دارد. این مرد ساکت می شود و نمی تواند سخن بگوید. فرمود: لال شده است؟ گفتم: آری. از او دشمنی و نارضایتی نسبت به همسرش مشاهده می شود. آیا ولی او می تواند از جانب او طلاق دهد؟ فرمود: نه. خودش طلاق را بنویسد و بر آن شاهد بگیرد. گفتم: نه می تواند بنویسد و نه می تواند بشنود؛ چگونه همسرش را طلاق دهد؟

- فَقَالَ: بِالَّذِي يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْ فِعَالِهِ مِثْلَ مَا ذَكَرْتَ مِنْ كَرَاهَتِهِ وَبُغْضِهِ لَهَا.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ طَلَاقِ الْخُرْسَاءِ. قَالَ: يُلْفُ فِتْنَاعَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ يَجْذِبُهُ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَاقُ الْأَخْرَسِ أَنْ يَأْخُذَ مِقْنَعَتَهَا فَيَضَعَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ يَعْتَزِلَهَا.
- ۴ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ: فِي رَجُلٍ أَخْرَسَ كَتَبَ فِي الْأَرْضِ بِطَلَاقِ امْرَأَتِهِ.
- قَالَ: إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي قُبُلِ الطُّهْرِ بِشُهُودٍ وَ فُهِمَ عَنْهُ كَمَا يُفْهَمُ عَنْ مِثْلِهِ، وَ يُرِيدُ الطَّلَاقَ جَازَ طَلَاقَهُ عَلَى السُّنَّةِ.

فرمود: با کارهایی که از او مشاهده می‌شود مانند همان دشمنی و ناراضایتی که به همسرش بیان نمودی.

۲ - ابان بن عثمان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد طلاق دادن زن لال پرسیدم.

فرمود: مرد مقنعه زن را بر سرش می‌گذارد و آن را می‌بندد.

۳ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

طلاق دادن مرد لال این گونه است که مقنعه همسرش را بردارد و بر سر او بگذارد و از او دوری کند.

۴ - یونس درباره مرد لالی که طلاق همسرش را روی زمین نوشته بود گفت:

هرگاه او این کار را در زمان پاکی زن و همراه شهود انجام دهد و منظور او - مانند کسی همانند او که نیت طلاق کرده است - فهمیده شود و اراده طلاق نیز داشته باشد؛ طلاق او جایز است.



(۵۶)

## بَابُ الْوَكَالَةِ فِي الطَّلَاقِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ أَمْرَ امْرَأَتِهِ إِلَى رَجُلٍ فَقَالَ: اشْهَدُوا أَنِّي جَعَلْتُ أَمْرَ فُلَانَةَ إِلَى فُلَانٍ أَوْ يَجُوزُ ذَلِكَ لِلرَّجُلِ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يَجْعَلُ أَمْرَ امْرَأَتِهِ إِلَى رَجُلٍ.

## بخش پنجاه و ششم

## وکالت در طلاق

۱- سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی اختیار طلاق همسرش را به شخص دیگری سپرده و گفته است: شاهد باشید که من اختیار طلاق فلان همسر را به فلان شخص سپردم؛ آیا مرد چنین اختیاری دارد؟  
فرمود: آری.

۲- نظیر این روایت را سعید اعرج با سند دیگری از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

فَقَالَ: اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ أَمْرَ فُلَانَةَ إِلَى فُلَانٍ فَيُطَلِّقُهَا أَيْجُوزُ ذَلِكَ لِلرَّجُلِ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ جَعَلَ طَلَّاقَ امْرَأَتِهِ بِيَدِ رَجُلَيْنِ فَطَلَّقَ أَحَدُهُمَا  
وَأَبَى الْآخَرَ.

فَأَبَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُجِيزَ ذَلِكَ حَتَّى يَجْتَمِعَا جَمِيعًا عَلَى طَلَّاقِ.  
۴- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي هِلَالٍ  
الرَّازِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ وَكَلَّ رَجُلًا بِطَلَّاقِ امْرَأَتِهِ إِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ  
خَرَجَ الرَّجُلُ فَبَدَأَ لَهُ فَأَشْهَدَ أَنَّهُ قَدْ أَبْطَلَ مَا كَانَ أَمْرَهُ بِهِ وَ أَنَّهُ قَدْ بَدَأَ لَهُ فِي ذَلِكَ.  
قَالَ: فَلْيُعْلِمِ أَهْلَهُ وَ لْيُعْلِمِ الْوَكِيلَ.

۳- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی اختیار طلاق همسرش را به دو نفر سپرده بود. یکی از آنان طلاق را جاری نمود،  
اما دیگری از این کار خودداری کرد. پس امیرمؤمنان علی علیه السلام خودداری فرمود که طلاق را  
صحیح بداند تا این که هر دو نفر با هم اتفاق بر طلاق داشته باشند.

۴- ابو هلال رازی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر انسان به وکیل خود بگوید:  
موقعی که زن من از عادت ماهیانه پاک شد او را طلاق بده و خود راهی سفر در شود، ولی  
بعد پشیمان شود و در حال سفر شاهد بگیرد که من از طلاق همسر من منصرف شدم و  
وکالت وکیل خود را باطل کردم، این وکالت چه صورت دارد؟  
فرمود: باید خانواده اش را مطلع کند و به وکیل خود نیز اطلاع دهد.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَضْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ جَعَلَ طَلَّاقَ امْرَأَتِهِ بِيَدِ رَجُلَيْنِ فَطَلَّقَ أَحَدَهُمَا وَابْيَأَى الْآخَرَ.

فَأَبَى عَلِيُّ عليه السلام أَنْ يُجِيزَ ذَلِكَ حَتَّى يَجْتَمِعَا عَلَى الطَّلَاقِ جَمِيعًا.  
وَرُوِيَ أَنَّهُ لَا تَجُوزُ الْوَكَالَةُ فِي الطَّلَاقِ.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَحُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَجُوزُ الْوَكَالَةُ فِي الطَّلَاقِ.

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ سَمَاعَةَ: وَبِهَذَا الْحَدِيثِ نَأْخُذُ.

---

۵- مسموع نظیر روایت سوم همین را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

در روایتی آمده است: وکالت در طلاق جایز نیست.

۶- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

موکول ساختن طلاق به دست دیگران روا نیست.

حسن بن سماعه گوید: ما به این حدیث عمل می‌کنیم.

(۵۷)

## بَابُ الْإِيْلَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بَرِيدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي الْإِيْلَاءِ: إِذَا آلَى الرَّجُلُ أَنْ لَا يَقْرَبَ امْرَأَتَهُ وَلَا يَمَسَّهَا وَلَا يَجْمَعُ رَأْسَهُ وَرَأْسَهَا فَهُوَ فِي سَعَةِ مَا لَمْ تَمُضِ الْأَرْبَعَةُ الْأَشْهُرُ فَإِذَا مَضَتْ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ، وَقِفَ فَإِمَّا أَنْ يَفِيءَ فَيَمَسَّهَا وَإِمَّا أَنْ يَعْزِمَ عَلَى الطَّلَاقِ فَيُخَلِّي عَنْهَا حَتَّى إِذَا حَاضَتْ، وَطَهَّرَتْ مِنْ حَيْضِهَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا بِشَهَادَةِ عَدْلَيْنِ، ثُمَّ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَمُضِ الثَّلَاثَةُ الْأَفْرَاءِ.

## بخش پنجاه و هفتم

## ایلاء و سوگند به آمیزش نکردن با همسر

۱ - برید بن معاویه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

اگر کسی سوگند یاد کند که به همسر خود نزدیک نشود، او را در آغوش نگیرد و سر بر بالین او نگذارد مادام که چهار ماه از سوگند او نگذشته باشد، ایرادی بر او روا نیست، اما اگر چهار ماه بگذرد او را مکلف می سازند که یا سوگند خود را بشکند و با زن خود به بستر برود، و یا تصمیم به جدایی بگیرد که زن را و یا بنهد تا عادت بشود و از عادت خارج شود، سپس شوهر در حضور دو تن شاهد عادل او را طلاق بدهد. با وجود این، شوهر او شایسته است که از تصمیم خود بازگردد و رجوع کند، مادام که زن سه نوبت از عادت ماهیانه پاک نشده باشد.

۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ :  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَهْجُرُ امْرَأَتَهُ مِنْ غَيْرِ طَلَاقٍ ، وَ لَا يَمِينٍ سَنَةً لَمْ  
يَقْرَبْ فِرَاشَهَا .  
قَالَ : لِيَأْتِ أَهْلَهُ .

وَ قَالَ : أَيُّمَا رَجُلٍ آلَى مِنْ امْرَأَتِهِ وَ الْإِيْلَاءُ أَنْ يَقُولَ : لَا وَ اللَّهُ ! لَا أَجَامِعُكَ كَذَا  
وَ كَذَا ، وَ يَقُولَ : وَ اللَّهُ ! لَا غِيْظَنُكَ [ لَا غِيْظَنُكَ ] ثُمَّ يُعَاذِبُهَا ، فَإِنَّهُ يَتَرَبَّصُّ بِهَا أَرْبَعَةَ  
أَشْهُرٍ ثُمَّ يُؤْخَذُ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ ، فَيُوقَفُ فَإِنْ فَاءَ وَ الْإِيْفَاءُ أَنْ يُصَالِحَ أَهْلَهُ ، فَإِنَّ  
اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ جُبِرَ عَلَيَّ أَنْ يُطَلَّقَ وَ لَا يَقَعُ بَيْنَهُمَا طَلَاقٌ حَتَّى  
يُوقَفَ ، وَ إِنْ كَانَ أَيْضًا بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ يُجْبَرُ عَلَيَّ أَنْ يَفْعَلَ أَوْ يُطَلَّقَ .  
۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمْزَةَ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ :

۲ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی بدون طلاق دادن و یا سوگند یاد کردن یک سال همسرش را ترک می‌کند و به بسترش نزدیک نمی‌شود.  
فرمود: باید نزد همسرش برود.

و فرمود: هر مردی که همسرش را «ایلاء» کند - ایلاء یعنی مرد بگوید: «نه، به خدا سوگند! تا فلان مدت (بیشتر از چهار ماه) با تو آمیزش نخواهم کرد» و بگوید: «به خدا سوگند! تو را عصبانی خواهم کرد» - سپس او را عصبانی کند. به این مرد چهار ماه مهلت می‌دهند. سپس بعد از چهار ماه دستگیرش می‌کنند و او را نگه می‌دارند. پس اگر رجوع نمود - رجوع آن است که با همسرش آشتی کند - به راستی که خداوند آمرزنده و مهربان است و اگر رجوع نکرد، مجبور می‌شود که همسرش را طلاق دهد و طلاق بین آنان واقع نمی‌شود تا این که مرد دستگیر شود و هم چنین اگر بعد از چهار ماه دستگیر شود مجبور خواهد شد که رجوع کند یا طلاق دهد.

۳ - نظیر این روایت را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

إِذَا آلَى الرَّجُلُ مِنْ امْرَأَتِهِ، وَ الْإِيْلَاءُ أَنْ يَقُولَ: وَ اللَّهُ! لَا أَجَامِعُكَ كَذَا وَ كَذَا، وَ يَقُولُ: وَ اللَّهُ! لَا غِيْظَنَكَ [ لَا غِيْظَنِكَ ] ثُمَّ يُعَاضِبُهَا ثُمَّ يَتَرَبَّصُ بِهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ، فَإِنْ فَاءَ، وَ الْإِيْفَاءُ أَنْ يُصَالِحَ أَهْلَهُ أَوْ يُطَلِّقَ عِنْدَ ذَلِكَ، وَ لَا يَقَعُ بَيْنَهُمَا طَلَاً حَتَّى يُوقَفَ، وَ إِنْ كَانَ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ حَتَّى يَفِيءَ أَوْ يُطَلِّقَ.

۴- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيْنَ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالَا:

إِذَا آلَى الرَّجُلُ أَنْ لَا يَقْرَبَ امْرَأَتَهُ فَلَيْسَ لَهَا قَوْلٌ وَ لَا حَقٌّ فِي الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ وَ لَا إِنْ عَلِيهِ فِي كَفِّهِ عَنْهَا فِي الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ، فَإِنْ مَضَتِ الْأَرْبَعَةُ الْأَشْهُرُ قَبْلَ أَنْ يَمْسَسَهَا، فَسَكَتَتْ وَ رَضِيَتْ فَهُوَ فِي حِلٍّ وَ سَعَةٍ.

فَإِنْ رَفَعَتْ أَمْرَهَا قِيلَ لَهُ: إِمَّا أَنْ تَفِيءَ فَتَمَسَّسَهَا وَ إِمَّا أَنْ تُطَلِّقَ، وَ عَزْمُ الطَّلَا أَنْ يُحْلِيَ عَنْهَا، فَإِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ طَلَّقَهَا وَ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَمُضِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ، فَهَذَا الْإِيْلَاءُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

۴- بکیر بن اعین و برید بن معاویہ گویند: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

اگر کسی سوگند یاد کند که با همسر خود به بستر نرود، زن او، ظرف چهار ماه، حق اعتراض ندارد، و شوهر، ظرف این چهار ماه متارکه، گناهی مرتکب نشده است. اگر چهار ماه بگذرد و شوهر با زن خود آشتی نکند و همبستر نشود، و زن او ساکت بماند و تحمل کند باز هم شوهر او در آزادی و گشایش خواهد بود، و اگر زن به شکایت برود، شوهر مکلف می شود که یا به زندگی عادی باز گردد و یا آن زن را طلاق بدهد. تصمیم بر طلاق چنین است که زن را واگذارد تا عادت بشود و مجدداً پاک شود، سپس طلاق بگوید، و با وجود این که طلاق با نظارت قاضی صورت گرفته، مادام که عدّه طلاق به سر نیامده باشد، شوهر او حق رجوع دارد. این همان ایلاتی است که خداوند متعال در کتاب خود و سنت رسول خدا صلى الله عليه وآله بیان فرموده است.

- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:  
 إِنَّ الْمُؤَلِّيَ يُجْبَرُ عَلَى أَنْ يُطَلَّقَ تَطْلِيقَةً بَائِنَةً.  
 وَعَنْ غَيْرِ مَنْصُورٍ: أَنَّهُ يُطَلَّقُ تَطْلِيقَةً يَمْلِكُ الرَّجْعَةَ.  
 فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: إِنَّ هَذَا مُنْتَقِضٌ.  
 فَقَالَ: لَا، الَّتِي تَشْكُو فَتَقُولُ: يُجْبِرُنِي وَ يَضْرِبُنِي وَ يَمْنَعُنِي مِنَ الزَّوْجِ يُجْبَرُ  
 عَلَى أَنْ يُطَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً بَائِنَةً، وَ الَّتِي تَسْكُتُ وَ لَا تَشْكُو إِنْ شَاءَ يُطَلَّقُهَا تَطْلِيقَةً  
 يَمْلِكُ الرَّجْعَةَ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَى رَجُلٌ  
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنْ امْرَأَتِي أَرْضَعَتْ غُلَامًا، وَإِنِّي قُلْتُ:  
 وَ اللَّهِ! لَا أَقْرُبُكَ حَتَّى تَقْطِمْهُ.

۵ - جمیل بن درّاج و منصور بن حازم گویند: امام علی (ع) فرمود:  
 شخصی که ایلاء کرده است مجبور می شود که همسرش را طلاق بائن دهد.  
 جمیل بن درّاج از راوی دیگری روایت می کند که امام علی (ع) فرمود: چنین مردی طلاق  
 رجعی می دهد.

یکی از یاران به جمیل بن درّاج گفت: این دو روایت با هم تناقض دارند.  
 جمیل گفت: نه؛ آن زنی که شکایت می کند و می گوید: «همسر مرا وادار می کند و به  
 من ضرر وارد می کند و مرا از ازدواج با دیگران منع می کند» شوهرش مجبور می شود که او  
 را طلاق بدون رجوع دهد. اما زنی که سکوت می کند و شکایت نمی کند، مرد اگر بخواهد  
 می تواند او را طلاق رجعی دهد.

۶ - سکونی گوید: امام صادق (ع) فرمود:  
 شخصی نزد امیرمؤمنان علی (ع) شرف یاب شد و گفت: ای امیرمؤمنان! همسرم  
 دایگی پسری را به عهده گرفته است و من به او گفته ام: «به خدا سوگند! با تو نزدیکی  
 نمی کنم تا این که او را از شیر بگیری».

فَقَالَ: لَيْسَ فِيهِ الْإِصْلَاحُ إِيلَاءً.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ آلَى مِنْ امْرَأَتِهِ بَعْدَ مَا دَخَلَ بِهَا. فَقَالَ: إِذَا مَضَتْ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَقَفَّ، وَإِنْ كَانَ بَعْدَ حِينٍ، فَإِنْ فَاءَ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ وَ هِيَ امْرَأَتُهُ، وَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ فَقَدْ عَزَمَ. وَ قَالَ: الْإِيلَاءُ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ: وَ اللَّهُ! لَا غِيْضَنَّكَ [لَا غِيْظَنَّكَ] وَ لَا سُوءَنَّكَ، ثُمَّ يَهْجُرَهَا وَ لَا يُجَامِعُهَا حَتَّى تَمُضِيَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ، فَإِذَا مَضَتْ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ فَقَدْ وَقَعَ الْإِيلَاءُ، وَ يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُ عَلَى أَنْ يَفِيءَ، أَوْ يُطَلِّقَ، فَإِنْ فَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ، وَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تعالى فِي كِتَابِهِ.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: درکار نیک (مثل شیر دادن) ایلاء نیست.

۷- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی پس از این که با همسرش آمیزش کرده، ایلاء می‌کند (چه حکمی دارد؟) فرمود: هرگاه چهار ماه بگذرد، مرد را دستگیر می‌کنند گرچه مدتی هم از چهار ماه گذشته باشد - پس اگر رجوع کند، چیزی پیش نمی‌آید و این زن همسر اوست و اگر اراده طلاق کند، پس تصمیم خود را گرفته است.

و فرمود: ایلاء آن است که مرد به همسرش بگوید: «به خدا سوگند! تو را عصبانی می‌کنم و با تو بد اخلاقی می‌کنم، سپس همسرش را ترک کند و با او آمیزش نکند تا این که چهار ماه بگذرد. پس هنگامی که چهار ماه گذشت، ایلاء صورت گرفته است. در این صورت امام می‌تواند مرد را وادار سازد که رجوع کند یا طلاق دهد. اگر رجوع نمود، به راستی که خداوند، آمرزنده و مهربان است و اگر تصمیم به طلاق گرفت، پس به راستی که خداوند، شنونده و داناست و همین فرموده خداوند متعال در کتاب خویش است.



۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ عَنٍّ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الْمُؤَلِّيُ يُوقَفُ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ، فَإِنْ شَاءَ إِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ، فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ فَهِيَ وَاحِدَةٌ وَهُوَ أَمْلَكُ بِرَجْعَتِهَا.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِيْلَاءِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ: وَ اللَّهُ! لَا أَجَامِعُكَ كَذَا وَ كَذَا، وَ يَقُولَ: وَ اللَّهُ! لَا غِيْظَنَّكَ [لَا غِيْظَنَّكَ]، فَيَتَرَبَّصَ بِهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ، ثُمَّ يُؤْخَذُ فَيُوقَفُ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ.

۸- ابو مریم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

شخصی که ایلاء نموده بعد از چهار ماه دستگیر می شود. پس اگر بخواهد؛ همسرش را با سازش و مدارا نگه دارد و یا به نیکی آزادش کند و اگر اراده طلاق کند؛ پس این، یک طلاق محسوب می شود که مرد به رجوع به او سزاوارتر است.

۹- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام پرسیدم: ایلاء چیست؟

فرمود: این که شوهر به همسر خود بگوید: «به خدا سوگند که دیگر به بستر نمی آیم، به خدا سوگند که تو را عصبانی خواهم کرد» و چون از همسر خود کناره گیرد، چهار ماه صبر می کنند و بعد از چهار ماه او را مکلف می سازند تا به زندگی عادی باز گردد.

فَإِنْ فَاءَ وَ هُوَ أَنْ يُصَالِحَ أَهْلَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ، وَإِنْ لَمْ يَفِيئْ جُبِرَ عَلَيَّ أَنْ يُطَلَّقَ وَلَا يَقَعَ طَلَاقٌ فِيمَا بَيْنَهُمَا، وَ لَوْ كَانَ بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ مَا لَمْ يَرْفَعَهُ إِلَيَّ الْإِمَامُ.

۱۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الْمَوْلَى إِذَا أَبِي أَنْ يُطَلَّقَ قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَجْعَلُ لَهُ حَظِيرَةً مِنْ قَصَبٍ، وَ يَحْبِسُهُ فِيهَا وَ يَمْنَعُهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ حَتَّى يُطَلَّقَ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ رَفَعَهُ إِلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَوْلَى: إِذَا أَنْ يَفِيءَ أَوْ يُطَلَّقَ، فَإِنْ فَعَلَ وَ إِلَّا ضَرِبَتْ عُنُقُهُ.

اگر به زندگی عادی بازگشت و با همسر خود آشتی کرد، به راستی که خداوند، آمرزنده و مهربان است و اگر به زندگی عادی باز نگشت او را مجبور می‌کنند تا همسر خود را طلاق بدهد. در صورتی که زن از شوهر خود شاکی نباشد و به امام رجوع نکند گرچه چهار ماه گذشته باشد، طلاق صورت نمی‌گیرد.

۱۰ - حماد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام درباره مرد ایلاء کننده‌ای که از طلاق دادن خودداری می‌کند فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام همواره چنین فردی را دستگیر می‌ساخت و او را زندانی می‌نمود و او را از آب و غذا محروم می‌ساخت تا این که طلاق دهد.

۱۱ - خلف بن حماد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام درباره مرد ایلاء کننده فرمود:

یا باید رجوع کند یا طلاق دهد. پس اگر یکی از این دو کار را انجام داد (چه بهتر) و گرنه گردنش زده خواهد شد.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا غَاظَبَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فَلَمْ يَقْرَبْهَا مِنْ غَيْرِ يَمِينٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَاسْتَعَدَّتْ عَلَيْهِ، فَإِمَّا أَنْ يَفِيءَ، وَإِمَّا أَنْ يُطَلَّقَ، فَإِنْ تَرَكَهَا مِنْ غَيْرِ مُعَاذَبَةٍ أَوْ يَمِينٍ فَلَيْسَ بِمُؤَلٍِّ.

۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ بُنَانَ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَبَى الْمُؤَلِّى أَنْ يُطَلَّقَ جَعَلَ لَهُ حَظِيرَةً مِنْ قَصَبٍ، وَأَعْطَاهُ رُبْعَ قُوَّتِهِ حَتَّى يُطَلَّقَ.

۱۲ - حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر کسی بر زن خود خشم بگیرد و بدون سوگند چهار ماه از بستر او کناره گیرد و زن از محکمه شرعی دادخواست کند، مرد مکلف می شود که یا به زندگی عادی باز گردد و یا زن خود را طلاق بدهد. اگر کسی بی خشم و نفرت و بی سوگند جدایی از زن خود کناره بگیرد ایلاء کننده نخواهد بود.

۱۳ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مرد ایلاء کننده از طلاق دادن خودداری می نمود، امیرمؤمنان علی علیه السلام او را دستگیر و در زندانی از نی قرار می داد و یک چهارم طعمش را به او می داد تا این که طلاق دهد.

(۵۸)

**بَابُ أَنَّهُ لَا يَقَعُ الْإِيْلَاءُ إِلَّا بَعْدَ دُخُولِ الرَّجُلِ بِأَهْلِهِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَقَعُ الْإِيْلَاءُ إِلَّا عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ دَخَلَ بِهَا زَوْجُهَا.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُؤَلِّي مِنْ امْرَأَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا. قَالَ: لَا يَقَعُ الْإِيْلَاءُ حَتَّى يَدْخُلَ بِهَا.

**بخش پنجاه و هشتم****ایلاء فقط بعد از آمیزش واقع می شود**

- ۱ - ابوصباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ایلاء صورت نمی گیرد مگر درباره زنی که شوهرش با او آمیزش کرده است.
- ۲ - ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی پیش از آن که با همسرش آمیزش کند، او را، ایلاء می نماید.
- فرمود: ایلاء واقع نمی شود تا این که همسرش با او آمیزش کند.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يَكُونُ مُؤَلِيًّا حَتَّى يَدْخُلَ بِهَا.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ آلَى مِنْ امْرَأَتِهِ وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا.

قَالَ: لَا إِيْلَاءَ حَتَّى يَدْخُلَ بِهَا.

فَقَالَ: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَلَفَ أَنْ لَا يَبْنِيَّ بِأَهْلِهِ سَتَتَيْنِ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَكَانَ

يَكُونُ إِيْلَاءً؟

۳- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گاه ایلاء واقع می شود که مرد با زن آمیزش کرده باشد.

۴- ابوصباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: مردی با همسرش آمیزش نکرده است، ایلاء می کند

(چه حکمی دارد؟)

فرمود: ایلاء نیست تا این که با او آمیزش کند.

سپس فرمود: به نظر تو اگر مردی سوگند یاد کند که تا دو سال یا بیشتر با همسرش

نزدیکی نکند؛ آیا ایلاء صورت می گیرد؟!

(۵۹)

**بَابُ الرَّجُلِ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ هِيَ عَلَيَّ (۱) حَرَامٌ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ. فَقَالَ لِي: لَوْ كَانَ لِي عَلَيْهِ سُلْطَانٌ لَأَوْجَعْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ لَهُ: اللَّهُ أَحَلَّهَا لَكَ فَمَا حَرَمَهَا عَلَيْكَ؟ إِنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ أَنْ كَذَبَ، فَزَعَمَ أَنَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ حَرَامٌ وَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ طَلَاقٌ وَ لَا كَفَّارَةٌ. فَقُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾ فَجَعَلَ فِيهِ الْكَفَّارَةَ. فَقَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْهِ جَارِيَتَهُ مَارِيَةَ، وَ حَلَفَ أَنْ لَا يَفْرَبَهَا، فَإِنَّمَا جَعَلَ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةَ فِي الْحَلْفِ وَ لَمْ يَجْعَلْ عَلَيْهِ فِي التَّحْرِيمِ.

**بخش پنجاه و نهم****حکم کسی که به همسرش گوید: بسترت بر من حرام است**

۱ - زراره گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی به همسرش می گوید: «تو بر من حرام هستی» (چه حکمی دارد؟) فرمود: اگر من بر چنین شخصی حکومت داشتم بر سرش می کوبیدم و به او می گفتم: «خداوند او را برای تو حلال کرده است؛ پس برای چه او را بر تو حرام نمود؟!» او بیش از دروغ گفتن، کار دیگری نکرده است، پنداشت آن چه که خداوند برای او حلال نموده، حرام است و بر چنین شخصی نه طلاق لازم می آید و نه کفاره ای. عرض کردم: خداوند می فرماید: «ای پیامبر! چرا آن چه را که خداوند برای تو حلال نمود بر خود حرام نمودی؟!» خداوند در این باره کفاره قرار داد. فرمود: همانا پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى بِهِ السَّلَامُ کنیز خود «ماریه» را بر خود حرام نمود و سوگند یاد نمود که با او نزدیکی نکند. پس خداوند فقط به جهت سوگند یاد کردن پیامبر کفاره قرار داد و کفاره را به جهت حرام نمودن، قرار نداد.

۱ - در اکثر نسخه های کافی آمده است: هی علیه حرام. به نظر می رسد آن چه در برخی از نسخه ها آمده درست است.

- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
- قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ، فَإِنَّا نُرْوَى بِالْعِرَاقِ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام جَعَلَهَا ثَلَاثًا؟
- فَقَالَ: كَذَبُوا لَمْ يَجْعَلَهَا طَلَاقًا، وَلَوْ كَانَ لِي عَلَيْهِ سُلْطَانٌ لَأَوْجَعْتُ رَأْسَهُ. ثُمَّ أَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تعالى أَحَلَّهَا لَكَ فَمَاذَا حَرَّمَهَا عَلَيْكَ؟ مَا زِدْتَ عَلَيَّ أَنْ كَذَبْتَ فَقُلْتَ لِشَيْءٍ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَكَ إِنَّهُ حَرَامٌ.
- ۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنِ أَبِي مَخْلَدٍ السَّرَّاجِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- قَالَ لِي شَبَّهُ بْنُ عَقَّالٍ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ مَنْ قَالَ: مَا أَحَلَّ اللَّهُ عَلَيَّ حَرَامًا أَنَّكَ لَا تَرَى ذَلِكَ شَيْئًا؟

۲- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: اگر کسی به همسر خود بگوید: «بستر تو بر من حرام است» (این گونه طلاق چه حکمی دارد؟) در عراق به ما گفته اند که علی عليه السلام این گونه طلاق را مانند طلاق سه گانه می دانست.

فرمود: دروغ گفته اند. علی عليه السلام این گونه طلاق را طلاق نمی دانست. اگر من بر چنین شخصی مسلط باشم بر سر او می گویم و می گویم: زنی را که خداوند بر تو حلال کرده است برای چه بر تو حرام گردد؟ تو با این سخن، دروغ گفته ای و حلال خدا را بر خود حرام شمرده ای.

۳- ابو مخلد سراج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شبهه بن عقال<sup>(۱)</sup> به من گفت: به من گزارش کرده اند که تو می گویی: هر کس بگوید: «آن چه خدا حلال کرد بر من حرام باد»، این تحریم او اثری ندارد؟

۱- وی از کارگزاران خلفای بنی امیه بود.

قُلْتُ: أَمَّا قَوْلُكَ: الْحِلُّ عَلَيَّ حَرَامٌ، فَهَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْوَلِيدُ جَعَلَ ذَلِكَ فِي  
أَمْرِ سَلَامَةَ امْرَأَتِهِ، وَأَنَّهُ بَعَثَ يَسْتَفِييَ أَهْلَ الْحِجَازِ وَ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ أَهْلَ الشَّامِ،  
فَاخْتَلَفُوا عَلَيْهِ فَأَخَذَ بِقَوْلِ أَهْلِ الْحِجَازِ، إِنَّ ذَلِكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ.  
٤ - حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ.  
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَ لَا طَلَاقٌ.

(۶۰)

### بَابُ الْخَلِيَّةِ وَ الْبَرِيئَةِ وَ النِّبْتَةِ

١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ مِنِّي خَلِيَّةٌ أَوْ بَرِيئَةٌ  
أَوْ بِنْتَةٌ أَوْ حَرَامٌ.

گفتم: اما این سخنت که «حلال خدا بر من حرام باد»، اینک امیر المؤمنین (!) ولید زنش  
سلامه را بر خود حرام کرد، و چون پشیمان شد به فقهای حجاز، عراق و شام پیام فرستاد و از  
حکم این مسئله استفتا کرد، فقها در پاسخ این پرسش اختلاف کردند و او رأی فقهای حجاز را  
پذیرفت که می گویند: این تحریم اثری ندارد.

٤ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی به همسر خود  
بگوید: «بستر تو بر من حرام باد» (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: این سخن، نه کفارہ دارد و نه صیغۀ طلاق است.

### بخش شصتم

حکم طلاق به صیغۀ «همسر من نیستی»، «تو شوهر نداری»  
و «پیوند ما گسست»

١ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: اگر کسی به همسر خود بگوید: «تو همسر  
من نیستی»، «تو شوهر نداری»، «پیوند ما گسست» و «تو بر من حرامی» (چه حکمی دارد؟).



قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ؛ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ مِنِّي بَائِنٌ، وَأَنْتِ مِنِّي خَلِيَّةٌ، وَأَنْتِ مِنِّي بَرِيئَةٌ.

قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ خَلِيَّةٌ أَوْ بَرِيئَةٌ أَوْ بَتَّةٌ أَوْ حَرَامٌ.  
قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ.

فرمود: اثری ندارد.

۲- سماعه گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر کسی به همسر خود بگوید: «تو از من جدایی»، «تو همسر من نیستی» و «تو از من دوری» (چگونه است؟)

۳- حلبی نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

فرمود: اثری ندارد.

(۶۱)

## بَابُ الْخِيَارِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخِيَارِ.

فَقَالَ: وَمَا هُوَ؟ وَمَا ذَاكَ؟ إِنَّمَا ذَاكَ شَيْءٌ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي سَمِعْتُ أَبَاكَ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرَ نِسَاءَهُ فَاخْتَرَنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ، فَلَمْ يُمَسِّكْهُنَّ عَلَى طَلَاقٍ، وَ لَوْ اخْتَرَنَ أَنْفُسَهُنَّ لَبِنَّ.

## بخش شصت و یکم

## حق اختیار در طلاق

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره حق اختیار پرسیدم.

فرمود: حق اختیار چیست؟! و کدام است؟ این امر فقط از آن پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود.

۲ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من از پدر شما شنیدم که

می فرمود: «پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همسرانش را مخیر نمود. آنها خداوند و پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را

اختیار کردند. پس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنان را با یک طلاق نگه نداشت و اگر خودشان را انتخاب

می کردند، از ایشان جدا می شدند.

فَقَالَ: إِنَّ هَذَا حَدِيثٌ كَانَ يَرْوِيهِ أَبِي عَلِيٍّ عَنِ عَائِشَةَ، وَ مَا لِلنَّاسِ وَ لِلْخِيَارِ، إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ حَصَّ اللَّهُ بِكَ بِهِ رَسُولُهُ ﷺ.

۳- حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ عَنِ عَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ خَيْرَ امْرَأَتِهِ، فَاخْتَارَتْ نَفْسَهَا، بَأْتَتْ مِنْهُ؟

قَالَ: لَا، إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَاصَّةً، أَمْرٌ بِذَلِكَ فَفَعَلَ، وَ لَوْ اخْتَرَتْ أَنْفُسُهُنَّ لَطَلَّقَهُنَّ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: ﴿ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتِعْكَنَّ وَ اسْرِّحْ كُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴾.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ جَعَلَ أَمْرَ امْرَأَتِهِ بِيَدِهَا؟

قَالَ: فَقَالَ: وَلَّى الْأَمْرَ مَنْ لَيْسَ أَهْلُهُ وَ خَالَفَ السُّنَّةَ وَ لَمْ يُجِزِ النِّكَاحَ.

امام علیؑ فرمود: این حدیثی است که پدرم از عایشه نقل می نمود و مردم را چه به حق اختیار؟! آن امری است که خداوند فقط پیامبرش را مخصوص آن گرداند.

۳- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیؑ پرسیدم: اگر کسی به همسر خود در طلاق اختیار دهد و آن زن خاطر خودش را انتخاب کند، از شوهر خود جدا می شود؟

فرمود: نه. این تکلیف ویژه رسول خدا ﷺ بود، مکلف شد که همسران خود را مخیر سازد و آنان رسول خدا ﷺ را اختیار کردند، اگر خاطر خود را اختیار می کردند، رسول خدا ﷺ آنان را طلاق می داد و کلام خداوند متعال همین است می فرماید: «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید، بیایید با هدیه ای شما را بهره مند کنم و با خیر و خوشی رها سازم».

۴- یکی از اصحاب ما گوید: به امام صادق علیؑ عرض کردم: درباره کسی که اختیار همسرش را به دست او می سپارد، چه می فرمایید؟

فرمود: اختیار را به کسی سپرده است که شایستگی آن را ندارد و با سنت مخالفت کرده و به حکم ازدواج عمل نکرده است.

(۶۲)

**بَابُ كَيْفَ كَانَ أَصْلُ الْخِيَارِ**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ:

إِنَّ اللَّهَ س أَنْزَلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ مَقَالَةٍ قَالَتْهَا بَعْضُ نِسَائِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ التَّخْيِيرِ، فَأَعْتَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ نِسَاءَهُ تِسْعًا وَعِشْرِينَ لَيْلَةً فِي مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، ثُمَّ دَعَاهُنَّ فَخَيَّرَهُنَّ فَاخْتَرَتْهُ فَلَمْ يَكُ شَيْئًا، وَلَوْ اخْتَرْنَ أَنْفُسَهُنَّ كَانَتْ وَاحِدَةً بَائِنَةً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ مَقَالَةِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟

قَالَ: فَقَالَ: إِنَّهَا قَالَتْ: يَرَى مُحَمَّدٌ أَنَّهُ لَوْ طَلَّقَنَا أَنَّهُ لَا يَأْتِينَا الْأَكْفَاءُ مِنْ قَوْمِنَا يَتَزَوَّجُونَا.

**بخش شصت و دوم****اصل «حق انتخاب» چگونه بود؟**

۱- زراره گوید: از امام باقر ع شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال سخنی را که یکی از زنان پیامبر خدا ص گفته بود برای ایشان مکروه شمرد. از این رو آیه تخییر را نازل نمود و پیامبر خدا ص بیست و نه شب با ماندن در اتاق ام ابراهیم از همسران خود کناره گیری کرد. سپس همسران خود را فرا خواند و آنها را مخیر نمود. پس زنان، آن حضرت را انتخاب نمودند. بنابراین چیزی پیش نیامد. اگر زنان، خودشان را انتخاب می کردند، یک طلاق بائن محسوب می شد.

زراره گوید: از حضرتش پرسیدم: سخن آن زن چه بود؟

فرمود: آن زن گفته بود: «محمد گمان می کند اگر ما را طلاق دهد، همتایان ما از قوم ما نمی آیند با ما ازدواج کنند».

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ زَيْنَبَ قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَعْدِلُ وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ. وَقَالَتْ حَفْصَةُ: إِنْ طَلَقْنَا وَجَدْنَا أَكْفَاءَنَا فِي قَوْمِنَا. فَاخْتَبَسَ الْوَحْيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِشْرِينَ يَوْمًا. قَالَ: فَأَنْفَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِرَسُولِهِ، فَأَنْزَلَ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ - إِلَى قَوْلِهِ - أَجْرًا عَظِيمًا﴾. قَالَ: فَاخْتَرَنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَ لَوْ اخْتَرَنَ أَنْفُسَهُنَّ لَبِئْسَ، وَإِنْ اخْتَرَنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

---

۲- ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زینب به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: «تو با آن که پیامبر خدایی با عدالت رفتار نمی کنی!» (!) حفصه گفت: «اگر پیامبر ما را طلاق دهد، هم شأن خود را در قوم خود خواهیم یافت». در این هنگام بیست روز «وحی» از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قطع شد. پس خداوند آن را برای پیامبرش مکروه داشت. پس این آیه را نازل نمود: «ای پیامبر! به همسران خود بگو: اگر دنیا وزرق و برق آن را می خواهید بیایید...» فرمود: پس زنان پیامبر، خدا و پیامبرش را انتخاب نمودند و اگر خودشان را انتخاب می کردند، طلاق داده می شدند و اگر خدا و پیامبرش را انتخاب می کردند، چیزی پیش نمی آمد.

۳- عبدالاعلی بن اعین گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

إِنَّ بَعْضَ نِسَاءِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ: أَيْرَى مُحَمَّدٌ أَنَّهُ إِنْ طَلَّقَنَا لَا نَجِدُ الْأَكْفَاءَ مِنْ قَوْمِنَا.

قَالَ: فَغَضِبَ اللَّهُ ﷻ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ، فَأَمَرَهُ فَخَيَّرَهُنَّ حَتَّىٰ أَنْتَهَىٰ إِلَىٰ زَيْنَبِ بِنْتِ جَحْشٍ، فَقَامَتْ وَ قَبَّلَتْهُ وَ قَالَتْ: أَخْتَارُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ زَيْنَبَ بِنْتَ جَحْشٍ قَالَتْ: أَيْرَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ خَلَىٰ سَبِيلَنَا أَنَّا لَا نَجِدُ زَوْجًا غَيْرَهُ؟! وَ قَدْ كَانَ اعْتَزَلَ نِسَاءَهُ تِسْعًا وَ عَشْرِينَ لَيْلَةً.

فَلَمَّا قَالَتْ زَيْنَبُ الَّذِي قَالَتْ بَعَثَ اللَّهُ ﷻ جَبْرَائِيلَ إِلَىٰ مُحَمَّدٍ ﷺ فَقَالَ: ﴿ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِنْ كُنْتُمْ تُرْذَنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّكُمْ ﴾ ...الْآيَتَيْنِ كَلِّبَهُمَا.

یکی از همسران پیامبر خدا ﷺ گفت: «آیا محمد گمان می‌کند اگر ما را طلاق دهد، ما هم شأن‌های خود از قوم خودمان را نمی‌یابیم؟!»

خداوند از بالای هفت آسمان خود خشم نمود و به پیامبر ﷺ فرمان داد که همسران خود را مخیر نماید. زنان پیامبر ﷺ انتخاب خود را نمودند تا این که نوبت به زینب دختر جحش رسید، پس او برخاست و پیامبر ﷺ را بوسید و گفت: «من خدا و پیامبرش را انتخاب می‌کنم».

۴- داوود بن سرحان گوید: امام صادق ع فرمود:

زینب دختر جحش گفت: «آیا پیامبر خدا ﷺ گمان می‌کند اگر ما را آزاد کند. ما شوهر دیگری غیر از او نمی‌یابیم؟!» در حالی که پیامبر ﷺ بیست و نه شب از همسران خود کناره‌گیری کرد.

هنگامی که زینب سخن خود را گفت، خداوند جبرئیل ع را نزد پیامبر ﷺ فرستاد. جبرئیل ع عرض کرد: «به همسران خود بگو اگر دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیابید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم...»

فَقُلْنَ: بَلْ نَخْتَارُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ.

۵ - عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ زَيْنَبَ بِنْتَ جَحْشٍ قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا تَعْدِلْ وَأَنْتَ نَبِيٌّ.

فَقَالَ: تَرِبْتُ يَدَاكَ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ فَمَنْ يَعْدِلُ؟

فَقَالَتْ: دَعَوْتُ اللَّهَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! لِيَقْطَعَ يَدَيَّ؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ لَتَتْرَبَانِ.

فَقَالَتْ: إِنَّكَ إِنْ طَلَقْتَنَا وَ جَدْنَا فِي قَوْمِنَا أَكْفَاءَنَا.

فَاخْتَبَسَ الْوَحْيُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تِسْعًا وَ عِشْرِينَ لَيْلَةً.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَأَنْفَ اللَّهُ صلى الله عليه وآله لِرَسُولِهِ فَأَنْزَلَ: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا... ﴾ الْآيَتَيْنِ. فَاخْتَرَنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ، فَلَمْ يَكْ شَيْئاً وَ لَوْ اخْتَرَنَ أَنْفُسَهُنَّ لَبِنَّ.

پس زنان پیامبر صلى الله عليه وآله گفتند: بلکه ما خدا و پیامبرش و سراى آخرت را انتخاب مى‌کنیم.  
۵ - ابوبصير گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

زينب دختر جحش به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله گفت: «تو با آن که پیامبرى به عدالت رفتار نمى‌کنی» (!)

پس پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دستانت به خاک بچسبد و فقير شوی! اگر من عدالت ندارم، پس چه کسی عدالت دارد؟!

زينب گفت: ای پیامبر خدا! خدا را فراخواندی که دستان مرا قطع کند؟!

فرمود: نه، اما قطعاً دستان تو به خاک خواهند چسبید.

زينب گفت: اگر ما را طلاق دهی، در میان قوم خود هم‌تایان خود را خواهیم یافت.

پس در این هنگام بیست و نه شب وحی از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله قطع شد.

سپس امام باقر عليه السلام فرمود: پس خداوند این موضوع را برای پیامبرش مکروه دانست.

پس نازل نمود که «ای پیامبر! به همسران خود بگو: اگر دنیا و زرق و برق آن را مى‌خواهید...»

پس زنان پیامبر صلى الله عليه وآله خدا و پیامبرش را انتخاب کردند. بنابراین مسئله‌ای پیش نیامد

و اگر خودشان را انتخاب مى‌کردند، از پیامبر جدا مى‌شدند.

وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ مِثْلَهُ.  
 ۶- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فِي الرَّجُلِ إِذَا خَيَّرَ امْرَأَتَهُ.  
 فَقَالَ: إِنَّمَا الْخَيْرَةُ لَنَا لَيْسَ لِأَحَدٍ، وَإِنَّمَا خَيَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَكَانٍ عَائِشَةَ،  
 فَاخْتَرَنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ أَنْ يَخْتَرْنَ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

(۶۳)

## بَابُ الْخُلْعِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که همسرش را مخیر می‌کند  
 فرمود:

«حق انتخاب» برای ماست، نه فرد دیگر؛ پیامبر خدا ﷺ فقط به خاطر جایگاه عایشه  
 زنان خود را مخیر نمود. پس آنان خدا و رسولش را انتخاب کردند و آنان حق نداشتند که  
 کسی جز پیامبر خدا ﷺ را انتخاب کنند.

بخش شصت و سوم

## طَلَقُ خُلْعِ

۱ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:



لَا يَجِلُّ خُلْعُهَا حَتَّى تَقُولَ لِرِزْوَجِهَا: «وَاللَّهِ! لَا أُبْرِّئُكَ قَسَمًا وَلَا أُطِيعُ لَكَ أَمْرًا وَلَا  
لَا أَعْتَسِلُ لَكَ مِنْ جَنَابَةٍ وَلَا وَطِئَنَ فِرَاشِكَ وَلَا ذَنْنَ عَلَيْنِكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ» .  
وَقَدْ كَانَ النَّاسُ يُرْخِصُونَ فِيهَا دُونَ هَذَا. فَإِذَا قَالَتِ الْمَرْأَةُ ذَلِكَ لِرِزْوَجِهَا حَلًّا  
لَهُ مَا أَخَذَ مِنْهَا فَكَانَتْ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ بَاقِيَتَيْنِ، وَكَانَ الْخُلْعُ تَطْلِيقَةً.  
وَ قَالَ: يَكُونُ الْكَلَامُ مِنْ عِنْدِهَا.

وَ قَالَ: لَوْ كَانَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا لَمْ نُجِزْ طَلَاقًا إِلَّا لِلْعِدَّةِ.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعًا عَنْ  
عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُخْتَلِعَةِ.

طلاق خُلْع<sup>(۱)</sup> صحیح نیست تا این که زن به شوهرش بگوید: به خدا سوگند! دستورهایی تو را انجام نمی‌دهم گرچه همراه با سوگند باشد، از هیچ دستور تو اطاعت نخواهم نمود، به خاطر نزدیکی با تو غسل جنابت نخواهم کرد و حتماً شخص دیگری را در بستر تو بدون اجازه تو جای خواهم داد.  
مردم (اهل سنت) به کمتر از این نیز، اجازه طلاق خلع را صادر می‌نمودند. پس هرگاه زن این سخنان را به شوهر خود بگوید، آن چه را که شوهر از او گرفته است، برایش حلال خواهد شد و زن نزد این شوهر دو طلاق دیگر دارد و خلع، یک طلاق محسوب می‌شود.  
و فرمود: سخن باید از جانب خود زن باشد.  
و فرمود: اگر حکومت در دست ما بود، جز طلاق که دارای عده بود (طلاق شرعی) جایز نمی‌دانستیم.

۲- سماعه گوید: از امام علیه السلام درباره زنی که طلاق خلع می‌گیرد پرسیدم.

۱- طلاق خلع، طلاق است که زن پیشقدم می‌شود و مهریه‌اش را می‌بخشد که احکامی دارد.

فَقَالَ: لَا يَجِلُّ لِزَوْجِهَا أَنْ يَخْلَعَهَا حَتَّى تَقُولَ: لَا أُبْرِّ لَكَ قَسَمًا وَلَا أُقِيمُ حُدُودَ  
 اللَّهُ فِيكَ وَلَا أَعْتَسِلُ لَكَ مِنْ جَنَابَةٍ وَلَا وَطِئَنَ فِرَاشِكَ وَلَا دُخْلَنَ بَيْتِكَ مَنْ تَكْرَهُ مِنْ  
 غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ هَذَا وَلَا يَتَكَلَّمُوا نَهْمًا، وَتَكُونُ هِيَ الَّتِي تَقُولُ ذَلِكَ.  
 فَإِذَا هِيَ اخْتَلَعَتْ فَهِيَ بَائِنٌ وَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ مَالِهَا مَا قَدَرَ عَلَيْهِ، وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ  
 يَأْخُذَ مِنَ الْمُبَارَاةِ كُلِّ الَّذِي أَعْطَاهَا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمُخْتَلَعَةُ الَّتِي تَقُولُ لِزَوْجِهَا: اخْلَعْنِي وَأَنَا أُعْطِيكَ مَا أَخَذْتُ مِنْكَ.  
 فَقَالَ: لَا يَجِلُّ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهَا شَيْئًا حَتَّى تَقُولَ: وَاللَّهِ لَا أُبْرِّ لَكَ قَسَمًا وَلَا أُطِيعُ  
 لَكَ أَمْرًا وَلَا ذَنْنَ فِي بَيْتِكَ بَعِيرِ إِذْنِكَ وَلَا وَطِئَنَ فِرَاشِكَ غَيْرِكَ.

فرمود: برای شوهرش جایز نیست که او را طلاق خلع دهد تا این که زن بگوید: «از  
 اوامرت اطاعت نخواهم کرد؛ گرچه همراه سوگند باشد، احکام الهی را برایت اجرا  
 نخواهم کرد، به جهت نزدیکی با تو غسل جنابت انجام نخواهم داد قطعاً شخص دیگری  
 را در بستر تو جای خواهم داد و حتماً کسی را که ناپسند توست، در خانه ات داخل خواهم  
 نمود». بدون آن که زن این سخنان را از دیگری یاد بگیرد و فامیل های زن نیز سخن نگویند  
 و این سخنان را بگوید.

پس هرگاه زن خلع کند، از شوهرش جدا می شود و شوهر حق دارد هر چه که می تواند  
 از مال زن بستاند. اما حق ندارد از زنی که مبارات کرده است، همه آن چه را که به او داده  
 بود باز پس گیرد.

۳- محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

طلاق خلع خواهنده زنی است که به شوهرش می گوید: «مرارها کن و من آن چه را که از  
 تو گرفته ام به تو باز می گردانم».

پس فرمود: برای مرد حلال نیست چیزی از همسرش بستاند تا این که زن بگوید: «به  
 خدا سوگند! فرمان تو را انجام نمی دهم گرچه همراه سوگند باشد، هیچ دستور تو را  
 اطاعت نمی کنم و شخص دیگری را در بستر تو جای خواهم داد».

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْلَمَهَا حَلَّ لَهُ مَا أَخَذَ مِنْهَا وَكَانَتْ تَطْلِيقَةً بِغَيْرِ طَلَاقٍ يُتْبَعُهَا فَكَانَتْ بَائِنًا بِذَلِكَ وَكَانَ خَاطِبًا مِنَ الْخُطَّابِ .

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

إِذَا خَلَعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فِيهَا وَاحِدَةً بَائِنَةً وَهُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ وَلَا يَجُلُّ لَهُ أَنْ يَخْلَعَهَا حَتَّى تَكُونَ هِيَ الَّتِي تَطْلُبُ ذَلِكَ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُضِرَّ بِهَا وَحَتَّى تَقُولَ : لَا أُبْرِيكَ قَسَمًا وَلَا أَعْتَسِلُ لَكَ مِنْ جَنَابَةٍ وَلَا أُدْخِلَنَّ بَيْتَكَ مَنْ تَكْرَهُهُ وَلَا أُطِئَنَّ فِرَاشَكَ وَلَا أُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ ، فَإِذَا كَانَ هَذَا مِنْهَا فَقَدْ طَابَ لَهُ مَا أَخَذَ مِنْهَا .

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

پس هرگاه بدون این که کسی به زن یاد دهد، زن چنین بگوید، آن چه را که شوهر از او بگیرد برایش حلال خواهد بود و یک طلاق محسوب می شود بدون آن که در پی خلع، طلاق صادر شود. پس به وسیله خلع، این طلاق بائن محسوب می شود و شوهر به منزله یکی از خواستگاران خواهد بود.

۴- ابوصباح کنانی نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند.

۵- ابوبصیر نظیر روایت یکم همین بخش را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند.

لَيْسَ يَحِلُّ خُلْعُهَا حَتَّى تَقُولَ لِرَوْجِهَا ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَ مَا ذَكَرَ أَصْحَابُهُ.  
 ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ قَدْ كَانَ يُرَخِّصُ لِلنِّسَاءِ فِيمَا هُوَ دُونَ هَذَا، فَإِذَا قَالَتْ  
 لِرَوْجِهَا ذَلِكَ حَلَّ خُلْعُهَا وَ حَلَّ لِرَوْجِهَا مَا أَخَذَ مِنْهَا، وَ كَانَتْ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ  
 بَاقِيَتَيْنِ وَ كَانَ الْخُلْعُ تَطْلِيقَةً وَ لَا يَكُونُ الْكَلَامُ إِلَّا مِنْ عِنْدِهَا.  
 ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا لَمْ يَكُنِ الطَّلَاقُ إِلَّا لِلْعِدَّةِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
 أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَالَتِ الْمَرْأَةُ لِرَوْجِهَا جُمْلَةً: «لَا أُطِيعُ لَكَ أَمْرًا» مُفَسَّرًا، أَوْ غَيْرَ مُفَسَّرٍ حَلَّ  
 لَهُ مَا أَخَذَ مِنْهَا، وَ لَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ.

۷- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْخُلْعُ وَ الْمُبَارَاةُ تَطْلِيقَةٌ بَائِنٌ وَ هُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَابِ.

۶- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه زن به شوهرش این جمله را بگوید: «هیچ فرمان تو را اطاعت نخواهم کرد» چه  
 تفسیر و توضیح دهد؛ چه ندهد؛ آن چه را که شوهر از او گرفته است حلال خواهد شد  
 و مرد حق رجوع به زن را نخواهد داشت.

۷- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خلع و مبارات یک طلاق بائن محسوب می‌شود و شوهر یکی از خواستگاران خواهد بود.

۸- حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا قَالَتِ الْمَرْأَةُ: وَاللَّهِ! لَا أُطِيعُ لَكَ أَمْرًا مُفَسِّرًا أَوْ غَيْرَ مُفَسِّرٍ، حَلَّ لَهُ مَا أَخَذَ  
مِنْهَا، وَ لَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ.

۹- حُمَيْدٌ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ:  
أَنَّ جَمِيلًا شَهِدَ بَعْضَ أَصْحَابِنَا وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يَخْلَعَ ابْنَتَهُ مِنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فَقَالَ  
جَمِيلٌ لِلرَّجُلِ: مَا تَقُولُ؟ رَضِيتُ بِهَذَا الَّذِي أَخَذْتَ وَ تَرَكْتَهَا؟  
فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُمْ جَمِيلٌ: قُومُوا.

فَقَالُوا: يَا أَبَا عَلِيٍّ! لَيْسَ تُرِيدُ يَتَّبِعُهَا الطَّلَاقُ؟  
قَالَ: لَا.

۸- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه زن به شوهرش این جمله را بگوید: «هیچ دستور تو را اطاعت نخواهم کرد» چه  
تفسیر و توضیح دهد؛ چه ندهد؛ آن چه را که شوهر از او گرفته است حلال خواهد شد  
و مرد حق رجوع به زن را نخواهد داشت.

۹- سماعه گوید:

جعفر بن سماعه خبر داد که جمیل بعضی از یاران را به شهادت فراخواند. در حالی که  
تصمیم داشت دخترش را از یکی از یاران خلع کند.  
پس جمیل به دامادش گفت: چه می‌گویی؟ آیا به آن چه گرفتی راضی هستی و  
همسرت را ترک می‌کنی؟  
گفت: آری.

جمیل به حاضران گفت: برخیزید!

گفتند: ای ابوعلی! نمی‌خواهی که پس از خلع، طلاق بخوانی؟  
گفت: نه.

قَالَ: وَكَانَ جَعْفَرُ بْنُ سَمَاعَةَ يَقُولُ: يَتَّبِعُهَا الطَّلَاقُ فِي الْعِدَّةِ، وَ يَحْتَجُّ بِرِوَايَةِ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عليه السلام:  
 قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: الْمُخْتَلَعَةُ يَتَّبِعُهَا الطَّلَاقُ مَا دَامَتْ فِي الْعِدَّةِ.  
 ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الْمُخْتَلَعَةِ:  
 إِنَّهَا لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَتُوبَ مِنْ قَوْلِهَا الَّذِي قَالَتْ لَهُ عِنْدَ الْخُلْعِ.

(۶۴)

### بَابُ الْمُبَارَاةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُبَارَاةِ كَيْفَ هِيَ؟

حسن بن محمد گوید: و جعفر بن سماعه می گفت: «در دوران عدّه، طلاق در پی خلع می آید» او به روایت موسی بن بکر احتجاج می کرد که امام کاظم عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

زنی که خلع کرده است، در پی آن طلاق می آید؛ تا زمانی که در عدّه باشد.

۱۰ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره زنی که خلع کرده است فرمود:

برای شوهرش حلال نخواهد شد تا این که از خلعی که به شوهرش گفته بود، باز گردد.

### بخش شصت و چهارم

#### طلاق مبارات

۱ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: طلاق مبارات چگونه است؟

فَقَالَ: يَكُونُ لِلْمَرْأَةِ شَيْءٌ عَلَى زَوْجِهَا مِنْ صَدَاقٍ أَوْ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَكُونُ قَدْ  
أَعْطَاهَا بَعْضَهُ فَيَكْرَهُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، فَتَقُولُ الْمَرْأَةُ لِرِزْوَجِهَا: مَا أَخَذْتُ مِنْكَ فَهُوَ  
لِي وَ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ فَهُوَ لَكَ، وَ أَبَارِئُكَ.

فَيَقُولُ الرَّجُلُ لَهَا: فَإِنْ أَنْتِ رَجَعْتِ فِي شَيْءٍ مِمَّا تَرَكَتِ، فَأَنَا أَحَقُّ بِبُضْعِكَ.  
۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ  
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمُبَارِئَةُ يُؤْخَذُ مِنْهَا دُونَ، الصَّدَاقِ، وَ الْمُخْتَلَعَةُ يُؤْخَذُ مِنْهَا مَا شَاءَ أَوْ مَا تَرَاضِيَا  
عَلَيْهِ مِنْ صَدَاقٍ أَوْ أَكْثَرَ، وَ إِنَّمَا صَارَتِ الْمُبَارِئَةُ يُؤْخَذُ مِنْهَا دُونَ الْمَهْرِ وَ الْمُخْتَلَعَةُ  
يُؤْخَذُ مِنْهَا مَا شَاءَ، لِأَنَّ الْمُخْتَلَعَةَ تَعْتَدِي فِي الْكَلَامِ وَ تَكَلِّمُ بِمَا لَا يَحِلُّ لَهَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْقُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
إِنْ بَارَأَتْ امْرَأَةٌ زَوْجَهَا فَهِيَ وَاحِدَةٌ، وَ هُوَ خَاطِبٌ مِنَ الْخُطَّابِ.

فرمود: این گونه است که زن چیزی مانند مهریه و امثال آن بر عهده شوهرش دارد  
و شوهر قسمتی از آن را به او پرداخته است. پس هر کدام از زن و شوهر از دیگری بدش  
می آید. بنابراین زن به مرد می گوید: «هر مقداری که از تو گرفته ام از آن من باشد و هر چه که  
مانده برای تو باشد و من از تو جدا می شوم».

پس مرد به او می گوید: بنابراین اگر تو به چیزی که آن را ترک نمودی، بازگردی؛ پس من  
به «بضع» و همبستری با تو سزاوارترم.

۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

زنی که طلاق مبارات گرفته است، از او کمتر از مهریه اش را می گیرند و زنی که طلاق  
خلع گرفته است، از او به اندازه ای که شوهر بخواهد یا زن و شوهر بر آن توافق کنند - به  
اندازه مهریه یا بیشتر - می گیرند.

همانا که از زنی که طلاق مبارات گرفته است، کمتر از مهریه می گیرند و از زنی که طلاق  
خلع گرفته است، به هر اندازه ای که شوهر بخواهد می گیرند؛ به این جهت که زنی که طلاق  
خلع گرفته، در سخن گفتن زیاده روی کرده و سخنانی گفته که برایش جایز نیست.

۳- ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر زنی از شوهرش طلاق مبارات بگیرد، این یک طلاق به شمار می آید و شوهر، مانند  
یکی از خواستگاران خواهد بود.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ قَالَتْ لِرِزْوَجِهَا: لَكَ كَذَا وَكَذَا وَخَلَّ سَبِيلِي. فَقَالَ: هَذِهِ الْمُبَارَاةُ.

۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ؛ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ سُفْيَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُبَارَاةُ تَقُولُ الْمَرْأَةُ لِرِزْوَجِهَا: لَكَ مَا عَلَيْكَ وَ ائْتُرْكُنِي، أَوْ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ قَبْلِهَا شَيْئاً فَيَتْرُكُهَا إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ: فَإِنْ ائْتَجَعْتِ فِي شَيْءٍ فَأَنَا أَمْلُكَ بِبُضْعِكَ، وَ لَا يَحِلُّ لِرِزْوَجِهَا أَنْ يَأْخُذَ مِنْهَا إِلَّا الْمَهْرَ فَمَا دُونَهُ.

۶ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ كَوَيْد: از امام صادق عليه السلام درباره زنی که به شوهرش می‌گوید: «فلان مبلغ برای تو باشد و تو در مقابل آن مرا آزاد کن» سؤال کردم. فرمود: این همان طلاق مبارات است.

۵ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: طلاق مبارات چنین است که زن به شوهرش بگوید: «آن چه که از حقوق من بر توست، از آن تو باشد و تو مرا رها کن». یا زن از خود چیزی به شوهر بدهد. پس شوهر او را رها کند. و به او بگوید: «اگر به چیزی رجوع کردی، من به بُضْع و همبستری با تو سزاوارترم. و برای مرد جایز نیست که جز مهریه - و یا کمتر از آن - را از همسرش بگیرد.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



الْمُبَارَاتُ تَقُولُ لِزَوْجِهَا: لَكَ مَا عَلَيْكَ وَبَارِئِنِي وَتَتْرُكُهَا.  
 قَالَ: قُلْتُ: فَيَقُولُ لَهَا: فَإِنْ اِرْتَجَعْتَ فِي شَيْءٍ فَأَنَا أَمْلِكُ بِبُضْعِكَ.  
 قَالَ: نَعَمْ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تُبَارِي زَوْجَهَا أَوْ تَخْتَلِعُ مِنْهُ بِشَاهِدَيْنِ  
 عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ هَلْ تَبِينُ مِنْهُ؟  
 فَقَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ عَلَى مَا ذَكَرْتَ فَنَعَمْ.  
 قَالَ: قُلْتُ: قَدْ رَوَى لَنَا أَنَّهَا لَا تَبِينُ مِنْهُ حَتَّى يَتَّبِعَهَا الطَّلَاقُ.  
 قَالَ: فَلَيْسَ ذَلِكَ إِذَا خُلِعًا.  
 فَقُلْتُ: تَبِينُ مِنْهُ؟  
 قَالَ: نَعَمْ.

مبارات این است که زن به شوهرش بگوید: «چیزی که بر عهده توست، از آن خودت باشد و در عوض آن با من مبارات کن» و مرد نیز او را ترک می‌کند.  
 گفتم: مرد می‌تواند بگوید: «پس اگر به چیزی که ترک نمودی رجوع کردی، من به بضع و همبستری تو سزاوارترم».  
 فرمود: آری.

۷- محمد بن اسماعیل گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: زنی در دوران پاک‌گی که آمیزش نکرده است در حضور دو شاهد با شوهرش مبارات و یا خلع می‌کند؛ آیا از او جدا می‌شود؟  
 فرمود: اگر همان طور باشد که گفتم؛ آری.  
 گفتم: برای ما روایت شده است که از هم جدا نمی‌شوند، تا این که طلاق نیز در پی آن بیاید.

فرمود: در این صورت که خلع نخواهد بود.  
 گفتم: بنابراین از شوهرش جدا می‌شود؟  
 فرمود: آری.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ يَكُونُ خُلْعٌ أَوْ مُبَارَاةٌ إِلَّا بِطُهْرٍ؟ فَقَالَ: لَا يَكُونُ إِلَّا بِطُهْرٍ.

۹ - صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ صَفْوَانَ عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ مُضْعَبٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَكُونُ طَلَاقٌ وَ لَا تَخْيِيرٌ وَ لَا مُبَارَاةٌ إِلَّا عَلَى طُهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشُهُودٍ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ: لَا طَلَاقَ وَ لَا خُلْعَ وَ لَا مُبَارَاةَ وَ لَا خِيَارَ إِلَّا عَلَى طُهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ.

۸ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا خلع و مبارات جز در دوران پاکیزگی زن صحیح و جایز است؟  
فرمود: خلع و مبارات فقط در دوران پاکیزگی خواهد بود.

۹ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
طلاق، حق انتخاب و مبارات فقط در دوران پاکیزگی زن که بدون انجام آمیزش و در حضور شاهدان انجام می‌گیرد.

۱۰ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:  
طلاق، خلع، مبارات و حق انتخاب فقط در دوران پاکیزگی زن و بدون آمیزش خواهد بود.

(۶۵)

**بَابُ عِدَّةِ الْمُخْتَلِعَةِ وَ الْمُبَارَاةِ وَ نَفَقَتِهِمَا وَ سُكْنَاهُمَا**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عِدَّةُ الْمُخْتَلِعَةِ مِثْلُ عِدَّةِ الْمُطَلَّاقَةِ وَ خُلْعُهَا طَلَاقُهَا.
- ۲ - وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تُمَتَّعُ الْمُخْتَلِعَةُ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: الْمُخْتَلِعَةُ لَا تُمَتَّعُ.

**بخش شصت و پنجم****حکم عدّه ، نفقه و مسکن زنی که خلع و یا مبارات کرده است**

- ۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عدّه زنی که خلع کرده مانند زنی است که طلاقش داده‌اند و خلع زن، طلاق اوست.
- ۲ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به زنی که خلع کرده، متاع داده نمی‌شود.
- ۳ - نظیر این روایت را حلبی از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ عِدَّةِ الْمُخْتَلِعَةِ كَمْ هِيَ؟  
قَالَ: عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ وَ لَتَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا، وَ الْمُبَارِئَةُ بِمَنْزِلَةِ الْمُخْتَلِعَةِ.

۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عِدَّةُ الْمُخْتَلِعَةِ عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ وَ خُلْعُهَا طَلَّاقُهَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ هَلْ تُمْتَعُ بِشَيْءٍ؟

قَالَ: لَا.

۶- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُخْتَلِعَةِ.

قَالَ: عِدَّتُهَا عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ، وَ تَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا وَ الْمُخْتَلِعَةُ بِمَنْزِلَةِ الْمُبَارِئَةِ.

۴- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: عده زنی که خلع کرده، چه مقدار است؟  
فرمود: مانند عده زنی که طلاق داده شده است. او باید در خانه اش عده نگه دارد و زنی  
که مبارات کرده، مانند زنی که خلع کرده است.

۵- عبدالله بن سنان نظیر روایت یکم این بخش را از امام صادق عليه السلام نقل می کند و  
می افزاید:

از آن حضرت پرسیدم: آیا زنی که خلع کرده چیزی به عنوان متاع داده می شود؟

فرمود: نه.

۶- داوود بن سرحان گوید: از امام صادق عليه السلام درباره زنی که خلع کرده پرسیدم.  
فرمود: مانند عده زنی که طلاق داده شده است. او باید در خانه اش عده نگه دارد

و خلع کرده به سان زنی که مبارات کرده است.

- ۷ - حُمَيْدُ بْنُ زَيْيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْيَادٍ وَ صَفْوَانَ عَنِ رِفَاعَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 الْمُخْتَلَعَةُ لَا سُكْنَى لَهَا وَلَا نَفَقَةَ .
- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
 لِكُلِّ مُطَلَّاقَةٍ مُتْعَةٌ إِلَّا الْمُخْتَلَعَةَ ، فَإِنَّهَا اشْتَرَتْ نَفْسَهَا .
- ۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اخْتَلَعَتْ مِنْهُ امْرَأَتُهُ أَيَحِلُّ لَهُ أَنْ يَخْطُبَ أُخْتَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّةَ الْمُخْتَلَعَةِ ؟  
 قَالَ : نَعَمْ ، قَدْ بَرَأَتْ عِضْمَتُهَا مِنْهُ وَ لَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ .

۷ - رفاعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی که خلع کرده، نزد شوهرش نه حق مسکن دارد و نه نفقه.

۸ - ابو البختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: برای هر زنی که طلاق داده شده، متاعی است جز زنی که خلع کرده است، زیرا او خودش را خریداری نموده است.

۹ - ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی همسرش با او خلع کرده است. آیا

او می تواند پیش از آن که عده زن به پایان رسد، با خواهر زنش ازدواج کند؟

فرمود: آری، زیرا مانع بودن زن از شوهرش ساقط شده است و مرد حق رجوع به

همسرش را ندارد.

(۶۶)

## بَابُ النُّشُوزِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا﴾.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَهَمَّ بِطَلَا قِهَا قَالَتْ لَهُ: أَمْسِكْنِي وَادْعَ لَكَ بَعْضَ مَا عَلَيْكَ وَأَحْلَلْكَ مِنْ يَوْمِي وَ لَيْلَتِي، حَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا﴾.

فَقَالَ: هِيَ الْمَرْأَةُ تَكُونُ عِنْدَ الرَّجُلِ فَيَكْرَهُهَا، فَيَقُولُ لَهَا: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُطَلِّقَكَ.

## بخش شصت و ششم

## ناسازگاری مردان

۱ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «و اگر زنی از ناسازگاری یا روی گردانی همسرش بیم داشته باشد» پرسیدم.

فرمود: هرگاه چنین باشد و مرد تصمیم گیرد که زنش را طلاق دهد، زن به او می گوید: مرا نگه دار و من بخشی از حقوقی را که بر عهده توست برایت رها می کنم و تو را از شب و روز خود، آزاد و معاف می دارم؛ برای شوهر حلال خواهد شد که چنین کند و گناهی بر آنان نیست.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «و اگر زنی از ناسازگاری یا روی گردانی همسرش بیم داشته باشد» پرسیدم.

فرمود: منظور زنی است که نزد مردی زندگی می کند که از او خوشش نمی آید. پس به او می گوید: «من می خواهم تو را طلاق دهم».

فَتَقُولُ لَهُ: لَا تَفْعَلْ إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تُشْمِتَ بِي، وَ لَكِنْ أَنْظِرْ فِي لَيْلَتِي فَاصْنَعْ بِهَا مَا شِئْتَ، وَ مَا كَانَ سِوَى ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ، فَهُوَ لَكَ وَ دَعْنِي عَلَى حَالَتِي، فَهُوَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا﴾ وَ هُوَ هَذَا الصُّلْحُ.

۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا﴾.

قَالَ: هَذَا تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ لَا تُعْجِبُهُ فَيُرِيدُ طَلَاقَهَا، فَتَقُولُ لَهُ: أَمْسِكْنِي وَ لَا تُطَلِّقْنِي وَ أَدَعْ لَكَ مَا عَلَى ظَهْرِكَ وَ أَعْطِيكَ مِنْ مَالِي وَ أَحْلَلْكَ مِنْ يَوْمِي وَ لَيْلَتِي، فَقَدْ طَابَ ذَلِكَ لَهُ كُلُّهُ.

زن می‌گوید: چنین نکن، من خوش ندارم که دشمن شاد شوم. اما شب را به من رسیدگی کن و در آن، هرکاری می‌خواهی انجام ده و غیر از آن، هر چه که هست؛ از آن تو باشد و مرا به همین حالت واگذار.

پس این فرموده خداوند است که «مانعی ندارد و با هم صلح کنند» و این، همان صلح است.

۳- ابو بصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: «اگر زنی

از ناسازگاری و یا روی گردانی همسرش بیم داشته باشد» پرسیدم.

فرمود: این در صورتی است که انسان همسری دارد که خوشایند او نیست، می‌خواهد

او را طلاق بدهد. زن به او می‌گوید: مرا طلاق مده، من در برابر این محبت که از حق طلاق

استفاده نکنی، از حقوق خود می‌گذرم و از مال خودم هدیه‌ای تقدیم می‌کنم و حق بالین

خود را بر تو حلال می‌کنم. با این قرار صلح، همه این حقوق بر شوهر او حلال خواهد شد.

(۶۷)

**بَابُ الْحَكَمَيْنِ وَ الشَّقَاقِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾ .

فَقَالَ: يَشْتَرِطُ الْحَكَمَانِ إِنْ شَاءَا فَرَقًا وَ إِنْ شَاءَا جَمَعًا، فَفَرَقًا أَوْ جَمَعًا جَازًا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾ .  
 قَالَ: لَيْسَ لِلْحَكَمَيْنِ أَنْ يُفْرَقَا حَتَّى يَسْتَأْمِرَا الرَّجُلَ وَ الْمَرْأَةَ، وَ يَشْتَرِطَا عَلَيْهِمَا إِنْ شِئْنَا جَمَعْنَا وَ إِنْ شِئْنَا فَرَقْنَا، فَإِنْ جَمَعَا فَجَائِزٌ، فَإِنْ فَرَقَا فَجَائِزٌ.

**بخش شصت و هفتم****داوری‌های خانوادگی و جدایی همسران**

۱ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره گفتار خدا که می‌فرماید: «و اگر از جدایی میان آن دو بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم.

فرمود: دو داور شرط می‌کنند که اگر خواستند بین زن و شوهر جدایی می‌افکنند و اگر خواستند بین آنان آشتی می‌دهند. داوری آنها در هر دو صورت جایز است.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدا که می‌فرماید: «یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم.

فرمود: دو داور حق ندارند بین زن و شوهر جدایی افکنند تا این که از آنان اجازه بگیرند. و با آنان شرط می‌کنند که اگر خواستیم بین شما آشتی دهیم و اگر خواستیم جدایی می‌افکنیم. پس اگر آشتی دادند جایز است و اگر جدایی افکندند نیز جایز است.



۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾.

قَالَ: الْحَكَمَانِ يَشْتَرِطَانِ إِِنْ شَاءَا فَرَقَا، وَإِنْ شَاءَا جَمَعَا فَإِنْ جَمَعَا فَجَائِزٌ وَإِنْ فَرَقَا فَجَائِزٌ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ اسْتَأْذَنَ الْحَكَمَانِ فَقَالَ لِلرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ: أَلَيْسَ قَدْ جَعَلْتُمَا أَمْرَكُمَا إِلَيْنَا فِي الْإِصْلَاحِ وَالتَّفْرِيقِ؟

فَقَالَ الرَّجُلُ وَالْمَرْأَةُ: نَعَمْ، فَاشْهَدَا بِذَلِكَ شُهُودًا عَلَيْهِمَا.

أَيَجُوزُ تَفْرِيقُهُمَا عَلَيْهِمَا؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَا يَكُونُ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ مِنَ الْمَرْأَةِ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ مِنَ الزَّوْجِ.

۳ - علی بن ابی حمزه گوید:

از امام کاظم عليه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم..

فرمود: دو داور شرط می کنند که اگر خواستند بین زن و شوهر جدایی می افکنند و اگر خواستند بین آنان آشتی می دهند. داوری آنها در هر دو صورت جایز است.

۴ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آیه «یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم. به نظر شما اگر دو داور اجازه بگیرند و به زن و شوهر بگویند: «آیا چنین نیست که اختیار خودتان در مورد آشتی و جدایی را به ما سپرده اید؟!».

زن و شوهر بگویند: «آری». پس داوران در این خصوص بر زن و شوهر شاهد بگیرند؛ آیا جدایی که داوران بر زن و شوهر قرار می دهند لازم خواهد بود؟

فرمود: آری. اما چنین نخواهد بود مگر در دوران پاکیزگی زن که شوهر با او آمیزش نکرده باشد.

قِيلَ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَالَ أَحَدُ الْحَكَمَيْنِ: قَدْ فَرَّقْتُ بَيْنَهُمَا وَ قَالَ الْآخَرُ: لَمْ أُفَرِّقْ بَيْنَهُمَا.

فَقَالَ: لَا يَكُونُ تَفْرِيقٌ حَتَّى يَجْتَمِعَا جَمِيعاً عَلَى التَّفْرِيقِ، فَإِذَا اجْتَمَعَا عَلَى التَّفْرِيقِ جَازَ تَفْرِيقُهُمَا.

۵ - وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا﴾.

قَالَ: لَيْسَ لِلْحَكَمَيْنِ أَنْ يُفَرِّقَا حَتَّى يَسْتَأْمِرَا.

سؤال شد: به نظر شما اگر یکی از داوران بگوید: «بین زن و شوهر جدایی افکندم» و دیگری بگوید: «بین آنان جدایی نمی اندازم» (چه حکمی دارد؟)

فرمود: جدایی نخواهد بود تا این که هر دو داور بر جدایی اتفاق نظر داشته باشند. پس هرگاه بر جدایی اتفاق کنند، جدایی زن و شوهر جایز خواهد بود.

۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: خداوند متعال می فرماید: «یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده همسر برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم.

فرمود: داوران حق ندارند که بین آن دو جدایی افکنند مگر از زن و شوهر اجازه بگیرند.

(۶۸)

**بَابُ الْمَفْقُودِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَفْقُودِ .  
 فَقَالَ : الْمَفْقُودُ إِذَا مَضَى لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ بَعَثَ الْوَالِي ، أَوْ يَكْتُبُ إِلَى النَّاحِيَةِ الَّتِي هُوَ غَائِبٌ فِيهَا ، فَإِنْ لَمْ يُوجَدْ لَهُ أَثَرٌ أَمَرَ الْوَالِي وَوَلِيُّهُ أَنْ يُنْفِقَ عَلَيْهَا فَمَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا فَهِيَ امْرَأَتُهُ .  
 قَالَ : قُلْتُ : فَإِنَّهَا تَقُولُ : فَإِنِّي أُرِيدُ مَا تُرِيدُ النِّسَاءُ .  
 قَالَ : لَيْسَ ذَلِكَ لَهَا وَ لَا كَرَامَةٌ ، فَإِنْ لَمْ يُنْفِقْ عَلَيْهَا وَوَلِيُّهُ أَوْ وَكِيلُهُ أَمْرُهُ أَنْ يُطَلَّقَهَا ، فَكَانَ ذَلِكَ عَلَيْهَا طَلَاقًا وَاجِبًا .

**بخش شصت و هشتم****شوهری که گم شده است**

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شوهری که مفقود شده است پرسیدند. فرمود: هرگاه چهار سال از مفقود شدن شوهر بگذرد، حاکم به جست و جوی او می فرستد، یا نامه ای به منطقه ای که در آن گم شده است می فرستد. پس اگر اثری از او یافت نشد، حاکم به ولی او دستور می دهد که به زن نفقه دهد. پس تا هنگامی که ولی به او نفقه می دهد، او همسر شوهرش خواهد بود.  
 عرض کردم: اگر زن بگوید: من همان را که زنان می خواهند (یعنی آمیزش) خواستارم. فرمود: او چنین حقی ندارد و از روی بزرگی نیست. پس اگر ولی یا وکیل شوهر به زن نفقه ندهد، حاکم به او دستور می دهد که زن را طلاق دهد. پس این، بر زن، طلاق واجبی است.

۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَفْقُودِ كَيْفَ يُصْنَعُ بِأَمْرَاتِهِ؟ قَالَ: مَا سَكَتَتْ عَنْهُ وَصَبَرَتْ يُخَلِّي عَنْهَا، فَإِنْ هِيَ رَفَعَتْ أَمْرَهَا إِلَى الْوَالِيِ أَجَلَهَا أَرْبَعِ سِنِينَ ثُمَّ يَكْتُبُ إِلَى الصُّعْقِ الَّذِي فُقِدَ فِيهِ فَلْيُسْأَلْ عَنْهُ، فَإِنْ خُبِرَ عَنْهُ بِحَيَاةِ صَبَرَتْ وَإِنْ لَمْ يُخْبَرَ عَنْهُ بِشَيْءٍ حَتَّى تَمُضِيَ الْأَرْبَعُ سِنِينَ دُعِيَ وَلِيُّ الزَّوْجِ الْمَفْقُودِ.

فَقِيلَ لَهُ: هَلْ لِلْمَفْقُودِ مَالٌ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهَا حَتَّى يُعْلَمَ حَيَاتُهُ مِنْ مَوْتِهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ قِيلَ لِلْوَالِيِ: أَنْفِقْ عَلَيْهَا، فَإِنْ فَعَلَ فَلَا سَبِيلَ لَهَا إِلَى أَنْ تَنْزَوِّجَ وَإِنْ لَمْ يُنْفِقْ عَلَيْهَا أَجْبَرَهُ الْوَالِيِ عَلَى أَنْ يُطَلِّقَ تَطْلِيقَةً فِي اسْتِئْثَابِ الْعِدَّةِ وَهِيَ طَاهِرٌ فَيَصِيرُ طَلَاقُ الْوَالِيِ طَلَاقَ الزَّوْجِ. فَإِنْ جَاءَ زَوْجُهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا مِنْ يَوْمِ طَلَّقَهَا الْوَالِيُّ فَبَدَا لَهُ أَنْ يُرَاجِعَهَا فَهِيَ أَمْرَأَتُهُ وَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ، فَإِنْ انْقَضَتِ الْعِدَّةُ قَبْلَ أَنْ يَجِيءَ أَوْ يُرَاجَعَ فَقَدْ حَلَّتْ لِلزَّوْجِ وَالْأُولَى عَلَيْهَا.

۲- برید بن معاویه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی مفقود شده، با همسرش چگونه رفتار می شود؟

فرمود: تا زمانی که زن سکوت کند و صبر نماید، کاری به کار او ندارند. پس اگر نزد حاکم شکایت نمود، حاکم به او چهار سال مهلت می دهد. سپس به ناحیه ای که شوهر در آن مفقود شده نامه می نویسد و درباره اش پرس و جو می کند. پس اگر خبر زنده بودنش آمد، زن باید صبر کند و اگر هیچ خبری نشد تا این که چهار سال گذشت، ولی شوهر مفقود را می آورند و به او می گویند: «آیا شوهر مفقود شده مالی دارد؟» اگر مالی داشت، از آن به زن نفقه داده می شود تا این که زنده یا مرده بودن مرد معلوم شود و اگر مالی نداشت، به ولی گفته می شود: «به زن نفقه پرداز» پس اگر پرداخت، زن راهی ندارد که با دیگری ازدواج کند و اگر نفقه ندهد، حاکم او را مجبور می کند که زن را در شروع عده - در حالی که زن پاک است - طلاق دهد. بنابراین طلاق ولی، طلاق شوهر محسوب می گردد.

پس اگر شوهر پیش از تمام شدن عده - از روزی که ولی او را طلاق داده است - بیاید و تصمیم بگیرد که به همسرش رجوع کند، پس زن، همسر اوست. و نزد شوهر دو طلاق دیگر مهلت دارد. پس اگر پیش از آن که شوهر باز گردد و یا رجوع کند عده به پایان رسد، زن برای شوهران دیگر حلال شده است و مرد هیچ گونه دسترسی به او ندارد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي امْرَأَةٍ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَ سِنِينَ وَ لَمْ يُنْفَقْ عَلَيْهَا وَ لَا يُدْرَى أَمْ حَيٌّ هُوَ أَمْ مَيِّتٌ أُجْبَرُ وَلِيُّهُ عَلَيَّ أَنْ يُطَلِّقَهَا؟

قَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ طَلَّقَهَا السُّلْطَانُ.

قُلْتُ: فَإِنْ قَالَ الْوَلِيُّ: أَنَا أَنْفَقُ عَلَيْهَا.

قَالَ: فَلَا يُجْبَرُ عَلَيَّ طَلَّاقَهَا.

قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَالَتْ: أَنَا أُرِيدُ مِثْلَ مَا تُرِيدُ النِّسَاءُ وَ لَا أَصْبِرُ وَ لَا أَفْعُدُ كَمَا أَنَا.

قَالَ: لَيْسَ لَهَا ذَلِكَ وَ لَا كَرَامَةٌ إِذَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ: قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَفْقُودِ.

۳- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شوهر زنی چهار سال مفقود شده و به زن نفقه نمی دهد و معلوم نیست که مرد زنده است یا مرده؛ آیا ولی شوهر مجبور می شود که زن را طلاق دهد؟

فرمود: آری. و اگر ولی نداشته باشد، حاکم او را طلاق می دهد.

عرض کردم: اگر ولی بگوید: «من نفقه زن را می پردازم» (چطور؟)

فرمود: مجبور به طلاق دادن زن نخواهد شد.

عرض کردم: به نظر شما اگر زن بگوید: «من آن چه را که زنان می خواهند (نزدیکی) را

می خواهم و صبر نخواهم کرد و همین طور نخواهم نشست»؟

فرمود: او چنین حقی ندارد؛ اصلاً اعتنایی به سخن او نمی شود؛ اگر نفقه به او پرداخت

شود.

۴- سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که مفقود شده است پرسیدم.

فَقَالَ: إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ فِي أَرْضٍ فَهِيَ مُتَنْظِرَةٌ لَهُ أَبَدًا حَتَّى تَأْتِيَهَا مَوْتُهُ، أَوْ يَأْتِيَهَا طَلَاقُهُ وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَيْنَ هُوَ مِنَ الْأَرْضِ كُلِّهَا وَ لَمْ يَأْتِهَا مِنْهُ كِتَابٌ وَ لَا خَبْرٌ، فَإِنَّهَا تَأْتِي الْإِمَامَ فَيَأْمُرُهَا أَنْ تَنْتَظِرَ أَرْبَعَ سِنِينَ فَيَطْلُبُ فِي الْأَرْضِ، فَإِنْ لَمْ يَوْجَدْ لَهُ أَثَرَ حَتَّى تَمُضِيَ الْأَرْبَعُ سِنِينَ أَمَرَهَا أَنْ تَعْتَدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا ثُمَّ تَحِلُّ لِلرَّجَالِ، فَإِنْ قَدِمَ زَوْجُهَا بَعْدَ مَا تَنْقُضِي عِدَّتَهَا فَلَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ وَإِنْ قَدِمَ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا فَهُوَ أَمْلَكَ بِرَجْعَتِهَا.

(۶۹)

### بَابُ الْمَرْأَةِ يَبْلُغُهَا مَوْتُ زَوْجِهَا أَوْ طَلَاقُهَا

#### فَتَعْتَدُ ثُمَّ تَزَوِّجُ فَيَجِيءُ زَوْجُهَا

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اگر زن بداند که شوهرش در سرزمینی است، باید برای همیشه منتظر بماند تا این که خبر مرگ یا طلاق دادن شوهرش به او برسد و اگر نداند که در چه جای زمین است و هیچ نامه و خبری از شوهرش به او نرسد، نزد حاکم می آید و حاکم به او دستور می دهد که چهار سال منتظر بماند. پس حاکم در سرزمین ها در پی مرد می گردد، پس اگر از مرد اثری یافت نشد تا این که چهار سال گذشت، به زن دستور می دهد که چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، سپس زن برای مردان دیگر حلال می شود. پس اگر پس از پایان عده، شوهر بیاید، حق رجوع ندارد و اگر شوهر در دوران عده - که چهار ماه و ده روز است - بیاید، به رجوع سزاوارتر است.

#### بخش شصت و نهم

حکم زنی که پس از خبر مرگ شوهرش یا طلاق دادن او عده نگه می دارد و ازدواج می کند...

۱- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا نُعِيَ الرَّجُلُ إِلَى أَهْلِهِ أَوْ خَبَرُوهَا أَنَّهُ طَلَّقَهَا فَاعْتَدَّتْ ثُمَّ تَزَوَّجَتْ فَجَاءَ زَوْجُهَا بَعْدُ، فَإِنَّ الْأَوَّلَ أَحَقُّ بِهَا مِنْ هَذَا الْآخِرِ دَخَلَ بِهَا أَوْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا، وَلَهَا مِنَ الْأَخِيرِ الْمَهْرُ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا.

قَالَ: وَ لَيْسَ لِلْآخِرِ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أَبَدًا.

أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مِثْلَهُ.

۲ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ وَ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلَيْنِ شَهِدَا عَلَى رَجُلٍ غَائِبٍ عِنْدَ امْرَأَةٍ أَنَّهُ طَلَّقَهَا فَاعْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ وَ تَزَوَّجَتْ، ثُمَّ إِنَّ الزَّوْجَ الْغَائِبَ قَدِمَ فَزَعَمَ أَنَّهُ لَمْ يُطَلِّقْهَا وَ أَكْذَبَ نَفْسَهُ أَحَدُ الشَّاهِدَيْنِ.

اگر به زن اطلاع دهند که شوهرت از دنیا رفت و یا تو را طلاق داد و آن زن عده نگه دارد سپس ازدواج کند، بعد شوهر اول بیاید؛ همو شایسته است که زن خود را به منزل ببرد. چه شوهر دوم، با او نزدیکی کرده باشد و چه نکرده باشد. اگر آمیزش کرده، مهریه شوهر دوم برای زن حلال است از آن رو که با پرداخت همین مهریه، بستر او را بر خود حلال کرده است.

فرمود: و شوهر دوم برای همیشه نمی تواند با این زن ازدواج کند.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: دو نفر گواه نزد زنی می آیند و گواهی می دهند که شوهرت تو را طلاق داده است و آن زن عده نگه می دارد و ازدواج می کند. بعد شوهر اول از سفر می آید و ادعا می کند که زن را طلاق نداده است. یکی از دو شاهد نیز اعتراف می کند که دروغ گفته است. (تکلیف این دو شوهر چیست؟)

فَقَالَ: لَا سَبِيلَ لِلْأَخِيرِ عَلَيْهَا وَ يُؤْخَذُ الصَّدَاقُ مِنَ الَّذِي شَهِدَ فَيْرِدُ عَلَيَّ  
الْأَخِيرِ وَ الْأَوَّلُ أَمْلَكَ بِهَا وَ تَعْتَدُ مِنَ الْأَخِيرِ وَ لَا يَتَقَرَّبُهَا الْأَوَّلُ حَتَّى تَنْقُضِي  
عِدَّتُهَا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ  
أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ حَسِبَ أَهْلُهُ أَنَّهُ قَدْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ ، فَانْكَحَتْ امْرَأَتَهُ  
وَ تَزَوَّجَتْ سُرِّيَّتَهُ ، فَوَلَدَتْ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِنْ زَوْجِهَا فَجَاءَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ وَ  
مَوْلَى السُّرِّيَّةِ .

قَالَ: فَقَالَ: يَأْخُذُ امْرَأَتَهُ فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا وَ يَأْخُذُ سُرِّيَّتَهُ وَ وَلَدَهَا، أَوْ يَأْخُذُ عَوَضاً  
مِنْ ثَمَنِهِ .

فرمود: شوهر دوم حقی به آن زن ندارد. مهریه پرداختی را از گواه دریافت می‌کنند و به  
شوهر دوم می‌دهند. شوهر اول شایسته‌تر است که زن را به خانه خود ببرد. زن باید از  
شوهر دوم، عده نگه دارد و شوهر اول حق ندارد با زن خود نزدیکی کند تا عده او به سر آید.  
۳- محمد بن قیس گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: خانواده مردی گمان می‌کنند که او  
مرده یا به قتل رسیده است. پس همسرش با مرد دیگری ازدواج می‌کند. کنیز او نیز ازدواج  
می‌کند. پس هرکدامشان از شوهر خود فرزندی می‌آورند. پس از آن، مرد و مولا باز  
می‌گردند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: همسرش را باز می‌گیرد؛ زیرا او نسبت به همسرش از شوهر دوم شایسته‌تر است  
و کنیزش و فرزند او را نیز می‌گیرد و یا به جای فرزند کنیز، قیمتش را می‌گیرد.



۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي شَاهِدَيْنِ شَهِدَا عَلَى امْرَأَةٍ بَأَنَّ زَوْجَهَا طَلَّقَهَا أَوْ مَاتَ فَتَزَوَّجَتْ ثُمَّ جَاءَ زَوْجُهَا.

قَالَ: يُضْرَبَانِ الْحَدَّ وَ يُضَمَّنَانِ الصَّدَاقَ لِلزَّوْجِ بِمَا غَرَّاهُ، ثُمَّ نَعْتَدُ وَ تَرْجِعُ إِلَى زَوْجِهَا الْأَوَّلِ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا نُعِيَ الرَّجُلُ إِلَى أَهْلِهِ أَوْ خَبَرُوهَا أَنَّهُ قَدْ طَلَّقَهَا فَاعْتَدَتْ ثُمَّ تَزَوَّجَتْ فَجَاءَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ.

قَالَ: الْأَوَّلُ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الْآخِرِ دَخَلَ بِهَا أَوْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ لَهَا مِنَ الْآخِرِ الْمَهْرُ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا.

۴ - ابوبصیر و دیگران گویند: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دو شاهد نزد زنی شهادت می‌دهند که شوهرش او را طلاق داده یا از دنیا رفته است. زن نیز با مرد دیگری ازدواج می‌کند. سپس شوهر اول باز می‌گردد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: دو شاهد حد زده می‌شوند و بدین جهت که شوهر دوم را فریب داده‌اند، ضامن پرداخت مهریه به او هستند. سپس زن عده نگه می‌دارد و نزد شوهر اولش باز می‌گردد.

۵ - زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: اگر به زن اطلاع دهند که شوهرت از دنیا رفت و یا تو را طلاق داد و آن زن عده نگه دارد سپس ازدواج کند، بعد شوهر اول بیاید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: همان شوهر اول شایسته است که زن خود را به منزل ببرد. ولی شوهر دوم، چه با زن نزدیکی کرده و چه نکرده باشد، اگر آمیزش کرده، مهریه شوهر دوم برای زن حلال است، از آن رو که با پرداخت همین مهریه، بستر زن را بر خود حلال کرده است.

(۷۰)

بَابُ الْمَرْأَةِ يَبْلُغُهَا نَعْيُ زَوْجِهَا أَوْ طَلَاقُهُ  
فَتَنْزَوِّجُ فَيَجِيءُ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ فَيُفَارِقَانِهَا جَمِيعاً

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ  
عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ نَعِيَ إِلَيْهَا زَوْجَهَا فَأَعْتَدْتُ وَتَزَوَّجْتُ فَجَاءَ  
زَوْجُهَا الْأَوَّلُ فَفَارَقَهَا وَفَارَقَهَا الْآخَرُ كَمْ تَعْتَدُ لِلنَّاسِ؟  
قَالَ: ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَإِنَّمَا يُسْتَبْرَأُ رَحِمُهَا بِثَلَاثَةِ قُرُوءٍ تُحِلُّهَا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ.  
قَالَ زُرَّارَةُ: وَ ذَلِكَ أَنَّ أَنَسًا قَالُوا: تَعْتَدُ عِدَّتَيْنِ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ عِدَّةً.  
فَأَبَى ذَلِكَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَعْتَدُ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ فَتَحِلُّ لِلرِّجَالِ.

بخش هفتادم

حکم زنی که خبر مرگ شوهرش یا طلاق دادنش می رسد  
و ازدواج می کند...

۱- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: به زنی اطلاع می دهند که شوهرت از این دنیا  
رفت و او عده وفات می گیرد، سپس ازدواج می کند. وقتی شوهر اول از سفر باز می گردد او  
را طلاق می دهد و شوهر دوم نیز از او جدا می شود. این زن تا چند ماه باید عده نگه دارد تا  
بتواند شوهر کند؟

فرمود: سه نوبت عادت ماهیانه کافی است. رحم هر زنی با سه نوبت عادت ماهیانه به  
طور کامل تبرئه می شود و زن را برای شوهر حلال می سازد.

زراره می گوید: جمعی از فقهای اهل سنت فتوا می دهند که این زن باید دو نوبت عده  
نگه دارد. (یک عده از شوهر اول و یک عده از شوهر دوم).

امام باقر عليه السلام این فتوا را مردود می دانست و فرمود: سه نوبت عادت ماهیانه عده نگه  
می دارد و برای مردان حلال می گردد.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي امْرَأَةٍ تُعِي إِيَّهَا زَوْجَهَا فَتَزَوَّجَتْ ثُمَّ قَدِمَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ فَطَلَّقَهَا وَ طَلَّقَهَا الْآخَرَ. قَالَ: فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ: عَلَيْهَا أَنْ تَعْتَدَّ عِدَّتَيْنِ. فَحَمَلَهَا زُرَّارَةَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: فَقَالَ: عَلَيْهَا عِدَّةٌ وَاحِدَةٌ.

(۷۱)

### بَابُ عِدَّةِ الْمَرْأَةِ مِنَ الْخِصْيِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ خِصْيِ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ فَرَضَ لَهَا صَدَاقاً وَ هِيَ تَعْلَمُ أَنَّهُ خِصْيٌ. فَقَالَ: جَائِزٌ.

۲- راوی گوید: ابراهیم نخعی در مورد زنی که خبر فوت شوهرش به او می‌رسد پس او ازدواج می‌کند. سپس شوهر اول می‌آید و شوهر اول و دوم هر دو او را طلاق می‌دهند گوید: باید دو عده نگه دارد. پس زراره این حکم را به امام باقر عليه السلام نقل کرد، فرمود: باید یک عده نگه دارد.

### بخش هفتاد و یکم

#### عده زنی که از مردی اخته طلاق گرفته است

۱- ابو عبیده گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدند: مردی اخته با زنی ازدواج می‌کند و برای او مهریه‌ای نیز قرار می‌دهد و زن از اخته بودن مرد مطلع است (حکمش چیست؟) فرمود: این ازدواج جایز است.

فَقِيلَ: إِنَّهُ مَكَتَ مَعَهَا مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ طَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ. قَالَ: نَعَمْ، أَلَيْسَ قَدْ لَدَّ مِنْهَا وَ لَدَّتْ مِنْهُ؟

قِيلَ لَهُ: فَهَلْ كَانَ عَلَيْهَا فِيمَا كَانَ يَكُونُ مِنْهُ وَ مِنْهَا غُسْلٌ؟  
 قَالَ: فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ إِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْهُ أَمَنْتُ، فَإِنَّ عَلَيْهَا غُسْلًا.  
 قِيلَ لَهُ: فَلَهُ أَنْ يَرْجِعَ عَلَيْهَا بِشَيْءٍ مِنْ صَدَاقِهَا إِذَا طَلَّقَهَا؟  
 فَقَالَ: لَا.

(۷۲)

### بَابُ فِي الْمَصَابِ بِعَقْلِهِ بَعْدَ التَّزْوِيجِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ لَهَا زَوْجٌ وَ قَدْ أُصِيبَ فِي عَقْلِهِ مِنْ بَعْدِ مَا تَزَوَّجَهَا أَوْ عَرَضَ لَهُ جُنُونٌ.

گفته شد: مرد مدتی که خدا بخواهد نزد همسرش می ماند، سپس طلاقش می دهد. آیا زن باید عده نگه دارد؟  
 فرمود: آری. مگر نه این است که مرد از او لَدَّت برده و او نیز از مرد لَدَّت برده است؟!  
 گفته شد: بنابراین آیا به جهت عملی که انجام می دهند زن باید غسل کند؟  
 فرمود: هنگامی که مرد چنین نمود، از زن منی خارج شد، غسل بر عهده زن می آید.  
 گفته شد: بنابر این در صورتی که طلاق دهد مرد حق دارد مقداری از مهریه را از همسرش بازپس بگیرد؟  
 فرمود: نه.

### بخش هفتاد و دوم

#### مردی که پس از ازدواج دیوانه می شود

۱ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام سؤال شد: مردی همسری دارد. این مرد پس از ازدواج عقلش معیوب می شود یا دچار دیوانگی می شود (همسرش چه کند؟)

فَقَالَ لَهَا: أَنْ تَنْزِعَ نَفْسَهَا مِنْهُ إِنْ شَاءَتْ .

(۷۳)

### بَابُ الظَّهَارِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَوَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ امْرَأَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ فُلَانًا زَوْجِي قَدْ نَثَرْتُ لَهُ بَطْنِي وَأَعْتَنَّهُ عَلَى دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ فَلَمْ يَرِ مِنِّي مَكْرُوهًا، وَأَنَا أَشْكُوهُ إِلَى اللَّهِ وَبِكَ وَإِلَيْكَ .

قَالَ: مِمَّا تَشْتَكِينَهُ؟

قَالَتْ لَهُ: إِنَّهُ قَالَ لِي الْيَوْمَ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهْرِ أُمِّي وَ قَدْ أَخْرَجَنِي مِنْ مَنْزِلِي، فَانْظُرْ فِي أَمْرِي .

فرمود: زن در صورتی که بخواهد حق دارد خود را از او جدا کند.

### بخش هفتاد و سوم

#### حکمظهار (۱)

۱ - حمران گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زن مسلمانی نزد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده و عرض کرد: ای پیامبر خدا! فلانی شوهر من است. من برای او فرزندان زیادی آوردم و او را بر دنیا و آخرتش یاری نمودم. پس هیچ چیز ناپسندی از من ندیده است و اکنون من از او به خداوند و شما شکایت می‌کنم. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از چه چیزی شکایت داری؟ عرض کرد: شوهرم امروز به من گفته است: «تو برای من به سان کمر مادرم هستی» و مرا از خانه‌ام بیرون نموده است. پس بر مسأله من نظارت نما.

۱ -ظهار یعنی مردی به زنش بگوید: تو به سان مادر من هستی.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ كِتَابًا أَقْضِي بِهِ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ زَوْجِكَ وَ أَنَا أَكْرَهُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ .

فَجَعَلْتَ تَبَكِّي وَ تَشْتَكِي مَا بِهَا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ ، وَ أَنْصَرَفْتَ .  
 فَسَمِعَ اللَّهُ ﷻ مُحَاوَرَتَهَا لِرَسُولِهِ ﷺ فِي زَوْجِهَا وَ مَا شَكَتَ إِلَيْهِ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ بِذَلِكَ قُرْآنًا: ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ﴾ - يَعْنِي مُحَاوَرَتَهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ - فِي زَوْجِهَا ﴿ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَ كَدَنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴾ .

فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْمَرْأَةِ ، فَأَتَتْهُ فَقَالَ لَهَا: جِئْتِنِي بِزَوْجِكَ .  
 فَأَتَتْهُ فَقَالَ لَهُ: أَ قُلْتَ لِامْرَأَتِكَ هَذِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهَرِ أُمِّي ؟  
 قَالَ: قَدْ قُلْتُ لَهَا ذَلِكَ .

فرمود: خداوند برای من کتابی نفرستاده که با آن بین تو و شوهرت داوری کنم و من کراهت دارم که از کسانی باشم که خود را به زحمت افکنند.  
 زن می‌گریست و از آن چه که بر سرش آمده بود به خدا و پیامبرش شکایت می‌نمود و رفت.  
 خداوند سخن آن زن با پیامبر خود را در باره شوهرش و شکایت او را شنید و در این مورد آیه نازل نمود که: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده و به خدا شکایت می‌کرد؛ شنید و خداوند شنوا و بیناست. کسانی از شما به زنان خود ظهار می‌کنند (و به سان مادر می‌انگارند) آنان مادرانشان نیستند؛ مادرانشان فقط کسانی هستند که آنها را به دنیا آورده‌اند، آنان سخن زشت و باطل می‌گویند و خداوند بخشنده و آمرزنده است».  
 پیامبر خدا ﷺ در پی زن فرستاد و زن آمد. پیامبر خدا ﷺ به او فرمود: شوهرت را نزد من بیاور.

زن شوهرش را آورد. پیامبر خدا ﷺ به مرد فرمود: آیا تو این سخن را به همسرت گفتی که «تو برای من به سان مادرم هستی»؟  
 مرد عرض کرد: آری چنین سخنی به او گفته‌ام.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ فِيكَ وَ فِي امْرَأَتِكَ قُرْآنًا، فَقَرَأَ عَلَيْهِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا﴾ ... إِلَى قَوْلِهِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ﴾ فَضَمَّ امْرَأَتَكَ إِلَيْكَ فَإِنَّكَ قَدْ قُلْتَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا قَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ وَ غَفَرَ لَكَ فَلَا تَعُدْ.

فَانصَرَفَ الرَّجُلُ وَ هُوَ نَادِمٌ عَلَى مَا قَالَ لِامْرَأَتِهِ، وَ كَرِهَ اللَّهُ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْدُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ﴾ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا - يَعْنِي لِمَا قَالَ الرَّجُلُ الْأَوَّلُ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهَرِ أُمِّي.

قَالَ: فَمَنْ قَالَهَا بَعْدَ مَا عَفَا اللَّهُ وَ غَفَرَ لِلرَّجُلِ الْأَوَّلِ، فَإِنَّ عَلَيْهِ فَتْحِيرٌ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا يَعْنِي مُجَامَعَتَهَا ﴿ذَلِكَمُ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتْتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا﴾.

فَجَعَلَ اللَّهُ عُقُوبَةَ مَنْ ظَاهَرَ بَعْدَ النَّهْيِ هَذَا وَ قَالَ ذَلِكَ ﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ﴾

فرمود: به راستی که خداوند در باره تو و همسرت آیه‌ای نازل نمود. آن گاه آیاتی را که خداوند بر ایشان نازل نموده از آیه: ﴿قد سمع﴾ تا ﴿ان الله لعفو غفور﴾ برای مرد خواند و فرمود: همسرت را نزد خود نگه دار! زیرا تو سخن ناپسند و زورگویانه‌ای گفته‌ای. خداوند از تو درگذشت و تو را بخشید؛ پس دیگر چنین نکن.

مرد در حالی که از آن چه که به همسرش گفته بود، پشیمان شده بود، رفت. پس از آن زمان خداوند «ظهار» را برای مسلمانان مکروه و ناپسند داشت و آیه نازل نمود که «وکسانی که با زنانشان ظهار می‌کنند سپس آن چه را که گفتند تکرار می‌کنند؛ یعنی آن چه را که نفر اول (شخص مذکور در داستان) به همسرش گفت: «تو برای من به سان مادرم هستی».

پس هر کس این را بگوید - پس از آن که خداوند نفر اول را بخشید و آمرزید - بر اوست که پیش از این که با او همبستر شود برده‌ای را آزاد کند، «این دستوری است که به آن پند داده می‌شود و خدا به آن چه انجام می‌دهید آگاه است. پس هر که توان آزادی برده ندارد دو ماه پیاپی پیش از آمیزش روزه بگیرد و کسی که این را هم نتواند شصت بی‌نوا را اطعام کند».

پس خداوند پس از آن که نهی نمود، برای کسی که ظهار کند عقوبتی قرار داد و فرمود: «تا به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید».

وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَجَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ هَذَا حَدَّ الظُّهَارِ.

قَالَ حُمْرَانُ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ لَا يَكُونُ ظَهَارٌ فِي يَمِينٍ وَ لَا فِي إِضْرَارٍ وَ لَا فِي غَضَبٍ، وَ لَا يَكُونُ ظَهَارٌ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ بَعِيرٍ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا طَلَاقٌ إِلَّا مَا أُرِيدَ بِهِ الطَّلَاقُ، وَ لَا ظَهَارٌ إِلَّا مَا أُرِيدُ بِهِ الظُّهَارُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الظُّهَارِ.

فَقَالَ: هُوَ مِنْ كُلِّ ذِي مَحْرَمٍ أُمٍّ أَوْ أُخْتٍ أَوْ عَمَّةٍ أَوْ خَالَهٍ وَ لَا يَكُونُ الظُّهَارُ فِي يَمِينٍ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ يَكُونُ؟

و این حدود خداوند است. پس خدا این حکم را حدّ ظهار قرار داد.

حمران گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: و ظهاری در سوگند نیست و در مورد ضرر وارد کردن و در هنگام عصبانیت نیز جایز نیست. و ظهار فقط در دوران پاکیزگی زن که آمیزش صورت نگرفته باشد (و همراه) با شهادت دو شاهد مسلمان باشد امکان پذیر خواهد بود.

۲- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ طلاقى اثر ندارد مگر آن که با نیت طلاق و جدایی همراه باشد. هیچ ظهاری اثر ندارد مگر آن گاه که با نیت ظهار همراه باشد.

۳- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام در خصوص ظهار پرسیدم.

فرمود: ظهار از هر محرمی صورت می گیرد؛ مادر باشد و یا خواهر و یا عمه و یا خاله. هم چنین ظهاری در سوگند نیست.

عرض کردم: ظهار چگونه است؟



قَالَ: يَقُولُ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ وَ هِيَ طَاهِرَةٌ مِنْ غَيْرِ جِمَاعٍ: أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ مِثْلُ ظَهْرِ أُمِّي أَوْ أُخْتِي، وَ هُوَ يُرِيدُ بِذَلِكَ الظُّهَارَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنِّي قُلْتُ لِامْرَأَتِي: أَنْتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمِّي إِنْ خَرَجْتَ مِنْ بَابِ الْحُجْرَةِ، فَخَرَجَتْ. فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ. فَقُلْتُ: إِنِّي قَوِيٌّ عَلَى أَنْ أُكْفِّرَ. فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ. قُلْتُ: إِنِّي قَوِيٌّ عَلَى أَنْ أُكْفِّرَ رَقَبَةً وَ رَقَبَتَيْنِ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ قَوِيَّتَ أَوْ لَمْ تَقْوِ. ٥- ابْنُ فَضَالٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَكُونُ الظُّهَارُ إِلَّا عَلَى مِثْلِ مَوْضِعِ الطَّلَاقِ.

فرمود: مرد به همسرش که در دوران پاکیزگی است و آمیزشی نیز در این پاکیزگی صورت نگرفته است، می‌گوید: «تو بر من مانند کمر مادر یا خواهرم حرام هستی» و با این سخن ارادهظهار می‌کند.

٤- راوی گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: من به همسرم گفتم: «در صورتی که از درب اتاق خارج شوی، نزد من مانند کمر مادرم خواهی بود» پس همسرم خارج شد.

فرمود: چیزی بر عهده تو نیست.

عرض کردم: من توانایی کفاره دادن را دارم.

فرمود: چیزی بر عهده‌ات نیست.

عرض کردم: من توانایی آن را دارم که یک برده و هم چنین دو برده کفاره دهم.

فرمود: چیزی بر عهده‌ات نیست؛ توانایی داشته باشی یا نداشته باشی.

٥- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ظهار فقط در جایی مانند جای طلاق (شرایط طلاق صحیح) است.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَغَيْرِهِ قَالَ: تَزَوَّجَ حَمْزَةُ بْنُ حُمْرَانَ ابْنَةَ بُكَيْرٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي أُدْخِلَ بِهَا عَلَيْهِ قُلْنَ لَهُ النِّسَاءُ: أَنْتَ لَا تُبَالِي الطَّلَاقَ وَ لَيْسَ هُوَ عِنْدَكَ بِشَيْءٍ وَ لَيْسَ نَدْخِلُهَا عَلَيْكَ حَتَّى تُظَاهِرَ مِنْ أُمَّهَاتِ أَوْلَادِكَ. قَالَ: فَفَعَلَ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَمَرَهُ أَنْ يَقْرَبَهُنَّ.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: تَزَوَّجَ حَمْزَةُ بْنُ حُمْرَانَ ابْنَةَ بُكَيْرٍ، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا، قَالَ لَهُ النِّسَاءُ: لَسْنَا نَدْخُلُهَا عَلَيْكَ حَتَّى تَحْلِفَ لَنَا وَ لَسْنَا نَرْضَى أَنْ تَحْلِفَ بِالْعِتْقِ، لِأَنَّكَ لَا تَرَاهُ شَيْئاً، وَ لَكِنْ احْلِفْ لَنَا بِالظُّهَارِ وَ ظَاهِرٍ مِنْ أُمَّهَاتِ أَوْلَادِكَ وَ جَوَارِيكَ. فَظَاهَرَ مِنْهُنَّ ثُمَّ ذَكَرَ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ، ارْجِعْ إِلَيْهِنَّ.

۶- عبدالله بن مغیره و دیگران گویند: حمزه بن حمران با دختر بکیر ازدواج کرد. در شب زفاف زنان به حمزه گفتند: «تواز طلاق واهمه ای نداری و طلاق نزد تو چیز خاصی نیست. ما همسرت را نزد تو نمی آوریم تا این که با کنیزانت ظهار کنی.» حمزه نیز این کار را انجام داد. پس این ماجرا را برای امام صادق عليه السلام بازگو نمود و امام عليه السلام به او دستور داد که با کنیزانش نزدیکی کند.

۷- عبدالله بن مغیره گوید: حمزه بن حمران، با دختر عمویش بکیر بن اعین ازدواج کرد. موقعی که خواستار زفاف شد، زنها به او گفتند: عروس را به خانه ات نمی آوریم مگر آن که سوگند یاد کنی و رضا نمی دهیم که با قید سوگند برده هایت را آزاد کنی، چون دانسته ایم که این سوگند را بی اثر می دانی؛ بلکه باید سوگند یاد کنی و با کنیزان شخصی خود ظهار کنی. حمزه بن حمران ناچار شد و سوگند یاد کرد که اگر با کنیزان شخصی و یا کنیزان خود همبستر شود، همه کنیزانش مانند مادر بر او حرام باشند. بعدها داستان خود را برای امام صادق عليه السلام گزارش کرد.

امام فرمود: این سوگند بی اثر است به نزد کنیزانت بازگردد.

۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي الصَّلَاةَ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيَشُكُّ فِيهَا بَعْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ: إِنَّ أَعَدْتُ الصَّلَاةَ أَوْ أَعَدْتُ الوُضُوءَ فَأَمْرَأْتُهُ عَلَيْهِ كَظَهَرَ أُمِّهِ وَ يَحْلِفُ عَلَيَّ ذَلِكَ بِالطَّلَاقِ.

فَقَالَ: هَذَا مِنْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ظَاهَرْتُ مِنْ امْرَأَتِي.

قَالَ: اذْهَبْ فَأَعْتِقْ رَقَبَةً.

قَالَ: لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ.

قَالَ: اذْهَبْ فَصُمْ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ.

قَالَ: لَا أَقْوَى.

۸- صفوان گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که نماز می خواند و شک می کند، وضو می گیرد و شک می کند و بعد با خود می گوید: اگر من نمازم را اعاده کنم، و یا اگر وضویم را اعاده کنم، همسر من در حکم مادرم باشد و یا به همین صورت سوگند طلاق یاد کند چه صورت دارد؟

فرمود: این سوگندها از گام های شیطان است، کفاره ندارد.

۹- ابو بصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

مردی به حضور رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای رسول خدا! من با زن خودظهار کردم و گفتم: تو مانند مادرم بر من حرامی.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: برو یک برده آزاد کن.

آن مرد گفت: من چیزی ندارم.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: برو دو ماه پی در پی روزه بگیر.

آن مرد گفت: توانایی ندارم.

قَالَ: اذْهَبْ فَأَطْعِمِ سِتِّينَ مِسْكِينًا.

قَالَ: لَيْسَ عِنْدِي.

قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا أَتَصَدَّقُ عَنْكَ.

فَأَعْطَاهُ تَمْرًا لِأَطْعَامِ سِتِّينَ مِسْكِينًا.

قَالَ: اذْهَبْ فَتَصَدَّقْ بِهَا.

فَقَالَ: وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ! مَا أَعْلَمُ بَيْنَ لَابَتَيْهَا أَحَدًا أَحْوَجَ إِلَيْهِ مِنِّي وَ مِنْ

عِيَالِي.

قَالَ: فَادْهَبْ فَكُلْ وَ أَطْعِمِ عِيَالَكَ.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: قُلْتُ

لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ عَمَّتِهِ أَوْ خَالَتِهِ.

قَالَ: هُوَ الظُّهَارُ.

قَالَ: وَ سَأَلْنَاهُ عَنِ الظُّهَارِ مَتَى يَقَعُ عَلَى صَاحِبِهِ الْكُفَّارَةُ؟

رسول خدا ﷺ فرمود: برو شصت فقیر بی نوارا اطعام کن.

آن مرد گفت: من چیزی ندارم.

رسول خدا ﷺ فرمود: من در عوض تو صدقه می دهم.

رسول خدا ﷺ به مقدار خوراک شصت فقیر بی نوارا، خرما به او عطا کرد و فرمود: برو

این خرما را صدقه بده.

آن مرد گفت: سوگند به آن خدایی که تو را به حق برانگیخت! در میان دو سنگستان

مدینه کسی از من و خانواده ام فقیرتر نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود: برو خودت و خانواده ات را سیر کن.

۱۰ - جمیل بن درّاج گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی به همسرش می گوید: «تو

برای من همانند عمه ام یا خاله ام حرامی».

فرمود: اینظهار است.

پرسیدیم: چه زمانی برظهار کننده کفاره لازم می آید؟

فَقَالَ: إِذَا أَرَادَ أَنْ يُوَاقِعَ امْرَأَتَهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُوَاقِعَهَا عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ؟

قَالَ: لَا سَقَطَتْ عَنْهُ الْكَفَّارَةُ.

قُلْتُ: فَإِنْ صَامَ بَعْضًا فَمَرِضٌ فَافْطَرَ أَمْ يَسْتَقْبِلُ أُمَّ يَتِيمٍ مَا بَقِيَ عَلَيْهِ؟

فَقَالَ: إِنْ صَامَ شَهْرًا فَمَرِضٌ اسْتَقْبَلَ وَإِنْ زَادَ عَلَى الشَّهْرِ الْآخَرَ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ

بَنَى عَلَى مَا بَقِيَ.

قَالَ: وَقَالَ: الْحُرَّةُ وَالْمَمْلُوكَةُ سِوَاءَ غَيْرِ أَنْ عَلَى الْمَمْلُوكِ نِصْفَ مَا عَلَى الْحُرِّ

مِنَ الْكَفَّارَةِ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ عِتْقٌ وَلَا صَدَقَةٌ إِنْمَا عَلَيْهِ صِيَامُ شَهْرٍ.

۱۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَالرِّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ

صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُظَاهِرُ

مِنْ جَارِيَتِهِ.

فَقَالَ: الْحُرَّةُ وَالْأَمَةُ فِي ذَلِكَ سِوَاءٌ.

فرمود: هنگامی که بخواهد با همسرش نزدیکی کند.

گفتم: اگر پیش از آمیزش همسرش را طلاق دهد، آیا باز هم کفارهظهار بر عهده اوست؟

فرمود: نه، کفاره از او ساقط می شود.

گفتم: اگرظهار کننده چند روز از روزه کفارهظهار را روزه گرفت. سپس بیمار شد و روزه

نگرفت. آیا باید دوباره روزه را از سر بگیرد یا فقط روزهای مانده را روزه بگیرد؟

فرمود: اگر یک ماه روزه گرفت سپس بیمار شد، باید دوباره از سر گیرد و اگر یک یا دو

روز از ماه دوم را نیز روزه گرفته است، مانده آن را روزه می گیرد.

و فرمود: زن آزاد و کنیز یکسانند. جز آن که بر برده نصف کفاره مرد آزاد است. و بر برده

آزاد کردن برده و صدقه دادن نیست؛ بلکه تنها یک ماه روزه گرفتن بر عهده اوست.

۱۱ - اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که با کنیز خودظهار کند،

باید کفاره بپردازد؟

فرمود: زن آزاد و کنیز در مسئلهظهار با هم برابرند.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ :  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَوْ أَكْثَرَ .  
 فَقَالَ : قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَكَانَ كُلِّ مَرَّةٍ كَفَّارَةٌ .  
 قَالَ : وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُوَاقِعَهَا عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ .  
 قَالَ : لَا .  
 قَالَ : وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الظُّهَارِ عَلَى الْحُرَّةِ وَ الْأَمَةِ ؟  
 فَقَالَ : نَعَمْ .  
 قِيلَ : فَإِنْ ظَاهَرَ فِي شَعْبَانَ وَ لَمْ يَجِدْ مَا يُعْتَقُ .  
 قَالَ : يَنْتَظِرُ حَتَّى يَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ ثُمَّ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ ، وَ إِنْ ظَاهَرَ  
 وَهُوَ مُسَافِرٌ أَنْتَظَرَ حَتَّى يَفْدَمَ ، فَإِنْ صَامَ فَأَصَابَ مَالًا فَلْيُمِضِ الَّذِي ابْتَدَأَ فِيهِ .

۱۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) پرسیدم: اگر کسی با همسر خودظهار کند و پیش از نزدیکی او را طلاق بدهد، باز هم کفاره دارد؟  
 فرمود: نه.  
 عرض کردم:ظهار با کنیز هم کفاره دارد؟  
 فرمود: آری.  
 پرسیدم: اگر در ماه شعبانظهار کند و پولی به دست نیاورد که برده آزاد کند. (تکلیف او چیست؟)  
 فرمود: باید صبر کند تا ماه رمضان را روزه بگیرد، بعد از آن دو ماه پی در پی روزه بگیرد  
 و اگر مسافر باشد باید صبر کند تا به وطن باز گردد. اگر کسی روزه بگیرد و در اثنای روزه  
 پولی به دست آورد می تواند به همان روزه ادامه بدهد.

۱۳ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَمْلُوكِ أَعْلَيْهِ ظَهَارٌ؟  
فَقَالَ: عَلَيْهِ نِصْفُ مَا عَلَى الْحُرِّ صَوْمٌ شَهْرٍ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ مِنْ صَدَقَةٍ وَلَا عِتْقٍ.

۱۴ - عَلِيُّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.  
قَالَ: يُكْفَرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.  
قُلْتُ: فَإِنْ وَقَعَ قَبْلَ أَنْ يُكْفَرَ.  
قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَ يُمْسِكُ حَتَّى يُكْفَرَ.

۱۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ أَعْلَيْهِ ظَهَارٌ؟  
فَقَالَ: نِصْفُ مَا عَلَى الْحُرِّ مِنَ الصَّوْمِ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ صَدَقَةٌ وَلَا عِتْقٌ.

۱۳ - محمد بن حمران گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر برده‌ای با همسر و یا با کنیز خودظهار کند باید کفاره بپردازد؟  
فرمود: جریمه بردگان به نصف تقلیل می‌یابد. باید یک ماه روزه بگیرد، و کفاره دیگری از قبیل صدقه و آزادی برده بر عهده او قرار نمی‌گیرد.  
۱۴ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کسی که سه بار با همسرشظهار می‌کند سؤال نمودم.  
فرمود: باید سه بار کفاره دهد.

عرض کردم: اگر پیش از کفاره دادن آمیزش کند؟  
فرمود: باید استغفار کند و از آمیزش خودداری کند تا این که کفاره را بپردازد.  
۱۵ - محمد بن حمران گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر برده‌ای با همسر و یا با کنیز خودظهار کند باید کفاره بپردازد؟  
فرمود: جریمه بردگان به نصف تقلیل می‌یابد. باید یک ماه روزه بگیرد، و کفاره دیگری از قبیل صدقه و آزادی برده بر عهده او قرار نمی‌گیرد.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ عَشْرُ جَوَارٍ فَظَاهَرَ مِنْهُنَّ كُلَّهُنَّ جَمِيعاً بِكَلَامٍ وَاحِدٍ .

قَالَ: عَلَيْهِ عَشْرُ كَفَّارَاتٍ .

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَغَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِذَا وَقَعَ الْمَرَّةَ الثَّانِيَةَ قَبْلَ أَنْ يُكْفَّرَ فَعَلَيْهِ كَفَّارَةٌ أُخْرَى .

قَالَ: لَيْسَ فِي هَذَا اخْتِلَافٌ .

۱۸ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ سَيْفِ التَّمَارِ

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُخْتِي أَوْ عَمَّتِي أَوْ خَالَتِي .

قَالَ: فَقَالَ: إِنَّمَا ذَكَرَ اللَّهُ الْأُمَّهَاتِ، وَإِنَّ هَذَا لِحَرَامٌ .

۱۶ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام - و یا امام کاظم عليه السلام - درباره کسی که ده

کنیز شخصی داشته باشد، و با یک سخن، با همه آنان ظهار کند، فرمود:

باید ده کفاره بپردازد.

۱۷ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه ظهار کننده پیش از آن که کفاره دهد،

بخواهد برای بار دوم با همسرش آمیزش کند، باید یک کفاره دیگر هم بپردازد.

و فرمود: در این حکم، اختلافی نیست.

۱۸ - سیف تمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی به همسر خود بگوید: تو

مانند خواهرم، یا مانند عمه‌ام، یا مانند خاله‌ام بر من حرامی. چه صورت دارد؟

فرمود: خداوند فقط برای ظهار با مادران کفاره مقرر کرده است. به راستی که گفتن این

کلمات حرام است.



- ۱۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام:  
 جَعَلْتُ فِدَاكَ! إِنْ بَعْضَ مَوَالِيكَ يَزْعُمُ أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَكَلَّمَ بِالظُّهَارِ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ، حَيْثُ أَوْ لَمْ يَحْنُثْ وَيَقُولُ: حِنْثُهُ كَلَامُهُ بِالظُّهَارِ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ عَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ عُقُوبَةً لِكَلَامِهِ. وَبَعْضُهُمْ يَزْعُمُ أَنَّ الْكُفَّارَةَ لَا تَلْزَمُهُ حَتَّى يَحْنُثَ فِي الشَّيْءِ الَّذِي حَلَفَ عَلَيْهِ، فَإِنْ حَنْثَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ وَإِلَّا فَلَا كُفَّارَةَ عَلَيْهِ.  
 فَوَقَعَ عليه السلام بِحَطِّهِ: لَا تَجِبُ الْكُفَّارَةُ حَتَّى يَجِبَ الْحِنْثُ.
- ۲۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: سَأَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ مَهْرَانَ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ. فَقَالَ: يُكْفَرُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ كُفَّارَةٌ. وَ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ وَ جَارِيَّتِهِ مَا عَلَيْهِ؟

۱۹ - علی بن مهزیار گوید:

عبدالله بن محمد در نامه‌ای برای امام کاظم عليه السلام نوشت: قربانت کردم! یکی از دوستانداران شما می‌پندارد که هنگامی که مردیظهار کند کفارہ بر او واجب می‌گردد؛ چهظهار را با آمیزش بشکند؛ چه نشکند و کفارہ به این جهت است که عقوبتی برای سخنش باشد. و دیگری از دوستانداران شما گمان می‌کند که کفارہ برظهار کننده لازم نمی‌آید تا این که آن را بشکند. پس اگرظهارش را شکست کفارہ بر او واجب می‌شود. وگرنه کفارہ‌ای بر عهده او نیست.

امام عليه السلام با خط خود نوشت: کفارہ واجب نمی‌شود مگر این کهظهار را با آمیزش بشکند صورت می‌گیرد.

۲۰ - صفوان حسین بن مهران گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدند: اگر کسی یک جا با چهار همسر خودظهار کند (چه تکلیفی دارد؟)

فرمود: باید برای هر یک از همسران خود یک کفارہ بپردازد.

پرسید: اگر کسی با زن و کنیز خود یک جاظهار کند، چه صورت دارد؟

قَالَ: عَلَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا كَفَّارَةٌ عِثْقُ رَقَبَةٍ، أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ،  
أَوْ إِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا.

۲۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ  
ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام  
عَنْ رَجُلٍ مُمْلَكٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ.  
فَقَالَ لِي: لَا يَكُونُ ظَهَارٌ وَلَا إِيْلَاءٌ حَتَّى يُدْخَلَ بِهَا.

۲۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ  
وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ: هِيَ عَلَيْهِ كَظْهَرِ أُمِّهِ.  
قَالَ: تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ، أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ، أَوْ إِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا، وَالرَّقَبَةُ  
يُجْزَى عَنْهُ صَبِيٌّ مِمَّنْ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ.

۲۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ وَابِنِ بُكَيْرٍ وَ  
حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: باید برای هر یک از آنان یک کفاره جداگانه بپردازد، یا یک برده آزاد کند، یا دو  
ماه پی در پی روزه بگیرد، یا شصت بیکار را غذا بدهد.

۲۱- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی برای خود همسری عقد  
کند و بعد با اوظهار کند، چه صورت دارد؟  
فرمود:ظهار و ایلاء فقط بعد از نزدیکی اثر دارد.

۲۲- معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی به همسر خود بگوید:  
«مانند مادرم بر من حرام هستی». کفاره آن چیست؟

فرمود: باید یک برده آزاد کند، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و یا شصت فقیر بی نوارا  
طعام بدهد. آزاد کردن یک کودک که در فراش اسلام به دنیا آمده باشد کافی است.

۲۳- حماد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمُظَاهِرُ إِذَا طَلَّقَ سَقَطَتْ عَنْهُ الْكَفَّارَةُ.  
 قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: إِنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ، أَوْ أَخْرَجَ مَمْلُوكَتَهُ مِنْ مِلْكِهِ قَبْلَ أَنْ  
 يُوَافِعَهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةُ الظَّهَارِ إِلَّا أَنْ يُرَاجِعَ امْرَأَتَهُ، أَوْ يَرُدَّ مَمْلُوكَتَهُ يَوْمًا فَإِذَا  
 فَعَلَ ذَلِكَ فَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُفْرَبَهَا حَتَّى يُكْفَرَ.

۲۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الزِّيَّاتِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنِّي ظَاهَرْتُ مِنْ امْرَأَتِي.  
 فَقَالَ: كَيْفَ قُلْتَ؟

قَالَ: قُلْتُ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي إِنْ فَعَلْتِ كَذَا وَكَذَا.  
 فَقَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْكَ وَلَا تَعُدْ.  
 ۲۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ:  
 الظَّهَارُ لَا يَقَعُ عَلَى الْعَضْبِ.

شوهری کهظهار می کند، اگر زن خود را طلاق بدهد کفارهظهار از عهده او ساقط می شود.  
 علی بن ابراهیم گوید: هرگاه مردی زن خود را طلاق دهد، یا کنیز خود را از ملکیت  
 خود بیرون نماید، پیش از آن با آنها نزدیکی کند؛ مگر این به زنش رجوع یا روزی کنیزش را به  
 ملکیت خود برگرداند، در این صورت شایسته نیست به آنها نزدیکی کند تا این کفاره بدهد.  
 ۲۴ - قاسم بن محمد زیات گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: من با همسرمظهار کردم.  
 فرمود: چه گفتی؟

گفت: گفتم: «در صورتی که فلان کار را انجام دهی، برای من همانند مادرم هستی».  
 فرمود: چیزی بر عهده تو نیست؛ ولی دیگر چنین نکن.

۲۵ - ابن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:  
 ظهار در هنگام عصبانیت صورت نخواهد گرفت.

۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الظُّهَارِ الْوَاجِبِ.

قَالَ: الَّذِي يُرِيدُ بِهِ الرَّجُلُ الظُّهَارَ بِعَيْنِهِ.

۲۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا قَالَتِ الْمَرْأَةُ: زَوْجِي عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهَرِ أُمِّي فَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهَا.

قَالَ: وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنْ بَنِي النَّجَّارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي ظَاهَرْتُ مِنْ امْرَأَتِي فَوَاقَعْتُهَا قَبْلَ أَنْ أُكْفَّرَ.

فَقَالَ: وَمَا حَمَلَكَ عَلَى ذَلِكَ؟

قَالَ: لَمَّا ظَاهَرْتُ رَأَيْتُ بَرِيقَ خَلْخَالِهَا وَبَيَاضَ سَاقِهَا فِي الْقَمَرِ فَوَاقَعْتُهَا قَبْلَ أَنْ أُكْفَّرَ.

۲۶ - عمار بن موسی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره‌یظهار واجب پرسیدم.

فرمود: ظهاری است که انسان با اراده خود ظهار کند.

۲۷ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه زن بگوید: «شوهرم بر من همانند کمر مادرم حرام است»، کفاره‌ای بر عهده‌اش نخواهد بود.

و فرمود: روزی مردی انصاری از قبیله «بنی النجار» خدمت پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض

کرد: من با همسرم ظهار کردم و پیش از آن که کفاره دهم، با او آمیزش نمودم.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چه چیزی تو را بر این کار واداشت؟

عرض کرد: هنگامی که با او ظهار کردم، درخشش خلخال و سفیدی ساق پایش را در

نور ماه دیدم، پس پیش از آن که کفاره دهم با او نزدیکی کردم.

فَقَالَ لَهُ: اعْتَرِزْ لَهَا حَتَّى تُكْفَرَ وَ أَمْرَهُ بِكُفَّارَةٍ وَاحِدَةٍ وَ أَنْ يَسْتَغْفِرَ اللَّهُ.

۲۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلٍ النَّمِيرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ ظَاهَرَ ثُمَّ طَلَّقَ.

قَالَ: سَقَطَتْ عَنْهُ الْكُفَّارَةُ إِذَا طَلَّقَ قَبْلَ أَنْ يُعَاوَدَ الْمُجَامَعَةَ.

قِيلَ: فَإِنَّهُ رَاجَعَهَا.

قَالَ: إِنْ كَانَ إِتْمَا طَلَّقَهَا لِإِسْقَاطِ الْكُفَّارَةِ عَنْهُ ثُمَّ رَاجَعَهَا، فَالْكَفَّارَةُ لَازِمَةٌ لَهُ أَبَدًا إِذَا عَاوَدَ الْمُجَامَعَةَ، وَ إِنْ كَانَ طَلَّقَهَا وَ هُوَ لَا يَنْوِي شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُرَاجِعَ وَ لَا كُفَّارَةَ عَلَيْهِ.

۲۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ؛ وَ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُيَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنِّي ظَاهَرْتُ مِنْ أُمِّ وَ لِدِ لِي، ثُمَّ وَقَعْتُ عَلَيْهَا، ثُمَّ كَفَّرْتُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از او کناره گیری کن تا این که کفارہ دهی.

هم چنین به او فرمان داد که تنها یک کفارہ بپردازد و این که استغفار کند.

۲۸- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که با زنش ظهار نموده سپس طلاقش داد

فرمود:

هرگاه پیش از آن که آمیزش کند او را طلاق دهد، کفارہ از او ساقط خواهد شد.

گفته شد: اگر رجوع کند چه؟

فرمود: اگر مرد به این جهت همسرش را طلاق دهد که کفارہ از او ساقط شود، پس برای همیشه اگر بخواهد دوباره با همسرش آمیزش کند، کفارہ دادن بر او لازم است و اگر همسرش را طلاق دهد در حالی که چنین قصدی (ساقط شدن کفارہ) ندارد، ایرادی ندارد که به همسرش رجوع کند و کفارہ‌ای بر عهده او نیست.

۲۹- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: من با کنیزم ظهار نمودم. سپس با او

نزدیکی کردم. آن گاه کفارہ دادم.

- فَقَالَ: هَكَذَا يَصْنَعُ الرَّجُلُ الْفَقِيهَ إِذَا وَقَعَ كَفَّرَ.
- ۳۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ ظَاهَرْتُمْ وَقَعَ قَبْلَ أَنْ يُكْفَّرَ.
- فَقَالَ لِي: أَوْ لَيْسَ هَكَذَا يَفْعَلُ الْفَقِيهَ!؟
- ۳۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُظَاهِرُ مِنْ أَمْرَاتِهِ.
- قَالَ: فَلْيُكْفَرْ.
- قُلْتُ: فَإِنَّهُ وَقَعَ قَبْلَ أَنْ يُكْفَّرَ.
- قَالَ: أَتَى حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عز وجل، وَ لَيْسَتْ غَفْرَةُ اللَّهِ، وَ لَيْكُفُّ حَتَّى يُكْفَّرَ.
- ۳۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: انسان آگاه به احکام چنین می‌کند؛ هرگاه آمیزش نمود، کفاره می‌دهد.

۳۰- زراره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردیظهار می‌کند، سپس پیش از آن که کفاره دهد آمیزش می‌کند.

فرمود: آیا شخص آگاه به احکام، جزاین عمل می‌کند؟!

۳۱- حسن صیقل گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که با همسرشظهار می‌کند پرسیدم.

فرمود: باید کفاره بپردازد.

گفتم: اگر پیش از آن که کفاره دهد نزدیکی کند؟

فرمود: یکی از حدود الهی را انجام داده است و باید استغفار کند و از آمیزش خودداری کند تا این که کفاره دهد.

۳۲- عبدالرحمان بن حججاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الظَّهَارُ ضَرْبَانِ: أَحَدُهُمَا فِيهِ الْكُفَّارَةُ قَبْلَ الْمُوَاقَعَةِ وَالْآخَرُ بَعْدَهَا، فَالَّذِي يُكْفَرُ قَبْلَ الْمُوَاقَعَةِ الَّذِي يَقُولُ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي وَ لَا يَقُولُ: إِنْ فَعَلْتُ بِكَ كَذَا وَ كَذَا، وَ الَّذِي يُكْفَرُ بَعْدَ الْمُوَاقَعَةِ هُوَ الَّذِي يَقُولُ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي إِنْ قَرَيْتُكَ.

۳۳ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ بِالظَّهَارِ فَحِنِثَ فَعَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ قَبْلَ أَنْ يُوَاقِعَ، وَإِنْ كَانَ مِنْهُ الظَّهَارُ فِي غَيْرِ يَمِينٍ، فَإِنَّمَا عَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ بَعْدَ مَا يُوَاقِعُ. قَالَ مُعَاوِيَةُ: وَ لَيْسَ يَصِحُّ هَذَا عَلَى جِهَةِ النَّظَرِ وَ الْأَثْرِ فِي غَيْرِ هَذَا الْأَثْرِ أَنْ يَكُونَ الظَّهَارَ، لِأَنَّ أَصْحَابَنَا رَوَوْا: أَنَّ الْأَيْمَانَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ كَذَلِكَ نَزَلَ بِهَا الْقُرْآنُ.

ظهار دو نوع است: در یکی از آن‌ها پرداخت کفاره پیش از آمیزش است و در دیگری پس از آمیزش.

پس آن نوعی که پرداخت کفاره پیش از آمیزش است که مرد می‌گوید: «تو برای من همانند مادرم هستی» و نمی‌گوید: «در صورتی که فلان کار را با تو انجام دهم». و آن نوعی که کفاره دادن پس از آمیزش است موردی است که مرد می‌گوید: «اگر با تو آمیزش نمایم، تو برای من همانند مادرم خواهی بود».

۳۳ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرگاه انسان در ظهار سوگند یاد کند و پس از آن ظهارش را بشکند، پیش از آمیزش باید کفاره بپردازد. اگر بدون سوگند ظهار نمود، بعد از آمیزش باید کفاره بدهد.

۳۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ يَزِيدَ الْكُنَاسِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ ثُمَّ طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً.  
 فَقَالَ: إِذَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً فَقَدْ بَطَلَ الظُّهَارُ وَهَدَمَ الطَّلَاقُ الظُّهَارَ.  
 قَالَ: فَقُلْتُ: فَلَهُ أَنْ يُرَاجِعَهَا؟  
 قَالَ: نَعَمْ هِيَ امْرَأَتُهُ، فَإِنْ رَاجَعَهَا وَجَبَ عَلَيْهِ مَا يَجِبُ عَلَى الْمُظَاهِرِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّأ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلَهَا وَتَمَلِّكَ نَفْسَهَا ثُمَّ تَزَوَّجَهَا بَعْدَ ذَلِكَ هَلْ يَلْزِمُهُ الظُّهَارُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّهَا؟  
 قَالَ: لَا، قَدْ بَانَ مِنْهُ وَمَلَكَتْ نَفْسَهَا.  
 قُلْتُ: فَإِنْ ظَاهَرَ مِنْهَا فَلَمْ يَمَسَّهَا وَتَرَكَهَا لَا يَمَسُّهَا إِلَّا أَنَّهُ يَرَاهَا مُتَجَرِّدَةً مِنْ غَيْرِ أَنْ يَمَسَّهَا هَلْ يَلْزِمُهُ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ؟

۳۴- یزید کناسی گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر انسان با همسر خودظهار کند و سپس او را طلاق بدهد، آیا باز هم کفاره بپردازد؟  
 فرمود: بعد از یک طلاق،ظهار باطل می شود و طلاق در جایظهار قرار می گیرد.  
 عرض کردم: آیا شوهر حق رجوع دارد؟  
 فرمود: آری، همسر او است. پس اگر رجوع کند، احکامظهار بر او جاری می شود و باید پیش از نزدیکی کفاره بپردازد.  
 عرض کردم: اگر رجوع نکند و زن را واینهد تا عدۀ طلاق به سر آید، و بعد او را عقد کند، آیا پیش از نزدیکی باید کفاره بپردازد؟  
 فرمود: نه. بعد از طلاق، زن با شوهر خود بیگانه شده و صاحب اختیار خود گردیده است.  
 عرض کردم: اگرظهار کند و بعد از آن نزدیکی نکند و مانند سابق به اندام لخت و عریان او بنگرد، آیا کفاره دارد؟



فَقَالَ: هِيَ امْرَأَتُهُ وَ لَيْسَ يَحْرُمُ عَلَيْهِ مُجَامَعَتُهَا، وَ لَكِنْ يَجِبُ عَلَيْهِ مَا يَجِبُ عَلَى الْمُظَاهِرِ قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا، وَ هِيَ امْرَأَتُهُ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ رَفَعْتَهُ إِلَى السُّلْطَانِ.  
 وَ قَالَتْ: هَذَا زَوْجِي وَ قَدْ ظَاهَرَ مِنِّي وَ قَدْ أَمْسَكَنِي لَا يَمْسُونِي مَخَافَةَ أَنْ يَجِبَ عَلَيْهِ مَا يَجِبُ عَلَى الْمُظَاهِرِ.  
 قَالَ: فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُجْبَرَ عَلَى الْعِتْقِ وَ الصِّيَامِ وَ الإِطْعَامِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَا يُعْتِقُ وَ لَمْ يَقُو عَلَى الصِّيَامِ وَ لَمْ يَجِدْ مَا يَتَصَدَّقُ بِهِ.  
 قَالَ: فَإِنْ كَانَ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُعْتِقَ، فَإِنَّ عَلَى الإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُ عَلَى الْعِتْقِ وَ الصَّدَاقَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَمْسَهَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا يَمْسُهَا.  
 ۳۵- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُوَاقِعَهَا فَبَأَنْتَ مِنْهُ أَعْلِيهِ كَفَّارَةٌ؟  
 قَالَ: لَا.

فرمود: این زن همسر حلال اوست. نزدیکی با همسر بر او حرام نشده، بلکه فقط موظف شده است که قبل از نزدیکی کفاره بپردازد.  
 عرض کردم: اگر زن به شکایت برود و بگوید: شوهرم با من ظهار کرده و چون می‌ترسد کفاره ظهار بر او واجب شود مرا به صورت عاریه در منزل نگه داشته است، قاضی می‌تواند شوهر او را مجبور کند تا کفاره را بپردازد؟  
 فرمود: اگر شوهر تمکن مالی و توانایی جسمی نداشته باشد، قاضی نمی‌تواند او را مجبور کند تا یک برده آزاد کند و یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و یا به شصت مسکین طعام بدهد، و اگر شوهر تمکن مالی داشته باشد او را مجبور می‌کنند تا یک برده آزاد کند و یا به شصت فقیر بی‌نوا خوراک بدهد. چه با همسرش نزدیکی کرده باشد و یا نزدیکی نکرده باشد.  
 ۳۵- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر کسی ظهار کند و بدون نزدیکی زن خود را طلاق بدهد، باز هم باید کفاره بپردازد؟  
 فرمود: نه.

۳۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي أَوْ كَيَدِهَا أَوْ كَبَطْنِهَا أَوْ كَفَرْجِهَا أَوْ كَنَفْسِهَا أَوْ كَكَعْبِهَا أَيْكُونُ ذَلِكَ الظُّهَارَ؟ وَهَلْ يَلْزَمُهُ فِيهِ مَا يَلْزَمُ الْمُظَاهِرَ؟

فَقَالَ: الْمُظَاهِرُ إِذَا ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ، فَقَالَ: هِيَ كَظْهَرِ أُمِّهِ أَوْ كَيَدِهَا أَوْ كَرِجْلِهَا أَوْ كَشَعْرِهَا أَوْ كَشَيْءٍ مِنْهَا يَنْوِي بِذَلِكَ التَّحْرِيمَ، فَقَدْ لَزِمَهُ الْكُفَّارَةُ فِي كُلِّ قَلِيلٍ مِنْهَا، أَوْ كَثِيرٍ وَكَذَلِكَ إِذَا هُوَ قَالَ: كَبَعْضِ ذَوَاتِ الْمَحَارِمِ فَقَدْ لَزِمَتْهُ الْكُفَّارَةُ.

(۷۴)

### بَابُ اللَّعَانِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۳۶- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی به همسرش می گوید: «تو برای من همانند کمر، یا دست یا شکم یا آلت جنسی یا خود مادرم و یا برآمدگی روی پای او هستی» آیا این سخن ظهار است؟

فرمود: هرگاه ظهار کننده با همسرش ظهار کند و بگوید: «تو برای من مانند کمر یا دست یا پا یا موی یا یکی از اعضای بدن مادرم هستی» و با این سخن قصد حرام شدن همسر کند - در همه موارد؛ کم یا زیاد - کفار بر عهده اش می آید. و همین حکم را دارد اگر مرد بگوید که همسرش مانند یکی از محارم اوست؛ کفار بر او لازم می شود.

### بخش هفتاد و چهارم

#### حکم لعان

۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَقَعُ اللَّعَانُ حَتَّى يَدْخُلَ الرَّجُلُ بِأَهْلِهِ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ عَنٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَكُونُ الْمَلَأَعَنَةَ، وَلَا الْإِبْلَاءَ إِلَّا بَعْدَ الدُّخُولِ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُثَنَّى عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ﴾.

قَالَ: هُوَ الْقَازِفُ الَّذِي يَقْذِفُ امْرَأَتَهُ، فَإِذَا قَذَفَهَا ثُمَّ أَقْرَأَ أَنَّهُ كَذَبَ عَلَيْهَا جُلِدَ الْحَدَّ وَرُدَّتْ إِلَيْهِ امْرَأَتُهُ، وَإِنْ أَبِي إِلَّا أَنْ يَمْضِيَ فَيَشْهَدُ عَلَيْهَا أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ وَالْخَامِسَةَ يَلْعَنُ فِيهَا نَفْسَهُ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. فَإِنْ أَرَادَتْ أَنْ تَدْفَعَ عَنْ نَفْسِهَا الْعَذَابَ، وَالْعَذَابُ هُوَ الرَّجْمُ شَهِدَتْ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ، وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

لعان صورت نمی‌گیرد تا این که مرد با همسرش آمیزش کند.

۲ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

لعان و ایلاء فقط بعد از آمیزش صورت می‌گیرد.

۳ - زراره گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خدا که می‌فرماید «و کسانی که همسران

پاکدامن خود را متهم می‌نمایند و گواهیانی جز خود ندارند» پرسیدند.

فرمود: منظور کسی است که به همسرش تهمت زنا می‌زند. پس هرگاه به همسرش تهمت زنا بزند سپس اقرار کند که دروغ گفته است، باید به او حد زده شود و همسرش به او بازگردانده شود و اگر از اقرار کردن به دروغ گفتن خودداری کند تا این که بگذرد، پس این مرد علیه زن چهار بار شهادت به خداوند می‌دهد که خودش راست گوشت و در شهادت پنجم خود را لعن می‌کند، در صورتی که دروغ گو باشد.

فَإِنْ لَمْ نَفْعَلْ رُجِمَتْ وَإِنْ فَعَلَتْ دَرَأَتْ عَنِ نَفْسِهَا الْحَدَّ ثُمَّ لَا تَحِلُّ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا وَ لَهَا وَلَدٌ فَمَاتَ .

قَالَ: تَرِثُهُ أُمُّهُ ، وَإِنْ مَاتَتْ أُمُّهُ وَرِثَهُ أَحْوَالُهُ وَ مَنْ قَالَ: إِنَّهُ وَلَدٌ زِنَى جُلِدَ الْحَدَّ .

قُلْتُ: يُرَدُّ إِلَيْهِ الْوَلَدُ إِذَا أَقْرَبَهُ .

قَالَ: لَا وَ لَا كَرَامَةٌ وَ لَا يَرِثُ الْإِبْنُ وَ يَرِثُهُ الْإِبْنُ .

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

إِنَّ عَبَادَ الْبَصْرِيِّ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ كَيْفَ يُلَاعِنُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ .

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا رَسُولَ

اللَّهِ! أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ مَنْزِلَهُ فَوَجَدَ مَعَ امْرَأَتِهِ رَجُلًا يُجَامِعُهَا مَا كَانَ يَصْنَعُ؟

پس اگر زن بخوهد عذاب که همان سنگسار است از خود دور کند، چهار بار به خداوند شهادت می دهد که شوهرش دروغ گوشت و در مرتبه پنجم شهادت می دهد که خشم خداوند بر خودش باشد، در صورتی که شوهرش راست گو باشد.

اگر زن چنین نکند، سنگسار می شود و اگر این کار را انجام دهد و حد سنگسار را از خود بر می دارد و تا روز قیامت دیگر برای شوهرش حلال نخواهد بود.

عرض کردم: به نظر شما اگر بین زن و شوهر جدایی بیفتد و آنان فرزندی داشته باشند و او بمیرد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: مادرش از او ارث می برد و اگر مادرش مرده باشد، دایی هایش از او ارث می برند و هر کس بگوید که این فرزند، زنازاده است به او حد زده می شود.

عرض کردم: اگر مرد اقرار کند که این فرزند از آن خودش است فرزند به او داده خواهد شد؟

فرمود: نه، و اعتنایی نمی شود و او از فرزند ارث نخواهد برد، اما فرزند از او ارث می برد.

۴ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که عباد بصری

پرسید: اگر کسی به همسر خود تهمت بزند چگونه او را نفرین می کند؟

فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و گفت: ای رسول خدا! اگر کسی به منزل

خود وارد شود و مردی را با زن خود همبستر ببیند، چه کاری می تواند انجام دهد؟

قَالَ: فَأَعْرَضَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ انْصَرَفَ ذَلِكَ الرَّجُلُ، وَ كَانَ ذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي ابْتُلِيَ بِذَلِكَ مِنْ امْرَأَتِهِ.

قَالَ: فَنَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ﷻ بِالْحُكْمِ فِيهِمَا، فَأَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى ذَلِكَ الرَّجُلِ.

فَدَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ الَّذِي رَأَيْتَ مَعَ امْرَأَتِكَ رَجُلًا؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُ: أَنْطَلِقْ فَأُتِنِي بِامْرَأَتِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ أَنْزَلَ الْحُكْمَ فِيكَ وَ فِيهَا.

قَالَ: فَأَخْضَرَهَا زَوْجَهَا فَأَوْقَفَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. ثُمَّ قَالَ لِلزَّوْجِ: اشْهَدْ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّكَ لَمِنَ الصَّادِقِينَ فِيمَا رَمَيْتَهَا بِهِ.

قَالَ: فَشَهِدَ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْسِكْ وَ وَعِظْهُ.

ثُمَّ قَالَ: اتَّقِ اللَّهَ، فَإِنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ شَدِيدَةٌ.

رسول خدا ﷺ پاسخی نداد و آن مرد به خانه‌اش بازگشت - این اتفاق برای خود آن مرد رخ داده بود - از جانب خداوند متعال وحی آمد و تکلیف آن زن و شوهر را معین کرد.

رسول خدا ﷺ پیکی فرستاد و آن مرد را فرا خواند و فرمود: تویی که مرد بیگانه را با همسر خود دیده‌ای؟

گفت: آری.

رسول خدا ﷺ به او فرمود: برو همسرت را بیاور که خداوند متعال فرمان خود را درباره تو و همسرت نازل کرده است.

آن مرد همسر خود را احضار کرد. رسول خدا ﷺ هر دو را به پا داشت و به آن مرد فرمود: با قید سوگند، چهار نوبت گواهی بده که من همسر خود را با مرد بیگانه‌ای در یک بستر دیده‌ام و اعلام کن که در این تهمت که به همسرت وارد کرده‌ای راست گو هستی.

آن مرد چنان کرد.

سپس رسول خدا ﷺ به آن مرد پند داد و فرمود: از خشم خدا بترس که لعنت خدا سخت است.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: اشْهَدِ الْخَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ.  
 قَالَ: فَشَهِدْتُ ثُمَّ أَمَرِي بِهِ، فَتَحَّيْتُ.  
 ثُمَّ قَالَ لِلْمَرْأَةِ: اشْهَدِي أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنْ زَوْجَكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ فِيمَا رَمَاكَ  
 بِهِ.  
 قَالَ: فَشَهِدْتُ.  
 ثُمَّ قَالَ لَهَا: أَمْسِكِي فَوْعَظَهَا وَ قَالَ لَهَا: اتَّقِي اللَّهَ، فَإِنَّ غَضَبَ اللَّهِ شَدِيدٌ.  
 ثُمَّ قَالَ لَهَا: اشْهَدِي الْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْكَ إِنْ كَانَ زَوْجُكَ مِنَ الصَّادِقِينَ  
 فِيمَا رَمَاكَ بِهِ.  
 قَالَ: فَشَهِدْتُ.  
 قَالَ: فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَ قَالَ لَهُمَا: لَا تَجْتَمِعَا بِنِكَاحٍ أَبَدًا بَعْدَ مَا تَلَا عَنْتُمَا.  
 ۵- الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَوْقَعَهُ  
 الْإِمَامُ لِلْعَانِ فَشَهِدَ شَهَادَتَيْنِ ثُمَّ نَكَلَ فَأَكْذَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنَ اللَّعَانِ.

بعد از موعظه به او فرمود: در پنجمین نوبت خود را نفرین کن و بگو: لعنت خدا بر تو باد  
 اگر در ایراد تهمت دروغ گو بوده باشی. و آن مرد چنان کرد.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود تا آن مرد را از وسط اجتماع به کناری برد سپس به همسر او  
 فرمود: اگر تهمت را دروغ می دانی، چهار نوبت با قید سوگند گواهی بده که شوهرت در  
 ایراد از دروغ گویان است. آن زن گواهی داد.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن زن فرمود: دیگر بس است.  
 سپس او را موعظه کرد و فرمود: از خشم خدا بترس که خشم خدا سخت است.  
 آن گاه فرمود: در پنجمین نوبت خودت را نفرین کن و بگو: خشم خدا بر تو باد، اگر  
 شوهرت در ایراد تهمت راست گفته باشد. آن زن چنان کرد.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از نفرین طرفین، آن دو را بیگانه خواند و از هم جدا کرد و به آنان  
 فرمود: بعد از این نفرین، دیگر برای همیشه نمی توانید با هم ازدواج کنید.  
 ۵- عباد بن صهیب گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که به همسر خود تهمت بزند  
 و بعد از این که امام او را برای لعنت و شهادت به پا داشت بعد از ادای دو شهادت  
 خودداری کند و خود را در ایراد تهمت دروغ گو اعلام کند، فرمود:

قَالَ: يُجْلَدُ حَدَّ الْقَازِفِ، وَ لَا يُفَرَّقُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ امْرَأَتِهِ.  
 ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا قَذَفَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ، فَإِنَّهُ لَا يُلَاعِنُهَا حَتَّى يَقُولَ: رَأَيْتُ بَيْنَ رِجْلَيْهَا رَجُلًا  
 يَزْنِي بِهَا.

قَالَ: وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَغْذِفُ امْرَأَتَهُ؟  
 قَالَ: يُلَاعِنُهَا ثُمَّ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا، فَلَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا، فَإِنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ قَبْلَ  
 الْمَلَاعَنَةِ جُلِدَ حَدًّا، وَ هِيَ امْرَأَتُهُ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ يَغْذِفُهَا زَوْجُهَا وَ هُوَ مَمْلُوكٌ.  
 قَالَ: يُلَاعِنُهَا ثُمَّ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا، فَإِنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بَعْدَ  
 الْمَلَاعَنَةِ جُلِدَ حَدًّا وَ هِيَ امْرَأَتُهُ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُرِّ تَحْتَهُ أَمَةٌ فَيَغْذِفُهَا.

باید به این شوهر هشتاد تازیانه بزنند؛ ولی او را از همسرش جدا نمی‌کنند.

۶ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مردی به همسرش تهمت زنا بزند نمی‌تواند با او لعان کند تا این که بگوید: «من در  
 بین پاهای همسر مردی را دیدم که با او زنا می‌کند».

سؤال شد: مردی به همسرش تهمت زنا می‌زند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید با همسرش لعان کند، سپس آنها را از یکدیگر جدا می‌نماید. پس همسرش  
 هرگز برای او حلال نخواهد بود. پس اگر مرد پیش از آن که لعان کند، علیه خودش اقرار  
 نماید که دروغ گفته است به او حد زده می‌شود و زن، همسر او خواهد بود

پرسیدم: اگر برده‌ای به همسر آزاد خود تهمت زنا بزند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید با همسرش لعان کند، سپس بین آنان جدایی انداخته می‌شود. پس  
 همسرش هرگز برای او حلال نخواهد بود. پس اگر مرد پیش از آن که لعان کند، علیه  
 خودش اقرار کند که دروغ گفته است به او حد زده می‌شود و زن، همسر او خواهد بود.

قَالَ: يُلَا عِنُّهَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَلَاعِنَةِ الَّتِي يَرْمِيهَا زَوْجُهَا وَ يَنْتَفِي مِنْ وَلَدِهَا وَ يُلَا عِنُّهَا وَ يُفَارِقُهَا. ثُمَّ يَقُولُ بَعْدَ ذَلِكَ: الْوَلَدُ وَلَدِي وَ يُكْذِبُ نَفْسَهُ.

فَقَالَ: أَمَّا الْمَرْأَةُ فَلَا تَرْجِعُ إِلَيْهِ أَبَدًا، وَ أَمَّا الْوَلَدُ فَإِنِّي أَرُدُّهُ إِلَيْهِ إِذَا ادَّعَاهُ وَ لَا أَدْعُ وَلَدَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مِيرَاثٌ وَ يَرِثُ الْإِبْنُ الْأَبَ وَ لَا يَرِثُ الْأَبُ الْإِبْنَ وَ يَكُونُ مِيرَاثُهُ لِأَخْوَالِهِ، فَإِن لَمْ يَدَّعِهِ أَبُوهُ، فَإِن أَخْوَالَهُ يَرِثُونَهُ، وَ لَا يَرِثُهُمْ فَإِن دَعَاهُ أَحَدُ ابْنِ الزَّانِيَةِ جُلِدَ الْحَدَّ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُرِّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَمْلُوكَةِ لِعَانٌ. فَقَالَ: نَعَمْ، وَ بَيْنَ الْمَمْلُوكِ وَ الْحُرَّةِ وَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ الْأَمَةِ وَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ وَ لَا يَتَوَارَثَانِ، وَ لَا يَتَوَارَثُ الْحُرُّ وَ الْمَمْلُوكَةُ.

پرسیدم: مرد آزادی که به کنیز خود تهمت زنا می زند (چه حکمی دارد؟) فرمود: باید لعان کند.

پرسیدم: مردی به زنش تهمت زنا می زند و فرزندش را نفی می کند و با او لعان می کند و از او جدا می شود. آن گاه می گوید: «این فرزند، فرزند من است» و خودش را تکذیب می کند. فرمود: هرگز زن نزد شوهرش باز نخواهد گشت. ولی درباره فرزند این که هرگاه مرد چنین ادعایی کند. من فرزند را به او باز می گردانم و فرزند را رها نمی کنم در حالی که میراثی نداشته باشد. فرزند از پدرش ارث می برد، اما پدر از فرزندش ارث نمی برد و ارث فرزند از آن دایی هایش خواهد بود. پس اگر مرد فرزند را ادعا نکند و از خود نخواند، دایی های فرزند از او ارث می برند. اگر کسی این فرزند را زنازاده بخواند به او حد زده می شود.

۷ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر مردی آزاد با کنیزی ازدواج کند، بین آنان مراسم لعنت اجرا می شود؟

فرمود: آری، هم چنین اگر برده ای با زن آزاد و یا با کنیز ازدواج کند و یا مرد مسلمانی با زن یهودی و نصرانی ازدواج کند، باز هم مراسم لعنت و نفرین میان زن و شوهر اجرا می شود، ولی در این گونه موارد زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند، نه مسلمان از یهودی و نه یهودی از مسلمان، نه آزاد از برده و نه برده از آزاد.



- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ لَاعَنَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حُبْلَى ثُمَّ ادَّعَى وَلَدَهَا بَعْدَ مَا وَلَدَتْ، وَزَعَمَ أَنَّهُ مِنْهُ.  
قَالَ: يُرَدُّ إِلَيْهِ الْوَلَدُ، وَلَا يُجْلَدُ، لِأَنَّهُ قَدْ مَضَى التَّلَاعُنُ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ قَذَفَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَرْسَاءُ قَالَ: يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا.
- ۱۰- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَلَاعِينِ وَالْمُلَاعِنَةِ كَيْفَ يَصْنَعَانِ؟  
قَالَ: يَجْلِسُ الْأَمَامُ مُسْتَدْبِرَ الْقِبْلَةِ فَيَقِيمُهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَقْبِلَا الْقِبْلَةِ بِحِدَائِهِ وَيَبْدَأُ بِالرَّجُلِ ثُمَّ الْمَرْأَةَ، وَالتِّي يَجِبُ عَلَيْهَا الرَّجْمُ تُرْجَمُ مِنْ وَرَائِهَا، وَلَا يُرْجَمُ مِنْ وَجْهِهَا، لِأَنَّ الضَّرْبَ وَالرَّجْمَ لَا يُصِيبَانِ الْوَجْهَ؛ يُضْرَبَانِ عَلَى الْجَسَدِ عَلَى الْأَعْضَاءِ كُلِّهَا.

۸- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که با همسر باردارش لعان نمود. پس از این که زن زایمان نمود، مرد به این پندار که نوزاد از آن اوست ادعا کرد که سرپرستی نوزاد حق اوست، فرمود:

فرزند به مرد سپرده می شود و به مرد حد زده نمی شود؛ زیرا لعان را پشت سر گذاشته است.

۹- محمد بن مسلم و حلبی گویند: امام صادق عليه السلام درباره مردی که به همسر لال خود تهمت زنا می زند فرمود:

بین آنان جدایی افکنده می شود.

۱۰- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: وظیفه مرد و زن لعان کننده چیست؟ فرمود: حاکم پشت به قبله می نشیند و مرد و زن را برابر خود، رو به قبله ایستاده نگه می دارد. ابتدا از مرد و بعد از زن شروع می کند که پنج بار شهادت دهند. زنی که سنگسار بر او لازم می شود، پشت بدنش سنگسار می شود، زیرا حد و سنگسار نباید به صورت آسیب برسانند.

- ۱۱ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ! كَيْفَ الْمَلَاعَنَةُ؟  
 قَالَ: فَقَالَ: يَفْعُدُ الْإِمَامُ وَ يَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يَجْعَلُ الرَّجُلَ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْمَرْأَةَ عَنْ يَسَارِهِ.
- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَاعَنَ امْرَأَتَهُ فَحَلَفَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ ثُمَّ نَكَلَ فِي الْخَامِسَةِ.  
 قَالَ: إِنْ نَكَلَ فِي الْخَامِسَةِ فَهِيَ امْرَأَتُهُ وَ جُلِدَ، وَ إِنْ نَكَلَتْ الْمَرْأَةُ عَنْ ذَلِكَ إِذَا كَانَتْ الْيَمِينُ عَلَيْهَا فَعَلَيْهَا مِثْلُ ذَلِكَ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَلَاعَنَةِ قَائِمًا يَلَاعِنُ أَوْ قَاعِدًا؟  
 قَالَ: الْمَلَاعَنَةُ وَ مَا أَشْبَهَهَا مِنْ قِيَامٍ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَادَّعَتْ أَنَّهَا حَامِلٌ.

- ۱۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! لعان چگونه است؟  
 فرمود: حاکم پشت به سمت قبله می نشیند، مرد را در سمت راست خود و زن را در سمت چپ قرار می دهد.
- ۱۲ - علی بن جعفر عليه السلام گوید: از امام کاظم پرسیدم: مردی با همسرش لعان می نماید. چهار بار شهادت می دهد اما در مرتبه پنجم خودداری می کند (چه حکمی دارد؟)  
 فرمود: اگر در مرتبه پنجم خودداری کند، زن همسر اوست و به مرد حد زده می شود و اگر زن در مرتبه پنجم خودداری کند - در صورتی که سوگند یاد کردن بر عهده او باشد - نیز چنین حکمی بر او لازم می آید.  
 پرسیدم: لعان در حالت ایستاده صورت می گیرد یا نشسته؟  
 فرمود: لعان و نظایر آن در حالت ایستاده صورت می گیرد.  
 پرسیدم: مردی پیش از آن که با همسرش نزدیکی کند طلاقش می دهد، ولی زن ادعا می کند باردار است (چه حکمی دارد؟)

قَالَ: إِنْ أَقَامَتِ الْبَيْتَةَ عَلَى أَنَّهُ أَرْحَى سِتْرًا ثُمَّ أَنْكَرَ الْوَلَدَ لَاعْنَهَا، ثُمَّ بَانَتَ مِنْهُ وَعَلَيْهِ الْمَهْرُ كَمَلًا.

۱۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ لَاعَنَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حُبْلَى قَدِ اسْتَبَانَ حَمْلُهَا فَأَنْكَرَ مَا فِي بَطْنِهَا، فَلَمَّا وَضَعَتْ ادَّعَاهُ وَ أَقْرَبِيهِ وَ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْهُ.

قَالَ: فَقَالَ: يَرُدُّ إِلَيْهِ وَلَدُهُ وَ يَرِيئُهُ وَ لَا يُجْلَدُ، لِأَنَّ اللَّعَانَ قَدْ مَضَى.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ عَبْدٍ قَذَفَ امْرَأَتَهُ.

قَالَ: يَتَلَاعَنَانِ كَمَا يَتَلَاعَنُ الْحُرَّانِ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُفْتَرِي عَلَى امْرَأَتِهِ.

فرمود: اگر زن شاهد بیاورد که مرد پرده را افکنده و با او خلوت نموده سپس مرد فرزند را انکار می کند، باید با زن لعان کند، آن گاه از او جدا می شود و مهریه کامل بر عهده اوست. ۱۳ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی با همسرش لعان می کند. زن باردار است و آثار حاملگی آشکار شده است. مرد جنین را انکار می کند که از آن او باشد. هنگامی که زن زایمان نمود مرد مدعی فرزند می شود و به آن اقرار می کند و گمان می کند که نوزاد از آن اوست (چه حکمی دارد؟)

فرمود: نوزاد به مرد سپرده می شود و مرد از او ارث می برد؛ ولی به او حد زده نمی شود؛ زیرا لعان سپری شده است.

۱۴ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام پرسیدند: زن و شوهر برده می توانند یکدیگر را لعنت کنند؟

فرمود: برده ها نیز مانند آزاده ها مراسم لعنت را اجرا می کنند.

۱۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: اگر کسی به همسر خود افترا ببندد، چه صورت دارد؟

قَالَ: يُجْلَدُ ثُمَّ يُحَلَّى بَيْنَهُمَا، وَ لَا يُلَاعِنُهَا حَتَّى يَقُولَ: أَشْهَدُ أَنِّي رَأَيْتُكَ تَفْعَلِينَ كَذَا وَ كَذَا.

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَكُونُ اللَّعَانُ إِلَّا بِنَفْيٍ وَ لَدٍ. وَ قَالَ: إِذَا قَذَفَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ لَا عَنَهَا.

۱۷ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُلَاعِنُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ الَّتِي يَتَمَتَّعُ بِهَا.

۱۸ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالزَّنَى وَ هِيَ خَرَسَاءٌ صَمَاءٌ لَا تَسْمَعُ مَا قَالَ.

فرمود: تازیانه بر شوهر زده می شود و آنان را به حال خود وا می نهند و شوهر نمی تواند همسر خود را لعنت کند، مگر این که بگوید: «من خود گواه بودم که تو چنین و چنان کردی».

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

لعان در صورتی انجام می گیرد که همراه با انکار فرزند باشد.

و فرمود: هرگاه مرد به همسرش تهمت زنا بزند، باید با او لعان کند.

۱۷ - ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مرد نمی تواند با زن موقت خود لعان کند.

۱۸ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: مردی به همسرش تهمت زنا می زند.

زن ناشنوا و گنگ است و توانایی شنیدن سخن را ندارد (در این مورد لعان چگونه است؟)

قَالَ: إِنْ كَانَ لَهَا بَيِّنَةٌ فَشَهِدُوا عِنْدَ الْإِمَامِ جُلِدَ الْحَدَّ وَفُرِّقَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ لَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ بَيِّنَةٌ فَهِيَ حَرَامٌ عَلَيْهِ مَا أَقَامَ مَعَهَا وَلَا إِثْمٌ عَلَيْهَا مِنْهُ.

۱۹- عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي امْرَأَةٍ قَذَفَتْ زَوْجَهَا وَهُوَ أَصَمٌّ قَالَ:

يُفَرِّقُ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ وَلَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا.

۲۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ الْخُرْسَاءِ كَيْفَ يُلَاعِنُهَا زَوْجُهَا؟ قَالَ: يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا وَلَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا.

۲۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنِ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَكُونُ اللَّعَانُ حَتَّى يَزْعُمَ أَنَّهُ قَدْ عَايَنَ.

فرمود: اگر این زن شهودی دارد و آنان نزد امام شهادت بدهند، به مرد حد زده می شود و بین زن و شوهر جدایی افکنده می شود و این زن برای همیشه به شوهرش حلال نخواهد بود. اگر زن شهود ندارد، تا هنگامی که شوهرش با اوست، بر او حرام است و گناهی بر زن به خاطر مرد نخواهد بود.

۱۹- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره زنی که ناشنواست و شوهرش به او تهمت زنا می زند فرمود:

بین آنان جدایی افکنده می شود و زن دیگر برای شوهرش حلال نخواهد بود.

۲۰- محمد بن مروان گوید: امام صادق عليه السلام درباره چگونگی لعان مرد با زن گنگ فرمود:

بین آنان جدایی افکنده می شود و زن دیگر برای شوهرش حلال نخواهد بود.

۲۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لعان صورت نمی گیرد تا این که مرد ادعا کند که (خیانت همسرش) را با چشم خود دیده است.

(۷۵)

**بَابُ طَلَاقِ الْحُرَّةِ تَحْتَ الْمَمْلُوكِ وَالْمَمْلُوكَةِ تَحْتَ الْحُرِّ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حُرِّ تَحْتَهُ أَمَةٌ أَوْ عَبْدٍ تَحْتَهُ حُرَّةٌ كَمْ طَلَاقُهَا؟ وَ كَمْ عِدَّتُهَا؟

فَقَالَ: السُّنَّةُ فِي النِّسَاءِ فِي الطَّلَاقِ، فَإِنْ كَانَتْ حُرَّةٌ فَطَلَاقُهَا ثَلَاثٌ وَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةٌ أَقْرَاءٍ، وَإِنْ كَانَ حُرٌّ تَحْتَهُ أَمَةٌ فَطَلَاقُهَا تَطْلِيقَتَانِ وَ عِدَّتُهَا قُرْءَانٍ.

۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا كَانَتِ الْحُرَّةُ تَحْتَ الْعَبْدِ فَالطَّلَاقُ وَ الْعِدَّةُ بِالنِّسَاءِ - يَعْنِي تَطْلِيقَهَا ثَلَاثًا - وَ تَعْتَدُ ثَلَاثَ حِيضٍ.

**بخش هفتاد و پنجم****طلاق زن و شوهری که یکی از آنها آزاد است و دیگری برده و کنیز**

۱- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مرد آزادی همسر کنیزی دارد و یا برده‌ای همسر آزادی دارد، طلاق و عده این زن و کنیز چند روز و چگونه است؟

فرمود: سنت در طلاق، درباره زنان است. اگر زن آزاد باشد، طلاقش تا سه مرتبه طلاق محقق می‌شود و پس از آن بر شوهرش حرام می‌شود و عده سه بار حیض شدن است و اگر مرد آزاد همسر کنیز دارد طلاقش تا دو بار و عده‌اش دو بار حیض شدن است.

۲- حماد بن عیسی نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام و آن حضرت از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کند.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: إِنَّ ابْنَ شُبْرَمَةَ قَالَ: الطَّلَاقُ لِلرَّجُلِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الطَّلَاقُ لِلنِّسَاءِ، وَ تَبَيَّنَ ذَلِكَ أَنَّ الْعَبْدَ يَكُونُ تَحْتَهُ الْحُرَّةُ فَيَكُونُ تَطْلِيقُهَا ثَلَاثًا وَ يَكُونُ الْحُرُّ تَحْتَهُ الْأَمَةُ فَيَكُونُ طَلَاقُهَا تَطْلِيقَتَيْنِ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

طَلَاقُ الْمَمْلُوكِ لِلْحُرَّةِ ثَلَاثُ تَطْلِيقَاتٍ وَ طَلَاقُ الْحُرِّ لِلْأَمَةِ تَطْلِيقَتَانِ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

طَلَاقُ الْحُرِّ إِذَا كَانَ عِنْدَهُ أَمَةٌ تَطْلِيقَتَانِ وَ طَلَاقُ الْحُرَّةِ إِذَا كَانَتْ تَحْتَ الْمَمْلُوكِ ثَلَاثٌ.

۳- عیص بن قاسم گوید: ابن شبرمه گفت: طلاق در اختیار مردان است؟

امام صادق عليه السلام فرمود: طلاق درباره زنان است، به دلیل این که برده‌ای که همسر آزادی دارد، طلاق این زن تا سه بار انجام می‌شود و مرد آزادی که همسری کنیز دارد، طلاق این کنیز تا دو بار تحقق می‌یابد.

۴- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مرد آزادی همسر کنیزی دارد

وبرده‌ای همسر آزادی دارد، طلاق و عده این زن و کنیز چگونه است؟

فرمود: برده‌ای که زن دارد، طلاقش تا سه بار طلاق محقق می‌شود و مرد آزاده که همسر

کنیز دارد طلاقش تا دو بار است.

۵- داوود بن سرحان نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

(۷۶)

**بَابُ طَلَاقِ الْعَبْدِ إِذَا تَزَوَّجَ بِإِذْنِ مَوْلَاهُ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ الْعَبْدُ وَامْرَأَتُهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ فَإِنَّ الْمَوْلَى يَأْخُذُهَا إِذَا شَاءَ وَإِذَا شَاءَ رَدَّهَا. وَقَالَ: لَا يَجُوزُ طَلَاقُ الْعَبْدِ إِذَا كَانَ هُوَ وَامْرَأَتُهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ لِرَجُلٍ وَ الْمَرْأَةُ لِرَجُلٍ وَ تَزَوَّجَهَا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ وَ إِذْنِ مَوْلَاهَا، فَإِنْ طَلَّقَ وَ هُوَ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ، فَإِنَّ طَلَاقَهُ جَائِزٌ.
- ۲ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَبْدِ هَلْ يَجُوزُ طَلَاقُهُ؟

**بخش هفتاد و ششم****حکم طلاق بردگان**

- ۱ - ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه برده و همسرش از آن یک نفر باشند، اگر مولا بخواهد می تواند کنیز را از شوهرش بگیرد و اگر بخواهد او را باز می گرداند.
- و فرمود: در صورتی که برده و همسرش از آن یک مولا باشند، طلاق برده جایز نیست. مگر آن که برده از آن یک مولا و همسرش از آن مولای دیگر باشند و برده با اجازه مولای خود و مولای کنیز، با کنیز ازدواج کرده باشد. پس اگر برده ای با چنین شرایطی همسرش را طلاق دهد، جایز و صحیح است.
- ۲ - لیت مرادی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا برده می تواند طلاق دهد؟



فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ أُمَّتُكَ فَلَا؛ إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى عَنْ عِبْدَانِ مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ \* وَإِنْ كَانَتْ أُمَّةٌ قَوْمٍ آخَرِينَ أَوْ حُرَّةً جَازَ طَلَاؤُهُ.

۳- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْذُنُ لِعَبْدِهِ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْحُرَّةَ أَوْ أُمَّةً قَوْمِ الطَّلَاقِ إِلَى السَّيِّدِ أَوْ إِلَى الْعَبْدِ؟ قَالَ: الطَّلَاقُ إِلَى الْعَبْدِ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ غُلَامَةً جَارِيَةً حُرَّةً. فَقَالَ: الطَّلَاقُ بِيَدِ الْغُلَامِ، فَإِنْ تَزَوَّجَهَا بَعْدَ إِذْنِ مَوْلَاهُ فَالطَّلَاقُ بِيَدِ الْمَوْلَى.

۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ غُلَامَةً جَارِيَةً حُرَّةً.

فرمود: اگر برده و همسر کنیزش مال توست، نه. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «برده مملوکی که توان پرداخت چیزی را ندارد» و اگر همسر کنیز دیگران و یا آزاد باشد، طلاق برده جایز است.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی به برده‌اش اجازه می‌دهد که با زنی آزاد و یا کنیز دیگران ازدواج کند؛ طلاق به اختیار مولا است یا برده؟ فرمود: طلاق به اختیار برده است.

۴- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی برده‌اش را به ازدواج دختری آزاد در می‌آورد.

فرمود: طلاق به اختیار برده است؛ ولی اگر برده بدون اجازه مولا ازدواج نمود، طلاق به اختیار مولا است.

۵- علی بن یقطین گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی برده‌اش را به ازدواج دختری آزاد در می‌آورد (طلاقش به اختیار کیست؟)

فَقَالَ: الطَّلَاقُ بِيَدِ الْعُلَامِ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ زَوَّجَ أُمَّتَهُ رَجُلًا حُرًّا.  
 فَقَالَ: الطَّلَاقُ بِيَدِ الْحُرِّ.  
 وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ زَوَّجَ عُلَامَةً جَارِيَتَهُ.  
 فَقَالَ: الطَّلَاقُ بِيَدِ الْمَوْلَى.  
 وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى جَارِيَةً وَ لَهَا زَوْجٌ عَبْدٌ.  
 فَقَالَ: بَيْعُهَا طَلَاقٌ.  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ  
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يُزَوِّجُ أُمَّتَهُ مِنْ رَجُلٍ حُرٍّ تَمَّ يَرِيدُ أَنْ يَنْزِعَهَا مِنْهُ وَ يَأْخُذَ مِنْهُ  
 نِصْفَ الصَّدَاقِ.

فرمود: طلاق به اختیار برده است.

پرسیدم: مردی کنیزش را به ازدواج مردی آزاد در می آورد.

فرمود: طلاق به اختیار شوهر آزاد است.

پرسیدم: مردی برده اش را به ازدواج کنیزش در می آورد.

فرمود: طلاق به اختیار مولاست.

پرسیدم: مردی کنیز شوهر داری را می خرد.

فرمود: فروش کنیز، طلاق اوست.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عرض کردم: مردی کنیزش را به ازدواج مردی

آزاد در می آورد. سپس تصمیم می گیرد کنیز را از او جدا کند و نصف مهریه را از شوهرش

بگیرد (چنین حقی دارد؟)

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الَّذِي زَوَّجَهَا مِنْهُ يُبْصِرُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَدِينُ بِهِ، فَلَهُ أَنْ يَنْزِعَهَا مِنْهُ  
وَ يَأْخُذَ مِنْهُ نِصْفَ الصَّدَاقِ، لِأَنَّهُ قَدْ تَقَدَّمَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَعْرِفَةِ أَنَّ ذَلِكَ لِلْمَوْلَى،  
وَ إِنْ كَانَ الزَّوْجُ لَا يَعْرِفُ هَذَا وَ هُوَ مِنْ جُمْهُورِ النَّاسِ يُعَامِلُهُ الْمَوْلَى عَلَى مَا  
يُعَامَلُ بِهِ مِثْلُهُ فَقَدْ تَقَدَّمَ عَلَى مَعْرِفَةِ ذَلِكَ مِنْهُ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ أَنْكَحَ أُمَّتَهُ حُرًّا أَوْ عَبْدًا قَوْمِ آخِرِينَ.  
فَقَالَ: لَيْسَ لَهُ أَنْ يَنْزِعَهَا، فَإِنْ بَاعَهَا فَشَاءَ الَّذِي اشْتَرَاهَا أَنْ يَنْزِعَهَا مِنْ زَوْجِهَا  
فَعَلَّ.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
إِذَا كَانَ لِلرَّجُلِ أُمَّةٌ فَزَوَّجَهَا مَمْلُوكَهُ فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا إِذَا شَاءَ وَ جَمَعَ بَيْنَهُمَا إِذَا شَاءَ.

فرمود: اگر شوهر از احکام شما (شیعیان) آگاه است و به آن عقیده دارد، مولا حق دارد  
کنیز را از او جدا کرده و نصف مهریه را از او بگیرد؛ زیرا شوهر پیش از این، به حکم آگاه بود  
که مولا چنین اختیاری دارد. و اگر شوهر به این حکم آگاهی ندارد و از اهل سنت است،  
طبق اعتقاد او رفتار می‌کند؛ زیرا از عقیده شوهر کنیز آگاه بوده است.

۷ - ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که کنیز خود را به ازدواج مردی آزاد و  
یا برده دیگران در می‌آورد پرسیدم.

فرمود: مولا حق ندارد کنیز را از شوهرش جدا کند. اگر کنیز را بفروشد و خریدار  
بخواهد می‌تواند کنیز را از شوهرش جدا کند.

۸ - حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر کسی برده‌ای داشته باشد و کنیز خود را با او تزویج کند، هر لحظه‌ای که بخواهد آن  
دو را از هم جدا می‌کند و هر لحظه‌ای که بخواهد آن دو را با هم تزویج می‌کند.

(۷۷)

**بَابُ طَلَاقِ الْأُمَّةِ وَ عِدَّتِهَا فِي الطَّلَاقِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: طَلَاقُ الْعَبْدِ لِلْأُمَّةِ تَطْلِيقَتَانِ وَ أَجْلُهَا حَيْضَتَانِ إِنْ كَانَتْ تَحِيضُ، وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ فَأَجْلُهَا شَهْرٌ وَ نِصْفٌ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ طَلَاقِ الْأُمَّةِ. فَقَالَ: تَطْلِيقَتَانِ.

**بخش هفتاد و هفتم****طلاق و عدّه کنیز**

- ۱ - محمد بن قیس گوید: از امام باقر ع شنیدم که می فرمود: برده‌ای که زن کنیز خود را طلاق می دهد، تا دو مرتبه است و عدّه اش دو بار حیض شدن است؛ در صورتی که حیض شود و اگر حیض نمی شود، عدّه اش یک ماه و نیم است.
- ۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق ع درباره طلاق کنیز پرسیدم. فرمود: تا دو مرتبه است.

- ۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ عُمَرُ عَلَى الْمَنْبَرِ: مَا تَقُولُونَ يَا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ! فِي تَطْلِيقِ الْأُمَّةِ؟ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ. فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا صَاحِبَ الْبُرْدِ الْمَعَاظِرِيِّ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام. فَأَشَارَ بِيَدِهِ تَطْلِيقَتَانِ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْأُمَّةِ حَيْضَتَانِ. وَ قَالَ: إِذَا لَمْ تَكُنْ تَحِيضُ فَنِصْفُ عِدَّةِ الْحُرَّةِ.

۳- ابو اسامه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عمر بر فراز منبر گفت: ای یاران محمد! درباره طلاق کنیز چه می گوید؟ کسی پاسخ نداد.

دوباره گفت: ای صاحب عباى معافری! <sup>(۱)</sup> تو چه می گوئی؟

پس امیرمؤمنان علی عليه السلام با دست خود اشاره نمود که تا دو مرتبه است.

۴ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

عده کنیزان با دو نوبت عادت ماهیانه پایان می یابد و اگر عادت نمی شوند، عده آنان یک ماه و نیم خواهد بود.

۱ - منظور امیرمؤمنان علی عليه السلام بود که عباى معافری که نوعی عبا منسوب به قبیله ای از یمن است بر تن مبارک داشت.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ طَلَّقَهَا زَوْجَهَا تَطْلِيقَتَيْنِ، ثُمَّ وَقَعَ عَلَيْهَا فَجَلَدَهُ.

(۷۸)

### بَابُ عِدَّةِ الْأُمَّةِ الْمُتَوَقَّئِ عَنْهَا زَوْجُهَا

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ الْأُمَّةُ وَالْحُرَّةُ كَلْتَيْهِمَا إِذَا مَاتَ عَنْهُمَا زَوْجُهُمَا سَوَاءٌ فِي الْعِدَّةِ إِلَّا أَنَّ الْحُرَّةَ تُجَدُّ وَالْأُمَّةُ لَا تُجَدُّ.

۵ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره کنیزی که شوهرش دو بار او را طلاق داده سپس با او آمیزش نمود دآوری کرد و شوهرش را حد زد.

### بخش هفتاد و هشتم

### عِدَّةُ كَنِيزِي كِهْ شُوهرِ وَفَاتِ كَرْدِهْ اسْت

۱ - زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر شوهر کنیز و زن آزاد بمیرد در عده با هم مساوی اند جز این که زن آزاد «حداد»<sup>(۱)</sup> دارد ولی کنیز «حداد» ندارد.

۱ - حداد: خودداری زن شوهر مرده به مدت یک سال از آرایش را گویند.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْأَمَةِ إِذَا طَلَّقَتْ مَا عَدَّتُهَا؟ قَالَ: حَيْضَتَانِ أَوْ شَهْرَانِ حَتَّى تَحِيضَ. قُلْتُ: فَإِنْ تُوُفِّيَ عَنْهَا زَوْجُهَا؟ فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ فِي أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ: لَا يَنْزَوُجْنَ حَتَّى يَعْتَدِدْنَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا وَهِنَّ إِمَاءٌ.

(۷۹)

### بَابُ عِدَّةِ أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ وَ الرَّجُلِ يُعْتَقُ إِحْدَاهُنَّ أَوْ يَمُوتُ عَنْهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

۲ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کنیزی از شوهر خود طلاق بگیرد، تا چه مدت باید عده نگه دارد؟ فرمود: دو نوبت عادت ماهیانه و یا دو ماه کامل تا به حیض دوم برسد. عرض کردم: اگر شوهر او بمیرد، تا چه مدت باید عده نگه دارد؟ فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: اگر کنیزی از مولای خود صاحب فرزند باشد و مولایش بمیرد، حق ندارد ازدواج کند تا موقعی که چهار ماه و ده روز عده وفات او به پایان برسد و کنیزان صاحب فرزند، در حال حیات مولای خودشان در شمار بردگانند.

### بخش هفتاد و نهم

### حکم عده کنیزان فرزندان در سوگ مولای خود

۱ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

فِي الْأَمَةِ إِذَا غَشِيَهَا سَيِّدُهَا ثُمَّ أَعْتَقَهَا، فَإِنَّ عِدَّتَهَا ثَلَاثٌ حَيْضٍ، فَإِنْ مَاتَ عَنْهَا فَارْبَعَةٌ أَشْهُرٌ وَعَشْرٌ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الْأَمَةِ يَمُوتُ سَيِّدُهَا.

قَالَ: تَعْتَدُ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

قُلْتُ: فَإِنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا.

قَالَ: يُفَارِقُهَا ثُمَّ يَتَزَوَّجُهَا نِكَاحًا جَدِيدًا بَعْدَ انْقِضَاءِ عِدَّتِهَا.

قُلْتُ: فَأَيْنَ مَا بَلَّغْنَا عَنْ أَبِيكَ فِي الرَّجُلِ إِذَا تَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فِي عِدَّتِهَا لَمْ تَحِلَّ لَهُ أَبَدًا؟

قَالَ: هَذَا جَاهِلٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ تَكُونُ تَحْتَهُ السُّرِّيَّةُ فَيُعْتَقُهَا.

اگر مولایی با کنیز خود همبستر شود سپس او را آزاد کند، کنیز آزاد شده باید سه عادت ماهیانه عده نگه دارد و اگر مولایش بمیرد و صاحب فرزند باشد، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: موقعی که خواجه می میرد، کنیز شخصی او چه تکلیفی دارد؟

فرمود: باید چهار ماه و ده روز عده وفات بگیرد.

عرض کردم: اگر کسی قبل از سپری شدن عده ازدواج کند، چه صورت دارد؟

فرمود: باید از هم جدا شوند و بعد از پایان مدت مجدداً عقد ازدواج را جاری کنند.

عرض کردم: پس آن فتوایی که از پدرت به ما رسیده که می فرماید: «هرگاه در دوران

عده با کسی ازدواج کنند، برای همیشه ازدواجشان حرام خواهد بود» چه می شود؟

فرمود: این شخص مفروض، جاهل بوده است.

۳- حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی همسر کنیزی دارد و او را آزاد می کند.



فَقَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهَا أَنْ تَنْكِحَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَإِنْ تُوفِّيَ عَنْهَا مَوْلَاهَا فَعِدَّتُهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَعَشْرٌ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ أُمَّةٌ فَوَطِئَهَا ثُمَّ أَعْتَقَهَا وَ قَدْ حَاضَتْ عِنْدَهُ حَيْضَةً بَعْدَ مَا وَطِئَهَا.

قَالَ: تَعْتَدُ بِحَيْضَتَيْنِ.

قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: تَعْتَدُ بِثَلَاثِ حَيْضٍ.

۵ - وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْتِقُ سُرْبَتَهُ أَيُصْلِحُ لَهُ أَنْ يَنْزَوْ جَهًا بَعِيرٍ عِدَّةً؟  
قَالَ: نَعَمْ.

فرمود: کنیز حق ندارد ازدواج کند تا این که عده‌اش - که سه ماه است - پایان یابد و اگر مولا بمیرد، عده‌اش چهار ماه و ده روز دیگر است.

۴ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که کنیزی دارد و با او آمیزش می‌کند، سپس او را آزاد می‌کند در حالی که کنیز پس از آمیزش، یک بار حیض شده است. فرمود: باید دو حیض عده نگه دارد.

ابن ابی عمیر گوید: در حدیث دیگری آمده است: سه حیض عده نگه دارد.

۵ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی کنیزش را آزاد نموده است، آیا می‌تواند بدون آن که کنیز عده نگه دارد، با او ازدواج کند؟  
فرمود: آری.

قُلْتُ: فَغَيْرُهُ؟

قَالَ: لَا، حَتَّى نَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ.

قَالَ: وَ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أُمَّتِهِ أَيْصُلِحُ لَهُ أَنْ يُزَوَّجَهَا قَبْلَ أَنْ نَعْتَدَّ؟  
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: كَمْ عِدَّتُهَا؟

قَالَ: حَيْضَةٌ أَوْ ثِنْتَانِ.

۶- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ  
فِي رَجُلٍ أَعْتَقَ أُمَّ وَوَلَدِهِ ثُمَّ تُوفِّيَ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا.

قَالَ: نَعْتَدُّ بِأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرٍ وَإِنْ كَانَتْ حُبْلَى اعْتَدَّتْ بِأَبْعَدِ الْأَجَلَيْنِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَعْتَقَ وَلِيدَتَهُ  
عِنْدَ الْمَوْتِ.

عرض کردم: دیگران هم می توانند بدون آن که کنیز عدّه نگه دارد، با او ازدواج کنند؟  
فرمود: نه، تا این که سه ماه عدّه نگه دارد.

پرسیدم: مردی با کنیزش نزدیکی می کند، آیا می تواند بدون این که کنیز عدّه نگه دارد او  
را به ازدواج دیگران درآورد؟  
فرمود: نه.

عرض کردم: عدّه اش چه مقدار است؟

فرمود: یک یا دو بار حیض.

۶- راوی گوید: امام علیه السلام درباره مردی که کنیز صاحب فرزند خود را آزاد می کند. سپس  
پیش از آن که عدّه کنیز به پایان برسد مولا می میرد فرمود:

چهار ماه و ده روز عدّه نگه می دارد و اگر باردار باشد، عدّه ای که طولانی تر است را (که  
همان عدّه بارداری است) نگه می دارد.

۷- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی در هنگام مرگش کنیز صاحب فرزند  
خود را آزاد می کند.

فَقَالَ: عِدَّتُهَا عِدَّةُ الْحُرَّةِ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرٍ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَعْتَقَ وَ لَيْدَتَهُ وَ هُوَ حَيٌّ وَ قَدْ كَانَ يَطْوُهَا.  
 فَقَالَ: عِدَّتُهَا عِدَّةُ الْحُرَّةِ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ.

۸- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِئِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي  
 الْمُدَبَّرَةِ إِذَا مَاتَ مَوْلَاهَا:

أَنَّ عِدَّتَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرٍ مِنْ يَوْمٍ يَمُوتُ سَيِّدُهَا إِذَا كَانَ سَيِّدُهَا يَطْوُهَا.  
 قِيلَ لَهُ: فَالرَّجُلُ يُعْتَقُ مَمْلُوكَتَهُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَاعَةٍ أَوْ بِيَوْمٍ ثُمَّ يَمُوتُ.  
 قَالَ: فَقَالَ: هَذِهِ تَعْتَدُ بِثَلَاثِ حِيضٍ أَوْ ثَلَاثَةِ قُرُوءٍ مِنْ يَوْمٍ أَعْتَقَهَا سَيِّدُهَا.

۹- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ تَكُونُ عِنْدَهُ السُّرِّيَّةُ لَهُ وَ قَدْ وَلَدَتْ مِنْهُ وَ قَدْ  
 مَاتَ وَلَدَهَا ثُمَّ يُعْتَقُهَا.

فرمود: عده‌اش عده زن آزادی است که همسرش می‌میرد؛ چهار ماه و ده روز.  
 پرسیدم: مردی کنیز صاحب فرزند خود را که با او آمیزش می‌کرد، آزاد می‌کند. این مرد  
 اکنون زنده است.

فرمود: عده‌اش عده زنی آزاد است که طلاق داده شده است؛ سه پاکی.  
 ۸- داوود رقی گوید: امام صادق عليه السلام در خصوص کنیز مدبّره‌ای <sup>(۱)</sup> که مولایش می‌میرد  
 فرمود: در صورتی که مولا با او آمیزش می‌کرد، عده او از روزی که مولا از دنیا می‌رود چهار  
 ماه و ده روز است.

گفته شد: مردی یک ساعت یا یک روز پیش از مرگش کنیز خود را آزاد می‌کند.  
 فرمود: این کنیز سه حیض یا سه پاکی از روزی که مولا او را آزاد کرده است عده نگه می‌دارد.  
 ۹- ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی از کنیز شخصی خود  
 صاحب فرزند شود و بعد از مرگ فرزند کنیز خود را آزاد کند، دوران عده او چه مدت است؟

۱ - مدبّره: کنیزی است که مولا به او خود می‌گوید: «هر زمان که من بمیرم، تو آزادی».

قَالَ: لَا يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ.  
 ۱۰- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ  
 كَانَتْ لَهُ أُمٌّ وَلَدٍ فَزَوَّجَهَا مِنْ رَجُلٍ فَأَوْلَدَهَا غُلَامًا ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ مَاتَ فَرَجَعْتُ إِلَيَّ  
 سَيِّدَهَا أَلَهُ أَنْ يَطَّأَهَا.  
 قَالَ: نَعْتَدُ مِنَ الزَّوْجِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ يَطَّوُّهَا بِالْمَلِكِ بِغَيْرِ نِكَاحٍ.

(۸۰)

### بَابُ الرَّجُلِ تَكُونُ عِنْدَهُ الْأَمَةُ فَيُطَلِّقُهَا ثُمَّ يَشْتَرِيهَا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ  
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.  
 أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ كَانَتْ تَحْتَهُ أَمَةٌ فَطَلَّقَهَا عَلَى السُّنَّةِ ثُمَّ بَانَتْ مِنْهُ ثُمَّ اشْتَرَاهَا بَعْدَ  
 ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

فرمود: آن کنیز نمی تواند ازدواج کند مگر بعد از سه ماه که عده او به سر آمده باشد.  
 ۱۰- وهب بن عبد ربیه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی کنیزی دارد، او را به  
 ازدواج مرد دیگری در می آورد. شوهر کنیز را صاحب یک پسر می کند، سپس می میرد.  
 پس کنیز نزد مولای خود باز می گردد. آیا مولا حق دارد با او آمیزش کند؟  
 فرمود: کنیز باید به خاطر شوهرش چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، سپس مولا بدون  
 ازدواج و با حق مالکیت با او آمیزش کند.

### بخش هشتماد

#### حکم خرید کنیز، پس از طلاق او

۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که همسر کنیزش را طلاق سنت  
 داده و کنیز از او جدا شده است. سپس پیش از آن که کنیز با مرد دیگری ازدواج کند، مرد او  
 را می خرد فرمود:

قَالَ: قَدْ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذَا أَحَلَّتْهَا آيَةٌ وَ حَرَّمَتْهَا آيَةٌ أُخْرَى وَ أَنَا نَاهٍ عَنْهَا نَفْسِي وَ وُلْدِي .

۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ حُرِّكَانَتْ تَحْتَهُ أُمَةٌ فَطَلَّقَهَا طَلَاقًا بَائِنًا ثُمَّ اشْتَرَاهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَطَّأَهَا؟

قَالَ: لَا .

قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: حَلَّ لَهُ فَرُجُهَا مِنْ أَجْلِ شِرَائِهَا وَ الْحُرِّ وَالْعَبْدُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ .

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

در این مورد امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین قضاوت نمود: آیه‌ای آن را حلال و آیه دیگری آن را حرام دانسته است و من خود و فرزندانم را از این کار نهی می‌کنم.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مرد آزادی همسر کنیزی دارد. او را طلاق باین می‌دهد. سپس او را می‌خرد؛ آیا برای مرد جایز است که با او آمیزش کند؟ فرمود: نه.

ابن ابی عمیر گوید: در روایت دیگری آمده است آمیزش با آن کنیز به جهت خریدنش برای مرد حلال است و آزاد و برده در این حکم یکسان هستند.

۳ - سماعه نظیر این روایت را با این تفاوت از امام علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش در پاسخ فرمود:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً مَمْلُوكَةً ثُمَّ طَلَّقَهَا ثُمَّ اشْتَرَاهَا بَعْدَ هَلٍ تَحِلُّ لَهُ؟  
 قَالَ: لَا، حَتَّى تُنْكَحَ زَوْجًا غَيْرَهُ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بَنِي  
 عَثْمَانَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ تَحْتَهُ أُمَةٌ فَطَلَّقَهَا تَطْلِيقَتَيْنِ ثُمَّ اشْتَرَاهَا بَعْدُ.  
 قَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْكَحَهَا حَتَّى تَتَزَوَّجَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ حَتَّى يَدْخُلَ بِهَا فِي  
 مِثْلِ مَا خَرَجَتْ مِنْهُ.

(۸۱)

## بَابُ الْمُرْتَدِّ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ؛ وَ عِدَّةٌ مِنْ  
 أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ  
 السَّابَاطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

نه، نمی تواند با او نزدیکی کند تا این که با مرد دیگری ازدواج کند.  
 ۴ - برید عجلی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که همسر کنیزش را دو بار طلاق  
 می دهد. آن گاه پس از آن او را می خرد، فرمود:  
 مرد حق ندارد با او آمیزش کند تا این که کنیز با مرد دیگری ازدواج کند و شوهر دوم با او  
 نزدیکی نماید.

## بخش هشتاد و یکم

## حکم ارتداد شوهر

۱ - عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

كُلُّ مُسْلِمٍ بَيْنَ مُسْلِمَيْنِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ جَحَدَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نُبُوَّتَهُ وَ كَذَّبَهُ، فَإِنَّ دَمَهُ مُبَاحٌ لِمَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مِنْهُ وَ امْرَأَتُهُ بَائِنَةٌ مِنْهُ يَوْمَ ارْتَدَّ وَ يُقَسَمُ مَالُهُ عَلَى وَرَثَتِهِ وَ نَعْتَدُ امْرَأَتَهُ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ إِنْ أَتَوْهُ بِهِ وَ لَا يَسْتَتِيْبُهُ.

۲- وَ عَنْهُ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُرْتَدِّ. فَقَالَ: مَنْ رَغِبَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَ قَدْ وَجِبَ قَتْلُهُ وَ بَانَ مِنْهُ امْرَأَتُهُ وَ يُقَسَمُ مَا تَرَكَ عَلَى وُلْدِهِ.

## (۸۲)

## بَابُ طَلَاقِ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ عِدَّتِهِمْ فِي الطَّلَاقِ وَ الْمَوْتِ إِذَا أَسْلَمَتِ الْمَرْأَةُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

هر مسلمانی در جمع مسلمانان از اسلام خارج شود و پیامبری پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را انکار و آن بزرگوار را تکذیب کند، به راستی که خون او برای هر کس که شنوای ادعای او بوده حلال است. در همان روزی که مرتد شده است، همسرش از او جدا و اموالش در بین وارثانش تقسیم می شود. همسرش عده و وفات نگه می دارد. اگر مرتد را نزد حاکم بیاورند باید او را بکشد و توبه اش ندهد.

۲- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره مرتد پرسیدم. فرمود: هر کس از دین اسلام روی گرداند و به احکام حضرت محمد کافر شود، با آن که در دین اسلام پرورش یافته باشد، دیگر توبه او پذیرفته نمی شود، باید او را بکشند. همسرش از او جدا می شود، و میراث او را بر فرزندانش تقسیم می کنند.

## بخش هشتماد و دوم

## حکم طلاق اهل ذمه و چگونگی عده آنها

۱- زراره گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ نَضْرَانِيَّةٍ كَانَتْ تَحْتَ نَضْرَانِيٍّ فَطَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ مِثْلُ عِدَّةِ الْمُسْلِمَةِ؟

فَقَالَ: لَا، لِأَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ مَمَالِيكٌ لِلْإِمَامِ. أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ يُؤَدُّونَهُمُ الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّي الْعَبْدُ الضَّرِيبَةَ إِلَى مَوْلَاهُ؟

قَالَ: وَمَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ فَهُوَ حُرٌّ تُطْرَحُ عَنْهُ الْجِزْيَةُ.

قُلْتُ: فَمَا عِدَّتُهَا إِنْ أَرَادَ الْمُسْلِمُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا؟

قَالَ: عِدَّتُهَا عِدَّةُ الْأَمَةِ حَيْضَتَانِ أَوْ خَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ يَوْمًا قَبْلَ أَنْ تُسَلِّمَ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنْ أَسْلَمَتْ بَعْدَ مَا طَلَّقَهَا؟

فَقَالَ: إِذَا أَسْلَمَتْ بَعْدَ مَا طَلَّقَهَا، فَإِنَّ عِدَّتَهَا عِدَّةُ الْمُسْلِمَةِ.

قُلْتُ: فَإِنْ مَاتَ عَنْهَا وَهِيَ نَضْرَانِيَّةٌ وَهُوَ نَضْرَانِيٌّ فَأَرَادَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا.

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: زنی مسیحی که شوهر مسیحی اش او را طلاق می دهد، آیا بایستی مانند زنان مسلمان عده نگه دارد؟

فرمود: نه. زیرا اهل کتاب بردگان امام هستند. آیا نمی بینی که آنان به سان برده ای که به مولای خود جزیه می پردازد، به مسلمانان جزیه می پردازند؟

فرمود: هر کدام از آنان مسلمان شود، جزیه از او ساقط می گردد.

گفتم: اگر مرد مسلمانی بخواهد با آن زن ازدواج کند، عده اش چگونه است؟

فرمود: عده اش مانند عده کنیز است؛ دو بار حیض شدن و یا چهل و پنج روز است؛ پیش از آن که مسلمان شود.

گفتم: اگر پس از طلاق اسلام بیاورد چه حکمی دارد؟

فرمود: هرگاه پس از طلاق مسلمان شود، عده اش عده زن مسلمان است.

گفتم: اگر زن و شوهر مسیحی باشند و شوهر بمیرد. پس مرد مسلمانی بخواهد با آن زن ازدواج کند (چه حکمی دارد؟)



قَالَ: لَا يَتَزَوَّجُهَا الْمُسْلِمُ حَتَّى تَعْتَدَّ مِنَ النَّصْرَانِيِّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا عِدَّةَ الْمُسْلِمَةِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا.

قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ جُعِلَتْ عِدَّتُهَا إِذَا طَلَّقَتْ عِدَّةَ الْأَمَةِ وَ جُعِلَتْ عِدَّتُهَا إِذَا مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا عِدَّةَ الْحُرَّةِ الْمُسْلِمَةِ وَ أَنْتَ تَدْكُرُ أَنَّهُمْ مَمَالِيكَ الْإِمَامِ؟  
فَقَالَ: لَيْسَ عِدَّتُهَا فِي الطَّلَاقِ مِثْلَ عِدَّتِهَا إِذَا تُوفِّيَ عَنْهَا زَوْجُهَا.  
ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْأَمَةَ وَ الْحُرَّةَ كِلْتَاهُمَا إِذَا مَاتَ عَنْهُمَا زَوْجُهُمَا سَوَاءً فِي الْعِدَّةِ إِلَّا أَنَّ الْحُرَّةَ تُجَدُّ وَ الْأَمَةُ لَا تُجَدُّ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ:  
عِدَّةُ الْعِلْجَةِ إِذَا أَسْلَمَتْ عِدَّةُ الْمُطَلَّاقَةِ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَتَزَوَّجَ غَيْرَهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ  
قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ النَّصْرَانِيَّةِ مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَ هُوَ نَصْرَانِيٌّ مَا عِدَّتُهَا؟

فرمود: مرد مسلمان نمی تواند با او ازدواج کند تا این که زن برای شوهر مسیحی خود چهار ماه و ده روز - عده زن مسلمانی که شوهرش می میرد - عده نگه دارد.  
گفتم: چگونه در صورتی که طلاق داده شود عده اش عده کنیز و در صورتی که شوهرش بمیرد عده اش عده زن آزاد مسلمان قرار داده شده است در حالی که شما بیان نمودید که آنان بردگان امام هستند؟

فرمود: عده طلاق او مانند عده وفاتش نیست.

سپس فرمود: هرگاه شوهر کنیز و زن آزاد بمیرد، در عده با هم یکسانند جز این که زن آزاد «حداد» دارد و کنیز «حداد» ندارد.

۲ - یونس گوید: حضرتش فرمود:

هرگاه زن کافری مسلمان شود، اگر بخواهد با فرد دیگری ازدواج کند؛ عده اش عده زنی است که طلاق داده شده است.

۳ - یعقوب سراج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: همسر زن مسیحی از دنیا می رود، عده اش چیست؟

قَالَ: عِدَّةُ الْحُرَّةِ الْمُسْلِمَةِ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ وَعَشْرٌ.  
 ۴- وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فِي أُمَّ وَوَلَدٍ لِنَصْرَانِيٍّ أَسْلَمَتْ أَوْ يَتَزَوَّجُهَا الْمُسْلِمُ؟  
 قَالَ: نَعَمْ وَعِدَّتُهَا مِنَ النَّصْرَانِيٍّ إِذَا أَسْلَمَتْ عِدَّةُ الْحُرَّةِ الْمَطْلُوقَةِ ثَلَاثَةٌ أَشْهُرٌ أَوْ  
 ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ، فَإِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهَا فَلْيَتَزَوَّجْهَا إِنْ شَاءَتْ.  
 تَمَّ كِتَابُ الطَّلَاقِ مِنَ «الْكَافِي» تَصْنِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ تَعَمُّدَهُ اللَّهُ  
 تَعَالَى بِرَحْمَتِهِ الْوَاسِعَةِ.  
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
 الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا دَائِمًا.  
 وَ يَتْلُوهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كِتَابُ الْعِنْتِ وَ التَّدْبِيرِ وَ الْكِتَابَةِ.

فرمود: عدّه زن آزاد مسلمان؛ چهار ماه و ده روز.

۴ - حمران گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کنیزی که از مالک نصرانی خود صاحب فرزند  
 باشد و مسلمان شود، آیا مسلمان می‌تواند با او ازدواج کند؟  
 فرمود: آری، ولی باید سه ماه و یا سه عادت ماهیانه عدّه نگه دارد. بعد از تمام شدن  
 عدّه، اگر زن تازه مسلمان مایل باشد، می‌تواند ازدواج کند.  
 پایان کتاب طلاق از کتاب نفیس «الکافی» نگارش محمد بن یعقوب کلینی - خداوند  
 او را در رحمت گسترده‌اش جای دهد - و سپاس از آن خدایی است که پرورش دهنده  
 جهانیان است و درود و سلام فراوان همیشگی بر بهترین آفریدگانش حضرت محمد  
 و خاندان پاک او.

ان شاء الله کتاب احکام بردگان در پی خواهد آمد.

# كِتَابُ الْعِتْقِ وَالتَّذْيِيرِ وَالكِتَابَةِ

---

كتاب

احكام بردگان

---

(۱)

## بَابُ مَا لَا يَجُوزُ مِلْكُهُ مِنَ الْقَرَابَاتِ

- ۱- أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ:  
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى  
 عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا مَلَكَ الرَّجُلُ وَالِدِيهِ أَوْ أُخْتَهُ أَوْ خَالَتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ عَتَّقُوا عَلَيْهِ وَ يَمْلِكُ ابْنَ أَخِيهِ  
 وَ عَمَّهُ وَ يَمْلِكُ أَخَاهُ وَ عَمَّهُ وَ خَالَه مِنَ الرِّضَاعَةِ.
- ۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 لَا يَمْلِكُ الرَّجُلُ وَالِدَهُ وَ لَا وَالِدَتَهُ وَ لَا عَمَّتَهُ وَ لَا خَالَتَهُ وَ يَمْلِكُ أَخَاهُ وَ غَيْرَهُ  
 مِنْ ذَوِي قَرَابَتِهِ مِنَ الرِّجَالِ.

## بخش یکم

## خویشاوندانی که قابل مالکیت نیستند

- ۱- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 هرگاه پدر، مادر و یا خواهر، خاله و عمه کسی برده باشند و آنان را خریداری کند  
 نمی‌تواند آنان را در ملک خود نگه دارد و به خدمت بگیرد، همه آنان، ناخواسته آزاد  
 می‌شوند. انسان می‌تواند پسر برادر و عموی خود را مالک شود و به خدمت بگیرد. هم  
 چنین می‌تواند برادر، عمو و دایی شیری خود را مالک شود و به خدمت خود نگهدارد.
- ۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 انسان نمی‌تواند پدر، مادر، عمه و خاله خود را مالک شود و به خدمت بگیرد؛ ولی  
 می‌تواند برادر و سایر خویشان ذکور خود را مالک شود و به خدمت بگیرد.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ أَسَدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ مَا تَمْلِكُ مِنْ قَرَابَتِهَا؟ قَالَ كُلُّ أَحَدٍ إِلَّا خَمْسَةً أَبَاهَا وَ أُمَّهَا وَ ابْنَتَهَا وَ زَوْجَهَا.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا مَلَكَ الرَّجُلُ وَالِدِيهِ أَوْ أُخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ عَتَّقُوا وَ يَمْلِكُ ابْنَ أَخِيهِ وَ عَمَّهُ وَ خَالَهُ وَ يَمْلِكُ أَخَاهُ وَ عَمَّهُ وَ خَالَهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ وَ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ ابْنَ جَارِيَّتِهَا. قَالَ: تُعْتَقُهُ.
- ۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۳- ابو حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنان چه افرادی از خویشان خود را مالک می‌شوند؟  
فرمود: همه خویشان خود - جز پنج دسته را: پدر، مادر، پسر، دختر و همسر خود - مالک می‌شوند.
- ۴ - عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هرگاه کسی پدر، مادر و یا خواهر، عمه و خاله خود را خریداری کند، همه آنان آزاد می‌شوند. اما اگر پسر برادر، عمو، دایی و یا برادر، عمو و دایی شیر خود را صاحب گردد می‌تواند در خدمت خود نگه دارد.
- ۵ - حلبی و ابن سنان گویند: امام صادق عليه السلام درباره زنی که به پسر کنیزش شیر می‌دهد فرمود:  
باید پسر را آزاد کند.
- ۶ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَتَّخِذُ أَبَاهُ أَوْ أُمَّهُ أَوْ أَخَاهُ أَوْ أُخْتَهُ عَبِيدًا.  
فَقَالَ: أَمَّا الْأُخْتُ فَقَدْ عَتَقْتَ حِينَ يَمْلِكُهَا، وَ أَمَّا الْأَخُ فَيَسْتَرِقُهُ وَ أَمَّا الْأَبْوَانُ  
فَقَدْ عَتَقَا حِينَ يَمْلِكُهُمَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تُرْضِعُ عَبْدَهَا أَتَتَّخِذُهُ عَبْدًا؟  
قَالَ: تُعْتِقُهُ وَ هِيَ كَارِهَةٌ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ  
وَهْبٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا يَمْلِكُ الرَّجُلُ مِنْ ذَوِي قَرَابَتِهِ.  
قَالَ: لَا يَمْلِكُ وَالِدَهُ وَ لَا وَالِدَتَهُ وَ لَا أُخْتَهُ وَ لَا ابْنَةَ أَخِيهِ وَ لَا ابْنَةَ أُخْتِهِ وَ لَا  
عَمَّتَهُ وَ لَا خَالَتَهُ، وَ يَمْلِكُ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الرِّجَالِ مِنْ ذَوِي قَرَابَتِهِ وَ لَا يَمْلِكُ  
أُمَّهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ.

از امام صادق عليه السلام درباره کسی که پدر یا مادر یا برادر یا خواهرش را به بردگی می‌گیرد  
پرسیدم:

فرمود: خواهرش همان زمان که به ملکیت خود در آمد، آزاد شد؛ ولی برادرش را  
می‌تواند برده خود کند. و پدر و مادر غیر همان وقتی که آن‌ها را تملک نمود، آزاد شدند.

پرسیدم: زنی به برده‌اش شیر می‌دهد؛ آیا می‌تواند او را برده خود قرار دهد؟

فرمود: او را آزاد می‌کند در حالی که کراهت دارد.

۷ - عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردها چه افرادی از خویشان خود را

مالک می‌شوند؟

فرمود: مردها پدر، مادر، خواهر، دختر برادر، دختر خواهر، عمه و خاله خود را مالک

نمی‌شوند، ولی سایر خویشان ذکور خود را مالک می‌شوند. انسان، مادر شیری خود را نیز

مالک نمی‌شود.

(۲)

بَابُ أَنَّهُ لَا يَكُونُ عِتْقٌ إِلَّا مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ ﷻ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَحَمَّادٍ وَابْنِ أُذَيْنَةَ وَابْنِ بُكَيْرٍ وَغَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ أَنَّهُ قَالَ: لَا عِتْقَ إِلَّا مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ ﷻ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ قَالَ: لَا عِتْقَ إِلَّا مَا طُلِبَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ ﷻ.

### بخش دوم

#### آزاد کردن برده فقط با قصد تقرب به خداوند

- ۱ - هشام بن سالم، حماد، ابن اذینه، ابن بکیر و دیگران گویند: امام صادق ﷻ فرمود: آزاد کردن برده فقط با قصد قربت خداوند انجام شود.
- ۲ - ابوبصیر نظیر این روایت را از امام صادق ﷻ نقل می‌کند.



(۳)

**بَابُ أَنَّهُ لَا عِتْقَ إِلَّا بَعْدَ مِلْكِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا طَّلَاقَ قَبْلَ نِكَاحٍ، وَلَا عِتْقَ قَبْلَ مِلْكِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا عِتْقَ إِلَّا بَعْدَ مِلْكِ.

**بخش سوم****آزادی برده فقط بعد از مالک شدن**

- ۱ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: طلاق دادن پیش از ازدواج معنا ندارد و آزاد کردن برده پیش از خریدن او معنا ندارد.
- ۲ - مسمع ابو سیار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آزاد کردن برده فقط پس از مالکیت صورت می‌گیرد.

(۴)

**بَابُ الشَّرْطِ فِي الْعِتْقِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ أَوْ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَوْصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ أَبَا نَيْزَرَ وَرَبَاحًا وَجُبَيْرًا عَتَقُوا عَلِيَّ أَنْ يَعْمَلُوا فِي الْمَالِ خَمْسَ سِنِينَ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ قَالَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَعْتَقَ جَارِيَتَهُ وَشَرَطَ عَلَيْهَا أَنْ تَخْدُمَهُ خَمْسَ سِنِينَ فَأَبَيْتَتْ ثُمَّ مَاتَ الرَّجُلُ فَوَجَدَهَا وَرَثَتَهُ أَلْهَمَ أَنْ يَسْتَخْدِمُوهَا؟ قَالَ: لَا.

**بخش چهارم****آزادی مشروط**

- ۱ - عبدالرحمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام وصیت کرد که سه تن از بردگان به نام ابو نئزر، رباح و جبیر بعد از مرگ من آزادند با این شرط که پنج سال در باغستان خرما به کار خود ادامه دهند.
- ۲ - یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی کنیز خود را آزاد کند با این شرط که پنج سال دیگر در خدمت او باشد، ولی کنیز مزبور فرار کند و مولای او نیز بمیرد، آیا در صورتی که وارثان خواهی، کنیز را بیابند حق دارند که به مدت پنج سال او را به خدمت بگیرند؟ فرمود: نه.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُعْتِقُ مَمْلُوكَهُ وَ يُزَوِّجُهُ ابْنَتَهُ وَ يَشْتَرِي عَلَيْهِ إِنْ هُوَ أَغَارَهَا أَنْ يَرُدَّهُ فِي الرِّقِّ. قَالَ: لَهُ شَرْطُهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَقُولُ لِعَبْدِهِ أَغْتَقْتُكَ عَلَيَّ أَنْ أَزَوِّجَكَ ابْنَتِي، فَإِنْ تَزَوَّجَتْ عَلَيْهَا أَوْ تَسَرَّيْتَ فَعَلَيْكَ مِائَةٌ دِينَارٍ فَأَعْتَقَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ وَ زَوْجَهُ فَتَسَرَّيْ أَوْ تَزَوَّجْ. قَالَ: لِمَوْلَاهُ عَلَيْهِ شَرْطُهُ الْأَوَّلُ.

۳- اسحاق بن عمار و دیگران گویند: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی برده خود را آزاد می‌کند و دخترش را به ازدواج او در می‌آورد و با او شرط می‌کند که اگر بر سر همسرش (دخترش) هوو بیاورد، او را به بردگی باز می‌گرداند. فرمود: مولا چنین حقی دارد.

۴- محمد بن سالم گوید: امام (صادق عليه السلام و یا امام باقر عليه السلام) درباره مردی که به غلام خود بگوید: «من تو را آزاد می‌کنم با این شرط که دختر خود را با تو تزویج کنم، و با این شرط که اگر بر سر دخترم هوو بیاوری و یا با کنیزان خود همبستر شوی صد دینار طلا بدهی و بعد برده خود را آزاد کند و دختر خود را با او تزویج کند، ولی برده آزاد شده بر خلاف شرط مولا با کنیز خود همبستر شود و یا بر سر دخترش هوو بیاورد فرمود: شرط مولا معتبر است. (برده باید صد دینار طلا بدهد)

(۵)

**بَابُ ثَوَابِ الْعِتْقِ وَ فَضْلِهِ وَ الرَّغْبَةِ فِيهِ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يُعْتِقُ الْمَمْلُوكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْتِقُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنَ النَّارِ.

قَالَ: وَ يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ بِالْعِتْقِ وَ الصَّدَقَةِ.

۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ :

**بخش پنجم****فضیلت و پاداش برده آزاد کردن**

۱- حفص بن بختری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که برده‌ای آزاد می‌کند فرمود:

خداوند متعال در مقابل هر عضو از این برده، عضوی از او را از دوزخ آزاد می‌کند.

فرمود: مستحب است که انسان در شب و روز عرفه با آزاد کردن بردگان و صدقه دادن

به خداوند تقرّب جوید.

۲- زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مَنْ أَعْتَقَ مُسْلِمًا أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنَ النَّارِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ أَعْتَقَ مُؤْمِنًا أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنَ النَّارِ، فَإِنْ كَانَتْ أَنْثَى أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوَيْنِ مِنْهَا عَضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ، لِأَنَّ الْمَرْأَةَ بِنِصْفِ الرَّجُلِ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً صَالِحَةً لَوَجْهِهِ اللَّهُ ﷻ كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ مَكَانَ كُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنَ النَّارِ.

هر کس برده مسلمانی را آزاد کند، خداوند در ازای هر عضو برده عضوی از او را از آتش آزاد می‌کند.

۳- ابو بلاد در روایت مرفوعه‌ای گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هر کس برده مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال در مقابل هر عضو برده، عضوی از او را از آتش آزاد می‌کند. اگر شخص آزاد شده، زن باشد؛ خداوند متعال در ازای هر دو عضو او یک عضو از او را از آتش آزاد می‌کند؛ زیرا که دیه زن، نصف دیه مرد است.

۴- بشیر نبال گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس برده پرهیزکاری را به خاطر خدا آزاد کند، خداوند در ازای هر عضو برده، عضوی از او را از آتش آزاد می‌کند.

(۶)

**بَابُ عِتْقِ الصَّغِيرِ وَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَ أَهْلِ الزَّمَانَاتِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام :  
وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُعْتِقُ غُلَامًا صَغِيرًا أَوْ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ مِنْ بِهِ زَمَانَةٌ وَ مَنْ لَا حِيلَةَ لَهُ .  
فَقَالَ : مَنْ أَعْتَقَ مَمْلُوكًا لَا حِيلَةَ لَهُ ، فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَعُولَهُ حَتَّى يَسْتَعْنِي عَنْهُ .  
وَ كَذَلِكَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَفْعَلُ إِذَا أَعْتَقَ الصُّغَارَ وَ مَنْ لَا حِيلَةَ لَهُ .
- ۲ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ  
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ يُعْتِقُهُ الرَّجُلُ .

**بخش ششم****حکم آزادی کودکان، پیران، معلولان**

- ۱ - ابن محبوب گوید: در نامه ای به امام رضا عليه السلام نوشتم و پرسیدم: اگر کسی غلام خود را آزاد کند و آن غلام کودک خردسال یا پیر سالخورده، یا بیمار دردمند و یا ناتوان از چاره معاش خود باشد (چه صورت دارد؟)  
فرمود: هر کس غلامی را آزاد کند که از چاره معاش خود درمانده باشد باید آن غلام را تا حد بی نیازی کفالت کند. امیرمؤمنان علی عليه السلام هر گاه کودک ناتوان و یا افراد درمانده را آزاد می کرد، چنین رفتار می کرد.
- ۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: انسان می تواند کودکان را نیز آزاد کند؟

فَقَالَ: نَعَمْ قَدْ أَعْتَقَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَانَا كَثِيرَةً.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ أَعْتَقَ النَّسَمَةَ.

فَقَالَ: أَعْتَقَ مَنْ أَعْنَى نَفْسَهُ.

(۷)

### بَابُ كِتَابِ الْعِتْقِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ غُلَامٍ أَعْتَقَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: آری، حضرت علی علیه السلام کودکان بسیاری را آزاد کرده است.

۳ - هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کسی که برده‌ای را آزاد می‌کند پرسیدم.

فرمود: کسی را آزاد کند که بی نیاز است.

### بخش هفتم

### تنظیم سند آزادی برده

۱ - محمد بن سنان گوید: برده‌ای که امام صادق علیه السلام او را آزاد کرده بود گوید: آن

حضرت سند آزادی را چنین تنظیم فرمود.

هَذَا مَا أَعْتَقَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ؛ أَعْتَقَ غُلَامَهُ السَّنْدِيَّ فَلَانًا عَلَى أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَعَلَى أَنَّهُ يُؤَالِي أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَيَتَّبِرُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَيُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَيُؤْمِنُ بِرُسُلِ اللَّهِ وَيُقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ أَعْتَقَهُ لَوْجَهُ اللَّهُ لَا يُرِيدُ بِهِ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا وَلَا يُسِّ لِحَدِّ عَلَيْهِ سَبِيلٌ إِلَّا بِخَيْرٍ. شَهِدَ فَلَانٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ قَالَ:

قَرَأْتُ عَتَقَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هُوَ شَرَحَهُ:

هَذَا مَا أَعْتَقَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَعْتَقَ فَلَانًا غُلَامَهُ لَوْجَهُ اللَّهُ لَا يُرِيدُ بِهِ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا عَلَى أَنْ يُقِيمَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَيَحُجَّ الْبَيْتَ وَيَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَيَتَّبِرُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ. شَهِدَ فَلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ ثَلَاثَةً.

این سند آزاد کردن این برده است که جعفر بن محمد انجام داده است که فلانی برده سندی را آزاد نمود؛ بنابراین که او شهادت می‌دهد که خدایی جز خداوند یگانه نیست. که شریکی ندارد، محمد بنده پروردگار و پیامبر اوست، برانگیختن حق است، بهشت حق است، دوزخ حق است، او اولیای الهی را دوست می‌دارد و از دشمنان خدا برائت می‌جوید، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌داند و به پیامبران الهی ایمان دارد و به آن چه که از نزد خداوند آمده است اقرار می‌کند. این برده را به خاطر خداوند آزاد نمود و از این کار، اراده پاداش و تشکر ندارد و هیچ کس هیچ گونه دست رسی و حق تملک بر او ندارد مگر به نیکی. فلانی گواه آزادی اوست.

۲- ابراهیم بن ابی بلاد گوید: در یک سند آزادی برده که امام صادق علیه السلام تنظیم کرده بود، چنین خواندم:

این سند برده‌ای است که جعفر بن محمد آزاد کرده است؛ آزاد کردن غلام خود فلانی را به خاطر خدا، نه به منظور پاداش غلام و یا شکرگزاری او، با این شرط که نماز به پا دارد، زکات بپردازد، به حج برود، ماه رمضان روزه بدارد، با دوستان خدا دوستی کند و از دشمنان خدا بیزار باشد. سه تن: فلانی، فلانی و فلانی. گواه آزادی او بودند.



(۸)

**بَابُ عِتْقِ وَلَدِ الزَّانَا وَ الذَّمِّيِّ وَ الْمُشْرِكِ وَ الْمُسْتَضْعَفِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْتَقَ عَبْدًا لَهُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمَ حِينَ أَعْتَقَهُ .
- ۲ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 لَا بَأْسَ بِأَنْ يُعْتَقَ وَلَدُ الزَّانَا .
- ۳ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ :  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّقَبَةُ تُعْتَقُ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ؟  
 قَالَ : نَعَمْ .

**بخش هشتم****حکم آزادی برده‌های زنازاده ، ذمی ، مشرک و مستضعف**

- ۱ - حسن بن صالح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ یک غلام نصرانی را آزاد کرد که در آن هنگام او مسلمان شد.
- ۲ - سعید بن یسار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 مانعی ندارد که غلام زنازاده را آزاد کنند.
- ۳ - حلبی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا می‌توان برده مستضعف را آزاد نمود؟  
 فرمود: آری.

(۹)

**بَابُ الْمَمْلُوكِ بَيْنَ شُرَكَاءَ يُعْتَقُ أَحَدُهُمْ نَصِيبَهُ أَوْ يَبِيعُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ بَيْنَ شُرَكَاءَ فَيُعْتَقُ أَحَدُهُمْ نَصِيبَهُ.  
قَالَ: إِنَّ ذَلِكَ فَسَادٌ عَلَى أَصْحَابِهِ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى بَيْعِهِ وَلَا مَوْاجِرَتِهِ.  
قَالَ: يُقَوِّمُ قِيمَةً فَيَجْعَلُ عَلَى الَّذِي أَعْتَقَهُ عُقُوبَةً، وَإِنَّمَا جُعِلَ ذَلِكَ عَلَيْهِ لِمَا أَفْسَدَهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلَيْنِ كَانَ بَيْنَهُمَا عَبْدٌ فَأَعْتَقَ أَحَدُهُمَا نَصِيبَهُ.

**بخش نهم****حکم آزادی و فروش برده شرکته**

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: چند نفر به صورت شریکی، برده‌ای دارند. یکی از شرکا سهم خود را آزاد می‌کند (حکمش چیست؟)  
فرمود: این عمل، ضرر زدن به شرکای دیگر است که نه می‌توانند برده را بفروشند و نه می‌توانند او را اجیر قرار دهند.  
فرمود: برده قیمت‌گذاری می‌شود و پرداخت آن عقوبتی است بر عهده کسی که برده را آزاد کرده است و به این جهت که به شرکای دیگر ضرر رسانده است.
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: دو نفر به صورت مشترک، برده‌ای دارند. یکی از آنان سهم خود را آزاد می‌کند (تکلیف چیست؟)

فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُضَارًّا كُفِّفَ أَنْ يُعْتِقَهُ كُلَّهُ وَإِلَّا اسْتُسْعِيَ الْعَبْدُ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ.  
 ۳- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ  
 أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ كَانَ شَرِيكًا فِي عَبْدٍ أَوْ أَمَةٍ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ فَأَعْتَقَ حِصَّتَهُ وَ لَهُ سَعَةٌ فَلْيَشْتَرِهِ مِنْ  
 صَاحِبِهِ فَيُعْتِقَهُ كُلَّهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ سَعَةٌ مِنْ مَالٍ نُظِرَ قِيَمَتُهُ يَوْمَ أُعْتِقَ ثُمَّ يَسْعَى  
 الْعَبْدُ بِحِسَابِ مَا بَقِيَ حَتَّى يُعْتَقَ.

۴- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عَبْدٍ كَانَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ فَحَرَّرَ أَحَدَهُمَا نَصِيبَهُ وَ هُوَ  
 صَغِيرٌ وَ أَمْسَكَ الْآخَرَ نِصْفَهُ حَتَّى كَبُرَ الَّذِي حَرَّرَ نِصْفَهُ.

قَالَ: يُقَوِّمُ قِيَمَةَ يَوْمَ حَرَّرَ الْأَوَّلَ وَ أَمْرَ الْمُحَرَّرِ أَنْ يَسْعَى فِي نِصْفِهِ الَّذِي لَمْ  
 يُحَرَّرْ حَتَّى يَفْضِيَهُ.

فرمود: اگر شخصی که سهمش را آزاد کرده، به شریک خود ضرر زده باشد، ملزم می شود که  
 جریمه را بپردازد وگرنه برده را وادار می کنند که با کار کردن، نیم دیگر خود را آزاد کند.

۳- محمد بن قیس گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس در برده یا کنیزی شریک باشد - چه سهمش کم باشد، چه زیاد - و سهم خود را  
 آزاد کند، اگر توانایی مالی دارد، باید برده را از شریک خود بخرد و به صورت کامل او را  
 آزاد کند و اگر توانایی مالی ندارد، قیمت برده را در روزی که او را آزاد کرده، در نظر گیرد،  
 سپس برده مکلف می شود به اندازه آن مقداری که آزاد شده است کار کند تا آزاد شود.

۴- محمد بن قیس گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره برده ای که از آن دو نفر بود که یکی از آنان که کوچک بود  
 سهم خود را آزاد نمود و شریک دوم سهم خود را نگه داشت تا این که شریک اول بزرگ  
 شد، چنین قضاوت نمود و فرمود:

برده به همان قیمتی که در روزی که شریک اول او را آزاد کرده، قیمت گذاری می شود و به  
 برده دستور داد که در پرداخت آن نصفی که آزاد نشده بکوشد تا این که آن را پرداخت نماید.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ بَيْنَ شُرَكَاءَ فَيُعْتَقُ أَحَدُهُمْ نَصِيبَهُ .  
فَقَالَ : هَذَا فَسَادٌ عَلَى أَصْحَابِهِ يُقَوِّمُ قِيمَةً وَ يَضْمَنُ الثَّمَنَ الَّذِي أَعْتَقَهُ ، لِأَنَّهُ  
أَفْسَدَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ .

۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ  
عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ وَرَثُوا عَبْدًا جَمِيعًا فَأَعْتَقَ بَعْضُهُمْ نَصِيبَهُ مِنْهُ  
كَيْفَ يُصْنَعُ بِالَّذِي أَعْتَقَ نَصِيبَهُ مِنْهُ ؟ هَلْ يُؤْخَذُ بِمَا بَقِيَ ؟  
قَالَ : نَعَمْ يُؤْخَذُ بِمَا بَقِيَ مِنْهُ بِقِيمَتِهِ يَوْمَ أَعْتَقَ .

۵ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر چند تن در مالکیت یک برده شریک باشند و یکی از شرکا سهم خود را آزاد کند، چه صورت دارد؟  
فرمود: آزادی یک سهم از چند سهم مایه خسارت سایرین است. سایر شرکا باید برده را قیمت بگذارند و قیمت سهام خود را از شریک خود بگیرند، چرا که خسارت از جانب او بوده است.

۶ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: گروهی به صورت اشتراکی برده‌ای را به ارث بردند. یکی از آنان سهم خود را آزاد نمود، با او چگونه رفتار شود؟ آیا مانده قیمت برده را از او می‌گیرند؟  
فرمود: آری، مانده قیمت برده را - به حساب قیمتی که در روز آزادی دارد - از او می‌گیرند.

(۱۰)

## بَابُ الْمُدَبِّرِ

- ۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُدَبِّرُ الْمَمْلُوكَ وَهُوَ حَسَنُ الْحَالِ ثُمَّ يَحْتَاجُ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَبِيعَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا احتَاجَ إِلَى ذَلِكَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُدَبِّرِ. فَقَالَ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْوَصِيَّةِ يَرْجِعُ فِيهَا وَفِيمَا شَاءَ مِنْهَا.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُدَبِّرِ أَ هُوَ مِنَ الثُّلُثِ؟

## بخش دهم

## حکم آزادی برده بعد از مرگ مولا

- ۱ - و شاء گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: کسی که تمکن مالی دارد با برده خود «مدابره»<sup>(۱)</sup> می‌کند. سپس این شخص نیازمند می‌شود. آیا اجازه دارد برده را بفروشد؟ فرمود: آری؛ در صورتی که به چنین کاری نیاز داشته باشد.
- ۲ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر مولا بگوید: برده من بعد از مرگ من آزاد است، می‌تواند از تصمیم خود منصرف شود؟ فرمود: آزادی بعد از مرگ به منزله وصیت و سفارش است. انسان می‌تواند از تمام وصیت خود و یا از برخی قسمت‌های آن منصرف شود.
- ۳ - زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برده‌ای که بعد از مرگ مولایش آزاد می‌شود از سهم ثلث او آزاد خواهد شد؟

۱ - مدابره این است که مولا به برده‌اش می‌گوید: «هرگاه من از دنیا بروم، تو آزاد خواهی بود».

- فَقَالَ: نَعَمْ وَ لِلْمَوْصِي أَنْ يَرْجِعَ فِي صِحَّةِ كَانَتْ وَ صِيَّتُهُ أَوْ مَرَضٍ .
- ۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ دَبَّرَ جَارِيَتَهُ وَ هِيَ حُبْلَى .
- فَقَالَ: إِنْ كَانَ عَلِمَ بِحُبْلِهَا فَمَا فِي بَطْنِهَا بِمَنْزِلَتِهَا، وَإِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَمَا فِي بَطْنِهَا رِقٌّ .
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ دَبَّرَتْ جَارِيَةً لَهَا فَوَلَدَتْ الْجَارِيَةُ جَارِيَةً نَفِيسَةً فَلَمْ تَعْلَمْ الْمَرْأَةُ حَالَ الْمَوْلُودَةِ مُدَبَّرَةٌ هِيَ أَوْ غَيْرُ مُدَبَّرَةٍ؟

- فرمود: آری، و مولای وصیت گزار می تواند از تصمیم خود منصرف گردد، خواه وصیت او در حال صحّت و عافیت صورت گرفته باشد و یا در حال بیماری مرگ.
- ۴- و شاء گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی با کنیزش مداره می کند در حالی که کنیز باردار است (چه حکمی دارد؟)
- فرمود: اگر مرد از بارداری کنیز باخبر باشد، جنین حکم مادرش را دارد (یعنی مداره شامل او نیز می شود) و اگر مطلع نباشد، جنین برده است.
- ۵ - عثمان بن عیسی کلابی گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: زنی وعده می دهد که کنیزش را بعد از مرگ خود آزاد کند و بعد کنیز مزبور دخترکی زیبا به دنیا می آورد، اینک این زن نمی داند که این کودک نیز باید آزاد شود یا نه؟

فَقَالَ لِي: مَتَى كَانَ الْحَمْلُ بِالْمُدَبَّرَةِ أَوْ قَبْلَ أَنْ دَبَّرْتُ أَوْ بَعْدَ مَا دَبَّرْتُ؟  
 فَقُلْتُ: لَسْتُ أَذْرِي، وَ لَكِنْ أَجِنِّي فِيهِمَا جَمِيعًا.  
 فَقَالَ: إِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ دَبَّرَتْ وَ بِهَا حَبْلٌ وَ لَمْ تَذْكُرْ مَا فِي بَطْنِهَا، فَإِنَّ الْجَارِيَةَ  
 مُدَبَّرَةٌ وَ الْوَلَدَ رِقٌّ، وَ إِنْ كَانَ إِنَّمَا حَدَثَ الْحَمْلُ بَعْدَ التَّدْبِيرِ فَالْوَلَدُ مُدَبَّرٌ فِي تَدْبِيرِ  
 أُمِّهِ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَانَ  
 بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ دَبَّرَ مَمْلُوكَتَهُ ثُمَّ زَوَّجَهَا مِنْ رَجُلٍ آخَرَ فَوَلَدَتْ  
 مِنْهُ أَوْلَادًا ثُمَّ مَاتَ زَوْجُهَا وَ تَرَكَ أَوْلَادَهُ مِنْهَا.  
 فَقَالَ: أَوْلَادُهُ مِنْهَا كَهَيْئَتِهَا فَإِذَا مَاتَ الَّذِي دَبَّرَ أُمَّهُمْ فَهُمْ أَحْرَارٌ.  
 قُلْتُ لَهُ: أَيْ جُوزُ لِلَّذِي دَبَّرَ أُمَّهُمْ أَنْ يَرُدَّ فِي تَدْبِيرِهِ إِذَا احتَاجَ؟  
 قَالَ: نَعَمْ.

فرمود: آبستنی در چه تاریخی صورت گرفته؟ آیا پیش از وعده آزادی بوده یا بعد از آن؟  
 عرض کردم: تاریخ آن را نمی دانم. شما پاسخ هر دو صورت را بیان کنید.  
 فرمود: اگر هنگام وعده آزادی کنیز او آبستن بوده وزن نامی از کودک او نبرده باشد، کنیز  
 بعد از مرگ زن آزاد می شود و کودک او آزاد نمی شود، و اگر آبستنی بعد از وعده آزادی  
 صورت گرفته باشد، کودک نیز به همراه مادرش آزاد می شود.

۶- ابان بن تغلب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی وعده می دهد که کنیزش را  
 بعد از مرگ خود آزاد کند سپس او را با مردی تزویج می کند و کنیز از شوهر خود صاحب  
 فرزندان متعددی می شود، اینک که شوهر آن کنیز از دنیا رفته است (تکلیف فرزندان او  
 چه خواهد بود؟)

فرمود: فرزندان کنیز در حکم مادرشان خواهند بود و هر گاه مولای کنیز بمیرد و  
 مادرشان آزاد شود، فرزندان او نیز آزاد می شوند.  
 عرض کردم: آیا مولای کنیز که مادر کودکان را بعد از مرگ خود آزاد کرده می تواند به  
 جهت احتیاج، از آزادی آنان منصرف شود؟  
 فرمود: آری.

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ مَاتَتْ أُمُّهُمْ بَعْدَ مَا مَاتَ الزَّوْجُ وَبَقِيَ أَوْلَادُهَا مِنَ الزَّوْجِ الْحُرِّ  
 أَيُجُوزُ لِسَيِّدِهَا أَنْ يَبِيعَ أَوْلَادَهَا وَأَنْ يَرْجِعَ عَلَيْهِمْ فِي التَّدْبِيرِ؟  
 قَالَ: لَا، إِنَّمَا كَانَ لَهُ أَنْ يَرْجِعَ فِي تَدْبِيرِ أُمِّهِمْ إِذَا احتَاجَ وَرَضِيَتْ هِيَ بِذَلِكَ.  
 ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ  
 أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 الْمُدَبِّرُ مَمْلُوكٌ وَلِمَوْلَاهُ أَنْ يَرْجِعَ فِي تَدْبِيرِهِ إِنْ شَاءَ بَاعَهُ وَإِنْ شَاءَ وَهَبَهُ وَإِنْ  
 شَاءَ أَمَّهَرَهُ.

قَالَ: وَإِنْ تَرَكَهُ سَيِّدُهُ عَلَى التَّدْبِيرِ وَلَمْ يُحْدِثْ فِيهِ حَدَثًا حَتَّى يَمُوتَ سَيِّدُهُ  
 فَإِنَّ الْمُدَبِّرَ حُرًّا إِذَا مَاتَ سَيِّدُهُ وَهُوَ مِنَ الثَّلَاثِ، إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ رَجُلٍ أَوْصَى بِوَصِيَّةٍ  
 ثُمَّ بَدَأَ لَهُ بَعْدَ فَعْيَرِهَا مِنْ قَبْلِ مَوْتِهِ وَإِنْ هُوَ تَرَكَهَا وَلَمْ يُعَيِّرْهَا حَتَّى يَمُوتَ أُخِذَ  
 بِهَا.

عرض کردم: اگر مادر فرزندان نیز بعد از مرگ شوهرش بمیرد و فرزندان او از شوهر آزاده  
 بمانند، آیا مولای کنیز می‌تواند فرزندان او را بفروشد و از آزادی آنان منصرف شود؟  
 فرمود: نه، مولای کنیز در صورتی می‌توانست از وعده آزادی کنیزش منصرف شود  
 نیازمند فروش او باشد و کنیز نیز رضایت بدهد.

۷ - ابوبصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

برده مدبر که تحت مالکیت است و مولا حق دارد که از مدابره برگردد و آن را فسخ کند  
 اگر بخواهد او را می‌فروشد و اگر بخواهد او را به دیگران می‌بخشد و اگر بخواهد نگه می‌دارد.  
 فرمود: اگر مولا او را به همان صورت مدابره رها کند و در مدابره تغییری ایجاد نکند تا  
 این که از دنیا برود، پس زمانی که مولا بمیرد، مدبر آزاد است. و مدبر از «ثلث» است.  
 مولایی که مدابره می‌کند، به منزله کسی است که وصیتی می‌کند و پس از آن تصمیم‌اش  
 عوض می‌شود و پیش از مرگش وصیت خود را تغییر می‌دهد و اگر وصیت اول را همان  
 طور واگذارد و تغییرش ندهد تا این که بمیرد، به همان وصیت عمل می‌شود.



- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ بَرِيدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ دَبَّرَ مَمْلُوكًا لَهُ تَاجِرًا مُوسِرًا فَاشْتَرَى الْمُدَبِّرُ جَارِيَةً بِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَوَلَدَتْ مِنْهُ أَوْلَادًا. ثُمَّ إِنَّ الْمُدَبِّرَ مَاتَ قَبْلَ سَيِّدِهِ.  
قَالَ: فَقَالَ: أَرَى أَنَّ جَمِيعَ مَا تَرَكَ الْمُدَبِّرُ مِنْ مَالٍ أَوْ مَتَاعٍ فَهُوَ لِلَّذِي دَبَّرَهُ وَ أَرَى أَنَّ أُمَّ وَوَلَدِهِ لِلَّذِي دَبَّرَهُ وَ أَرَى أَنَّ وُلْدَهَا مُدَبَّرُونَ كَهَيْئَةِ أَبِيهِمْ، فَإِذَا مَاتَ الَّذِي دَبَّرَ أَبَاهُمْ فَهُمْ أَحْرَارٌ.
- ۹- وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ دَبَّرَ مَمْلُوكًا لَهُ ثُمَّ احتَاجَ إِلَى تَمَنِيهِ.  
فَقَالَ: هُوَ مَمْلُوكُهُ إِنْ شَاءَ بَاعَهُ وَإِنْ شَاءَ أَعْتَقَهُ، وَإِنْ شَاءَ أَمْسَكَهُ حَتَّى يَمُوتَ، فَإِذَا مَاتَ السَّيِّدُ فَهُوَ حُرٌّ مِنْ ثَلَاثِهِ.

- ۸- معاویة بن عجلی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی غلام خود را که تاجر ثروتمندی شده بعد از مرگ خود آزاد می‌کند و غلام به دستور مولایش کنیز می‌خرد و از آن کنیز صاحب فرزندان متعدد می‌شود. اتفاقاً غلام مزبور پیش از مولای خود مرده است. اینک (تکلیف میراث او چیست؟)  
فرمود: به نظر من تمام ثروت آن غلام با اثاث زندگی به مولایش می‌رسد و کنیز او - مادر فرزندانش - نیز به مولای او می‌رسد. به نظر من فرزندان او نیز مانند پدرشان وعده آزادی دارند و هرگاه خواجه آنان بمیرد آزاد می‌شوند.
- ۹- محمد بن مسلم گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: اگر مولا بگوید: برده من بعد از مرگ من آزاد خواهد بود. در صورتی که به قیمت آن نیازی پیدا کند (آیا می‌تواند او را بفروشد و نیاز خود را مرتفع بسازد؟)  
فرمود: چنین برده‌ای باز هم برده اوست. اگر مولا بخواهد او را می‌فروشد و اگر نخواهد بدون قید و شرط آزادش می‌کند، یا با همان وعده آزادی در اختیار خود نگه می‌دارد. هرگاه که مولایش بمیرد، آن برده از سهم یک سوم مولا آزاد است.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ فِي الْمُدَبَّرِ وَالْمُدَبَّرَةِ:

يُبَاعَانِ يَبِيعُهُمَا صَاحِبُهُمَا فِي حَيَاتِهِ فَإِذَا مَاتَ فَقَدْ عَتَقَا، لِأَنَّ التَّدْبِيرَ عِدَّةٌ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ وَاجِبٍ، فَإِذَا مَاتَ كَانَ الْمُدَبَّرُ مِنَ ثُلُثِهِ الَّذِي يَتْرُكُ وَ فَرَجُهَا حَلَالٌ لِمَوْلَاهَا الَّذِي دَبَّرَهَا وَ لِلْمُشْتَرِي إِذَا اشْتَرَاهَا حَلَالٌ بِشِرَائِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ.

(۱۱)

### بَابُ الْمَكَاتِبِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنِّي كَاتَبْتُ جَارِيَةً لِأَيْتَامٍ لَنَا وَ اشْتَرَطْتُ عَلَيْهَا إِنْ هِيَ عَجَزَتْ فَهِيَ رَدٌّ فِي الرِّقِّ وَ أَنَا فِي حِلٍّ مِمَّا أَخَذْتُ مِنْكَ.

۱۰ - یونس دربارہ بردہ مدبرہ و کنیز مدبرہ گوید:

مولا می تواند آنان را در زمان حیات خود بفروشد. پس هرگاه از دنیا برود، آنان آزاد می گردند؛ زیرا مدابره «عدّه» است و چیز واجبی نیست. پس هرگاه مولا بمیرد، مدبره از ثلث اموال او که - کاری با آن ندارند - محسوب می شود. و «فرج» کنیز برای مولایش که با او مدابره کرده است، حلال است و برای مشتری - هرگاه پیش از مرگ مولا کنیز را از او بخرد - نیز حلال است.

### بخش یازدهم

#### کتابت باز خرید آزادی

۱ - معاویة بن وهب گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من به کنیزی متعلق به ایتم خانواده سند دادم که آزادی خود را خریداری کند و شرط کردم که اگر در موعد مقرر از پرداخت بها عاجز و درمانده شود به حال بردگی باز گردد و پرداختی او بر من حلال باشد. (این معامله چه صورت دارد؟)

قَالَ: فَقَالَ لِي: لَكَ شَرْطُكَ وَ سَيَقَالُ لَكَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: «يُعْتَقُ مِنْ  
الْمُكَاتِبِ بِقَدْرِ مَا أَدَّى مِنْ مُكَاتِبَتِهِ» فَقُلْتُ: إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ  
الشَّرْطِ فَلَمَّا اشْتَرَطَ النَّاسُ كَانَ لَهُمْ شَرْطُهُمْ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَمَا حَدُّ الْعَجْزِ؟

فَقَالَ: إِنَّ قُضَائِنَا يَقُولُونَ: إِنَّ عَجْزَ الْمُكَاتِبِ أَنْ يُؤَخَّرَ النَّجْمَ إِلَى النَّجْمِ الْآخِرِ وَ  
حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

قُلْتُ: فَمَاذَا تَقُولُ أَنْتَ؟

قَالَ: لَا وَ لَا كَرَامَةً، لَيْسَ لَهُ أَنْ يُؤَخَّرَ نَجْمًا عَنْ أَجَلِهِ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي شَرْطِهِ.

۲- ابن محبوب عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال:  
المكاتب لا يجوز له عتق ولا هبة ولا نكاح ولا شهادة ولا حج حتى يؤدِّي  
جميع ما عليه إذا كان مؤلاؤه قد شرطوا عليه إن هو عجز عن نجم من نجومه فهو ردُّ  
في الرق.

فرمود: می توانی شرط خود را اعمال کنی؛ ولی مردم به تو خواهند گفت: حضرت  
علی علیه السلام می فرمود که بردگان به میزان وجهی که پرداخت می کنند آزادی خود را به دست  
می آورند. تو در پاسخ آنان بگو: این فتوای حضرت علی علیه السلام برای آن دورانی است که مردم  
به بردگان خود سند می دادند و شرطی در میان نمی نهادند. اینک که مردم با بردگان خود  
شرط می گذارند، شرط آنان معتبر خواهد بود.

عرض کردم: حد درماندگی چیست؟

فرمود: قاضی های ما می گویند: در صورتی که برده قسط خود را به تأخیر بیندازد و تا  
آخر سال نتواند جبران کند، عاجز و درمانده اعلام می شود.

عرض کردم: رأی شما چیست؟

فرمود: نه، تعارفی در میان نیست. برده حق ندارد قسط خود را عقب بیندازد، در  
صورتی که مقتضای شرط او چنین باشد.

۲- ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

مکاتب<sup>(۱)</sup> حق برده آزاد کردن، بخشش، ازدواج، شهادت دادن و حج انجام دادن را  
ندارد تا این که تمام مبلغ را بپردازد (البته) در صورتی که مولا با او شرط کرده باشد اگر برده  
از پرداخت یکی از قسط های خود عاجز شود، به بردگی باز خواهد گشت.

۱- مکاتب برده ای است که مولا با او قرارداد می بندد تا آزادی او را خریداری کند.

۳- ابن محبوب عن عمربن یزید عن برید العجلی قال: سألته عن رجل كاتب عبدا له على ألف درهم ولم يشترط عليه حين كاتبه إن هو عجز عن مكاتبته فهو رد في الرق، وإن المكاتب أدى إلى مولاه خمسمائة درهم ثم مات المكاتب وترك مالا وترك ابنا له مدركا.

فقال: نصف ما ترك المكاتب من شيء، فإنه لمولاه الذي كاتبه و النصف الباقي لابن المكاتب، لأن المكاتب مات و نصفه حر و نصفه عبد للذي كاتبه فابن المكاتب كهية أبيه نصفه حر و نصفه عبد، فإن أدى إلى الذي كاتب أباه ما بقي على أبيه فهو حر لا سبيل لأحد من الناس عليه.

۴- علي بن إبراهيم عن أبيه عن عمرو بن عثمان عن الحسين بن خالد عن الصادق عليه السلام قال:

سئل عن رجل كاتب أمة له فقالت الأمة: ما أدت من مكاتبتني فأنا به حرة على حساب ذلك. فقال لها: نعم، فأدت بعض مكاتبتها و جامعها مولاه بعد ذلك.

۳- برید عجلی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مولا به غلام خود سند می دهد که با پرداخت هزار درهم آزاد باشد و شرط نمی کند که اگر از پرداخت مبلغ عاجز و درمانده شد به بردگی بازگردد، با این قرار غلام مزبور پانصد درهم به مولای خود می پردازد و بعد از دنیا می رود و یک پسر با مقداری ثروت از خود به جا می گذارد (تکلیف آنان چیست؟) فرمود: آن چه از غلام مزبور به جا مانده باشد، نیم آن به مولایش می رسد نیم دیگر آن به فرزندش، چون یک نیمه غلام، در هنگام مرگ، آزاد بوده و نیمه دیگر آن برده و از این رو یک نیمه فرزند نیز مانند پدرش آزاد است و نیمه دیگر آن برده خواهد بود. اگر این فرزند مابقی سند را به مولایش پردازد به کلی آزاد می شود و کسی بر او حقی ندارد.

۴- حسین بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: اگر مولا در مقابل مبلغی به کنیز خود سند آزادی بدهد و کنیز بگوید: با این شرط که آزادی خود را به مقیاس اقساط پرداخت شده بازیابم و مولا بگوید: آری، و بعد از آن که چند قسط خود را پردازد، مولا با او همبستر شود (تکلیف آنان چیست؟)

فَقَالَ: إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا عَلَى ذَلِكَ ضُرِبَ مِنَ الْحَدِّ بِقَدْرِ مَا أَدَّتْ مِنْ مَكَاتِبِهَا،  
وَ دُرِيَ عَنْهُ مِنَ الْحَدِّ بِقَدْرِ مَا بَقِيَ لَهُ مِنْ مَكَاتِبِهَا وَإِنْ كَانَتْ تَابَعْتُهُ فَهِيَ شَرِيكَتُهُ  
فِي الْحَدِّ تُضْرَبُ مِثْلَ مَا يُضْرَبُ.

۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ عَمْرٍ  
أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَكَاتِبِ.  
قَالَ: يَجُوزُ عَلَيْهِ مَا شَرَطْتَ عَلَيْهِ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يُحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ  
رَزِينٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
إِنَّ الْمَكَاتِبَ إِذَا أَدَّى شَيْئًا أُعْتِقَ بِقَدْرِ مَا أَدَّى إِلَّا أَنْ يَشْتَرِطَ مَوْلِيهِ إِنْ هُوَ عَجَزَ  
فَهُوَ مَرْدُودٌ فَلَهُمْ شَرْطُهُمْ.

فرمود: اگر مولا کنیز خود را مجبور به این کار کرده باشد به مقیاس اقساط پرداخت  
شده، حد زنا بر او جاری می‌شود و به مقیاس اقساط مانده از حد زنا کاسته می‌گردد و اگر  
کنیز نیز تمایل نشان داده باشد، به همان مقیاس، حد زنا بر او جاری خواهد شد.

۵- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره برده مکاتب پرسیدم.

فرمود: هر آن چه که بر او شرط کنی، بر او لازم می‌شود.

۶- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

برده‌ای که از مولای خود سند آزادی می‌گیرد به میزانی که اقساط سند را پرداخت کند  
آزادی خود را به دست می‌آورد، جز در صورتی که مولایش بگوید: اگر از پرداخت همه  
اقساط درمانده شوی باز هم برده خواهی بود، که اگر درمانده شود مولا می‌تواند با استناد  
شرط مزبور، مانند سابق او را در خدمت خود نگه دارد و سند آزادی را ابطال کند.

۷- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: ﴿وَآتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾.

قَالَ: الَّذِي أَضْمَرْتَ أَنْ تُكَاتِبَهُ عَلَيْهِ لَا تَقُولُ: أُكَاتِبُهُ بِخَمْسَةِ آلَافٍ وَ أَتْرُكُ لَهُ أَلْفًا.

وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الَّذِي أَضْمَرْتَ عَلَيْهِ فَأَعْطِهِ.

وَ عَنْ قَوْلِهِ عَلَيْكُمْ: ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾.

قَالَ: الْخَيْرُ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ عِنْدَهُ مَالًا.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ

وَهْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَكَاتِبَةٍ أَدَّتْ ثُلْثِي مَكَاتِبَتِهَا وَ قَدْ شُرِطَ عَلَيْهَا إِنْ

عَجَزَتْ فَهِيَ رَدُّ فِي الرَّقِّ وَ نَحْنُ فِي حِلٍّ مِمَّا أَخَذْنَا مِنْهَا وَ قَدْ اجْتَمَعَ عَلَيْهَا

نَجْمَانِ؟

قَالَ: تُرَدُّ وَ تَطْيَبُ لَهُمْ مَا أَخَذُوا مِنْهَا.

۷- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) پرسیدم: خداوند متعال

می فرماید: «و به آنان از مالی که خدا به شما عطا کرده عطا کنید» (چگونه باید عطا کنند؟)

فرمود: مبلغی که برای آزادی او در نظر گرفته‌ای، سند را امضا کن و بعد از آن از مال خود

مبلغی به آنان عطا نما و نه آن که بگویی: سند آزادی را به مبلغ پنج هزار درهم می نویسم و

هزار درهم آن را کسر می کنم.

پرسیدم: خداوند می فرماید: «اگر خیری در آنان سراغ دارید، با آنان سند آزادی امضا

کنید». (منظور از خیر چیست دارد؟)

فرمود: اگر دانستی که مالی ذخیره دارد همان خیر است.

۸- معاویه بن وهب گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کنیزی از بهای آزادی خود دو

سوم آن را پرداخته، اما مولا در سند آزادی او شرط کرده که در صورت درماندگی به بردگی

باز گردد و مبلغ دریافتی بر او حلال باشد. اینک که دو قسط سند تأخیر افتاده است، آیا

مولای او می تواند سند آزادی او را ابطال کند؟

فرمود: سند ابطال می شود و کنیز مزبور به بردگی باز می گردد و مبلغ دریافتی بر مولای

او حلال و پاکیزه خواهد بود.

وَ قَالَ: لَيْسَ لَهَا أَنْ تُؤَخَّرَ النَّجْمَ بَعْدَ حَلِّهِ شَهْرًا وَاحِدًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الْمَكَاتِبِ إِذَا أَدَّى بَعْضَ مَكَاتِبَتِهِ فَقَالَ: إِنَّ النَّاسَ كَانُوا لَا يَشْتَرُطُونَ وَ هُمْ الْيَوْمَ يَشْتَرُطُونَ وَ الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ، فَإِنْ كَانَ شُرْطَ عَلَيْهِ أَنَّهُ إِنْ عَجَزَ رَجَعَ وَ إِنْ لَمْ يُشْتَرِطْ عَلَيْهِ لَمْ يَرْجِعْ. وَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾.

قَالَ: كَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ أَنَّ لَهُمْ مَالًا.

قَالَ: وَ قَالَ فِي الْمَكَاتِبِ يَشْتَرِطُ عَلَيْهِ مَوْلَاهُ أَنْ لَا يَتَزَوَّجَ إِلَّا بِإِذْنٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤَدِّيَ مَكَاتِبَتَهُ قَالَ:

يَنْبَغِي لَهُ أَنْ لَا يَتَزَوَّجَ إِلَّا بِإِذْنٍ مِنْهُ، فَإِنَّ لَهُ شُرْطَهُ.

و فرمود: این کنیز نمی تواند حتی یک قسط خود را عقب بیندازد مگر با اجازه مولای خود.

۹ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره برده مکاتبی که بخشی از حق آزادی خود را پرداخته است فرمود:

اهل سنت قبلا در مکاتبه شرط نمی گذاشتند؛ ولی اکنون شرط می گذارند و مسلمانان بر شرطشان پایدارند. پس اگر مولا بر برده شرط کند که اگر از پرداخت حق آزادی عاجز شود، به بردگی باز می گردد پس باید بازگردد و اگر بر او شرط نکرده باشد، باز نخواهد گشت. حلبی گوید: و درباره گفتار خداوند که می فرماید: «اگر خیری در مال سراغ دارید به آنان سند آزادی امضا کنید» پرسیدم.

فرمود: با آنان مکاتبه کنید اگر بدانید دارای مال و اموالی هستند.

گوید: آن حضرت درباره مکاتبی که مولا با او شرط می کند فقط با اجازه او ازدواج کند تا این که حق آزادی خود را بپردازد فرمود:

شایسته است که فقط با اجازه مولای خود ازدواج کند؛ زیرا مولا چنین حقی دارد.

۱۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عليه السلام: ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾.

قَالَ: إِنْ عَلِمْتُمْ لَهُمْ مَالًا وَدِينًا.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَبْدِ يُكَاتِبُهُ مَوْلَاهُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ قَلِيلًا وَكَثِيرًا.

قَالَ: يُكَاتِبُهُ وَ لَوْ كَانَ يَسْأَلُ النَّاسَ وَ لَا يَمْنَعُهُ الْمَكَاتِبَةَ مِنْ أَجْلِ أَنْ لَيْسَ لَهُ مَالٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ الْعِبَادَ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ. وَ الْمُؤْمِنُ مُعَانٌ وَ يُقَالُ: وَ الْمُحْسِنُ مُعَانٌ.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ

وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ كَاتَبَ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ لَهُ أُمَّةٌ وَ قَدْ شُرِطَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَزَوَّجَ فَأَعْتَقَ الْأُمَّةَ وَ تَزَوَّجَهَا.

۱۰- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «اگر خیری در آنان سراغ دارید، با آنان سند آزادی امضا کنید» فرمود:

اگر بدانید که توان مالی و دین و ایمان دارند با آنان سند آزادی امضا کنید.

۱۱- سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی با برده خود قرار داد می بندد در حالی که می داند برده نه اموال کمی دارد و نه زیاد اموالی (چه حکمی دارد؟)

فرمود: می تواند با او قرار داد ببندد؛ گرچه برده از مردم گدایی کند (تا حق آزادی خود را بپردازد) و این که برده مالی ندارد؛ مانعی نیست که مولا را از مکاتبه منع کند؛ زیرا خداوند روزی برخی از بندگان را توسط دیگران می دهد. و «مؤمن، یاری می شود» و هم چنین گفته می شود: «و شخص نیکوکار، یاری می شود».

۱۲- معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: غلامی کنیز شخصی دارد و با مولای خود سند امضا می کند که با پرداخت بها، جان و مال او آزاد گردد، با آن که مولایش شرط نهاده که ازدواج ننماید، این غلام کنیز خود را آزاد کرده و با او ازدواج نموده است (چه حکمی دارد؟)



قَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يُحْدِثَ فِي مَالِهِ إِلَّا أَكَلَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَنِكَاحَهُ فَاسِيدٌ مَرْدُودٌ.  
 قِيلَ: فَإِنَّ سَيِّدَهُ عَلِمَ بِنِكَاحِهِ وَ لَمْ يَقُلْ شَيْئاً.  
 قَالَ: إِذَا صَمَتَ حِينَ يَعْلَمُ ذَلِكَ فَقَدْ أَقْرَأَ.  
 قِيلَ: فَإِنَّ الْمُكَاتَبَ عَتَقَ أَفْتَرَى أَنْ يُجَدِّدَ النِّكَاحَ أَوْ يَمْضِيَ عَلَى النِّكَاحِ  
 الْأَوَّلِ؟

قَالَ: يَمْضِي عَلَى نِكَاحِهِ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ  
 عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ لَهُ أَبُو مَمْلُوكٍ وَ كَانَتْ لِأَبِيهِ امْرَأَةٌ مُكَاتَبَةٌ قَدْ أَدَّتْ بَعْضَ مَا  
 عَلَيْهَا.

فَقَالَ لَهَا ابْنُ الْعَبْدِ: هَلْ لَكَ أَنْ أُعِينَكَ فِي مُكَاتَبَتِكَ حَتَّى تُؤَدِّيَ مَا عَلَيْكَ بِشَرْطٍ  
 أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ الْخِيَارُ عَلَى أَبِي إِذَا أَنْتِ مَلَكَتِ نَفْسَكَ؟

فرمود: این غلام حق ندارد در اموال خود تصرف کند جز مصرف خوراک و از این رو  
 ازدواج او باطل و مردود است.

عرض کردند: مولا از نکاح غلام خود آگاه شده و اعتراضی نکرده است.

فرمود: اگر مولا بعد از علم و آگاهی ساکت مانده باشد، سکوت او به منزله امضای  
 ازدواج خواهد بود.

عرض کردند: اکنون که آن غلام آزاد شده، آیا به نظر شما عقد ازدواج خود را تجدید  
 کند یا بر ازدواج قبلی خود بماند؟

فرمود: باید بر ازدواج قبلی خود باقی بماند.

۱۳ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: پدر شخصی برده است، همسر  
 همین پدر کنیزی است که آزادی خود را خریده و چند قسط آن را پرداخته است. پسر این  
 برده به زن پدر خود می گوید: آیا دوست داری که در پرداخت اقساط آزادی یاریت دهم با  
 این شرط که بعد از تحصیل آزادی حقی به رد و قبول شوهرت نداشته باشی؟

قَالَتْ: نَعَمْ، فَأَعْطَاهَا فِي مَكَاتِبِهَا عَلَى أَنْ لَا يَكُونَ لَهَا الْخِيَارُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا مَلَكَ.  
 قَالَ: لَا يَكُونُ لَهَا الْخِيَارُ؛ الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ.  
 ۱۴- وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَعْتَقَ نِصْفَ جَارِيَتِهِ ثُمَّ إِنَّهُ كَاتَبَهَا عَلَى النِّصْفِ  
 الْآخَرَ بَعْدَ ذَلِكَ.  
 قَالَ: فَقَالَ: فَلْيَشْتَرِطْ عَلَيْهَا أَنَّهَا إِنْ عَجَزَتْ عَنْ نُجُومِهَا، فَإِنَّهَا تُرَدُّ فِي الرَّقِّ فِي  
 نِصْفِ رَقَبَتِهَا.  
 قَالَ: فَإِنْ شَاءَ كَانَ لَهُ فِي الْخِدْمَةِ يَوْمٌ وَ لَهَا يَوْمٌ وَإِنْ لَمْ يُكَاتِبْهَا.  
 قُلْتُ: فَلَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ فِي تِلْكَ الْحَالِ؟  
 قَالَ: لَا حَتَّى تُؤَدِّيَ جَمِيعَ مَا عَلَيْهَا فِي نِصْفِ رَقَبَتِهَا.  
 ۱۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ  
 أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

آن کنیز گفت: آری. فرزند به زن پدر خود یاری کرد با همین شرط که از حق انتخاب  
 خود بگذرد، (این معامله چه صورت دارد؟)  
 فرمود: کنیز بر آن اختیار ندارد؛ مسلمانان در برابر شرط خود وفادار می مانند.  
 ۱۴- ابو بصیر گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مولا، نیمی از کنیز خود را آزاد می کند و بعد  
 برای آزادی آن نیم دیگر سندی تنظیم می کند.  
 فرمود: می تواند شرط کند که اگر از پرداخت اقساط خود عاجز و درمانده شد، مجدداً  
 یک نیمه او به بردگی باز گردد.  
 فرمود: و اگر مولا نخواهد برای آزادی کنیزش سند تنظیم کند، می تواند یک روز در میان  
 او را به خدمت خود نگهدارد.  
 عرض کردم: اگر سند تنظیم کند، کنیزش می تواند شوهر بگیرد؟  
 فرمود: نه، تا اقساط آزادی خود را به طور کامل نپردازد حق ازدواج ندارد.  
 ۱۵- علی بن جعفر عليه السلام گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَاتَبَ مَمْلُوكَهُ . فَقَالَ : بَعْدَ مَا كَاتَبَهُ هَبْ لِي بَعْضًا وَاعْجَلْ لَكَ مَا كَانَ مُكَاتَبَتِي أَيْجَلُ ذَلِكَ ؟

قَالَ : إِذَا كَانَ هِبَةً فَلَا بَأْسَ وَإِنْ قَالَ : حُطَّ عَنِّي وَاعْجَلْ لَكَ فَلَا يَصْلُحُ .

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِي مُكَاتَبَةٍ يَطُورُهَا مَوْلَاهَا فَتَحْمِلُ .

قَالَ : يَرُدُّ عَلَيْهَا مَهْرَ مِثْلِهَا وَتَسْعَى فِي قِيمَتِهَا ، فَإِنْ عَجَزَتْ فَهِيَ مِنْ أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ .

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ

الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى : ﴿ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ﴾ .

قَالَ : تَضَعُ عَنْهُ مِنْ نُجُومِهِ الَّتِي لَمْ تَكُنْ تُرِيدُ أَنْ تَنْقُصَهُ مِنْهَا وَ لَا تَزِيدُ فَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ .

از برادر امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی با برده‌اش مکاتبه می‌کند. برده پس از مکاتبه می‌گوید: «مقداری از حق مکاتبه را به من ببخش و من در پرداخت بقیه حق مکاتبه تعجیل خواهم کرد». آیا چنین قراردادی جایز است؟

فرمود: هرگاه هبه و بخشش باشد، ایرادی ندارد و اگر بگوید: «مقداری از آن را از من ساقط کن و من تعجیل خواهم نمود»؛ صلاح نخواهد بود.

۱۶ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام درباره کتیز مکاتبه‌ای که مولا با او نزدیکی می‌کند و کتیز باردار می‌شود فرمود:

مولا باید همانند مهریه‌ای که زنان هم شأن او دارند (مهر المثل) را به او بپردازد و کتیز سعی کند با کار کردن قیمت خود را بپردازد. پس اگر نتوانست، از کتیزان فرزندان محسوب می‌شود.

۱۷ - علاء بن فضیل گوید: امام صادق عليه السلام درباره آیه: «اگر در آنان خیری سراغ دارید با

آنان سند آزادی امضا کنید و از آن اموالی که خداوند به شما عطا کرده به آنان عطا کنید» فرمود: از قسط‌های برده، آن قسطی را حذف کن که قصد نداشتی از آن کمتر باشد و بیشتر از آن چه که در نظر داری حذف کنی، حذف نکن.

فَقُلْتُ: كَمْ؟

فَقَالَ: وَضَعَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَمْلُوكِهِ أَلْفًا مِنْ سِتَّةِ آلَافٍ.

(۱۲)

### بَابُ الْمَمْلُوكِ إِذَا عَمِيَ أَوْ جُذِمَ أَوْ نُكِّلَ بِهِ فَهُوَ حُرٌّ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ عَبْدٍ مُتَّلٍ بِهِ فَهُوَ حُرٌّ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا عَمِيَ الْمَمْلُوكُ فَلَا رِقَّ عَلَيْهِ وَ الْعَبْدُ إِذَا جُذِمَ فَلَا رِقَّ عَلَيْهِ.

عرض کردم: چه مقدار؟

فرمود: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از عهده برده خود مبلغ هزار را از شش هزار حذف کرد.

### بخش دوازدهم

برده‌ای نابینا شد، یا جذام گرفت، و یا شکنجه داده شده، آزاد خواهد شد

۱ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر برده‌ای که مثله شده و یکی از اعضایش بریده شود، همان موجب آزادی او خواهد بود.

۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هرگاه برده نابینا شود، دیگر از بردگی آزاد خواهد بود و هرگاه برده‌ای دچار جذام گردد

نیز دیگر در بردگی نخواهد بود.

- ۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا عَمِيَ الْمَمْلُوكُ أَعْتَقَهُ صَاحِبُهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يُمَسِكَهُ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا عَمِيَ الْمَمْلُوكُ فَقَدْ عَتَقَ.

(۱۳)

### بَابُ الْمَمْلُوكِ يُعْتَقُ وَ لَهُ مَالٌ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

- 
- ۳- اسماعیل جعفی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هرگاه برده نابینا گردد، مولا باید او را آزاد کند و حق ندارد او را نگه دارد.
- ۴- حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: اگر برده‌ای نابینا گردد آزاد می‌شود.

### بخش سیزدهم

### آزادی برده با اندوخته مالی

- ۱- عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ أَرَادَ أَنْ يُعْتِقَ مَمْلُوكًا لَهُ وَ قَدْ كَانَ مَوْلَاهُ يَأْخُذُ مِنْهُ ضَرِيْبَةً فَرَضَهَا عَلَيْهِ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَرَضِيْ بِذَلِكَ الْمَوْلَى وَ رَضِيْ بِذَلِكَ الْمَمْلُوكُ فَأَصَابَ الْمَمْلُوكُ فِي تِجَارَتِهِ مَالًا سِوَى مَا كَانَ يُعْطِي مَوْلَاهُ مِنَ الضَّرِيْبَةِ.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا أَدَى إِلَى سَيِّدِهِ مَا كَانَ فَرَضَ عَلَيْهِ فَمَا اِكْتَسَبَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ فَهُوَ لِلْمَمْلُوكِ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: أَلَيْسَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ فَرَائِضَ، فَإِذَا أَدَوْهَا إِلَيْهِ لَمْ يَسْأَلْهُمْ عَمَّا سِوَاهَا.

قُلْتُ لَهُ: فَمَا تَرَى لِلْمَمْلُوكِ أَنْ يَتَصَدَّقَ مِمَّا اِكْتَسَبَ وَ يُعْتِقَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الَّتِي كَانَ يُؤَدِّيْهَا إِلَى سَيِّدِهِ؟  
قَالَ: نَعَمْ وَاجِبٌ ذَلِكَ لَهُ.

مولایی می خواهد غلام خود را آزاد کند. بیش تر از غلام خود تعهد گرفته بود که هر ساله مبلغی معین بپردازد و مابقی درآمد از آن خودش باشد، و هر دو رضایت داشتند. غلام در اثر کسب و تجارت علاوه بر مبلغی که هر ساله به مولای خود می پرداخته، اندوخته فراوانی تحصیل کرده است. (اندوخته غلام از آن کیست؟) فرمود: در صورتی که غلام مقرری سالیانه را پرداخته باشد مابقی درآمد به شخص او تعلق دارد.

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود: مگر نه این است که خداوند متعال وظایفی را بر بندگانش واجب نموده که اگر بندگان وی آن وظائف مقرر خود را ادا کنند، مسؤولیت دیگری ندارند؟ عرض کردم: بنابر فرموده شما آیا این غلام می تواند بعد از ادای حق مولای خود از کسب و درآمد خود صدقه دهد و برده آزاد کند؟ فرمود: آری، پاداش آن ویژه شخص غلام خواهد بود.

قُلْتُ: فَإِنْ أَعْتَقَ مَمْلُوكًا مِمَّا اكْتَسَبَ سِوَى الْفَرِيضَةِ لِمَنْ يَكُونُ وَلَائُ الْمُعْتَقِ.  
 قَالَ: فَقَالَ: يَذْهَبُ فَيَتَوَالَى إِلَى مَنْ أَحَبَّ، فَإِذَا ضَمِنَ جَرِيرَتَهُ وَعَقْلَهُ كَانَ مَوْلَاهُ  
 وَوَرِثَهُ.

قُلْتُ لَهُ: أَلَيْسَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْوَلَاءُ لِمَنْ أَعْتَقَ؟  
 قَالَ: فَقَالَ: هَذَا سَائِبَةٌ لَا يَكُونُ وَلَاؤُهُ لِعَبْدٍ مِثْلِهِ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ ضَمِنَ الْعَبْدُ الَّذِي أَعْتَقَهُ جَرِيرَتَهُ وَحَدَّثَهُ أَيْلَازَهُ ذَلِكَ وَ يَكُونُ مَوْلَاهُ  
 وَ يَرِثُهُ؟

قَالَ: فَقَالَ: لَا يَجُوزُ ذَلِكَ وَ لَا يَرِثُ عَبْدٌ حُرًّا.  
 ۲- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ زُرَّارَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
 إِذَا كَاتَبَ الرَّجُلُ مَمْلُوكَهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ مَالًا وَ لَمْ يَكُنْ اسْتَشَنَى السَّيِّدُ  
 الْمَالَ حِينَ أَعْتَقَهُ فَهُوَ لِلْعَبْدِ.

عرض کردم: اگر بعد از ادای حق مولا برده‌ای بخرد و آزاد کند، وابستگی آن برده از نظر  
 میراث و حمایت و مسئولیت از آن کیست؟

فرمود: این برده‌ای که به دست برده‌ای مانند خود آزاد می‌شود برای وابستگی میراثی  
 و حمایتی با هر کسی که بخواهد وارد مذاکره می‌شود و آن گاه که آن شخص مسئولیت  
 خطاهای او را پذیرفت، وابسته او خواهد شد و میراث او به وی خواهد رسید.

عرض کردم: مگر نه این که رسول خدا ﷺ فرموده است که وابستگی برده ویژه آن  
 مولایی است که آزادش کرده باشد؟

فرمود: برده‌ای که آزاد کننده او نیز برده باشد اصولاً وابستگی ندارد.

عرض کردم: اگر همین برده‌ای که آزادش کرده است، مسئولیت خطاهای او را بپذیرد، آیا  
 مسئولیت خطاها به عهده او قرار می‌گیرد و می‌تواند به منزله مولای آزاد میراث او را حائز شود؟  
 فرمود: تعهد او لازم الاجرا نیست و بردگان نمی‌توانند از افراد آزاد ارث ببرند.

۲- زراره گوید: امام صادق ع فرمود:

اگر مولا به غلام خود سند آزادی بدهد که از این تاریخ مبلغ معینی بپردازد و آزاد شود و  
 بداند که غلام او اندوخته مالی دارد و اموال او را استثنا نکند، اندوخته غلام از آن خودش  
 خواهد بود.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي رَجُلٍ أَعْتَقَ عَبْدًا لَهُ وَ لَهُ مَالٌ لِمَنْ مَالُ الْعَبْدِ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ عَلِمَ أَنَّ لَهُ مَالًا تَبِعَهُ مَالُهُ وَإِلَّا فَهُوَ لِلْمُعْتِقِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَعْتَقَ عَبْدًا لَهُ وَ لِلْعَبْدِ مَالٌ لِمَنْ الْمَالُ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ مَالًا تَبِعَهُ مَالُهُ وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِمَمْلُوكِهِ: أَنْتَ حُرٌّ وَ لِي مَالُكَ.

قَالَ: لَا يَبْدَأُ بِالْحُرِّيَّةِ قَبْلَ الْمَالِ، يَقُولُ لَهُ لِي: مَالُكَ وَ أَنْتَ حُرٌّ بِرِضَى الْمَمْلُوكِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ.

۳- زراره گوید: از امام (باقر عليه السلام) و یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: اگر مولا برده خود را آزاد کند و برده برای خود مالی اندوخته باشد، پس انداز او از آن کیست؟ فرمود: اگر مولا به هنگام آزاد کردن غلام بداند که پس انداز مالی دارد، غلام با اندوخته مالی خود آزاد می شود و اگر نداند، می تواند پس انداز غلام را از آن خود بداند.

۴- زراره نظیر این روایت را از امام باقر عليه السلام نقل می کند.

۵- ابو جریر گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر انسان به غلام خود بگوید: «جانت آزاد و پس اندازت مال من» چه صورت دارد؟ فرمود: در آغاز سخن، آزادی را مطرح نکنند، بلکه بگویند: اموات مال من و جانت آزاد و رضایت غلام را نیز تحصیل کند. در نظر من به این صورت بهتر است.



(۱۴)

## بَابُ عِتْقِ السَّكَرَانِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمُكْرَهِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنْ عِتْقِ الْمُكْرَهِ .  
فَقَالَ : لَيْسَ عِتْقُهُ بِعِتْقٍ .
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ الْمُعْتَوِهِةِ الذَّاهِبَةِ الْعَقْلِ أَوْ يَجُوزُ بَيْعُهَا وَ صَدَقَتُهَا ؟  
قَالَ : لَا .  
وَ عَنْ طَلَاقِ السَّكَرَانِ وَ عِتْقِهِ ؟

## بخش چهاردهم

## اعطای آزادی برده در حال مستی ، توسط دیوانه و به صورت اجبار

- ۱ - زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر کسی در اثر اکراه و اجبار غلام خود را آزاد کند، چه صورت دارد؟  
فرمود: این آزادی رسمیت ندارد.
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا زن بی عقل و خرد، می تواند چیزی بفروشد و صدقه دهد؟  
فرمود: نه  
پرسیدم: طلاق و آزادی برده توسط مرد مست جایز است؟

قَالَ: لَا يَجُوزُ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ - أَوْ قَالَ: وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ - وَبُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَفُضَيْلٍ وَإِسْمَاعِيلَ الْأَزْرَقِ وَ مَعْمَرَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّ الْمُدَّةَ لَيْسَ عِتْقُهُ بِعِتْقٍ.

۴ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبِاطٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ وَ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
لَا يَجُوزُ عِتْقُ السَّكْرَانِ. سَأَلْتُهُ عَنْ أُمِّ الْوَالِدِ.

(۱۵)

### بَابُ أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِاطٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فرمود: جایز نیست.

۳- زراره، محمد بن مسلم، برید، فضیل، اسماعیل و معمر گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند:

کسی که مات و بهت زده باشد و برده خود را آزاد کند، آزادی آن برده رسمی نیست.

۴ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مولایی که مست باشد و برده خود را آزاد کند، آزادی آن برده رسمی نیست.

### بخش پانزدهم

### کنیزان صاحب فرزند

۱ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام درباره کنیز صاحب فرزند پرسیدم.

قَالَ: أُمَّةٌ تُبَاعُ وَ تُورَثُ وَ تُوهَبُ وَ حَدُّهَا حَدُّ الْأُمَّةِ .

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أُمِّ الْوَلَدِ تُبَاعُ فِي الدِّينِ . قَالَ: نَعَمْ فِي تَمَنِ رَقَبَتِهَا .

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا رَجُلٍ تَرَكَ سُرِّيَّةً لَهَا وَلَدٌ أَوْ فِي بَطْنِهَا وَلَدٌ أَوْ لَا وَلَدَ لَهَا فَإِنْ أَعْتَقَهَا رَبُّهَا عَتَقَتْ وَ إِنْ لَمْ يُعْتَقْهَا حَتَّى تُؤْفَى فَقَدْ سَبَقَ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ كِتَابُ اللَّهِ أَحَقُّ فَإِنْ كَانَ لَهَا وَلَدٌ فَتَرَكَ مَالاً جُعِلَتْ فِي نَصِيبِ وَلَدِهَا .

فرمود: او کنیز است که فروخته می شود، ارث برده می شود، بخشش می شود و احکام او، احکام (حدود) کنیز است.

۲ - عمر بن یزید گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا کنیز صاحب فرزند را به جهت بدهی می توان فروخت؟

فرمود: آری؛ به خاطر پرداخت قیمتش می توان او را فروخت.

۳ - محمد بن قیس گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر انسانی از خود کنیزی بر جای بگذارد که صاحب فرزند، یا باردار و یا فرزندی نداشته باشد؛ پس اگر مولا او را آزاد کرده بود، آزاد است و اگر آزاد نکند تا این که مولا بمیرد، پس کتاب خداوند در خصوص صدور حکم پیشی گرفته است و کتاب خداوند سزاوارتر است. پس اگر این کنیز فرزندی دارد و مولا مالی از خود به جا گذاشته است، کنیز در سهم ارث فرزندش قرار می گیرد.

قَالَ: وَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تَرَكَ جَارِيَةً وَ قَدْ وُلِدَتْ مِنْهُ ابْنَةٌ وَ هِيَ صَغِيرَةٌ غَيْرَ أَنَّهَا تُبَيِّنُ الْكَلَامَ فَأَعْتَقَتْ أُمَّهَا فَخَاصَمَ فِيهَا مَوَالِي أَبِي الْجَارِيَةِ فَأَجَازَ عِتْقَهَا لِلْأُمَّ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي رَجُلٍ اشْتَرَى جَارِيَةً يَطْوُهَا فَوَلَدَتْ لَهُ وَوَلَدًا فَمَاتَ وَوَلَدُهَا. فَقَالَ: إِنْ شَاءُوا بَاعُوهَا فِي الدِّينِ الَّذِي يَكُونُ عَلَى مَوْلَاهَا مِنْ نَمْنَمِهَا وَإِنْ كَانَ لَهَا وَوَلَدٌ قَوْمَتْ عَلَى وَوَلَدِهَا مِنْ نَصِيبِهِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَوْ قَالَ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَسْأَلُكَ. فَقَالَ: سَلْ.

امام باقر عليه السلام فرمود: هم چنین امیرمؤمنان علی عليه السلام در مورد مردی که کنیزی از خود به جای گذاشته بود و کنیز از او دختر کوچکی - که می توانست به خوبی سخن بگوید - به دنیا آورده بود. دختر، مادرش را آزاد نمود، سپس وارثان آن مرد در خصوص کنیز نزاع نمودند؛ چنین قضاوت نمود که کنیز توسط دخترش آزاد شود.

۴ - یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که کنیزی خریده با او آمیزش می کند. کنیز فرزندی به دنیا می آورد و فرزند از دنیا می رود فرمود:

اگر بخواهند می توانند کنیز را به جهت بدهی که از بابت پرداخت قیمت این کنیز بر عهده مولاست، بفروشند و اگر کنیز فرزندی داشته باشد، از سهم ارث فرزند به حساب آورده او را بر فرزند قیمت گذاری می کنند.

۵ - عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام (یا امام کاظم عليه السلام) عرض کردم: از شما پرسشی دارم.

فرمود: بپرس.

فَقُلْتُ: لِمَ بَاعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ؟  
 قَالَ: فِي فَكَائِكَ رِقَابِهِنَّ.  
 قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى جَارِيَةً فَأَوْلَدَهَا ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّ ثَمَنَهَا وَ لَمْ يَدَعْ مِنَ الْمَالِ مَا يُؤَدِّي عَنْهَا أُخِذَ وَ لَدَهَا مِنْهَا وَ بِيَعَتْ فَأُدِّيَ ثَمَنُهَا.  
 قُلْتُ: فَيُبَعْنَ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الدِّينِ وَ وُجُوهِهِ؟  
 قَالَ: لَا.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ يُونُسَ:  
 فِي أُمِّ وَ لَدٍ لَيْسَ لَهَا وَ لَدَّ مَاتَ وَ لَدَهَا وَ مَاتَ عَنْهَا صَاحِبُهَا وَ لَمْ يُعْتَقْهَا هَلْ يَحِلُّ  
 لِأَحَدٍ تَزْوِجُهَا؟  
 قَالَ: لَا، هِيَ أُمَّةٌ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ تَزْوِجُهَا إِلَّا بِعْتِقِي مِنَ الْوَرَثَةِ، فَإِنْ كَانَ لَهَا وَ لَدٌ وَ  
 لَيْسَ عَلَى الْمَيِّتِ دَيْنٌ فَهِيَ لِلْوَلَدِ وَ إِذَا مَلَكَهَا الْوَلَدُ فَقَدْ عَتَقَتْ بِمَلِكِ وَ لَدَهَا لَهَا، وَ  
 إِنْ كَانَتْ بَيْنَ شُرَكَاءَ فَقَدْ عَتَقَتْ مِنْ نَصِيبِ وَ لَدَهَا وَ تُسْتَسْعَى فِي بَقِيَّةِ ثَمَنِهَا.

عرض کردم: چرا امیرمؤمنان علی علیه السلام کنیزان صاحب فرزند را می فروخت؟  
 فرمود: برای رهایی از بردگی.  
 عرض کردم: چگونه؟

فرمود: هر مردی که کنیزی بخرد و او را باردار نماید، اما قیمت کنیز را نپردازد و از دنیا  
 برود و هیچ اموالی ندارد که قیمت کنیز از آن پرداخته شود؛ فرزند را از کنیز می گیرند و کنیز  
 را می فروشند. پس قیمت کنیز پرداخت می شود.  
 عرض کردم: بنابراین کنیز برای بدهی های دیگر نیز فروخته می شود؟  
 فرمود: نه.

۶ - یونس درباره کنیز صاحب فرزندی که فرزند او از دنیا رفته است و مولایش بدون  
 آزاد کردن او از دنیا رفته، حال کسی می تواند با او ازدواج کند؟ گفت:  
 نه، کسی با چنین کنیزی نمی تواند ازدواج کند مگر از طرف ورثه آزاد شود، پس اگر کنیز  
 دارای فرزندی باشد و مولا هیچ بدهی نداشته باشد، کنیز از آن فرزندش می گردد و با  
 مالکیت فرزند، مادرش آزاد است و اگر این کنیز مال چند نفر شرکا باشد از سهم فرزندش  
 آزاد است و با کار کردن بقیه قیمت خود را می پردازد.

(۱۶)

## بَابُ نَوَادِرَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ  
 ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ مِنْ رَجُلٍ جَارِيَةً بِكَذَا إِلَى سَنَةِ  
 فَلَمَّا قَبَضَهَا الْمُشْتَرِي أَعْتَقَهَا مِنَ الْعِدِّ وَ تَزَوَّجَهَا وَ جَعَلَ مَهْرَهَا عِتْقَهَا ثُمَّ مَاتَ  
 بَعْدَ ذَلِكَ بِشَهْرٍ.  
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ لِلَّذِي اشْتَرَاهَا إِلَى سَنَةِ مَالٌ أَوْ عُقْدَةٌ تُحِيطُ بِقَضَاءِ  
 مَا عَلَيْهِ مِنَ الدَّيْنِ فِي رَقَبَتِهَا فَإِنَّ عِتْقَهُ وَ نِكَاحَهُ جَائِزَانِ.

## بخش شانزدهم

## چند روایت نکته دار

۱ - هشام بن سالم گوید: من در حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم. از آن حضرت پرسیده شد:  
 مردی کنیزی را به فلان قیمت، تا یک سال از شخصی خریداری می‌کند. هنگامی که  
 مشتری کنیز را تحویل می‌گیرد، فردای آن روز کنیز را آزاد کرده و با او ازدواج می‌کند و  
 مهریه‌اش را آزادی او قرار می‌دهد. یک ماه بعد از دنیا می‌رود (چه حکمی دارد؟)  
 امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر مشتری که کنیز را یک ساله خریداری کرده است، دارای  
 اموال یا آب و زمینی باشد که تمام بدهکاری‌های او را فرا گیرد، آزاد کردن او و ازدواج  
 نمودن با او برایش جایز بوده است.

قَالَ: وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِلَّذِي اشْتَرَاهَا فَأَعْتَقَهَا وَتَزَوَّجَهَا مَالًا وَلَا عُقْدَةً يَوْمَ مَاتَ  
تُحِيطُ بِقَضَاءِ مَا عَلَيْهِ مِنَ الدَّيْنِ بِرَقَبَتَيْهَا، فَإِنَّ عِتْقَهُ وَنِكَاحَهُ بَاطِلَانِ، لِأَنَّهُ أُعْتِقَ مَا  
لَا يَمْلِكُ وَأَرَى أَنَّهَا رِقٌّ لِمَوْلَاهَا الْأَوَّلِ.  
قِيلَ لَهُ: فَإِنْ كَانَتْ عَلِقَتْ أُعْنِي مِنَ الْمُعْتِقِ لَهَا الْمُتَزَوِّجُ بِهَا مَا حَالَ الَّذِي فِي  
بَطْنِهَا؟

فَقَالَ: الَّذِي فِي بَطْنِهَا مَعَ أُمِّهِ كَهَيْئَتِهَا.

۲- ابن محبوب عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام في  
المملوك يعطي الرجل مالا ليشتريه فيعتقه؟  
قال: لا يصلح له ذلك.

۳- ابن محبوب عن إبراهيم الكرخي قال:

فرمود: اگر چنین فردی هیچ اموال یا آب و زمینی نداشته باشد که بدهکاری‌های او را  
فرا گیرد، آزاد کردن او و ازدواجش باطل است، زیرا او چیزی را آزاد کرده که مالک آن  
نیست و به نظر من کنیز از آن مولای او خواهد بود.

گفته شد: اگر کنیز از مولای دوم باردار شود، تکلیف جنین چیست؟

فرمود: حکم جنین نیز حکم مادرش را دارد.

۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام درباره برده‌ای که می‌تواند از پس انداز خود در

اختیار دیگران بگذارد تا او را بخرند و آزاد کنند، فرمود: این کار صلاحیت ندارد.

۳- ابراهیم کرخی گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ هِشَامَ بْنَ أَدِينٍ سَأَلَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِعَبْدِهِ الْعِتْقَ إِنْ حَدَثَ بِسَيِّدِهِ حَدَثُ الْمَوْتِ فَمَاتَ السَّيِّدُ وَعَلَيْهِ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ وَاجِبَةٌ فِي كَفَّارَةٍ أَيْ جِزْيٍ عَنِ الْمَيِّتِ عِتْقُ الْعَبْدِ الَّذِي كَانَ السَّيِّدُ جَعَلَ لَهُ الْعِتْقَ بَعْدَ مَوْتِهِ فِي تَحْرِيرِ الرَّقَبَةِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْمَيِّتِ؟  
فَقَالَ: لَا.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ يَكُونُ لِي الْعُلَامُ فَيَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ يَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْأُمُورِ الْمَكْرُوهَةِ فَأُرِيدُ عِتْقَهُ فَهَلْ عِتْقُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَبِيعُهُ وَ أَنْصَدُقُ بِثَمَنِهِ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْعِتْقَ فِي بَعْضِ الزَّمَانِ أَفْضَلُ وَ فِي بَعْضِ الزَّمَانِ الصَّدَقَةُ أَفْضَلُ، فَإِذَا كَانَ النَّاسُ حَسَنَةً حَالَهُمْ فَالْعِتْقُ أَفْضَلُ فَإِذَا كَانُوا شَدِيدَةً حَالَهُمْ فَالصَّدَقَةُ أَفْضَلُ، وَ يَبِيعُ هَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ إِذَا كَانَ بِهَذِهِ الْحَالِ.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مولایی به برده خود می‌گوید: اگر برای من اتفاقی رخ دهد و بمیرم، تو بعد از مرگ من آزادی. اگر مولا بمیرد و آزادی یک برده به عنوان کفاره شرعی بر عهده او باشد، آیا آزادی همین برده که بعد از مرگ مولا آزاد می‌شود به جای آن برده‌ای که باید به عنوان کفاره آزاد کند، کفایت می‌کند؟  
فرمود: نه.

۴ - بکر بن محمد گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم. یک نفر پرسید: من غلامی دارم که شراب می‌نوشد و در کارهای زشت و ناپسند شرکت می‌کند. تصمیم دارم که او را آزاد کنم. به نظر شما او را آزاد کنم بهتر است یا او را بفروشم و بهایش را صدقه بدهم؟  
فرمود: گاهی آزادی برده ثواب بیشتری دارد و گاهی صدقه در راه خدا پاداش بیشتری دارد، اگر وضع اقتصادی مردم خوب باشد، آزاد کردن برده بهتر است. اگر وضع اقتصادی مردم سخت و دشوار باشد، صدقه در راه خدا بهتر است. به نظر من فروختن چنین برده‌ای بهتر است.



۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ :

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ عَلَيَّ نَفْسِهِ بِالْعُبُودِيَّةِ وَهُوَ مُدْرِكٌ مِنْ عَبْدِ أَوْ أَمَةٍ ، وَ مَنْ شُهِدَ عَلَيْهِ بِالرِّقِّ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا .

۶ - عَلِيُّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ دَاوُدَ النَّهْدِيِّ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ :

دَخَلَ ابْنُ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : أَبْلَغَ اللَّهُ مِنْ قَدْرِكَ أَنْ تَدَّعِيَ مَا ادَّعَى أَبُوكَ ؟

فَقَالَ لَهُ : مَا لَكَ أَطْفَأَ اللَّهُ نُورَكَ وَ ادَّخَلَ الْفَقْرَ بَيْتَكَ ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ عِمْرَانَ : ﴿ أَنِّي وَاهِبٌ لَكَ ذَكَرًا فَوَهَبْ لَهُ مَرْيَمَ ﴾ وَ وَهَبَ لِمَرْيَمَ

عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعِيسَى مِنْ مَرْيَمَ وَ مَرْيَمُ مِنْ عِيسَى وَ مَرْيَمُ وَ عِيسَى شَيْءٌ وَاحِدٌ ، وَ أَنَا مِنْ أَبِي وَ أَبِي مِنِّي وَ أَنَا وَ أَبِي شَيْءٌ وَاحِدٌ .

فَقَالَ لَهُ ابْنُ أَبِي سَعِيدٍ : وَ أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ .

۵ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمود:

مردم همه آزاد و صاحب اختیارند، مگر کسی که خود به بردگی خود اعتراف کند، خواه غلام باشد خواه کنیز، بنابراین هر صغیر و کبیری که گواهان، بردگی او را گواهی کنند بردگی او ثابت می شود.

۶ - راوی گوید: ابن ابوسعید مکاری خدمت امام رضا علیه السلام آمد و گفت: آیا خداوند تو را

به جایی رسانده است که ادعای پدرت را داشته باشی؟!

فرمود: تو را چه شده است؟ خداوند نورت را خاموش سازد و فقر را در منزلت داخل

نماید! مگر نمی دانی که خداوند سالی به عمران وحی نمود که من پسری به تو خواهم

بخشید. اما مریم را به او داده و عیسی علیه السلام را به مریم بخشید؟! پس عیسی علیه السلام از مریم

است و مریم از عیسی. و مریم و عیسی یک شیء واحد هستند و پدرم از من و من از پدرم

هستم و من و پدرم یک شیء واحد هستیم.

ابن ابو سعید گفت: درباره مسأله ای از شما پرسشی دارم.

فَقَالَ: لَا إِخَالَكَ تَقْبُلُ مِنِّي وَ لَسْتَ مِنْ عَنَمِي، وَ لَكِنْ هَلُمَّهَا.  
 فَقَالَ رَجُلٌ: قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: كُلُّ مَمْلُوكٍ لِي قَدِيمٌ فَهُوَ حُرٌّ لَوْ جِهَ اللَّهُ.  
 قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾ ﴿فَمَا كَانَ مِنْ  
 مَمَالِيكِهِ أَتَىٰ عَلَيْهِ سِتَّةُ أَشْهُرٍ فَهُوَ قَدِيمٌ وَ هُوَ حُرٌّ.  
 قَالَ: فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ وَ أَفْتَقَرَ حَتَّىٰ مَاتَ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَبِيتٌ لَيْلَةٍ لَعَنَهُ اللَّهُ.  
 ۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ  
 الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ:  
 قَضَىٰ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي رَجُلٍ نَكَحَ وَ لَيْدَةً رَجُلٍ أَعْتَقَ رَبُّهَا أَوَّلَ وَ لَدِ تَلِيدُهُ  
 فَوَلَدَتْ تَوَّامًا.  
 فَقَالَ: أَعْتَقَ كِلَاهُمَا.

فرمود: گمان نمی‌کنم جواب مرا بپذیری و پذیرفتن تو برای من سودی ندارد؛ ولی پرسش خود را مطرح کن!  
 گفت: مردی هنگام مرگش می‌گوید: «تمام بردگان قدیمی من، به خاطر خدا آزادند»  
 فرمود: آری. خداوند در قرآن می‌فرماید: «تا این که به صورت شاخه کهنه کمائی شکل  
 و زرد رنگ در می‌آید» پس هر برده او که شش ماه از بردگی‌اش در نزد این مولا گذشته  
 باشد، قدیمی و آزاد است.  
 راوی گوید: ابن ابو سعید از نزد امام عليه السلام خارج شد و فقیر گشت تا این که مرد در حالی  
 که شام شبش را هم نداشت، لعنت خداوند بر او باد.  
 ۷ - راوی گوید: امیرمؤمنان عليه السلام در مورد مردی که با کنیز صاحب فرزند شخص  
 دیگری ازدواج کرد مولای کنیز، سفارش کرده بود که اولین فرزند کنیز که به دنیا می‌آید آزاد  
 باشد. اما کنیز دو قلو زایمان نمود؛ چنین قضاوت فرمود: هر دو نوزاد آزاد می‌شوند.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ فَيُعْتِقُهُ الْمَوْلَى فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَيَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حُرًّا فَهَلْ لِمَوْلَاهُ فِي ذَلِكَ أَجْرٌ أَوْ يَتْرُكُهُ فَيَكُونُ لَهُ أَجْرُهُ إِذَا مَاتَ وَهُوَ مَمْلُوكٌ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: يَتْرُكُ الْعَبْدَ مَمْلُوكًا فِي حَالِ مَوْتِهِ فَهُوَ أَجْرٌ لِمَوْلَاهُ وَ هَذَا عِتْقٌ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ لَيْسَ بِنَافِعٍ لَهُ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ نَهْيَكٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزَنِيِّ عَنْ نَاجِيَةَ قَالَ: رَأَيْتُ رَجُلًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَعْتَقْتُ خَادِمًا لِي وَهُوَ ذَا أَطْلُبُ شِرَاءَ خَادِمٍ مُنْذُ سِنِينَ فَمَا أَقْدِرُ عَلَيْهَا. فَقَالَ: مَا فَعَلْتَ الْخَادِمُ. قَالَ: حَيَّةٌ.

۸- علی بن مهزیار گوید: در نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشتم: غلامی در حال مرگ است. اگر مولا او را آزاد کند تا آزاد و صاحب اختیار بمیرد، آیا اجر و ثوابی دارد؟ یا نه، غلام را به حال بردگی و ابگذارند تا بمیرد و در اثر خسارت وارده خدا به او اجر بدهد؟ در پاسخ من نوشت: غلام را به حال خود و ابگذارند تا بمیرد، همین اجر و ثواب برای مولای او کافی است. آزادی در حال مرگ سودی به حال غلام نخواهد داشت.

۹- ناجیه گوید: مردی را در حضور امام صادق علیه السلام دیدم که به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! من برده سنی مذهب خود را آزاد کردم. اکنون چند سال است در پی خرید یک برده‌ام اما توان مالی ندارم. فرمود: آن برده چه شد؟ عرض کرد: زنده است.

قَالَ: رُدَّهَا فِي مَمْلُوكَيْهَا مَا أَعْنَى اللَّهُ مِنْ عِتْقِ أَحَدِكُمْ تُعْتِقُونَ الْيَوْمَ وَ يَكُونُ عَلَيْنَا عَدَاً، لَا يَجُوزُ لَكُمْ أَنْ تُعْتِقُوا إِلَّا عَارِفاً.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَ أَرَادَ أَنْ يُعْتِقَ نَسَمَةً أُيُّهُمَا أَفْضَلُ أَنْ يُعْتِقَ شَيْخاً كَبِيراً أَوْ شَاباً أَجْرَدَ.

قَالَ: أَعْتَقَ مَنْ أَعْنَى نَفْسَهُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ الضَّعِيفُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّابِّ الْأَجْرَدِ.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَجُوزُ فِي الْعَتَاقِ الْأَعْمَى وَ الْمُفْعَدُ وَ يَجُوزُ الْأَثَلُ وَ الْأَعْرَجُ.

فرمود: او را به بردگی برگردان! خداوند با برده آزاد کردن هیچ کدام از شما بی نیاز نخواهد شد. امروز شما آزاد می‌کنید و فردا (حساب و کتاب آن) با ما خواهد بود. برای شما جایز نیست که جز برده شیعه را آزاد کنید.

۱۰ - علی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ برادر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گوید: از آن حضرت پرسیدم: کسی که آزاد کردن یک برده را بر عهده دارد، می‌خواهد برده‌ای را آزاد کند، کدام فضیلت بیشتری دارد: پیرمردی که سال آزاد کند یا جوانی که هنوز موی صورتش در نیامده است؟

فرمود: آزاد کردن پیرمرد که سال ناتوان فضیلت بیشتری از جوان بی مو دارد.

۱۱ - ابوبختری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به هنگام آزاد کردن برده، آزاد کردن برده نابینا و زمین گیر جایز نیست؛ اما آزاد کردن برده فلج و لنگ جایز است.

- ۱۲ - أَحْمَدُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ بَعْضِ آلِ أَعْيُنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا فَقَدْ عَتَقَ بَعْدَ سَبْعِ سِنِينَ أَعْتَقَهُ صَاحِبُهُ أَمْ لَمْ يُعْتَقْهُ وَ لَا تَحِلُّ خِدْمَتُهُ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا بَعْدَ سَبْعِ سِنِينَ .
- ۱۳ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَبِيعُ عَبْدَهُ بِنُقْصَانٍ مِنْ تَمَنِّهِ لِيُعْتَقَ . فَقَالَ لَهُ: الْعَبْدُ فِيمَا بَيْنَهُمَا إِنْ لَكَ عَلَيَّ كَذَا وَ كَذَا أَيَا خُذْهُ مِنْهُ . فَقَالَ: يَا خُذْهُ مِنْهُ عَفْوًا وَ يَسْأَلُهُ إِيَّاهُ فِي عَفْوِهِ فَإِنْ أَبِي فَلْيَدَعُهُ .
- ۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ: فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ عِدَّةٌ مَمَالِيكَ، فَقَالَ: أَيُّكُمْ عَلَّمَنِي آيَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تعالى فَهُوَ حُرٌّ .

۱۲ - یکی از افراد آل اعین گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برده مؤمن پس از هفت سال بردگی، آزاد می‌شود؛ چه مولا او را آزاد کند چه آزاد نکند. خدمت کاری برده مؤمن بعد از هفت سال جایز نیست.

۱۳ - معاویة بن میسره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی برده خود را به کمتر از قیمت می‌فروشد تا خریدار او را آزاد کند. برده به خریدار می‌گوید: «اگر مرا خریداری کنی، من فلان مقدار را به تو می‌پردازم» آیا خریدار می‌تواند او را از وی بگیرد؟ فرمود: آن را از روی عفو بخشش می‌گیرد و برده از او می‌خواهد که او را ببخشد. پس اگر خریدار خودداری کرد، رهايش کند.

۱۴ - اسماعیل بن مرار گوید: از یونس پرسیدند: مردی بردگان زیادی دارد و به آنها می‌گوید: «هر کدام از شما که آیه‌ای از قرآن به من بیاموزد، آزاد است».

فَعَلَّمَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ ثُمَّ مَاتَ الْمَوْلَى وَ لَمْ يُدْرَأْ أَيُّهُمْ الَّذِي عَلَّمَهُ الْآيَةَ هَلْ يُسْتَخْرَجُ بِالْقُرْعَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يُسْتَخْرَجَهُ أَحَدٌ إِلَّا الْإِمَامُ، فَإِنَّ لَهُ كَلَامًا وَقَتَ الْقُرْعَةِ يَقُولُهُ وَ دُعَاءَ لَا يَعْلَمُهُ سِوَاهُ وَ لَا يَقْتَدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُهُ.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي مَخْلَدٍ

السَّرَّاجِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِإِسْمَاعِيلَ حَقِيبَةَ وَ الْحَارِثِ النَّصْرِيِّ: اظْلُبُوا لِي جَارِيَةً مِنْ هَذَا الَّذِي يُسَمُّونَهُ «كِدْبَانُوجَةَ» تَكُونُ مَعَ أُمِّ فَرْوَةَ.

فَدَلُّونَا عَلَى جَارِيَةٍ لِرَجُلٍ مِنَ السَّرَّاجِينَ قَدْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنًا وَ مَاتَ وَ لَدَهَا فَأَخْبَرُوهُ بِخَبَرِهَا فَأَمَرَهُمْ فَاشْتَرَوْهَا وَ كَانَ اسْمُهَا «رِسَالَةَ» فَغَيَّرَ اسْمَهَا وَ سَمَّاها «سَلْمَى» وَ زَوَّجَهَا سَالِمًا مَوْلَاهُ وَ هِيَ أُمُّ الْحُسَيْنِ بْنِ سَالِمٍ.

پس یکی از آنان به او می‌آموزد. سپس مولا از دنیا می‌رود و معلوم نیست که کدام برده به او آیه آموخته است. آیا باید با قرعه معلوم شود؟

گفت: آری، و فقط امام عليه السلام حق دارد که قرعه را بیرون آورد، زیرا در هنگام قرعه سخنی است که امام آن را می‌گوید و دعایی نیز دارد که هیچ کس جز او آن را نمی‌داند و به آن دست رسی ندارد.

۱۵ - ابو مخلد سراج گوید: امام صادق عليه السلام به اسماعیل حقیبه و حارث نصری فرمود:

برای من کنیزی از این فرد که «کدبانوجه» نام دارد و همراه ام فروه است خریداری کنید. اسماعیل و حارث ما را به کنیزی که از آن مردزین ساز بود، راهنمایی کردند. او کنیزی داشت که برای مولای خود فرزندی به دنیا آورده بود و فرزندش از دنیا رفته بود. این ماجرا را برای حضرتش بازگو کردند، حضرت دستور فرمود و آنان کنیز را خریداری نمودند. اسم آن کنیز، «رساله» بود. حضرت عليه السلام نامش را تغییر داد و او را «سلمی» نامید و به عقد غلام خود، «سالم» درآورد و این کنیز مادر حسین بن سالم است.

(۱۷)

## بَابُ الْوَلَاءِ لِمَنْ أُعْتِقَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْوَلَاءُ لِمَنْ أُعْتِقَ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا أُعْتِقَ أَلَهُ أَنْ يَضَعَ نَفْسَهُ حَيْثُ شَاءَ وَ يَتَوَلَّى مَنْ أَحَبَّ.

## بخش هفدهم

## احکام ولاء و وابستگی

- ۱ - حلبی و محمد بن مسلم گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود: حق سرپرستی و وابستگی از آن کسی است که برده را آزاد کرده است.
- ۲ - اسماعیل بن فضل گویند: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برده‌ای که آزاد می‌شود می‌تواند با هر کسی که مایل باشد قرار وابستگی بگذارد؟

- فَقَالَ: إِذَا أَعْتَقَ لِلَّهِ فَهُوَ مَوْلَى لِلَّذِي أَعْتَقَهُ، فَإِذَا أَعْتَقَ وَ جُعِلَ سَائِبَةً فَلَهُ أَنْ يَضَعَ نَفْسَهُ حَيْثُ شَاءَ وَ يَتَوَلَّى مَنْ شَاءَ.
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ بَرِيرَةَ:
- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَائِشَةَ: أَعْتَقِي، فَإِنَّ الْوَلَاءَ لِمَنْ أَعْتَقَ.
- ۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- قَالَتْ عَائِشَةُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَهْلَ بَرِيرَةَ اشْتَرَطُوا وِلَاءَهَا.
- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْوَلَاءُ لِمَنْ أَعْتَقَ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- قَالَ فِي امْرَأَةٍ أَعْتَقَتْ رَجُلًا لِمَنْ وَلَاؤُهُ وَ لِمَنْ مِيرَاثُهُ؟
- قَالَ: لِلَّذِي أَعْتَقَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ وَارِثٌ غَيْرُهَا.

فرمود: هرگاه بردگان به جهت ثواب و جلب رضای خدا، و نه به عنوان کفاره گناه، آزاد شوند به مولای خود وابسته می‌مانند. اگر مولای موقع آزادی مسئولیت و حمایت را از خود سلب کند، غلام آزاد شده، می‌تواند با هر کسی که مایل باشد قرار آزادی بگذارد.

۳- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عایشه فرمود:

کنیزت بریره را آزاد کن که وابستگی ارث بردگان ویژه آزاد کنندگان است.

۴- عیص بن قاسم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

عایشه به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت که فروشنندگان کنیزم (بریره) با من شرط کرده‌اند که وابستگی او ویژه آنان باشد.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عایشه فرمود: وابستگی ویژه آزاد کنندگان است.

۵- ابوصباح کنانی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زنی که برده‌ای آزاد کرده است؛ حق

سرپرستی و ارث بری از آن کیست؟ فرمود:

از آن کسی که او را آزاد کرده است. مگر آن که برده وارثی غیر از مولای سابق خود داشته باشد.



(۱۸)

## بَابُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمِ الْفَرَّاءِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
 حَدَّثْتَنِي عَمَّتِي قَالَتْ: إِنِّي جَالِسَةٌ بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ إِذْ أَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.  
 فَلَمَّا رَأَى مَالَ إِلَيَّ فَسَلَّمَ عَلَيَّ فَقَالَ: مَا يُجْلِسُكَ هَاهُنَا؟  
 فَقُلْتُ: أَنْتَظِرُ مَوْلَى لَنَا.  
 قَالَتْ: فَقَالَ لِي: أَعْتَقْتُمُوهُ؟  
 قُلْتُ: لَا، وَ لَكِنْ أَعْتَقْنَا أَبَاهُ.  
 فَقَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ مَوْلَاكُمْ هَذَا أَخُوكُمْ وَ ابْنُ عَمَّتِكُمْ، إِنَّمَا الْمَوْلَى الَّذِي جَرَتْ  
 عَلَيْهِ النُّعْمَةُ، فَإِذَا جَرَتْ عَلَى أَبِيهِ وَ جَدِّهِ فَهُوَ ابْنُ عَمَّتِكَ وَ أَخُوكَ.

## بخش هیجدهم

## [ چند روایت نکته دار ]

۱ - حسن بن مسلم گوید: عمه‌ام برای من تعریف کرد و گفت: من در کنار کعبه نشسته  
 بودم، ناگاه امام صادق عليه السلام وارد شد، وقتی مرا دید به سوی من آمد و به من سلام کرد و  
 فرمود: چرا این جا نشسته‌ای؟!  
 عرض کردم: منتظر برده خود هستم.  
 فرمود: آیا او را آزاد کرده‌ای؟  
 عرض کردم: نه؛ بلکه پدرش را آزاد کرده‌ایم.  
 فرمود: او، برده شما نیست؛ بلکه برادر و پسرعموی شماست؛ چرا که او برده کسی  
 است که نعمت آزادی بر او جاری کرد. پس هنگامی که این نعمت بر پدر و جدش جاری  
 شد، آن برده پسر عمو و برادر تو شد.

۲ - عَنْهُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:

إِنَّمَا الْمَوْلَى الْجَلِيبُ الْعَتِيقُ وَابْنُهُ عَرَبِيٌّ وَابْنُ ابْنِهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعِيَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ فَقَالَ لِي: مَنْ هَذَا؟

فَقُلْتُ: مَوْلَى لَنَا.

فَقَالَ: أَعْتَقْتُمُوهُ أَوْ أَبَاهُ؟

فَقُلْتُ: بَلْ أَبَاهُ.

فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا مَوْلَاكَ هَذَا أَخُوكَ وَ ابْنُ عَمِّكَ وَ إِنَّمَا الْمَوْلَى هُوَ الَّذِي جَرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ فَإِذَا جَرَتْ عَلَى أَبِيهِ فَهُوَ أَخُوكَ وَ ابْنُ عَمِّكَ.

---

۲ - عبدالله بن جندب در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همانا برده‌ای گرفته شده و آزاد شده، فرزند او عربی است و فرزند فرزند او از شماس است.

۳ - بکر بن محمد ازدی گوید: به همراه علی بن عبدالعزیز خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب شدم، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود: او کیست؟

عرض کردم: برده خانوادگی ماست.

فرمود: او را آزاد کرده‌اید یا پدرش را؟

عرض کردم: بلکه پدرش را آزاد کرده‌ایم.

فرمود: او، برده تو نیست. او برادر و پسر عموی توست و به راستی که برده کسی است که نعمت آزادی بر او جاری کرده، بنابراین هنگامی که این نعمت بر پدرش جاری شد، او برادر و پسر عموی تو خواهد بود.

- ۴ - بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جُوَيْرَةَ قَالَتْ: مَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْتَظِرُ مَوْلَى لَنَا، فَقَالَ: يَا أُمَّ عَثْمَانَ! مَا يُقِيمُكَ هَاهُنَا؟  
فَقُلْتُ: أَنْتَظِرُ مَوْلَى لَنَا.  
فَقَالَ: أَعْتَقْتُمُوهُ؟  
فَقُلْتُ: لَا.  
فَقَالَ: أَعْتَقْتُمْ أَبَاهُ؟  
قُلْتُ: لَا، أَعْتَقْنَا جَدَّهُ.  
فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا مَوْلَاكُمْ، بَلْ هَذَا أَخُوكُمْ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صُحْبَةُ عِشْرِينَ سَنَةً قَرَابَةٌ.

- ۴ - جویره گوید: من در کنار کعبه نشسته بودم و منتظر برده خود بودم ناگاه امام صادق عليه السلام وارد شد، به من فرمود: چرا این جا نشسته‌ای؟!  
عرض کردم: منتظر برده خودمان هستم.  
فرمود: آیا او را آزاد کرده‌اید؟  
عرض کردم: نه.  
فرمود: آیا پدرش را آزاد کرده‌اید؟  
گفتم: نه؛ بلکه جد او را آزاد کرده‌ایم.  
فرمود: او، برده شما نیست؛ بلکه برادر شماست.
- ۵ - حسین بن علوان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مصاحبت بیت سالیانه همان خویشاوندی است.

(۱۹)

**بَابُ الْإِبَاقِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

ثَلَاثَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ صَلَاةً؛ أَحَدُهُمْ: الْعَبْدُ الْأَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنَّهُ سَأَلَ رَجُلٌ يَتَخَوَّفُ إِبَاقَ مَمْلُوكِهِ أَوْ يَكُونُ الْمَمْلُوكُ قَدْ أَبَقَ أَيْقِيْدَهُ أَوْ يَجْعَلُ فِي رَقَبَتِهِ رَايَةً؟

**بخش نوزدهم****حکم فرار بردگان**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

سه گروهند که خداوند هیچ نمازی را از آنان نمی پذیرد: یکی از آنان برده فراری است تا هنگامی که نزد مولایش بازگردد.

۲ - زید شحام گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیده شد: مردی بیم دارد که برده اش فرار کند یا پیش تر برده اش فرار کرده بود؛ آیا می تواند پایش را به بند بکشد و یا در گردش قلاده بیفکند؟

فَقَالَ: إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ بَعِيرٍ تَخَافُ شِرَادَهُ فَإِذَا خِفْتَ ذَلِكَ فَاسْتَوْثِقْ مِنْهُ، وَ لَكِنَّ أَشْبِعُهُ وَ اكْسُهُ.

قُلْتُ: وَ كَمْ شِبْعُهُ؟

فَقَالَ: أَمَّا نَحْنُ فَنَزْرُقُ عِيَالَنَا مُدَّيْنٍ مِنْ تَمْرٍ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَدْ أَبَقَ مِنْهُ مَمْلُوكُهُ يَجُوزُ أَنْ يُعْتِقَهُ فِي كَفَّارَةِ الظُّهَارِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يَعْرِفْ مِنْهُ مَوْتًا.

قَالَ أَبُو هَاشِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَ كَانَ سَأَلَنِي نَصْرُ بْنُ عَامِرٍ الْقُمِّيُّ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فرمود: چنین برده‌ای به سان شتری سرکش است، پس هرگاه چنین بی‌بی نسبت به

برده‌ات داشتی از او عهد و پیمان بگیری، ولی او را سیرکن و بپوشان.

زید گوید: عرض کردم: حدّ سیری چه مقدار است؟

فرمود: ما به خانواده خود دو مدّ خرما می‌دهیم.

۳ - ابوهاشم جعفری گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: برده‌ی فردی فرار کرده است؛ آیا

می‌تواند او را در کفّاره ظهار آزاد کند؟

فرمود: تا مرگ برده فراری روشن نشده، چنین کاری ایرادی ندارد.

ابوهاشم گوید: نصر بن عامر قمی از من درخواست کرد که این مسأله را از امام عليه السلام

پپرسم.

۴ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم:

سَأَلَتْهُ عَنْ جَارِيَةٍ مُدَبَّرَةٍ أَبَقَتْ مِنْ سَيِّدِهَا مُدَّةَ سِنِينَ كَثِيرَةٍ ثُمَّ جَاءَتْ مِنْ بَعْدِ مَا مَاتَ سَيِّدُهَا بِأَوْلَادٍ وَ مَتَاعٍ كَثِيرٍ وَ شَهِدَ لَهَا شَاهِدَانِ أَنَّ سَيِّدَهَا قَدْ كَانَ دَبَّرَهَا فِي حَيَاتِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْبُقَ .

قَالَ: فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَرَى أَنَّهَا وَ جَمِيعَ مَا مَعَهَا فَهَوَ لِلْوَرَثَةِ .  
قُلْتُ: لَا تُعْتَقُ مِنْ ثَلَاثِ سَيِّدِهَا؟

قَالَ: لَا، لِأَنَّهَا أَبَقَتْ عَاصِيَةً لِلَّهِ وَ لِسَيِّدِهَا فَأَبْطَلَ الْإِبَاقُ التَّدْبِيرَ .  
۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِي جُعْلِ الْآبِقِ الْمُسْلِمِ يُرَدُّ عَلَى الْمُسْلِمِ .  
وَ قَالَ عليه السلام: فِي رَجُلٍ أَخَذَ آبِقًا فَأَبَقَ مِنْهُ .  
قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ .

مولا با کنیزش قرار می‌گذارد که بعد از مرگ او آزاد باشد، ولی کنیز فرار می‌کند و سال‌ها مخفی می‌ماند و بعد از مرگ مولا با فرزندان متعدد و کالای فراوان باز می‌گردد و دو تن شاهد گواهی می‌دهند که مولا قبل از فرار این کنیز به او وعده داده بود که بعد از مرگ وی آزاد باشد. (اینک تکلیف او چیست؟)

فرمود: به نظر من کنیز با تمام کالایی که همراه دارد از آن وارثان مولاست.

عرض کردم: آیا از سهم ثلث مولا آزاد نمی‌شود؟

فرمود: نه، چون با فرار خود از فرمان خدا و فرمان مولایش سرپیچی کرده و از این رو وعده آزادی او باطل شده است.

۵ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی عليه السلام درباره حق جعاله برده فراری مسلمان فرمود: به مسلمان برگشت داده می‌شود.

و درباره مردی که برده‌ای فراری را دستگیر نمود اما برده از چنگش گریخت فرمود: چیزی بر عهده او نیست.

- ۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمَمْلُوكُ إِذَا هَرَبَ وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ مِصْرِهِ لَمْ يَكُنْ أَبِقًا.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ عَبْدًا أَبَقًا فَأَخَذَهُ وَ أَفَلَتَ مِنْهُ الْعَبْدُ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. قُلْتُ: فَأَصَابَ جَارِيَةً قَدْ سُرِقَتْ مِنْ جَارٍ لَهُ فَأَخَذَهَا لِأُتَيْتُ بِهَا فَتَفَقْتُ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَصِمَ إِلَيْهِ فِي رَجُلٍ أَخَذَ عَبْدًا أَبَقًا وَ كَانَ مَعَهُ ثَمٌّ هَرَبَ مِنْهُ.

- ۶- یکی از اصحاب ما در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه برده‌ای بگریزد، ولی اما از شهر خارج نشود، فراری محسوب نمی‌گردد.
- ۷- حسن بن صالح گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر انسان برده‌ فراری کسی را پیدا کند و بگیرد تا به صاحبش برگرداند، ولی برده مجدداً از چنگ او فرار کند (آیا مسئولیتی دارد؟) فرمود: مسئولیتی ندارد.
- عرض کردم: کنیزی را از همسایگان ما ربوده‌اند، اگر انسان کنیز را بجوید و نگه دارد تا به صاحبش برساند، اما کنیز بمیرد (مسئولیتی دارد؟) فرمود: مسئولیتی ندارد.
- ۸- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نزد امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شکایت شد که برده‌ای فراری را دستگیر نموده و برده همراهش بوده سپس گریخته است.

قَالَ: يَحْلِفُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا سَلَبَهُ نِيَابَهُ وَلَا شَيْئًا مِمَّا كَانَ عَلَيْهِ وَلَا بَاعَهُ وَلَا دَاهَنَ فِي إِزْسَالِهِ فَإِذَا حَلَفَ بَرِيءٌ مِنَ الضَّمَانِ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ جُعْلِ الْآبِقِ وَالضَّالَّةِ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي

حَمَزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَيْسَ فِي الْإِبَاقِ عُهْدَةٌ.

تَمَّ كِتَابُ الْعُنُقِ وَالتَّدْبِيرِ وَ الْكِتَابَةِ . وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الصَّيْدِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

فرمود: باید به خداوندی که معبودی جز او نیست سوگند یاد کند که لباس برده و همین طور چیزهایی را که همراهش بوده درنیاورده و برده را نفروخته و درگریختن برده کوتاهی نکرده است. پس هرگاه سوگند یاد کرد از ضامن بودن رها می شود.

۹ - علی بن جعفر علیه السلام برادر امام کاظم علیه السلام گوید: از آن حضرت درباره گرفتن حق جعاله

برای دستگیری برده فراری و شخص مفقود شده پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد.

۱۰ - محمد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: در مورد فرار کردن برده تکلیفی نیست.

کتاب احکام بردگان پایان یافت، حمد و سپاس از آن خدایی که پرورش دهنده

جهانیان است و درود و سلام بر بهترین آفریدگان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او

و ان شاء الله کتاب احکام شکار در پی خواهد آمد.



# كِتَابُ الصَّيْدِ

---

كِتَاب

احكام شكار

---

(۱)

**بَابُ صَيْدِ الْكَلْبِ وَ الْفَهْدِ**

۱ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلْعَكَبْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عز وجل: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمُ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ﴾ قَالَ: هِيَ الْكِلَابُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْهُمَا عليهما السلام جَمِيعاً أَنَّهُمَا قَالَا:

**بخش یکم****حکم شکار سگ و پلنگ**

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در کتاب حضرت علی عليه السلام درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «شکار حیوانات و سگ های آموخته» این گونه آمده است: منظور از آنها، سگ های شکاری هستند.

۲ - محمد بن مسلم و عمران گویند: امام (باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام) فرمودند:

درباره سگ شکاری که فردی در پی شکار روان می کند و نام خدا را می برد فرمودند:

- فِي الْكَلْبِ يُرْسِلُهُ الرَّجُلُ وَ يُسَمِّي .  
 قَالَا: إِنْ أَخَذَهُ فَأَذْرَكَتْ ذَكَاتَهُ فَذَكَّهُ ، وَإِنْ أَدْرَكَتَهُ وَ قَدْ قَتَلَهُ وَ أَكَلَ مِنْهُ فَكُلْ مَا  
 بَقِيَ وَ لَا تَرَوْنَ مَا تَرَوْنَ فِي الْكَلْبِ .
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ  
 اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ سَالِمِ الْأَشَلِّ قَالَ :  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْكَلْبِ يُمْسِكُ عَلَى صَيْدِهِ وَ قَدْ أَكَلَ مِنْهُ .  
 قَالَ : لَا بَأْسَ بِمَا أَكَلَ وَ هُوَ لَكَ حَلَالٌ .
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَالِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ  
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ  
 عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ :  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُسْرِحُ كَلْبَهُ الْمُعَلَّمِ وَ يُسَمِّي إِذَا سَرَّحَهُ .

شکار سگ حلال خواهد بود. اگر سگ، شکار خود را نگه داشته باشد و تو به موقع  
 رسیدی، آن را ذبح کن، و اگر موقعی بر سر شکار رسیدی که سگ آن را کشته و مقداری از  
 آن را خورده باشد، مانده سگ حلال است و آنچه در سگ خواهید دید در غیر اعضا  
 نخواهید دید.

۳- سالم اشل گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر سگ، شکار خود را نگه دارد، ولی  
 بخشی از آن را خورده باشد، چه صورت دارد؟  
 فرمود: نیم خورده سگ مانعی ندارد و برای تو حلال است.

۴- ابو عبیده حداء گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شکارچی سگ تعلیم دیده را  
 به سوی شکار روان سازد و نام خدا را ببرد، کفایت می کند؟

فَقَالَ: يَا كُلُّ مِمَّا أَمْسَكَ عَلَيْهِ، فَإِذَا أَدْرَكَهُ قَبْلَ قَتْلِهِ ذَكَاهُ وَإِنْ وَجَدَ مَعَهُ كَلْبًا غَيْرَ مُعَلَّمٍ فَلَا يَأْكُلُ مِنْهُ.

فَقُلْتُ: فَالْفَهْدُ؟

قَالَ: إِذَا أَدْرَكَتَ ذَكَاتَهُ فَكُلْ وَإِلَّا فَلَا.

قُلْتُ: أَلَيْسَ الْفَهْدُ بِمَنْزِلَةِ الْكَلْبِ؟

فَقَالَ لِي: لَيْسَ شَيْءٌ مُكَلَّبٌ إِلَّا الْكَلْبُ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا قَتَلْتُ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ وَذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُلُّوا مِنْهُ، وَ مَا قَتَلْتَ

الْكِلَابُ الَّتِي لَمْ تُعَلِّمُوهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُدْرِكُوهُ فَلَا تَطْعَمُوهُ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَمِيلِ بْنِ

دَرَّاجٍ قَالَ: حَدَّثَنِي حَكَمُ بْنُ حُكَيْمٍ الصَّيْرَفِيُّ قَالَ:

فرمود: اگر شکار خود را سالم نگه داشته باشد، شکارچی می تواند از شکار آن تناول کند و اگر پیش از جان دادن شکار برسد، باید شکار را ذبح کند، و اگر شکارچی ببیند که یک سگ تعلیم ندیده در شکار حیوان با سگ او شریک شده است، نباید از شکار آن دو سگ تناول کند.

عرض کردم: صیدی که با پلنگ تربیت شده شکار شود، چه صورت دارد؟

فرمود: اگر به موقع رسیدی، صید پلنگ را ذبح کن و تناول کن و گرنه از آن تناول مکن.

عرض کردم: مگر پلنگ شکاری مانند سگ شکاری نیست؟

فرمود: جز سگ شکاری، هیچ حیوانی «گیرنده» نیست.

۵- محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

از گوشت حیواناتی که سگان شکاری کشته اند و بر آن نام خدا برده شده میل کنید و هر

صیدی را که سگ های تعلیم ندیده پیش از سر رسیدن شما بکشند نباید از گوشت آنها

میل کنید.

۶- حکم بن حکیم صیرفی گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: مَا تَقُولُ فِي الْكَلْبِ يَصِيدُ الصَّيْدَ فَيَقْتُلُهُ؟  
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ إِذَا قَتَلَهُ وَ أَكَلَ مِنْهُ، فَإِنَّمَا أَمْسَكَ عَلَى نَفْسِهِ فَلَا تَأْكُلُهُ.

فَقَالَ: كُلُّ، أَوْ لَيْسَ قَدْ جَامَعُوكُمْ عَلَى أَنْ قَتَلَهُ ذَكَاتُهُ؟  
قَالَ: قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَمَا يَقُولُونَ فِي شَاةٍ ذَبَحَهَا رَجُلٌ أَ ذَكَاهَا؟  
قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَإِنَّ السَّبْعَ جَاءَ بَعْدَ مَا ذَكَاهَا فَأَكَلَ مِنْهَا بَعْضُهَا أَيْوُكُلُ الْبَقِيَّةِ؟  
قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَإِذَا أَجَابُوكَ إِلَى هَذَا فَقُلْ لَهُمْ: كَيْفَ تَقُولُونَ إِذَا ذَكَّى ذَلِكَ وَ أَكَلَ مِنْهَا لَمْ  
تَأْكُلُوا وَإِذَا ذَكَاهَا هَذَا وَ أَكَلَ أَكَلْتُمْ؟

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر سگ شکاری صید خود را بکشد، چه صورت دارد؟  
فرمود: خوردن سگ از آن شکار مانعی ندارد.  
عرض کردم: مردم می گویند: «اگر سگ شکاری صید خود را بکشد و از آن بخورد،  
معلوم می شود برای خودش شکار کرده است و از این رو خوردن شکار سگ حلال نیست».  
فرمود: از گوشت شکار سگ تناول کن؛ مگر آنان با شما در این مسئله موافق نیستند که کشته  
شدن شکار به وسیله سگ، همان ذبح و تذکیه شکار است؟

عرض کردم: آری.  
فرمود: پس آنان چه می گویند که اگر قصابی گوسفندی را ذبح کند، آیا حلال نمی شود؟  
عرض کردم: چرا.  
فرمود: حال اگر حیوان درنده بیاید و قسمتی از گوشت گوسفند را بخورد، آیا مانده  
گوشت گوسفند حلال نخواهد بود؟  
عرض کردم: چرا.

فرمود: پس اگر آنان به این پرسش پاسخ مثبت دادند به آنان بگو: چگونه است که وقتی  
سگ شکاری گوسفند را بکشد و تذکیه کند و بعد از گوشت گوسفند بخورد، شما مانده آن  
را نمی خورید، اما اگر قصابی همان گوسفند را بکشد و تذکیه کند و حیوانی بیاید از گوشت  
گوسفند بخورد، شما از مانده آن می خورید؟

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَرْسَلَ كَلْبَهُ فَأَذْرَكَهُ وَ قَدْ قَتَلَ. قَالَ: كُلُّ وَ إِنْ أَكَلَ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُرْسِلُ الْكَلْبَ عَلَى الصَّيْدِ فَيَأْخُذُهُ وَ لَا يَكُونُ مَعَهُ سِكِّينٌ يُدْكِيهِ بِهَا أَيْدِعُهُ حَتَّى يَقْتُلَهُ وَ يَأْكُلُ مِنْهُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ، قَالَ اللَّهُ تعالى: ﴿ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ ﴾ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُؤْكَلَ مِمَّا قَتَلَ الْفَهْدُ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:

۷- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شکارچی سگ خود را در پی شکار روان سازد و خود موقعی سر برسد که سگ، شکار خود را کشته باشد، آیا گوشت آن شکار حلال است؟

فرمود: اگر هم از گوشت شکار خورده باشد، حلال است.

۸- جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شکارچی، سگ خود را در پی شکار می فرستد و سگ، شکار خود را می گیرد و نگه می دارد و شکارچی سر می رسد اما کاردی به همراه ندارد که شکار سگ را ذبح کند، آیا می تواند سگ را با شکارش و بپزند تا او را بکشد و بعد از گوشت آن تناول کند؟

فرمود: مانعی ندارد. خداوند متعال می فرماید: «پس از آن چه حیوانات شکاری برای شما نگه می دارند، بخورید» ولی خوردن شکاری که پلنگ شکاری کشته باشد، روا نیست.

۹- ابوبکر حضرمی گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَيْدِ الْبُزَاةِ وَالصُّقُورِ وَالْكَلْبِ وَالْفَهْدِ .  
فَقَالَ: لَا تَأْكُلْ صَيْدَ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمُوهُ إِلَّا الْكَلْبَ الْمُكَلَّبَ .  
قُلْتُ: فَإِنْ قَتَلَهُ .

قَالَ: كُلْ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ... فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ  
عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾ .

۱۰- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سَعِيدِ  
بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ يَقُولُ:

كُلْ مِمَّا أَمْسَكَ الْكَلْبُ وَإِنْ أَكَلَ ثُلُثِيهِ .

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
الْكِلَابُ الْكُرْدِيَّةُ إِذَا عَلِمَتْ فِيهِ بِمَنْزِلَةِ السَّلُوقِيَّةِ .

۱۲- وَ عَنْهُ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سَالِمِ الْأَثَلِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَيْدِ الْكَلْبِ الْمَعْلَمِ قَدْ أَكَلَ مِنْ صَيْدِهِ .

از امام صادق علیه السلام درباره شکار باز، شاهین، سگ و پلنگ پرسیدم.  
فرمود: از شکار این حیوانات تناول مکن مگر در صورتی که پیش از جان دادن شکار  
برسی و آن را تذکیه نمایی. جز شکار سگ گیرنده.

عرض کردم: اگر سگ گیرنده شکار خود را بکشد، چه؟

فرمود: تناول کن؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «و شکار حیوانات شکاری گیرنده از  
گوشت آن شکاری که برای شما نگه داشته اند تناول کنید و نام خدا را بر آن یاد کنید».

۱۰- سعید بن مسیب گوید: از سلمان شنیدم که می گفت:

از گوشت هر صیدی را که سگ شکاری نگه دارد، میل کن! گرچه سگ دو سوم آن را  
خورده باشد.

۱۱- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه سگ های «کردی» تعلیم ببینند، به سان سگ های «سلوقی»<sup>(۱)</sup> به شمار می آیند.

۱۲- سالم اشل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر سگ تعلیم دیده از شکار خود

بخورد (چه حکمی دارد؟)

۱- سلوق: روستایی در یمن است.



قَالَ: كُلُّ مِنْهُ.

۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ أَرْسَلَ كَلْبَهُ فَأَخَذَ صَيْدًا فَأَكَلَ مِنْهُ أَكُلًا مِنْ فَضْلِهِ.

فَقَالَ: كُلُّ مِمَّا قَتَلَ الْكَلْبُ إِذَا سَمَّيْتَهُ عَلَيْهِ فَإِنْ كُنْتَ نَاسِيًا فَكُلْ مِنْهُ أَيْضًا وَكُلُّ فَضْلُهُ.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ فِي صَيْدِ الْكَلْبِ: إِنَّ أَرْسَلَهُ الرَّجُلُ وَ سَمَّى فَلْيَأْكُلْ مِمَّا أَمْسَكَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَتَلَ وَإِنْ أَكَلَ فَكُلْ مَا بَقِيَ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ مُعَلَّمٍ يُعَلِّمُهُ فِي سَاعَتِهِ ثُمَّ يُرْسِلُهُ فَيَأْكُلْ مِنْهُ، فَإِنَّهُ مُعَلَّمٌ.

فرمود: از شکار آن تناول کن.

۱۳ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی سگ شکاری خود را برای شکار می‌فرستد، سگ صیدی را شکار می‌کند و از آن می‌خورد؛ آیا این شخص می‌تواند مانده آن را میل کند؟

فرمود: در صورتی که بسم الله گفته‌ای، از صیدی که سگ آن را کشته است بخور. پس اگر بسم الله را فراموش کردی، باز هم می‌توانی از آن بخوری و از مانده آن هم می‌توانی بخوری.

۱۴ - زراره گوید: امام صادق علیه السلام درباره شکار با سگ فرمود:

اگر شکارچی، سگ را از پی صید روان سازد و نام خدا را ببرد، می‌تواند از گوشت آن شکار بخورد، گرچه شکار خود را کشته باشد، حتی اگر از گوشت شکار خورده باشد، مابقی را می‌تواند بخورد. و اگر سگ او تعلیم ندیده نباشد، در همان ساعات اول تعلیمات لازم را به او بدهد، سپس او را به سوی شکار خود روانه سازد می‌تواند از شکار او بخورد؛ چرا که تعلیمات لازم را به او یاد داده است.

فَأَمَّا خِلَافُ الْكَلْبِ مِمَّا يَصِيدُ الْفَهْدُ وَ الصَّفْرُ وَ أَشْبَاهَهُ ذَلِكَ فَلَا تَأْكُلُ مِنْ صَيْدِهِ إِلَّا مَا أَدْرَكَتْ ذَكَاتَهُ، لِأَنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿مُكَلَّبِينَ﴾ فَمَا كَانَ خِلَافَ الْكَلْبِ فَلَيْسَ صَيْدُهُ مِمَّا يُؤْكَلُ إِلَّا أَنْ تُدْرِكَ ذَكَاتَهُ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَيْدِ الْبَارِزِيِّ وَ الْكَلْبِ إِذَا صَادَ وَ قَدْ قَتَلَ صَيْدَهُ وَ أَكَلَ مِنْهُ أَكْلًا فَضْلَهُمَا أَمْ لَا؟

فَقَالَ ﷺ: أَمَّا مَا قَتَلْتَهُ الطَّيْرُ فَلَا تَأْكُلُهُ إِلَّا أَنْ تُذَكِّيَهُ، وَ أَمَّا مَا قَتَلَهُ الْكَلْبُ وَ قَدْ ذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ ﷻ عَلَيْهِ فَكُلْ وَ إِنْ أَكَلَ مِنْهُ.

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

اما شکار دیگر درندگان - جز سگ - از قبیل پلنگ، شاهین و امثال آن دو، اگر به شکار بپردازند از صید آن‌ها نخور مگر آن که پیش از جان دادن شکار، خود را برسانی و آن را ذبح کنی؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «تعلیم درندگان» پس هر درنده‌ای که از تیره سگ‌ها نباشد، شکار آن درنده قابل خوردن نیست، مگر آن که نیمه جان بر سر شکار برسی و آن را ذبح کنی.

۱۵ - حلبی گوید: از امام صادق ﷺ سؤال شد: هرگاه حیوانی را باز شکاری و سگ شکاری به قتل برساند و از آن بخورند؛ آیا می‌توان مانده آن را خورد؟  
فرمود: از گوشت صیدی که پرندۀ آن را شکار کرده نخور، مگر آن که آن را ذبح کنی؛ ولی گوشت صیدی که سگ آن را شکار کرده و بسم الله گفته‌ای بخور؛ گرچه سگ از شکار خورده باشد.

۱۶ - قاسم بن سلیمان گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ كَلْبٍ أَفَلَتَ وَ لَمْ يُرْسِلْهُ صَاحِبُهُ فَصَادَ فَأَذْرَكَهُ صَاحِبُهُ  
وَ قَدْ قَتَلَهُ أَيُّ كَلٍّ مِنْهُ؟  
فَقَالَ: لَا.

وَ قَالَ عليه السلام: إِذَا صَادَ وَ قَدْ سَمِيَ فَلْيَأْكُلْ وَ إِنْ صَادَ وَ لَمْ يُسَمَّ فَلَا يَأْكُلْ وَ هَذَا مِنْ  
﴿ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ ﴾.

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَبِي مَالِكٍ  
الْحَضْرَمِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُرْسِلُ الْكَلْبَ وَ أُسَمِّي عَلَيْهِ فَيَصِيدُ وَ لَيْسَ مَعِيَ مَا أُذَكِّيهِ  
بِهِ؟

قَالَ: دَعُهُ حَتَّى يَفْتُلَهُ وَ كُلْ.

۱۸ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر سگ شکاری، خود را از بند صید برهاند و بی فرمان  
شکارچی در پی شکار روان گردد و صیدی را شکار کند و شکارچی موقعی برسد که سگ  
شکار خود را کشته باشد، آیا می‌تواند از گوشت آن شکار بخورد؟  
فرمود: نه.

و فرمود: اگر شکارچی صید کند و نام خدا را برده باشد، می‌تواند از آن شکار تناول کند،  
و اگر نام خدا را نبرده باشد، از گوشت آن شکار نخورد و این شرط نیز از همان «صید  
حیوانات شکاری و سگ‌های تربیت یافته» است.

۱۷ - جمیل بن درّاج گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر من سگ شکاری خود را  
روانه سازم و نام خدا را ببرم و سگ شکار خود را بگیرد، ولی همراه من کاردی نباشد که  
شکار خود را ذبح کنم (چه کار کنم؟)

فرمود: سگ را با شکار واگذار تا او را بکشد و بعد از گوشت شکار بخورد.

۱۸ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أُرْسِلَ الرَّجُلُ كَلْبَهُ وَ نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ ذَبَحَ وَ نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ ،  
وَ كَذَلِكَ إِذَا رَمَى بِالسَّهْمِ وَ نَسِيَ أَنْ يُسَمِّيَ .

۱۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ  
عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ أُرْسَلُوا كِلَابُهُمْ وَ هِيَ مُعَلَّمَةٌ كَلُّهَا وَ قَدْ سَمَّوْا عَلَيْهَا فَلَمَّا أَنْ  
مَضَتْ الْكِلَابُ دَخَلَ فِيهَا كَلْبٌ غَرِيبٌ لَمْ يَعْرِفُوا لَهُ صَاحِبًا فَاشْتَرَكْنَ جَمِيعًا فِي  
الصَّيْدِ .

فَقَالَ : لَا يُؤْكَلُ مِنْهُ لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي أَخَذَهُ مُعَلَّمٌ أَمْ لَا .

۲۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

الْكَلْبُ الْأَسْوَدُ الْبَهِيمُ لَا يُؤْكَلُ صَيْدُهُ ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِقَتْلِهِ .

اگر شکارچی سگ را بفرستد و فراموش کند نام خدا را ببرد، به سان آن است که قصاب  
هنگام ذبح گوسفند فراموش کرده باشد نام خدا را ببرد. همین گونه است شکار با تیر آن گاه  
که نام خدا را فراموش کند.

۱۹ - ابوبصیر گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: گروهی سگ‌های خود را برای شکار  
فرستادند. همه آن سگ‌ها آموزش دیده بودند و آن گروه «بسم الله» نیز گفته بودند. هنگامی  
که سگ‌ها رفتند، یک سگ ناشناس نیز به میان آن‌ها رفت. آن‌ها صاحب سگ را  
نمی‌شناختند. همه سگ‌ها در شکار شرکت داشتند (تکلیف چیست؟)  
فرمود: نباید از گوشت آن شکار میل شود؛ زیرا نمی‌دانی که سگ آموزش دیده آن را  
صید نموده است یا نه.

۲۰ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

شکار سگ سیاه را نمی‌توان خورد؛ زیرا پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به کشتن چنین سگی دستور فرمود.

(۲)

## بَابُ صَيْدِ الْبُرَاةِ وَ الصُّقُورِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ

۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

كَانَ أَبِي عليه السلام يُفْتِي وَ كَانَ يَتَّقِي وَ نَحْنُ نَخَافُ فِي صَيْدِ الْبُرَاةِ وَ الصُّقُورِ، وَ أَمَّا الْآنَ فَإِنَّا لَا نَخَافُ وَ لَا نُجَلُّ صَيْدَهَا إِلَّا أَنْ تُدْرِكَ ذَكَائَهُ، فَإِنَّهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام: أَنَّ اللَّهَ تعالى يَقُولُ: ﴿ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ ﴾ فِي الْكِلَابِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

## بخش دوم

## حکم شکار باز و شاهین و پرندگان شکاری دیگر

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پدرم امام باقر عليه السلام در زمان خود صاحب فتوا بود، در آن موقع نسبت به شکار باز و شاهین تقیه می‌کردیم؛ ولی اینک بیمی در میان نیست و تقیه نخواهیم کرد، از این رو حیوانی که توسط باز و شاهین شکار می‌شود حلال نمی‌دانیم، مگر موقعی که نیمه جان بر سر شکار برسی و او را ذبح کنی. در کتاب امیرمؤمنان علی عليه السلام آمده است که خداوند متعال درباره سگ‌های شکاری می‌فرماید: «و صید حیوانات شکاری و سگ‌های آموخته» منظور سگ‌ها هستند.

۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أُرْسِلَتْ بَازًا أَوْ صَفْرًا أَوْ عُقَابًا فَلَا تَأْكُلُ حَتَّى تُدْرِكَهُ فَتَذَكِّيَهُ وَإِنْ قَتَلَ فَلَا تَأْكُلُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أُرْسِلَ كَلْبُهُ وَصَفْرُهُ.

فَقَالَ: أَمَّا الصَّفْرُ فَلَا تَأْكُلُ مِنْ صَيْدِهِ حَتَّى تُدْرِكَ ذَكَاتَهُ، وَأَمَّا الْكَلْبُ فَكُلْ مِنْهُ إِذَا ذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَكَلَ الْكَلْبُ مِنْهُ أَمْ لَمْ يَأْكُلْ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

أَنَّهُ كَرِهَ صَيْدَ الْبَازِي إِلَّا مَا أُدْرِكَتْ ذَكَاتُهُ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

هرگاه باز یا شاهین یا عقابی را برای شکار فرستادی، از شکار آن نخور مگر آن که آن را زنده بیابی و ذبح کنی و اگر شکار را کشته باشد، از آن نخور.

۳- عبدالله بن سلیمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شکارچی سگ و یا شاهین خود را برای شکار روانه سازد (شکار او حلال است؟)

فرمود: از شکار شاهین تناول مکن، جز در صورتی که نیمه جان شکار خود را دریابی و ذبح کنی. از شکار سگ تناول کن، در صورتی که نام خدا را بر آن برده باشی، خواه سگ شکاری از گوشت خورده باشد خواه نخورده باشد.

۴- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام از شکاری که توسط باز می شد اظهار کراهت می کرد، مگر آن که نیمه جانی داشته باشد تا او را ذبح کنند.

۵- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَرْسَلَ بَازَةً أَوْ كَلْبَهُ فَأَخَذَ صَيْدًا وَ أَكَلَ مِنْهُ أَكْلٌ مِنْ فَضْلِهِمَا.

فَقَالَ: لَا مَا قَتَلَ الْبَازِي فَلَا تَأْكُلُ مِنْهُ إِلَّا أَنْ تَدْبَحَهُ.

۶- أَبَانُ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَيْدِ الْبَازِي وَ الصَّغْرِ.

فَقَالَ: لَا تَأْكُلُ مَا قَتَلَ الْبَازِي وَ الصَّغْرُ وَ لَا تَأْكُلُ مَا قَتَلَ سِبَاعُ الطَّيْرِ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ

مَجْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْبَازِي وَ الصَّغْرِ وَ الْعُقَابِ؟

فَقَالَ: إِنْ أَدْرَكَتْ ذَكَاتَهُ فَكُلْ مِنْهُ وَ إِنْ لَمْ تُدْرِكْ ذَكَاتَهُ فَلَا تَأْكُلْ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ

الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: مردی باز یا سگ شکاری خود را می فرستد و او صیدی را

می گیرد و از آن می خورد، آیا می توان مانده آن را خورد؟

فرمود: نه، صیدی را که باز کشته نخور مگر آن که آن را ذبح نمایی.

۶- ابو عباس گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شکار باز و شاهین پرسیدم:

فرمود: از گوشت شکار باز و شاهین نخور. هم چنین شکار پرندگان و حشی را نیز نخور.

۷- ابو عبیده حداء گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: نظر شما درباره شکار باز،

شاهین و عقاب چیست؟

فرمود: اگر به موقع خود را به شکار برسانی و او را ذبح کنی، حلال است، وگرنه از

گوشت شکار آنها نخور.

۸- ابان بن تغلب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُفْتِي فِي زَمَنِ بَنِي أُمَيَّةَ أَنَّ مَا قَتَلَ الْبَازِي وَ الصَّغْفَرُ فَهُوَ حَلَالٌ ، وَ كَانَ يَتَّبِعُهُمْ وَ أَنَا لَا أَتَّبِعُهُمْ وَ هُوَ حَرَامٌ مَا قَتَلَ .

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ :  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَيْدِ الْبَازِي إِذَا صَادَ وَ قَتَلَ وَ أَكَلَ مِنْهُ أَكُلَ مِنْ فَضْلِهِ أَمْ لَا ؟

فَقَالَ : أَمَّا مَا أَكَلَتِ الطَّيْرُ فَلَا تَأْكُلُ إِلَّا أَنْ تُذَكِّيَهُ .

۱۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصُّغُورِ وَ الْبَرَازِ وَ عَنْ صَيْدِهَا .  
فَقَالَ : كُلُّ مَا لَمْ يَفْتُلْنَ إِذَا أَدْرَكْتَ ذَكَاتَهُ وَ أَخْرَجْتَ الذَّكَاءَ إِذَا كَانَتِ الْعَيْنُ تَطْرِفُ وَ الرَّجُلُ تَرْكُضُ وَ الذَّنْبُ تَتَحَرَّكُ .

پدرم در زمان بنی امیه فتوا می داد که هر صیدی را که باز و شاهین می کشند، حلال است، پدرم از بنی امیه تقیه می کرد. اما من از آنان تقیه نمی کنم، فتوا می دهم آن چه را که باز و شاهین بکشند حرام است.

۹ - عبدالله بن سنان گوید: اگر باز شکاری صید خود را بکشد و از آن بخورد، می توانم مانده آن را تناول کنم؟

فرمود: لاشه شکار پرندگان شکاری حرام است، مگر آن که شکار زنده باشد و به موقع تذکیه گردد.

۱۰ - لیث مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره بازها، شاهین ها و شکار آنان پرسیدم. فرمود: صیدی را که نکشته باشند، در صورتی که بتوانی آن را ذبح کنی از گوشت آن بخور و پایان تذکیه این است که چشمان صید باز و بسته شود و پاها کمی بجنبند و دم تکان می خورد.



وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَتْ الصُّقُورُ وَ الْبَزَاةُ فِي الْقُرْآنِ .

۱۱ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: لَا تَأْكُلْ مِمَّا قَتَلْتَ سِبَاعَ الطَّيْرِ.

(۳)

### بَابُ صَيْدِ كَلْبِ الْمَجُوسِيِّ وَ أَهْلِ الذِّمَّةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كَلْبِ الْمَجُوسِيِّ يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ فَيَسْمِيهِ حِينَ يُزْبِلُهُ أَيْ يَأْكُلُ مِمَّا أَمْسَكَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، لِأَنَّهُ مُكَلَّبٌ قَدْ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ.

و فرمود: حکم شاهین ها و بازها در قرآن نیامده است.

۱۱ - فضل بن عبدالمملک گوید: حضرتش فرمود:

از گوشت صیدی که پرندگان وحشی کشته اند میل نکن.

### بخش سوم

### حکم شکار سگ آموزش دیده مجوسی و اهل ذمه

۱ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مسلمانان سگ شخص مجوسی را می گیرند و هنگامی که آن را برای شکاری می فرستند بسم الله می گویند؛ آیا می تواند شکار آن را بخورد؟

فرمود: آری؛ زیرا سگ آموزش دیده ای است که بسم الله بر آن گفته شده است.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَيَّابَةَ .  
 قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : إِنِّي أَسْتَعِيرُ كَلْبَ الْمَجُوسِيِّ فَأَصِيدُ بِهِ .  
 فَقَالَ عليه السلام : لَا تَأْكُلْ مِنْ صَيْدِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَّمَهُ مُسْلِمٌ فَتَعَلَّمَهُ .
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
 كَلْبُ الْمَجُوسِيِّ لَا تَأْكُلْ صَيْدَهُ إِلَّا أَنْ يَأْخُذَهُ الْمُسْلِمُ فَيَعَلَّمَهُ وَيُرْسِلَهُ وَكَذَلِكَ  
 الْبَازِي وَكِلَابُ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَبُرَاتُهُمْ حَلَالٌ لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَأْكُلُوا صَيْدَهَا .

(۴)

### بَابُ الصَّيْدِ بِالسَّلَاحِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ  
 بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ :
- 
- ۲ - عبد الرحمان بن سيابه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر من از شکارچیان  
 مجوسی سگی عاریه کنم و با آن به شکار پردازم، چه صورت دارد؟  
 فرمود: از شکاری که توسط آن سگ شکار شده تناول مکن، جز در صورتی که فردی  
 مسلمان آن سگ را تعلیم دهد و آن سگ آموزه اسلامی را فرا گرفته باشد.
- ۳ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
- نباید از شکار سگ شکاری مجوسی تناول کرد مگر این که زیر نظر مسلمانی آموزش  
 ببیند و برای شکار بفرستد و باز شکاری نیز همین حکم را دارد. گوشت شکار سگ‌ها و  
 بازهای اهل ذمه برای مسلمانان حلال است.

### بخش چهارم

### گوشت شکار به وسیله سلاح

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كُلِّ مِنَ الصَّيْدِ مَا قَتَلَ السَّيْفُ وَ السَّهْمُ وَ الرَّمْحُ .  
 وَ سُئِلَ عَنْ صَيْدٍ صَيْدَ فَتَوَزَّعَهُ الْقَوْمُ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ .  
 فَقَالَ : لَا بَأْسَ بِهِ .

۲ - وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ  
 حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ :  
 مَنْ جَرَحَ صَيْدًا بِسِلَاحٍ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ثُمَّ بَقِيَ لَيْلَةً أَوْ لَيْلَتَيْنِ لَمْ يَأْكُلْ  
 مِنْهُ سَبْعَ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ سِلَاحَهُ هُوَ الَّذِي قَتَلَهُ فَيَأْكُلْ مِنْهُ إِنْ شَاءَ .  
 وَ قَالَ : فِي إِيْلِ اضْطَادَهُ رَجُلٌ فَتَقَطَّعَهُ النَّاسُ وَ الرَّجُلُ يَتَّبِعُهُ أَفْتَرَاهُ نُهْبَةً ؟  
 فَقَالَ عليه السلام : لَيْسَ بِنُهْبَةٍ وَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ .

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ :  
 سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّمِيَّةِ يَجِدُهَا صَاحِبِهَا فِي الْعِدَا يَأْكُلُ مِنْهُ ؟  
 فَقَالَ : إِنْ عَلِمَ أَنَّ رَمِيَّتَهُ هِيَ الَّتِي قَتَلْتَهُ فَلْيَأْكُلْ مِنْ ذَلِكَ إِذَا كَانَ قَدْ سَمِيَ .

از گوشت صیدی که به وسیله شمشیر، تیر و نیزه کشته شده تناول کن!  
 پرسیدند: صیدی شکار می شود و پیش از آن که بمیرد شکارچیان آن را تقسیم می کنند  
 (آیا جایز است؟)

فرمود: ایرادی ندارد.

۲ - محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر کس صیدی را زخمی کند و بسم الله گفته باشد، سپس صید همان طور تا یک یا دو  
 شب بماند و هیچ درنده ای از آن نخورد و شکارچی بداند که سلاح او باعث کشته شدن  
 صید شده است؛ اگر بخواهد می تواند از آن صید بخورد.  
 از آن حضرت درباره بز کوهی پرسید که مردی آن را شکار می کند و شکارچیان آن را  
 قطعه قطعه می کنند در حالی که مرد نیز در پی آن می رود. آیا به نظر شما این عمل غارت است؟  
 فرمود: غارت نیست و ایرادی ندارد.

۳ - حریز گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: اگر شکارچی صید تیر خورده خود را فردای  
 شکار بیابد، آیا می تواند از آن تناول کند؟  
 فرمود: اگر بداند که با تیر او کشته شده است، می تواند تناول کند بعد از آن که نام خدا را  
 برده باشد.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَمَى حِمَارًا وَحَشٍ أَوْ ظَبِيًّا فَأَصَابَهُ ثُمَّ كَانَ فِي طَلَبِهِ فَوَجَدَهُ مِنْ الْعِدِّ وَ سَهْمُهُ فِيهِ .  
فَقَالَ : إِنْ عَلِمَ أَنَّهُ أَصَابَهُ وَ أَنَّ سَهْمَهُ هُوَ الَّذِي قَتَلَهُ فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا يَأْكُلْ مِنْهُ .

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عِيسَى الْقُمِّيِّ قَالَ :

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَرْمِي سَهْمِي وَ لَا أَدْرِي أَسَمَّيْتُ أَمْ لَمْ أُسَمِّ ؟  
فَقَالَ : كُلِّ لَا بَأْسَ .

قَالَ : قُلْتُ : أَرْمِي وَ يَغِيبُ عَنِّي فَأَجِدُ سَهْمِي فِيهِ .  
فَقَالَ : كُلِّ مَا لَمْ يُؤْكَلْ مِنْهُ ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ أُكِلَ مِنْهُ فَلَا تَأْكُلْ مِنْهُ .

۴ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شکارچی، گورخر یا آهوا را با تیر بزند و در تعقیب آن برآید و فردای آن روز شکار خود را بیابد که تیر او در جسدش فرو رفته است. (آیا گوشت این شکار حلال است؟)

فرمود: اگر بداند که با تیر او کشته شده، می تواند از گوشت آن تناول کند وگرنه حق ندارد.

۵ - عیسی قمی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من تیر خود را به سوی شکار رها کردم و بعد مردد شدم که آیا نام خدا را بر دم یا نه؟  
فرمود: از گوشت آن تناول کن، مانعی ندارد.

عرض کردم: اگر تیر خود را رها کنم و شکار از نظرم ناپدید شود و بعد او را بیابم در حالی که تیر من در بدنش فرو رفته است (آیا گوشت این شکار حلال است؟)

فرمود: اگر درندگان از آن خورده باشند، تو از آن تناول مکن و اگر درندگان از آن نخورده اند، تناول کن.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّيْدِ يَضْرِبُهُ الرَّجُلُ بِالسِّنْفِ أَوْ يَطْعُنُهُ بِالرُّمْحِ أَوْ يَرْمِيهِ بِسَهْمٍ فَقَتَلَهُ وَ قَدْ سَمِيَ حِينَ فَعَلَ ذَلِكَ. فَقَالَ: كُلُّ لَا بَأْسَ بِهِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّمِيَّةِ يَجِدُهَا صَاحِبُهَا أَيْ كَلَّهَا؟ قَالَ: إِنْ كَانَ يَعْلَمُ أَنَّ رَمِيَّتَهُ هِيَ الَّتِي قَتَلَتْهُ فَلْيَأْكُلْ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

۶- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر انسان نام خدا را ببرد و با شمشیر و کارد بر تن شکار فرود آورد و یا نیزه خود را بر تن او فرو برد و یا تیر پیکان دار به سوی او پرتاب کند و شکار او کشته شود (کفایت می کند؟) فرمود: در هر صورت گوشت شکار حلال است.

۷- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که به طرف شکار تیر پرتاب می کند و بعد آن را می یابد که تیر در جسدش فرو رفته است (آیا گوشت آن حلال است؟) فرمود: اگر بداند با تیر او کشته شده می تواند از گوشت آن بخورد.

۸- محمد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فِي صَيْدٍ وَجَدَ فِيهِ سَهْمٌ وَهُوَ مَيِّتٌ لَا يُدْرَى مَنْ قَتَلَهُ.  
قَالَ: لَا تَطْعَمُهُ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ  
عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَرْمِي الصَّيْدَ فَيَصْرَعُهُ فَيَبْتَدِرُهُ الْقَوْمُ فَيَقْطَعُونَهُ.  
فَقَالَ: كُلُّهُ.

۱۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ  
عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
إِذَا رَمَيْتَ فَوْجَدَتَهُ وَ لَيْسَ بِهِ أَثَرٌ غَيْرُ السَّهْمِ وَ تَرَى أَنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ غَيْرُ سَهْمِكَ  
فَكُلْ غَابَ عَنْكَ أَوْ لَمْ يَغِبْ عَنْكَ.  
۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ  
بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

امیرمؤمنان علی عليه السلام درباره شکاری تیر خورده که مرده است و معلوم نیست که چه  
کسی آن را کشته است فرمود:  
از گوشت آن تناول مکن.

۹ - محمد حلبی گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی شکاری را با تیر هدف قرار می‌دهد و  
آن را بر زمین می‌زند؛ اما گروهی پیش دستی کرده و آن را قطعه قطعه می‌کنند (چه حکمی  
دارد؟)

فرمود: می‌توانی از گوشت آن میل کنی.

۱۰ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر شکار خود را با تیر بزنی و بعد آن را بیابی که غیر از تیر تو، زخم دیگری بر تن ندارد و  
بدانی که فقط با تیر تو کشته شده، از آن تناول کن. خواه، شکار از دیده ناپدید شده باشد و  
یا ناپدید نشده باشد.

۱۱ - سماعه بن مهران گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَرْمِي الصَّيْدَ وَهُوَ عَلَى الْجَبَلِ فَيُخْرِقُهُ السَّهْمُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْجَانِبِ الْآخَرِ.  
قَالَ: كُلُّهُ.

قَالَ: فَإِنْ وَقَعَ فِي مَاءٍ أَوْ تَدَهَّدَهُ مِنَ الْجَبَلِ فَمَاتَ فَلَا تَأْكُلُهُ.  
۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لَا يُرْمَى الصَّيْدُ بِشَيْءٍ هُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ.

(۵)

### بَابُ الْمِعْرَاضِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ وَإِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ:  
أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَمَّا قَتَلَ الْمِعْرَاضَ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر شکار بر سر کوه باشد و شکارچی تیر خود را رها کند و تیر در پهلوی شکار بنشیند و از آن طرف خارج گردد، چه صورت دارد؟  
فرمود: حلال است.

و فرمود: اگر شکار بعد از خوردن تیر، در رودخانه پرتاب شود و یا از فراز کوه درگلتند از گوشت آن نخور.

۱۲ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
شکار نباید با وسیله‌ای بزرگ‌تر از خودش مورد هدف قرار گیرد.

### بخش پنجم

### حکم شکار با تیر چوبی

۱ - زراره و اسماعیل جعفی گویند: از امام باقر علیه السلام پرسیدیم: شکار با معراض<sup>(۱)</sup> (تیر چوبی) چه حکمی دارد؟

۱ - معراض: تیر بی پرکه دو طرفش باریک و وسطش ضخیم است و با پهنای خود به هدف اصابت می‌کند نه با تیزی اش.

- قَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا كَانَ هُوَ مِرْمَاتِكَ أَوْ صَنَعْتَهُ لِذَلِكَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّا صَرَخَ الْمِعْرَاضُ مِنَ الصَّيْدِ.  
 فَقَالَ: إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَبْلٌ غَيْرُ الْمِعْرَاضِ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عز وجل عَلَيْهِ فَلْيَأْكُلْ مَا قَتَلَ.  
 قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ لَهُ نَبْلٌ غَيْرُهُ.  
 قَالَ: لَا.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
 جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 إِذَا رَمَيْتَ بِالْمِعْرَاضِ فَخَرَقَ فَكُلْ وَإِنْ لَمْ يَخْرُقْ وَ اعْتَرَضَ فَلَا تَأْكُلْ.

فرمود: در صورتی که تیر چوبی را وسیله تیراندازی خود قرار داده باشی و یا آن را به خاطر این کار ساخته باشی ایرادی ندارد.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: شکاری که به وسیله تیر چوبی از پای درآید چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر شکارچی تیری غیر از آن نداشته باشد و بسم الله نیز گفته باشد، می تواند از گوشت شکار بخورد.

پرسیدم: اگر شکارچی غیر از آن تیر دیگری هم داشته باشد؟  
 فرمود: نه، جایز نیست.

۳ - ابو عبیده گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر تیر چوبی بدون پیکان به سوی شکار رها کردی و تیر در پهلوی شکار فرو رفت، از گوشت آن بخور و اگر فرو نرفت و مانند عصا بر پهلوی شکار ضربه زد و او را کشت، از گوشت آن نخور.



۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّيْدِ يَرْمِيهِ الرَّجُلُ بِسَهْمٍ فَيُصِيبُهُ مُعْتَرِضاً فَيَقْتُلُهُ وَقَدْ كَانَ سَمَى حِينَ رَمَى وَلَمْ تُصِبْهُ الْحَدِيدَةُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ السَّهْمُ الَّذِي أَصَابَهُ هُوَ الَّذِي قَتَلَهُ فَإِذَا رَأَهُ فَلْيَأْكُلْ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاضِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّيْدِ يُصِيبُهُ السَّهْمُ مُعْتَرِضاً وَلَمْ يُصِبْهُ بِحَدِيدَةٍ وَقَدْ سَمَى حِينَ رَمَى. قَالَ: يَأْكُلُهُ إِذَا أَصَابَهُ وَ هُوَ يَرَاهُ.

وَ عَنْ صَيْدِ الْمَعْرَاضِ.

فَقَالَ: إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَبْلٌ غَيْرُهُ وَ كَانَ قَدْ سَمَى حِينَ رَمَى فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ لَهُ نَبْلٌ غَيْرُهُ فَلَا.

۴ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی صیدی را با تیر مورد هدف قرار می‌دهد و تیر از پهلو نه با تیزی به شکار می‌خورد و شکارچی در هنگامی که تیر را می‌انداخته بسم الله نیز گفته بود و آهن نیز به شکار اصابت نکرده بود.

فرمود: اگر تیری که به شکار برخورد کرده همانی است که شکار را کشته است، پس در صورتی که شکارچی آن را می‌دیده است می‌تواند از گوشت آن میل کند.

۵ - حلبی نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و می‌افزاید: از آن حضرت

پرسیدم: شکار با تیر چوبی چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر جز آن تیری نداشته باشد و به هنگام رها کردن تیر بسم الله گوید، می‌تواند از گوشت آن بخورد و اگر جز آن تیری داشته باشد، نمی‌تواند از گوشت آن بخورد. پس در صورتی که شکارچی آن را می‌دیده است می‌تواند از گوشت آن میل کند.

(۶)

**بَابُ مَا يَقْتُلُ الْحَجْرُ وَ الْبُنْدُقُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّا قَتَلَ الْحَجْرُ وَ الْبُنْدُقُ أَيْ كُلُّ مِنْهُ؟  
قَالَ: لَا.

۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَمَّا قَتَلَ الْحَجْرُ وَ الْبُنْدُقُ أَيْ كُلُّ مِنْهُ؟  
قَالَ: لَا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

**بخش ششم****حکم شکار با سنگ و گلوله گلی**

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: صیدی را که به وسیله سنگ و گلوله گلی کشته می شود می توان خورد؟  
فرمود: نه.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: اگر با پرتاب سنگ و گلوله گلی شکاری کشته شود خوردن آن حلال است؟  
فرمود: نه.

۳ - سلیمان بن خالد نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا قَتَلَ الْحَجْرَ وَ الْبُنْدُقَ أَيْوُكَلُ مِنْهُ؟  
قَالَ: لَا.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا قَتَلَ الْحَجْرَ وَ الْبُنْدُقَ أَيْوُكَلُ مِنْهُ؟  
قَالَ: لَا.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ قَتْلِ الْحَجْرِ وَ الْبُنْدُقِ أَيْوُكَلُ مِنْهُ؟  
فَقَالَ: لَا.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ  
إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ كَرِهَ الْجُلَاهِقَ.

۴ - حریرز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۵ - محمد بن مسلم نظیر این روایت را از امام (باقر علیه السلام) و یا امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۶ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام از شکار با فلاخن کراهت داشت.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَزِمِي بِالْبُنْدُقِ وَالْحَجَرِ فَيَقْتُلُ أَفْيَاكُلُ مِنْهُ؟  
قَالَ: لَا تَأْكُلُ.

(۷)

### بَابُ الصَّيْدِ بِالْحِبَالَةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:  
مَا أَخَذَتِ الْحِبَالَةُ مِنْ صَيْدٍ فَقَطَعَتْ مِنْهُ يَدًا أَوْ رَجُلًا فَذَرَوْهُ، فَإِنَّهُ مَيِّتٌ وَكُلُوا  
مَا أَدْرَكْتُمْ حَيًّا وَذَكَرْتُمْ اسْمَ اللَّهِ تعالى عَلَيْهِ.

۷- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی سنگ و یا گلوله ای گلی را به سوی شکاری پرتاب کند و آن را بکشد، آیا می تواند از گوشت آن بخورد؟  
فرمود: از گوشت آن نخور.

### بخش هفتم

### شکار به وسیله تله و دام

۱- محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:  
دست و پای صیدی را که به وسیله دام و تله جدا شود، رها کنید؛ زیرا مردار است. از  
گوشت صیدی بخورید که آن را زنده یافته باشید و نام خداوند متعال را بر آن برده اید.

۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَخَذْتَ الْجِبَالَ فَقَطَعْتَ مِنْهُ شَيْئًا فَهُوَ مَيْتٌ، وَ مَا أَدْرَكَتَ مِنْ سَائِرِ جَسَدِهِ حَيًّا فَذَكَّهُ ثُمَّ كُلَّ مِنْهُ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَخَذْتَ الْجِبَالَ فَقَطَعْتَ مِنْهُ شَيْئًا فَهُوَ مَيْتٌ، وَ مَا أَدْرَكَتَ مِنْ سَائِرِ جَسَدِهِ حَيًّا فَذَكَّهُ ثُمَّ كُلَّ مِنْهُ.

۴ - أَبَانُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَخَذْتَ الْجِبَالَ فَانْقَطَعَ مِنْهُ شَيْءٌ أَوْ مَاتَ فَهُوَ مَيْتَةٌ.

۵ - أَبَانُ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲ - عبدالرحمان بن ابو عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر شکاری در تله بیفتد، هر عضوی از اعضای او که قطع شود، مردار است و سایر اعضای شکار که زنده دریابی در صورت ذبح و تذکيه حلال خواهد بود.

۳ - عبدالرحمان بن عبدالله با سند دیگری نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۴ - عبدالله بن سلیمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

صیدی که به وسیله دام و تله شکار شود و عضوی از صید جدا شود مردار است. دیگر اعضای شکار که زنده دریابی، در صورت ذبح و تذکيه حلال خواهد بود.

۵ - زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا أَخَذَتِ الْحَبَائِلُ فَقَطَعَتْ مِنْهُ شَيْئًا فَهُوَ مَيْتٌ ، وَ مَا أَدْرَكَتَ مِنْ سَائِرِ جَسَدِهِ  
فَذَكَّهُ نَمَّ كُلُّ مِنْهُ .

(۸)

### بَابُ الرَّجُلِ يَرْمِي الصَّيْدَ فَيُصِيبُهُ فَيَقَعُ فِي مَاءٍ أَوْ يَتَدَهَّدُهُ مِنْ جَبَلٍ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ  
حَجَّاجِ بْنِ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
لَا تَأْكُلُ مِنَ الصَّيْدِ إِذَا وَقَعَ فِي الْمَاءِ فَمَاتَ .
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ  
سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ رَمَى صَيْدًا وَهُوَ عَلَى جَبَلٍ أَوْ حَائِطٍ فَيَخْرُقُ فِيهِ السَّهْمُ  
فَيَمُوتُ .

اگر شکاری در تله بیفتد، هر عضوی از اعضای آن که قطع شود، مردار است و دیگر  
اعضای شکار، که زنده دریابی در صورت ذبح و تذکیه حلال خواهد بود.

### بخش هشتم

حکم شکاری که پس از تیراندازی به آب می افتد یا از کوه سقوط می کند

- ۱ - خالد بن حجّاج گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
از گوشت صیدی که در آب غرق شود نخور.  
۲ - سماعة گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: اگر شکار بر سر کوه و یا بر سر دیوار باشد  
و شکارچی تیر خود را در پهلویش شکار بنشانند و شکار بمیرد (آیا خوردن آن حلال  
است؟)

فَقَالَ: كُلُّ مِنْهُ، وَإِنْ وَقَعَ فِي الْمَاءِ مِنْ رَمِيَّتِكَ فَمَاتَ فَلَا تَأْكُلُ مِنْهُ.  
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَدَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام  
مِثْلَهُ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ  
سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

(۹)

### بَابُ الرَّجُلِ يَرْمِي الصَّيْدَ فَيُخْطِئُ وَ يُصِيبُ غَيْرَهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ  
قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ سَمَّى وَ رَمَى صَيْدًا فَأَخْطَأَهُ وَ أَصَابَ آخَرَ.  
فَقَالَ: يَا كُلُّ مِنْهُ.

فرمود: از گوشت آن بخور؛ اما اگر شکار از کوه و یا دیوار سقوط کند و در آب بیفتد و  
خفه شود، از گوشت آن نخور.

### بخش نهم

#### حکم مردی که تیر را برای صید رها می‌کند، ولی تیر به خطا می‌رود

۱ - عباد بن صهیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شکارچی نام خدا را ببرد و تیر  
خود را به سوی شکار رها کند و تیر او به خطا در پهلوئی شکار دیگری بنشیند (چه حکمی  
دارد؟)

فرمود: می‌توان از گوشت آن میل کرد.

(۱۰)

## بَابُ صَيْدِ اللَّيْلِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ طُرُقِ الطَّيْرِ بِاللَّيْلِ فِي وَكْرِهَا. فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.
- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

## بخش دهم

## حکم صیدی که شب هنگام شکار شود

- ۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا رواست که شبانه به سراغ لانه پرنندگان بروند؟  
فرمود: مانعی ندارد.
- ۲ - محمد بن عبدالرحمان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَأْتُوا الْفِرَاحَ فِي أَعْشَانِهَا، وَلَا الطَّيْرَ فِي مَنَامِهِ حَتَّى يُصْبِحَ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَمَا مَنَامُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

فَقَالَ: اللَّيْلُ مَنَامُهُ، فَلَا تَطْرُقُهُ فِي مَنَامِهِ حَتَّى يُصْبِحَ وَلَا تَأْتُوا الْفِرَاحَ فِي عَشِّهِ حَتَّى يَرِيشَ وَ يَطِيرَ، فَإِذَا طَارَ فَأَوْتِرْ لَهُ قَوْسَكَ وَ انْصِبْ لَهُ فَحَاكَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ إِتْيَانِ الطَّيْرِ بِاللَّيْلِ. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّيْلَ أَمَانٌ لَهَا.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: به سراغ جوجه‌های پرندگان در آشیانه شان نروید. همین طور به سراغ پرندگان در هنگام خوابشان نروید تا این که صبح شود.

شخصی عرض کرد: ای پیامبر خدا! هنگام خواب پرندگان چه زمانی است؟

فرمود: شب، هنگام خواب پرنده است. بنابراین در هنگام خوابش به سراغ او نرو تا این که صبح شود و به سراغ جوجه‌های پرندگان در آشیانه‌شان نروید تا این که پر در بیاورند و پرواز کنند. آن گاه که پرواز نمودند تیر خود را به سویس بینداز و دام خود را برایش پهن کن.

۳- مسمع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا ﷺ از رفتن نزد پرنده در هنگام شب نهی نمود و فرمود: به راستی که شب برای آن ایمنی است.

(۱۱)

**بَابُ صَيْدِ السَّمَكِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ صَيْدِ الْحَيْتَانِ وَإِنْ لَمْ يُسَمَّ عَلَيْهِ .

فَقَالَ : لَا بَأْسَ بِهِ .

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَيْدِ الْحَيْتَانِ وَإِنْ لَمْ يُسَمَّ عَلَيْهِ .

فَقَالَ : لَا بَأْسَ بِهِ إِنْ كَانَ حَيًّا أَنْ يَأْخُذَهُ .

**بخش یازدهم****صید ماهی**

۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره صید ماهی - گرچه بسم الله نگفته باشند - پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد.

۲ - زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: صید ماهی - گرچه بسم الله نگویند - به

چه صورت است؟

فرمود: اگر ماهی زنده باشد ایرادی ندارد که آن را بگیرد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَيَّابَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السَّمَكِ يُصَادُ ثُمَّ يُجْعَلُ فِي شَيْءٍ ثُمَّ يُعَادُ إِلَى الْمَاءِ فَيَمُوتُ فِيهِ. فَقَالَ: لَا تَأْكُلْهُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اصْطَادَ سَمَكَةً فَرَبَطَهَا بِخَيْطٍ وَأَرْسَلَهَا فِي الْمَاءِ فَمَاتَتْ أَنْتَوَكُلُ؟ قَالَ: لَا.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَيْدِ الْمَجُوسِيِّ لِلْسَّمَكِ حِينَ يَضْرِبُونَ بِالشَّبَكِ وَ لَا يُسْمُونَ وَ كَذَلِكَ الْيَهُودِيِّ.

۳- عبدالرحمان بن سیابه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر ماهی را صید کنند و برای این که زنده بماند، در ظرفی قرار دهند و داخل آب بگذارند و اتفاقاً ماهی در داخل آب بمیرد (آیا می توان آن را خورد؟) فرمود: آن را نخور.

۴- ابو ایوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: صیاد، ماهی را صید می کند و با نخ دم او را می بندد و به آب رها می کند، ناگاه ماهی در آب می میرد، آیا خوردن آن ماهی حلال است؟ فرمود: نه.

۵- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا صید مجوسیان و یهودیان حلال است که با تور دستی ماهی صید می کنند و نام خدا را نمی برند؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ، إِنَّمَا صَيْدُ الْحَيْتَانِ أَخَذَهَا.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَيْتَانِ الَّتِي يَصِيدُهَا الْمَجُوسِيُّ.

فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ: الْحَيْتَانُ وَالْجَرَادُ ذَكِيٌّ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ سَلْمَةَ

أَبِي حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

إِنَّ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ: فِي صَيْدِ السَّمَكَةِ إِذَا أَدْرَكَهَا الرَّجُلُ وَهِيَ تَضْطَرِبُ

وَتَضْرِبُ بِيَدَيْهَا وَتَتَحَرَّكُ ذَنْبُهَا وَتَطْرَفُ بَعَيْنَيْهَا فَهِيَ ذَكَائُهَا.

۸- أَبَانُ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَيْدِ الْمَجُوسِيِّ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا أَعْطَوْهَا حَيًّا وَالسَّمَكُ أَيْضًا، وَإِلَّا فَلَا تُجْزَى شَهَادَتُهُمْ إِلَّا أَنْ

تَشْهَدَهُ أَنْتَ.

فرمود: مانعی ندارد. صید ماهی فقط از آب گرفتن است.

۶- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ماهی‌هایی که با دست صیادان مجوسی شکار می‌شوند (چه حکمی دارند؟)

فرمود: همانا علی علیه السلام می‌فرمود: ماهی و ملخ نیازی به تذکیه و بریدن ندارند.

۷- سلمه بن ابی حفص گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمود: اگر انسان ماهی را صید کند و ببیند که ماهی برمی‌جهد، باله می‌زند، دم را حرکت می‌دهد، چشم خود را می‌چرخاند، همین حرکاتها تذکیه آن است.

۸- عیسی بن عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شکار مجوسیان چگونه است؟

فرمود: اگر شکار خود را زنده تحویل بدهند، مانعی ندارد. صید ماهی نیز همین گونه است. وگرنه گواهی آنان که ماهی را از آب زنده گرفته‌اند، مسموع نیست، مگر آن که تو خود موقع شکار آنان حاضر باشی.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَيْدِ الْمَجُوسِيِّ لِلْحَيْتَانِ حِينَ يَضْرِبُونَ عَلَيْهَا بِالشُّبَاكِ وَيُسْمُونَ  
 بِالشُّرْكِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِصَيْدِهِمْ، إِنَّمَا صَيْدُ الْحَيْتَانِ أَخْذُهُ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَظِيرَةِ مِنَ الْقَصَبِ تُجْعَلُ فِي الْمَاءِ لِلْحَيْتَانِ تَدْخُلُ فِيهَا  
 الْحَيْتَانُ فَيَمُوتُ بَعْضُهَا فِيهَا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، إِنَّ تِلْكَ الْحَظِيرَةَ إِنَّمَا جُعِلَتْ لِإِصَادِهَا.  
 ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ  
 الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:  
 فِي الرَّجُلِ يَنْصُبُ شَبَكَةً فِي الْمَاءِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِهِ وَ يَتْرُكُهَا مَنْصُوبَةً وَ يَأْتِيهَا  
 بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ وَقَعَ فِيهَا سَمَكٌ فَيَمُتُّنَ.

۹ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: صید ماهی مجوسیان که با تور صید  
 می‌کنند و به شرک بر آن نام می‌برند.

فرمود: صید آنان ایرادی ندارد؛ چرا که صید ماهی همان گرفتن آن از آب است.  
 پرسیدم: نبی زاری برای صید ماهی در داخل آب قرار داده می‌شود. ماهی‌ها وارد آن  
 می‌شوند و بعضی از ماهی‌ها در آن می‌میرند (چه حکمی دارد؟)  
 فرمود: ایرادی ندارد؛ چرا که این جایگاه قرار داده شده تا به وسیله آن ماهی‌ها صید  
 شوند.

۱۰ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که در آب تورها می‌کند، سپس  
 به خانه‌اش باز می‌گردد و پس از آن نزد تور باز می‌گردد در حالی که تعدادی از ماهی‌ها در  
 آن افتاده و مرده‌اند.

فَقَالَ: مَا عَمِلْتَ يَدُهُ فَلَا بَأْسَ بِأَكْلِ مَا وَقَعَ فِيهَا.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ سَمَكَةٍ وَتَبَّتْ مِنْ نَهْرٍ فَوَقَعَتْ عَلَى الْجِدِّ مِنَ النَّهْرِ فَمَاتَتْ هَلْ يَصْلَحُ أَكْلُهَا؟

فَقَالَ: إِنْ أَخَذْتَهَا قَبْلَ أَنْ تَمُوتَ ثُمَّ مَاتَتْ فَكُلْهَا، وَإِنْ مَاتَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْخُذَهَا فَلَا تَأْكُلْهَا.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ سَمَكَةٍ شُقَّ بَطْنُهَا فَوُجِدَ فِيهَا سَمَكَةٌ.  
فَقَالَ: كُلُّهُمَا جَمِيعًا.

۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

فرمود: آن چه که با دست خود انجام داده است؛ ایرادی ندارد که آن چه را که در تور افتاده است بخورد.

۱۱ - علی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ برادر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گوید: از حضرتش پرسیدم: یک ماهی از رودخانه می پرد و کنار رودخانه می افتد و می میرد؛ آیا خوردن آن جایز است؟  
فرمود: اگر پیش از آن که بمیرد او را بگیری سپس بمیرد، آن را بخور و اگر پیش از آن که آن را بگیری بمیرد آن را نخور.

۱۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ماهی که شکم آن را پاره نموده و در آن ماهی دیگری یافت شد پرسیدند.  
فرمود: هر دوی آنها را بخور.

۱۳ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

لَا بَأْسَ بِالسَّمَكِ الَّذِي يَصِيدُهُ الْمَجُوسِيُّ .

۱۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :  
قُلْتُ : رَجُلٌ اضْطَادَ سَمَكَةً فَوَجَدَ فِي جَوْفِهَا سَمَكَةً .  
فَقَالَ : يُؤْكَلَانِ جَمِيعًا .

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ : سَمِعْتُ أَبِي عليه السلام يَقُولُ :  
إِذَا ضَرَبَ صَاحِبُ الشَّبَكَةِ بِالشَّبَكَةِ فَمَا أَصَابَ فِيهَا مِنْ حَيٍّ أَوْ مَيِّتٍ فَهُوَ حَلَالٌ  
مَا خَلَا مَا لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ وَلَا يُؤْكَلُ الطَّافِي مِنَ السَّمَكِ .

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَعْيَنَ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ :

ایرادی ندارد که ماهی که مجوسی آن را صید کرده بخوری.

۱۴ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: از حضرت علی عليه السلام درباره ماهی که شکم آن را پاره نموده و در آن ماهی دیگری یافت شد پرسیدند.  
فرمود: می توان هر دوی آن ها را خورد.

۱۵ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود:  
هرگاه صیادی تور ماهی گیری را در آب رها کند، سپس هر ماهی مرده و زنده که در آن بیابد، حلال است جز آن هایی که پوست ندارند و ماهی را که در آب مرده است نمی توان خورد.

۱۶ - ایوب بن اعین گوید:

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي حَيَّةٍ ابْتَلَعَتْ سَمَكَةً ثُمَّ طَرَحَتْهَا وَهِيَ حَيَّةٌ تَضْطَرُّبُ أَفَاكُلُهَا؟  
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَتْ فُلُوسُهَا قَدْ تَسَلَّخَتْ فَلَا تَأْكُلُهَا، وَإِنْ كَانَتْ لَمْ تَتَسَلَّخْ فَكُلْهَا.

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ مَرْوَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَتَّصِدَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمُرُّ بِالسَّمَاكِينَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَنْهَاهُمْ عَنْ أَنْ يَتَّصِدُوا مِنَ السَّمَكِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ.

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَكَرَ الطَّافِي وَ مَا يَكْرَهُ النَّاسُ مِنْهُ فَقَالَ: إِنَّمَا الطَّافِي مِنَ السَّمَكِ الْمَكْرُوهِ وَهُوَ مَا يَتَّعَبِرُ رَائِحَتَهُ.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! ماری، ماهی را می بلعد، سپس آن را بیرون می اندازد در حالی که ماهی زنده است و تکان می خورد؛ آیا می توانم آن را بخورم؟ فرمود: اگر پولک های ماهی خراشیده باشد آن را نخور، و اگر خراشیده نشده باشد آن را بخور.

۱۷ - سماعة بن مهران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام نهی کرد که انسان در روز جمعه پیش از نماز جمعه ماهی صید کند. و حضرتش در روز جمعه از کنار ماهی فروشان می گذشت، پس آنان را نهی نمود که در روز جمعه پیش از نماز جمعه ماهی صید کنند.

۱۸ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام به بیان ماهی که در آب مرده است و آن چه که مردم از آن کراهت دارند، پرداخت و فرمود: همانا ماهی که در آب مرده است، و بویش تغییر یافته ناپسند است.



(۱۲)

## بَابُ آخِرُ مِنْهُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ جَمِيعاً عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
- أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ ع شَيْئاً مِنْ كِتَابِ عَلِيِّ ع فَإِذَا فِيهِ: أَنَّهُ أَكُمُ عَنِ الْجَرِيِّ وَالزَّمِيرِ وَالْمَازْمَاهِيِّ وَالطَّافِي وَ الطَّحَالِ.
- قَالَ: قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَرْحَمُكَ اللَّهُ! إِنَّا نُؤْتَى بِالسَّمَكِ لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ.
- فَقَالَ: كُلْ مَا لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ، وَ مَا لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ فَلَا تَأْكُلْهُ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ:

## بخش دوازدهم

## ماهی حلال

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام باقر ع بخشی از کتاب علی ع را در اختیار من نهاد. در آن نامه خواندم: «من شما را از خوردن ماهی جزی، ماهی خاردار، مار ماهی، ماهی روآبی (مرده) طحالی دامها باز می‌دارم».
- به حضرتش گفتم: ای پسر رسول خدا! خداوند شما را در رحمت خود جای دهد! صیادان ماهیانی می‌آورند که فلس و پولک ندارد. (آیا حلال‌اند؟)
- فرمود: هر ماهی که فلس و پولک دارد، حلال است، تناول کن و هر ماهی که فلس ندارد تناول مکن.
- ۲ - حماد بن عثمان گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْحَيْتَانُ مَا يُؤْكَلُ مِنْهَا؟  
فَقَالَ: مَا كَانَ لَهُ قَشْرٌ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي الْكَنْعَتِ؟  
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهُ قَشْرٌ.

فَقَالَ لِي: بَلَى، وَ لَكِنَّهَا سَمَكَةٌ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ تَحْتَكُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَإِذَا نَظَرْتَ فِي أَصْلِ أُذُنِهَا وَجَدْتَ لَهَا قَشْرًا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَكْرَهُ الْجَرِيثَ وَقَالَ: لَا تَأْكُلُوا مِنَ السَّمَكِ إِلَّا شَيْئًا  
عَلَيْهِ فُلُوسٌ، وَ كَرِهَ الْمَارِ مَاهِي.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانتان کردم! خوردن چه نوع از ماهی ها حلال است.  
فرمود: آن که فلس و پولک دارد.

گفتم: قربانت کردم! درباره ماهی «کنعت» چه می فرمایید؟  
فرمود: خوردنش ایرادی ندارد.

گفتم: ماهی کنعت پولک ندارد.

فرمود: آری؛ اما کنعت، ماهی تندخویی است که خود را با هر چیزی می تراشد و هرگاه  
به بیخ گوش آن بنگری، پولک آن را می یابی.

۳- راوی گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام ماهی جرّیث را مکروه می شمرد و می فرمود: فقط ماهی هایی را  
بخورید که پولک دارند.

هم چنین مارماهی را نیز مکروه می شمرد.

۴- سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا تَأْكُلِ الْجَرِيثَ وَ لَا الْمَارْمَاهِيَّ وَ لَا طَافِيَاً وَ لَا طِحَالًا لِأَنَّهُ بَيْتُ الدَّمِّ وَ مُضْعَةُ الشَّيْطَانِ .

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ :

حُمِلَتْ إِلَيَّ رَيْبَتَا يَابِسَةً فِي صُرَّةٍ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْتُهُ عَنْهَا .  
فَقَالَ : كُلَّهَا فَلَهَا قِشْرٌ .

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ يَرْكَبُ بَعْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَمُرُّ بِسُوقِ الْحَيْثَانَ فَيَقُولُ : لَا تَأْكُلُوا وَ لَا تَبِيعُوا مِنَ السَّمَكِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قِشْرٌ .

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ : سَأَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الْجَرِيثِ .

ماهی جرّیث، مار ماهی و ماهی در آب مرده را تناول مکن. هم چنین اسپرزه دام را تناول مکن که مخزن خون و جویده شیطان است.

۵- عمر بن حنظله گوید: برای من ماهی «ریبث» خشک شده‌ای را در کیسه‌ای آوردند، من خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب شدم و درباره آن از حضرتش پرسیدم. فرمود: آن را بخور؛ زیرا پولک دارد.

۶- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره در کوفه بر استر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سوار می‌شد و در بازار فریاد می‌زد: ماهیانی را که پولک ندارند، نخورید و خرید و فروش نکنید.

۷- حنان بن سدیر گوید: من در حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که علاء بن کامل پرسید:

ماهی جرّی، حلال است؟

فَقَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْيَاءَ مُحَرَّمَةً مِنَ السَّمَكِ فَلَا تَقْرُبُهَا.  
ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ فَلَا تَقْرُبَنَّه.

۸- حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ قَالَ:

أَهْدَى الْفَيْضُ بْنُ الْمُخْتَارِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَيْثًا فَأَذْخَلَهَا إِلَيْهِ وَأَنَا عِنْدَهُ فَنَظَرَ  
إِلَيْهَا وَقَالَ: هَذِهِ لَهَا قِشْرٌ فَأَكَلْ مِنْهُ وَنَحْنُ نَرَاهُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَرْكَبُ بَعْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ يَمُرُّ بِسُوقِ الْحَيْثَانِ  
فَيَقُولُ: أَلَا لَا تَأْكُلُوا وَلَا تَبِيعُوا مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قِشْرٌ.

۱۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَمِّهِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ

جَعْفَرٍ قَالَ:

فرمود: در نوشته علی علیه السلام مشاهده می‌کنیم که برخی از انواع ماهی حرام است. به

ماهی جزئی نزدیک مشو.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: هر نوع ماهی که پولک ندارد، به آن نزدیک مشو.

۸- حنان بن سدير گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فيض بن مختار ماهی

«ريثی» را به آن حضرت هدیه نمود. امام به آن نگاهی نموده و فرمود: ماهی پولک دارد.

ما در حضور حضرتش بودیم که از آن تناول فرمود.

۹- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره در کوفه بر استر رسول خدا ﷺ سوار می‌شد، آن‌گاه در

بازار ماهی فروشان فریاد می‌زد: آگاه باشید! ماهیانی را که پولک ندارند نخورید و خرید

و فروش نکنید.

۱۰- سلیمان بن جعفر گوید:

حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ صَاحِبُ الْحَيْتَانِ قَالَ: خَرَجْنَا بِسَمَكٍ نَتَلَقَى بِهِ أَبَا الْحَسَنِ  
 الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ وَ قَدْ قَدِمَ هُوَ مِنْ سَفَرٍ لَهُ.  
 فَقَالَ: وَيْحَكَ يَا فُلَانُ! لَعَلَّ مَعَكَ سَمَكًا؟  
 فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا سَيِّدِي! جُعِلْتُ فِدَاكَ!  
 فَقَالَ: أَنْزِلُوا.  
 ثُمَّ قَالَ: وَيْحَكَ! لَعَلَّهُ زَهُوٌّ؟  
 قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ فَأَرَيْتُهُ.  
 فَقَالَ: ازْكَبُوا لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ وَ الزَّهُوُّ سَمَكٌ لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ.  
 ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِ كِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ  
 أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 لَا يَجِلُّ أَكْلُ الْجَرِيِّ وَ لَا السُّلْحَفَاةِ وَ لَا السَّرَطَانِ.  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّحْمِ الَّذِي يَكُونُ فِي أَصْدَافِ الْبَحْرِ وَ الْفِرَاتِ أَيْؤَكَلُ؟

اسحاق ماهی فروش گفت: روزی برای پیشواز امام رضا علیه السلام که از سفر بازمی‌گشت از  
 مدینه بیرون آمدیم، همراه من یک قطعه ماهی بود، وقتی به خدمت آن حضرت  
 شرف‌یاب شدیم فرمود: وای بر تو فلانی! گویا همراه تو یک قطعه ماهی است؟!  
 عرض کردم: آری ای سرورم! قربانتان گردم!

فرمود: پیاده شوید!

سپس فرمود: وای بر تو ای فلانی! آن ماهی «زهو» است!

عرض کردم: آری، و آن را به حضرتش نشان دادم.

فرمود: سوار شوید، ما نیازی به این ماهی نداریم! ماهی «زهو» پولک ندارد.

۱۱ - علی بن جعفر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: خوردن ماهی «جرّی»، لاک پشت و

خرچنگ حلال نیست.

پرسیدم: گوشتی که در صدف‌های دریا و رود فرات است آیا خوردن آن جایز است؟

فَقَالَ: ذَاكَ لَحْمُ الصَّفَادِعِ لَا يَجِلُّ أَكْلُهُ.

۱۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ النَّسَابَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْجَرِيِّ.

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تعالى مَسَخَ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَمَا أَخَذَ مِنْهُمْ الْبَحْرَ فَهُوَ الْجَرِيُّ وَالزَّمِيرُ وَالْمَازْمَاهِي وَمَا سِوَى ذَلِكَ، وَمَا أَخَذَ مِنْهُمْ الْبَرَّ فَالْقِرْدَةُ وَالْحَنَازِيرُ وَالْوَبْرُ وَالْوَرْلُ وَمَا سِوَى ذَلِكَ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ يُونُسَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عليه السلام: السَّمَكُ لَا يَكُونُ لَهُ قِشْرٌ أَوْ يُؤْكَلُ.

فَقَالَ: إِنَّ مِنَ السَّمَكِ مَا يَكُونُ لَهُ زَعَارَةٌ فَيَحْتَكُ بِكُلِّ شَيْءٍ فَتَذْهَبُ قُشُورُهُ، وَ لَكِنْ إِذَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ - يَعْنِي ذَنْبَهُ وَرَأْسَهُ - فَكُلَّهُ.

فرمود: آن، گوشت غوک است که خوردن آن جایز نیست.

۱۲ - کلبی نسابه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره ماهی جرّی پرسیدم.

فرمود: خداوند طایفه‌ای از بنی اسرائیل را مسخ نمود. کسانی در رود غرق شدند که همان ماهی جرّی، ماهی خاردار، مار ماهی و امثال آن است و آن‌هایی که در خشکی مسخ شدند همان میمون، خوک، و بر <sup>(۱)</sup>، و رل <sup>(۲)</sup> و امثال آن است.

۱۳ - یونس گوید: به امام رضا عليه السلام نوشتم: ماهی که پولک ندارد حلال است؟

فرمود: بعضی از ماهی‌ها تندخو هستند و خود را با هر چیزی تراش می‌دهند، بنابراین پوستش از بین می‌رود، اما اگر دو طرفش - یعنی سر و دمش - با هم فرق داشته باشند، آن را بخور.

۱ - و بر: حیوانی شبیه گربه.

۲ - و رل: حیوانی شبیه سوسمار.

(۱۳)

## بَابُ الْجَرَادِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَكْلِ الْجَرَادِ. فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ. ثُمَّ قَالَ عليه السلام: إِنَّهُ نَثْرَةٌ مِنْ حُوتٍ فِي الْبَحْرِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ: إِنَّ السَّمَكَ وَالْجَرَادَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ فَهُوَ ذَكِيٌّ وَالْأَرْضُ لِلْجَرَادِ مَصِيدَةٌ وَلِلسَّمَكِ قَدْ يَكُونُ أَيْضًا.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَوْنِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هَارُونَ التَّقْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْجَرَادُ ذَكِيٌّ فَكُلْهُ. فَأَمَّا مَا هَلَكَ فِي الْبَحْرِ فَلَا تَأْكُلْهُ.

## بخش سیزدهم

## ملخ

- ۱ - مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره خوردن ملخ پرسیده شد. فرمود: خوردن آن ایرادی ندارد. آن گاه فرمود: ملخ، گونه‌ای از ماهی دریایی است. سپس فرمود: علی عليه السلام فرمود: هرگاه ماهی و ملخ را از آب بیرون بیاورند، تذکیه شده است و زمین، دام و تله ملخ است. ماهی نیز همین حکم را دارد.
- ۲ - عمرو بن هارون تقفی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: ملخ، تذکیه شده است؛ پس آن را بخور؛ اما ملخی را که در دریا مرده است نخور.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنِ الْجَرَادِ نُصِيبُهُ مَيْتًا فِي الصَّحْرَاءِ أَوْ فِي الْمَاءِ أَيْوُكُلُ؟  
 فَقَالَ: لَا تَأْكُلُهُ؟  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الدَّبَا مِنَ الْجَرَادِ أَيْوُكُلُ؟  
 قَالَ: لَا، حَتَّى يَسْتَقِيلَ بِالطَّيْرَانِ.

(۱۴)

### بَابُ صَيْدِ الطُّيُورِ الْأَهْلِيَّةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

۳ - علی بن جعفر علیه السلام گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: ملخ مرده‌ای را در دریا یا صحرا می‌یابیم، آیا می‌توان آن را خورد؟  
 فرمود: آن را نخور.  
 پرسیدم: آیا ملخی را که هنوز توانایی پرواز ندارد می‌توان خورد؟  
 فرمود: نه؛ تا زمانی که بتواند پرواز کند.

### بخش چهاردهم

### حکم شکار پرندگان اهلی

۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید:



سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ يَصِيدُ الطَّيْرَ يُسَاوِي دَرَاهِمَ كَثِيرَةً وَ هُوَ مُسْتَوِي الْجَنَاحَيْنِ وَ يَعْرِفُ صَاحِبَهُ أَوْ يَجِيئُهُ فَيَطْلُبُهُ مَنْ لَا يَتَّهَمُهُ .  
 قَالَ : لَا يَجِلُّ لَهُ إِمْسَاكُهُ يَرُدُّهُ عَلَيْهِ .

فَقُلْتُ لَهُ : فَإِنْ هُوَ صَادَ مَا هُوَ مَالِكٌ بِجَنَاحَيْهِ لَا يَعْرِفُ لَهُ طَالِبًا .  
 قَالَ : هُوَ لَهُ .

۲ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :  
 إِذَا مَلَكَ الطَّائِرُ جَنَاحَهُ فَهُوَ لِمَنْ أَخَذَهُ .

۳ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ :  
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَيْدِ الْحَمَامَةِ تُسَاوِي نِصْفَ دِرْهَمٍ أَوْ دِرْهَمًا .  
 فَقَالَ : إِذَا عَرَفْتَ صَاحِبَهُ فَرُدَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ تَعْرِفْ صَاحِبَهُ وَ كَانَ مُسْتَوِي  
 الْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فَهُوَ لَكَ .

از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر انسان کبوتری پر بها صید کند و بال و پر کبوتر، کامل و قادر به پرواز باشند، در صورتی که صاحب کبوتر را بشناسد یا صاحب کبوتر بیاید و مطالبه کند و یا کسی دنبال کبوتر بیاید که مورد اتهام نباشد (انسان چه وظیفه‌ای دارد؟)  
 فرمود: روا نیست که آن را نگه دارد، باید به صاحبش برگرداند.

گفتم: اگر انسان کبوتری را صید کند که بال و پرش کامل و قادر به پرواز باشد و صاحبی برای آن شناخته نشود (چه صورت دارد؟)  
 فرمود: کبوتر مال صیاد است.

۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه پرنده توانایی پرواز داشته باشد؛ از آن کسی است که آن را بگیرد.

۳- محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره شکار کبوتری که قیمتش نیم درهم یا یک درهم است پرسیدم.

فرمود: هرگاه صاحب آن را می‌شناسی آن را به او بازگردان و اگر صاحبش را نمی‌شناسی و پرنده بال هایش سالم باشد به صورتی که بتواند پرواز کند از آن توست.

۴- وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ حَفْصِ بْنِ قُرْطِبٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الطَّيْرُ يَقَعُ عَلَى الدَّارِ فَيُؤْخَذُ أَحَلَّالٌ هُوَ أَمْ حَرَامٌ لِمَنْ أَخَذَهُ؟

فَقَالَ: يَا إِسْمَاعِيلُ! عَافٍ أَمْ غَيْرُ عَافٍ؟  
 قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَمَا الْعَافِي؟  
 قَالَ: الْمُسْتَوِي جَنَاحَاهُ الْمَالِكُ جَنَاحِيهِ يَذْهَبُ حَيْثُ شَاءَ.  
 قَالَ: هُوَ لِمَنْ أَخَذَهُ حَلَّالٌ.  
 ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:  
 إِنَّ الطَّيْرَ إِذَا مَلَكَ جَنَاحِيهِ فَهُوَ صَيْدٌ وَ هُوَ حَلَّالٌ لِمَنْ أَخَذَهُ.

---

۴- اسماعیل بن جابر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانتان گرم! پرنده‌ای در خانه‌ای فرود می‌آید و آن را می‌گیرند. آیا این پرنده برای کسی که آن را گرفته حلال است یا حرام؟ فرمود: ای اسماعیل! آن پرنده عاف است یا غیر عاف؟ گفتم: قربانتان گرم! عاف چیست؟ فرمود: پرنده‌ای که بال‌هایش سالم است، کنترل بال‌هایش را دارد و به هر جا می‌خواهد پرواز می‌کند؟ فرمود: چنین پرنده‌ای برای کسی که آن را بگیرد حلال است.  
 ۵- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: هرگاه پرنده توانایی پرواز را داشته باشد؛ صید محسوب می‌شود و برای کسی که آن را بگیرد حلال است.

۶- وَ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِي رَجُلٍ أَبْصَرَ طَائِرًا فَتَبِعَهُ حَتَّى سَقَطَ عَلَى شَجَرَةٍ فَجَاءَ رَجُلٌ آخَرُ فَأَخَذَهُ.  
فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لِلْعَيْنِ مَا رَأَتْ وَ لِلْيَدِ مَا أَخَذَتْ.

(۱۵)

## بَابُ الْخُطَافِ

۱- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى دَاوُدَ الرَّقِيِّ أَوْ غَيْرِهِ قَالَ:  
بَيْنَا نَحْنُ فَعُودٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ مَرَّ رَجُلٌ بِيَدِهِ خُطَافٌ مَذْبُوحٌ.  
فَوَثَبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَتَّى أَخَذَهُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ دَحَا بِهِ الْأَرْضَ، فَقَالَ عليه السلام:  
أَعَالِمُكُمْ أَمَرَكُمْ بِهَذَا أَمْ فَعِيهِكُمْ؟ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَهَى  
عَنْ قَتْلِ السُّنَّةِ مِنْهَا الْخُطَافُ.

۶- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام درباره مردی که پرنده‌ای را نگاه کرده و در پی آن رفت تا این که پرنده سقوط کرد. در این هنگام شخص دیگری آمد و پرنده را گرفت فرمود:  
آن چه چشم دیده از آن اوست و آن چه دست گرفته از آن اوست.

## بخش پانزدهم

## حکم شکار پرستو

۱- داوود رقی یا شخص دیگری گوید: خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودیم که ناگاه مردی عبور نمود که در دستش پرستوی ذبح شده‌ای بود. امام به طرفش پرید و پرستور را از دستش گرفت و آن را به زمین افکند و فرمود: آیا عالم شما، شما را به چنین عملی دستور داده است؛ یا فقیه تان؟! پدرم از جدّم به من خبر داد که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از کشتن شش حیوان نهی نمود که یکی از آنان پرستو بود.

وَ قَالَ: إِنَّ دَوْرَانَهُ فِي السَّمَاءِ أَسْفَا لِمَا فُعِلَ بِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ تَسْبِيحَهُ قِرَاءَةٌ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» أَلَا تَرَوْنَهُ يَقُولُ: وَ لَا الضَّالِّينَ؟

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنْ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ التَّمِيمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

اسْتَوْصُوا بِالصَّيْنَاتِ خَيْرًا - يَعْنِي الْخُطَّافَ - فَإِنَّهُنَّ أَنْسُ طَيْرِ النَّاسِ بِالنَّاسِ .  
ثُمَّ قَالَ: وَ تَذَرُونَ مَا تَقُولُ الصَّيْنَةُ إِذَا مَرَّتْ وَ تَرَنَّمَتْ؟ تَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» حَتَّى قَرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ، فَإِذَا كَانَ آخِرُ تَرَنُّمِهَا قَالَتْ: «وَ لَا الضَّالِّينَ».

مَدَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَوْتَهُ «وَ لَا الضَّالِّينَ».

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَتْلِ الْخُطَّافِ أَوْ إِيْذَائِهِمْ فِي الْحَرَمِ.

و فرمود: همانا پرواز پرستو در آسمان، تأسف برای مصایب اهل بیت محمد ﷺ است و تسبیح آن، قرائت سوره حمد است. مگر نمی بینید که می گوید: «ولا الضالین»؟!

۲ - جعفر گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

درباره پرستو به نیکی سفارش کنید، چرا که آن‌ها، انس گیرنده ترین پرندگان با مردم هستند. سپس فرمود: می دانید که پرستو به هنگام آواز چه می گوید؟ می گوید «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين» تا این که حضرت ﷺ سوره حمد را قرائت نمود و فرمود: هنگامی که به انتهای آواز کردن می رسد می گوید: «ولا الضالین».

پیامبر خدا ﷺ صدای خود را در قرائت «ولا الضالین» کشید.

۳ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق ﷺ درباره کشتن پرستو یا آزار آن در حرم (محدوده حرم در مکه) پرسیدم.

فَقَالَ: لَا يُقْتَلَنَّ، فَإِنِّي كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَرَآنِي وَ أَنَا أُذِيهِنَّ فَقَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! لَا تَقْتُلْهُنَّ وَ لَا تُؤْذِهِنَّ، فَإِنَّهُنَّ لَا يُؤْذِينَ شَيْئاً.

(۱۶)

### بَابُ الْهُدْهِدِ وَ الصُّرْدِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: فِي كُلِّ جَنَاحٍ هُدْهِدٌ مَكْتُوبٌ بِالسُّرِّيَانِيَّةِ: آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ.

۲ - وَ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَخِي مُوسَى عليه السلام عَنِ الْهُدْهِدِ وَ قَتْلِهِ وَ ذَبْحِهِ. فَقَالَ: لَا يُؤْذَى وَ لَا يُذْبَحُ فَنِعْمَ الطَّيْرُ هُوَ.

فرمود: نباید کشته شوند؛ زیرا من همراه امام سجّاد عليه السلام بودم، پرستوها را آزار دادم، به من فرمود: پسر من! پرستوها را نکش و اذیت نکن؛ زیرا آنها به چیزی اذیت نمی‌کنند.

### بخش شانزدهم

#### هدهد و وِرْكَاءُ<sup>(۱)</sup>

۱ - سلیمان بن جعفر جعفری گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: در هر کدام از بال‌های هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آل محمد عليهم السلام بهترین مردم هستند.

۲ - علی بن جعفر عليه السلام گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام درباره هدهد و کشتن و ذبح آن پرسیدم. فرمود: نباید اذیت شود و نباید ذبح شود؛ زیرا بهترین پرندگان همین هدهد است.

۱ - پرندۀ ای است که گنجشک را شکار می‌کند.

۳- وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَتْلِ الْهُدُودِ وَالصُّرَدِ وَالصُّوَامِ وَالنَّحْلَةِ.

(۱۷)

### بَابُ الْقُنْبُرَةِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَأْكُلُوا الْقُنْبُرَةَ وَلَا تَسْبُوها وَلَا تُعْطُوا الصَّبِيَّانَ يَلْعَبُونَ بِهَا، فَإِنَّهَا كَثِيرَةٌ التَّسْبِيحِ لِلَّهِ تَعَالَى وَتَسْبِيحُهَا: «لَعَنَ اللَّهُ مُبْغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۲- وَبِإِسْنَادِهِ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

۳- سليمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کشتن هدهد، ورکاک، پرندۀ صوام و زنبور عسل نهی نمود.

### بخش هفدهم

#### چکاوک

۱- سليمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: گوشت چکاوک را نخورید و به آن ناسزا نگوئید و آن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا که آن فراوان تسبیح خداوند تعالی گوید و تسبیحش چنین است: «لعنت خداوند بر دشمنان آل محمد علیهم السلام».

۲- سليمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

مَا أَرْزَعُ الزَّرْعَ لَطَلَبِ الْفَضْلِ فِيهِ، وَ مَا أَرْزَعُهُ إِلَّا لِيَنَالَهُ الْمُعْتَرُّ وَ ذُو الْحَاجَةِ وَ تَنَالَهُ الْقُنْبَرَةُ مِنْهُ خَاصَّةً مِنَ الطَّيْرِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ: لَا تَقْتُلُوا الْقُنْبَرَةَ وَ لَا تَأْكُلُوا لَحْمَهَا، فَإِنَّهَا كَثِيرَةٌ التَّسْبِيحِ تَقُولُ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهَا: «لَعَنَ اللَّهُ مُبْغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام».

۴- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام:

الْقُنْبَرَةُ الَّتِي عَلَى رَأْسِ الْقُنْبَرَةِ مِنْ مَسْحَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام، وَ ذَلِكَ أَنَّ الذَّكَرَ أَرَادَ أَنْ يَسْفِدَ أَثْنَاهُ فَاثْتَنَعَتْ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهَا: لَا تَمْتَنِعِي فَمَا أُرِيدُ إِلَّا أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ تعالى مِنِّي نَسَمَةً تُذَكِّرُ بِهِ فَأَجَابَتْهُ إِلَى مَا طَلَبَ.

امام سجّاد عليه السلام می فرمود: من به جهت طلب فزونی زراعت نمی‌کنم؛ بلکه فقط برای دریافت شخص نیازمند و حاجتمند زراعت می‌نمایم و نیز از میان پرندگان، فقط چکاوک از آن تناول کند.

۳- سلیمان جعفری گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: چکاوک را نکشید و گوشت آن را نخورید؛ زیرا که آن بسیار تسبیح گوید. در آخر تسبیحش می گوید: «خداوند دشمنان آل محمد عليه السلام را لعنت کرد».

۴- سلیمان بن جعفر جعفری گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: امام سجّاد عليه السلام فرمود: کاکلی که روی سر چکاوک وجود دارد، به جهت دست کشیدن حضرت سلیمان عليه السلام است که چکاوکی نر می‌خواست با ماده خود آمیزش کند، اما ماده او را منع نمود. چکاوک نر به ماده گفت: «مرا منع نکن! زیرا من جز این را نمی‌خواهم که خداوند از من، پرندۀ ای به دنیا آورد که نام او را به زبان آورد. چکاوک ماده آن چه را که چکاوک نر از او می‌خواست، اجابت نمود».

فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَبِيضَ قَالَ لَهَا: أَيْنَ تُرِيدِينَ أَنْ تَبِيضِي؟  
فَقَالَتْ لَهُ: لَا أَدْرِي أُنَحِّيهِ عَنِ الطَّرِيقِ.  
قَالَ لَهَا: إِنِّي خَائِفٌ أَنْ يَمْرُبَكَ مَارُّ الطَّرِيقِ، وَ لَكِنِّي أَرَى لَكَ أَنْ تَبِيضِي قُرْبَ  
الطَّرِيقِ فَمَنْ يَرَاكَ قُرْبَهُ تَوَهَّمْ أَنَّكَ تَعْرِضِينَ لِلْقَطْرِ الْحَبِّ مِنَ الطَّرِيقِ.  
فَأَجَابَتْهُ إِلَى ذَلِكَ وَ بَاضَتْ وَ حَضَنْتْ حَتَّى أَشْرَفَتْ عَلَى النَّقَابِ فَبَيَّنَا هُمَا  
كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عليه السلام فِي جُنُودِهِ وَ الطَّيْرُ تَطَّلُهُ، فَقَالَتْ لَهُ: هَذَا  
سُلَيْمَانٌ قَدْ طَلَعَ عَلَيْنَا فِي جُنُودِهِ وَ لَا أَمْنٌ أَنْ يَحْطِمَنَا وَ يَحْطِمَ بَيْضَنَا.  
فَقَالَ لَهَا: إِنَّ سُلَيْمَانَ عليه السلام لَرَجُلٌ رَحِيمٌ بِنَا فَهَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ هَيَّئْتَهُ لِفِرَاحِكِ إِذَا  
نَقَبْنَا؟  
قَالَتْ: نَعَمْ، جَرَادَةٌ حَبَّأَتْهَا مِنْكَ أَنْتَظِرُ بِهَا فِرَاحِي إِذَا نَقَبْنَا فَهَلْ عِنْدَ أَنْتِ شَيْءٌ؟  
قَالَ: نَعَمْ، عِنْدِي تَمْرَةٌ حَبَّأْتُهَا مِنْكَ لِفِرَاحِي.

هنگامی که چکاوک ماده می خواست تخم بگذارد چکاوک نر گفت: می خواهی کجا  
تخم بگذاری؟  
گفت: نمی دانم، از راه دور می شوم.  
نر گفت: من بیم دارم رهگذران به تو عبور کنند. به نظر من در نزدیکی راه تخم بگذار.  
پس هر کسی تو را نزدیک راه ببیند گمان می کند که تو برای برداشتن دانه آمده ای.  
چکاوک ماده خواسته او را پذیرفت و از تخم نگهداری نمود. تا این که زمان باز شدن  
تخم، نزدیک شد، ناگاه حضرت سلیمان عليه السلام با لشکریانش پدیدار شدند در حالی که  
پرندگان بر آن حضرت سایه افکنده بودند.  
چکاوک ماده به چکاوک نر گفت: این، سلیمان عليه السلام است که با لشکریانش بر ما پدیدار  
شدند و من ایمن نیستم که ما و تخم ما را خرد کنند.  
چکاوک نر گفت: همانا سلیمان عليه السلام مردی است که برای ما مهربان است. آیا چیزی برای  
جوجه هایت آماده کرده ای؟  
گفت: آری، ملخی را از تو پنهان نموده ام و با آن در انتظار جوجه هایم هستم آیا تو نیز  
چیزی داری؟  
گفت: آری. خرمایی را برای جوجه هایم کنار گذاشته و از تو پنهان نمودم.



قَالَتْ: فَخُذْ أَنْتَ ثَمْرَتَكَ وَ أَخُذْ أَنَا جَرَادَتِي وَ نَعْرِضْ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنُهَدِيَهُمَا لَهُ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ يُحِبُّ الْهَدِيَّةَ.

فَأَخَذَ التَّمْرَةَ فِي مَنقَارِهِ وَ أَخَذَتْ هِيَ الْجَرَادَةَ فِي رِجْلَيْهَا ثُمَّ تَعَرَّضَا لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا رَأَاهُمَا وَ هُوَ عَلَى عَرْشِهِ بَسَطَ يَدَيْهِ لَهُمَا فَأَقْبَلَا فَوَقَعَ الذُّكْرُ عَلَى الْيَمِينِ وَ وَقَعَتِ الْأُنْثَى عَلَى الْإِسَارِ وَ سَأَلَهُمَا عَنْ حَالِهِمَا فَأَخْبَرَاهُ فَقَبِلَ هَدِيَّتَهُمَا وَ جَنَّبَ جُنْدَهُ عَنْهُمَا وَ عَنْ بَيْضِهِمَا وَ مَسَحَ عَلَى رَأْسِهِمَا وَ دَعَا لَهُمَا بِالْبَرَكَاتِ فَحَدَّثَتْهُ الْقُنُزُعَةُ عَلَى رَأْسِهِمَا مِنْ مَسْحَةِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

تَمَّ كِتَابُ الصَّيْدِ مِنَ «الْكَافِي» وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الذَّبَائِحِ.  
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

چکاوک ماده گفت: پس تو خرمایت را بردار و من ملخ خود را می گیرم و نزد سلیمان علیه السلام می رویم و آن ها را به او هدیه می کنیم؛ زیرا او کسی است که به هدیه علاقه دارد. چکاوک نر، خرما را در منقار خود گرفت و چکاوک ماده، ملخ را در پاهای خود گرفت، و نزد حضرت سلیمان علیه السلام رفتند. سلیمان علیه السلام در روی تخت خود نشسته بود وقتی آن ها را دید دستان خود را برای آنان باز نمود. چکاوک ها آمدند. چکاوک نر روی دست راست حضرت علیه السلام قرار گرفت و چکاوک ماده روی دست چپ.

حضرت سلیمان علیه السلام از حالشان پرسید و آنان خبر دادند، حضرت علیه السلام هدیه آنان را قبول نمود و لشکریان خود را از آن دو و تخم شان دور نگه داشت و بر سر آنان دست کشید و برای آنان به برکت دعا نمود. پس با دست کشیدن حضرت سلیمان علیه السلام روی سر آنان کاکل ایجاد شد.

کتاب احکام صید و شکار از کتاب شریف «کافی» پایان یافت و کتاب احکام ذبح و تذکيه حیوانات آغاز می شود. تمام حمدها و سپاس ها از آن خداوند؛ پروردگار جهانیان است.

---

# كِتَابُ الذَّبَائِحِ

---

كتاب

احكام ذبح و تذكیه حیوانات

---

(۱)

**بَابُ مَا تُذَكِّي بِهِ الذَّبِيحَةَ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الذَّبِيحَةِ بِاللِّيطَةِ وَبِالْمَرْوَةِ.

فَقَالَ: لَا ذَكَاةَ إِلَّا بِحَدِيدَةٍ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحَةِ بِالْعُودِ وَالْحَجَرِ وَالْقَصَبَةِ.

قَالَ: فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: لَا يَصْلُحُ الذَّبْحُ إِلَّا بِالْحَدِيدَةِ.

**بخش یکم****چگونگی تذکيه حيوان و حلال ساختن ذبح آن**

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: در صورتی که گلوی دام را با تراشه

نی و سنگ ببرند، چه صورت دارد؟

فرمود: حلال ساختن دام، جز با کارد تیز صورت نخواهد گرفت.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره ذبح با چوب و سنگ و نی پرسیدم.

فرمود: علی ابن ابی طالب عليه السلام فرمود: ذبح جز با آهن جایز نیست.

- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا يُؤْكَلُ مَا لَمْ يُذْبَحْ بِحَدِيدَةٍ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّكَاءِ. فَقَالَ: لَا يُذَكَّى إِلَّا بِحَدِيدَةٍ. نَهَى عَنْ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

(۲)

### بَابُ آخِرُ مِنْهُ فِي حَالِ الْإِضْطِرَارِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فِي الذَّبِيحَةِ بَعِيرٍ حَدِيدَةٍ.

۳ - ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گوشت حیوانی را که به وسیله آهن ذبح نشده است نباید خورد.

۴ - سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: حلال ساختن دام، با چه وسیله‌ای باید انجام شود؟

فرمود: ذکات و حلال ساختن دام، جز با کارد تیز نباید با چیز دیگری انجام شود. امیر مؤمنان علی عليه السلام استفاده از وسایل دیگر را منع فرمود.

### بخش دوم

#### تذکيه و حلال ساختن در حال اضطرار

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: ذبح دام، با وسایل غیر آهن چه صورت دارد؟

قَالَ: إِذَا اضْطُرِرْتَ إِلَيْهَا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ حَدِيدَةً فَادْبَحْهَا بِحَجَرٍ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الْمَرْوَةِ وَالْقَصَبَةِ وَالْعُودِ أَيُذْبَحُ بِهِنَّ إِذَا لَمْ يَجِدْ وَاسِكِّيْنَا؟

قَالَ: إِذَا فَرَى الْأُودَاجَ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِثْلَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ سَكِينٌ أَيُذْبَحُ بِقَصَبَةٍ؟

فرمود: اگر به خوردن گوشت دام اضطرار یافتی و کارد آهن پیدا نشد، دام را با سنگ تیز ذبح کن.

۲- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: در صورتی که انسان کارد آهنی نیابد، می تواند با سنگ تیز و تراشه نی و کارد چوبی سر دام را ببرد؟ فرمود: اگر با این وسایل رگ های گردن را بشکافد، مانعی ندارد.

۳- زید شحّام گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر به همراه کسی کارد آهنی نباشد، می تواند با تراشه نی، گلوی دام را ببرد؟

فَقَالَ: اذْبَحْ بِالْقَصَبَةِ وَبِالْحَجَرِ وَبِالْعَظْمِ وَبِالْعُودِ إِذَا لَمْ تُصِبِ الْحَدِيدَةَ إِذَا قَطَعَ  
الْحُلُقُومَ وَخَرَجَ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ.

(۳)

### بَابُ صِفَةِ الذَّبْحِ وَ النَّحْرِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ  
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
النَّحْرُ فِي اللَّبَةِ وَ الذَّبْحُ فِي الْحَلْقِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ ذَّبْحِ الْبَقْرِ فِي  
الْمَنْحَرِ.  
فَقَالَ: لِلْبَقْرِ الذَّبْحُ وَ مَا نُحِرَ فَلَيْسَ بِذَكِيٍّ.

فرمود: در صورتی که کارد آهنی نیابی، می توانی با تراشه نی، با سنگ تیز، با کار  
استخوانی و کارد چوبی گلوی دام را بشکافی، با این شرط که حلقوم را ببرد و خون دام  
بیرون بریزد، مانعی ندارد.

### بخش سوم

### چگونگی سر بریدن و گلو دریدن دام

- ۱ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
نحر شتر، با فرو بردن کارد در زیر حلقوم صورت می گیرد و ذبح سایر دامها با بریدن حلقوم.
- ۲ - صفوان گوید: از ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: اگر گاو را مانند شتر نحر کنند، چه صورت دارد؟  
فرمود: گاو را باید ذبح کنند. گاوی که نحر شود، حلال نخواهد بود.



۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يَذْبَحُونَ الْبَقْرَ، وَإِنَّمَا يَنْحَرُونَ فِي اللَّبَّةِ فَمَا تَرَى فِي أَكْلِ لَحْمِهَا؟

قَالَ: فَقَالَ عليه السلام: ﴿فَذَبْحُهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ لَا تَأْكُلُ إِلَّا مَا ذُبِحَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبْحِ.

فَقَالَ: إِذَا ذَبَحْتَ فَأَرْسِلْ وَ لَا تَكْتِفِ وَ لَا تَقْلِبِ السَّكِّينَ لِتُدْخِلَهَا مِنْ تَحْتِ الْحُلُقُومِ وَ تَقْطَعَهُ إِلَى فَوْقِ. وَ الْأَرْسَالُ لِلطَّيْرِ خَاصَّةٌ فَإِنْ تَرَدَّى فِي جُبِّ أَوْ وَهْدَةٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا تَأْكُلْهُ وَ لَا تُطْعِمْهُ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي التَّرَدِّي قَتَلَهُ أَوْ الذَّبْحُ وَإِنْ كَانَ شَيْءٌ مِنَ الْعَنَمِ فَأَمْسِكْ صُوفَهُ أَوْ شَعْرَهُ، وَ لَا تُمَسِّكَنَّ يَدًا وَ لَا رِجْلًا.

۳ - یونس بن یعقوب گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: مردم مکه گاو را ذبح نمی کنند، بلکه مانند شتر، کارد را در زیر حلقوم او فرو می برند. به نظر شما خوردن گوشت آن چه صورت دارد؟

حضرتش این آیه را قرائت فرمود که: (آنان اسرائیل) آن (گاو) را ذبح کردند ولی نزدیک بود انجام ندهند». بنابراین این از گوشت گاو نخور، جز در صورتی که گلوی آن را بریده باشند.

۴ - حمران بن اعین گوید: از امام صادق عليه السلام درباره ذبح کردن پرسیدم. فرمود: هنگامی که ذبح کردی، حیوان را رها کن (دست های) آن را (در پشت شانه ها) نبند. و چاقو را برنگردان تا آن را از زیر حلقوم داخل کنی و به سوی بالای گردن ببری. و رها کردن حیوان، فقط مخصوص پرندگان است. پس اگر حیوان در چاه یا گودالی افتاد گوشت آن را نخور و به دیگران نیز اطعام نکن؛ زیرا تو نمی دانی که افتادن باعث قتلش شده یا ذبح. و اگر مذبوح، گوسفندی باشد، پس پشم یا مویش را بگیر؛ ولی دست و پایش را نگیر.

وَأَمَّا الْبَقْرُ فَأَعْقِلْهَا وَأَطْلِقِ الذَّنْبَ. وَأَمَّا الْبَعِيرُ فَشُدَّ أَخْفَافَهُ إِلَىٰ أَبَاطِهِ وَأَطْلِقْ رِجْلَيْهِ، وَإِنْ أَفْلَتَكَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ وَأَنْتَ تُرِيدُ ذَبْحَهُ أَوْ نَدَّ عَلَيْكَ فَارْمِهِ بِسَهْمِكَ فَإِذَا هُوَ سَقَطَ فَذَكِّهِ بِمَنْزِلَةِ الصَّيْدِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحَةِ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَقْبِلْ بِذَبِيحَتِكَ الْقِبْلَةَ وَلَا تَنْخَعُهَا حَتَّىٰ تَمُوتَ. وَلَا تَأْكُلْ مِنْ ذَبِيحَةٍ مَا لَمْ تُذْبَحْ مِنْ مَذْبِحِهَا.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَنْخَعِ الذَّبِيحَةَ حَتَّىٰ تَمُوتَ فَإِذَا مَاتَتْ فَأَنْخَعُهَا.

اما گاو را ببند و دمش را رها کن.

اما شتر؛ پس کف پاهایش را در زیر بغل هایش ببند و پاهایش را رها کن. و اگر پرنده‌ای از تو پنهان شد در حالی که قصد داری آن را ذبح کنی و یا سرکشی نمود، آن را با تیر خود بزن، پس هرگاه سقوط نمود، آن را - مانند صید - تذکیه کن.

۵- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره شرایط سر بریدن دام پرسیدم؟ فرمود: روی دام را به سوی قبله کن و بعد از بریدن حلقوم، نخاع داخل کردن را قطع مکن تا موقعی که حیوان از حرکت باز بماند و مادام که از جایگاه ویژه گلوی دام را نبرند، از گوشت آن نخور.

۶- محمد حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نخاع دام را قطع مکن تا موقعی که جان بدهد. بعد از آن که جان داد، نخاع و گردن دام را قطع کن.

- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لَا تَذْبَحِ الشَّاةَ عِنْدَ الشَّاةِ، وَلَا الْجَزُورَ عِنْدَ الْجَزُورِ  
 وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ.
- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام:  
 إِذَا ذُبِحَتِ الشَّاةُ وَ سَلِيحَتِ أَوْ سَلِيحَ شَيْءٍ مِنْهَا قَبْلَ أَنْ تَمُوتَ لَمْ يَحِلَّ أَكْلُهَا.

## (۴)

## بَابُ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَذْبَحَ فَيَسْبِقُهُ السُّكَّيْنُ فَيَقْطَعُ الرَّأْسَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ ذَبَحَ فَسَبَقَهُ السُّكَّيْنُ فَقَطَعَ رَأْسَهُ.

- ۷ - غياث بن ابراهيم گوید: اميرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:  
 نباید گوسفند را در برابر گوسفند دیگر ذبح کرد و نباید شتر را در مقابل شتری دیگر که  
 ناظر است کشت.
- ۸ - راوی گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:  
 هرگاه گوسفند ذبح شود و پیش از این که بمیرد سلاخی (قطعه قطعه) شود و یا قسمتی  
 از آن سلاخی شود، خوردن آن جایز نیست.

## بخش چهارم

## حکم ذبح بدون اختیار

- ۱ - فضیل بن یسار گوید:  
 از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی می خواهد حیوانی را ذبح کند؛ ولی ناخواسته چاقو  
 پیشی می گیرد و سر حیوان را می برد (چه حکمی دارد؟)

فَقَالَ: هُوَ ذَكَاةٌ وَحَيَّةٌ لَا بَأْسَ بِهِ وَبِأَكْلِهِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ مُسْلِمٍ ذَبَحَ شَاةً وَ سَمَّى فَسَبَقَهُ السُّكَّيْنُ بِحِدَّتِهَا فَأَبَانَ  
الرَّأْسَ.

فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ الدَّمُ فَكُلْ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ:  
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَدْ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَذْبَحُ فَتُسْرِعُ السُّكَّيْنُ فَتُبِينُ  
الرَّأْسَ.

فَقَالَ: الذَّكَاةُ الْوَحْيَةُ لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ إِذَا لَمْ يَتَعَمَّدْ بِذَلِكَ.

فرمود: این حیوان فوری تذکیه شده است، ایرادی ندارد و خوردن آن نیز اشکالی ندارد.  
۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مسلمانی می خواهد گوسفندی را  
ذبح کند و «بسم الله» نیز می گوید، پس چاقو با لبه تیزش پیش دستی می کند و سر گوسفند  
را جدا می کند. (حکمش چیست؟)

فرمود: اگر خون جاری شود، از گوشت آن بخور.

۳ - مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که وقتی پرسیدند: مردی حیوانی  
را ذبح کند اما چاقو عجله می کند و سر حیوان را جدا می کند، فرمود:

این حیوان به صورت فوری تذکیه شده است. در صورتی که از روی عمد نباشد خوردن  
گوشت آن مانعی ندارد.

(۵)

**بَابُ الْبَعِيرِ وَ الثَّوْرِ يَمْتَنِعَانِ مِنَ الذَّبْحِ**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا امْتَنَعَ عَلَيْكَ بَعِيرٌ وَأَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَنْحَرَهُ فَانْطَلِقْ مِنْكَ، فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ يَسْبِقَكَ فَضْرَبْتَهُ بِسَيْفٍ أَوْ طَعْنْتَهُ بِرُمْحٍ بَعْدَ أَنْ تُسَمِّيَ فَكُلُّ إِلَّا أَنْ تُدْرِكَهُ وَ لَمْ يَمُتْ بَعْدُ فَذَكَّهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ ثَوْرًا بِالْكُوفَةِ نَارَ فَبَادَرَ النَّاسَ إِلَيْهِ بِأَسْيَافِهِمْ فَضَرَبُوهُ، فَأَتَوْا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَسَأَلُوهُ.

**بخش پنجم****رم کردن شتر و گاو در هنگام ذبح**

۱- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه می خواهی شتر را نحر کنی و آن فرار کند و بیم داری که بر تو پیشی گیرد از این رو فوری بعد از «بسم الله» با شمشیر یا نیزه ضربه ای به آن فرود آوردی می توانی از آن بخوری. مگر آن که هنوز کشته نشده باشد در این صورت آن را تذکيه کن.

۲- عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: روزی در شهر کوفه گاوی رم کرد، مردم با شمشیر به آن هجوم آوردند و آن را زدند و کشتند. آن گاه خدمت امیرمؤمنان علی عليه السلام آمدند و مسأله را از حضرتش پرسیدند.

فَقَالَ: ذَكَاءٌ وَحَيَّةٌ وَ لَحْمُهُ حَلَالٌ .

۳- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي ثَوْرٍ نَعَّاصَى فَاثْبَدَ رُؤُهُ بِأَشْيَافِهِمْ وَ سَمَّوْا وَ أَتَوْا عَلِيًّا عليه السلام. فَقَالَ: هَذِهِ ذَكَاءٌ وَ حَيَّةٌ وَ لَحْمُهُ حَلَالٌ .

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ قَوْمًا أَتَوْا النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالُوا: إِنَّ بَقْرَةَ لَنَا غَلَبْتَنَا وَ اسْتَضَعَبَتْ عَلَيْنَا فَضَرَبْنَاهَا بِالسَّيْفِ. فَأَمَرَهُمْ بِأَكْلِهَا.

۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ أَبَانَ عَنِ إِسْمَاعِيلَ الْجَعْفِيِّ قَالَ:

فرمود: این گاو به صورت فوری تذکیه شده است و گوشت آن حلال است.

۳- محمد حلبی نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند با این تفاوت که در این روایت تصریح شده که مردم در هنگام ضربه زدن به گاو، «بسم الله» گفته بودند.

۴- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گروهی نزد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آمدند و عرضه داشتند: یکی از گاوهای ما رم کرد و مهارش برای ما سخت شد. پس با شمشیر به آن ضربه زدیم و کشتیم.

پس پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به آنان دستور داد که از گوشت گاو تناول کنند.

۵- اسماعیل جعفی گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَعِيرٌ تَرَدَّى فِي بَيْتٍ كَيْفَ يُنْحَرُ؟  
قَالَ: تُذَخَّلُ الْحَرْبَةَ فَتَطْعَنُهُ بِهَا وَ تُسَمَّى وَ تَأْكُلُ.

(۶)

### بَابُ الذَّبِيحَةِ تُذْبَحُ مِنْ غَيْرِ مَذْبَحِهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ جَزُورًا أَوْ شَاةً فِي غَيْرِ مَذْبَحِهَا وَ قَدْ سَمَّى  
حِينَ ضَرَبَ فَقَالَ:  
لَا يَصْلُحُ أَكْلُ ذَبِيحَةٍ لَا تُذْبَحُ مِنْ مَذْبَحِهَا.  
يَعْنِي إِذَا تَعَمَّدَ لِذَلِكَ وَ لَمْ تَكُنْ حَالُهُ حَالَ اضْطِرَّارٍ. فَأَمَّا إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهَا وَ  
اسْتَضْعَبَتْ عَلَيْهِ مَا يُرِيدُ أَنْ يَذْبَحَ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شتری که در چاه افتاده چگونه نحر می شود؟  
فرمود: آلت کشنده و حربه را دارد چاه می کنی و با گفتن «بسم الله» ضربه می زنی  
و گوشت آن را می خوری.

### بخش ششم

#### حیوانی که غیر از محل ذبحش ذبح می شود

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که با شمشیرش به غیر محل ذبح شتر یا  
گوسفند ضربه می زند با این که هنگام ضربه زدن «بسم الله» گفته بود، فرمود:  
خوردن حیوان ذبح شده ای که از محل ذبح شدنش ذبح نشده است جایز نیست.  
مرحوم کلینی عليه السلام و یایکی از راویان حدیث گوید: یعنی هرگاه این کار را از روی عمد  
انجام دهد و در حال اضطرار نباشد؛ اما اگر ناچار باشد و ذبح کردن برایش دشوار شده  
باشد ایرادی ندارد.

(۷)

**بَابُ إِذْرَاكِ الذَّكَاةِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا طَرَفَتِ الْعَيْنُ أَوْ رَكَضَتِ الرَّجُلُ أَوْ تَحَرَّكَ الذَّنْبُ وَأَذْرَكَتُهُ فَذَكَهُ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ الْفَرَاءِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ جَاءَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ السَّلَامِ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَقُولُ لَكَ جَدِّي: إِنَّ رَجُلًا ضَرَبَ بَقْرَةً بِفَأْسٍ فَسَقَطَتْ ثُمَّ ذَبَحَهَا.

**بخش هفتم****فرصت برای حلال ساختن حیوان**

- ۱ - عبدالله بن سلیمان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
در نوشته امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: هرگاه چشم دام می چرخد، پای خود را به زمین می کوبد و دم می جنباند فرصت باقی است که دام را تذکیه و حلال سازی.
- ۲ - حسن بن مسلم گوید: من در حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که محمد بن عبدالسلام شرف یاب شد و گفت: قربانت شوم! جدم می گوید: مردی با تبر به سرگاو کوبیده و موقعی که گاو به زمین افتاده، سر او را بریده است. (چه حکمی دارد؟)



فَلَمْ يُرْسِلْ مَعَهُ بِالْجَوَابِ وَ دَعَا سَعِيدَةَ مَوْلَاةً أُمَّ فَرْوَةَ فَقَالَ لَهَا: إِنَّ مُحَمَّدًا أَتَانِي بِرِسَالَةٍ مِنْكَ فَكَرِهْتُ أَنْ أُرْسِلَ إِلَيْكَ بِالْجَوَابِ مَعَهُ، فَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ الَّذِي ذَبَحَ الْبَقْرَةَ حِينَ ذَبَحَ خَرَجَ الدَّمُ مُعْتَدِلًا فَكُلُوا وَ أَطْعَمُوا، وَإِنْ كَانَ خَرَجَ خُرُوجًا مُتَّاقِلًا فَلَا تَقْرُبُوهُ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا طَرَفَتِ الْعَيْنُ أَوْ رَكَضَتِ الرَّجُلُ أَوْ تَحَرَّكَ الذَّنْبُ فَكُلْ مِنْهُ فَقَدْ أَدْرَكَتْ ذَكَاتَهُ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا شَكَّكَتَ فِي حَيَاةِ شَاةٍ وَ رَأَيْتَهَا تَطْرِفُ عَيْنَهَا أَوْ تُحَرِّكُ أُذُنَهَا أَوْ تَمْصَعُ بِذَنَبِهَا فَادْبَحْهَا، فَإِنَّهَا لَكَ حَلَالٌ.

امام صادق عليه السلام به او پاسخی نداد. آن گاه سعیده کنیز همسرش أم فروه را صدا زد تا برود و بگوید: محمد پیغامی آورد که من نخواستم پاسخ سؤالت را به وسیله او بفرستم. اینک از آن مردی که گاو را ذبح کرده پیرس اگر خون گاو در حد متعارف خارج شده است، از گوشت گاو بخورید و به دیگران نیز بخورانید، اما اگر خون گاو با کندی خارج شده است، به گوشت گاو نزدیک نشوید.

۳- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در کتاب حضرت علی عليه السلام چنین آمده است:

هرگاه چشم حیوان باز و بسته شود، یا پایش بجنبند و یا دمش تکان بخورد، می توانی از گوشت آن بخوری؛ زیرا توانسته ای آن را تذکيه کنی.

۴- ابان بن تغلب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در زنده بودن گوسفند شک کردی و دیدی چشمش را باز و بسته می کند و یا با دمش ضربه می زند، آن را ذبح کن؛ زیرا برای ت حلال است.

- ۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحَةِ. فَقَالَ: إِذَا تَحَرَّكَ الذَّنْبُ أَوْ الطَّرْفُ أَوْ الْأُذُنُ فَهُوَ ذَكِيٌّ.
- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الشَّاةِ: إِذَا طَرَفَتْ عَيْنَهَا أَوْ حَرَّكَتْ ذَنْبَهَا فَهِيَ ذَكِيَّةٌ.

(۸)

### بَابُ مَا ذُبِحَ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ أَوْ تَرَكَ التَّسْمِيَةَ وَالْجُنْبُ يَذْبَحُ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

۵- مُحَمَّدٌ حَلْبِيٌّ گويد: از امام صادق عليه السلام درباره حیوان ذبح شده پرسیدم. فرمود: هرگاه که دم دام بجنبد، و چشمها بچرخد و گوشها تکان بخورد، آن تذکيه شده‌اند.

۶- رفاعه گويد: امام صادق عليه السلام درباره گوسفند فرمود: هرگاه چشم حیوان باز و بسته شود و یا دمش تکان خورد، تذکيه شده است.

### بخش هشتم

### حکم ذبح به غیر قبله یا ترک « بسم الله » و حکم ذبح فرد جنب

۱- مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ گويد:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ ذَبَحَ ذَبِيحَةً فَجَهِلَ أَنْ يُوجِّهَهَا إِلَى الْقِبْلَةِ.  
قَالَ: كُلِّ مِنْهَا.

فَقُلْتُ لَهُ: فَإِنَّهُ لَمْ يُوجِّهَهَا.

قَالَ: فَلَا تَأْكُلْ مِنْهَا، وَلَا تَأْكُلْ مِنْ ذَبِيحَةٍ مَا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ تعالى عَلَيْهَا.  
وَ قَالَ عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَذْبَحَ فَاسْتَقْبِلْ بِذَبِيحَتِكَ الْقِبْلَةَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ  
رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَذْبَحُ وَلَا يُسَمِّي.

قَالَ: إِنْ كَانَ نَاسِيًا فَلَا بَأْسَ إِذَا كَانَ مُسْلِمًا، وَ كَانَ يُحْسِنُ أَنْ يَذْبَحَ وَ لَا يَنْخَعُ  
وَ لَا يَقْطَعُ الرَّقَبَةَ بَعْدَ مَا يَذْبَحُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام باقر عليه السلام پرسیدم: اگر کسی فراموش کند و بدن دام را به سوی قبله نکشاند (چه صورت دارد؟)

فرمود: می توانی از گوشت آن تناول کنی.

گفتم: اگر یادش باشد و با وجود آن بدن دام را به سوی قبله نکند (چه صورت دارد؟)  
فرمود: از گوشت آن دام نخور. و نیز در صورتی که نام خدا را نبرند و دام را تذکيه  
نمایند، از گوشت آن دام مخور.

حضرتش فرمود: اگر خواستی دام را ذبح کنی، روی دام را به سمت قبله کن.

۲- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: اگر کسی دام را ذبح کند و نام خدا را  
نبرد (چه صورت دارد؟)

فرمود: اگر فراموش کرده باشد مانعی ندارد. با این شرط که مسلمان باشد و به شرایط سر  
بریدن آشنا باشد، نخاع دام را قطع نکند و بعد از ذبح کردن، سر دام را جدا نکند تا جان دهد.

۳- حلبی گوید:

سُئِلَ عَنِ الذَّبِيحَةِ تُذْبَحُ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ .  
 قَالَ : لَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يَتَعَمَّدَ .  
 وَ عَنِ الرَّجُلِ يَذْبَحُ فَيَنْسَى أَنْ يُسَمِّيَ أَوْ تَوَكَّلَ ذَبِيحَتَهُ ؟  
 فَقَالَ : نَعَمْ ، إِذَا كَانَ لَا يُتَّهَمُ وَ كَانَ يُحْسِنُ الذَّبْحَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ لَا يَنْخَعُ وَ لَا يَكْسِرُ  
 الرَّقَبَةَ حَتَّى تَبْرُدَ الذَّبِيحَةُ .  
 ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
 قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَبِيحَةٍ ذُبِحَتْ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ .  
 فَقَالَ : كُلُّ وَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ مَا لَمْ يَتَعَمَّدَهُ .  
 قَالَ : وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ ذَبَحَ وَ لَمْ يُسَمِّ .  
 فَقَالَ : إِنْ كَانَ نَاسِيًا فَلْيُسَمِّ حِينَ يَذْكُرُ وَ يَقُولُ : « بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوْلَاهِ وَ عَلَى  
 آخِرِهِ » .

از امام صادق عليه السلام درباره حیوانی که رو به قبله ذبح نشده است، پرسیدند فرمود:  
 در صورتی که عمدی نباشد ایرادی ندارد.  
 پرسیدند: مردی حیوانی را ذبح می‌کند، اما فراموش می‌کند «بسم الله» بگوید؛ آیا  
 می‌توان این حیوان را خورد؟  
 فرمود: آری، در صورتی که ذبح کننده مورد اتهام نباشد و پیش از این به خوبی ذبح  
 می‌کرده است و گردن حیوان را نباید قطع و یا بشکند تا این که بدن حیوان سرد شود.  
 ۴- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر دام را سر ببرند و روی او را به  
 سوی قبله نکرده باشند (چه صورت دارد؟)  
 فرمود: از گوشت آن بخور مادامی که عمدی نباشد، مانعی ندارد.  
 پرسیدم: اگر قصابی نام خدا را نبرده و دامی را ذبح کرده چه صورت دارد؟  
 فرمود: در صورتی که فراموش کرده باشد، هر لحظه‌ای که خاطرش بیاید، باید نام خدا  
 را ببرد و بگوید: «بسم الله على أوله و آخره».

- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ عَنِ رَجُلٍ ذَبَحَ فَسَبَّحَ أَوْ كَبَّرَ أَوْ هَلَّلَ أَوْ حَمِدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.  
قَالَ: هَذَا كُلُّهُ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا بَأْسَ بِهِ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ:  
لَا بَأْسَ أَنْ يَذْبَحَ الرَّجُلُ وَ هُوَ جُنُبٌ.

(۹)

### بَابُ الْأَجِنَّةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ بُطُونِ الذَّبَائِحِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی دام را ذبح کند و در عوض «بسم الله»، «سبحان الله» یا «الله اکبر» یا «لا اله الا الله» و یا «الحمد لله» بگوید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اینها همه نام خداوند متعال است و ایرادی ندارد.

۶ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ایرادی ندارد که انسان در حال جنابت حیوانی را ذبح کند.

### بخش نهم

حکم جنینی که از شکم حیوان ذبح شده، بیرون می آید

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ﴾.  
فَقَالَ: الْجَنِينُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ إِذَا أَشْعَرَ وَ أَوْبَرَ فَذَكَاتُهُ ذَكَاةُ أُمِّهِ ، فَذَلِكَ الَّذِي عَنِّي  
اللَّهُ ﷻ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا ذَبَحْتَ الذَّبِيحَةَ فَوَجَدْتَ فِي بَطْنِهَا وَلَدًا تَامًا فَكُلْ ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ تَامًا فَلَا  
تَأْكُلْ .

۳ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ  
عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَوَارِ تُذَكِّي أُمَّهُ أَيْوُكُلُ بِذَكَاتِهَا؟  
فَقَالَ: إِذَا كَانَ تَامًا وَ نَبَتَ عَلَيْهِ الشَّعْرُ فَكُلْ .

از امام (باقر علیه السلام) و یا امام صادق علیه السلام) درباره گفتار خداوند که می فرماید: «چهارپایان  
برای شما حلال شده است» پرسیدم.

فرمود: جنینی که در شکم مادرش است هرگاه موی و پشم داشته باشد؛ تذکیه اش همان  
تذکیه مادرش خواهد بود. پس این، همان معنایی است که خداوند متعال منظور کرده است.

۲ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه حیوانی را ذبح نمودی و در شکمش فرزند کاملی یافتی؛ آن را بخور و اگر کامل  
نباشد، آن را نخور.

۳ - یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شتری را که بره ای در شکم دارد

تذکیه کنند، آن بره هم حلال می شود؟

فرمود: در صورتی که آفرینش آن کامل باشد و بر پوست آن مو رویده باشد حلال

است، از آن بخور.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
 دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ .  
 ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ  
 سَمَاعَةَ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّاةِ يَذْبَحُهَا وَ فِي بَطْنِهَا وَلَدٌ وَ قَدْ أَشْعَرَ .  
 فَقَالَ عليه السلام : ذَكَاتُهُ ذَكَاتُ أُمِّهِ .

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْجَنِينِ :  
 إِذَا أَشْعَرَ فَكُلْ وَإِلَّا فَلَا تَأْكُلْ . يَعْنِي إِذَا لَمْ يُشْعِرْ .

- 
- ۴ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر گوسفندی را ذبح کنند و از شکم او  
 بره‌ای خارج شود که مو بر پوست او روییده باشد، چه صورت دارد؟  
 فرمود: تذکيه بره همان تذکيه مادر آن است (هر دو حلال‌اند).  
 ۵ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام در باره جنين فرمود:  
 هرگاه موی داشته باشد آن را بخور، وگرنه (اگر موی نداشته باشد) آن را نخور.

(۱۰)

**بَابُ النَّطِيحَةِ وَالْمُتَرَدِّيَةِ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ تُدْرِكُ ذَكَاتَهَا**

- ۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
النَّطِيحَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِذَا أَدْرَكَتْ ذَكَاتَهُ فَكُلُّ.  
۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
لَا تَأْكُلْ مِنْ فَرِيَسَةِ السَّبْعِ وَلَا الْمَوْقُودَةِ وَلَا الْمُتَرَدِّيَةِ إِلَّا أَنْ تُدْرِكَهَا حَيَّةً فَتَدَكِّي.

**بخش دهم****حکم ذبح حیوانی که حیوان دیگری به آن شاخ زده ، حیوانی که در چاه افتاده و حیوانی که درنده‌ای آن را خورده**

- ۱ - وِشَاءٌ گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:  
حیوانی که به وسیله شاخ زدن کشته شده است، حیوانی که در چاه افتاده و حیوانی که درندگان آن را خورده‌اند؛ در صورتی که بتوانی آن را تذکیه کنی از گوشت آن تناول کن.  
۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
از گوشت شکار درندگان، حیوانی که با چوب کشته شده و حیوانی که در چاه افتاده است؛ نخور، مگر این که آن را زنده بیابی و تذکیه‌اش کنی.



(۱۱)

**بَابُ الدَّمِ يَقَعُ فِي الْقَدْرِ**

۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَدْرِ فِيهَا جَزُورٌ وَقَعَ فِيهَا مِقْدَارُ أُوقِيَّةٍ مِنْ دَمٍ أَيُؤْكَلُ؟ فَقَالَ عليه السلام: نَعَمْ، لِأَنَّ النَّارَ تَأْكُلُ الدَّمَ.

(۱۲)

**بَابُ الْأَوْقَاتِ الَّتِي يُكْرَهُ فِيهَا الذَّبْحُ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

**بخش یازدهم****حکم دیگی که در آن خون ریخته شود**

۱ - سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: در یک دیگ، گوسفندی قرار دارد، به اندازه یک اوقیه در آن خون ریخته می شود؛ آیا می توان گوسفند را خورد؟ فرمود: آری، زیرا آتش خون را می خورد.

**بخش دوازدهم****اوقاتی که ذبح کردن مکروه است**

۱ - محمد حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْرَهُ الذَّبْحَ وَ إِرَاقَةَ الدَّمِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ إِلَّا عَنِ ضَرُورَةٍ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ يَأْمُرُ غُلَمَانَهُ أَنْ لَا يَذْبَحُوا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ. فِي نَوَادِرِ الْجُمُعَةِ (۱).

۳- عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ لِغُلَمَانِهِ: لَا تَذْبَحُوا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا لِكُلِّ شَيْءٍ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَإِنْ خِفْنَا؟

پیامبر خدا ﷺ ذبح کردن و خون ریختن در روز جمعه، پیش از نماز جمعه را - جز در موارد ضروری - مکروه می‌شمرد.

۲- ابان بن تغلب گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

امام سجّاد ﷺ به برده‌های خود دستور می‌داد که حیوانی را ذبح نکنند تا این که فجر طلوع کند.

۳- ابان بن تغلب گوید: از امام سجّاد ﷺ شنیدم که به برده‌های خود می‌فرمود:

هیچ دامی را ذبح نکنید تا این که فجر طلوع کند؛ زیرا خداوند شب را آرامشی برای همه اشیا قرار داده است.

عرض کردم: فدایتان کردم! اگر بیم داشته باشیم که حیوان بمیرد؛ چه حکمی دارد؟

۱ - به نظر می‌رسد اشتباهی رخ داده است که نقل این روایت از بخش نوادر جمعه باشد.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ خِفْتَ الْمَوْتَ فَادْبَحْ.

(۱۳)

### بَابُ آخِرُ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ ذَبِيحَةِ الْمُرْجِيِّ وَالْحَرُورِيِّ. فَقَالَ: كُلُّ وَ قِرٍّ وَ اسْتَقَرَّ حَتَّى يَكُونَ مَا يَكُونُ. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ.

فرمود: اگر از مرگ حیوان بیم داری، ذبح کن.

### بخش سیزدهم

#### [ حکم خرید گوشت از بازار قصابها ]

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره حیوانی که توسط شخص «مرجی» و «حروری» ذبح شود پرسیدم.

فرمود: بخور و آن را تقریر کن و بر آن ثابت باش، تا این که باشد آن چه که خواهد بود.

- ۲ - فضیل، زراه و محمد بن مسلم گویند:

أَنَّهُمْ سَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ شِرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْأَسْوَاقِ وَلَا يُدْرَى مَا يَصْنَعُ الْقَصَابُونَ .

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَسْأَلْ عَنْهُ .

(۱۴)

### بَابُ ذَبْحَةِ الصَّبِيِّ وَالْمَرْأَةِ وَالْأَعْمَى

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ ذَبْحَةِ الصَّبِيِّ .  
فَقَالَ : إِذَا تَحَرَّكَ وَكَانَ لَهُ خَمْسَةُ أَشْبَارٍ وَأَطَاقَ الشُّفْرَةَ .  
وَ عَنِ ذَبْحَةِ الْمَرْأَةِ .

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدیم: ما گوشت را از بازار قصابها می خریم و نمی دانیم که آنان تا چه حد شرایط تذکیر را رعایت می کنند.  
فرمود: اگر بازار مسلمانان باشد، بخورید و پرسش و تحقیق نکنید.

### بخش چهارم

#### حکم ذبح شده کودک، زن و نابینا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: اگر کودکی دام را ذبح کند چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که به حد جست و خیز رسیده باشد و قامت او به پنج و جب برسد و بتواند کارد را به کار اندازد، مانعی ندارد.

پرسیدم: اگر زن دام را سر ببرد، (چه صورت دارد؟)

فَقَالَ: إِنَّ كُنَّ نِسَاءً لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ فَلْتَذْبِحْ أَعْقُلَهُنَّ وَ لْتَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَبِيحَةِ الْغُلَامِ.

قَالَ: إِذَا قَوِيَ عَلَى الذَّبْحِ وَ كَانَ يُحْسِنُ أَنْ يَذْبَحَ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَكُلْ. قَالَ: وَ سُئِلَ عَنْ ذَبِيحَةِ الْمَرْأَةِ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مُسْلِمَةً فَذَكَرَتْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَكُلْ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَبِيحَةِ الْغُلَامِ وَ الْمَرْأَةِ هَلْ تُؤْكَلُ؟

فرمود: اگر چند تن خانم با هم باشند و مردی نباشد که برای آنان قصابی کند، عاقل تراز همه آن‌ها که آشنا به شرایط ذبح باشد نام خداوند متعال را ببرد و سر دام را ببرد.

۲ - مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره حیوانی که توسط پسر بچه ذبح می‌شود، پرسیده شد.

فرمود: هرگاه توانایی ذبح کردن را داشته باشد و بتواند به خوبی ذبح نماید و «بسم الله» بگوید؛ از گوشت آن بخور.

پرسیده شد: حیوان ذبح شده توسط زن چگونه است؟

فرمود: هرگاه مسلمان باشد و «بسم الله» گفته باشد؛ از گوشت آن بخور.

۳ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قصابی زن و کودک پرسیدم که آیا می‌توان خورد؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مُسْلِمَةً وَ ذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ ﷻ عَلَى ذَبِيحَتِهَا حَلَّتْ ذَبِيحَتُهَا، وَ كَذَلِكَ الْعُلَامُ إِذَا قَوِيَ عَلَى الذَّبِيحَةِ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ ﷻ عَلَيْهَا وَ ذَلِكَ إِذَا خِيفَ قَوْتُ الذَّبِيحَةِ وَ لَمْ يُوجَدْ مَنْ يَذْبَحُ غَيْرُهُمَا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:

سَأَلَ الْمَرْزُبَانَ الرَّضَاءَ عليه السلام عَنْ ذَبِيحَةِ الصَّبِيِّ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ وَ ذَبِيحَةِ الْمَرْأَةِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَبِيحَةِ الْخَصِيِّ وَ الصَّبِيِّ وَ الْمَرْأَةِ إِذَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ

رَوَوْهُ عَنْهُمَا جَمِيعاً عليه السلام:

أَنَّ ذَبِيحَةَ الْمَرْأَةِ إِذَا أَجَادَتِ الذَّبْحَ وَ سَمَّتْ فَلَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ وَ كَذَلِكَ الْأَعْمَى إِذَا سُدِّدَ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

أَبِي الْبَلَادِ قَالَ:

فرمود: در صورتی که آن زن مسلمان باشد و نام خدا را ببرد، دامی را که سر می برد، حلال می شود. و این در صورتی است که دام مصدوم شده باشد و در آستانه مرگ باشد و غیر از کودک و زن، قصاب دیگری یافت نشود.

۴ - راوی گوید: مرزبان از امام رضا عليه السلام پرسید: قصابی کودکی که به بلوغ نرسیده و

هم چنین قصابی زن چه حکمی دارد؟

فرمود: قصابی مرد اخته، کودک و زن در صورتی که ناگزیر باشد ایرادی ندارد.

۵ - راویان متعدد می گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند:

خوردن حیوان ذبح شده توسط زن هرگاه که زن به خوبی ذبح کند و «بسم الله» بگوید؛

ایرادی ندارد. و همین طور است شخص نابینا؛ هرگاه که به درستی ذبح کند.

۶ - ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ذَبِيحَةِ الْخَصِيِّ .  
فَقَالَ : لَا بَأْسَ .

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ :

كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَارِيَةٌ تَذْبَحُ لَهُ إِذَا أَرَادَ .

۸ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ  
عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
إِذَا بَلَغَ الصَّبِيُّ خَمْسَةَ أَشْبَارٍ أَكَلَتْ ذَبِيحَتُهُ .

از امام صادق عليه السلام درباره قصابی مرد اخته پرسیدم.

فرمود: مانعی ندارد.

۷ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام سجّاد عليه السلام کنیزی داشت که هرگاه حضرت می خواست دامی ذبح نماید او برایش  
ذبح می نمود.

۸ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر قد کودک به پنج وجب برسد و حیوانی را ذبح نماید می توان از گوشت آن تناول  
کرد.

(۱۵)

## بَابُ ذَبَائِحِ أَهْلِ الْكِتَابِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَبِيحَةِ الذَّمِّيِّ. فَقَالَ: لَا تَأْكُلُهُ إِنْ سَمِيَ وَإِنْ لَمْ يُسَمَّ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا قَوْمٌ نَخْتَلِفُ إِلَى الْجَبَلِ وَالطَّرِيقِ بَعِيدٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْجَبَلِ فَرَأَسِخُ فَنَسْتَرِي الْقَطِيعَ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ وَيَكُونُ فِي الْقَطِيعِ أَلْفٌ وَخَمْسُمِائَةَ شَاةٍ وَأَلْفٌ وَسِتُّمِائَةَ شَاةٍ وَالْأَلْفُ وَسَبْعُمِائَةَ شَاةٍ فَتَفْعُ الشَّاةُ وَالْإِثْنَتَانِ وَالثَّلَاثَةُ فَنَسْأَلُ الرُّعَاةَ الَّذِينَ يَجِيئُونَ بِهَا عَنْ أَدْيَانِهِمْ؟ فَيَقُولُونَ: نَصَارَى.

## بخش پانزدهم

## حکم قصابی اهل کتاب (یهودی ، مسیحی و...)

- ۱- زید شحّام گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قصابی کافر ذمی پرسیدند. فرمود: از دام ذبح شده توسط کافر ذمی چه «بسم الله» گفته باشد چه نگفته باشد نخور.
- ۲- حسین بن منذر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: ما گروهی هستیم که برای خرید دام به کوهستان می‌رویم. راه ما دور است و تا کوهستان چند فرسخ فاصله داریم. یک گله، دو گله و سه گله گوسفند می‌خریم که در هر گله، هزار و پانصد تا هزار و هفتصد رأس گوسفند حرکت می‌کند. در نیمه راه یک گوسفند و گاهی دو، سه گوسفند مصدوم می‌شود که ناگزیر به وسیله چوپان‌ها ذبح می‌شوند. از چوپان‌ها می‌پرسیم که دین شما چه دینی است؟ آنان می‌گویند: ما نصرانی هستیم.



قَالَ: فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ قَوْلُكَ فِي ذَبِيحَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى .  
فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ! الذَّبِيحَةُ بِالْإِسْمِ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَيْهَا إِلَّا أَهْلُ التَّوْحِيدِ .  
۳- وَ عَنْهُ عَنْ حَنَانٍ قَالَ :

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ الْمُنْذِرِ رَوَى عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ: إِنَّ  
الذَّبِيحَةَ بِالْإِسْمِ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَيْهَا إِلَّا أَهْلُهَا .  
فَقَالَ: إِنَّهُمْ أَحَدْتُوا فِيهَا شَيْئًا لَا أَشْتَهِيهِ .  
قَالَ حَنَانٌ: فَسَأَلْتُ نَصْرَانِيًّا. فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ: إِذَا ذَبَحْتُمْ .  
فَقَالَ: نَقُولُ: بِاسْمِ الْمَسِيحِ .

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ نَصَارَى الْعَرَبِ أَتُوكَلُّ ذَبِيحَتَهُمْ؟

عرض کردم: نظر شما درباره ذبح یهودی‌ها و نصرانی‌ها چیست؟  
فرمود: ای حسین! ذبیحه با نام خدا حلال می‌شود. اگر نام غیر خدا را ببرند، حرام  
می‌شود. در این مسأله فقط می‌توانیم به اهل توحید اعتماد کنیم.  
۳- حنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: حسین بن منذر از شما روایت کرده است که  
«ذبیحه با نام خدا حلال می‌شود. اگر نام غیر خدا را ببرند، حرام می‌شود، و در این مسئله  
فقط باید به اهل توحید اعتماد کنیم». (آیا صحیح است؟)  
فرمود: نصرانی‌ها در این مراسم مذهبی، بدعتی احداث کرده‌اند که آن را خوش نمی‌دارم.  
حنان گوید: من از یک نفر نصرانی پرسیدم: شما در موقع ذبح دام‌ها چه می‌گویید؟  
گفت: می‌گوییم: با نام مسیح.  
۴- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام درباره قصابی عرب‌های مسیحی پرسیدم که  
آیا می‌توان از گوشت ذبح شده توسط آنان خورد؟

فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْهَى عَنْ ذَبَائِحِهِمْ وَ صَيْدِهِمْ وَ مَذَاكِحَتِهِمْ.  
 ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ  
 عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ ذَبِيحَةِ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ.  
 فَقَالَ: لَا تَقْرُبُوهَا.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ  
 عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نَكُونُ بِالْجَبَلِ فَتَبَعْتُ الرُّعَاةَ فِي الْغَنَمِ فَرُبَّمَا عَطَبَتْ  
 الشَّاةُ أَوْ أَصَابَهَا الشَّيْءُ فَيَذْبَحُونَهَا فَنَأْكُلُهَا؟  
 فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ الذَّبِيحَةُ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَيْهَا إِلَّا مُسْلِمٌ.

فرمود: امام سجّاد علیه السلام از حیوان ذبح شده توسط آنان، حیوان صید شده توسط آنان و ازدواج با آنان نهی می نمود.

۵ - سماعه گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره ذبح شده توسط یهودی و نصرانی پرسیدم.  
 فرمود: به ذبیحه آنان نزدیک نشوید.

۶ - حسین بن عبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ما در کوهستان زندگی می کنیم، چوپان های محلی را به همراه گله به چرا می فرستیم، گاهی گوسفندی بیمار و یا مصدوم گردد، و چوپان ها گوسفند را می کشند و می آورند. آیا از گوشت آن تناول کنیم؟  
 فرمود: در مورد ذبیحه جز به مسلمان، به دیگران نمی توان اعتماد کرد.

۷- وَ عَنْهُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اضْطَحَبَ الْمُعَلَّى بْنُ حُنَيْسٍ وَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ فِي سَفَرٍ فَأَكَلَ أَحَدُهُمَا ذَبِيحَةَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ أَبِي الْأَخْرُ عَنْ أَكْلِهَا فَاجْتَمَعَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَخْبَرَاهُ. فَقَالَ: أَيُّكُمَا الَّذِي أَبِي؟ قَالَ: أَنَا. قَالَ: أَحْسَنْتَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ: رَجُلٌ أَضْلَحَكَ اللَّهُ! إِنْ لَنَا جَارًا قَصَابًا فَيَجِيءُ بِيَهُودِيٍّ فَيَذْبَحُ لَهُ حَتَّى يَشْتَرِي مِنْهُ الْيَهُودُ. فَقَالَ: لَا تَأْكُلْ مِنْ ذَبِيحَتِهِ وَ لَا تَشْتَرِ مِنْهُ. ۹- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۷- حسین بن عبدالله گوید: معلی بن حنیس و عبدالله بن ابی یعفور، در راه مکه همسفر بودند. معلی از قصاب‌های یهود و نصارا گوشت می‌خرید و عبدالله از خوردن آن خودداری می‌کرد. هر دو به محضر امام صادق عليه السلام شرف یاب شدند و مسأله را طرح کردند. امام عليه السلام پرسید: کدام یک از خوردن خودداری کرده‌اید؟ عبدالله گفت: من حضرت فرمود: آفرین بر تو.

۸- حسین احمسی گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم. مردی آمد و گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! ما همسایه‌ای داریم که گوشت می‌فروشد. او می‌رود و قصاب یهودی را می‌آورد تا برای او کشتار کند تا یهودی‌ها نیز از گوشت او بخورند. فرمود: از کشتار او نخور و از آن فروشگاه گوشت نخر. ۹- حسین احمسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قَالَ هُوَ الْإِسْمُ فَلَا يُؤْمَنُ عَلَيْهِ إِلَّا مُسْلِمٌ.

۱۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ.

فَقَالَ لَهُ: أَلَعَنِمُ يُرْسَلُ فِيهَا الْيَهُودِيُّ وَ النَّصْرَانِيُّ فَتَعْرِضُ فِيهَا الْعَارِضَةُ فَيَذْبَحُ أَ تَأْكُلُ ذَبِيحَتَهُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا تُدْخِلُ تَمَنُّهَا مَالَكَ وَلَا تَأْكُلْهَا؛ فَإِنَّمَا هُوَ الْإِسْمُ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَيْهِ إِلَّا مُسْلِمٌ.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ﴾.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: إِنَّمَا هُوَ الْحُبُوبُ وَ أَشْبَاهُهَا.

ذبیحه با نام خدا حلال می شود، پس در این مسئله تنها مسلمان مورد اعتماد است.  
 ۱۰- قتیبه اعشی گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم. مردی پرسید: رمه گوسفند را با چوپان یهودی و یا چوپان نصرانی به مقصد می فرستیم، در راه حوادثی رخ می دهد که باید یک یا دو گوسفند را ذبح کرد. آیا می توانیم از ذبیحه آنان بخوریم؟  
 فرمود: اگر ذبیحه را فروخته باشند، پول آن را داخل اموالت مکن. اگر گوشت آن را آوردند، نخور. چرا که ذبیحه با نام خدا حلال می شود، فقط در این مسئله به مسلمان باید اعتماد نمود.

آن مرد گفت: خداوند متعال می فرماید: «امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و خوراک اهل کتاب برای شما حلال است».

امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم عليه السلام می فرمود: این آیه فقط در حبوبات و امثال آن است.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ ابْنُ سِنَانَ . قَالَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

لَا تَأْكُلُ مِنْ ذَبَائِحِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ لَا تَأْكُلُ فِي آتِنِهِمْ .

۱۲ - عَنْهُ عَنِ ابْنِ سِنَانَ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَبَائِحِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى .

فَقَالَ : الذَّبِيحَةُ اسْمٌ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَى الْإِسْمِ إِلَّا مُسْلِمٌ .

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ

إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ : قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

لَا تَأْكُلُ ذَبَائِحَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُ فِي آتِنِهِمْ ؛ يَعْنِي أَهْلَ الْكِتَابِ .

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ

وَهْبٍ قَالَ :

۱۱ - اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از ذبیحه یهودیان و مسیحیان نخور. از ظرف آنان نیز نخور.

۱۲ - قتیبہ اعشی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره حیوان های ذبح شده توسط یهود و

مسیحی پرسیدم.

فرمود: ذبیحه با اسم خدا حلال می شود و در خصوص آن اسم جز بر شخص مسلمان

اعتماد نمی شود.

۱۳ - اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از ذبیحه اهل کتاب ( یهودیان و مسیحیان ) نخور. از ظرف آنان نیز نخور.

۱۴ - معاویة بن وهب گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ذَبَائِحِ أَهْلِ الْكِتَابِ .  
فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا ذَكَرُوا اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى، وَ لَكِنِّي أَعْنِي مِنْهُمْ مَنْ يَكُونُ عَلَى أَمْرِ  
مُوسَى وَ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ .

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:  
دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِنَّا وَ أَبِي فَقُلْنَا لَهُ: جَعَلْنَا اللَّهُ فِدَاكَ! إِنْ لَنَا خُلَطَاءَ مِنْ  
النَّصَارَى وَ إِنَّا نَأْتِيهِمْ فَيَذْبُحُونَ لَنَا الدِّجَاجَ وَ الْفَرَاحَ وَ الْجِدَاءَ أَفَنَأْكُلُهَا؟  
قَالَ: فَقَالَ: لَا تَأْكُلُوهَا وَ لَا تَقْرُبُوهَا، فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ عَلَى ذَبَائِحِهِمْ، مَا لَا أَحِبُّ  
لَكُمْ أَكْلَهَا.

قَالَ: فَلَمَّا قَدِمْنَا الْكُوفَةَ دَعَانَا بَعْضُهُمْ فَأَيْبِنَا أَنْ نَذْهَبَ .  
فَقَالَ: مَا بِأَلْكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا ثُمَّ تَرَكْتُمُوهُ الْيَوْمَ؟  
قَالَ: فَقُلْنَا: إِنْ عَالِمًا لَنَا عَلَيْهِ نَهَانَا وَ زَعَمَ أَنَّكُمْ تَقُولُونَ عَلَى ذَبَائِحِكُمْ شَيْئًا لَا  
يُحِبُّ لَنَا أَكْلَهَا.

از امام صادق علیه السلام درباره ذبیحه اهل کتاب پرسیدم.  
فرمود: اگر نام خدا را ببرند، مانعی ندارد؛ ولی منظور من کسانی هستند که واقعاً از دین  
موسی و عیسی علیه السلام پیروی می‌کنند.

۱۵ - حنان بن سدر گوید: من با پدرم به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم و گفتیم:  
خداوند ما را فدای شما کند! ما با گروهی از نصاری رفت و آمد داریم. موقعی که به آبادی  
آنان می‌رویم، برای ما، مرغ، جوجه و بره می‌کشند و کباب می‌کنند، آیا می‌توانیم از کشتار  
آنان بخوریم؟

فرمود: از غذای آنان نخورید و به آن دست مزیند که آنان بر کشتار خود نامی یاد می‌کنند  
که من دوست ندارم از کشتار آنان میل کنید.

راوی گوید: بعد از آن که از مکه به کوفه باز گشتیم، برخی از آن دوستان نصرانی، ما را به  
خانه خود دعوت کردند. ما از اجابت آنان خودداری کردیم.

آن دوست نصرانی ما گفت: چه شد که تا کنون دعوت ما را اجابت می‌کردید و اینک  
خودداری می‌کنید؟

گفتیم: ما عالمی داریم که ما را از خوردن خوراکی‌های شما نهی فرموده است. عالم ما  
معتقد است که شما موقع کشتار دام‌ها نام کسی را می‌برید که گوشت دام را بر ما حرام می‌کند.

فَقَالَ: مَنْ هَذَا الْعَالِمُ هَذَا؟ وَاللَّهِ أَعْلَمُ النَّاسِ وَأَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ، صَدَقَ وَاللَّهِ،  
إِنَّا لَنَقُولُ: بِسْمِ الْمَسِيحِ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ذَبِيحَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ.

قَالَ: فَقَالَ: وَاللَّهِ، مَا يَأْكُلُونَ ذَبَائِحَكُمْ فَكَيْفَ تَسْتَحِلُّونَ أَنْ تَأْكُلُوا ذَبَائِحَهُمْ؟  
إِنَّمَا هُوَ الْإِسْمُ وَلَا يُؤْمَنُ عَلَيْهَا إِلَّا مُسْلِمٌ.

۱۷ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ قُتَيْبَةَ  
الْأَعَشَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

رَأَيْتُ عِنْدَهُ رَجُلًا يَسْأَلُهُ فَقَالَ: إِنَّ لِي أَخًا فَيُسَلِّفُ فِي الْعَنَمِ فِي الْجِبَالِ فَيُعْطِي  
السَّنَّ مَكَانَ السَّنِّ.

فَقَالَ: أَلَيْسَ بِطَيْبَةِ نَفْسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ؟  
قَالَ: بَلَى.

او پرسید: این عالم شما کیست؟ به خدا سوگند که این مرد داناترین مردم و مخلوقات  
خدا است. به خدا سوگند! او راست گفته است. ما در موقع کشتار دام می‌گوییم: به نام مسیح.

۱۶ - راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ذبیحه اهل کتاب پرسیدم.

فرمود: به خدا سوگند! آنان ذبیحه شما را نمی‌خورند؛ پس چگونه حلال می‌دانید که ذبیحه  
آنان را بخورید؟! همانا ذبیحه با اسم خدا حلال می‌شود و در خصوص آن، جز بر مسلمان  
اعتماد نمی‌شود.

۱۷ - قتیبه اعشی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، شخصی از آن حضرت پرسید:

برادر من در کوهستان، گوسفندان را به معامله «سلف» خرید و فروش می‌کند. پس در مقابل  
دندان، دندان می‌دهد.

فرمود: مگر با رضایت طرف مقابلش نیست؟

گفت: آری.

قَالَ: فَلَا بَأْسَ .

قَالَ: فَإِنَّهُ يَكُونُ لَهُ فِيهَا الْوَكِيلُ فَيَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فَتَقَعُ فِيهَا الْعَارِضَةُ فَيَبِيْعُهَا مَذْبُوحَةً وَيَأْتِيهِ بِثَمَنِهَا وَرَبِّمَا مَلَحَهَا فَيَأْتِيهِ بِهَا مَمْلُوحَةً .  
 قَالَ: فَقَالَ: إِنْ أَتَاهُ بِثَمَنِهَا فَلَا يُخَالِطُهُ بِمَالِهِ وَلَا يُحَرِّكُهُ وَإِنْ أَتَاهُ بِهَا مَمْلُوحَةً فَلَا يَأْكُلُهَا، فَإِنَّمَا هُوَ الْإِسْمُ وَ لَيْسَ يُؤْمَنُ عَلَى الْإِسْمِ إِلَّا مُسْلِمًا .  
 فَقَالَ لَهُ بَعْضُ مَنْ فِي الْبَيْتِ: فَأَيْنَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: ﴿ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ﴾ ؟

فَقَالَ: إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: ذَلِكَ الْحُبُوبُ وَ مَا أَشَبَّهَا .  
 تَمَّ كِتَابُ الذَّبَائِحِ وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْأَطْعِمَةِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

فرمود: مانعی ندارد.

گفت: او در این کار، وکیلی یهودی یا نصرانی دارد. گاهی گوسفندان بیمار می‌شوند و وکیل آن را به صورت ذبح شده می‌فروشد و قیمت آن را برای برادرم می‌آورد و گاهی گوشت گوسفند را نمک سود می‌کند و آن را برای برادرم می‌آورد.  
 فرمود: اگر قیمت گوسفند را برای برادرت آورد، آن را با مال خود مخلوط نکند و به آن دست نزند و اگر آن را به صورت نمک سود آورد، از آن نخورد؛ زیرا ذبیحه فقط با نام خدا حلال می‌شود و درباره اسم فقط به مسلمان می‌توان اعتماد کرد.  
 یکی از حاضران عرض کرد: پس گفتار خداوند که می‌فرماید: «و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما برای آنان حلال است» چه معنا دارد؟  
 فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام فرمود: این آیه در حبوبات و نظایر آن نازل شده است.  
 کتاب احکام ذبح پایان یافت و کتاب احکام خوراکی‌ها آغاز می‌شود، و تمام حمدها و سپاس‌ها از آن خدایی که پرورش دهنده جهانیان است.



# كِتَابُ الْأَطْعِمَةِ

---

کتاب

احکام خوراکی ها

---

(۱)

**بَابُ عِلْلِ التَّحْرِيمِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ  
عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام  
وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا أَيْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ عَبْدِ  
الرَّحْمَانَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى  
الْحَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟  
فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ سِوَاهُ رَغْبَةً  
مِنْهُ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَ لَا زُهْداً فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ عَلَّمَ عليه السلام مَا  
تَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَ مَا يُضْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَا حَهُ تَفْضُلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ تَبَارَكَ  
وَ تَعَالَى لِمَصْلَحَتِهِمْ.

**بخش یکم****علت‌های تحریم**

۱ - مفصل بن عمر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت شوم! بفرمایید چرا  
خداوند متعال، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام نمود؟  
فرمود: خداوند سبحان بدین جهت آن موارد را بر بندگانش حرام و غیر آن موارد را  
حلال نمود که بندگانش به موارد حرام، بی‌رغبت و به موارد حلال رغبت داشته باشند؛  
ولی او آفریدگان را آفرید و به نیازمندی‌های بدن آن‌ها و پایداری و صلاح آنان آگاهی  
داشت. از این رو خداوند از روی لطف و بخشش برای مصلحت آنان مواردی را برای آنان  
حلال و مباح کرد.

وَعَلِمَ مَا يُضَرُّهُمْ فَنَهَاهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَبَاحَهُ لِلْمُضْطَرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي  
 الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُومُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَنَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرِ ذَلِكَ .  
 ثُمَّ قَالَ : أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَا يُدْمِنُهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَ نَحَلَ جِسْمَهُ وَ ذَهَبَتْ  
 قُوَّتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوتُ أَكِلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فَجَاءَهُ .  
 وَ أَمَّا الدَّمُ ، فَإِنَّهُ يُورِثُ أَكِلَهُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ وَ يُبْخِرُ الْقَمَّ وَ يُتَتَّنُ الرِّيحَ وَ يُسِيءُ  
 الْخُلُقَ وَ يُورِثُ الْكَلْبَ وَ الْقَسْوَةَ فِي الْقَلْبِ وَ قِلَّةَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنَ أَنْ  
 يُقْتَلَ وَلَدَهُ وَ وَالِدِيهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى حَمِيمِهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى مَنْ يَصْحَبُهُ .  
 وَ أَمَّا لَحْمُ الْخِنْزِيرِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسَخَ قَوْمًا فِي صُورِ شَتَّى شَيْءٍ  
 الْخِنْزِيرِ وَ الْقِرْدِ وَ الدَّبِّ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُسُوخِ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِهِ لِلْمَثَلَةِ لِكَيْلَا يَتَنَفَّعَ  
 النَّاسُ بِهَا وَ لَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوبَتِهَا .

از طرفی از چیزهایی که به آنان ضرر می‌رساند نیز آگاهی داشت، از این رو آنان را از آن  
 موارد نهی نمود و بر آنان حرام نمود. سپس آن موارد را برای کسی که ناچار و مضطر است  
 حلال نمود و آن را در زمانی برای شخص مضطر حلال نمود که بدن شخص جز به وسیله  
 آن پایداری نیابد. پس به او فرمان داد که به اندازه رفع گرسنگی - نه بیشتر - تناول کند.  
 سپس فرمود: در مورد مردار این که هر کسی به خوردن آن مداومت کند بدنش ناتوان و لاغر  
 می‌گردد، توانایی خود را از دست می‌دهد، و نسلش قطع می‌شود و با مرگ ناگهانی می‌میرد.  
 و کسی که خون می‌خورد گرفتار بیماری آب زرد می‌شود. خون، دهان و بدن را بدبو  
 می‌سازد، موجب بداخلاقی می‌شود، باعث تشنگی می‌شود، موجب سنگدلی و کمی  
 عاطفه و مهربانی می‌شود؛ به گونه‌ای که اطمینانی نیست که چنین فردی فرزند، پدر  
 و مادرش را به قتل برساند و بر جان خویشان و هم نشینانش احساس خطر می‌شود.  
 درباره گوشت خوک این که خداوند گروهی را به شکل‌های گوناگون مسخ نمود؛ به  
 شکل خوک، میمون و خرس و مسخ شده‌هایی که بودند. سپس از خوردن آن به جهت هم  
 شکل بودن نهی نمود تا مردم به وسیله آن بهره نبرند و عقوبت و کیفر آن را سبک نشمارند.

وَأَمَّا الْخَمْرُ، فَإِنَّهُ حَرَّمَهَا لِفِعْلِهَا وَ لِفَسَادِهَا وَ قَالَ: «مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَ تَنِي»  
 تُورِنُهُ الْإِرْتِعَاشَ وَ تَذْهَبُ بِنُورِهِ وَ تَهْدِمُ مُرْوَةَئَهُ وَ تَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسُرَ عَلَى  
 الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَ رُكُوبِ الزُّنَا، فَلَا يُؤْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَثْبَعَ عَلَى حَرَمِهِ وَ  
 هُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَا يَزِدَادُ شَارِبُهَا إِلَّا كَلَّ سُوءًا.

(۲)

### بَابُ جَامِعٍ فِي الدَّوَابِّ الَّتِي لَا تُؤْكَلُ لِحُمِّهَا

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَسْطَامِ بْنِ مُرَّةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ  
 حَسَّانَ عَنْ هَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي هَازُونَ عَنْ  
 أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ.  
 أَنَّهُ سُئِلَ مَا قَوْلُكَ فِي هَذَا السَّمَكِ الَّذِي يَزْعُمُ إِخْوَانُنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَنَّهُ  
 حَرَامٌ؟

و درباره شراب خداوند آن را برای انجام دادن و فسادش حرام نمود و فرمود: «کسی که  
 دائم الخمر است به سان بت پرست است». شراب خواری موجب لرزش اندام می‌شود،  
 نور دیده را می‌برد، جوانمردی را از بین می‌برد و او را وامی‌دارد که به محارم خود در خون  
 ریزی، زنا؛ جسارت کند؛ او فردی است که اطمینانی نیست که ندانسته با محارم خود  
 مرتکب زنا نشود و شراب خوار هر بدی را انجام می‌دهد.

### بخش دوم

### حیوانات حرام گوشت

۱ - ابوهارون گوید: از ابوسعید خدری پرسیدند: نظر تو درباره این ماهی که برادران  
 کوفی ما گمان می‌کنند که حرام است، چیست؟

فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: الْكُوفَةُ جُمُوعَةُ الْعَرَبِ وَرُوحُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَنَزُ الْإِيمَانِ فَخُذْ عَنْهُمْ أُخْبِرُكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَكَثَ بِمَكَّةَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً يَطْوِي تَمَّ حَرَجَ وَ حَرَجْتُ مَعَهُ فَمَرَرْنَا بِرِفْقَةٍ جُلُوسٍ يَتَعَدَّوْنَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْعُدَاءَ.

فَقَالَ لَهُمْ: نَعَمْ، أَفْرَجُوا لِنَبِيِّكُمْ.

فَجَلَسَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ وَ جَلَسْتُ وَ تَنَاوَلَ رَغِيْفًا فَصَدَعَ بِنِصْفِهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى أَدْمِهِمْ فَقَالَ: مَا أَدُمُكُمْ هَذَا؟

فَقَالُوا: الْجَرِيْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَرَمَى بِالْكَسْرَةِ مِنْ يَدِهِ وَ قَامَ.

قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: وَ تَخَلَّفْتُ بَعْدَهُ لِأَنَّهُ لَانْظُرَ مَا رَأَى النَّاسِ فَاخْتَلَفَ النَّاسُ، فِيمَا بَيْنَهُمْ فَقَالَتْ طَائِفَةٌ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْجَرِيْتُ. وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ: لَمْ يُحَرِّمْهُ، وَ لَكِنْ عَافَهُ فَلَوْ كَانَ حَرَّمَهُ لَنَهَانَا عَنْ أَكْلِهِ.

گفت: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: کوفه، جمعیه عربها، نیزه خداوند و گنج ایمان است، پاسخ خویش را از آنان بستان.  
پیامبر خدا ﷺ یک شبانه روز با حالت گرسنگی در مکه ماند. سپس خارج شد و من نیز همراه حضرتش خارج شدم. در این بین با گروهی ملاقات کردیم که مشغول خوردن صبحانه بودند.

گفتند: ای پیامبر خدا! بفرماید صبحانه!

فرمود: آری، برای پیامبرتان جا باز کنید.

پیامبر خدا ﷺ میان دو نفر نشست و من نیز نشستم. آن گاه نانی برداشت و آن را به دو نصف پاره نمود. سپس به خورشت آنان نگاه نمود و فرمود: خورشت تان چیست؟

گفتند: ای پیامبر خدا! مار ماهی است.

پیامبر خدا ﷺ پاره نان را از دست خود انداخت و برخاست.

ابوسعید گوید: من ماندم تا از نظر آن گروه آگاه شوم، هر یک از آنان در این مورد اختلاف نظر یافتند؛ عده ای گفتند: «پیامبر خدا ﷺ مار ماهی را حرام نمود» و عده ای گفتند: «پیامبر خدا ﷺ مار ماهی را حرام ننمود، بلکه آن را ناپسند دانست؛ زیرا اگر آن را حرام نموده بود، ما را از خوردن آن نهی می کرد».

قَالَ: فَحَفِظْتُ مَقَالَتَهُمْ وَتَبِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ جَوَادًا حَتَّى لَحِقْتُهُ ثُمَّ عَشِينَا رِفْقَةً أُخْرَى يَتَعَدَّوْنَ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْعَدَاءُ.

فَقَالَ: نَعَمْ، أَفْرِجُوا لِنَبِيِّكُمْ.

فَجَلَسَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ وَجَلَسْتُ مَعَهُ، فَلَمَّا أَنْ تَنَاوَلَ كِسْرَةً نَظَرَ إِلَى أَدَمِ الْقَوْمِ فَقَالَ: مَا أَدُمُكُمْ هَذَا؟

قَالُوا: ضَبُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَرَمَى بِالْكِسْرَةِ وَقَامَ.

قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: فَتَخَلَّفْتُ بَعْدُ فَإِذَا النَّاسُ فِرْقَتَانِ فَقَالَتْ فِرْقَةٌ: حَرَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمِنْ هُنَاكَ لَمْ يَأْكُلْهُ وَقَالَتْ فِرْقَةٌ أُخْرَى: إِنَّمَا عَافَهُ، وَ لَوْ حَرَمَهُ لَنَهَانَا عَنْ أَكْلِهِ.

ثُمَّ تَبِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَتَّى لَحِقْتُهُ فَمَرَرْنَا بِأَصْلِ الصَّفَا وَبِهَا قُدُورٌ تَغْلِي.

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ عَرَّجَتْ عَلَيْنَا حَتَّى تُدْرِكَ قُدُورَنَا.

فَقَالَ لَهُمْ: وَمَا فِي قُدُورِكُمْ؟

ابوسعید گوید: من سخنان آنان را به ذهن سپردم و با سرعت خود را به خدمت پیامبر خدا ﷺ رساندم، سپس به گروه دیگری رسیدیم که مشغول خوردن صبحانه بودند. گفتند: ای پیامبر خدا! بفرمایید صبحانه! فرمود: آری، برای پیامبر خود جایی بگشایید.

حضرت بین دو نفر نشست و من همراه ایشان نشستم. هنگامی که آن حضرت ﷺ پاره‌ای نان برداشت به خورشت آنان نگاه کرد و فرمود: خورشت شما چیست؟ گفتند: ای پیامبر خدا! سوسمار است.

حضرت پاره نان را انداخت و برخاست.

ابوسعید گوید: من ماندم تا از نظر آنان آگاه شوم، آن‌ها دو فرقه شدند، فرقه‌ای گفتند: «پیامبر خدا ﷺ سوسمار را حرام نمود». و به همین جهت آن را نخورد و فرقه‌ای دیگر می‌گفتند: «پیامبر خدا ﷺ فقط آن را ناپسند شمرد و اگر آن را تحریم نموده بود، ما را از خوردن آن نهی می‌کرد». ابوسعید گوید: سپس من به خدمت پیامبر خدا ﷺ رسیدم، آن‌گاه از پایین کوه صفا عبور کردیم، در آن جا دیگ‌هایی می‌جوشیدند.

گفتند: ای پیامبر خدا! کاش نزد ما توقف می‌کردید و از غذای ما میل می‌فرمودید!

فرمود: در دیگ‌ها چه می‌پزید؟

فَقَالُوا: حُمُرٌ لَنَا كُنَّا نَرْكَبُهَا.

فَقَامَتْ فَذَبَحْنَاهَا فَدَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْقُدُورِ فَأَكْفَاهَا بِرِجْلِهِ.  
 ثُمَّ انْطَلَقَ جَوَادًا وَتَخَلَّفَتْ بَعْدَهُ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَحْمَ  
 الْحَمِيرِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: كَلَّا إِنَّمَا أَفْرَغَ قُدُورَكُمْ حَتَّى لَا تَعُودُوا فَتَذْبُحُوا دَوَابَّكُمْ.  
 قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَيَّ فَلَمَّا جِئْتُهُ قَالَ: يَا أَبَا سَعِيدٍ! ادْعُ لِي بِبِلَالٍ.  
 فَلَمَّا جِئْتُهُ بِبِلَالٍ قَالَ: يَا بِلَالُ! اضْعُدْ أَبَا قُبَيْسٍ فَنَادِ عَلَيَّ: أَنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 حَرَّمَ الْجِرِّيَّ وَالصَّبَّ وَالْحَمِيرَ الْأَهْلِيَّةَ. أَلَا فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ وَلَا تَأْكُلُوا مِنَ  
 السَّمَكِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ قِشْرٌ وَمَعَ الْقِشْرِ فُلُوسٌ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَسَخَ  
 سَبْعِمِائَةَ أُمَّةٍ عَصَا الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ الرُّسُلِ، فَأَخَذَ أَرْبَعِمِائَةَ مِنْهُمْ بَرًّا وَثَلَاثِمِائَةَ  
 بَحْرًا. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ﴾.

عرض کردند: همان الاغی که سوار می شدیم. این الاغ از سواری دادن باز ایستاد و ما آن را ذبح کردیم.  
 پس پیامبر خدا ﷺ به دیگرها نزدیک شد و با پای خود آنها را کج نمود و محتویات آن‌ها به زمین ریخت، سپس به سرعت رفت.  
 ابوسعید گوید: من ماندم تا از دیدگاه آنان با خبر شوم؛ برخی گفتند: «پیامبر خدا ﷺ گوشت الاغ را حرام نمود». و بعضی دیگر گفتند: «هرگز! همانا ظرف‌های شما را خالی نمود تا دیگر تکرار نکنید و چهارپایان خود را نکشید».  
 ابوسعید گوید: پیامبر خدا ﷺ در پی من فرستاد. هنگامی که خدمت حضرتش رسیدم فرمود: ای ابا سعید! بلال را فراخوان!  
 وقتی که بلال آمد، فرمود: ای بلال! بالای کوه ابوقبیس برو و در آن جا اعلام کن که پیامبر خدا ﷺ مارماهی، سوسمار و الاغ اهلی را حرام نمود. هان تقوای خدا پیشه کنید و جز ماهی‌های پولک دار نخورید؛ زیرا خداوند هفتصد امت را به جهت نافرمانی از جانشینان آنان مسخ نمود؛ چهارصد گروه از آنان را در خشکی و سیصد گروه را در دریا مسخ نمود.  
 آن گاه پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت فرمود که «پس ما آنان را داستان‌هایی قرار دادیم و آنان را به طور کامل متلاشی ساختیم».



۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَ مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ حَرَامٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَ مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ حَرَامٌ.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَأْكُلُ مِنَ السَّبَاعِ شَيْئًا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ - يَعْنِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ -: أَيْحَلُّ أَكْلَ لَحْمِ الْفِيلِ؟

فَقَالَ: لَا.

قُلْتُ: وَ لِمَ؟

۲- داوود بن فرقد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر درنده‌ای که نیش دارد و هر مرغی که چنگال دارد، حرام است.

۳- حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر درنده‌ای که نیش دارد و هر پرنده‌ای که چنگال دارد، حرام است.

و فرمود: گوشت هیچ کدام از درندگان را نخور!

۴- حسین بن خالد گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا خوردن گوشت فیل حلال

است؟

فرمود: نه.

عرض کردم: چرا؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنَّهُ مَثَلَةٌ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ ﷻ الْأَمْسَاخَ وَ لَحْمَ مَا مَثَلُ بِهِ فِي صُورِهَا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الضَّبِّ.

فَقَالَ: إِنَّ الضَّبَّ وَ الْفَأْرَةَ وَ الْقِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ مُسُوخٌ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي سَهْلِ الْقَرَشِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ لَحْمِ الْكَلْبِ.

فَقَالَ: هُوَ مَسْخٌ.

قُلْتُ: هُوَ حَرَامٌ.

قَالَ: هُوَ نَجَسٌ أُعِيدَهَا عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ هُوَ نَجَسٌ.

فرمود: زیرا فیل، مایه عبرت قرار داده شده است، به راستی که خداوند مسخ شدگان را حرام نمود و گوشت حیوانی که مایه عبرت قرار گرفته است، حکم مسخ شدگان را دارد.

۵ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره خوردن سوسمار پرسیدم.

فرمود: سوسمار، موش، میمون و خوکها مسخ شده‌اند.

۶ - ابوسهل قرشی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گوشت سگ پرسیدم.

فرمود: سگ مسخ شده است.

گفتم: آیا خوردن آن حرام است؟

فرمود: نجس است.

ابوسهل گوید: پرسشم را سه بار تکرار کردم آن حضرت هر بار فرمود: نجس است.

- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّهُ كَرِهَ أَكْلَ كُلِّ ذِي حُمَةٍ.
- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُرَابِ الْأَبْقَعِ وَالْأَسْوَدِ أَيَجِلُّ أَكْلُهُمَا؟  
فَقَالَ: لَا يَجِلُّ أَكْلُ شَيْءٍ مِنَ الْغُرَابِ زَاغٍ وَلَا غَيْرِهِ.
- ۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:  
الطَّائِوسُ لَا يَجِلُّ أَكْلُهُ وَلَا يَبْئِضُهُ.
- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَزُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُمَا سَأَلَاهُ عَنْ أَكْلِ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ.

۷ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام خوردن هر گونه حیوان دارای زهر را مکروه دانست.

۸ - علی بن جعفر عليه السلام گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: خوردن گوشت کلاغ سیاه و سفید و کلاغ سیاه، حلال است؟

فرمود: خوردن هیچ نوع از کلاغ‌ها حلال نیست؛ نه زاغ، نه نوع دیگر.

۹ - سلیمان جعفری گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: خوردن گوشت طاووس و هم‌چنین تخم آن حلال نیست.

۱۰ - محمد بن مسلم و زراره گویند: از امام باقر عليه السلام پرسیدیم: گوشت الاغ اهلی چه حکمی دارد؟

قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا وَعَنْ أَكْلِهَا يَوْمَ خَيْبَرَ، وَإِنَّمَا نَهَى عَنْ أَكْلِهَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ لِأَنَّهَا كَانَتْ حَمُولَةَ النَّاسِ، وَإِنَّمَا الْحَرَامُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ ﷻ فِي الْقُرْآنِ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا أَجْهَدُوا فِي خَيْبَرَ فَأَسْرَعَ الْمُسْلِمُونَ فِي دَوَابِّهِمْ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِإِكْفَاءِ الْقُدُورِ وَلَمْ يَقُلْ إِنَّهَا حَرَامٌ وَكَانَ ذَلِكَ إِتْقَاءً عَلَى الدَّوَابِّ.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لُحُومِ الْخَيْلِ.

فَقَالَ: لَا تَأْكُلْ إِلَّا أَنْ تُصِيبَكَ ضَرُورَةٌ وَ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ.

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن الاغ و خوردن گوشت آن در زمان جنگ خیبر نهی فرمود، چرا که در آن سفر، الاغ، وسیله حمل و نقل عمومی بود. حرام گوشت، آن حیوانی است که خداوند متعال آن را در قرآن حرام کرده باشد.

۱۱- ابو جارود گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

در جنگ خیبر مسلمانان پس از تلاش بسیار خسته شدند و با شتاب به کشتن چهارپایان خود اقدام نمودند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آنان دستور فرمود که دیگها را واژگون کنند. اما فرمود که خوردن آن حرام است. و این دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت ماندن نسل چهارپایان بود.

۱۲- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گوشت اسب پرسیدم.

فرمود: آن را نخور، مگر آن که ناگزیر باشی.

راوی گوید: از حضرتش درباره گوشت الاغ اهلی پرسیدم.

فَقَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ مَنَعَ أَكْلَهَا.

۱۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ لُحُومِ الْحَمِيرِ.

فَقَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ أَكْلِهَا يَوْمَ حَيْبَرَ.

قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الْخَيْلِ وَالْبَعَالِ.

فَقَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا؛ فَلَا تَأْكُلُوهَا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا.

۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْفَيْلُ مَسْخٌ كَانَ مَلِكًا زَنَاءً.

وَ الذَّنْبُ مَسْخٌ كَانَ أَعْرَابِيًّا دَيْوْتًا.

وَ الْأَرْزَبُ مَسْخٌ كَانَتْ امْرَأَةٌ تَخُونُ زَوْجَهَا وَ لَا تَغْتَسِلُ مِنْ حَيْضِهَا.

وَ الْوَطْوَاطُ مَسْخٌ كَانَ يَسْرِقُ ثَمُورَ النَّاسِ.

فرمود: در کتاب حضرت علی علیه السلام آمده است که آن حضرت خوردن گوشت آن را منع نمود.

۱۳- ابن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گوشت الاغ پرسیدم.

فرمود: پیامبر خدا ﷺ در جنگ خیبر از خوردن آن نهی نمود.

ابن مسکان گوید: از آن حضرت درباره خوردن گوشت اسب و قاطر پرسیدم.

فرمود: پیامبر خدا ﷺ از خوردن آن‌ها نهی نمود. پس از گوشت آن‌ها بپرهیزید مگر آن که ناگزیر باشید.

۱۴- محمد بن حسن اشعری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

فیل مسخ شده است. او پادشاهی بود که بسیار زنا می‌کرد.

گرگ نیز مسخ شده است. او عرب بادیه نشینی دیوت بود.

خرگوش نیز مسخ شده است. او زنی بود که به شوهرش خیانت می‌ورزید و غسل حیض انجام نمی‌داد.

خفاش نیز مسخ شده است. او کسی بود که خرماهای مردم را می‌دزدید.

وَالْفَرْدَةُ وَالْحَنَازِيرُ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْتَدُوا فِي السَّبْتِ .  
 وَالْجَرِيْتُ وَالصَّبُّ فِرْقَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُؤْمِنُوا حَيْثُ نَزَلَتِ الْمَائِدَةُ عَلَى  
 عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام فَتَاهُوا فَوَقَعَتْ فِرْقَةٌ فِي الْبَحْرِ وَفِرْقَةٌ فِي الْبَرِّ .  
 وَالْفَارَةُ فِيهَا الْقَوَيْسِقَةُ .  
 وَالْعَقْرَبُ كَانَ نَمَامًا .  
 وَالدُّبُّ وَ الزُّنْبُورُ كَانَتْ لِحَامًا يَسْرِقُ فِي الْمِيزَانِ .  
 ۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى  
 الْوَاسِطِيِّ قَالَ : سُئِلَ الرَّضَا عليه السلام عَنِ الْعَرَابِ الْأَبْتَعِ .  
 فَقَالَ : إِنَّهُ لَا يُؤْكَلُ .  
 وَقَالَ : وَمَنْ أَحَلَّ لَكَ الْأَسْوَدَ ؟  
 ۱۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ  
 الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ :

میمون و خوک گروهی از بنی اسرائیل بودند که در روز شنبه سرکشی و عداوت نمودند.  
 مار جریت و سوسمار، فرقه‌ای از بنی اسرائیل بودند که هنگامی که آن سفره آسمانی بر  
 حضرت عیسی علیه السلام نازل شد، ایمان نیاوردند. از این رو هلاک شدند. گروهی در دریا و  
 گروهی دیگر در خشکی افتادند.

و موش همان موش است.

و عقرب شخصی سخن چین بود.

و خرس و زنبور، قصابی بود که در سنجش گوشت دزدی می‌کرد.

۱۵ - ابویحیی واسطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره کلاغ سیاه و سفید سؤال شد.

فرمود: نباید آن را خورد.

و فرمود: و چه کسی کلاغ سیاه را برای تو حلال نمود؟!

۱۶ - سلیمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

الطَّائِوسُ مَسْخٌ كَانَ رَجُلًا جَمِيلًا فَكَابَرَ امْرَأَةً رَجُلٌ مُؤْمِنٌ تُحِبُّهُ فَوَقَعَ بِهَا، ثُمَّ رَاسَلَتْهُ بَعْدُ فَمَسَخَهُمَا اللَّهُ ﷻ طَائِوسَيْنِ أَنْثَى وَ ذَكَرًا وَ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ وَ لَا بَيْضُهُ.

(۳)

### بَابُ آخَرُ مِنْهُ وَ فِيهِ مَا يُعْرَفُ بِهِ مَا يُؤْكَلُ مِنَ الطَّيْرِ وَ مَا لَا يُؤْكَلُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَأْكُولِ مِنَ الطَّيْرِ وَ الْوَحْشِ .  
فَقَالَ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلَّ ذِي مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ وَ كُلَّ ذِي نَابٍ مِنَ الْوَحْشِ .  
فَقُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ مِنَ السَّبْعِ .  
فَقَالَ لِي: يَا سَمَاعَةُ! السَّبْعُ كُلُّهُ حَرَامٌ وَ إِنْ كَانَ سَبْعًا لَا نَابَ لَهُ، وَ إِنَّمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَذَا تَفْصِيلًا وَ حَرَّمَ اللَّهُ ﷻ وَ رَسُولُهُ الْمُسُوخَ جَمِيعَهَا.

طاووس مسخ شده است. او مرد زیبایی بود که به همسر مرد مؤمنی که شوهرش را دوست می‌داشت تجاوز کرد و با او آمیزش نمود، آن گاه آن زن با او نامه نگاری نمود. خداوند متعال آن دو را به صورت دو طاووس - نر و ماده - مسخ نمود. و نباید گوشت طاووس و همین طور تخم آن را خورد.

### بخش سوم

### پرنندگان حلال گوشت و حرام گوشت

۱ - سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا خوردن گوشت پرنندگان و حیوانات وحشی جایز است؟  
فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر پرنده چنگال دار و هر حیوان وحشی نیش دار را حرام نمود.  
عرض کردم: اهل سنت می‌گویند: «پیامبر خدا صلى الله عليه وآله درندگانی که نیش دار را حرام نمود». فرمود: ای سماعة! همه درندگان حرام‌اند؛ گرچه درنده‌ای نیش نداشته باشد و همانا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همه محرّمات را به طور مفصل بیان نمود و خدا و پیامبرش همه مسخ شدگان را حرام نمودند.

فَكُلِ الْآنَ مِنْ طَيْرِ الْبَرِّ مَا كَانَتْ لَهُ حَوْصَلَةٌ وَ مِنْ طَيْرِ الْمَاءِ مَا كَانَ لَهُ قَانِصَةٌ  
كَقَانِصَةِ الْحَمَامِ لَا مَعِدَّةَ كَمَعِدَةِ الْإِنْسَانِ، وَ كُلُّ مَا صَفَّ وَ هُوَ ذُو مِخْلَبٍ فَهُوَ حَرَامٌ  
وَ الصَّغِيْفُ كَمَا يَطِيرُ الْبَازِي وَ الصَّفْرُ وَ الْجِدَاةُ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَ كُلُّ مَا دَفَّ فَهُوَ  
حَلَالٌ وَ الْحَوْصَلَةُ وَ الْقَانِصَةُ يُمْتَحَنُ بِهَا مِنَ الطَّيْرِ مَا لَا يُعْرَفُ طَيْرَانُهُ وَ كُلُّ طَيْرٍ  
مَجْهُولٍ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الطَّيْرُ مَا يُؤْكَلُ مِنْهُ.  
فَقَالَ: لَا يُؤْكَلُ مِنْهُ مَا لَمْ تَكُنْ لَهُ قَانِصَةٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّهُ قَالَ:  
وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَطُّ وَ ذَلِكَ أَنِّي سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! مَا  
يُؤْكَلُ مِنَ الطَّيْرِ.

بنابراین اکنون، از گوشت پرندگان خشکی چینه‌دان دار تناول کن. و پرندگان آبی که همانند  
کبوتر سنگدان دارند، نه معده‌ای به سان معده انسان و هر پرنده‌ای که با بال‌های گشوده  
پرواز کند و دارای چنگال باشد حرام گوشت است.

با بال‌های گشوده همانند پرواز باز شاهین و زغن و مانند این‌ها حرام است.  
و هر پرنده‌ای که بال‌هایش را باز می‌کند و می‌بندد حلال گوشت است. چینه‌دان  
و سنگدان و هر پرنده‌ای که پروازش مشخص نیست و هر پرنده‌ای که ناشناخته و مجهول  
است به وسیله آن‌ها آزمایش و حلال یا حرام بودنش مشخص می‌شود.

۲- عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: پرندگان حلال گوشت چه علامتی دارند؟  
فرمود: پرنده‌ای که سنگدان ندارد، حرام است.

۳- زراره گوید: به خدا سوگند! من هرگز فقیهی همانند امام باقر عليه السلام ندیدم. به آن سرور  
گفتم: خداوند کارهای شما را اصلاح نماید! پرندگان حلال گوشت را چگونه بشناسیم؟



فَقَالَ: كُلُّ مَا دَفَّ وَ لَا تَأْكُلُ مَا صَفَّ .  
 قُلْتُ: الْبَيْضُ فِي الْأَجَامِ .  
 فَقَالَ: مَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ فَلَا تَأْكُلُهُ وَ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ فَكُلْ .  
 قُلْتُ: فَطَيْرُ الْمَاءِ .  
 قَالَ: مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ فَكُلْ وَ مَا لَمْ تَكُنْ لَهُ قَانِصَةٌ فَلَا تَأْكُلْ .  
 ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي  
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

كُلُّ مِنَ الطَّيْرِ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ وَ لَا مِخْلَبَ لَهُ .  
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ طَيْرِ الْمَاءِ .  
 فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ .

فرمود: هر مرغی که در آسمان بال‌ها را به پهلو می‌زند و حرکت می‌کند، از گوشت آن تناول کن و هر مرغی که در آسمان بال‌ها را صاف و راست نگه می‌دارد و حرکت می‌کند، از گوشت آن تناول مکن.

گفتم: گاهی تخم پرندگان را در نیزارها می‌یابیم. (حلال و حرام آن را چگونه بشناسیم؟) فرمود: هر تخمی که دو جانب آن برابر و یکسان باشد نخور و هر تخمی که دو جانب آن برابر و یکسان نباشد بخور.

گفتم: پرندگان دریایی چه حکمی دارند؟ فرمود: هر مرغ دریایی که سنگدان دارد از گوشت آن بخور و هر مرغی که سنگدان ندارد از گوشت آن نخور.

۴ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از گوشت پرندگانی که سنگدان دارند و چنگال ندارند تناول کن.

مسعدة گوید: از آن حضرت درباره پرندگان آبی پرسیدم. فرمود: همانند پرندگان خشکی هستند.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُلُّ مِنَ الطَّيْرِ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ أَوْ صِصِيَّةٌ أَوْ حَوْصَلَةٌ.

۶- بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَكُونُ فِي الْأَجَامِ فَيَحْتَلِفُ عَلَيَّ الطَّيْرُ فَمَا أَكُلُ مِنْهُ.

فَقَالَ: كُلُّ مَا دَفَّ وَ لَا تَأْكُلُ مَا صَفَّ.

فَقُلْتُ: إِنِّي أُوْتِي بِهِ مَذْبُوحًا.

فَقَالَ: كُلُّ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ.

۵- ابن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از گوشت پرندگانی که سنگدان یا خارِ پشت پا و یا چینه دان دارند بخور.

۶- عبدالله بن ابی یعفور گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من در منطقه نی زار زندگی

می‌کنم و از گوشت پرندگان استفاده می‌کنم، از کدام نوع بهره ببرم؟

فرمود: از گوشت پرنده‌ای بخور که بال‌هایش را به پهلو می‌زند و پرواز می‌کند بخور و از

گوشت پرنده‌ای که صاف پرواز می‌کند، نخور.

گفتم: گاهی پرنده‌ای را به صورت ذبح شده نزد من می‌آورند.

فرمود: گوشت پرنده‌ای را بخور که سنگدان دارد.

(۴)

## بَابُ مَا يُعْرَفُ بِهِ الْبَيْضُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ أَجْمَةً فَوَجَدْتَ بَيْضًا فَلَا تَأْكُلْ مِنْهُ إِلَّا مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الزِّيَّاتِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام الْبَيْضُ فِي الْأَجَامِ. فَقَالَ: مَا اسْتَوَى طَرْفَاهُ فَلَا تَأْكُلْ وَ مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ فَكُلْ.
- ۳ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: سَأَلْتُهُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ الْأَجْمَةَ فَيَجِدُ فِيهَا بَيْضًا مُخْتَلِفًا لَا يَدْرِي بَيْضٌ مَا هُوَ أَوْ بَيْضٌ مَا يُكْرَهُ مِنَ الطَّيْرِ أَوْ يُسْتَحَبُّ.

## بخش چهارم

## شناسایی تخم پرندگان

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) فرمود: هرگاه وارد منطقه نی زار شدی و تخم پرنده‌ای را یافتی؛ آن را نخور مگر آن که دو طرفش یکسان نباشد.
- ۲ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: تخم پرنده‌ای که در نی زار است (چه حکمی دارد؟)
- فرمود: تخم پرنده‌ای را که دو طرفش یکسان است نخور و تخم پرنده‌ای را که دو طرفش با هم فرق دارد بخور.
- ۳ - ابوخطاب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی داخل منطقه نی زار می‌شود و در آنجا تخم‌های گوناگونی از پرندگان می‌یابد که نمی‌داند تخم کدام پرنده است. آیا تخم پرنده‌ای است که می‌توان خورد یا نه؟ (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فَقَالَ: إِنَّ فِيهِ عِلْمًا لَا يَخْفَى، أَنْظِرْ إِلَى كُلِّ بَيْضَةٍ تَعْرِفُ رَأْسَهَا مِنْ أَسْفَلِهَا فَكُلْ  
وَمَا يَسْتَوِي فِي ذَلِكَ فَدَعُهُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

كُلْ مِنَ الْبَيْضِ مَا لَمْ يَسْتَوِ رَأْسَاهُ.

وَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ بَيْضِ طَيْرِ الْمَاءِ مِثْلَ بَيْضِ الدَّجَاجِ وَ عَلَى خِلْقَتِهِ أَحَدُ رَأْسَيْهِ  
مُقَرَّطِحٌ وَإِلَّا فَلَا تَأْكُلْ.

۵- بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ  
ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أَكُونُ فِي الْأَجَامِ فَيَخْتَلِفُ عَلَيَّ  
الْبَيْضُ فَمَا أَكُلُ مِنْهُ؟

فَقَالَ: كُلْ مِنْهُ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ.

فرمود: نشانه حرمت و حلال بودن آن مخفی نیست. بنگر که هر تخمی که بالا و پایین آن  
مشخص است آن را بخور! و آن تخمی را که بالا و پایینش یکسان است؛ پس آن را رها کن!

۴- مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

از تخم پرندگان، تخمی را بخور که دو سرش یکسان نباشد.

و فرمود: تخم پرنده آبی که می توان آن را خورد مانند تخم مرغ و طبق خلقتش، یک سر  
آن پهن و عریض است و گرنه نباید بخوری.

۵- ابن ابی یعفور گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من در منطقه نی زار زندگی می کنم و

تخم پرندگان بر من مشتبه است، کدام یک را بخورم؟

فرمود: تخم پرنده ای را بخور که دو طرفش تفاوت داشته باشند.

(۵)

**بَابُ الْحَمَلِ وَالْجَدْيِ يَرْضِعَانِ مِنَ لَبَنِ الْخِنْزِيرَةِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ عِنْدَهُ عَنْ جَدِّي يَرْضِعُ مِنْ خِنْزِيرَةٍ حَتَّى كَبُرَ وَ شَبَّ وَ اشْتَدَّ عَظْمُهُ ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا اسْتَفْحَلَهُ فِي عَنَمِهِ فَأُخْرِجَ لَهُ نَسْلٌ .
- فَقَالَ: أَمَا مَا عَرَفْتَ مِنْ نَسْلِهِ بِعَيْنِهِ فَلَا تُقَرِّبَنَّهُ، وَأَمَا مَا لَمْ تَعْرِفْهُ فَكُلْهُ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْجُبْنِ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ .
- ۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهَيْكِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَشْرِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام فِي جَدِّي يَرْضِعُ مِنْ خِنْزِيرَةٍ ثُمَّ ضَرَبَ فِي الْعَنَمِ .
- قَالَ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْجُبْنِ فَمَا عَرَفْتَ بِأَنَّهُ ضَرَبَهُ فَلَا تَأْكُلْهُ وَ مَا لَمْ تَعْرِفْهُ فَكُلْهُ .

**بخش پنجم****حکم بره و بزغاله‌ای که شیر خوک خورده**

- ۱ - حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که از حضرتش پرسیدند: بزغاله‌ای از پستان خوک شیر خورده و بزرگ شده و استخوانش محکم گشته و آن گاه که آماده تلقیح شده، در یک رمه گوسفند وارد شده و نسلی از آن به وجود آمده است. بره‌های این بزغاله چه حکمی دارند؟
- فرمود: اگر بره‌های آن بزغاله مشخص و معلوم باشند، به آن‌ها نزدیک مشو، و اگر نامشخص باشد، از گوشت بره‌های آن رمه تناول کن. موارد مشکوک مانند پنیر است (که گاهی با مایه نجس به عمل می‌آید). پرسش و تحقیق لازم نیست.
- ۲ - بشر بن مسلمه گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: اگر بزغاله‌ای از پستان خوک شیر بنوشد و بزرگ شود و بعدها به عنوان گشن در یک رمه گوسفند مورد استفاده قرار بگیرد، چه صورت دارد؟
- فرمود: نسل آن بزغاله به منزله پنیر است. اگر بره‌های او را می‌شناسی، از گوشت آن نخور و اگر نمی‌شناسی پرهیز کردن لزومی ندارد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ:

لَا تَأْكُلْ مِنْ لَحْمِ حَمَلٍ يَرْضِعُ مِنْ لَبَنٍ خِنْزِيرَةٍ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ عليه السلام: جَعَلْتُ فِدَاكَ! مِنْ كُلِّ سُوءٍ! امْرَأَةٌ أَرْضَعَتْ عِنَاقًا حَتَّى فُطِمَتْ وَ كَبُرَتْ وَ ضَرَبَهَا الْفَحْلُ ثُمَّ وَضَعَتْ أَيُّجُوزُ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا وَلَبَنُهَا؟ فَكَتَبَ عليه السلام: فِعْلٌ مَكْرُوهٌ وَ لَا بَأْسَ بِهِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سُئِلَ عَنْ حَمَلٍ عُذِّي بِلَبَنٍ خِنْزِيرَةٍ.

فَقَالَ: قَيْدُوهُ وَ اعْلِفُوهُ الْكُسْبَ وَ النَّوَى وَ الشَّعِيرَ وَ الْخُبْزَ إِنْ كَانَ اسْتَعْنَى عَنِ اللَّبَنِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَعْنَى عَنِ اللَّبَنِ فَيَلْقَى عَلَى ضَرْعِ شَاةٍ سَبْعَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.

۳- ابو حمزه در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام عليه السلام فرمود:

از گوشت بره‌ای که شیر خوک خورده است، تناول نکن.

۴- احمد بن محمد گوید: در نامه‌ای به حضرتش نوشتم:

از هر بلا قربانت شوم! خانمی بزغاله ماده را از پستان خود شیر داده تاروزی که به رشد رسیده و بزرگ شده و بعد بزغاله نری آن را تلقیح کرده و اینک زاییده است. آیا گوشت و شیر آن حلال است؟

حضرتش در پاسخ نوشت: کار مکروهی انجام داده است، اما گوشت و شیر آن حلال است.

۵- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از امیرمؤمنان علی عليه السلام درباره بره‌ای که با شیر خوک تغذیه کرده پرسیده شد.

فرمود: در صورتی که بره از شیر باز گرفته شده آن را در جایی نگه دارید و عصاره روغن،

هسته خرما، جو و نان بخورانید؛ و اگر از شیر باز نگرفته شده هفت روز از پستان گوسفندی

تغذیه کند، سپس می‌توان گوشت آن را خورد.

(۶)

**بَابُ لُحُومِ الْجَلَالَاتِ وَ بَيْضِهِنَّ وَ الشَّاةِ تَشْرَبُ الْخَمْرَ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَأْكُلُوا لُحُومَ الْجَلَالَاتِ وَ هِيَ الَّتِي تَأْكُلُ الْعَذِرَةَ وَ إِنْ أَصَابَكَ مِنْ عَرَقِهَا فَاعْسِلْهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَشْرَبُ مِنْ أَلْبَانِ الْإِبِلِ الْجَلَالَةِ وَ إِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ مِنْ عَرَقِهَا فَاعْسِلْهُ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

**بخش ششم****حکم گوشت و تخم حیوانات نجاست خوار و حکم گوسفند شراب خوار**

- ۱ - ابو حمزه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گوشت حیوانات نجاست خوار را نخورید و اگر عرق آن حیوان به بدن تو سرایت کرد، آن را بشوی.
- ۲ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شتری که نجاست خوار است، آشامیدن شیر آن روا نیست و اگر عرق او به لباس و بدنت سرایت کند، آن را بشوی.
- ۳ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

الدَّجَاجَةُ الْجَلَّالَةُ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا حَتَّى تُقَيَّدَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ الْبَطَّةُ الْجَلَّالَةُ خَمْسَةَ أَيَّامٍ وَ الشَّاةُ الْجَلَّالَةُ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ الْبَقْرَةُ الْجَلَّالَةُ عِشْرِينَ يَوْمًا وَ النَّاقَةُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.  
 ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي شَاةٍ تَشْرَبُ خَمْرًا حَتَّى سَكِرَتْ ثُمَّ ذُبِحَتْ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ.

قَالَ: لَا يُؤْكَلُ مَا فِي بَطْنِهَا.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبَلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي شَاةٍ شَرِبَتْ بَوْلًا ثُمَّ ذُبِحَتْ.

قَالَ: فَقَالَ: يُغَسَّلُ مَا فِي جَوْفِهَا ثُمَّ لَا بَأْسَ بِهِ وَ كَذَلِكَ إِذَا اعْتَلَقَتِ الْعَذِرَةَ وَ مَا لَمْ تَكُنْ جَلَّالَةً وَ الْجَلَّالَةُ الَّتِي يَكُونُ ذَلِكَ غِذَاءَهَا.

گوشت مرغ نجاست خوار را نمی توان خورد تا این که به مدت سه روز عادتش شکسته شود. مدت زمان شکستن عادت مرغابی نجاست خوار، پنج روز و گوسفند نجاست خوار، ده روز، گاو نجاست خوار بیست روز و شتر نجاست خوار چهل روز است.

۴- زید شحام گوید: امام صادق عليه السلام درباره گوسفندی که شراب خورد به حدی که مست شد. سپس با همان حال ذبحش کردند، فرمود:

آن چه را که در درون شکم دارد نمی توان خورد.

۵- راوی گوید: امام باقر عليه السلام درباره گوسفندی که بول نوشید، سپس او را ذبح نمودند فرمود:

درون شکمش شسته می شود سپس خوردن آن ایرادی ندارد. و همین طور است حکم گوسفندی که مدفوع بخورد به گونه ای که نجاست خوار محسوب نشود. و حیوان نجاست خوار، حیوانی است که از مدفوع تغذیه کند.



- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدَمِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ:  
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
الْإِبِلُ الْجَلَالَةُ إِذَا أَرَدَتْ نَحْرَهَا تَحْبِسُ الْبَعِيرَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَالْبَقْرَةَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا  
وَالشَّاةَ عَشْرَةَ أَيَّامًا.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ  
رَوَى فِي الْجَلَالَاتِ قَالَ:  
لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِنَّ إِذَا كُنَّ يُخْلَطْنَ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ  
الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ لُحُومِ الدَّجَاجِ فِي الدَّسَاكِرِ وَهُمْ لَا يَمْنَعُونَهَا مِنْ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَى  
العَذِرَةِ مُخْلَى عَنْهَا وَ عَنْ أَكْلِ بَيْضِهِنَّ.  
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ

۶- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی شتر نجاست خوار را نحر کنی، چهل روز آن را از عادتش بازدار، گاو را  
سی روز و گوسفند را ده روز از عادتش بازدار.

۷- علی بن اسباط درباره حیوانات نجاست خوار این گونه نقل کرد که حضرتش فرمود:  
اگر حیوانات با هم آمیخته شده‌اند و قابل شناسایی نیستند، ایرادی به خوردن گوشت  
آنها نیست.

۸- سعد بن سعد اشعری گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مرغان خانگی که در دهات رها  
و آزاد می‌چرخند و اگر مدفوع نجس بیابند، از آن تغذیه می‌کنند و صاحبان مرغ‌ها به فکر  
ممانعت و مراقبت نیستند، خوردن گوشت و تخم آنها چه صورت دارد؟  
فرمود: مانعی ندارد.

- ۹ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ السِّيَارِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ يُونُسَ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّمَكِ الْجَلَالِ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْهُ .  
فَقَالَ : يُتَنَظَرُ بِهِ يَوْمًا وَ لَيْلَةً .  
وَقَالَ السِّيَارِيُّ : إِنَّ هَذَا لَا يَكُونُ إِلَّا بِالْبَصْرَةِ .  
وَقَالَ فِي الدَّجَاجِ يُحْبَسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ الْبَطَّةِ سَبْعَةَ أَيَّامٍ وَ الشَّاةِ أَرْبَعَةَ عَشْرَةَ يَوْمًا وَ الْبَقْرَةَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَ الْإِبِلِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تُذْبَحُ .
- ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ بَيْضِ الْغُرَابِ .  
فَقَالَ : لَا تَأْكُلُهُ .
- ۱۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنِ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ بَسَّامِ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِبِلِ الْجَلَالَةِ .

- ۹- سیاری گوید: یونس گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ماهی نجاست خوار - که یونس درباره آن سؤال کرده بود - فرمود:  
به مدت یک شبانه روز او را از عادتش باز می دارند.  
سیاری گوید: چنین ماجرای فقط در بصره اتفاق افتاد.  
آن حضرت فرمود: مدت زمان بازداری مرغابی از عادتش سه شبانه روز، گوسفند چهارده روز، گاو سی روز و شتر چهل روز است.
- ۱۰ - اسماعیل گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: تخم کلاغ چه حکمی دارد؟  
فرمود: تخم کلاغ را نخور.
- ۱۱ - بسام صیرفی گوید: از ابو جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شتر مدفوع خوار پرسیدم (چه حکمی دارد؟)

قَالَ: لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا وَلَا تُرْكَبُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: النَّاقَةُ الْجَلَالَةُ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا وَلَا يُشْرَبُ لَبْنُهَا حَتَّى تُغْذَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَالْبَقْرَةُ الْجَلَالَةُ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا وَلَا يُشْرَبُ لَبْنُهَا حَتَّى تُغْذَى ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَالشَّاةُ الْجَلَالَةُ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا وَلَا يُشْرَبُ لَبْنُهَا حَتَّى تُغْذَى عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَالْبَطَّةُ الْجَلَالَةُ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهَا حَتَّى تُرْبَطَ خَمْسَةَ أَيَّامٍ وَالِدَّجَاةُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

(۷)

### بَابُ مَا لَا يُؤْكَلُ مِنَ الشَّاةِ وَغَيْرِهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

فرمود: خوردن گوشت آن روا نیست و تا چهل روز بعد از شکستن عادتش، نباید بر آن سوار شوند.

۱۲ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

گوشت و شیر شتر نجاست خوار را نمی‌توان خورد، تا این که چهل روز با غذای پاک تغذیه کند.

گوشت و شیر گاو نجاست خوار را نمی‌توان خورد، تا این که سی روز با غذای پاک تغذیه کند.

گوشت و شیر گوسفند نجاست خوار را نمی‌توان خورد، تا این که ده روز با غذای پاک تغذیه کند.

گوشت مرغابی نجاست خوار را نمی‌توان خورد، تا این که پنج روز کنترل شود تا عادتش شکسته شود و مرغ نیز سه روز کنترل می‌شود.

### بخش هفتم

#### اعضایی از حیوانی که نمی‌توان خورد

۱ - ابراهیم بن عبد الحمید گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

حُرْمَ مِنَ الشَّاةِ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ الدَّمُ وَ الْخُصِيَّتَانِ وَ الْقَضِيبُ وَ الْمَثَانَةُ وَ الْعُدُدُ وَ الطَّحَالُ وَ الْمَرَارَةُ

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:  
 مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْقَصَابِينَ فَنَهَاهُمْ عَنْ بَيْعِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الشَّاةِ نَهَاهُمْ عَنْ  
 بَيْعِ الدَّمِ وَ الْعُدُدِ وَ آذَانِ الْفُؤَادِ وَ الطَّحَالِ وَ النَّخَاعِ وَ الْخُصَى وَ الْقَضِيبِ .  
 فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْقَصَابِينَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا الْكَبِدُ وَ الطَّحَالُ إِلَّا سَوَاءٌ .  
 فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ يَا لُكْعُ! ائْتُونِي بِتَوْرَيْنِ مِنْ مَاءٍ أُبْنِتُكَ بِخِلَافِ مَا بَيْنَهُمَا .  
 فَأَتَيْتُ بِكَبِدٍ وَ طِحَالٍ وَ تَوْرَيْنِ مِنْ مَاءٍ . فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شُقُّوا الطَّحَالَ مِنْ وَسَطِهِ وَ شُقُّوا  
 الْكَبِدَ مِنْ وَسَطِهِ .

هفت چیز از گوسفند حرام است: خون، بیضه‌ها، آلت نر، مثانه، غده‌ها، طحال و کیسه صفراء.

۲- راوی گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام از بازار قصاب‌ها عبور نمود و آن‌ها را از فروختن هفت عضو گوسفند نهی نمود؛ خون، غده‌ها، دو گوش قلب، طحال، رگ نخاع، بیضه‌ها و آلت نری.

یکی از قصاب به آن حضرت عرض کرد: ای امیرمؤمنان! مگر کبد و طحال یکسان نیستند؟!

فرمود: دروغ گفتی فرومایه! دو ظرف آب نزد من آورید تا تو را از فرق بین آن دو آگاه سازم.

پس کبد و طحال و دو ظرف آب آوردند. حضرت علیه السلام فرمود: طحال را از وسط پاره کنید و کبد را نیز از میان پاره کنید.

ثُمَّ أَمَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَرَسَا فِي الْمَاءِ جَمِيعاً فَأَبْيَضَتِ الْكَبِدُ وَ لَمْ يَنْقُصْ شَيْءٌ مِنْهُ وَ لَمْ يَبْيَضْ الطَّحَالُ وَ خَرَجَ مَا فِيهِ كُؤُهُ وَ صَارَ دَمًا كُؤُهُ حَتَّى بَقِيَ جِلْدُ الطَّحَالِ وَ عِرْقُهُ فَقَالَ لَهُ: هَذَا خِلَافُ مَا بَيْنَهُمَا هَذَا لَحْمٌ وَ هَذَا دَمٌ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تُؤْكَلُ مِنَ الشَّاةِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ الْفَرْثُ وَ الدَّمُ وَ الطَّحَالُ وَ النُّخَاعُ وَ الْعِلْبَاءُ وَ الْغُدُّ وَ الْقَضِيبُ وَ الْأُنْثِيَانِ وَ الْحَيَاءُ وَ الْمَرَارَةُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سپس دستور فرمود هر دو را در آب ساییدند. پس کبد سفید شد و چیزی از آن کم نشد. اما طحال سفید نشد و هر چه که در آن بود خارج شد و همه آن تبدیل به خون شد. تا این که فقط پوست و رگ طحال باقی ماند. حضرت به آن شخص فرمود: این فرق بین کبد و طحال است. کبد گوشت است و طحال خون.

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ده عضو گوسفند را نباید خورد: سرگین داخل شکنجه، خون، طحال، رگ نخاع، رگ گردن، غده‌ها، آلت نره، بیضه‌ها، آلت مادگی و کیسه صفرا.

۴- اسماعیل بن مرار گوید: امام علیه السلام فرمود:

لَا يُؤْكَلُ مِمَّا يَكُونُ فِي الْأَبْلِ وَالْبَقْرِ وَالْعَنَمِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا لَحْمُهُ حَلَالٌ الْفَرْجُ  
بِمَا فِيهِ ظَاهِرُهُ وَبَاطِنُهُ وَالْقَضِيبُ وَالْبَيْضَتَانِ وَالْمَشِيمَةُ وَهِيَ مَوْضِعُ الْوَلَدِ وَ  
الطَّحَالُ؛ لِأَنَّهُ دَمٌ وَالْغُدُّ مَعَ الْعُرُوقِ وَالْمُخُّ وَالَّذِي يَكُونُ فِي الصُّلْبِ وَالْمَرَارَةِ وَ  
الْحَدَقُ وَالْخَرْزَةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الدِّمَاغِ وَالِدَّمُ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ  
الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:  
إِذَا اشْتَرَى أَحَدُكُمْ لَحْمًا فَلْيُخْرِجْ مِنْهُ الْغُدَّ فَإِنَّهُ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجَذَامِ.  
۶ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ كَرِهَ الْكَلْبَتَيْنِ وَقَالَ: إِنَّمَا هُمَا مَجْمَعُ  
الْبَوْلِ.

از شتر، گاو، گوسفند و حیوانات حلال گوشت دیگر این اعضا را نمی‌توان خورد:  
آلت مادگی - بیرون و داخل آن - آلت نری و بیضه‌ها و پوستی که محل زندگی جنین  
است، طحال؛ زیرا که خون است، رگ‌ها و مغز استخوان و رگی در استخوان کمر است و  
کیسه صفرا و سیاهی چشم، «خرزه» که در میان مغز سر قرار دارد و خون.  
۵ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان عليه السلام فرمود:  
آن‌گاه که یکی از شما گوشت حیوان خریدید غده‌ها را از آن خارج کند؛ زیرا غده‌ها رگ  
جذام را تحریک می‌کنند.  
۶ - یکی از اصحاب ما گوید: امام عليه السلام خوردن کلیه را مکروه دانست و فرمود: همانا آن‌ها  
جایگاه اداراند.

(۸)

**بَابُ مَا يُقَطَّعُ مِنَ الْيَاتِ الضَّانِ وَ مَا يُقَطَّعُ مِنَ الصَّيْدِ بِنِصْفَيْنِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ يَوْمًا عَنْ قَطْعِ الْيَاتِ الْعَنَمِ. فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِقَطْعِهَا إِذَا كُنْتَ تُصَلِّحُ بِهَا مَالَكَ.
- ثُمَّ قَالَ عليه السلام: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ مَا قُطِعَ مِنْهَا مَيْتٌ لَا يُتَنَفَعُ بِهِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْيَاتِ الضَّانِ، تُقَطَّعُ وَ هِيَ أَحْيَاءٌ: إِنَّهَا مَيْتَةٌ.
- ۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ أَهْلَ الْجَبَلِ تَثْقُلُ عِنْدَهُمُ الْيَاتُ الْعَنَمِ فَيَقْطَعُونَهَا.

**بخش هشتم****حکم بریده دنبه گوسفند و دو نیم شدن شکار**

- ۱ - کاملی گوید: روزی نزد امام صادق عليه السلام بودم. شخصی از حضرتش درباره بریدن دنبه گوسفند پرسید.
- فرمود: هرگاه می‌توانی به وسیله آن اموال خود را اصلاح کنی ایرادی ندارد.
- سپس فرمود: در کتاب حضرت علی عليه السلام چنین آمده است: آن چه که از گوسفند قطع شود، مردار است، نمی‌توان از آن استفاده نمود.
- ۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام درباره دنبه میش که در حال زنده بودن قطع می‌شود فرمود: آن مردار است.
- ۳ - حسن بن علی گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: فدایت شوم! مردم مناطق کوهستانی به جهت سنگینی دنبه گوسفند را قطع می‌کنند.

فَقَالَ: حَرَامٌ هِيَ.

فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَنَضَطَبِحُ بِهَا.

فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ يُصِيبُ الْيَدَ وَ الثَّوْبَ وَ هُوَ حَرَامٌ؟

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ ضَرَبَ غَزَالَ بِسَيْفِهِ حَتَّى أَبَانَهُ أَيَا كَلَّهُ؟

قَالَ: نَعَمْ يَا كُلُّ مِمَّا يَلِي الرِّأْسَ ثُمَّ يَدْعُ الذَّنْبَ.

۵ - عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَبِّمَا رَمَيْتُ بِالْمِعْرَاضِ فَأَقْتُلُ.

فَقَالَ: إِذَا قَطَعَهُ جَدَلَيْنِ فَارْزِمِ بَأَصْغَرِهِمَا وَ كُلِّ الْأَكْبَرَ وَ إِنِ اعْتَدَلَا فَكُلَّهُمَا.

فرمود: آن، حرام است.

عرض کردم: قربانت گردم! می توانیم از آن برای روشنایی استفاده کنیم؟

فرمود: مگر نمی دانی که به دست و لباس اصابت می کند در حالی که حرام است؟!

۴ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که آهویی را با شمشیر زد و آن

را دو تکه نمود پرسیدم که آیا می تواند آن را بخورد؟

فرمود: آری، آن چه را که نزدیک سر است، می توان و دُم را بایستی رها کرد.

۵ - یکی از اصحاب ما گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی تیر تیزجویی را

پرتاب می کنم و حیوانی را می کشم.

فرمود: هرگاه آن را به دو نصف پاره نمود؛ نیمه کوچک را بینداز و نیمه بزرگ را بخور و

اگر هر دو نیمه مساوی باشند، هر دو را بخور.



۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ فِي الطَّبِيِّ وَحِمَارِ الْوَحْشِ يُعْتَرِضَانِ بِالسَّيْفِ فَيَقْدَانِ فَقَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِمَا مَا لَمْ يَتَحَرَّكَ أَحَدُ النَّصْفَيْنِ فَإِنْ تَحَرَّكَ أَحَدُهُمَا لَمْ يُؤْكَلِ الْآخَرُ لِأَنَّهُ مَيْتَةٌ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَضْرِبُ الصَّيْدَ فَيَقْدُهُ نِصْفَيْنِ . قَالَ: يَا كُلُّهُمَا جَمِيعًا فَإِنْ ضَرَبَهُ وَابَانَ مِنْهُ عُضْوًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ مَا أَبَانَ [ مِنْهُ ] وَ أَكَلَ سَائِرَهُ.

(۹)

### بَابُ مَا يُنْتَفَعُ بِهِ مِنَ الْمَيْتَةِ وَمَا لَا يُنْتَفَعُ بِهِ مِنْهَا

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:

۶ - یکی از اصحاب ما در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام عليه السلام درباره آهو و گورخر که به وسیله شمشیر زخمی و دو نیمه و کشته می‌شوند فرمود:  
در صورتی که یکی از دو نیمه تحرک نداشته باشد، خوردن هر دو نیمه مانعی ندارد. پس اگر یکی از دو نیمه تحرک داشته باشد، نیمه دیگر را نمی‌شود خورد؛ زیرا مردار است.  
۷ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که به شکار ضربه‌ای می‌زند و آن را به دو نیم می‌کند فرمود:  
هر دو نیمه را بخورد. پس اگر به شکار ضربه‌ای زده عضوی را از آن جدا نمود، آن قسمتی را که جدا شده است، نباید بخورد و می‌تواند بقیه شکار را بخورد.

### بخش نهم

### اعضای مورد استفاده مردار

۱ - ابو حمزه ثمالی گوید:

كُنْتُ جَالِسًا فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ إِذَا أَقْبَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَقَالَ: مَنْ أَنْتَ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟

قُلْتُ: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ.

فَقُلْتُ: مَا حَاجَتُكَ؟

فَقَالَ لِي: أَتَعْرِفُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ فَمَا حَاجَتُكَ إِلَيْهِ؟

قَالَ: هَيَّأْتُ لَهُ أَرْبَعِينَ مَسْأَلَةً أَسْأَلُهُ عَنْهَا فَمَا كَانَ مِنْ حَقِّي أَخَذْتُهُ وَ مَا كَانَ مِنْ بَاطِلٍ تَرَكَتُهُ.

قَالَ أَبُو حَمْزَةَ: فَقُلْتُ لَهُ: هَلْ تَعْرِفُ مَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقُلْتُ لَهُ: فَمَا حَاجَتُكَ إِلَيْهِ إِذَا كُنْتَ تَعْرِفُ مَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؟

من در مسجد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم. در این هنگام مردی آمد و سلام نمود، سپس گفت: تو کیستی ای بنده خدا!

گفتم: مردی از اهل کوفه.

گفتم: چه کار داری؟

گفت: آیا امام باقر علیه السلام را می شناسی؟

گفتم: آری، از حضرتش چه درخواستی داری؟

گفت: من چهل مسئله دارم که می خواهم از حضرتش بپرسم. پاسخ های حق را می پذیرم و پاسخ های باطل را رها می کنم!

گفتم: آیا از فرق بین حق و باطل آگاهی؟

گفت: آری.

گفتم: پس چه خواهسته ای از آن حضرت داری با این که خود از فرق بین حق و باطل آگاهی؟

فَقَالَ لِي: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! أَنْتُمْ قَوْمٌ مَا تُطَاقُونَ إِذَا رَأَيْتَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْبِرْنِي. فَمَا انْقَطَعَ كَلَامِي مَعَهُ حَتَّى أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَوْلَهُ أَهْلُ خُرَاسَانَ وَ غَيْرُهُمْ يَسْأَلُونَهُ عَنِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ، فَمَضَى حَتَّى جَلَسَ مَجْلِسَهُ وَ جَلَسَ الرَّجُلُ قَرِيباً مِنْهُ.

قَالَ أَبُو حَمْرَةَ: فَجَلَسْتُ حَيْثُ أَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ حَوْلَهُ عَالَمٌ مِنَ النَّاسِ فَلَمَّا قَضَى حَوَائِجَهُمْ وَ انْصَرَفُوا التَّفَتَّ إِلَى الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا قَتَادَةُ بْنُ دِعَامَةَ الْبَصْرِيُّ. فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ فَقِيهٌ أَهْلِ الْبَصْرَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَحْكُ يَا قَتَادَةُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ خَلَقَ خَلْقاً مِنْ خَلْقِهِ فَجَعَلَهُمْ حُجَجاً عَلَى خَلْقِهِ فَهُمْ أَوْلَادٌ فِي أَرْضِهِ قُوَّامٌ بِأَمْرِهِ نُجَبَاءُ فِي عِلْمِهِ، اصْطَفَاهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظْلَّةً عَنِ يَمِينِ عَرْشِهِ.

گفت: ای اهل کوفه! شما گروهی هستید که صبر و تحمل ندارید! آن گاه که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدی، مرا با خبر ساز! هنوز سخنم تمام نشده بود که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و همراه آن حضرت گروهی از مردم خراسان و مناطق دیگر بود که پرسش‌هایی درباره مناسک حج داشتند. حضرتش رفت و در جایگاه خود نشست. آن شخص نزدیک آن حضرت نشست و من در جایی نشستم که سخن آنان را می‌شنیدم و اطراف آن حضرت عدّه زیادی از مردم بودند. هنگامی که پرسش‌های مردم پایان یافت و برخاستند و رفتند، امام رو به آن شخص نمود و فرمود: تو کیستی؟ گفت: من، قتاده پسر دعامه بصری هستم. فرمود: تو فقیه اهل بصره‌ای؟ گفت: آری.

فرمود: وای بر تو ای قتاده! خداوند گروهی از آفریدگانش را آفرید و آنان را حجت بر مخلوقات خود قرار داد. آنان همچون کوه‌ها رؤسای زمین خدا هستند. به فرمان او قیام می‌کنند و نجبای علم و دانش او هستند. خداوند آنان را پیش از خلقت در طرف راست عرش برگزیده است.

قَالَ: فَسَكَتَ قَتَادَةُ طَوِيلًا. ثُمَّ قَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَاللَّهِ لَقَدْ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْ  
الْفَقَّهَاءِ وَ قُدَّامَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَمَا اضْطَرَبَ قَلْبِي قُدَّامَ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا اضْطَرَبَ  
قُدَّامَكَ.

قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَيَحْكُ أ تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنْتَ بَيْنَ يَدَيْ «بُيُوتِ أذنَ اللَّهِ أَنْ  
تُرْفَعُ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوءِ وَ الْأَصَالِ \* رَجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَ لَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ  
وَ إِفَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزُّكَاةِ» فَأَنْتَ تَمَّ وَ نَحْنُ أَوْلَئِكَ.

فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ: صَدَقْتَ وَ اللَّهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! وَ اللَّهُ مَا هِيَ بُيُوتٌ حِجَارَةٌ وَ لَا

طِين.

قَالَ قَتَادَةُ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْجُبْنِ.

قَالَ: فَتَبَسَّمَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام، ثُمَّ قَالَ: رَجَعْتَ مَسَائِلَكَ إِلَيَّ هَذَا؟

قَالَ: ضَلَلْتُ عَلَيَّ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

قتاده مدت زیادی سکوت نمود، سپس گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! به  
خدا سوگند! من در برابر فقها و ابن عباس نشستم؛ ولی هرگز در برابر هیچ کدامشان دلم  
دچار اضطراب نشده، آن طور که در مقابل شما مضطرب شده است.

امام باقر عليه السلام فرمود: وای بر تو! آیا می دانی کجا و در برابر چه کسی نشسته ای؟ در برابر  
کسی نشسته ای که «در خانه هایی قرار دارند که خداوند اجازه داده نام او در آنها بلند شود  
و صبح و شام در آن تسبیح شود، مردانی که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا  
و برپایی نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد» تو در چنین جایگاهی نشسته ای و آن خانه از  
آن ما و ما آن مردان هستیم.

قتاده گفت: به خدا سوگند! راست گفتی! خداوند مرا فدای شما گرداند! به خدا سوگند!  
آنها، خانه های سنگی و گلی نیستند. آن گاه از روی ناتوانی گفت: نظر شما درباره خوردن

پنیر چیست؟

امام عليه السلام تبسم نمود و فرمود: از مسائل خود به این سؤال بازگشتی؟

گفت: آنها را فراموش کردم.

فرمود: خوردن پنیر ایرادی ندارد.

فَقَالَ: إِنَّهُ رَبِّمَا جُعِلَتْ فِيهِ إِنْفَحَةُ الْمَيِّتِ .  
 قَالَ: لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ إِنَّ الْإِنْفَحَةَ لَيْسَ لَهَا عُرْوُوقٌ وَ لَا فِيهَا دَمٌ وَ لَا لَهَا عَظْمٌ إِنَّمَا  
 تَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ .  
 ثُمَّ قَالَ: وَإِنَّمَا الْإِنْفَحَةُ بِمَنْزِلَةِ دَجَاجَةٍ مَيِّتَةٍ أُخْرِجَتْ مِنْهَا بَيْضَةٌ فَهَلْ تُؤْكَلُ  
 تِلْكَ الْبَيْضَةُ؟  
 فَقَالَ قَتَادَةُ: لَا وَ لَا أَمْرٌ بِأَكْلِهَا .  
 فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ لِمَ؟  
 فَقَالَ: لِأَنَّهَا مِنَ الْمَيِّتَةِ .  
 قَالَ لَهُ: فَإِنْ حُضِنَتْ تِلْكَ الْبَيْضَةُ فَخَرَجَتْ مِنْهَا دَجَاجَةٌ أَتَا كُلُّهَا؟  
 قَالَ: نَعَمْ .  
 قَالَ: فَمَا حَرَّمَ عَلَيْكَ الْبَيْضَةَ وَ حَلَّلَ لَكَ الدَّجَاجَةَ؟

---

قتاده گفت: گاهی در آن شکمبه مردار قرار می‌دهند.  
 فرمود: ایرادی ندارد به درستی که شکمبه نه رگ دارد، نه خون و نه استخوانی؛ آن از  
 میان سرگین و خون بیرون می‌آید. سپس فرمود: شکمبه به منزله مرغ مرداری است که از  
 آن تخم بیرون می‌آید، آیا این تخم را می‌توان خورد؟  
 قتاده گفت: نه! نه خودم می‌خورم و نه کسی را به خوردن آن دستور می‌دهم.  
 امام باقر عليه السلام به او فرمود: چرا؟  
 گفت: چون آن از مردار است.  
 فرمود: اگر کسی از این تخم مرغ مراقبت کند تا از آن جوجه‌ای به عمل آید و مرغ شود،  
 آن را می‌خوری؟  
 گفت: آری.  
 فرمود: چه کسی تخم مرغ را بر تو حرام و مرغ را حلال کرده است؟

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَذَلِكَ الْإِنْفَحَةُ مِثْلُ الْبَيْضَةِ فَاشْتَرِ الْجُبْنَ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَيْدِي الْمُصَلِّينَ وَلَا تَسْأَلْ عَنْهُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيكَ مَنْ يُخْبِرُكَ عَنْهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا: حَمْسَةُ أَشْيَاءَ ذَكِيَّةٌ مِمَّا فِيهَا مَنَافِعُ الْخَلْقِ الْإِنْفَحَةُ وَالْبَيْضَةُ وَالصُّوفُ وَالشَّعْرُ وَالْوَبْرُ لَا بَأْسَ بِأَكْلِ الْجُبْنِ كُلِّهِ مِمَّا عَمَلَهُ مُسْلِمٌ أَوْ غَيْرُهُ وَإِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يُؤْكَلَ سِوَى الْإِنْفَحَةِ مِمَّا فِي آيَةِ الْمَجُوسِ وَ أَهْلِ الْكِتَابِ لِأَنَّهُمْ لَا يَتَوَقَّوْنَ الْمَيْتَةَ وَالْحَمْرُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي يَسَّالُهُ عَنِ اللَّبَنِ مِنَ الْمَيْتَةِ وَالْبَيْضَةِ مِنَ الْمَيْتَةِ وَ الْإِنْفَحَةِ الْمَيْتَةِ .  
فَقَالَ: كُلُّ هَذَا ذَكِيٌّ .

آن گاه فرمود: شکمبه نیز مانند تخم مرغ است. پنیر را از بازار مسلمانان و از دست نمازگزاران خریداری کن و درباره آن سؤال نکن! مگر آن که کسی نزد تو بیاید که تو را از آن باخبر سازد.

۲- یونس گوید: امامان معصوم علیهم السلام فرمودند:

پنج چیز از چیزهایی که منافع مردم در آن است تذکیه شده است: شکمبه، تخم، پشم، موی و کرک و ایرادی بر خوردن همه انواع پنیر نیست. چه مسلمان آن را تهیه کند یا غیر مسلمان. خوردن از غذایی که در ظرفهای مجوسیان و اهل کتاب است غیر از شکمبه کراهت دارد. زیرا آنان از مردار و شراب پرهیز نمی‌کنند.

۳- حسین بن زراره گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم. پدرم پرسید: شیری که از پستان گاو مرده خارج شود، تخمی که از شکم مرغان مرده بیرون آید و پنیر مایه‌ای که از شکم بزغاله مرده خارج سازند (چه حکمی دارند؟) فرمود: همه اینها پاک هستند.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: فَشَعْرُ الْخِنْزِيرِ يُعْمَلُ حَبْلًا وَ يُسْتَقَى بِهِ مِنَ الْبُئْرِ الَّتِي يُشْرَبُ مِنْهَا أَوْ يُتَوَضَّأُ مِنْهَا.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

وَ زَادَ فِيهِ عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: وَالشَّعْرُ وَ الصُّوفُ كُلُّهُ ذَكِيٌّ.

وَ فِي رِوَايَةٍ صَفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الشَّعْرُ وَ الصُّوفُ وَ الْوَبْرُ وَ الرَّيْشُ وَ كُلُّ نَابِتٍ لَا يَكُونُ مَيْتًا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَيْضَةِ تُخْرَجُ مِنْ بَطْنِ الدَّجَاجَةِ الْمَيْتَةِ.

قَالَ: تَأْكُلُهَا.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرُزَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ:

گفتم: اگر از موی خوک ریسمان بیافند و با آن ریسمان آب بکشند و بنوشند و وضو

بگیرند، چه صورت دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

در روایت علی بن عقبه و علی بن حسن بن رباط آمده است: حضرتش فرمود: موی

بزغاله و پشم گوسفند که از بدن آن‌ها بریزد، پاک است.

در روایت دیگر حسین بن زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مو، پشم، کرک، پر و هر عضو دیگری که از بدن حیوان بروید، مردار نیست.

پرسیدم: تخمی که از شکم مرغ مرده خارج شود، چه حکمی دارد؟

فرمود: حلال است.

٤- حریز گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به زراره و محمد بن مسلم فرمود:

اللَّبَنُ وَاللَّبَأُ وَالْبَيْضَةُ وَالشَّعْرُ وَالصُّوفُ وَالْقَرْنُ وَالنَّابُ وَالْحَافِرُ وَكُلُّ شَيْءٍ يُفْصَلُ مِنَ الشَّاةِ وَالِدَّابَّةِ فَهُوَ ذَكِيٌّ وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْهَا بَعْدَ أَنْ تَمُوتَ فَاغْسِلْهُ وَصَلِّ فِيهِ .

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي بَيْضَةِ خَرَجَتْ مِنْ أُنْتِ دَجَاجَةٍ مَيْتَةٍ فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ الْبَيْضَةُ اكْتَسَتْ الْجِلْدَ الْغَلِيظَ فَلَا بَأْسَ بِهَا.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُخْتَارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ جُلُودِ الْمَيْتَةِ الَّتِي يُؤْكَلُ لَحْمُهَا إِنْ ذُكِّيَ.

شیر، فله، تخم مرغ، مو، پشم، شاخ، دندان نیش، سم، و هر چیزی مانند اینها که از بدن حیوانات حلال گوشت بریزد، پاک است، و اگر بعد از مرگ حیوان جدا شود، آن را بشوی و با آن نماز بخوان که پاک و حلال است.

۵ - غیاث بن ابراهیم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر تخم مرغ خانگی از شکم مرغ مرده خارج شود، چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که پوست ضخیم آن سنگ شده باشد، حلال است.

۶ - فتح بن یزید گرگانی گوید:

در نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم اگر پوست مردار حلال گوشت تذکیه شود چه حکمی دارد؟



فَكَتَبَ: لَا يُتَنَفَعُ مِنَ الْمَيْتَةِ بِإِهَابٍ وَلَا عَصَبٍ وَ كُلُّ مَا كَانَ مِنَ السَّخَالِ مِنَ الصُّوفِ إِنْ جُزَّ وَ الشَّعْرِ وَ الوَبْرِ وَ الْأَنْفَحَةِ وَ الْقَرْنِ وَ لَا يُتَعَدَّى إِلَى غَيْرِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ  
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ الْمَيْتَةُ يُتَنَفَعُ مِنْهَا بِشَيْءٍ.  
 فَقَالَ: لَا.

قُلْتُ: بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَرَّ بِشَاةٍ مَيْتَةٍ فَقَالَ مَا كَانَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الشَّاةِ إِذَا لَمْ يُتَنَفَعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يُتَنَفَعُوا بِإِهَابِهَا.  
 قَالَ: تِلْكَ شَاةٌ كَانَتْ لِسُودَةَ بِنْتِ زَمْعَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ كَانَتْ شَاةً مَهْزُولَةً لَا يُتَنَفَعُ بِلَحْمِهَا فَتَرَكَوْهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا كَانَ عَلَى أَهْلِهَا إِذَا لَمْ يُتَنَفَعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يُتَنَفَعُوا بِإِهَابِهَا أَيُّ تُذَكَّى.

آن حضرت مرقوم فرمود: نمی‌توان از مردار از این اعضا بهره برد: پوست، پشم، مو، کرک، شکمبه، شاخ و - ان شاء الله - جز این‌ها بهره برده نشود.  
 ۷- علی بن ابی‌مغیره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت شوم! از اعضای دام مرده، چیزی هست که قابل استفاده باشد؟  
 فرمود: نه.

گفتم: به ما خبر رسیده که رسول خدا صلى الله عليه وآله از کوچه‌ای می‌گذشت و گوسفند مرده‌ای را دید که در مزبله افتاده است. فرمود: «اگر صاحب این گوسفند نمی‌توانست از گوشت این حیوان بهره‌مند شود، چه مانعی داشت که از پوست آن بهره‌مند نشد؟»  
 فرمود: آن گوسفند، مال سوده دختر زمعه همسر رسول خدا صلى الله عليه وآله بود. گوسفند لاغری بود که گوشت آن قابل خوردن نبود. گوسفند را رها کردند تا مرد. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «اگر نمی‌خواستند که از گوشت آن تناول کنند، چرا در صدد نشاندن که از پوست آن بهره بگیرند که گوسفند را بکشند و پوست آن را دباغی کنند و مورد استفاده قرار بدهند.»

(۱۰)

**بَابُ أَنَّهُ لَا يَحِلُّ لَحْمُ الْبَهِيمَةِ الَّتِي تُنَكَّحُ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ الْبَهِيمَةِ الَّتِي تُنَكَّحُ. فَقَالَ: حَرَامٌ لَحْمُهَا وَكَذَلِكَ لَبْنُهَا.

(۱۱)

**بَابُ فِي لَحْمِ الْفَحْلِ عِنْدَ اِغْتِلَامِهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَكْلِ لَحْمِ الْفَحْلِ وَقَتَّ اِغْتِلَامِهِ.

**بخش دهم****حرام بودن گوشت چهارپایی که توسط انسان وطی شده**

۱ - مسمع گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد چهارپایی که توسط انسان وطی شده، سؤال کردند. فرمود: گوشتش و هم چنین شیر آن‌ها حرام است.

**بخش یازدهم****گوشت آلت نره در حال شهوت**

۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خوردن گوشت آلت نره در حالت شهوت نهی نمود.

(۱۲)

## بَابُ اخْتِلَاطِ الْمَيْتَةِ بِالذَّكِيِّ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ غَنَمٌ وَبَقَرٌ وَكَانَ يُدْرِكُ الذَّكِيَّ مِنْهَا فَيَعْرِزُهُ وَ يَعْزِلُ الْمَيْتَةَ ، ثُمَّ إِنَّ الْمَيْتَةَ وَ الذَّكِيَّ اخْتَلَطَا فَكَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ ؟  
فَقَالَ : يَبِيعُهُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ وَ يَأْكُلُ ثَمَنَهُ فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ .
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِذَا اخْتَلَطَ الذَّكِيُّ وَ الْمَيْتَةُ بَاعَهُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ وَ يَأْكُلُ ثَمَنَهُ .

## بخش دوازدهم

## مخلوط شدن حیوان مردار با حیوان تذکیه شده

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی گوسفند و گاوی داشت، او می‌دانست که کدام شان تذکیه شده است؛ پس تذکیه شده را کناری گذاشت و مردار را نیز به کناری نهاد، سپس مردار و تذکیه شده مخلوط شدند. (چه وظیفه‌ای دارد؟) فرمود: آن را به کسی که مردار را حلال می‌داند بفروشد و از پول آن استفاده کند؛ زیرا ایرادی ندارد.
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرگاه حیوان تذکیه شده و مردار مخلوط شدند، آن را به کسی که مردار را حلال می‌داند بفروشد و از پول آن استفاده کند.

(۱۳)

**بَابُ آخِرُ مِنْهُ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عُمَرَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ دَخَلَ قَرْيَةً فَأَصَابَ بِهَا لَحْمًا لَمْ يَدْرَ أَ ذَكِيٌّ هُوَ أَمْ مَيْتٌ قَالَ: يَطْرَحُهُ عَلَى النَّارِ فَكُلُّ مَا انْقَبَضَ فَهُوَ ذَكِيٌّ وَكُلُّ مَا انْبَسَطَ فَهُوَ مَيْتٌ.

(۱۴)

**بَابُ الْفَارَةِ تَمُوتُ فِي الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

**بخش سیزدهم****شناسایی گوشت مردار**

۱ - شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: اگر کسی به دهستانی وارد شود و گوشتی بیابد که نداند گوشت قصابی است و یا گوشت مردار، آیا می تواند از آن بخورد؟  
فرمود: گوشت را بر روی آتش بیندازد، اگر گوشت منقبض شود و درهم برود، گوشت قصابی است و اگر پهن و منبسط شود، گوشت مردار است.

**بخش چهاردهم****حکم موش مرده در ظرف غذا و آب**

۱ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

- إِذَا وَقَعَتِ الْفَأْرَةُ فِي السَّمَنِ فَمَاتَتْ فِيهِ فَإِنْ كَانَ جَامِداً فَأَلْفَهَا وَ مَا يَلِيهَا وَ كُلِّ مَا بَقِيَ وَ إِنْ كَانَ ذَائِباً فَلَا تَأْكُلُهُ وَ اسْتَصْبِحْ بِهِ وَ الزَّيْتُ مِثْلُ ذَلِكَ .
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قُلْتُ لَهُ : جُرَدٌ مَاتَ فِي سَمَنِ أَوْ زَيْتٍ أَوْ عَسَلٍ . فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَّا السَّمَنُ وَ الْعَسَلُ فَيُؤْخَذُ الْجُرَدُ وَ مَا حَوْلَهُ وَ الزَّيْتُ يُسْتَصْبَحُ بِهِ .
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ قَدْرِ طَبِخَتْ فَأَذَا فِي الْقَدْرِ فَأَرَةً . قَالَ : يُهْرَاقُ مَرَقُهَا وَ يُعْسَلُ اللَّحْمُ وَ يُؤْكَلُ .
- ۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَأْرَةِ وَ الْكَلْبِ يَفْعُ فِي السَّمَنِ وَ الزَّيْتِ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهُ حَيًّا . فَقَالَ : لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ .

هرگاه موش در ظرف روغن بیفتد و بمیرد، در صورتی که روغن جامد باشد، موش را با روغنی که در اطراف است، از ظرف خارج می‌کنند، و از مانده روغن استفاده می‌کنند، اما اگر روغن مایع باشد، خوردن آن روا نیست، باید برای مصرف چراغ به کار برود. روغن زیتون نیز همین حکم را دارد.

۲ - معاویه بن وهب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر موش صحرائی در ظرف روغن جامد، یا روغن زیتون و یا در ظرف عسل بمیرد (چه حکمی دارد؟) فرمود: در روغن جامد و عسل که سریان ندارد، موش را با آلودگی اطرافش خارج می‌کنند و مانده مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما روغن زیتون را فقط در روغن چراغ می‌ریزند و می‌سوزانند.

۳ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: در دیگ غذایی موشی افتاده، چه حکمی دارد؟ فرمود: بایستی خورش را دور ریخت و گوشت را شست و خورد.

۴ - سعید اعرج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر موش و سگی در روغن جامد و یا روغن مایع بیفتند و زنده خارج شوند، چه صورت دارد؟ فرمود: خوردن آن اشکالی ندارد.

(۱۵)

**بَابُ اخْتِلَاطِ الْحَالِ بِغَيْرِهِ فِي الشَّيْءِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْجَرِيِّ يَكُونُ فِي السَّفُودِ مَعَ السَّمَكِ.

فَقَالَ: يُؤْكَلُ مَا كَانَ فَوْقَ الْجَرِيِّ وَ يُرْمَى مَا سَالَ عَلَيْهِ الْجَرِيُّ.

قَالَ: وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطُّحَالِ فِي سَفُودٍ مَعَ اللَّحْمِ وَ تَحْتَهُ خُبْزٌ وَ هُوَ الْجُودَابُ أَيُّوْ كُلُّ مَا تَحْتَهُ.

قَالَ: نَعَمْ يُؤْكَلُ اللَّحْمُ وَ الْجُودَابُ وَ يُرْمَى بِالطُّحَالِ، لِأَنَّ الطُّحَالَ فِي حِجَابٍ لَا يَسِيلُ مِنْهُ، فَإِنْ كَانَ الطُّحَالُ مَتَّقُوبًا أَوْ مَشَقُوقًا فَلَا تَأْكُلُ مِمَّا يَسِيلُ عَلَيْهِ الطُّحَالُ.

**بخش پانزدهم****مخلوط شدن حلال با حرام**

۱ - عمّار بن موسی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: ماهی جزی را با ماهی حلال گوشت بریان می‌کنند (چه حکمی دارد؟) فرمود: آن چه که بالای ماهی جزی قرار دارد قابل خوردن و آن چه را که ماهی جزی بر آن روان شده دور می‌ریزند.

پرسیدند: طحالی را با گوشت قابل خوردن می‌ریزند و پایین گوشت، نان قرار دارد که همان جوداب<sup>(۱)</sup> است. آیا می‌توان آن چه را که پایین طحال قرار دارد خورد؟ فرمود: آری. گوشت و جوداب را می‌خورند و طحال را دور می‌ریزند؛ زیرا طحال در حجاب و مانعی قرار دارد که از آن نمی‌تواند جاری گردد. پس اگر طحال، سوراخ و یا پاره باشد، پس آن چه را که طحال بر آن جریان پیدا کرده است، نخور!

۱ - جوداب: غذایی که با شکر و برنج و گوشت تهیه می‌شود.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنْ حِنْطَةٍ مَجْمُوعَةٍ ذَابَ عَلَيْهَا شَحْمُ الْخَنْزِيرِ. قَالَ: إِنْ قَدَرُوا عَلَى غَسْلِهَا أَكَلْتُ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى غَسْلِهَا لَمْ تُؤْكَلْ. وَقِيلَ: تُبَذَّرُ حَتَّى تَنْبَتَ.

## (۱۶)

## بَابُ طَعَامِ أَهْلِ الذَّمِّ وَ مُؤَاكَلَتِهِمْ وَ آنِيَتِهِمْ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ مَا يَجِلُّ مِنْهُ. قَالَ: الْحُبُوبُ

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ مَا يَجِلُّ مِنْهُ.

۲- یونس گوید: از امام علی علیه السلام درباره گندمی که کنار هم جمع شده بود و پیه خوک بر روی آن، ذوب شده است سؤال شد. فرمود: اگر قابل شست و شوست، می‌توان آن را خورد و گرنه، نمی‌توان خورد. و گفته شده: آن گندم را می‌کارند تا بروید.

## بخش سیزدهم

## حکم غذای اهل ذمه ، خوردنی‌ها و ظروف آنها

۱ - سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد خوراکی‌های اهل کتاب پرسیدم که چه نوع خوراکی‌های آنان حلال است؟ فرمود: حبوبات.

۲ - سماعه در سند دیگر نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

قَالَ: الْحُبُوبُ.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُوَآكَلَةِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالْمَجُوسِيِّ. قَالَ: فَقَالَ: إِنْ كَانَ مِنْ طَعَامِكَ فَتَوَضَّأَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ مُسْلِمِينَ يَأْكُلُونَ وَحَضَرَهُمْ رَجُلٌ مَجُوسِيٌّ أَيْدَعُونَهُ إِلَى طَعَامِهِمْ؟ فَقَالَ: أَمَا أَنَا فَلَا أَوْ أَكِلُ الْمَجُوسِيَّ وَ أَكْرَهُ أَنْ أُحْرِمَ عَلَيْكُمْ شَيْئًا تَصْنَعُونَهُ فِي بِلَادِكُمْ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ آئِيَةِ أَهْلِ الذُّمَّةِ وَالْمَجُوسِ.

۳- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: با یهودی، نصرانی و مجوسی می‌توانم بر سر یک سفره بنشینم و هم غذا شوم؟

فرمود: اگر سفره غذا از تو باشد پس دست خود را تمیز بشوی مانعی ندارد.

۴- عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر گروهی از مسلمانان بر سر سفره غذا نشسته باشند و یک نفر مجوسی بر آنان بگذرد، آیا می‌توانند او را به غذای خود دعوت کنند؟

فرمود: اگر من باشم، با مجوسی هم غذا نمی‌شوم، و نمی‌خواهم بر شما تحریم کنم که عرف و آداب خود را ترک کنید.

۵- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: ظرفی که یهودی، یا نصرانی و مجوسی در آن غذا بخورد پاک است؟



فَقَالَ: لَا تَأْكُلُوا فِي آيَاتِهِمْ وَلَا مِنْ طَعَامِهِمُ الَّذِي يَطْبُخُونَ وَلَا فِي آيَاتِهِمُ الَّتِي يَشْرَبُونَ فِيهَا الْحَمْرَ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ﴾ فَقَالَ عليه السلام: الْحُبُوبُ وَالْبُقُوعُ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُؤَاكَلَةِ الْمَجُوسِيِّ فِي قَضَعَةٍ وَاحِدَةٍ وَأَرْقُدُ مَعَهُ عَلَى فِرَاشٍ وَاحِدٍ وَأُصَافِحُهُ؟ قَالَ: لَا.

۸- عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أَخَالِطُ الْمَجُوسِيَّ فَأَكُلُ مِنْ طَعَامِهِمْ؟ فَقَالَ: لَا.

فرمود: در ظرف آنان غذا نخورید، از پختنی آنان نخورید و از ظرفی که مشروب می‌خورند آب ننوشید.

۶- ابو جارود گوید: از امام باقر عليه السلام درباره گفتار خداوند که می‌فرماید: «غذای اهل کتاب و نیز غذای شما برای آنان حلال است» فرمود: منظور حبوبات و سبزیجات است.

۷- علی بن جعفر عليه السلام برادر امام کاظم عليه السلام گوید: از آن حضرت درباره غذا خوردن با مجوسی در یک ظرف و استفاده از بستر او و مصافحه با او پرسیدم که آیا می‌توانم؟ فرمود: نه.

۸- هارون بن خارجه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من با مجوسیان رفت و آمد دارم، آیا می‌توانم از غذای آنان میل کنم؟ فرمود: نه.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ؟  
فَقَالَ: لَا تَأْكُلُهُ. ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا تَأْكُلُهُ، ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا تَأْكُلُهُ وَلَا تَتْرُكُهُ تَقُولُ: إِنَّهُ حَرَامٌ، لَكِنْ تَتْرُكُهُ تَنْزَاهًا عَنْهُ إِنَّ فِي آيَاتِهِمُ الْحَمْرَ وَالْحَمَّ الْخِنْزِيرَ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ:

كُنْتُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمْتُ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي عَلَى دِينِ النَّصْرَانِيَّةِ فَأَكُونُ مَعَهُمْ فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ أَكُلُ مِنْ آيَاتِهِمْ؟  
فَقَالَ لِي عليه السلام: أَيَا كُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟  
قُلْتُ: لَا.

۹- اسماعیل بن جابر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: غذای اهل کتاب حلال است؟  
فرمود: از غذای آنان تناول مکن!

آن گاه قدری سکوت کرد و فرمود: از غذای آنان تناول مکن!  
حضرت در نوبت سوم فرمود: از غذای آنان تناول مکن، ولی مگو که حرام است، اما به جهت دوری از پلیدی به غذای آنان دست مزین؛ چرا که آنان در همین ظروف، شراب می نوشند و گوشت خوک تناول می کنند.

۱۰- زکریا بن ابراهیم گوید: من نصرانی بودم و بعد اسلام آوردم. به امام صادق عليه السلام گفتم: خاندان من نصرانی هستند، آیا من می توانم با آنان در یک خانه زندگی کنم و از ظرف آنان غذا بخورم؟

آن حضرت به من فرمود: آیا خاندانت گوشت خوک می خورند؟  
گفتم: نه.

قَالَ: لَا بَأْسَ .

(۱۷)

### بَابُ ذِكْرِ الْبَاغِيِّ وَالْعَادِي

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿فَنِ اضْطُرُّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ﴾ .  
قَالَ: الْبَاغِيُّ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَى الْإِمَامِ، وَالْعَادِي الَّذِي يَقْطَعُ الطَّرِيقَ لَا تَحِلُّ لَهُ الْمَيْتَةُ:

(۱۸)

### بَابُ أَكْلِ الطَّيْنِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: مانعی ندارد.

### بخش هفدهم

#### بیان باغی و عادی

۱ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند که می‌فرماید: «پس هر که ناگزیر شد جز باغی و عادی» فرمود:  
منظور از «باغی» کسی است که علیه امام خروج می‌کند و «عادی» کسی است که راهزنی می‌کند که برای این دو نفر خوردن مردار جایز نیست.

### بخش هیجدهم

#### حکم خوردن خاک

۱ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

- الطَّيْنُ حَرَامٌ كُلُّهُ كَلْحَمِ الْخِنْزِيرِ وَ مَنْ أَكَلَهُ ثُمَّ مَاتَ فِيهِ لَمْ أَصَلِّ عَلَيْهِ إِلَّا طِينَ الْقَبْرِ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ مَنْ أَكَلَهُ لِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِ شِفَاءٌ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَكُلِ الطَّيْنَ يُورِثُ النَّفَاقَ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ: مَنْ أَنْهَمَكَ فِي أَكْلِ الطَّيْنِ فَقَدْ شَرِكَ فِي دَمِ نَفْسِهِ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

همه انواع خاک همانند گوشت خووک حرام است و هرکسی خاک بخورد و بمیرد، من بر او نماز نخواهم خواند. جز خاک قبر امام حسین عليه السلام زیرا در آن شفاء است و هرکس آن را از روی هوس بخورد، شفایی در آن نخواهد دید.

۲- طلحة بن زبیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خوردن خاک نفاق می آورد.

۳- طلحة بن زبیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس در خوردن خاک بکوشد همانا در خون خود شریک است.

۴- هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَجَلَّى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ فَحَرَّمَ أَكْلَ الطِّينِ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ.  
 ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ يَأْكُلُ الطِّينَ.  
 فَنَهَاهُ فَقَالَ: لَا تَأْكُلْهُ فَإِنْ أَكَلْتَهُ وَمِتَّ كُنْتَ قَدْ أَعَنْتَ عَلَى نَفْسِكَ.  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ  
 مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ زِيَادِ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِنَّ التَّمَنِّيَّ عَمَلُ الْوَسْوَسَةِ وَ أَكْثَرُ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ أَكْلُ الطِّينِ وَ هُوَ يُورِثُ  
 السُّقْمَ فِي الْجِسْمِ وَ يَهْيِجُ الدَّاءَ وَ مَنْ أَكَلَ طِينًا فَضَعُفَ عَنْ قُوَّتِهِ الَّتِي كَانَتْ قَبْلَ أَنْ  
 يَأْكُلَهُ وَ ضَعُفَ عَنِ الْعَمَلِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَهُ حُسِبَ عَلَى مَا بَيْنَ قُوَّتِهِ  
 وَ ضَعْفِهِ وَ عُدِّبَ عَلَيْهِ.

خداوند متعال آدم عليه السلام را از خاک آفرید. پس خوردن خاک را بر فرندان او حرام نمود.

۵- ابن قَدَّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به امیرمؤمنان علی عليه السلام گزارش دادند که مردی خاک می خورد. حضرت عليه السلام او را نهی  
 نمود و فرمود: خاک را نخور! اگر آن را بخوری و بمیری بر کشتن خودت یاری کرده‌ای.

۶- زیاد بن ابی زیاد گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

آرزوی امور باطل و سوسه است و بیشترین دام‌های شیطان، خوردن خاک است و آن  
 باعث بیماری بدن می شود و بیماری‌ها را تهییج می کند. هر کس خاک بخورد و از قوتی که  
 قبل از خوردن خاک داشت، کاسته شود و از عملی که پیش از خوردن خاک انجام می داد،  
 کم شود؛ بین قوت و ضعف او محاسبه می شود و به همان مقدار عذاب خواهد شد.

- ۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا يَرْوِي النَّاسُ فِي أَكْلِ الطُّيْنِ وَكَرَاهِيَّتِهِ.  
فَقَالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ الْمَبْلُورُ وَذَلِكَ الْمَدْرُ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الطُّيْنَ فَمَاتَ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى نَفْسِهِ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الطُّيْنِ.  
فَقَالَ: أَكْلُ الطُّيْنِ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَالدَّمِ وَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ إِلَّا طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآمَنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.

- ۷- معمر بن خلاد گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: منظور اهل سنت از روایت درباره خوردن خاک و مکروه بودن آن چیست؟  
فرمود: منظور خاک مرطوب است و این کلوخ است.
- ۸- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:  
هر کس خاک بخورد و بمیرد، به راستی که برای کشتن خود یاری کرده است.
- ۹- سعد بن سعد گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره خوردن خاک پرسیدم.  
فرمود: خوردن خاک مانند مردار و خون و گوشت خوک؛ حرام است. جز خاک قبر امام حسین عليه السلام؛ زیرا در آن شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است.

(۱۹)

**بَابُ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ**

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَأْكُلْ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام عَنِ آيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَكَرِهَهُمَا.

فَقُلْتُ: قَدْ رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ كَانَ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِرْآةٌ مُلَبَّسَةٌ فِضَّةً.

فَقَالَ: لَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، إِنَّمَا كَانَتْ لَهَا حَلَقَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ هِيَ عِنْدِي.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْعَبَّاسَ حِينَ عُدِرَ عُمِلَ لَهُ قِضِيبٌ مُلَبَّسٌ مِنْ فِضَّةٍ مِنْ نَحْوِ مَا يُعْمَلُ لِلصُّبَّانِ تَكُونُ فِضَّتُهُ نَحْوًا مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ فَأَمَرَ بِهِ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فَكُسِرَ.

**بخش نوزدهم****حکم خوردن و نوشیدن در ظرف طلا و نقره**

۱ - داوود بن سرحان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در ظروف طلائی و نقره‌ای غذا نخور.

۲ - محمد بن اسماعیل بزيع گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: ظروف طلا و نقره چه

حکمی دارند؟

حضرتش اظهار کراهت کرد.

گفتم: برخی از یاران ما روایت کرده‌اند که امام کاظم عليه السلام آینه‌ای داشت که با پوششی از

نقره مزین بود.

امام فرمود: نه. خدا را سپاس. آن آینه فقط با یک حلقه نقره مزین بود که با همان

صورت، اینک در اختیار من است.

آن‌گاه امام رضا عليه السلام فرمود: موقعی که برادرم عباس را ختنه کردند، تازیانه‌ای برای او

ساخته شد که آن را با پوششی از نقره مزین کرده بودند و نقره آن به حدود ده درهم

می‌رسید. پدرم امام کاظم عليه السلام فرمود تا آن را شکستند.

- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَأْكُلْ فِي آيَةِ مِنْ فِضَّةٍ وَلَا فِي آيَةِ مَفْضُضَةٍ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ نَهَى عَنْ آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ الشُّرْبَ فِي الْفِضَّةِ وَفِي الْقَدْحِ الْمُفْضُضِ وَكَذَلِكَ أَنْ يُدْهَنَ فِي مِدْهَنٍ مُفْضُضٍ وَالْمُشْطُ كَذَلِكَ
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ أَتَى بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ فِيهِ ضَبَّةٌ مِنْ فِضَّةٍ فَرَأَيْتُهُ يَنْزِعُهَا بِأَسْنَانِهِ.
- ۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

۳ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در ظرف نقره‌ای و نقره‌کاری شده غذا نخور.

۴ - محمد بن مسلم گوید:

امام باقر عليه السلام از غذا خوردن در ظرف طلائی و نقره‌ای نهی نمود.

۵ - برید گوید: امام صادق عليه السلام اظهار کراهت نمود که از ظرف نقره‌ای و یا ظرف

نقره‌کاری شده آب بیاشامد و از روغندان نقره‌کاری شده روغن بردارند و بدن را چرب کنند و یا با شانه‌ای نقره‌ای سر و صورت را شانه نمایند.

۶ - عمرو بن ابی مقدم گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم، نزد آن حضرت کاسه‌ای

آب بود، ورق نازکی از نقره روی آن کشیده شده بود؛ حضرت آن را با دندان‌های خود کند.

۷ - موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:



أَيُّهُ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ مَتَاعُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ .

(۲۰)

### بَابُ كَرَاهِيَةِ الْأَكْلِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَيْرَةِ حِينَ قَدِمَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ الْمُنْصُورِ فَخَتَنَ بَعْضُ الْقَوَادِ ابْنَ لَهُ وَ صَنَعَ طَعَامًا وَ دَعَا النَّاسَ وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَمَنِ دُعِيَ فَبَيْنَا هُوَ عَلَى الْمَائِدَةِ يَأْكُلُ وَ مَعَهُ عِدَّةٌ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَاسْتَسْقَى رَجُلٌ مِنْهُمْ مَاءً فَأَتَيْ بِقَدَحٍ فِيهِ شَرَابٌ لَهُمْ. فَلَمَّا أَنْ صَارَ الْقَدْحُ فِي يَدِ الرَّجُلِ قَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَائِدَةِ، فَسُئِلَ عَنْ قِيَامِهِ.

فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعًا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ.

ظروف طلائی و نقره‌ای ظروف کسانى است که یقین ندارند.

### بخش بیستم

#### کراهت غذا خوردن بر روی سفره‌ای که در آن شراب است

۱ - هارون بن جهم گوید: ما همراه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در «حیره» بودیم، هنگامی که آن حضرت را نزد منصور دوانیقی احضار نمودند. مراسم ختنه سورانی پسر یکی از سرلشکرها بود که مردم را برای صرف غذا دعوت کرده بود. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز جزو مدعوین بود. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بر سفره غذا تناول می‌نمود و مدعوین نیز بر سر سفره بودند، یکی از آنان آب خواست. کاسه‌ای برایش آوردند که در آن شراب بود. هنگامی که کاسه در دست آن شخص قرار گرفت، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از سر سفره برخاست.

به حضرتش عرض کردند: چرا برخاستی؟

فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که بر سفره‌ای بنشیند که بر آن شراب نوشیده می‌شود، ملعون است.

در روایت دیگری چنین آمده است: ملعون است، ملعون است کسی که با میل خود بر سفره‌ای بنشیند که بر آن شراب نوشیده می‌شود.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَأْكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ.

(۲۱)

### بَابُ كَرَاهِيَةِ كَثْرَةِ الْأَكْلِ

۱- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ يَرْفَعُهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي كَلَامٍ لَهُ: سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي سَنَةٌ يَأْكُلُ الْمُؤْمِنُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ وَيَأْكُلُ الْكَافِرُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مَكْرُوهَةٌ.

۲- جراح مدائنی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارد، کنار سفره‌ای که در آن شراب نوشیده می‌شود نمی‌نشیند.

### بخش بیست و یکم

### کراهت زیاد خوردن و شکمبارگی

۱- راوی گوید: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سخنی فرمود: به زودی پس از من سنتی خواهد بود که مؤمن در یک معده غذا خواهد خورد و کافر در هفت معده.

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پرخوری و شکمبارگی مکروه است.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

بُسَّ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ قَلْبٌ نَخِيبٌ وَ بَطْنٌ رَغِيبٌ وَ نَعْظٌ شَدِيدٌ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْعَى مِنْ أَكْلِهِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ إِذَا حَفَّ بَطْنُهُ وَ أَنْبَعُصُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَبْدًا إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ جُوعاً فِي الْآخِرَةِ.  
أَوْ قَالَ: يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

چه یاران بدی هستند علیه دین! قلب بد دل، شکم پر خور و نعوظ شدید.

۴- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

ای ابا محمد! شکم در اثر خوراک فراوان به طغیان و سرکشی بر می خیزد. نزدیک‌ترین لحظاتی که انسان به خداوند تقرب حاصل می‌کند هنگامی است که شکم او سبک باشد و دورترین لحظات او از خداوند هنگامی است که شکم او سنگین باشد.

۵- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ابوذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گوید: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

سیرترین شما در دنیا گرسنه‌ترین شما در جهان آخرت است.

- ۶- وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
 إِذَا تَجَشَّأْتُمْ فَلَا تَرْفَعُوا جُشَاءَكُمْ.
- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ  
 عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ يُورِثُ الْبَرَصَ.
- ۸- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ ابْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 كُلُّ دَاءٍ مِنَ التُّخْمَةِ مَا خَلَا الْحُمَى، فَإِنَّهَا تَرِدُ وَرُودًا.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ صَالِحِ النَّبِيلِيِّ عَنْ  
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ الْأَكْلِ.

- 
- ۶- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:  
 به هنگام آروغ زدن، رو به آسمان آروغ نزنید.
- ۷- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خوردن بر روی سیری بیماری «برص»  
 را در پی دارد.
- ۸- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 هر بیماری از ناگواری است جز تب؛ که به طرز خاصی عارض می شود.
- ۹- صالح نیلی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
 به راستی که خداوند متعال پرخوری را دشمن می دارد.

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ لِابْنِ آدَمَ بُدٌّ مِنْ أَكْلَةِ يَتِيمٍ بِهَا صَلْبُهُ فَإِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَجْعَلْ ثُلُثَ بَطْنِهِ لِلطَّعَامِ وَثُلُثَ بَطْنِهِ لِلشَّرَابِ وَثُلُثَ بَطْنِهِ لِلنَّفْسِ وَلَا تَسَمُّنُوا تَسْمُنَ الْخَنَازِيرَ لِلذَّبْحِ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَغَى.

۱۱- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ ﷻ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ.

و فرمود: آدمیزاد ناچار است که غذایی بخورد که به وسیله آن کمرش استوار گردد. پس هرگاه یکی از شما غذایی می خورد، یک سوم شکم خود را برای غذا قرار دهد، یک سوم آن را برای آشامیدن و یک سوم آن را برای نفس کشیدن.

۱۰- ابو عبیده گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه شکم سیر شود، طغیان می کند.

۱۱- ابو جارود گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هیچ چیز نزد خداوند مبعوض تر از شکم پر نیست.

(۲۲)

**بَابُ مَنْ مَشَىٰ إِلَىٰ طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ فَلَا يَسْتَتِبِعَنَّ وَلَدَهُ، فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ أَكَلَ حَرَامًا وَدَخَلَ غَاصِبًا.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ خَالِهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا أَكَلَ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ.

**بخش بیست و دوم****حکم کسی که برای صرف غذایی می رود که دعوت نشده است**

- ۱ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما برای صرف غذایی دعوت شدید، فرزند خود را همراه نبرید؛ چرا که او بدون دعوت بوده و از روی حرام خورده و از روی غضب وارد شده است.
- ۲ - دایی حسین بن احمد متقزی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس غذایی را بخورد که به آن فراخوانده نشده است، همانا تکه ای از آتش خورده است.

(۲۳)

## بَابُ الْأَكْلِ مُتَّكِنًا

- ۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِنًا مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ رَبَّهُ إِلَّا إِلَى أَنْ قَبَضَهُ، وَكَانَ يَأْكُلُ إِكْلَةَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ.  
قُلْتُ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟  
قَالَ: تَوَاضَعًا لِلَّهِ رَبِّكَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقِيلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

## بخش بیست و سوم

## خوردن غذا در حال نشسته

- ۱ - زید شحام گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از هنگامی که خداوند او را برانگیخت تا هنگامی که قبض روح شد، با حالت تکیه داده غذا تناول نفرمود. آن بزرگوار مانند بردگان غذا می خورد و به سان آنان می نشست.  
زید گوید: عرض کردم: چرا چنین می نمود؟  
فرمود: به جهت تواضع و فروتنی نسبت به خداوند رَبِّكَ.  
۲ - حسن صیقل گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

مَرَّتِ امْرَأَةٌ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يَأْكُلُ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى الْحَضِيضِ فَقَالَتْ:  
 يَا مُحَمَّدُ! إِنَّكَ لَتَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَتَجْلِسُ جُلُوسَهُ.  
 فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي عَبْدٌ وَأَيُّ عَبْدٍ أَعْبُدُ مِنِّي.  
 قَالَتْ: فَنَاوِلْنِي لُقْمَةً مِنْ طَعَامِكَ.  
 فَنَاوَلَهَا فَقَالَتْ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا الَّذِي فِيكَ.  
 فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللُقْمَةَ مِنْ فِيهِ فَنَاوَلَهَا فَأَكَلَتْهَا.  
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: فَمَا أَصَابَهَا بَدَاءٌ حَتَّى فَارَقَتْ الدُّنْيَا.

رسول خدا ﷺ بر روی زمین نشسته بود و غذا تناول می کرد. زنی بد زبان و یاوه گو از کنار آن حضرت گذشت و گفت: ای محمد! می بینم به سان بندگان لقمه برمی داری و مانند بندگان بر سر غذا نشسته ای؟!

رسول خدا ﷺ فرمود: من بنده خدا هستم. کدام بنده، بنده تر از من است؟

آن زن گفت: یک لقمه از خوراکت را به من بده.

رسول خدا ﷺ یک لقمه از خوراک خود را به او تقدیم کرد.

آن زن گفت: نه، به خدا، من همان لقمه دهانت را می خواهم.

رسول خدا ﷺ لقمه را از دهانش بر آورد و به آن زن مرحمت نمود و او میل کرد.

امام صادق ع فرمود: از آن روز، دیگر آن زن زبان خود را به سخنان زشت و رکیک

نیالود تا زمانی که از دنیا رفت.



۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ  
عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَعْلَمُ أَنَّهُ عَبْدٌ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ  
قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ مُتَّكِنًا.

فَقَالَ: لَا وَ لَا مُنْبَطِحًا.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ عَنْ  
الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

۳- هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله همواره مانند بردگان غذا می‌خورد، مانند بردگان می‌نشست و می‌دانست که بنده‌ای بیش نیست.

۴- سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: روا است که انسان به پشتی تکیه دهد و

غذا بخورد؟

فرمود: نه، و نه خود را بر روی سفره پهن کند.

۵- فضیل بن یسار گوید:

كَانَ عَبَادُ الْبَصْرِيِّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ فَوْضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ عَلَى الْأَرْضِ، فَقَالَ لَهُ عَبَادٌ: أَضَلَّكَ اللَّهُ! أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنْ هَذَا؟! فَرَفَعَ يَدَهُ فَأَكَلَ ثُمَّ أَعَادَهَا أَيْضًا فَقَالَ لَهُ أَيْضًا فَرَفَعَهَا ثُمَّ أَكَلَ فَأَعَادَهَا فَقَالَ لَهُ عَبَادٌ أَيْضًا.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَاللَّهِ مَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ هَذَا قَطُّ.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدِ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ عَلَى الْحَضِيضِ وَ يَنَامُ عَلَى الْحَضِيضِ

روزی عباد بصری بر سر سفره‌ای با امام صادق علیه السلام غذا می‌خورد. امام صادق علیه السلام دست چپ را بر زمین نهاد و به یک جانب متمایل شد. عباد گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! آیا ندانسته‌ای که رسول خدا ﷺ از این حالت منع فرموده است؟! امام صادق علیه السلام، دست خود را از زمین برداشت و به تناول غذا پرداخت، ولی از نو دست چپ را بر زمین نهاد. باز عباد بصری اعتراض خود را تجدید کرد. امام صادق علیه السلام در مرتبه سوم فرمود: نه. به خدا سوگند! هرگز! رسول خدا ﷺ از این حالت منع نکرده است.

۶- جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا ﷺ مانند بردگان غذا می‌خورد و مانند بردگان می‌نشست. آن حضرت روی مکان کم ارزشی می‌نشست و روی آن می‌خوابید.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: سَأَلَ بَشِيرُ الدَّهَّانُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَأْكُلُ مُتَّكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَعَلَى يَسَارِهِ؟  
فَقَالَ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَأْكُلُ مُتَّكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَلَا عَلَى يَسَارِهِ، وَلَكِنْ كَانَ يَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ.  
قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟  
قَالَ: تَوَاضَعًا لِلَّهِ تعالى.

۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
مَا أَكَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَهُوَ مُتَّكِيٌّ مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ تعالى وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالْمُلُوكِ،  
وَنَحْنُ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَفْعَلَ.

۷- ابو خديجه گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم، بشیر دهنان پرسید: آیا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به هنگام غذا خوردن به دست راست و چپ خود تکیه می‌کرد؟  
فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در حال غذا خوردن به دست راست و چپ خویش تکیه نمی‌داد؛ بلکه آن حضرت مانند بردگان می‌نشست.  
عرض کردم: چرا چنین بود؟  
فرمود: به جهت تواضع و فروتنی که نسبت به خداوند متعال داشت.

۸- معلی بن حنیس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از هنگامی که خداوند او را مبعوث نمود به حالت تکیه داده غذا تناول نفرمود و حضرت صلى الله عليه وآله کراهت داشت که شبیه پادشاهان باشد، ولی ما نمی‌توانیم چنین باشیم.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ بْنِ أَبِي شُعْبَةَ قَالَ:

أَخْبَرَنِي ابْنُ أَبِي أَيُّوبَ: أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مُتْرَبَعًا.  
قَالَ: وَرَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ مُتَّكِنًا.  
قَالَ: وَقَالَ: مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُتَّكِنٌ قَطُّ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَلَا يَضَعَنَّ أَحَدُكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى وَلَا يَتْرَبَّعَ فَإِنَّهَا جِلْسَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَمْتَقُ صَاحِبَهَا.

۹- حلبی بن ابی شعبه گوید: ابن ابی ایوب به من گفت: که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به حالت چهارزانو غذا تناول می نماید.

حلبی گوید: من امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدم که به حالت تکیه داده غذا تناول می نماید. و فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ گاه به حالت تکیه داده غذا تناول نفرمود.

۱۰- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه یکی از شما کنار سفره غذایی بنشیند، مانند بردگان بنشیند و یکی از پاهایش را روی پای دیگری نگذارد و چهارزانو نیز ننشیند؛ زیرا خدا چنین نشستنی را ونیز آن شخص را دشمن می دارد.

(۲۴)

## بَابُ الْأَكْلِ بِالْيَسَارِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْكُلَ بِشِمَالِهِ أَوْ يَشْرَبَ بِهَا أَوْ يَتَنَاوَلَ بِهَا.
- ۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَأْكُلْ بِالْيَسَارِ وَأَنْتَ تَسْتَطِيعُ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ أَوْ يَشْرَبُ بِهَا. فَقَالَ: لَا يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَ لَا يَشْرَبُ بِشِمَالِهِ وَ لَا يَتَنَاوَلَ بِهَا شَيْئًا.

## بخش بیست و چهارم

## خوردن غذا با دست چپ

- ۱- جِرَّاحِ مَدَائِنِي گويد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ كراهت داشت كه انسان با دست چپ غذا بخورد و با دست چپ بياشامد و با دست چپ بگيرد.
- ۲- ابوبصير گويد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:  
با دست چپ غذا نخور! در حالي كه مي تواني با آن دست نخوري.
- ۳- سماعه گويد: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسيدم: آيا انسان مي تواند با دست چپ غذا بخورد يا بياشامد؟  
فرمود: انسان نبايد با دست چپ غذا بخورد و آب بياشامد و چيزي بردارد.

(۲۵)

## بَابُ الْأَكْلِ مَا شَبِهُهُ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ الْعَدَاةِ وَمَعَهُ كِسْرَةٌ قَدْ غَمَسَهَا فِي اللَّبَنِ وَهُوَ يَأْكُلُ وَيَمْشِي وَبِلَالٌ يُقِيمُ الصَّلَاةَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَمْشِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَفْعَلُ ذَلِكَ .

## بخش بیست و پنجم

## حکم خوردن در حال راه رفتن

- ۱ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: روزی پیامبر خدا ﷺ پیش از صبح از خانه خارج شد، پاره نان شیرمالی به همراه داشت که راه می‌رفت و آن پاره نان را تناول می‌نمود، بلال اقامه نماز می‌گفت، آن گاه حضرتش ﷺ با مردم نماز خواند.
- ۲ - عبدالرحمان عزمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: ایرادی ندارد که انسان در حال راه رفتن غذا بخورد؛ چرا که گاهی پیامبر خدا ﷺ چنین غذا میل می‌نمود.

(۲۶)

**بَابُ اجْتِمَاعِ الْأَيْدِي عَلَى الطَّعَامِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

طَعَامُ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ وَ طَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَ طَعَامُ الثَّلَاثَةِ يَكْفِي الْأَرْبَعَةَ .

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الطَّعَامُ إِذَا جَمَعَ أَرْبَعٌ خِصَالٍ فَقَدْ تَمَّ إِذَا كَانَ مِنْ حَلَالٍ وَ كَثُرَتْ الْأَيْدِي وَ سُمِّيَ فِي أَوَّلِهِ وَ حَمِدَ اللَّهُ وَجَّكَ فِي آخِرِهِ .

**بخش بیست و ششم****غذا خوردن دسته جمعی**

۱ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: غذای یک نفر، برای دو نفر کفایت می‌کند، غذای دو نفر برای سه نفر کفایت می‌کند و غذای سه نفر برای چهار نفر کفایت می‌کند.

۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه غذایی چهار ویژگی داشته باشد غذای کاملی است: از راه حلال تهیه شود، دست‌های فراوان به خوردن آن مشغول شوند، در آغاز آن «بسم الله» گفته شود و در پایان آن خداوند متعال ستایش شود.

(۲۷)

**بَابُ حُرْمَةِ الطَّعَامِ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَا عَذَّبَ اللَّهُ قَوْمًا قَطُّ وَهُمْ يَأْكُلُونَ، وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَرْزُقَهُمْ شَيْئًا ثُمَّ يُعَذِّبُهُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنْهُ.

(۲۸)

**بَابُ إِجَابَةِ دَعْوَةِ الْمُسْلِمِ**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

**بخش بیست و هفتم****احترام غذا**

۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خداوند هیچ قومی را در حال غذا خوردن عذاب نفرمود؛ چرا که حق تعالی گرامی تر از آن است که چیزی به آنان روزی کند سپس بر همان روزی، آنان را عذاب نماید تا این که از آن دست بکشند.

**بخش بیست و هشتم****پذیرش دعوت مسلمانان**

۱- ابراهیم کرخی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:



لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا دَعَانِي إِلَى طَعَامِ ذِرَاعِ شَاةٍ لَأَجِبْتُهُ وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّ مُشْرِكًا أَوْ مُنَافِقًا دَعَانِي إِلَى طَعَامِ جَزُورٍ مَا أَجِبْتُهُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ أَبِي اللَّهِ ﷺ لِي زَيْدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يُجِيبَهُ إِذَا دَعَاهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

إِنَّ مِنَ الْحُقُوقِ الْوَاجِبَاتِ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ تُجَابَ دَعْوَتُهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَ الْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَ لَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ.

اگر بنده مؤمنی پاچه گوسفندی را بیزد و مرا به ناهار خود فرا خواند، دعوت او را می پذیرم، و آیین خدا همین است. و اگر مشرک یا منافقی شتری فریه کباب کند و مرا به غذای خود دعوت کند، دعوت او را نمی پذیرم و آیین خدا همین است. خداوند ﷻ منع کرد که من هدیه شرک ورزان و منافقان را بپذیرم و دعوت آنان را اجابت کنم.

۲- اسحاق بن یزید گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

از حقوق یک مسلمان بر مسلمانان دیگر این است که دعوت او را بپذیرد.

۳- معلی بن خنیس گوید: امام صادق ﷺ فرمود: از حقوق لازم مؤمن این است که دعوتش پذیرفته شود.

۴- جابر گوید: امام باقر ﷺ فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

به حاضر و غایب ائمتم سفارش می کنم که دعوت مسلمان را قبول کند؛ گرچه دعوت به فاصله پنج میل باشد؛ زیرا این از آیین است.

- ۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ الْوَاجِبِ عَلَيَّ أَخِيهِ إِجَابَةَ دَعْوَتِهِ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَجِبْ فِي الْوَلِيمَةِ وَالْخِتَانِ وَلَا تُجِبْ فِي خَفْضِ الْجَوَارِي.

(۲۹)

**بَابُ الْعَرَضِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاشَانِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ سُلَيْمَانَ بْنِ مُقَاتِلٍ الْمَدِينِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ:

۵ - معلى بن خنيس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

از حقوق لازم مسلمان نسبت به برادران ایمانی خود پذیرفتن دعوت اوست.

۶ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

دعوت به ولیمه و ختنه سوران را بپذیر؛ ولی ختنه سوران دختران را نپذیر.

**بخش بیست و نهم****تعارف کردن غذا**

۱ - عبدالله بن محمد جعفری گوید:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي بَعْضِ مَعَاذِرِهِ فَمَرَّ بِهِ رَكْبٌ وَهُوَ يُصَلِّي فَوَقُّوا عَلَيَّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَسَاءَ لَوْ هُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَدَعَا وَاتُّنُوا وَقَالُوا: لَوْ لَا أَنَا عَجَالٌ لَأْتَمَطْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَقْرَأُوهُ مِنَّا السَّلَامَ وَ مَضَوْا.

فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُغْضَبًا ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: يَقِفْ عَلَيْكُمْ الرِّكْبُ وَ يَسْأَلُونَكُمْ عَنِّي وَ يُبَلِّغُونِي السَّلَامَ وَ لَا تَعْرِضُونَ عَلَيْهِمُ الْعِدَاءَ لِيَعِزُّ عَلَيَّ قَوْمٌ فِيهِمْ خَلِيلِي جَعْفَرٌ أَنْ يَجُوزُوهُ حَتَّى يَتَغَدَّوْا عِنْدَهُ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عِدَّةٍ رَفَعُوهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ فَاعْرِضْ عَلَيْهِ الطَّعَامَ، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْ فَاعْرِضْ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَإِنْ لَمْ يَشْرَبْ فَاعْرِضْ عَلَيْهِ الْوَضُوءَ.

پیامبر خدا ﷺ در یکی از مکان‌هایی که در آن جنگی رخ داد، تشریف داشت. گروهی سواره به ایشان عبور کردند در حالی که ایشان مشغول نماز بود. آنان نزد اصحاب توقف نمودند و از آنان درباره پیامبر خدا ﷺ سؤال کردند و بر حضرت ﷺ دعا و ثنا نمودند و گفتند: «اگر عجله نداشتیم، منتظر پیامبر خدا ﷺ می‌ماندیم. پس سلام ما را به ایشان برسانید» و رفتند.

پس پیامبر ﷺ با خشم به اصحاب فرمود: سواره‌ها نزد شما توقف می‌کنند و درباره من از شما می‌پرسند و به من سلام می‌رسانند و شما آن‌ها را برای صبحانه دعوت نمی‌کنید؟! سخت است بر گروهی که دوست من جعفر طیار در میان آنان است که گروهی از نزد او عبور کنند مگر آن که نزد او صبحانه بخورند.

۲- راوی گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هنگامی که برادر ایمانی بر تو وارد شد، بر او غذا تعارف کن. پس اگر نخورد، آب تعارف کن. پس اگر نیاشامید، بر او آب وضو تعارف کن.

(۳۰)

**بَابُ اُنْسِ الرَّجُلِ فِي مَنْزِلِ اَخِيهِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ اَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَكَرَّمَهُ الرَّجُلُ لِاَخِيهِ اَنْ يَقْبَلَ تُحَفَّتَهُ وَ اَنْ يُتَحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ وَ لَا يَتَكَلَّفَ لَهُ شَيْئاً.
- وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اِنِّي لَا اُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ اَبِيهِ عَنِ ابْنِ اَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اَلْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ اَخِيهِ وَ لَا يُدْرِي اَيُّهُمَا اَعْجَبُ الَّذِي يُكَلِّفُ اَخَاهُ اِذَا دَخَلَ اَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ اَوْ اَلْمُتَكَلِّفُ لِاَخِيهِ.

**بخش سیام****اُنْسِ اِنْسَانِ دَرِ خَانِهٖ بَرَادَرِش**

- ۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از گرامی داشت انسان نسبت به برادر ایمانی این است که هدیه او را بپذیرد، و آن چه که دارد به او هدیه کند و او را برای تهیه چیزی به زحمت نیندازد. و فرمود: من کسانی را که دیگران را به زحمت می اندازند دوست نمی دارم.
- ۲ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن نباید از برادر ایمانی خود، رودریاستی کند، انسان نمی داند که از میهمان به شگفت آید یا از میزبان؟! میهمانی که میزبان خود را به زحمت و سختی وامی دارد، یا میزبانی که زحمت پذیرای از میهمان خود را متحمل می شود.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ: جَاءَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ فَقَالَ: هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ فَبَعَثْتُ ابْنِي فَأَعْطَيْتُهُ دِرْهَمًا يَشْتَرِي بِهِ لَحْمًا وَبَيْضًا. فَقَالَ لِي: أَيْنَ أُرْسَلْتَ ابْنُكَ؟ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: رُدَّهُ رُدَّهُ عِنْدَكَ زَيْتٌ. قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ هَاتِيه فَاِنِّي سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: هَلَاكَ امْرُؤٌ اَحْتَقَرَ لِاَخِيهِ مَا يَحْضُرُهُ وَ هَلَاكَ امْرُؤٌ اَحْتَقَرَ لِاَخِيهِ مَا قَدَّمَ اِلَيْهِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَّازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَمَّنْ رَفَعَهُ إِلَيْهِ قَالَ: إِنَّ حَارِثًا الْأَعْوَرَ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَحَبُّ أَنْ تُكْرِمَنِي بِأَنْ تَأْكُلَ عِنْدِي.

۳ - صفوان بن یحیی گوید: روزی عبدالله بن سنان نزد من آمد و گفت: غذایی دارید؟ گفتم: آری. یک درهم به فرزندم دادم و گفتم که گوشت و تخم مرغ خریداری کند. عبدالله به من گفت: پسرت را کجا فرستادی؟ گفتم: پسرم را برای خرید فرستادم. عبدالله گفت: او را برگردان، او را برگردان. آیا روغن زیتون داری؟ گفتم: آری.

عبدالله گفت: همان را بیاور، چرا که من از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: هلاک شد میزبانی که حضری خانه را برای میهمانش ناچیز شمرد و هلاک شد میهمانی که حضری میزبانش را برای پذیرایی لایق ندانست.

۴ - راوی گوید: حارث اعور نزد امیرمؤمنان علی عليه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! من دوست دارم مرا اکرام کنی به این که نزد من غذا تناول فرمایی!

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: عَلَيَّ أَنْ لَا تَتَكَلَّفَ لِي شَيْئًا وَ دَخَلَ فَأَتَاهُ الْحَارِثُ بِكِسْرَةٍ فَجَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَأْكُلُ .

فَقَالَ لَهُ الْحَارِثُ: إِنَّ مَعِيَ دَرَاهِمَ وَأَظْهَرَهَا فَإِذَا هِيَ فِي كُمَّهِ، فَإِنْ أَذِنْتَ لِي اشْتَرَيْتَ لَكَ شَيْئًا غَيْرَهَا.

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: هَذِهِ مِمَّا فِي بَيْتِكَ .

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُهْلِكُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ أَنْ يَسْتَقِلَّ مَا عِنْدَهُ لِلضَّيْفِ .

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَتَاكَ أَحْوَكُ فَأْتِهِ بِمَا عِنْدَكَ وَإِذَا دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ .

حضرت عليه السلام به او فرمود: با این شرط که حاضری خانهات را بیاوری و به خاطر من خود را به زحمت نیندازی.

حضرت وارد خانه حارث شد، حارث پاره نانی آورد، امیرمؤمنان عليه السلام شروع به خوردن نمود.

حارث به ایشان عرض کرد: همراه من درهم هایی است - و درهمها را نشان داد که در آستینش بود - اگر به من اجازه دهی، چیزی غیر از این پاره نان برای شما خریداری کنم. حضرت عليه السلام به او فرمود: این درهمها نیز جزو چیزهایی است که در خانهات موجود دارد. ۵ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

میزبان مسلمانی که حاضری خانه را لایق مهمان نداند، راه هلاکت و نابودی را طی می کند.

۶ - هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر برادر دینی تو ناخوانده وارد شد، با حاضری خانهات از او پذیرایی کن و اگر او را به شام و نهار دعوت کردی، وسایل پذیرایی را از خارج منزل آماده کن.

(۳۱)

## بَابُ أَكْلِ الرَّجُلِ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بِيوتِكُمْ أَوْ بِيوتِ آبَائِكُمْ﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. قُلْتُ: مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ أَوْ صَدِيقِكُمْ.

قَالَ: هُوَ وَاللَّهُ الرَّجُلُ يَدْخُلُ بَيْتَ صَدِيقِهِ فَيَأْكُلُ بِغَيْرِ إِذْنِهِ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عز وجل: ﴿أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ﴾.

## بخش سی و یکم

## حکم خوردن غذا در خانه برادر ایمانی بدون اجازه او

۱- محمد حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: خداوند عز وجل می‌فرماید: «بر نابینایان، معلولان و بیماران باکی نیست که خانه شما را خانه خود بدانند و نه بر خودتان که نان و خورش خانه خود تناول کنید و یا از نان و خورش خانه پدرانتان، یا خانه مادر انتان...» پرسیدم: منظور از خانه دوستان چیست؟

فرمود: به خدا سوگند! همین است که انسان وارد خانه دوست خود می‌شود و بعد بی اجازه از نان و خورش او تناول می‌کند.

۲- زراره گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد گفته خداوند متعال که می‌فرماید: «و هر خانه‌ای که کلیدهای آن در اختیار شما باشد و یا خانه دوستانتان» پرسیدم؟

قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ سَمَى اللَّهُ ﷻ فِي هَذِهِ الْآيَةِ تَأْكُلُ بِغَيْرِ إِذْنِهِمْ مِنَ التَّمْرِ وَ الْمَادُومِ وَ كَذَلِكَ تَطْعَمُ الْمَرْأَةُ مِنْ مَنْزِلِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَأَمَّا مَا خَلَا ذَلِكَ مِنَ الطَّعَامِ فَلَا.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَأْكُلَ وَ أَنْ تَتَّصِدَّقَ وَ لِلصَّادِقِ أَنْ يَأْكُلَ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ وَ يَتَّصِدَّقَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ» الْآيَةَ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمْتَ أَوْ أَكَلْتَ مِمَّا مَلَكَتْ مَفَاتِحَهُ مَا لَمْ تُفْسِدْهُ.

فرمود: در خانه تمام این نامبردگان در آیه می توانی بی اجازه از خرما و خورش آنان تناول کنی. زن ها نیز می توانند بی اجازه همسرانشان تناول کنند. در این خانه ها فقط خوراکی آن مباح شده است، نه چیز دیگر.

۳ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زن این حق را دارد که در خانه شوهرش غذا بخورد و صدقه دهد و دوست این حق را دارد که در منزل برادرش غذا بخورد و صدقه دهد.

۴ - زراره گوید: از امام (باقر عليه السلام و یا امام صادق عليه السلام) در مورد این آیه پرسیدم که می فرماید: «بر نابینایان، معلولان و بیماران باکی نیست و نه بر خودتان که از خانه خود بخورید و بنوشید و یا از خانه پدرانتان و یا مادرانتان...»

فرمود: بر تو باکی نیست که از این خانه ها و هر خانه ای که کلید آن را داری، غذا بخوری و بیاشامی، مادامی که چیزی را فاسد و تباهی نسازی.



۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكَ: ﴿أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ﴾ .

قَالَ: الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ وَكَيْلٌ يَقُومُ فِي مَالِهِ فَيَأْكُلُ بَعْضَ إِذْنِهِ

(۳۲)

### بَابُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: دَخَلْنَا مَعَ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ فَدَعَا بِالْغَدَاءِ فَتَغَدَّيْنَا وَتَغَدَّى مَعَنَا وَكُنْتُ أَحَدَ الْقَوْمِ سِنًّا فَجَعَلْتُ أَقْصِرُ وَأَنَا أَكُلُ .  
فَقَالَ لِي: كُلْ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ تُعْرَفُ مَوَدَّةُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِهِ .

۵- راوی گوید:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند که می فرماید: «و خانه هایی که کلید آنها در اختیار شماست».

فرمود: منظور وکیلی است که به اموال او رسیدگی می کند. این وکیل می تواند بدون اجازه شخص در خانه او غذا بخورد.

### بخش سی و دوم

#### [ چند روایت نکته دار ]

۱- هشام بن سالم گوید: ما با گروهی به خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب شدیم، حضرتش ما را به سفره های صبحانه فرا خواند، آن حضرت همراه ابن ابی یعفور با ما بر سر سفره صبحانه بود. من از همه کم سال تر بودم و از خوردن صبحانه کوتاه می آمدم. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود: بخور. مگر نمی دانی که مقدار دوستی و محبت انسان در خانه دوست خود با خوردن غذا معلوم می شود؟

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: أَكَلْنَا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَوْتَيْنَا بِقِصْعَةٍ مِنْ أُرْزٍ فَجَعَلْنَا نُعَذِّرُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا صَنَعْتُمْ شَيْئًا إِنَّ أَشَدَّكُمْ حُبًّا لَنَا أَحْسَنُكُمْ أَكْلًا عِنْدَنَا.

قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَانَ: فَرَفَعْتُ كُسْحَةَ الْمَائِدَةِ فَأَكَلْتُ.

فَقَالَ: نَعَمْ الْآنَ وَ أَنْشَأَ يُحَدِّثُنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْدَى إِلَيْهِ قِصْعَةَ أُرْزٍ مِنْ نَاحِيَةِ الْأَنْصَارِ فَدَعَا سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادَ وَ أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَجَعَلُوا يُعَذِّرُونَ فِي الْأَكْلِ.

فَقَالَ: مَا صَنَعْتُمْ شَيْئًا أَشَدَّكُمْ حُبًّا لَنَا أَحْسَنُكُمْ أَكْلًا عِنْدَنَا فَجَعَلُوا يَأْكُلُونَ أَكْلًا جَيِّدًا.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَحِمَهُمُ اللَّهُ وَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ.

۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: همراه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ غذا می خوردیم، برای ما بشقاب برنجی آوردند. از خوردن آن عذر خواستیم.  
امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چه کار می کنید؟! همانا علاقه مندترین شما به ما، کسی است که در نزد ما غذا می خورد.  
عبدالرحمان می گوید: من خوردم و حتی ریزه هایی را که از سفره افتاده بود برداشتم و خوردم.

پس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آری! الآن شد!

آن گاه حضرتش بر ما حدیث خواند که روزی بشقاب برنجی به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جانب انصار هدیه شد؛ پس آن حضرت سلمان، مقداد و ابوذر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ را دعوت نمود. پس آنان از خوردن عذر خواستند.

پس پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چه کار می کنید؟! علاقه مندترین شما به ما کسی است که در نزد ما غذا می خورد.

پس آنان بسیار خوب و نیکو غذا را خوردند.

آن گاه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند آنان (سلمان، ابوذر و مقداد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ) را رحمت کند و از آنان راضی باشد و بر آنان درود فرستد!

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَيْسَى بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ قَالَ: أَكَلْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَجَعَلَ يُلْقِي بَيْنَ يَدَيَّ الشُّوَاءَ.

ثُمَّ قَالَ: يَا عَيْسَى! إِنَّهُ يُقَالُ اعْتَبِرْ حُبَّ الرَّجُلِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِ أَخِيهِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَدَّمْ إِلَيْنَا طَعَاماً فِيهِ شِوَاءٌ وَأَشْيَاءٌ بَعْدَهُ ثُمَّ جَاءَ بِقِصْعَةٍ فِيهَا أَرْزٌ فَأَكَلْتُ مَعَهُ.

فَقَالَ: كُلْ.

قُلْتُ: قَدْ أَكَلْتُ.

فَقَالَ: كُلْ، فَإِنَّهُ يُعْتَبَرُ حُبُّ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِأَنْبِسَاتِهِ فِي طَعَامِهِ ثُمَّ حَازَ لِي حَوْزاً بِإِضْبَعِهِ مِنَ الْقِصْعَةِ فَقَالَ لِي: لَنَا كُلُّنَا ذَا بَعْدَ مَا قَدْ أَكَلْتُ فَأَكَلْتُهُ.

۳- عیسی بن ابی منصور گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام غذا می خوردیم. حضرتش یکی پس از دیگری قطعات کباب را در ظرف من می انداخت. آن گاه می فرمود: ای عیسی! در عهد سابق گفته می شد که میزان دوستی اشخاص به این است که در خانه یکدیگر غذا میل کنند.

۴- عبدالله بن سلیمان صیرفی گوید:

من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم، امام عليه السلام برای ما غذایی آوردند که در آن گوشت بریان و چیزهای دیگری بود. سپس ظرف پلویی. من همراه ایشان غذا خوردم. پس فرمود: بخور!

عرض کردم: خوردم.

فرمود: بخور، زیرا دوستی شخص به برادرش، به گشایش در غذایش امتحان می شود. سپس با انگشت خود مقداری از برنج داخل ظرف را برایم جمع کرد و به من فرمود: علاوه بر آن غذایی که خورده‌ای، باید این مقدار را نیز بخوری. پس من آن مقدار را تناول کردم.

۵- أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَنبَسَةُ بْنُ مُصْعَبٍ قَالَ: أَتَيْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى مَكَّةَ فَأَمَرَ بِسُفْرَةٍ فَوُضِعَتْ بَيْنَ أَيْدِينَا.

فَقَالَ: كُلُوا، فَأَكَلْنَا.

فَقَالَ: أَنْبَتُمْ أَنْبَتَكُمْ إِنَّهُ كَانَ يُقَالُ: اِعْتَبِرْ حُبَّ الْقَوْمِ بِأَكْلِهِمْ.

قَالَ: فَأَكَلْنَا وَ قَدْ ذَهَبَتِ الْحِشْمَةُ.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ قَالَ: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِطَعَامٍ فَأُتِيَ بِهِ رَيْسَةً. فَقَالَ لَنَا: ادْثُوا فَكُلُوا. قَالَ: فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ يَفْضُرُونَ.

۵- عنبسه بن مصعب گوید: ما به خدمت امام صادق عليه السلام رسیدیم آن حضرت عازم مکه بود، فرمود تا سفره‌ای در برابر ما نهادند. حضرتش فرمود: تناول کنید. ما تناول کردیم.

فرمود: دوستی و مهر خود را اثبات کردید از دیر باز گفته می‌شد که میزان دوستی اشخاص به این است که از غذای دوست بخورند.

با این سخن، ما به خوردن مشغول شدیم و رودربایستی از میان رفت.

۶- ابوریع گوید: امام صادق عليه السلام غذایی درخواست نمود. برای ایشان حلیم آوردند.

پس به ما فرمود: نزدیک بیایید و بخورید!

پس مردم شروع به عذر خواستن کردند.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُوا فَإِنَّمَا يَسْتَبِينُ مَوَدَّةُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ فِي أَكْلِهِ عِنْدَهُ.  
قَالَ: فَأَقْبَلْنَا نُغْصُّ أَنْفُسَنَا كَمَا نَعْصُ الْأَيْلُ.

(۳۳)

### بَابُ آخِرُ فِي التَّقْدِيرِ وَأَنَّ الطَّعَامَ لَا حِسَابَ لَهُ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ  
عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:  
كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبِّمَا أَطْعَمَنَا الْفَرَانِيَّ وَ الْأَخْبِصَةَ ثُمَّ يُطْعِمُ الْخُبْزَ وَ الزَّيْتَ،  
فَقِيلَ لَهُ: لَوْ دَبَّرْتَ أَمْرَكَ حَتَّى تَعْتَدِلَ.  
فَقَالَ: إِنَّمَا نَتَدَبَّرُ بِأَمْرِ اللَّهِ ﷻ فَإِذَا وَسَّعَ عَلَيْنَا وَ سَعْنَا وَإِذَا قَتَّرَ عَلَيْنَا قَتَّرْنَا.  
۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ  
الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

امام عليه السلام فرمود: بخورید که همانا دوستی شخص به برادرش، در غذا خوردن نزد  
برادرش مشخص می‌شود.  
ابوربیع گوید: پس ما پیش آمدیم و شروع به خوردن نمودیم به حدی که نفس مان بند  
آمد؛ همان طور که نفس شتر بند می‌آید.

### بخش سی و سوم تدبیر در خوراکی

- ۱ - یکی از اصحاب ما گوید:  
گاهی امام صادق عليه السلام به ما فرنی اخبصه آن گاه نان و زیتون اطعام می‌فرمود.  
گفته شد: اگر در کارتان تدبیر می‌فرمودید تا تعادلی برقرار می‌شد.  
فرمود: ما فقط به فرمان خدا تدبیر می‌نماییم، هرگاه به ما توسعه داد ما توسعه می‌دهیم  
و اگر تنگ گرفت ما تنگ می‌گیریم.  
۲ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا يُحَاسِبُ عَلَيْهِنَّ الْمُؤْمِنُ: طَعَامٌ يَأْكُلُهُ وَ ثَوْبٌ يَلْبَسُهُ وَ زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعَاوَنُهُ وَ يُحْصِنُ بِهَا فَرْجَهُ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً، فَدَعَا بِطَعَامٍ مَا لَنَا عَنْهُدُ بِمِثْلِهِ لَذَاذَةً وَ طَيِّبًا وَ أَوْتِينَا بِتَمْرٍ نَنْظُرُ فِيهِ إِلَى وَجُوهِنَا مِنْ صَفَائِهِ وَ حُسْنِهِ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَتَسْأَلَنَّ عَنْ هَذَا التَّعِيمِ الَّذِي نَعْمَتُمْ بِهِ عِنْدَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ وَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَامًا فَيَسْؤَ غَكْمُوهُ ثُمَّ يَسْأَلَكُمْ عَنْهُ وَ لَكِنْ يَسْأَلُكُمْ عَمَّا أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَيْهِمُ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرَفٌ.

برای مؤمن سه چیز بازخواست نمی شود: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد و همسر شایسته ای با او همکاری می کند.

۳ - ابو حمزه گوید: ما در خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم، ما را سر سفره ای فراخواند که لذیذتر و خوشمزه تر از آن نخورده بودیم، آن گاه خرماي پاکیزه و زیبایی آورد. یکی از آن ها گفت: آیا از این نعمت که در خدمت پسر پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ میل کردیم بازخواست خواهیم شد؟

فرمود: خداوند بزرگوارتر از آن است که به شما غذایی دهد آن گاه بازخواست نماید؛ ولی از شما از نعمت محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که به شما عطا کرده، بازخواست خواهد کرد. ۴ - شهاب بن عبد ربه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در غذا اسراف نیست.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابِلِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَدَعَا بِالْعَدَاءِ فَأَكَلْتُ مَعَهُ طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا قَطُّ أَنْظَفَ مِنْهُ وَلَا أَطْيَبَ، فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الطَّعَامِ قَالَ: يَا أَبَا خَالِدٍ! كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَكَ. أَوْ قَالَ: طَعَامَنَا؟

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا رَأَيْتُ أَطْيَبَ مِنْهُ وَلَا أَنْظَفَ قَطُّ، وَلَكِنِّي ذَكَرْتُ الْآيَةَ الَّتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ تعالى ﴿لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا، إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اعْمَلْ طَعَامًا وَتَنَوَّقْ فِيهِ وَادْعُ عَلَيْهِ أَصْحَابَكَ.

۵ - خالد کابلی گوید: روزی خدمت امام باقر عليه السلام شرفیاب شدم، حضرتش سفره غذایی آورد که هرگز پاکیزه‌تر و خوشمزه‌تر از آن نخورده بودم. وقتی دست از غذا کشیدم فرمود: ای ابا خالد! چگونه غذایی بود؟ عرض کردم: قربانت گردم! من هرگز تاکنون غذایی به این پاکیزگی و خوشمزه‌گی ندیده بودم. ولی به یاد آیه‌ای از قرآن افتادم که می‌فرماید: «در آن روز از نعمت‌ها بازخواست خواهید شد».

فرمود: نه، در آن روز فقط از حقی که دارید بازخواست خواهید شد.

۶ - شهاب بن عبد ربه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غذای متنوعی تهیه کن و یارانت را بر آن فراخوان.